

پاسخنامه‌ی تشریحی

درس اول ادبیات پیش‌دانشگاهی

- ۱- گزینه‌ی (۴) «سخن عشق را ناعاشقان درک نمی‌کنند.» ← مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۴) است. (معادل: محرم این هوش جز بیهوش نیست)
- ۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم سایر ابیات ← ما برای عالم بالا و ارزشمند هستیم نباید در این دنیای پست مأوا بگیریم (معادل انا لله و انا الیه راجعون و مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک / چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم)
- ۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲) ← فقط عاشق، عشق را می‌فهمد و از آن خبر دارد نه کس دیگر!
- ۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سؤال و جواب ← عشق، کشته شدن در پی دارد. * مفهوم گزینه‌ی ۳ برعکس سؤال است و می‌گوید بدون عشق سر از بدن جدا خواهم کرد!
- ۵- گزینه‌ی (۱) «دل قطره‌ای از شبنم دریاست و به دریا هم می‌رود.» این مفهوم همانند صورت سؤال یادآور انا لله و انا الیه راجعون است. یعنی هرچیز و کسی به اصل خود بازمی‌گردد.
- ۶- گزینه‌ی (۴) کشش به سمت معشوق، آتش و غوغا و صدا ایجاد می‌کند!
- ۷- گزینه‌ی (۴) «ناله‌ی عشق در درون همه‌ی موجودات هست» مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت (۴) است.
- ۸- گزینه‌ی (۲) معنی مشترک سایر ابیات ← هر کسی توان درک عشق را ندارد! مفهوم بیت گزینه‌ی (۲) ← اگر سختی نکشی و تلاش نکنی، به چیزی دست نمی‌یابی.
- ۹- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک ابیات ۱، ۲ و ۴ ← هر کسی سخن عشق را نمی‌فهمد و فقط عاشق دل سوخته عشق را درک می‌کند.
- ۱۰- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← جایگاه ما عالم بالاست و باید به آن‌جا برگردیم (انا لله و انا الیه راجعون)
- ۱۱- گزینه‌ی (۴) سایر گزینه‌ها و صورت سؤال به این موضوع اشاره دارند که هر چیزی به اصل خود باز می‌گردد، که این مفهوم در گزینه‌ی (۴) دیده نمی‌شود!
- ۱۲- گزینه‌ی (۴) در این گزینه و صورت سؤال، به این مطلب اشاره شده است که شوق عاشق به معشوق (خدا) است که عاشق را به مراتب بالا می‌رساند.
- ۱۳- گزینه‌ی (۲) در این بیت و صورت سؤال، به این مطلب اشاره شده که هر چیزی به اصل خود برمی‌گردد (جزءها، روی به سوی کل دارند) که این مفهوم در سایر گزینه‌ها دیده نمی‌شود.
- ۱۴- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و گزینه‌های دیگر، به این موضوع اشاره دارند که انسانی که سختی راه عشق را نچشیده، از حال عاشق و دل سوخته‌ی او بی‌خبر است، ولی گزینه‌ی (۳) بیان می‌دارد که اگر کسی عاشق نشود، در آتش جهنم می‌سوزد.
- ۱۵- گزینه‌ی (۲) صورت سؤال و گزینه‌های دیگر، به این موضوع اشاره دارند که هر چیزی به اصل خود بازمی‌گردد، در حالی که این مفهوم، مفهوم مقابل بیت گزینه‌ی (۲) است. (مادر به دنبال فرزند است یعنی اصل به دنبال فرع است!)
- ۱۶- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال و سایر گزینه‌ها اشاره به این موضوع دارند که انسان بی‌خبر از درد عشق، از حال عاشق بی‌خبر است، ولی گزینه‌ی (۴) می‌گوید، با دیدن روی تو، اگر کسی عاشق نشود، عجیب است.
- ۱۷- گزینه‌ی (۴) بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها اشاره به این دارند که شاعر به دنبال شخصی می‌گردد که درد عشق را کشیده باشد تا با وی هم‌صحبت شود. اما مفهوم گزینه‌ی (۴) این است که کسی که درد ندارد، درد دیگران برایش مهم نیست! البته به نظر می‌رسد تمام این ابیات با صورت سؤال ارتباط دارد و بهتر بود طراح تست را کمی تغییر می‌داد!
- ۱۸- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) هر دو به این مطلب اشاره دارند که گذر عمر و گذشت روزها مهم نیست.
- ۱۹- گزینه‌ی (۳) صورت سؤال و گزینه‌ی (۳)، هر دو این مطلب را بیان می‌کنند که کشش به سوی معبود و عنایت او باعث جوش و خروش و صدا شده است!
- ۲۰- گزینه‌ی (۳) صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) هر دو به این موضوع اشاره دارند که هر چیزی به سوی اصل خود بازمی‌گردد.

- ۲۱- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): پخته / گزینه‌ی (۳): بی‌هوش / گزینه‌ی (۴): ماهی
- ۲۲- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) در این مفهوم مشترک هستند که انسان در سخن خود پنهان است!
- ۲۳- گزینه‌ی (۳) الف حسن تعلیل علت عید کردن مردم در آخر سال را بد گذشتن ایام همان سال می‌داند
- ب) اسلوب معادله ندارد چون حرف «ورنه» بین دو مصراع آمده و نمی‌توان جای دو مصراع را عوض کرد!
- ج) کلمات چین (مصراع اول) شکن و پیچ و تاب، چین (مصراع دوم) چین و چروک پیشانی ← جناس تام «چین در جبین افکندن» ← کنایه از ناراحتی خود را اظهار کردن.
- د) اسلوب معادله دارد ← وقتی آینه بشکند تصویر در آن هزار تکه می‌شود همان‌طوری که قسمت هر کس پریشانی شود از هزاران جا برای او غم می‌رسد.
- ه) کلمات پرده جناس تام دارد. پرده: اصطلاح موسیقی - پرده: حجاب
- ۲۴- گزینه‌ی (۳) فعل «نیست» اگر به معنای «نبودن» یا «وجود نداشتن» باشد، فعل غیر اسنادی است.
- گزینه‌ی (۱): «نیست» اسنادی است چون مستور نبودن را به تن و جان نسبت می‌دهد.
- گزینه‌ی (۲): این آتش، باد نیست، «باد» مسند است.
- گزینه‌ی (۳): برای چشم و گوش آن نور وجود ندارد («نیست» فعل اسنادی نمی‌باشد).
- گزینه‌ی (۴): «دور» مسند است.
- ۲۵- گزینه‌ی (۳) دستور: وزیر، راهنما، اجازه
- ۲۶- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): بیان خواهش‌ها و دعا به درگاه خدا
- گزینه‌ی (۲): برشمردن صفات خدا که آفریننده‌ی پدیده‌هاست
- گزینه‌ی (۳): نیک‌بختی خود را از خدا می‌داند (تحمیدیه نیست)
- گزینه‌ی (۴): بیان عجز و نیاز بنده به درگاه خدا
- ۲۷- گزینه‌ی (۲) الف همه عدم و نیستی‌اند و وجود تو مطلق است و باقی و از بین برنده‌ی هستی ما.
- ب) ما، همگی، شیران روی پرچم هستیم که لحظه به لحظه حمله گونه‌ای از ورزش باد از آن‌ها صورت می‌گیرد.
- ج) از عرش برای تو پیام می‌آید که این دنیای بی‌ارزش جایگاه شایسته‌ی تو نیست.
- د) عاشقان می‌نالند ولی این عشق است که ایجادگر ناله و نوای عاشقان است.
- ه) ما مثل شطرنجیم که برد و مات ما از تو ای خداست.
- گزینه‌های «ب - ه» اصل را عنایت خدا می‌داند که هر چیزی را ایجاد می‌کند.
- ۲۸- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به مفهوم سختی راه عشق اشاره دارند، اما مفهوم گزینه‌ی (۳) برتری عشق را بر عقل مطرح می‌کند.
- ۲۹- گزینه‌ی (۲) تشخیص ← مشتری بودن گوش / پارادوکس ← مصراع اول / اسلوب معادله ← مصراع دوم مصداق و مثالی برای مصراع اول است. / مراعات نظیر ← زبان و گوش / جناس ← هوش و گوش / تمثیل ← مصراع دوم
- ۳۰- گزینه‌ی (۴) تریاق: پادزهر، ضدزهر / دستور: اجازه، راهنما، وزیر / بی‌روزی: بی‌نوا، درویش
- ۳۱- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به مفهوم «انالله و انا الیه راجعون» اشاره دارند.
- ۳۲- گزینه‌ی (۱) مصراع صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) بر این مفهوم مشترک دلالت دارند که هر چه هست از خداوند است و بنده و عاشق از خود کاری پیش نمی‌برد، بلکه خداوند و عشق، اصل هستند. اما گزینه‌ی (۱)، عیش و شوق عاشق را به خاطر معشوق و خداوند می‌داند، نه این که معشوق انجام دهد، بلکه این کارها به وسیله‌ی عاشق انجام می‌گیرد.
- ۳۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم گزینه‌ی (۱): انا لله و انا الیه راجعون (مصراع اول: بازگشت به سوی خدا / مصراع دوم: برتری انسان بر موجودات)
- مفهوم گزینه‌ی (۲): همواره عاشق بودن
- مفهوم گزینه‌ی (۳): فناپذیری موجودات و آدمیان و نیز دیدن نشانه‌های خدا در موجودات
- مفهوم گزینه‌ی (۴): با حواس ظاهری نمی‌شود عشق را درک نمود.
- معنی گزینه‌ی (۴): اسرار من در ناله‌های من نهفته است، اما چشم و گوش و حواس ظاهری نمی‌تواند راز و آن ناله را دریابد، تنها با چشم بصیرت می‌توان آن را درک نمود.

۳۴- **گزینۀ ۲)** گزینۀ ۱) ← بر بی‌توجهی به گذر عمر تأکید دارد.
 گزینۀ ۳) ← بر سختی راه عشق و جور معشوق تأکید دارد.
 گزینۀ ۴) ← همه چیز از معشوق است.
 نکات و آرایه‌های گزینۀ ۲):
 ماهی: استعاره از عاشق/ آب: استعاره از عشق/ بی‌روزی: بی‌بهره از عشق/ سیر، دیر: جناس/ روزش دیر شد: کنایه از ملول و خسته شد./ ماهی، آب: مراعات نظیر
 معنی: تنها ماهی دریای حق (عاشق) است که از غوطه‌خوردن در آب عشق و معرفت سیر نمی‌شود؛ هر کسی از عشق بی‌بهره باشد، ملول و خسته می‌شود.
 ۳۵- **گزینۀ ۲)** بقیه‌ی ابیات به سیری شدن زمان با سوز و گداز اشاره دارند.
 ۳۶- **گزینۀ ۲)** اینکه معشوق هم ما را کشته است و هم دم عیسی دارد (زنده‌کننده است) با مفهوم مصراع اول صورت سؤال (نی هم زهر است، هم پادزهر) کاملاً متناسب و هماهنگ است.
 ۳۷- **گزینۀ ۲)** گزینۀ ۱) ← آتش است این بانگ نای/ نیست باد/ هر که این آتش ندارد/ نیست باد (۴ جمله)
 گزینۀ ۲) ← روزها گر رفت/ گو/ رو/ باک نیست/ تو بمان/ ای آن که/ چون تو پاک نیست (۷ جمله)
 گزینۀ ۳) ← ما ز دریایم/ دریا می‌رویم/ ما ز بالایم/ بالا می‌رویم (۴ جمله)
 گزینۀ ۴) ← آتش عشق است/ کاندلر نی فتاد/ جوشش عشق است/ کاندلر می فتاد (۴ جمله)
 ۳۸- **گزینۀ ۳)** گزینۀ ۱) ← هر/ که/ جز/ ماهی/ ز/ آب/ ش/ سیر/ شد/ (۱۰ تک‌واژ)
 گزینۀ ۲) ← سر/ ـ/ من/ از/ نال/ هـ/ ی/ من/ دور/ نـ/ است/ (۱۲ تک‌واژ)
 گزینۀ ۳) ← روز/ ها/ گر/ رفت/ گو/ رو/ باک/ نـ/ است/ (۱۳ تک‌واژ)
 گزینۀ ۴) ← محرم/ ـ/ این/ هوش/ جز/ بی/ هوش/ نـ/ است/ (۱۰ تک‌واژ)
 ۳۹- **گزینۀ ۳)** در بیت سؤال و گزینۀ‌های ۱)، ۲) و ۴): «حریف» به معنی همدم آمده است، اما در گزینۀ ۳)، به معنی هم‌اورد و رقیب به کار رفته است.
 ۴۰- **گزینۀ ۴)** مفهوم گزینۀ ۴): شرح غم عشق امکان‌ناپذیر است.
 ۴۱- **گزینۀ ۱)** مفهوم بیت گزینۀ ۱): کسی رازدار عاشق نیست. کسی را امانت‌دار راز عشق ندیدم، محرم راز عشق فقط فراموشی است.
 مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینۀ‌ها: فقط عاشق راز عشق را درک می‌کند.
 ۴۲- **گزینۀ ۲)** مفهوم گزینۀ ۲): عشق، طبیب دردها است/ نکوهش عاری بودن از درد عشق
 مفهوم مشترک سایر گزینۀ‌ها: فقط عاشق، حال عاشق را می‌فهمد/ بی‌خبران و ظاهرینان از اسرار آگاه نیستند.
 ۴۳- **گزینۀ ۳)** مولانا کسی را محرم راز عشق می‌داند که عاشق دل‌سوخته‌ی هجران باشد. ابیات گزینۀ‌های ۱)، ۲) و ۴) چنین موضوعی را بیان می‌کند. در گزینۀ ۱) عبارت «کس چه داند» (هیچ کسی نمی‌داند)، در گزینۀ ۲) غم روزگار را تو درک نمی‌کنی ... و در گزینۀ ۴) به جز مست نداند ... چنین مفهومی دارد، اما در گزینۀ ۳) (اشک روان را از رخ زرد خود پاک می‌کنم تا کسی به راز درونم پی نبرد، مفهومش «رازداری عشق» است.
 ۴۴- **گزینۀ ۱)** در بیت اول، شاعر از گذشت ایام راضی است و عشق و معشوق را بر همه چیز ترجیح می‌دهد:
 که باشم من که مانم یا نمانم تو را خواهم که در عالم بمانی
 القضا در این میانه مقصود تویی جای گله نیست چون تو هستی همه هست
 ۴۵- **گزینۀ ۳)** فقط ماهی دریای حق یعنی عاشق است که از غوطه‌خوردن در آب عشق و معرفت سیر نمی‌شود و هر کس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه و بیهوده می‌شود.
 در گزینۀ ۱) وابستگی ماهی به آب، در گزینۀ ۲) وابستگی عاشق و معشوق و در گزینۀ ۴) نیاز ماهی به آب (وابستگی) ذکر می‌شود که همین مفهوم را در بر دارد، اما در گزینۀ ۳) بیان می‌شود که «لب ماهی به جای جان اوست».
 ۴۶- **گزینۀ ۱)** ابیات همه‌ی گزینۀ‌ها به استثنای گزینۀ ۱) بر سیری‌ناپذیری عاشق از عشق تأکید دارد، اما بیت گزینۀ ۱) می‌گوید: غرق شده در عشق بر گرد هر چیز کوچکی از عشق می‌گردد و به آن اهمیت می‌دهد. همان‌طور که برای ماهی هر موج کوچکی به سان محرابی در دریاست.

۴۷- **گزینۀ ۱)** در صورت سؤال همه‌ی مردم با نغمه و ناله‌ی نی همراه می‌شوند و شاعر در گزینۀ ۱) نیز معتقد است، هر کس ناله‌ی مرا بشنود از بی‌غمی بیرون می‌آید و با درد من همراهی می‌کند.
 ۴۸- **گزینۀ ۴)** مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ ۴) این است که عاشق از غوطه‌خوردن در آب عشق و معرفت، سیر نمی‌شود.
 تشریح گزینۀ‌های دیگر:
 گزینۀ ۱): سیری‌ناپذیری انسان‌های حریص
 گزینۀ ۲): سیری‌ناپذیری انسان‌های سخت‌دل و ستمگر از خونریز
 گزینۀ ۳): ستایش سکوت و خاموشی
 ۴۹- **گزینۀ ۲)** در بیت صورت سؤال شاعر در جست‌وجوی شنونده‌ای درد کشیده است تا شرح غم عاشق را درک کند و این مفهوم در گزینۀ ۲)، بدین شکل آمده است که کسی که غمی چون غم من ندارد، نمی‌داند که من شب‌ها را چگونه در انتظار می‌گذرانم.
 تشریح گزینۀ‌های دیگر:
 گزینۀ ۱): از عشق تو و در دوری از تو صبر و قرار ندارم.
 گزینۀ ۳): اگر رنج دوری تو را بنویسم، خواننده‌ها به فریاد می‌آیند.
 گزینۀ ۴): شرح غم دوری تو را فقط باید به خودت بگویم.
 ۵۰- **گزینۀ ۴)** تنها ماهی دریای حق (عاشق) است که از غوطه‌خوردن در آب عشق و معرفت سیر نمی‌شود. هر کس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه و بیهوده می‌شود.
 ۵۱- **گزینۀ ۲)** در صورت سؤال شاعر معتقد است که آن که راه عشق نرسد به حال عارف واصل بی‌خبر است و در گزینۀ ۲) نیز می‌گوید کسی که کم‌ترین رنجی در راه عشق نکشیده، حال مردانی را که در راه عشق محبوب، بلای بسیار کشیده‌اند، نمی‌داند.
 تشریح گزینۀ‌های دیگر:
 گزینۀ ۱) ← دلم نتوانست با تلاش به آرزویش برسد، همان‌طور که میوه‌ها در آغوش میوه‌چین نمی‌رسند.
 گزینۀ ۳) ← همیشه خورشید تابان باعث رسیدن میوه‌های خام می‌شود، ولی خلاف انتظار چهره‌ی نورانی و گرم محبوب، آرزوهای مرا به ثمر نرساند و خام رها کرد.
 گزینۀ ۴) ← هر که در عاشقی تمام باشد، اگرچه خام باشد، او را پخته و کامل بدان.
 ۵۲- **گزینۀ ۳)** شاعر در صورت سؤال، خطاب به محبوب می‌گوید که از رفتن و گذشتن روزهای عمر باکی نیست، تو که همانندی در پاکی نداری بمان. (وصال و پایداری یار، ارزشمندتر از گذر عمر و تمام‌شدن آن است).
 تشریح گزینۀ‌های دیگر:
 گزینۀ ۱) ← اگر در راه وفاداری بمیرم مهم نیست، الهی غم تو همیشه بماند و باشد.
 گزینۀ ۲) ← از کشته‌شدن در راه معشوق باکی نیست.
 گزینۀ ۴) ← وصال یار را مغتنم بشمار.
 ۵۳- **گزینۀ ۱)** مفهوم بیت گزینۀ ۱) ← اگرچه تعلق روح به جسم امری مسلم است اما میان حقیقت آن دو فاصله بسیار است، همان‌گونه که گوش و گوشوار به هم نزدیک‌اند اما حقیقت آن‌ها دو چیز دور از یکدیگر است. مفهوم نزدیکی روح و جسم و در عین حال دوری آن‌ها از یکدیگر در صورت سؤال نیز مطرح شده است.
 تشریح گزینۀ‌های دیگر:
 گزینۀ ۲) ← جسم تو مانند گرگی است که روح خردمند چون میش را تهدید می‌کند.
 گزینۀ ۳) ← اگرچه در راه معشوق، جسم و جان حجاب است، اما جان خواجو جز حریص حضرت دوست نیست.
 گزینۀ ۴) ← ای انسان، روح خود را برای پرورش جسم نابود کردی.
 ۵۴- **گزینۀ ۲)** بیت صورت سؤال و گزینۀ‌های ۱)، ۳) و ۴) به «بخشش با توجه به ساختار وجودی و ارزش ذاتی پدیده‌ها و عمل کردن هر کس برحسب ساختار وجودی» اشاره می‌کنند.
 ۵۵- **گزینۀ ۲)** «بازگشت به اصل» مضمون مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ‌های ۱)، ۳) و ۴) است.
 در گزینۀ ۲)، برای رسیدن به معبود باید ترک جان کرد.

۵۶- گزینۀ (۱) بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط بیانگر این مفهوم اند که حقیقت عشق را هر کسی درک نمی کند. تنها عاشقان یا اهل دل می توانند محرم اسرار عشق باشند. اما در گزینۀ (۱) بر این نکته تأکید شده که عشق و اشتیاق غیرقابل شرح و بیان است.

۵۷- گزینۀ (۲) شاعر در صورت سؤال و بیت گزینۀ (۲)، معتقد است که تنها کسانی راز عشق را می یابند که اهل سوز و گداز باشند و رنج عشق را چشیده باشند.

۵۸- گزینۀ (۳) شاعر در صورت سؤال می گوید «هر کسی نمی تواند غرض و مقصود گوینده را درک کند.» (الف) «خفته خبر ندارد.» (ج) «بر مردم کوتاه بین شعر خود مخوان.» (ه) «تن درستان درد افراد زخمی را نمی فهمند.»

تشریح گزینه های دیگر

بیت (ب) «همه به خاطر لب شیرین تو در شور و هیجان هستند.»

بیت (د) «ماهی بدون دریا شاد نمی شود.»

۵۹- گزینۀ (۳) در هر دو مورد به تأثیر عشق خداوندی اشاره شده است.

۶۰- گزینۀ (۴) جناس «نی و می» / «آتش عشق» تشبیه دارد. / «جوشش عشق» استعاره دارد.

۶۱- گزینۀ (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه های (۱)، (۲) و (۴) به ناگاه بودن بی خبران از عشق، از حال عارفان واصل اشاره دارد. در بیت گزینۀ (۳)، به هماهنگی و آمیخته شدن باخبران و بی خبران تأکید شده است.

۶۲- گزینۀ (۲) «سود و زیان» و «غمگین و شاد» تضاد دارند.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینۀ (۱) «زهر و تریاق بودن نی» پارادوکس (متناقض نما)

گزینۀ (۳) «انجام در نقطه ی آغاز است» پارادوکس (متناقض نما)

گزینۀ (۴) «صدا داشتن خاموشی» پارادوکس (متناقض نما)

۶۳- گزینۀ (۲) «آتش» در مصراع دوم، استعاره از «عشق» است. / واج آرای صامت «ن» در بیت وجود دارد. / تشبیه «این بانگ نای آتش است.» «این بانگ نای» مشبّه و «آتش» مشبّه به است. / «نیست باد» در مصراع اول به معنای «باد نمی باشد» و در مصراع دوم به معنای «نابود شود» جناس تام دارند. / میان کلمه های «آتش و باد» مراعات نظیر وجود دارد.

۶۴- گزینۀ (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و بیت های (الف) - (ج) - (ه) فقط عاشق شوریده و رنج کشیده از عشق باخبر است و حقیقت عشق را هر کسی درک نمی کند.

۶۵- گزینۀ (۱) مولانا در بیت صورت سؤال می گوید: شرح درد اشتیاق را کسی درک می کند که سینه اش از فراق و جدایی پاره پاره شده باشد و داستان عاشقی را کسی می تواند بشنود که عاشق باشد. این مفهوم در ابیات گزینۀ (۲)، (۳) و (۴) نیز آمده است.

۶۶- گزینۀ (۳) گرچه آغاز مثنوی مولانا (نی نامه) با دیگر آثار نثر و نظم فارسی تفاوت دارد، اما روح نیایش و توجه به حق، در تار و پود آن نهفته است.

۶۷- گزینۀ (۳) (الف) اسلوب معادله / ب) زهر و تریاق بودن نی: متناقض نما / ج) «نیست باد» در مصراع اول به معنای «هوا نیست» و در مصراع دوم به معنای «نابود شود» جناس تام دارند. / د) «سینه» مجاز از «وجود آدمی»

نکته: واژه ی «دمساز» در بیت (ب) نیز دارای ایهام است: ۱) سازی که به دم می نوازد ۲) هدم

۶۸- گزینۀ (۲) در مصراع صورت سؤال و گزینۀ (۲)، فاعل اصلی، خداست.

۶۹- گزینۀ (۲) بیت اول گزینۀ (۲)، می گوید: عشق موجب حرکت و تعالی می شود (تأثیر عشق)، اما بیت دوم می گوید: ارزش سوز عشق تو را افراد خام درک نمی کنند، مرا با عشق خود بسوزان که تا به حال صدها بار سوخته ام. (عاشق شدن)

تشریح گزینه های دیگر:

گزینۀ (۱) «هر دو بیت می گویند: اسرار من در سخنان من نهفته است.»

گزینۀ (۳) «هر دو بیت می گویند: هر کسی به اصل خود بازمی گردد.»

گزینۀ (۴) «هر دو بیت می گویند: هجران موجب سوز و گداز عاشق است.»

۷۰- گزینۀ (۴) تشبیه «آتش عشق (عشق مانند آتش است.) / استعاره «نی» استعاره از «مولانا و انسان آگاه»، «جوشش عشق» (اضافه ی استعاری) / جناس «نی و می» جناس ناقص هستند.

۷۱- گزینۀ (۴) ابیات مطرح شده در صورت سؤال و گزینۀ (۴) هر دو به غم و اندوه عاشق به خاطر دوری از معشوق اشاره می کنند.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینۀ (۱) «در بیت مطرح شده، در گزینۀ (۱) مفهوم مقابل بیت مطرح شده در صورت سؤال دیده می شود.»

گزینۀ (۲) «شاعر بیان می کند که همه ی افعال ما وابسته به پروردگار است و اگر صدایی از نای خارج می شود، از عنایت پروردگار است.»

گزینۀ (۳) «آه و فغان که در راه رسیدن به مقصود از غم و اندوه تباه شدم، اما به مطلوب خود نرسیدم.»

۷۲- گزینۀ (۴) در صورت سؤال آمده است که برای انسان عاشق مرگی نیست، در حقیقت زندگی واقعی کسی است که عاشق باشد. این مفهوم در گزینه های (۱)، (۲) و (۳) نیز هر یک به نوعی دیده می شود، اما در گزینۀ (۴) فقط عاشق بودن انسان و عشق ازلی او بیان شده است. در گزینۀ (۱)، «آتش» استعاره از عشق است.

۷۳- گزینۀ (۲) صورت سؤال می گوید که همه ی امور و کارهای او به اراده ی حق است. در گزینۀ (۲) نیز شاعر خود را هم چون آلت موسیقی می داند که به اراده ی نوازنده (حق) نواخته می شود.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینۀ (۱) «ناله، رازهای مرا آشکار کرد.» / گزینۀ (۳) «در هر حال و کار، تو مقصود و منظور منی.» / گزینۀ (۴) «سوز سازها، از گداز و ناله ی من است.»

۷۴- گزینۀ (۴) این که انسان خام (غیرعاشق) حال انسان پخته (کامل در عشق) را در نمی یابد، در گزینه های (۱)، (۲) و (۳) مطرح شده است، ولی در گزینۀ (۴) صائب، سخنان خود را سنجیده می داند و این که درخت بهشتی میوه ی خام ندارد. (مصراع دوم تمثیلی برای ادعای شاعر در مصراع اول است.) اسلوب معادله

۷۵- گزینۀ (۳) مصراع متن سؤال به این موضوع اشاره دارد که برای درک حقیقت عشق، عاشق باید بی هوش و بی خود از خویشتن باشد. مفهوم مقابل و متضاد آن، هوشیاری است که در گزینۀ (۳) آمده است: «هوش بهتر از بی هوشی بیان شده و عاشق هوشیار است.»

۷۶- گزینۀ (۳) کبریا: بزرگی، عظمت

۷۷- گزینۀ (۳) مفهوم صورت سؤال و سایر گزینه ها «سختی راه عشق

۷۸- گزینۀ (۳) مفهوم صورت سؤال و سایر گزینه ها «هر کسی راز عشق را نمی فهمد.»

۷۹- گزینۀ (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه های (۱)، (۲) و (۴) فقط عاشق، حقیقت عشق را درک می کند و محرم اسرار عشق می گردد، اما در گزینۀ (۳)، شاعر معتقد است تنها کسی که شایسته ی عشق و ورزیدن است، دوست است.

۸۰- گزینۀ (۲) در صورت سؤال «پرده ی اول»، پرده ی موسیقی و «پرده ی دوم»، به معنای حجاب و پرده آمده است، اما در گزینۀ (۲) هر دو (پرده) به معنی (پرده ی موسیقی) آمده است.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینۀ (۱) «پرده» در مصراع اول به معنای (نغمه و موسیقی) (پرده ی عشاق، نام یکی از پرده های موسیقی است.) و «پرده» در مصراع دوم به معنای «حجاب و پوشش» گزینۀ (۳) «پرده» در مصراع اول به معنای «نغمه و موسیقی» و «پرده» در مصراع دوم به معنای «پوشش و حجاب»

گزینۀ (۴) «پرده» در مصراع اول به معنای «پوشش و حجاب» و «پرده ی اول در مصراع دوم به معنای «پرده ی موسیقی»

۸۱- گزینۀ (۱) «ماهی» استعاره از عاشق / «آب» استعاره از عشق و معرفت / «روز دیر شدن» کنایه از «ملول و خسته شدن» / «ماهی و آب» مراعات نظیر دارند. / «سیر و دیر» جناس ناقص دارند.

۸۲- گزینۀ (۳) در گزینه های (۱)، (۲) و (۴) شاعر خواستار هدم محرمی است تا احوال خود را برای او شرح دهد، ولی در گزینۀ (۳)، شاعر می گوید: لاله (درمقابل تو) سینه ی خود را چاک زد (شکوفه شد) و داغ خود (سیاهی در دل) را نشان داد.

- ۸۳- گزینیه‌ی (۳) شروط آرایه‌ی اسلوب معادله: (۱) مفهوم دو مصراع با هم برابر باشد. (۲) بتوان جای دو مصراع را عوض کرد (۳) یک مصراع ادعای شاعر (مدعا) و مصراع دیگر تمثیل برای اثبات آن ادعاست (مَثَل) و می‌توان بین دو مصراع واژه‌ی «همان‌طور که» را قرار داد.
- گزینیه‌ی (۱) ← دو مصراع از لحاظ معنی و مفهوم به هم وابسته‌اند. معنی بیت: «روزگار فرومایه حتی گریه‌های مرا به حساب لقمه‌ی روزی برای من گذاشت.»
- تشریح گزینیه‌های دیگر:
- گزینیه‌ی (۲) ← هر جا که تاریکی باشد، آب حیات وجود ندارد (مدعا) همان‌طور که از دود، باران نمی‌بارد. (مَثَل)
- گزینیه‌ی (۳) ← افراد کامل از عیوب خود بیش‌تر از هنرهای خود بهره‌مند می‌شوند (مدعا) همان‌طور که طاووس با دیدن پاهای زشت خویش فروتنی می‌کند، در حالی که بال زیبایش سود چندان برای او ندارد. (مَثَل)
- گزینیه‌ی (۴) ← تنها عاشق، محرم عشق است (مدعا) همان‌طور که گوش برای ادراک سخنان زبان، ابزاری مناسب است. (مَثَل)
- ۸۵- گزینیه‌ی (۴) «آتش است این بانگ» تشبیه دارد. «نیست باد» و «نیست باد» جناس تام دارند: «نیست باد» در مصراع اول به معنای «باد نمی‌باشد» و «نیست باد» در مصراع دوم به معنای «نابود شود» می‌باشد. «آتش» مصراع دوم استعاره از عشق.
- ۸۶- گزینیه‌ی (۳) در گزینیه‌ی (۳)، فقط به هجران و جدایی اشاره شده و برخلاف بیت صورت سؤال و گزینیه‌های دیگر به بازگشت‌پذیر بودن هر چیز به اصل خویش اشاره نشده است.
- ۸۷- گزینیه‌ی (۱) گزینیه‌های (۲)، (۳) و (۴) به این نکته اشاره می‌کند که حقیقت عشق را هر کسی درک نمی‌کند. تنها عاشق از عشق خبر دارد.
- گزینیه‌ی (۱) ← بهره‌مندی همه‌ی موجودات از عشق
- ۸۸- گزینیه‌ی (۳) مولانا عشق را در همه‌ی موجودات جاری و ساری می‌داند. به عبارتی دیگر همه‌ی دل‌ها عاشق‌اند و عشق در آن‌ها وجود دارد و زخم هر وجودی از داغ عشق است.
- ۸۹- گزینیه‌ی (۳) «راه پرخون» راهی است که عاشق در آن را فنا می‌کند و این توصیف با گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴) ارتباط دارد و گزینیه‌ی (۳) بر ضرورت داشتن پیر و راهنما در مسیر عشق تأکید می‌کند.
- ۹۰- گزینیه‌ی (۲) مفهوم مشترک: هر کس در حد فهم خود، حقیقت حال مراد دریافت. مفهوم گزینیه (۱) و (۴): پنهان بودن شوق و عشق در سخن مفهوم گزینیه (۳): بازگشت به سوی معشوق!
- ۹۱- گزینیه‌ی (۳) در عبارت «ایجادگر عشق در عاشق را حضرت حق (خدا) می‌داند» گزینیه‌ی (۱): معتقد است باید به سوی اثری از عشق و حقیقت رسیده از غیب رفت. گزینیه‌ی (۲): می‌گوید کسی که عاشق باشد و درک داشته باشد، شب بیداری داد و انتظار می‌کشد.
- گزینیه‌ی (۴): معتقد است راز عشق مرا آشکار کردند و می‌گویند.
- ۹۲- گزینیه‌ی (۳) ایهام تناسب ندارد. تشخیص: مشتری بودن گوش / مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است و این یعنی اسلوب معادله / هوش و گوش جناس دارند / این که کجا بی‌هوش محرم هوش است و آن را می‌فهمد پارادوکس است / هوش استعاره از عشق و بی‌هوش استعاره از عاشق است / گوش و زبان تناسب هستند / زبان مجازاً گفتار است.
- ۹۳- گزینیه‌ی (۴) مفهوم بیت سؤال: مولانا ناله‌ی عشق را برای همه سر می‌دهد. مفهوم بیت (۴): به هیچ کس ناله‌ی عشق را نمی‌گوید. (دقت کنید که در صورت سؤال مفهوم بیت مقابل خواسته شده است)
- ۹۴- گزینیه‌ی (۱) مفهوم سایر ابیات بی‌خبری غیر عاشقان از احوال عاشقان گرفتار است در حالی که بیت اول می‌گوید «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ ضمیر»
- ۹۵- گزینیه‌ی (۴) در بیت (۴)، «نیست باد» در دو مصراع معانی متفاوت دارند و جناس تام ایجاد کرده‌اند. پس این بیت ردیف ندارد!

- ۹۶- گزینیه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت ۴ ← هر کسی محرم اسرار نیست.
- ۹۷- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینیه‌ها: انا الله و انا الیه راجعون (هر چیزی به اصل خود باز می‌گردد)
- ۹۸- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات چنین است: فقط عاشق، حرف عشق را می‌فهمد!
- ۹۹- گزینیه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینیه‌ها ← هر کسی توان درک عشق را ندارد و فقط بر اساس گمان خود مطلبی می‌گوید و فقط عاشق حقیقی است که عشق را می‌فهمد!
- ۱۰۰- گزینیه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال شاعر از گذشتن عمر در راه عشق اندوهگین نیست ولی در گزینیه‌ی (۳) شاعر بر گذشت عمر افسوس می‌خورد.
- ۱۰۱- گزینیه‌ی (۲) در گزینیه‌های (۱)، (۳) و (۴) شرط تفاهم را سنخیت و هم‌سویی می‌داند در حالی که گزینیه‌ی (۲) می‌گوید هر کس از عشق بی‌بهره باشد گرفتار آتش جهنم می‌شود.
- درس دوم ادبیات پیش‌دانشگاهی**
- ۱۰۲- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و گزینیه‌ی (۳) ← زیبایی معشوق عشق را در وجود ما ایجاد کرده است.
- معنی بیت سؤال ← زیبایی تو در روز ازل به من نگاه کرد و خود را به من نشان داد و مرا عاشق کرد.
- مفهوم بیت (۳) ← وقتی صورت زیبایی جلوه‌گر شد، عشق دل مست خراب من را خراب کرد و عاشق شدم!
- ۱۰۳- گزینیه‌ی (۱) سایر گزینیه‌ها و صورت سؤال به زیبایی و جلوه‌گری معشوق و غوغایی که حُسن او ایجاد کرده اشاره دارد.
- ۱۰۴- گزینیه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینیه‌ی دیگر این است که خدا اگر بخواهد، عزّت و اگر بخواهد ذلّت می‌دهد.
- ۱۰۵- گزینیه‌ی (۲) گزینیه‌ی (۲) به بخشنده بودن خدا اشاره دارد، ولی سایر گزینیه‌ها به قدرت خدا در خوش‌بختی و بدبختی انسان‌ها اشاره دارند.
- * معنی آیه: خدا هر که را بخواهد عزیز می‌کند و هر که را بخواهد ذلیل!
- ۱۰۶- گزینیه‌ی (۲) بیغوله: کنج، ویرانه، بیراهه/ ملاهی: آلات لهو/ کتم: پنهان داشتن/ تیه: بیابان، بیابان بی‌آب و علف/ انحطاط: پست شدن، زوال، نابودی
- * لغات «تیه و انحطاط» از کتاب درسی حذف شده‌اند!
- ۱۰۷- گزینیه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال که بیان می‌کند خدا هر کس را که بخواهد خوار می‌کند و هر کس را که بخواهد عزیز می‌دارد، فقط در گزینیه‌ی (۱) آمده است!
- ۱۰۸- گزینیه‌ی (۳) در هر دو گزینیه، بخشنده بودن خدا مورد توجه قرار گرفته است! (فضل = جود)
- ۱۰۹- گزینیه‌ی (۲) مگزارد ← مگذارید/ مضایغت ← مضایقت (دریغ، خودداری)
- ۱۱۰- گزینیه‌ی (۱) بیغوله ← بیغوله (کنج، ویرانه)
- ۱۱۱- گزینیه‌ی (۴) مناعت ← مناعت (بلندنظری)
- ۱۱۲- گزینیه‌ی (۳) ظلال ← ضلال (گمراهی)
- ۱۱۳- گزینیه‌ی (۴) ملکا! / ذکر تو گویم/ تو پاکی/ (تو) خدایی/ نروم جز به همان ره/ توأم راهنمایی
- ۱۱۴- گزینیه‌ی (۱) فراق: جدایی - فراغ: آسایش/ ثنا: ستایش - سنا: روشنی/ حمیت: مردانگی، تعصّب/ ضلال: گمراهی - ظلال: سایه‌بان، سایه‌ها/ مکارم: جمع مکرمات، بزرگی‌ها، ارزش‌ها
- ۱۱۵- گزینیه‌ی (۱) گزینیه‌ی (۱) ← هر دو ترکیب اضافی استعاری است.
- گزینیه‌ی (۲) ← هر دو ترکیب اضافی تشبیهی است.
- گزینیه‌ی (۳) ← هر دو ترکیب اضافی تشبیهی است. (ظلمات: جهل: تشبیه جهل به ظلمات و تاریکی‌ها)
- گزینیه‌ی (۴) ← هر دو ترکیب اضافی تشبیهی است.

۱۱۶- گزینه‌ی (۲) چند نکته از ابیات سؤال:

هر دو بیت ترصیع دارد.

بیت نخست: ۸ جمله دارد. / مراعات نظیر

بیت دوم: ۴ جمله دارد.

هر دو بیت واج‌آرایی (ی) دارد.

عیب، غیب: جناس/ بیش، کم: تضاد/ بکاهی، فزایی: تضاد

بیت دوم تلمیح به حدیث: «تُعْزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُذَلُّ تَشَاءٍ» است.

معنی بیت اول: تو بسیار عزیز و جلیلی، تو علم و یقین مطلق هستی. تو نور و روشنایی و شادایی هستی. وجود تو یک‌پارچه بخشش است.

معنی بیت دوم: خداوند! تو از همه‌ی امور پنهان مطلع هستی و همه‌ی عیب‌ها را می‌پوشانی، تو زیاده‌ها را کم می‌کنی و کمی‌ها را می‌افزایی.

۱۱۷- گزینه‌ی (۱) «سنگ بر شیشه‌ی ملاهی بار» کنایه از این است که از ملاهی و گناهان دست بکش و با آن‌ها مبارزه کن.

۱۱۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم گزینه‌های دیگر به کمال بخشی عشق و بزرگی عاشق اشاره می‌کند اما مفهوم گزینه‌ی (۴)، ازلی بودن عشق را نشان می‌دهد.

۱۱۹- گزینه‌ی (۲) «که» در مصراع اول حرف ربط تعلیلی است.

«ره» متمم است. «راه» مفعول است.

۱۲۰- گزینه‌ی (۴) حمیت- ملاهی- مناهی- انحطاط صحیح است.

۱۲۱- گزینه‌ی (۲) «م» در «زارم» مفعول است.

۱۲۲- گزینه‌ی (۱) در بیت (۱)، شاعر مدعی است که هدایت برای غافلان به‌جز آزار و اذیت فایده‌ی دیگری ندارد؛ اما مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← طلب هدایت

۱۲۳- گزینه‌ی (۱) مفهوم عبارت سؤال: «دوری از گناه و کوچک شمردن آن» در گزینه‌ی (۱) نیز توصیه به «کوچک شمردن گناه» شده است.

۱۲۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲) بی‌شباهت و بی‌مانند بودن محبوب (خداوند) است.

۱۲۵- گزینه‌ی (۴)

(۱) ← «فترت» غلط است و درست آن «فطرت» است.

(۲) ← «می‌گزارد» در این‌جا غلط است و درست آن «می‌گذارد» است.

(۳) ← «نیاندازد» درست نیست و درست آن «نیندازد» است (غلط رسم‌الخطی)

(۴) ← «مضایقت» غلط است و درست آن «مضایقت» است.

(۵) ← «فرومایه‌گان» غلط است و شکل درست آن «فرومایگان» است.

۱۲۶- گزینه‌ی (۳) واژه‌ی «دستور» در فهرست واژگان پایان کتاب به معنی «اجازه، راهنما، وزیر» آمده است. و در این بیت به معنی «توانایی» است. یعنی هیچ چشم‌ظاهرینی توانایی دیدن جنبه‌ی روحانی وجود را ندارد (توانایی دیدن جان به هیچ چشمی داده نشده است).

۱۲۷- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌های دیگر (۱، ۲ و ۴) منظور از «آتش»، «عشق و سوزاندگی آن» است که بار معنایی مثبت دارد. ولی در گزینه‌ی (۳)، آرایه‌ی اسلوب معادله وجود دارد که «آتش برابر با زهد خشک» در نظر گرفته شده است.

۱۲۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و ابیات (الف) و (ج) همگی به عدم توانایی ما در شناخت خدا (معشوق) اشاره دارد.

۱۲۹- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال «ترک زیاده‌خواهی» توصیه شده است. در حالی که در گزینه‌ی (۳) «تملق به دنیا و این که اگر آن را طلب کند همه‌ی دنیا ز می‌شود».

۱۳۰- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳) واژه‌های «عشق» و «آغاز» باعث اشتباه نشوند. در این بیت ناراحتی و اندوه عاشق به واسطه‌ی عشق بیان می‌شود.

«روزی که می‌گرفتند پیمان ز نسل آدم/ عشق در میان ذرات در جست‌وجوی ما بود» (ازلی بودن عشق)

۱۳۱- گزینه‌ی (۱) «در ورای صورت آراسته‌ی ما سیرتی زشت و ناهموار، نهفته باشد.» مفهوم «تظاهر و ریا» را می‌رساند (خدایا! میسند ما اهل تظاهر و ریا باشیم).

۱۳۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم آیه این است که «همه‌ی کم و زیاد شدن‌ها به دست خداوند است (قادر بودن خداوند)» که این مفهوم در بیت دوم آمده است.

۱۳۳- گزینه‌ی (۴) کتاب صحیفه‌ی سجّاده مجموعه‌ای از نیایش‌های امام سجّاد (ع) و حاوی نیایش‌های لطیف و زیبا و لبریز از معارف، آموزش‌های اخلاقی و اجتماعی است. این کتاب تاکنون بارها ترجمه شده است که جواد فاضل نیز آن را با زیبایی و رسایی و به شیوه‌ی آزاد ترجمه شده است.

۱۳۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم این گزینه، تقابل عقل و عشق است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: زیبایی خداوند موجب پیدایش عشق شد. (ازلی بودن عشق)

۱۳۵- گزینه‌ی (۴) در عبارت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) از خداوند هدایت خواسته می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): تا وقتی که از بیغوله گذر می‌کنی، رهزن دزد پشت سر توست.

گزینه‌ی (۲): آفتاب نور خود را بر زمین باقی نمی‌گذارد همان‌طور که عشق دل را هدایت می‌کند.

گزینه‌ی (۳): تسلیم حکم الهی

۱۳۶- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) شاعر، حلم و بردباری را خاموش‌کننده‌ی آتش خشم می‌داند. ولی در گزینه‌ی (۳) خشم و حلم ممدوح را توصیف کرده است.

۱۳۷- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال، امام سجّاد (ع) از خداوند می‌خواهد که او را از هوسناکی دور بدارد زیرا که باعث گمراهی می‌شود. در بیت گزینه‌ی (۲) نیز شاعر معتقد است که اگر کسی به دنبال هوی و هوس برود عاقبت به خیر نمی‌شود. همان‌طوری که تیری که روی هوا می‌پرد به هدف نمی‌رسد.

۱۳۸- گزینه‌ی (۱) در بیت نخست این گزینه، سنایی به امید رهایی از آتش دوزخ، خداوند را ستایش می‌کند، اما در بیت دوم از نظر شاعر، همه‌ی پدیده‌ها به تسبیح خداوند مشغول‌اند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲): خداوند غیرقابل وصف است و فهم انسان از درک ذات حق عاجز است. گزینه‌ی (۳): به عاشق شدن اشاره می‌کند.

گزینه‌ی (۴): به «آگاه بودن به غیب» خداوند اشاره می‌کند.

۱۳۹- گزینه‌ی (۲) بیت گزینه‌ی (۲) می‌گوید: انجام همه‌ی امور به دست خداوند است نه بنده‌ی خدا، اما در ابیات دیگر این مفهوم وجود دارد که مشیت الهی مقرر می‌کند که بنده‌ای به خواری و بنده‌ی دیگر به عزّت برسد.

۱۴۰- گزینه‌ی (۲) در بیت گزینه‌ی (۲)، شاعر به معشوق خود می‌گوید: «تو با این اوصاف و خصایل اگر در باغ بیایی، باغبان تو را سرو چمن تصوّر می‌کند.» تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← صاحبان فهم در توصیف تو ناتوان‌اند.

گزینه‌ی (۳) ← فهم و بلاغت انسان‌ها از توصیف تو عاجز است.

گزینه‌ی (۴) ← حتی در توصیف کم‌ترین صنع تو حیرانیم، ما هرگز نمی‌توانیم تو را وصف کنیم.

۱۴۱- گزینه‌ی (۴) املا‌ی درست کلمات غلط عبارت‌اند از: دنائت - ضلالت - بیغوله - بگذارم.

۱۴۲- گزینه‌ی (۲) در بیت مورد نظر و همچنین گزینه‌ی (۲) به این موضوع اشاره می‌شود که لطف و عنایت خداوندی و عشق الهی، انسان را از جهان نیستی به جهان هستی آورده و جامه‌ی وجود بر تن او می‌پوشاند.

۱۴۳- گزینه‌ی (۲) املا‌ی درست کلمات عبارت‌اند از: مذلت - بگذارم - گذارم

۱۴۴- گزینه‌ی (۲) املا‌ی درست واژه‌ها عبارت‌اند از: مذلت - بگذار - فرومایگان

۱۴۵- گزینه‌ی (۲) «از ادراک خلق جدایی» دقیقاً «تو در فهم نگنجی» هم‌معنی است و مصراع دوم نیز با «ای احدی که در ذات و صفات بی‌همتایی» قرابت معنایی دارد.

۱۴۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم آگاه بودن خداوند از غیب و نهان (همه غیبی تو بدانی = علام‌الغیوب بودن خداوند) مشترکاً در بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط مطرح شده است.

اما بیت گزینه‌ی (۴) اشاره دارد به این که ذات باری تعالی را با دلیل عقلی و اندیشه‌ی انسانی نمی‌توان شناخت بلکه این شناخت اگر ممکن باشد به توفیق و هدایت خداوند میسر می‌گردد.

۱۴۷- گزینۀ (۴) ← چون همگی دارای عیب هستیم، عیب یک‌دیگر را فاش نکنیم (عیب‌پوشی).

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گوینده در عبارت صورت سؤال «ریاکاری و دورویی را سرزنش می‌کند».

گزینۀ (۱) ← گرگی در دل و میشی فریبا (باطن بد و ظاهری زیبا: دورویی) / گزینۀ (۲) ← به‌خاطر خبت باطن خجالت‌زده هستم. (ظاهری خوب و باطنی بد) / گزینۀ (۳) ← جانت را هم‌چون تنت به زیور دانش دین‌بیارای (ظاهر و باطن را یکسان تعالی بخش) زیرا شایسته نیست که شاه در بیرون کاخ دیبا بر تن کند و در اندرونی عریان باشد.

۱۴۸- گزینۀ (۲) تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ (۱) ← جویم، پویم و گویم: جناس / گزینۀ (۳) ← فهم و وهم: جناس / گزینۀ (۴) ← غیب و عیب: جناس

۱۴۹- گزینۀ (۴) در بیت صورت سؤال شاعر می‌گوید که من در جهان نیستی بودم که حس الهی به من لباس هستی پوشاند و همین مضمون در گزینۀ (۴) هم آمده است. ۱۵۰- گزینۀ (۴) در گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۳) از «تجلی حسن الهی» سخن گفته شده است، اما در بیت گزینۀ (۴) از راضی بودن به بهره‌ی ازلی سخن گفته شده است.

۱۵۱- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱) ← لب، دندان و روی: تناسب / لب و دندان مجاز از کل وجود / روی ایهام تناسب دارد: ۱- امکان یافتن ۲- چهره؛ که معنای «امکان یافتن» موردنظر است و معنی چهره با لب و دندان مراعات نظیر می‌سازد.

گزینۀ (۲) ← مهر رخت اضافۀ تشبیهی (رخ مثل خورشید است) / مهر ایهام دارد: ۱- مهر و محبت ۲- خورشید؛ که هر دو معنا در کلام به کار می‌رود. / روز و شب تضاد دارند نه تناقض. گزینۀ (۳) ← عیب و غیب جناس / مصراع دوم تلمیح به آیه «تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلُّ مِنْ تَشَاءٍ» (بیشی و کمی) و (بکاهی و فزایی): تضاد

گزینۀ (۴) ← آرام و رام: جناس ناقص / خوابیدن موج‌ها استعاره دارد. / طبل طوفان: تشبیه ۱۵۲- گزینۀ (۲) «ظلمات جهل / ظلمات ضلال / چراغ هدایت» ← تشبیه (اضافۀ تشبیهی)

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ (۱) ← «لجاج شهوت» اضافۀ استعاری / «پردۀ عفاف و پردۀ عصمت» اضافۀ تشبیهی گزینۀ (۳) ← «حصار بردباری» اضافۀ تشبیهی / «صولت خشم» و «حملۀ حسد» اضافۀ استعاری

گزینۀ (۴) ← «دامان وجود» اضافۀ استعاری / «تیه گمراهی» اضافۀ تشبیهی ۱۵۳- گزینۀ (۴) در این گزینۀ، امام سجاد (ع) از گناه کردن و کوچک شمردن گناه به خداوند پناه می‌برد و از او می‌خواهد که نگذارد به پلیدی‌های گناه آلوده شود.

۱۵۴- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) ← کلّ مصراع دوم سؤال / گزینۀ (۲) ← همی غیبی تو بدانی / گزینۀ (۴) ← مصراع اول سؤال

۱۵۵- گزینۀ (۱) در صورت سؤال صفاتی هم‌چون غیرقابل توصیف بودن، غیرقابل درک بودن، راه نیافتن وهم و هوشمندی انسان‌ها به خدا آمده است، اما در گزینۀ (۱)، ابدی بودن خداوند بیان شده است. هر چیزی در دنیا فانی است و تنها خداوند است که زوال ندارد. تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ (۲) ← ضمیر و پندار افراد راز او را در نمی‌یابد و زبان نمی‌تواند او را توصیف کند. گزینۀ (۳) ← وهم و عقل آدمی به کنه ذات خداوند راه نمی‌یابد. گزینۀ (۴) ← هر چه که در خیال آدمی می‌آید کیفیت دارد، ولی خداوند چون بی‌کم و کیف است، در خیال نمی‌گنجد.

۱۵۶- گزینۀ (۳) گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) با عبارت صورت سؤال که بر داشتن قناعت و پرهیز از طمع دلالت می‌کند، قرابت معنایی دارند.

۱۵۷- گزینۀ (۲) مفهوم بیت صورت سؤال، «ازلی بودن عشق الهی» است و این مفهوم را در گزینۀ (۲) می‌توان دید.

۱۵۸- گزینۀ (۳) در بیت صورت سؤال و بیت گزینۀ (۳)، به ازلی بودن عشق الهی اشاره شده است.

۱۵۹- گزینۀ (۴) املاي درست کلمات عبارت‌اند از: دنائت - بگذارد - بیغوله ۱۶۰- گزینۀ (۳) در بیت صورت سؤال و گزینۀ (۳)، به نای خدا اشاره شده است.

۱۶۱- گزینۀ (۴) در مصراع مندرج در تست و همچنین گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۳) مفهوم «هر که را بخواهد عزت می‌دهد و هر که را بخواهد خوار و ذلیل می‌کند» نهفته است در حالی که در گزینۀ (۴) شاعر فقط عشق را مایه‌ی عزت و ذلت معرفی می‌کند.

۱۶۲- گزینۀ (۳) تمامی وجود عارف خدا را حمد و ثنا می‌کند.

گزینۀ (۱): خدا شایسته‌ی اطاعت و بندگی است.

گزینۀ (۲): خدا شایسته‌ی حمد و ثنای بی‌پایان است.

گزینۀ (۴): تمام موجودات ثناگوی خداوند.

۱۶۳- گزینۀ (۳) مفهوم دیگر گزینۀ‌ها: «ازلی بودن عشق»

مفهوم گزینۀ (۳): جذبه‌ی عشق، عاشق را بیشتر گرفتار می‌کند (رهايي از عشق ممکن نیست) ۱۶۴- گزینۀ (۱) لجاج شهوت: اضافۀ استعاری / پردۀ عفاف: اضافۀ تشبیهی در سایر گزینۀ‌ها:

«صولت خشم - حملۀ حسد»: اضافۀ استعاری

۱۶۵- گزینۀ (۲) معتقد به جبر گرایي و تقدیر گرایي است و سایر گزینۀ‌ها عشق را امری ازلی می‌دانند.

۱۶۶- گزینۀ (۴) در این بیت گفته شده که من عیب دیگران را نمی‌بینم و از این که حسود نیستم و دیگران بر من حسد می‌برند خوشحالم در حالی که در بیت گزینۀ (۱) مفهوم غیب‌دان بودن خداوند، در بیت ۲ مفهوم عزت‌بخشی و ذلت‌دهی خداوند به هر کس که بخواهد و بیت گزینۀ (۳) به ستّار العیوب بودن خداوند اشاره می‌کند.

۱۶۷- گزینۀ (۳) پیام تمام آیات ناتوانی آدمی در شناخت خداست و پیام بیت گزینۀ (۳)، سرمستی از تجلّی ذات و صفات الهی است.

۱۶۸- گزینۀ (۳) اضافۀ‌های تشبیهی: حصار بردباری / پردۀ عفاف / پردۀ عصمت / ظلمات جهل / ظلمات ضلال / چراغ هدایت / خواب غفلت

اضافۀ‌های استعاری و اقترانی: صولت خشم و حملۀ حسد (استعاری) / پای بطلان (اقترانی) ۱۶۹- گزینۀ (۴) مفهوم سایر آیات، ازلی بودن عشق است ولی بیت گزینۀ (۴) به ملکوتی بودن انسان اشاره دارد.

۱۷۰- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ (۲) ← ازلی بودن عشق

۱۷۱- گزینۀ (۴)

نکته: دقت کنید که شعر «مناجات» جزء اشعار حفظی کتاب است!

۱۷۲- گزینۀ (۲) در گزینۀ‌های (۱)، (۳) و (۴) سخن بر سر این است که حُسن خداوندی سبب آفرینش هستی شده است، در حالی که در گزینۀ (۲) حسن جمال حضرت حق، هستی را، عدم کرده است.

درس سوم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۱۷۳- گزینۀ (۴) مفهوم صورت سؤال ← ضحاک ظلم می‌کرد و به همین دلیل تاوان ظلم خود را می‌داد و نابود می‌شد.

مفهوم گزینۀ (۴) ← هر کس ستم کند تاوان ستم خود را خواهد داد و بر او نیز ستم خواهد شد و از بین می‌رود (عقاب ← باز ← کبک ← مورچه)

۱۷۴- گزینۀ (۴) سرانجام ضحاک ← در بند شدن و اسیر گشتن (بمانده بدان گونه در بند او

۱۷۵- گزینۀ (۱) این بیت درباره‌ی جمشید است که ابتدا شاه خوبی بود اما کم کم از خدا روی گردان شد و ناسپاسی کرد و غرور ورزید!

۱۷۶- گزینۀ (۳) اشاره به اختر کاویان، زمینه‌ی ملی و میهنی حماسه است.

۱۷۷- گزینۀ (۱) احتمالاً منظور طراح محترم اشارتی است که در سایر آیات رفته است (مانند: جمشید و روز نو (نوروز) و درفش درخشان و بانگ رخس و کلاه کیانی) که در بیت گزینۀ (۱) دیده نمی‌شود. (به نظر می‌رسد این تست چندان قانع‌کننده نیست!!)

۱۷۸- گزینۀ (۴) بدان و دیوان بر سر کار و قدرت بودند و فرشتگان و خوبان در پس پرده و پنهان بودند!

۱۷۹- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) ← مصراع دوم / گزینۀ (۲) ← کل بیت / گزینۀ (۴) ← مصراع دوم

۱۸۰- گزینۀ (۱) هر سه بیت (الف)، (ج) و (ه) اشاره به این موضوع دارند که کارهای درست کنار گذاشته شده و کارهای خطا رونق یافته‌اند.

۱۸۱- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های دیگر به این اشاره دارند که کارهای درست کنار گذاشته شده و سنت‌های خطا رونق یافته است، ولی گزینه‌ی (۴) به این مطلب اشاره دارد که کارهای جهان با حکمت خدا انجام می‌شود!

۱۸۲- گزینه‌ی (۱) منی: غرور، خودخواهی

۱۸۳- گزینه‌ی (۲) یکایک: ناگهان/ دادخواه: عدالت‌خواه، کاوه

۱۸۴- گزینه‌ی (۱) * تو رو خدا یک‌بار متن کتاب‌ها را بخوانید! (خصوصاً دروس مربوط به شاهنامه‌ی فردوسی و تاریخ بیهقی!)

۱۸۵- گزینه‌ی (۱) خرق عادت: جریان یافتن حوادثی که با منطق و تجربه علمی سازگاری ندارد.

در هر حماسه‌ای، رویدادهای غیرطبیعی و بیرون از نظام عادت دیده می‌شود که تنها از رهگذر عقاید دینی عصر خود، توجیه‌پذیر هستند.

۱۸۶- گزینه‌ی (۳)

۱۸۷- گزینه‌ی (۳) * متن درس را خوانده‌اید من مطمئنم!

۱۸۸- گزینه‌ی (۴) * دژ: خشمگین

۱۸۹- گزینه‌ی (۳) آن، بی‌بها، ناسزاوار: صفت (مرتب‌شده‌ی مصراع: «با آن پوست بی‌بهای ناسزاوار»: پوست: متمدن)

۱۹۰- گزینه‌ی (۲)

۱۹۱- گزینه‌ی (۴) وجود حوادثی فراتر از عادت مانند عمر هزار ساله‌ی زال، سیمرغ، دیو سپید، رویین تنی اسفندیار مربوط به زمینه‌ی «خرق عادت» اند.

۱۹۲- گزینه‌ی (۱) آنچه زمینه‌ی تخیلی حماسه را تقویت می‌کند، «خرق عادت» است وجود حوادثی که با منطق و تجربه‌ی علمی سازگاری ندارد و از رهگذر عقاید دینی توجیه‌پذیرند. در شاهنامه وجود سیمرغ، دیو سپید، رویین تنی اسفندیار و عمر هزار ساله‌ی زال جزء زمینه‌ی خرق عادت می‌باشند.

در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به نیرومندی و قدرت جنگاوری اشاره دارد.

۱۹۳- گزینه‌ی (۲) در تمام گزینه‌ها از بین رفتن اثر خوبی است و به دست گرفتن اختیار و حکومت به‌دست بدان اشاره شده است.

گزینه‌ی (۱): بر تخت بودن گرگ و در چاه بودن یوسف

گزینه‌ی (۲): از فرد ظالم و ظلم او به تنگ آمده و خواهان آمدن فرد عادل و خوب است.

گزینه‌ی (۳): غم داشتن دانا و اندوهگین نبودن نادان در تأمین معاش

گزینه‌ی (۴): به مراد رسیدن نادان و درمانده بودن دانا و فاضل

۱۹۴- گزینه‌ی (۴) مرداس: مردی پاک دین ← پدر ضحاک بود.

* قیام کاوه به دلیل شرکت عموم مردم و داشتن رهبری از میان مردم، شبیه به انقلاب فرانسه است.

۱۹۵- گزینه‌ی (۲) ضحاک: مظهر زشتی و بدی، خوی شیطانی

کاوه: مظهر خشم و قهر ملت در برابر بیداد

مار: مظهر اهریمن و شیطان

از پا درآوردن مردم و مغز سر آنان را خوراک ماران قرار دادن: مظهر بدترین صورت جورپیشگی و ستمگری است.

۱۹۶- گزینه‌ی (۱)

۱۹۷- گزینه‌ی (۴) توضیح: هم فرعون و هم ضحاک، هر دو دستور به کُشتن نوزادان داده بودند ولی به خواست و مشیت الهی، هم حضرت موسی و هم فریدون زنده ماندند.

* سایر گزینه‌ها:

جمشید: پادشاه پیش از ضحاک که خود را خداوند خواند و در نهایت به دست ضحاک با آزه به دو نیم شد.

مرداس: پدر پاک دین ضحاک که ابلیس با همکاری ضحاک، او را از پای درآورد تا ضحاک پادشاه شود.

کاوه: مردی پاک دل که زمینه‌ی نابودی ضحاک (پادشاه ستمگر) را فراهم ساخت.

۱۹۸- گزینه‌ی (۱) اینکه در پایان، فریدون، ضحاک را سرنگون کرد! فقط در گزینه‌ی (۱) مطرح شده است.

۱۹۹- گزینه‌ی (۴) این سؤال بر گرفته از این جمله‌ی کتاب است درباره‌ی جمشید: «وی برخی از کارها و فنون و پیشه‌ها را به جهانیان آموخت اما ...»

۲۰۰- گزینه‌ی (۴) اینکه در مصراع اول گزینه‌ی (۴) بیان شده که توقع عنایت و توجه نداشته باش با مصراع اول صورت سؤال که به عاقلان و دانایان توجهی نمی‌شد و آن‌ها پنهان و برکنار بودند، ارتباط مفهومی مشترک دارد.

۲۰۱- گزینه‌ی (۲) این بیت توصیف دوران حکومت ضحاک است.

۲۰۲- گزینه‌ی (۱) آتش استعاره از ظلم و ستم است.

۲۰۳- گزینه‌ی (۳) ژاله و ابر هر دو متمدنند.

۲۰۴- گزینه‌ی (۴) در توضیحات ابیات کتاب کم‌تر مجالس برای هنر تصویرآفرینی پدید آمده است.

۲۰۵- گزینه‌ی (۴) کسی که خواب ضحاک را تعبیر می‌کند یکی از موبدان و خردمندان است.

۲۰۶- گزینه‌ی (۳) در بیت (۳) کاوه به ضحاک می‌گوید که تو باید برای رفتار ظالمانه‌ات به من حساب پس بدهی و این اوج جسارت و شجاعت اوست.

۲۰۷- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌های دیگر اعتراض و دادخواهی کاوه مشهود است.

۲۰۸- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): دوراندیشی ضحاک برای مبارزه با آبتین است.

گزینه‌ی (۲): دوراندیشی یکی از دو دختر جمشید است.

گزینه‌ی (۳): جستجوی ضحاک برای یافتن فریدون است.

۲۰۹- گزینه‌ی (۴) مفهوم ضرب‌المثلی که در صورت سؤال آمده است شلوغی بیش از حد و ازدحام است که در سه گزینه‌ی نخست دیده می‌شود، اما مفهوم گزینه‌ی (۴)، دادخواهی و دعوت مردم به عدالت‌طلبی است.

۲۱۰- گزینه‌ی (۱) ضحاک، پسر مرداس است، بنابراین منظور از پسر، همان ضحاک است.

۲۱۱- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت گزینه‌ی (۴): دورویی و تفاوت درون و برون انسان: انسان‌ها سیرتشان از ظاهرشان بدتر می‌شود و دلشان مثل سنگ سخت می‌گردد.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: خوار شدن ارزش‌ها، ارزشمند شدن بدی‌ها

۲۱۲- گزینه‌ی (۱) حکومت با کفر می‌ماند، اما با ظلم ماندنی نیست.

۲۱۳- گزینه‌ی (۱) تمام گزینه‌ها منطبق بر متن کتاب است اما در گزینه‌ی (۱) حوادث قهرمانی حماسه را اساس تاریخ یک ملت دانسته است که نادرست است و در حقیقت حماسه «تاریخ تخیلی» یک ملت است نه تاریخ واقعی آن.

۲۱۴- گزینه‌ی (۴) زمینه‌ی خرق عادت، یعنی حوادث، انسان‌ها و موجوداتی که با منطق عینی و تجربه‌ی علمی هم‌سازی ندارند، نظیر سیمرغ، دیو سپید، اسفندیار رویین تن.

بیت مطرح شده در گزینه‌ی (۴) بیانگر وجود «دیو سپید» است.

۲۱۵- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت سؤال: برای رسیدن به عدل و داد باید ابتدا ستم را از پای درآورد - ترجیح حق بر باطل

مفهوم ابیات:

گزینه‌ی (۱): ترجیح حق بر باطل

گزینه‌ی (۲): بدخواهان تو، محکوم به نابودی هستند.

گزینه‌ی (۳): چاره‌اندیشی برای رهایی از دام

گزینه‌ی (۴): عاشق با وجود عشق یار تمایلی به گل و گلزار ندارد.

۲۱۶- گزینه‌ی (۴) بیت سؤال، معرف جمشید، پادشاه ایرانی است که به خاطر تکبر در برابر خداوند، فره‌ی ایزدی از وی جدا شد و تزلزل در حکومتش راه یافت و از آن پس نام‌جویان به گردن‌کشی پرداختند و به ضحاک گرویدند و جمشید گریخت و پس از سال‌ها ضحاک او را به چنگ آورد و با آزه به دو نیم کرد.

۲۱۷- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک: زیان دیدن و مورد ستم واقع شدن

مفهوم ابیات:

بیت الف) طلب داوری و قضاوت

بیت ب) مورد ستم واقع شدن

بیت ج) توصیف آهنگری

بیت د) مورد ستم واقع شدن

بیت ه) دعوت پادشاه به دوری از گناه

بیت و) مورد ستم واقع شدن

۲۱۸- گزینه‌ی (۱) این سخن امام علی (ع) است که خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: کسی که به بندگان خدا ستم کند، علاوه بر بندگان، خدا نیز با او دشمن است. اگر به قسمت ابتدایی درس «کاوه‌ی دادخواه» نگاه کنید، این عبارت را می‌بینید.

در بیت گزینه‌ی (۱) هم فردوسی می‌فرماید که خداوند فرّ خود را از جمشید ستمگر گرفته است. معنی و مفهوم مصراع دوم: هر روز از فرّ او کاسته می‌شد.

۲۱۹- گزینۀ (۱) معنای بیت: به پا خیزد که این پادشاه اهریمن است و در دل دشمن خداست. (اگرچه به ظاهر خود را به ما خداپرست نشان می‌دهد).

۲۲۰- گزینۀ (۳) این مورد مربوط است به سرانجام جمشید و کشته شدن او به دست ضحاک (به متن درس کاوه‌ی دادخواه = درس سوم سال چهارم) باید خوب دقت داشته باشید.

۲۲۱- گزینۀ (۴) در دو بیت متن سؤال و سه گزینۀ اول، وارونه شدن اوضاع به این ترتیب که ارزش‌ها، بی‌ارزش و بی‌ارزش‌ها، ارزش شده است، بیان گردیده است، اما در گزینۀ (۴) شاعر از دوستانی که برایش مثل دشمن هستند گله می‌کند.

۲۲۲- گزینۀ (۳) معنی بیت سوم این است که: «من هرگز این استشهدنامه را امضا نمی‌کنم و هرگز هم از پادشاه نمی‌هراسم.» ← نه تأیید، نه ترس (اندیشیدن: ترسیدن)

۲۲۳- گزینۀ (۲) ایرانیان مظلوم و بی‌پناه در دست ضحاک (گرگ) گرفتار بودند و هرچه چاره‌گری می‌کردند نجات نمی‌یافتند زیرا نجات از ظلم بسیار دشوار است حتی دشوارتر از نجات یافتن از دست گرگ.

امیر ظالم جاهل که خون خلق خورد چگونه عالم و عادل شود به قول خطیب (سعدی) با تو ظالم در نمی‌گیرد فسون عجز ما ورنه گوش آسمان را آه ما پیچیده است (صائب)

۲۲۴- گزینۀ (۴) شاعر در این بیت از بی‌ارزش دانسته شدن علم و هنر افسوس می‌خورد و فضل و ادب را خریداری نمی‌بیند، همان‌طور که در دورۀ ضحاک هنر بی‌ارزش شد و ناراستی آشکارا در جامعه رواج یافت:

دانا بمانده در غم تدبیر روزی‌اش یک ذره غم به خاطر نادان نمی‌رسد در عبارت مطرح شده: کاوه دست از جان شسته و آشکارا به مخالفت با ستمگر برخاسته است و هر آن‌چه را که در دل دارد می‌گوید و در بیت گزینۀ (۴)، به «دست از جان شستن و از سر دریغ نکردن» به منظور بیان کلام دل اشاره شده است.

۲۲۶- گزینۀ (۲) بیت پرسش و ابیات گزینۀ‌های (۱) و (۳) دلالت بر نابه‌سامانی و نامساعد بودن اوضاع مملکت دارد. از آن‌جایی که از روش دانایان خبری نیست و دیوانگان به شهرت رسیده‌اند و جادو جای هنر را گرفته است و ناراستی رواج یافته است، تا جایی که خون ریختن در وجود حاکم ستمگر تثبیت شده است.

بیت گزینۀ (۴) تواضع علمی را تأکید می‌کند، اما بیت گزینۀ (۱) گذشته را نابه‌سامان می‌داند و امروز را سامان‌یافته می‌بیند و معتقد است که همه‌ی معیارها رعایت شده است. به عبارت دیگر، ادب و دانش را حاکم می‌داند.

۲۲۷- گزینۀ (۳) جمشید نهایتاً به‌دست ضحاک پا آره به دو نیم شد!

۲۲۸- گزینۀ (۲) زمینه‌ی خرق عادت: بیت «ج»: وجود دیو سپید/ بیت «د»:

رویین تنی اسفندیار/ بیت «ه»: وجود سیمرغ

زمینۀ ملی: بیت «و»: اختر کاویان یا درفش کاویانی رایت منسوب به کاوه است.

۲۲۹- گزینۀ (۳) «ضحاک» پس از آن‌که خواب پریشانی می‌بیند، موبدان و خردمندان را به مشورت می‌خواند و آنان می‌گویند که زبونی ضحاک به دست کسی است که از مادر زاده نشده است. در ایامی که ضحاک در جست‌وجوی این نوزاد، کودکان را می‌کشت، «فریدون» زاده شد.

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ (۱): پیش از پادشاهی ضحاک، جمشید فرمانروای کشور بود.

گزینۀ (۲): کاوه، آهنگری بود که نخست به ضحاک اعتراض کرد.

۲۳۰- گزینۀ (۳) در هر دو بیت به این مفهوم تأکید شده است که پادشاه و فرمانروا باید بنده‌ی خدا باشد و در بندگی او بکوشد.

۲۳۱- گزینۀ (۱) در گزینۀ (۱)، منظور از زال، «پیر فروت سبید موی» است.

نکته: اشاره به عمر هزار ساله‌ی زال می‌تواند بیانگر زمینۀ خرق عادت در حماسه باشد.

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

در گزینۀ (۲)، وجود «دیو سپید»، در گزینۀ (۳) «رویین تن بودن اسفندیار» و در گزینۀ (۴) وجود «سیمرغ» عناصر و پدیده‌هایی هستند که زمینۀ «تخیلی» حماسه را تقویت می‌کنند.

۲۳۲- گزینۀ (۳) در ابیات صورت سؤال مفهوم کلی دگرگونی ارزش‌ها و تسلط بدی‌ها مطرح شده است و این مفاهیم در سه گزینۀ دیگر دیده می‌شود، ولی در گزینۀ (۳) شاعر معتقد است که بی‌هتران، کاستی‌ها را می‌بینند و باید همیشه امور مثبت را دید.

۲۳۳- گزینۀ (۳) عبارات (الف) و (د) توضیحی درباره‌ی زمینۀ خرق عادت است. (ب) ← زمینۀ ملی/ (ج) ← زمینۀ قهرمانی

۲۳۴- گزینۀ (۲)

۲۳۵- گزینۀ (۱) متن سؤال به این موضوع تأکید دارد که انسانی که غرور ورزد، اوضاعش پیچیده و در نهایت نابود می‌شود که در گزینۀ (۱) نیز تکرار شده است.

مفهوم گزینۀ (۲) ← اگر از شراب بی‌خودی مست گردی، دیگر کم‌تر از خودبینی و تکبر دم می‌زنی.

۲۳۶- گزینۀ (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینۀ (۲) ← در عین پادشاهی بر مردم باید در مقابل خداوند احساس بندگی و گدایی داشت.

۲۳۷- گزینۀ (۳)

۲۳۸- گزینۀ (۱) در گزینۀ (۱) ← تشبیه نداریم./ «آتش بر سر آمدن» کنایه از ستم دیدن است.

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ (۲) ← جناس: دراز و راز/ طباق یا تضاد: بدی و نیکی

گزینۀ (۳) ← گل استعاره از معشوق و مرغ سحر استعاره از عاشق/ «نسیم وصل» تشبیه دارد. (اضافه‌ی تشبیهی)/ «کام بخت» اضافه‌ی استعاره (استعاره) و تشخیص.

گزینۀ (۴) ← اسلوب معادله: همان‌گونه که خواب آدمی با صدای ملایم جریان آب سنگین‌تر می‌شود، خواب چشم یار نیز از گریه‌ی ما سنگین می‌شود./ «زمزمه‌ی آب» تشخیص دارد.

۲۳۹- گزینۀ (۲) بیباید: حرکت کنید، برخیزید

مصراع اول بیت صورت سؤال همه را به قیام علیه اهریمن‌صفان دعوت می‌کند. که از ابیات گزینۀ‌های (۱)، (۳) و (۴) نیز دریافت می‌شود.

۲۴۰- گزینۀ (۱) صورت صحیح واژه‌های نادرست چنین است ← بر گزارشدن - دادپیشگی

۲۴۱- گزینۀ (۳) معنی بیت: من هرگز این استشهدنامه را تأیید نمی‌کنم و از پادشاه نیز نمی‌ترسم.

۲۴۲- گزینۀ (۲) در این گزینۀ برخلاف بیت صورت سؤال به سامان یافتن اوضاع اشاره شده است.

۲۴۳- گزینۀ (۴) الف) زمینۀ ملی حماسه: این حوادث قهرمانی - که به منزله‌ی تاریخ خیالی یک ملت است - در بستری از واقعیات جریان دارند.

ب) زمینۀ قهرمانی حماسه: بیش‌ترین بخش حماسه را اشخاص و حوادث تشکیل می‌دهند.

ج) زمینۀ قهرمانی حماسه: بیانگر انسان‌هایی است که هم از نظر نیروی مادی ممتازند و هم از لحاظ نیروی معنوی.

۲۴۴- گزینۀ (۲) زمینۀ قهرمانی: وظیفه‌ی شاعر حماسی آن است که تصویر ساز انسان‌هایی باشد که هم از نظر نیروی مادی ممتازند و هم از نظر نیروی معنوی. قهرمانان حماسه، با تمام رقتی که از نظر عاطفی و احساسی در آن‌ها وجود دارد، قهرمانان ملی هستند.

۲۴۵- گزینۀ (۳) بیت صورت سؤال، علت زوال کار و واژگونی بخت جمشید را تکبر نسبت به پروردگار می‌داند و این موضوع در گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) نیز آمده است.

در گزینۀ (۳) از تکبر سخنی گفته نشده است و در مورد نتیجه‌ی بد ستمگری است.

۲۴۶- گزینۀ (۳) جمشید: پادشاه مغرور پیشدادی/ فریدون: با کوشش کاوه‌ی آهنگر به قدرت رسید./ مرداس: نام پدر ضحاک است./ آبتین: نام پدر فریدون است.

۲۴۷- گزینۀ (۳) کنایه ← دست دراز شدن کنایه از مسلط شدن در انجام کاری/ جناس ← بین واژه‌های راز و دراز (جناس ناقص)/ تضاد ← نیکی و بدی/ استعاره ← دیوان استعاره از حامیان ضحاک.

۲۴۸- گزینۀ (۳) حکومتی که ضحاک پدید آورده بود، استبدادی و خفقان‌زا بود و دیوان در آن به قدرت رسیدند و فرزندان کنار رفتند.

۲۴۹- گزینۀ (۳) گزینۀ (۳) خرق عادت ندارد.

گزینۀ‌های (۱) و (۴) ← گذشتن از آتش و به سلامت عبور کردن از آن، جزء زمینۀ خرق عادت حماسه است که تخیل در حماسه را تقویت می‌کند. سیاوش از میان آتش برافروخته و شعله‌ور، بدون هیچ‌گونه خدشه و آسیبی عبور می‌کند، این عمل با عقل و منطق انسان سازگار نیست. گزینۀ (۲) ← سیمرغ از موجودات و آفریده‌های غیرطبیعی است که حضورش در شاهنامه‌ی فردوسی، زمینۀ تخیلی حماسه را تقویت می‌کند.

۲۵۰- گزینۀ (۲) قریح: ج قریحه، طبع، ذوق، سرشت/ خوالیگر: آشپز، طبخ، خورشگر/ یکایک: ناگهان/ درای: جرس، زنگ کاروان، پتک/ آرمان‌ها: آرزوها، امیدها

۲۵۱- گزینۀ (۴) املای صحیح کلمات ← طرد ظلم و فساد - درخشنده گی - حیات و حرکت - فروزش صاعقه

۲۵۲- گزینۀ (۲) دو مرد پارسا خورش‌خانه‌ی ضحاک را به‌عهده گرفتند و بدین‌ترتیب توانستند روزانه یکی از دو تنی را که برای بیرون کردن مغز سرشان می‌آوردند، از مرگ نجات بخشند و در عوض، مغز گوسفند را با مغز دیگری درآمیزند و به خورد ماران دهند.

۲۵۳- گزینۀ (۱) درفش کاوه - که مظهر ملت دادخواه می‌شود و بر سرآبرده‌ی فریدون سایه می‌افکند - نشانه‌ای است مظهر اراده و نیروی مردم که فرمان‌روایی نو را به قدرت می‌رساند. کاوه، مظهر خشم و قهر ملت در برابر بیداد است.

۲۵۴- گزینۀ (۱) از دیگر شرایط حماسه، جریان یافتن حوادثی است که با منطق و تجربه‌ی علمی سازگاری ندارد. در هر حماسه، رویدادهای غیرطبیعی و بیرون از نظام عادت دیده می‌شود که تنها از رهگذر عقاید دینی عصر خود، توجیه‌پذیر هستند. هر ملتی، عقاید ماورای طبیعی خود را به‌عنوان عاملی شگفت‌آور، در حماسه‌ی خویش به‌کار می‌گیرد و بدین‌گونه است که در همه‌ی حماسه‌ها، موجودات و آفریده‌های غیرطبیعی، در ضمن حوادثی که شاعر تصویر می‌کند، ظهور می‌یابند.

۲۵۵- گزینۀ (۳) ابیات صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) به‌دگرگونی ارزش‌ها و تسلط بدی‌ها اشاره می‌کنند، ولی گزینۀ (۳) از بیهوده بودن جهان سخن می‌گوید. تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ (۱) ← روزگار به فرومایگان سرافرازی داد، کار دنیا درهم شده و هر عیب و عاری، هنر شمرده می‌شود.

گزینۀ (۲) ← فضل و دانش، بنده‌ی مادیات شده‌اند و علم با فریب و مکر آمیخته شده است. گزینۀ (۴) ← دانا در به‌دست آوردن روزی درمانده شده است و نادان ذره‌ای غم و رنج ندارد.

۲۵۶- گزینۀ (۴) ابیات قسمت (ج) ← بیانگر اعتقاد و پای‌بندی گوینده‌ی آن‌ها (اسفندیار) به آیین جوانمردی و سنت‌های ملی است که حاضر نیست مردم را به کشتن بدهد. ابیات قسمت (د) ← اشاره به رویین‌تنی اسفندیار، یادآور زمینه‌ی خرق‌عادت در منظومه‌های حماسی است.

نکته: «عمر هزار ساله‌ی زال» در شاهنامه، بیانگر زمینه‌ی خرق عادت حماسه است، اما چون در ابیات قسمت (الف) فقط به نام زال اشاره شده است، نمی‌توان این ابیات را نشان‌دهنده‌ی خرق‌عادت در حماسه دانست.

۲۵۷- گزینۀ (۳) مفهوم بیت «ناسپاسی از خدا موجب ترس در وجود آن فرد است» و گزینۀ (۳) مفهوم مقابل آن «هر کس مطیع خدا باشد، از مردم ترسی ندارد» را در بر دارد.

گزینۀ (۱): تواضع، عزت می‌آورد و تکبر خواری و خفت گزینۀ (۲): گردنکشی در برابر خدا موجب خواری و ذلت می‌شود. گزینۀ (۴): جدایی فروغ ایزدی موجب تیره‌بختی است.

۲۵۸- گزینۀ (۱) نتیجه‌ی ناسپاسی و به خدا توکل نکردن، ترس و اضطرابی است که از هر سو به ناسپاس حمله‌ور می‌شود و این مفهوم در گزینۀ (۱) یافت می‌شود.

۲۵۹- گزینۀ (۴) در فضای حکومتی ضحاک بیدادگر «ارزش‌ها جای خود را به ضد ارزش‌ها داده بودند» که در گزینۀ‌ها آمده است:

گزینۀ (۱): تسلط نادان بر دانایان

گزینۀ (۲): بی‌ارزش شدن عزیزان و ارزشمند شدن افراد پست.

گزینۀ (۳): نامرادی دانایان و کامرانی نادانان را بیان می‌کند.

گزینۀ (۴): معتقد است باید مراقب رفتار در قبال افراد خوب و بد باشی و یکسان به آن‌ها لطف نکنی که افراد خوب، کم‌نصب‌تر از افراد بد خواهند شد.

۲۶۰- گزینۀ (۲) نکوهش غرور و ناسپاسی

مفهوم دیگر گزینۀ‌ها: خوبی و نیکی نابود و پنهان اما بدی و بدسیرتی آشکارا و نمایان شد.

۲۶۱- گزینۀ (۲) معنی آیه: خداوند بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد مگر از آن‌کسی که به وی ستم شده باشد.

نکته: ظلم آشکار ضحاک به کاوه و اعتراض شدید کاوه تناسب این آیه را با شخصیت کاوه آشکار می‌کند.

«همان‌گه یکایک ز درگاه شاه/ برآمد خروشیدن دادخواه»

۲۶۲- گزینۀ (۴) خواب ضحاک را یکی از موبدان پس از سه روز تعبیر کرد نه شیطان!

۲۶۳- گزینۀ (۳) در این گزینۀ، کنایه نداریم. جناس (هر و شهر) تضاد (پیر و برنا) تشبیه (چو پیران)، در گزینۀ اول کنایه (۱- دست دراز بودن کنایه تسلط و غلبه‌ی برادر ۲- مصرع دوم کنایه از خفقان حاکم بر جامعه) جناس (راز و دراز)

استعاره (دیوان استعاره از افراد بدکار) تضاد (بدی و نیکی) در گزینۀ دوم، جناس تام (خواند در مصرع اول؛ یعنی فریاد زد در مصرع دوم؛ یعنی دعوت کرد) ایهام (داد یعنی ۱- فریاد ۲- عدالت) مجاز (جهان مجازاً مردم جهان) تناسب (خروشیدن و فریاد زدن) در گزینۀ چهارم، تشبیه (چون زاله) تناسب (تیغ و تیر/ ابر و زاله) اغراق (کثرت تیغها و تیرها به اندازه‌ی قطرات شبنم و باران) جناس (تیغ و تیر)

۲۶۴- گزینۀ (۴) (۱) ← بیافکند (بیفکند، غلط رسم‌الخطی)

(۲) ← علاقمندان (علاقه‌مندان، این کلمه هرگز متصل نوشته نمی‌شود).

(۳) ← مایع (مایه)

۲۶۵- گزینۀ (۴) در زمان حکومت ضحاک دیوان و بدکاران در صدر حکومت بودند و افراد خوب جایگاه مناسب خود را از دست داده بودند که گزینۀ (۴) فقط به هراس آدم ناسپاس اشاره دارد.

۲۶۶- گزینۀ (۲) دقت داشته باشید که صورت سؤال مفهوم مقابل (متضاد) را از شما خواسته است در حالی که در گزینۀ‌های (۱) و (۴) مفهوم متناسب با آن آمده ولی در گزینۀ (۲) گفته شده که روزگار ویران شده، با آفتاب کرم و عدل او، خرم و آبادان می‌گردد و این مفهوم در تقابل با بیت صورت سوال است.

۲۶۷- گزینۀ (۴) تمام ابیات به‌جز این بیت به بیچارگی و از بین رفتن ارزش‌ها و خوبی‌ها و آشکار شدن پلیدی و جنون و نادرستی‌ها اشاره و دگرگونی در اوضاع و احوال و تباه شدن امور را بیان می‌کنند.

۲۶۸- گزینۀ (۴) مصراع صورت سؤال مردم را به قیام بر ضد ظلم دعوت می‌کند. گزینۀ (۴) نیز می‌گوید با کسی که مردم را می‌آزارد با شمشیر باید برخورد کرد.

درس چهارم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۲۶۹- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ‌های (۲)، (۳) و (۴) ← برای رسیدن به معشوق باید سختی بکشی.

مفهوم بیت (۱) ← عشق کاری به بی‌تایی و بی‌قراری عاشق ندارد و خود آرام و آسوده است.

۲۷۰- گزینۀ (۲)

• غزل فارسی که یکی از سرشارترین حوزه‌های شعر است نمونه‌ی کاملی است که می‌توان همه‌ی انواع غنایی شعر را به خوبی در آن ملاحظه کرد.

• از اوایل قرن ششم عرفان و اصطلاحات صوفیه با پیش‌گامی سنایی به حوزه‌ی غزل راه یافت.

۲۷۱- گزینۀ (۲) بیت سؤال ← تلاش برای رهایی از عشق بی‌فایده است و عاشق را بیش‌تر گرفتار می‌کند.

بیت گزینۀ (۲) ← مرغی که در دام دست و پا بزند و تفلّ کند بیش‌تر گرفتار می‌شود.

۲۷۲- گزینۀ (۴) فخرالدین اسعد گرگانی و عیّوقی پیش از نظامی می‌زیسته‌اند و منظومه‌ی عاشقانه داشته‌اند!

۲۷۳- گزینۀ (۳)

۲۷۴- گزینۀ (۴)

۲۷۵- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات: در راه عشق باید سختی را پذیرفت و آن‌ها را خوب دانست و در عشق ظلم و بدی معشوق عین خوبی و شادی است.

مفهوم گزینۀ (۴): اگر بنده، بد می‌کند خدا نباید به او بد کند، چرا که او خداست و با بنده فرق دارد!!

۲۷۶- گزینۀ (۲) در تمام گزینۀ‌ها به این مطلب اشاره شده است که در راه عشق و پایان بردن آن، تمام نکات منفی و مشکلات راه عشق در نظر خوب جلوه کند (همانند جلوه‌ی زهر به صورت حلوا!!).

اما گزینۀ (۲) می‌گوید شکوه و شکایت از دست غم محبوب، عیب نیست چرا که این درد منحصر به او (عاشق) نیست.

۲۷۷- گزینهی (۴) در بیت صورت سؤال، به بیهودگی تلاش برای رهایی از درد عشق و جدایی از آن اشاره شده که در گزینهای (۱)، (۲) و (۳) نیز کاملاً مشهود است. اما در بیت (۴) به عدم جدایی معشوق از عاشق به دست وی (عاشق) اشاره شده است.

۲۷۸- گزینهی (۴) به نوعی هجو و بدگویی فرد است که نداشتن بخشش و فهم طرف مقابل را نکوهش می‌کند. ← هجو

(۲) ای ساقی از آن شرابی که به از خود بی‌خودان می‌دهی به من بده. ← ساقی‌نامه

(۳) غم و اندوه دلم را می‌رنجانند و رنج فراوان تنم را می‌فرساید و این غم‌ها آزارم می‌دهد. ← شکواییه

(۴) چقدر زیبا گفت که با بدگمانی پادشاهی مکن. ← حماسی، تعلیمی

۲۷۹- گزینهی (۲) * در آمدی بر ادبیت غنایی از مهم‌ترین درآمدهای کل کتاب‌های درسی است!

۲۸۰- گزینهی (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینهی (۲) این است: در راه عشق سرکشی و تلاش برای رهایی بی‌فایده است و عاشق را گرفتارتر می‌کند. مصراع دوم صورت سؤال و مصراع اول گزینهی (۲) (سرکشان بسیاری در عشق کشته شده‌اند) به این مفهوم مشترک دلالت می‌کنند.

۲۸۱- گزینهی (۲) بیت سؤال و گزینهی (۲) این مفهوم مشترک را دارند که پس از تحمل رنج‌ها و سختی‌ها می‌توان به‌راحتی و مراد خود دست یافت و باید سختی را به امید وصال تحمل کرد.

۲۸۲- گزینهی (۲) در بیت سؤال و نیز سه گزینهی دیگر اشاره به این نکته دارد که باید در مقابل جفا و جور معشوق صبر کرد و آن‌ها را زیبا دید و این که حتی زهر و تلخی نیز از معشوق، حلوا و شیرینی است.

۲۸۳- گزینهی (۳) مرصاد العباد (نجم‌الدین رازی) - منطق‌الطیر (عطار) - کشف‌الاسرار (رشیدالدین میبدی)

۲۸۴- گزینهی (۳) رجم: سنگ زدن
درزه: بسته (درزی: خیاط)

۲۸۵- گزینهی (۲) گزینهی (۱): فرد مغرور، خداپرست و خداشناس نمی‌شود. گزینهی (۲): تأکیدی است بر کلام شیخ که هر کس بر حسب اعتقاد خود سخن گفته‌اند و مرا لقبی نهاده‌اند ...

گزینهی (۳): طریقت در عرفان به ریاکاری و داشتن تسبیح و سجاده و دلق نیست. باید در میان مردم بود و به آن‌ها خدمت کرد.

گزینهی (۴): بیان‌گر تواضع و فروتنی که شیخ ابوسعید عارف با تمام تهذیب نفس خود را درخور و شایسته‌ی آتش جهنم می‌داند.

۲۸۶- گزینهی (۱) مفهوم عبارت صورت سؤال و سه بیت دیگر «سکوت و فواید آن» است؛ مفهوم بیت اول «ناتوانی در پنهان کردن راز عشق و محبت» است.

۲۸۷- گزینهی (۲) مفهوم گزینهی (۲): بیهود اوضاع و تغییر شرایط نامساعد به مساعد.

مفهوم بیت سؤال و سایر گزین‌ها: تحمل دشواری‌های راه عشق

۲۸۸- گزینهی (۱) در بیت سؤال می‌گوید: مانند حیوانی که در کمند گرفتار شده و هر چه بیشتر تقلا می‌کند، کمندش محکم‌تر می‌گردد، من نیز با تقلا بیشتر برای رهایی از عشق، در آن گرفتار شدم. ← تقلا برای رهایی موجب گرفتاری بیشتر می‌شود.

مشابه این مفهوم در بیت (۱) دیده می‌شود. شاعر می‌گوید: کسی که در باتلاق گیر افتاده هرچه بیشتر تقلا کند و دست و پا بزند بیش‌تر فرو می‌رود. ← تقلا برای رهایی موجب گرفتاری بیشتر است.

۲۸۹- گزینهی (۳) عاشق از گردش دوران هراسی ندارد.

بیت سؤال و گزینهای (۱)، (۲) و (۴) به لزوم سختی کشیدن در راه عشق تأکید می‌کند (در راه عشق باید سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کرد تا به هدف رسید).

۲۹۰- گزینهی (۱) مفهوم بیت سؤال ← در راه عشق باید سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کرد تا به هدف رسید (= از هیچ سختی و رنجی نباید هراسید) که این مفهوم در گزینهی (۱) نیز آمده است.

۲۹۱- گزینهی (۳) مفهوم این گزین‌ه، عشق‌ورزی بی‌نظیر عاشق به معشوق است. مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزین‌ها ← رهایی از بند عشق غیرممکن است.

۲۹۲- گزینهی (۱) اسب سرکش هر چه بخواهد از کمند (رسمانی که یک سر آن حلقه‌ای است و گردن اسب را با آن می‌گیرند) بگریزد و بیش‌تر برای رهایی تلاش کند بیش‌تر گرفتار می‌شود (حلقه کوچک‌تر می‌شود). مرغ وحشی هم هرچه بیش‌تر در دام تلاش کند گرفتارتر می‌شود.

۲۹۳- گزینهی (۳) ابیات مرتبط بیانگر این مفهوم‌اند که رهایی از عشق امکان‌پذیر نیست، اما مفهوم بیت گزینهی (۳) این است که: صید تلاش می‌کند خود را از کمند (دام) برهاند اما ما (عاشقان) عمداً خود را در کمند عشق تو افکنده‌ایم و مایل نیستیم از آن رها شویم.

۲۹۴- گزینهی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال: عشق دریای بی‌پایان است و راه عشق پایان‌ناپذیر!

مفهوم بیت گزینهی (۱): هر راهی پایان‌پذیر است و پایانی دارد.

۲۹۵- گزینهی (۳) شروع شعر عاشقانه: قرن چهارم
کمال منظومه‌های عاشقانه: قرن ششم
راه یافتن عرفان و اصطلاحات صوفیه به حوزه‌ی غزل: قرن ششم

۲۹۶- گزینهی (۴) کمال منظومه‌های عاشقانه را باید در آثار نظامی، شاعر قرن ششم جست‌وجو کرد. در قرن پنجم، تغزل در شعر فزونی کمال می‌یابد. شروع شعر عاشقانه را باید قرن چهارم دانست. از اوایل قرن ششم، عرفان و اصطلاحات صوفیه با پیش‌گامی سنایی به حوزه‌ی غزل راه می‌یابد.

۲۹۷- گزینهی (۳) مضمون مشترک بیت صورت سؤال و گزینهای (۱)، (۲) و (۴) غیرممکن بودن رهایی از دام عشق است.

۲۹۸- گزینهی (۳) صورت سؤال بیانگر این است که سختی‌هایی که در راه عشق وجود دارد، همگی به لطف معشوق، شیرین و گوارا و قابل تحمل است این مفهوم در همهی گزین‌ها به‌جز گزینهی (۳) وجود دارد.

گزینهی (۳) می‌گوید «هر انسان بلهوسی می‌تواند ادعای عشق کند» ولی سخنی از گوارا بودن سختی راه عشق به میان نیامده است.

تشریح گزین‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← عاشقان از تلخی عشق ترسی ندارند.

گزینهی (۲) ← در راه عشق باید ناپسندها را تحمل کرد.

گزینهی (۴) ← درد عشق اگر زهر باشد شیرین و تحمل‌پذیر است.

۲۹۹- گزینهی (۱) شروع شعر عاشقانه را باید قرن چهارم دانست و رشد و باروری آن را در تغزلات زیبای رودکی، شهید بلخی و رابعه بنت کعب جست‌وجو کرد.

۳۰۰- گزینهی (۱) عبارات صورت سؤال و بیت گزینهی (۱) ← هر کس به من گمانی دارد، اما حقیقت وجود من آن است که من دانه (مرا نداند زان گونه کس که منم).

۳۰۱- گزینهی (۱) مضمون مشترک بیت صورت سؤال و گزینهای (۲)، (۳) و (۴) بیان دشواری‌های راه عشق و بی‌انتهای بودن آن است، اما در گزینهی (۱) می‌گوید: سیل هنگامی که به دریا (هدف و مقصد نهایی) برسد آرام می‌گیرد، همان‌طور که عشق در کعبه و بت‌خانه آرام نمی‌گیرد، بلکه پس از رسیدن به مقصد نهایی آرامش می‌یابد.

۳۰۲- گزینهی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینهی (۳) ← ادراک هر کس در مورد دیگران با توجه به قدرت درک و شناخت خود اوست.

تشریح گزین‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← اعتراف می‌کنم که هم هوشیار و هم مستم.

گزینهی (۲) ← غافل نیستیم و هوشیاریم.

گزینهی (۴) ← غنیمت شمردن فرصت و حسرت‌نخوردن.

۳۰۳- گزینهی (۳) عرفان و اصطلاحات صوفیه از اوایل قرن ششم به حوزه‌ی غزل راه یافته است.

۳۰۴- گزینهی (۴) مفهوم کلی ابیات گزینهای (۱)، (۲) و (۳) تقابل عقل و عشق است، ولی در گزینهی (۴) شاعر معتقد است که معشوق می‌دانست که در مذهب عشق، عاشق‌کشی گناه نیست و چون معشوق، داناست، جز عمل به دانش از او انتظاری نمی‌رود.

نکته: در گزینهی (۲)، منظور از هوشمند، انسان عاقل است.

۳۰۵- گزینهی (۳) پیام حکایت «من این همه نیستم» تواضع و فروتنی است که این نکته در تمام ابیات جز بیت گزینهی (۳) دیده می‌شود. بیت گزینهی (۳) بیانگر اعتنای عارف به حق و بی‌اعتنایی او به دیگران است.

۳۰۶- **گزینۀ ۳)** گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) اشاره به این مفهوم دارند که در راه عشق باید در مقابل دشواری، صبر و تحمل داشت تا بتوان به هدف نهایی رسید گزینۀ ۳) این مفهوم را نمی‌رساند.
تشریح گزینۀ‌های دیگر:
گزینۀ ۱) ← ناخوشی و ناراحتی از جانب معشوق برای من گوارا و خوشایند است. دل من فدای یار دل آزارم شود.
گزینۀ ۲) ← اگر می‌خواهی به وصال معشوق برسی، باید دشواری‌ها و مصیبت‌ها را تحمل کنی که آسایش و سختی در کنار هم است.
گزینۀ ۴) ← چنان‌چه به شوق کعبه ره می‌سپاری، سختی راه را آسان گیر و غمگین مباش.
۳۰۷- **گزینۀ ۴)** شیخ مریدش را از دشمنی کردن بر حذر می‌دارد نه این‌که دشمنی با شیخ پذیرفتنی نباشد.
۳۰۸- **گزینۀ ۲)** در بیت صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۳) و (۴) به این مفهوم تأکید شده است که رهایی از دام عشق ممکن نیست، اما در بیت گزینۀ ۲) به درد و غم زیاد عشق معشوق اشاره شده است.
۳۰۹- **گزینۀ ۲)** مفهوم بیت صورت سؤال و ابیات (ب) و (د) ← قدرت عشق بسیار است و عاشق در برابر آن ناتوان است.
۳۱۰- **گزینۀ ۳)** در این حکایت شیخ خود را لایق لقب‌های خوب و ناشایست دیگران نمی‌داند که در گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) این مفهوم هست.
۳۱۱- **گزینۀ ۳)** هر دو اشاره دارند که در راه رسیدن به عشق خطرها و سختی‌هاست. گزینۀ (۱): همه‌گیر بودن عشق
گزینۀ (۲): به من ظلم مکن ای معشوق
گزینۀ (۴): مخفی کردن عشق ممکن نیست
۳۱۲- **گزینۀ ۱)**
۳۱۳- **گزینۀ ۲)** در بیت سؤال گفته شده که در راه عشق تمام زشتی‌ها را باید خوب و زیبا دید و همه‌ی تلخی‌ها باید برایت قند و شیرین باشد در حالی که گزینۀ ۲) دقیقاً مفهوم متضاد و مقابل آن آمده که می‌گوید: روز برایم چون شب تار است و آب شیرین چون شراب تلخی، ناگوار است.
۳۱۴- **گزینۀ ۲)** در قرن پنجم شاعرانی چون عنصری، فخرالدین اسعد گرگانی و عیوقی به سرودن منظومۀ‌های عاشقانه پرداختند، نه منظومۀ‌های بلند انسانی و عرفانی.
۳۱۵- **گزینۀ ۲)** مفهوم بیت گزینۀ ۲)، برعکس صورت سؤال برای همه‌ی راه‌ها پایانی را می‌داند!
نکته: دقت کنید در صورت «غرابت معنایی» خواسته شده یعنی کدام بیت از نظر معنایی دورتر است نه «قرابت معنایی»!!
۳۱۶- **گزینۀ ۱)** در گزینۀ ۱) و صورت سؤال تقابل عقل و عشق، واضح‌تر مطرح شده است!
۳۱۷- **گزینۀ ۴)** «رهایی از عشق ممکن نیست» این مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ ۴) است.
۳۱۸- **گزینۀ ۴)** مفهوم گزینۀ ۴): عشق همه هستی عاشق را از فرد می‌گیرد. مفهوم گزینۀ دیگر: لازمه‌ی عشق ترک خودی و دوری از نام و نشان است.
۳۱۹- **گزینۀ ۳)** مفهوم این گزینۀ پایان ناپذیری عشق است. تجربه‌ی عشق هیچ‌گاه تکراری نمی‌شود. همیشه تازه است و پیش‌بینی نشدنی.
در گزینۀ‌های (۴)، (۲) و (۱) مفهوم رهایی ناپذیری عشق است یعنی کسی که عاشق شد دیگر نمی‌تواند با تلاش و همت و تصمیم خود را از بند عشق رها سازد. یعنی گریز از عشق ممکن نیست. که از این نظر با مفهوم گزینۀ ۳) تفاوت دارد.
۳۲۰- **گزینۀ ۲)** در این نوع شعر، شاعر «خویشتن خویش» را موضوع قرار می‌دهد و از احساسات شخصی خود سخن به میان می‌آورد. این نوع شعر، در حقیقت از «من شخصی» شاعران سرچشمه می‌گیرد.

درس پنجم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۳۲۳- **گزینۀ ۳)** معنی سؤال ← اگر به معشوق نرسی چه می‌کنی؟ از دور به او می‌نگرم.
معنی بیت گزینۀ ۳) ← اگر در باغ را به رویم ببندند، از رخنۀ دیوار به گل نگاه می‌کنم. اشتراک این دو معنی کاملاً آشکار است.
۳۲۴- **گزینۀ ۳)** از دست دادن سر در راه معشوق در گزینۀ ۳) دیده نمی‌شود. سرانداختن بر خاک سر کوی معشوق کنایه از تواضع و دراختیار بودن برای معشوق است.
۳۲۵- **گزینۀ ۳)** «جدا کردن سر» که مفهوم «از دست دادن جان در راه معشوق» را دارد، تنها در گزینۀ ۳) نمایان است.
۳۲۶- **گزینۀ ۳)** مفهوم دو بیت صورت سؤال آن است که هر چه پیش‌تر در معشوق نگاه کنی، بیش‌تر پریشان می‌شوی. پس باید از نگاه کردن بهره‌یزی و از دور بدان بنگری. دقیقاً مانند گزینۀ ۳) که از نگاه کردن به ماه تحذیر نموده است!
۳۲۷- **گزینۀ ۴)** «انداختن سر زیر پا»، «افکندن وام از گردن (دادن سر)» و «جان دادن» مصادیق بدل جان و فدا کردن آن هستند که در گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۳) مشهود است.
۳۲۸- **گزینۀ ۴)** وام بر گردن یعنی سر و به این علت «وام» گفته شده که این سر از آن او نیست و برای معشوق است و در صورت نیاز آن را (در راه معشوق) خواهد داد!
۳۲۹- **گزینۀ ۴)** این اعتقادی که در پیش‌بینیان وجود داشته (دیوانه اگر به ماه نگاه کند دیوانه‌تر می‌شود)، حاکی از آن است که ندیدن معشوق در مواردی به مصلحت عاشق است.
۳۳۰- **گزینۀ ۳)** جمله‌ی آخر سؤال در درس پنجم آمده است و راهنمایی است برای پی بردن به جواب درست!
۳۳۱- **گزینۀ ۴)** در بیت صورت سؤال و گزینۀ ۴)، مفهوم غیرت مورد توجه شاعر است.
* بگفت آفاق را سوزم به آهی: اغراق و کنایه/ سوز، آه: تناسب/ آفاق: مجازاً جهان ببیند آشفته‌گی و دیوانگی‌اش بیش‌تر می‌شود.
گزینۀ ۲) ← به اعتقاد گذشتگان فلک نهم بر دیگر افلاک احاطه دارد.
گزینۀ ۳) ← پریدن پلک چشم به اعتقاد مردم نشانه‌ی آمدن مهمان است.
گزینۀ ۴) ← اشک ریختن من آسیاب را به حرکت درمی‌آورد ولی دل تو را نرم نکرده است!! [اعتقاد عامیانه‌ای را بیان نمی‌کند].
۳۳۳- **گزینۀ ۲)** گزینۀ ۱) ← من هنگامی دل از مهر معشوق می‌کنم که مرده باشم و تا زنده‌ام به عشقش وفا دارم. ← وفاداری عاشق
گزینۀ ۲) ← اگر کسی بخواهد به معشوق دست یابد و او را از آن خود کند، او را نابود می‌کنم. ← غیرت عاشق
گزینۀ ۳) ← اگر به سرایش بروم، جان خود را فدایش می‌کنم. ← جان‌نثاری عاشق
گزینۀ ۴) ← کنار گذاشتن محبت معشوق از عاشق سر نمی‌زند. ← پایداری عاشق
۳۳۴- **گزینۀ ۲)** مفهوم هر دو بیت وفاداری عاشق نسبت به معشوق است.
۳۳۵- **گزینۀ ۱)** بقیه ابیات به جان دادن عاشق در راه معشوق اشاره دارند.
۳۳۶- **گزینۀ ۲)** اگر عشق او از سرم برود می‌میرم؛ مفهوم مشترک این بیت و بیت صورت سؤال است.
۳۳۷- **گزینۀ ۱)** مصراع دوم گزینۀ ۱) مانند صورت سؤال به بی‌خوابی عاشق اشاره می‌کند.
۳۳۸- **گزینۀ ۴)** در گزینۀ‌های دیگر به کشته شدن و جانبازی عاشق در مقابل معشوق اشاره شده است، در حالی که در بیت گزینۀ ۴) به غیرت عاشق اشاره رفته است.
۳۳۹- **گزینۀ ۱)** در سه گزینۀ دیگر و نیز بیت سؤال به خاکساری و نثار جان عاشق به معشوق اشاره شده است، حال آن‌که در گزینۀ ۱) فقط به وفاداری عاشق اشاره شده است.
۳۴۰- **گزینۀ ۳)** مصراع دوم بیت گزینۀ ۳) به این نکته توجه دارد که عاشق حقیقی نمی‌تواند بین خود و معشوق فاصله‌ای ببیند و همین، غیرت و محبت او را برمی‌انگیزد که دقیقاً مطابق است با بیت سؤال.

۳۴۱- گزینه‌ی (۲) بیت سؤال و بیت (۲) هر دو مفهوم مشترکی دارند یعنی هر دو می‌گویند که عاشق حقیقی در پی فرصتی برای ادای دین عشق خود یا همان بذل جان به معشوق است و نیز خاکساری عاشق در پای معشوق.

۳۴۲- گزینه‌ی (۳) به آمادگی عاشق برای فدا کردن جان اشاره دارد. در گزینه‌ی (۳) هم به این اشاره شده که عاشق حاضر است در راه معشوق سرش را بدهد.

۳۴۳- گزینه‌ی (۱) خسروپرویز ساسانی بوده است نه سامانی!

۳۴۴- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴) پاسخ فرهاد لحنی ملایم و آرام دارد.

۳۴۵- گزینه‌ی (۴) سنگ مسند است و خود نهاد است (خود سنگ بود)

۳۴۶- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) ← کنایه از وفاداری

گزینه‌ی (۲) ← کنایه از غیرت

گزینه‌ی (۳) ← کنایه از جانبازی

۳۴۷- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) ← شیرین در مصراع اول ایهام

سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۳) ← بس

گزینه‌ی (۴) ← شیرین در مصراع اول

۳۴۸- گزینه‌ی (۳) مفعول‌ها: کز کجایی (مفعول فعلی «گفت») - از دار ملک آشنایی (مفعول فعلی «بگفت»)

۳۴۹- گزینه‌ی (۴) مفهوم سه گزینه‌ی نخست «جان‌بازی در راه عشق و معشوق» است؛ ولی مفهوم گزینه‌ی (۴)، «عاجزی در صبوری در مقابل معشوق» است.

۳۵۰- گزینه‌ی (۳) مضمون بیت سؤال: وفاداری عاشق به‌رغم جفاکاری معشوق.

مفهوم بیت گزینه‌ی (۱): با وجود دوست، از هیچ چیز و هیچ کس نمی‌ترسم و غم نمی‌خورم. مفهوم بیت گزینه‌ی (۲): من (عاشق) تنها می‌توانم از سر عشق و دوستی با تو (محبوب) رفتار کنم. پس بیا و جور و جفا را ترک کن و با من به صلح و آشتی باش.

مفهوم گزینه‌ی (۳): شاعر می‌گوید: به‌رغم جور و جفای یار همچنان بنده و گوش به فرمان اویم.

مفهوم گزینه‌ی (۴): خبرخواهی عاشق برای معشوق به‌رغم بی‌وفایی او.

۳۵۱- گزینه‌ی (۴) منظور از «بندگی»، بندگی در برابر خداست.

۳۵۲- گزینه‌ی (۱) خسرو با پرسشی که در مصراع اول ابیات «ب و د» آمده، در پی سنجش میزان غیرت و رشک عاشقانه‌ی فرهاد است که پاسخ فرهاد در مصراع دوم همین ابیات، بیانگر شدت غیرت او نسبت به شیرین است.

۳۵۳- گزینه‌ی (۳) بیت (الف) ← خسرو در مناظره‌ی خود به فرهاد می‌گوید اگر شیرین چشم تو را زخمی کند تو چه واکنش و عکس‌العملی خواهی داشت؟ فرهاد جواب می‌دهد: قطعاً چشم دیگر خود را به او تقدیم خواهم کرد (اخلاص و صداقت در عشق).

بیت (ج) ← خسرو می‌گوید اگر به‌خانه‌ی شیرین راه پیدا کنی چه خواهی کرد؟ گفت سرم را زیر پای او خواهم انداخت (جان‌نثاری عاشق).

کمال عاشق سرانداختن در پای معشوق و گذشتن از همه‌ی رنگ‌ها و تعلقات برای رسیدن به بارگاه اوست که در گزینه‌های (۱) و (۳) مشاهده می‌شود

بیت (د) ← غیرت عاشقانه‌ی فرهاد است.

۳۵۴- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت مورد سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) این است که: کمال عاشق سرانداختن در پای معشوق و فنا شدن در راه اوست (خلوص در عشق) اما مفهوم گزینه‌ی (۴)، «هدف عاشق وصال معشوق است» می‌باشد.

۳۵۵- گزینه‌ی (۴) در بیت (۴) «آهن» مجازاً به معنی «تیشه» است. خسرو به فرهاد می‌گوید: اگر کسی شیرین را به چنگ بیاورد چه خواهی کرد؟ فرهاد گفت: اگر رقیب من مثل سنگ سخت و نفوذناپذیر باشد، او را با تیشه‌ی آهنی خودم در هم خواهم کوبید (غیرت عاشقانه‌ی فرهاد). فرهاد به حرفه و شغل خود که «تندیسگر و مجسمه‌ساز» است، اشاره می‌کند و ابزار حرفه‌اش را می‌آورد.

۳۵۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال این است که (خسرو در مناظره‌ی خود از فرهاد می‌پرسد): مردم سرزمین تو چه حرفه و شغلی دارند؟ فرهاد جواب می‌دهد: که غم معشوق را با جان و دل خریدارند (عاشق‌پیشه‌اند: جان آن‌ها در گرو اندوه عشق است). در این بیت تأکید بر این مطلب شده که عاشق غم و اندوه و رنج و سختی تحمل می‌کند که همین مفهوم در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) نیز به چشم می‌خورد، اما در گزینه‌ی (۴)، حافظ «شکرگزاری همراه با شکایت» را مطرح می‌کند.

۳۵۷- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴)، شاعر می‌گوید که عاشق از بذل جان خود دریغ نمی‌ورزد و حاضر است جان خود را در راه معشوق فدا کند (از خودگذشتگی و ایثار عاشق)، اما در گزینه‌ی (۲)، بر عدم شکیبایی عاشق و این که عاشق هرگز قادر نیست در برابر عشق و معشوق صبر و شکیبایی داشته باشد، سخن رفته است.

۳۵۸- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال فرهاد می‌گوید از دوری شیرین یک لحظه هم خواب به چشمانش نمی‌آید. (عشق خواب را از او ربوده است).

در گزینه‌ی (۱) شاعر با بیان اوضاع نابسامان خویش از محبوب تقاضای وصال می‌کند. معنا و مفهوم گزینه‌ی (۲): با خود می‌گفتم شبی چهره‌ی تو را در خواب می‌بینم ولی از آن‌جا که همواره به فکر تو هستم هیچ‌گاه خواب به چشمانم نمی‌آید.

در گزینه‌ی (۳) شاعر می‌گوید در آرزوی دیدن یار، چه بسیار شب‌های تاریک و سختی را پشت سر گذاشتیم.

معنا و مفهوم گزینه‌ی (۴): حتی در قبر هم در آرزوی تو به سر می‌برم.

۳۵۹- گزینه‌ی (۴) اشاره به باور کهن ایرانیان که دیوانه چو در ماه بنگرد دیوانه‌تر شود.

۳۶۰- گزینه‌ی (۴) بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۴)، بیانگر این مفهومند که عاشق خواب و قرار ندارد و همواره در آشفتنی به سر می‌برد.

۳۶۱- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴): عاشق صبر و شکیبایی ندارد، اما بیت گزینه‌ی (۱) می‌گوید: چرا با صبوری جور یار را تحمل نکنم؟

۳۶۲- گزینه‌ی (۲) مضمون مشترک بین صورت سؤال و گزینه‌ی (۲): نگاه دورادور است. حال که عاشق نمی‌تواند به وصال معشوق برسد به نگاهی از دور دل خوش کرده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): صورت تو (معشوق) ماه آسمان است و گیسوانت، دام بلاست.

گزینه‌ی (۳): پیام دادن عاشق و معشوق از طریق نگاه (زبان نگاه)

گزینه‌ی (۴): غیرت عاشق به معشوق به دلیل کثرت عاشقان

۳۶۳- گزینه‌ی (۳) تمام گزینه‌ها و بیت صورت سؤال به این اشاره دارند که عاشق نمی‌تواند در عشق، صبوری کند، در حالی که در گزینه‌ی (۳) گفته شده است آن‌که بر جور و ناکامی و فقر و نابودی صبر ندارد، عاشقی کار او نیست.

۳۶۴- گزینه‌ی (۴) ابیات گزینه‌ی (۱) ← بی‌خوابی عاشق/ ابیات گزینه‌ی (۲) ← جانبازی عاشق در راه معشوق/ ابیات گزینه‌ی (۳) ← بدون معشوق جان و دل به‌درد نمی‌خورد.

۳۶۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← عاشق تا زنده است، عشق به معشوق را رها نمی‌کند (وفاداری!).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← عاشقی کار انسان راحت‌طلب نیست.

گزینه‌ی (۲) ← ارزش معشوق والاتر از عاشق است.

گزینه‌ی (۴) ← کاش ناله‌های من، محبوبم را زنده می‌کرد.

۳۶۶- گزینه‌ی (۴)

۳۶۷- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱) شاعر به معشوق می‌گوید: آن‌که تو را زیبا آفرید، می‌تواند به من صبر و شکیبایی بدهد، ولی سه گزینه‌ی دیگر به ناشکیبایی و بی‌قراری عاشق در برابر معشوق اشاره می‌کنند.

۳۶۸- گزینه‌ی (۴) معنی بیت اول گزینه‌ی (۴) ← ای سعدی، اگر یار از روی مهر و نوازش نظری به تو نیفتد، تلاش تو بی‌حاصل خواهد بود. معنی بیت دوم گزینه‌ی (۴) ← معشوق توجهی به من نداشت، من خود اسیر نگاه هم‌چون کمند او شدم.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← مفهوم کلی دو بیت: تقابل عشق و شکیبایی

گزینه‌ی (۲) ← مفهوم کلی دو بیت: آمادگی عاشق برای بذل جان به پای معشوق
گزینه‌ی (۳) ← مفهوم کلی دو بیت: سختی‌ها و خطرات راه عشق که به مرگ عاشق منتهی می‌شود.

۳۶۹- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) و بیت سؤال برتری و خوش‌تر بودن عشق نسبت به پدیده‌های دیگر مطرح شده است.
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← عشق دارای بعد معنوی است و با دارو و درمان‌های مادی درمان نمی‌شود.
گزینه‌ی (۳) ← ای کسی که مدعی عشق هستی (عاشق واقعی نیستی) ما با تو سر صلح و سلامت نداریم.

گزینه‌ی (۴) ← تا زمانی که هلال بودی من همدم تو بودم، حال که ماه تمام شده‌ای، لطف و عنایت خود را از من دریغ مکن.

۳۷۰- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و ابیات (ب)، (و) و (ز): بی‌قراری و نداشتن صبر و شکیبایی عاشقان

بیت (الف) ← صبوری کردن در فقر/ بیت (ج) ← صبوری کردن برای دریا شدن قطره
بیت (د) ← صبوری کردن بر مسائل و حوادث/ بیت (ه) ← شکیبایی بر جور رقیب

۳۷۱- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) ← جان‌بازی است، درحالی‌که در سایر گزینه‌ها به ترتیب، مفاهیم غفلت، خاکساری و تواضع و نفی خودبینی موردنظر است.

۳۷۲- گزینه‌ی (۳) اعتقاد قدما ← نور ماه، جنون دیوانه را بیش‌تر می‌کند، پس باید از نور ماه دور باشد. این مفهوم در صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) آمده است.

۳۷۳- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۱) ← معشوق را نمی‌توان فراموش کرد.

۳۷۴- گزینه‌ی (۱)

۳۷۵- گزینه‌ی (۲) ابیات (۱)، (۳) و (۴) به این مفهوم اشاره دارند که «عشق در چارچوب سنت و عادت نمی‌گنجد» عاشق همیشه سنت‌شکن است به طوری که جان خود را می‌دهد و در قبال آن غم و غصه می‌خرد ولی بیت دوم می‌گوید: در وادی عشق ادب را رعایت کن (عشق مثل پیایان است که ریگ‌های آن ریزه‌های جان عاشقان است، پس با ادب در وادی عشق قدم بگذار)

۳۷۶- گزینه‌ی (۳) بیت سؤال و ابیات (۱)، (۲) و (۴) به این مفهوم اشاره دارند که: «در راه عشق باید سر داد» عاشق در برابر معشوق از هستی خود می‌گذرد و جان و سر را فدای معشوق می‌کند. در بیت سوم منظور از «قدم از سر کنیم» یعنی با شوق تمام برویم و حرفی از جانبازی و پاکبازی به میان نیامده است.

۳۷۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک: قانع بودن به از دور نگاه کردن به معشوق
مفهوم گزینه (۱) و (۴): پاک‌بازی و جان‌بازی در راه معشوق
مفهوم گزینه (۲): تقابل عشق و آسایش

۳۷۸- گزینه‌ی (۱) بیت گزینه‌ی (۱) ما را به یاد این بیت منظره‌ی خسرو و فرهاد می‌اندازد: «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک/ بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک»

۳۷۹- گزینه‌ی (۳) مفهوم ابیات سؤال: عاشق خواب و صبر ندارد! این هر دو مفهوم با هم فقط در گزینه‌ی (۳) آمده است و سایر ابیات فقط به یکی از آن دو اشاره دارند.

۳۸۰- گزینه‌ی (۱) دارمش پیش ← پیش او دارم (قرار می‌دهم)

هر شبش بینی ← هر شب او را بینی

دوستیش ← دوستی او

کسیش آرد ← کسی او را آرد

نکته: همانطور که دیده می‌شود فقط در گزینه‌ی (۱)، «ش» که باید بعد از «پیش» بیاید بعد از «دارم» آمده و در سایر گزینه‌ها «ش» در جای خود قرار دارد.

۳۸۱- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۱) ← خریدن کنایه از به دست آوردن و فروختن کنایه از دست دادن است و بین آن دو تضاد برقرار است. بین «جا» و «جان» جناس.

در گزینه‌ی (۲) ← عشق به دریایی تشبیه شده است تشبیه بلیغ اسنادی است و بین دریا و کرانه و شنا مراعات نظیر، شنا نتوان کرد: کنایه از رهایی نتوان یافت.

در گزینه‌ی (۳) ← جان استعاره از معشوق است واژه‌های قافیه، جناس دارند ولی ایهام در بیت دیده نمی‌شود.

در گزینه‌ی (۴) ← دل از مهر کسی پاک کردن کنایه از فراموش کردن کسی است و بین پاک و خاک جناس برقرار است. و خاک مجازاً گور است.

۳۸۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم این گزینه دشواری عشق است. دل به عشق سپردن را دل به دریا زدن می‌داند.

مفهوم گزینه‌های (۴)، (۳) و (۱) این است که شاعر زندگی واقعی را در عاشق بودن می‌داند. می‌بیند کسی که عشق در وجود او خانه نکرده باشد، کالبدی خاکی‌ست تهی از روح و احساس، به ظاهر انسان است اما از مفهوم انسان بودن دور است و همان بهتر که نباشد.

۳۸۳- گزینه‌ی (۱) مفهوم سایر ابیات فداکاری عاشق است در حالی که مفهوم بیت گزینه‌ی اول بیانگر قدرت و تأثیر عشق است.

۳۸۴- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱) ← نقش مضاف‌الیه دارد ولی در سایر گزینه‌ها نقش مفعولی دارد.

گزینه‌ی (۱) ← بگفت دوستی او را از طبع بگذار (از دلت برون کن) دوستی، مفعول است.
گزینه‌ی (۲) ← بگفت اگر او را به خواستن سرت راضی بینی (چه کار می‌کنی؟)

گزینه‌ی (۳) ← بگفت آیا او را هر شب مثل ماه می‌بینی؟

گزینه‌ی (۴) ← بگفت اگر کسی او را به‌دست آورد. (چه کار می‌کنی؟)

نکته: در تعیین نقش کلمات حتماً ارکان کلام را به زبان معیار، مرتب کنید.

درس ششم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۳۸۵- گزینه‌ی (۴) عشق همچون کیمیایی، مس وجود را به طلا تبدیل می‌کند و وجود بی ارزش را ارزش را ارزشمند می‌سازد.

۳۸۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و جواب: عشق انسان را از پستی به مرتبه‌ی والا می‌رساند.

۳۸۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۴) ← عشق مانند کیمیایی وجود بی‌ارزش را عالی و ارزشمند می‌کند.

۳۸۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) ← وفاداری عاشق به معشوق

۳۸۹- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) ← عشق به معشوق انسان را به بلندی و عزت می‌رساند.

۳۹۰- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴) چنین است:

وقتی از معشوق و اسرار عشق خبری یافتم از خود بی‌خود و مدهوش شدم!

۳۹۱- گزینه‌ی (۳) مفهوم صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← معشوق به عاشق توجهی ندارد، بلکه این خود عاشق است که خود را در دام عشق معشوق می‌اندازد!

۳۹۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← چشم را او داده است، پس چگونه به او و آفرینش ننگریم؟!

۳۹۳- گزینه‌ی (۱) تاب تحمل دیدار روی دوست را ندارم!

۳۹۴- گزینه‌ی (۳) عشق همچون کیمیایی است که مس وجود انسان را تعالی بخشیده و زر می‌سازد. مفهوم مشترک هر دو بیت!

۳۹۵- گزینه‌ی (۲) توجه تمام و کمال برای دیدار محبوب، در گزینه‌ی (۲) و بیت صورت سؤال داد می‌زند!

۳۹۶- گزینه‌ی (۴) هر سه بیت (۱)، (۲) و (۳) اشاره دارند به این موضوع که به محض باخبر شدن از معشوق از بی‌خبران می‌شود.

اما بیت (۴) به بیهودگی زهد و عدم دانایی راز اشاره دارد!

۳۹۷- گزینه‌ی (۳) با رسیدن عشق به انسان، او از بی‌ارزشی (شبنم نماد ارزش کم) به اوج ارزش‌های معنوی دست می‌یابد. از شرف گذشتن نماد باارزش شدن است.

۳۹۸- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت گزینه‌ی (۲) ارزش بخشیدن عشق به انسان است که با بیت صورت سؤال همخوانی دارد.

۳۹۹- گزینه‌ی (۲) قلم شکست! توضیح هر دو سؤال قبل.

گزینه‌ی (۲) اشاره به تفاوت ارزش مکانی بین بنده و محبوب (خدا) دارد.

۴۰۰- گزینه‌ی (۱) اکسیر عشق: (اضافه‌ی تشبیه‌ی تشبیه

مس: استعاره از وجود بی‌ارزش

۴۰۱- گزینه‌ی (۳) مگر درد اشتیاق ← مگر درد اشتیاق من: «م» در نقش مضاف‌الیه

بیبنمش ← او را ببینم: «م» مفعولی

۴۰۲- گزینه‌ی (۲) عیوق ستاره‌ای است در بالادست که به روشنائی، بلندی و دوری (دور از دسترس بودن) شهرت دارد.

* مراجعه کنید به واژه‌نامه‌ی کتاب!

۴۰۳- گزینه‌ی (۱) مجموع و خرسند: هر دو صفت هستند برای نشان دادن بی‌وفایی. مجموع اگر نشستم: کنایه از آسوده خیال بودن

معنی بیت: نسبت به تو وفادار نبوده‌ام، اگر زمانی آسوده و آرام زندگی کرده باشم.

۴۰۴- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲): گوشم به راه: کنایه از انتظار/ دوست: استعاره از معشوق

صاحب خبر (ایهام) } معشوق
صاحب خبر

صاحب خبر ≠ بی‌خبر (تضاد)

مصراع دوم: پارادوکس دارد/ خبر: تکرار/ که: ضمیر پرسشی است در نقش نهاد.

گزینه‌ی (۱): رود، بود، جناس/ بود، کبود، جناس/ رود، دریا: تناسب/ زهره‌ی دریا شدن نداشت: کنایه و تشخیص دارد.

گزینه‌ی (۳): بُت: استعاره از معشوق زیباروی/ کشیده و کشیده: جناس تام/ دست از قلم کشیده: کنایه

گزینه‌ی (۴): ای دل: تشخیص/ پر گرفتن: کنایه/ بگیریم: ردیف

۴۰۵- گزینه‌ی (۴)

اوفتاده { حقیر، ناتوان } مهر } عشق
{ ایهام } متضاد ایستاده { ایهام تناسب }
{ ایهام } خورشید (که در این معنی با آفتاب و عیوق تناسب دارد).

تشبیه در مصراع اول (م: مشبه، شبنم: مشبه‌به، چون: ادات تشبیه، اوفتاده: وجه شبهه) ۴۰۶- گزینه‌ی (۱) «فتوح» اصطلاحی عرفانی است به معنای گشایش در کار بیش از حد انتظار.

گزینه‌ی (۱) ← شاعر می‌گوید: من منتظر شنیدن خبری از یار بودم که ناگهان خود معشوق از راه رسید و من از خود بی‌خود شدم.

گزینه‌ی (۲) ← آرزوی معشوق مرا از خود بی‌خود کرد و گویی از دنیا رفتم.

گزینه‌ی (۳) ← وفاداری عاشق به معشوق که لحظه‌ای بدون او آسوده و آرام نزیست. گزینه‌ی (۴) ← ارزشمند شدن وجود حقیر عاشق با محبت معشوق. عیوق: ستاره‌ای که نماد روشنی، بلندی و دوری است.

۴۰۷- گزینه‌ی (۱) معنای بیت این است که برایم ممکن نشد نزد معشوق بروم برای همین کمی با پا به طرف او رفتم و گاه مشتاقانه حرکت کردم.

گزینه‌ی (۱) ← شعری از رهی معیری: در آرزوی دیدن ناتوانم و پشت سر تو مشتاقانه حرکت می‌کنم. (با سر دوییدن: کنایه از مشتاقانه حرکت کردن)

گزینه‌ی (۲) ← هر کس برای محبوبش آن‌چه از مال دارد نثارش می‌کند و من جانم را فدا می‌کنم. (سرفشانیدن: کنایه از جان نثاری)

گزینه‌ی (۳) ← برای دیدن رفتن او و شنیدن سخن او تمام وجودم چشم و گوش شده است. (از پا تا به سر مجاز از همه‌ی وجود)

گزینه‌ی (۴) ← از مدرسه و خانقاه صحبت نکن که باز میل رفتن به میخانه را دارم. (در سر افتادن هوای کاری: کنایه از میل کاری را داشتن)

۴۰۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال این است که معشوق به عاشق توجه ندارد و این خود عاشق است که خود را در بند عشق گرفتار می‌کند اما گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) دقیقاً از بی‌اختیاری عاشق سخن گفته‌اند و این که معشوق سبب کشش است و عاشق کاره‌ای نیست.

۴۰۹- گزینه‌ی (۴) اشتیاق سود بی‌مایگان موجب زبان دیگران است که این امری است منفی! اما در گزینه‌های دیگر اشتیاق به دیدار معشوق مراد است.

۴۱۰- گزینه‌ی (۲) تمام گزینه‌ها به بی‌خبری عاشق در کوی معشوق اشاره دارد ولی گزینه‌ی (۲) می‌خواهد دلش را به معشوق بسپارد.

۴۱۱- گزینه‌ی (۲) بیت سؤال و بیت گزینه‌ی (۲) از این نظر مفهوم مشترکی دارند که هر دو به عشق اختیاری از جانب عاشق اشاره دارند و این که این عاشق، تربیت شده‌ی مکتب عشق است و مایل به بندگی کردن و اسیر عشق شدن است

۴۱۲- گزینه‌ی (۲) بیت صورت سؤال مفهومش چنین است: عشق انسان را به مراتب بسیار بالا می‌رساند (به عیوق بر شدن کنایه از رسیدن به نهایت بلندی است). این مفهوم در بیت گزینه‌ی (۲) نیز دیده می‌شود که اگر عشق بورزی از آفتاب هم بهتر و برتر می‌شوی.

۴۱۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳) این است که عاشق بسیار آرزومند دیدار معشوق است و با تمام وجود می‌خواهد او را درک کند.

۴۱۴- گزینه‌ی (۳) بیت سؤال مانند بیت گزینه‌ی (۳) این مفهوم را دارد که عاشق با رغبت و میل خود اسیر عشق اختیاری شده است و معشوق توجهی به عاشق نداشته است.

۴۱۵- گزینه‌ی (۴) بیت (۴) همانند بیت سؤال این مفهوم را دارد که عاشق واقعی خود تسلیم معشوق و عشق است و اگر معشوق نیز به او توجهی نکند، او بر عشق و اسیر شدن خود استوار و پابرجا است.

۴۱۶- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال زردی صورت توسط عشق مثبت است ولی در گزینه‌ی (۳) این مفهوم منفی است.

* دقت کنید در صورت سؤال مفهوم مقابل خواسته شده یعنی برعکس!! (خُب صورت سؤالو دُرست بخون چرا فحش می‌دی!!!)

۴۱۷- گزینه‌ی (۱) خویشتن بدل است از من.

۴۱۸- گزینه‌ی (۲) «در» اول اسم است و «در» های دیگر پیشوند فعل است.

۴۱۹- گزینه‌ی (۲) هر دو بیت بی‌توجهی معشوق را به عاشق می‌رساند.

۴۲۰- گزینه‌ی (۳) بقیه گزینه‌ها: دیدار یا خبر معشوق سبب از خودبی‌خودگی عاشق است.

۴۲۱- گزینه‌ی (۴) مفهوم صورت سؤال «کمال‌بخشی عشق» است. شاعر در گزینه‌ی (۴) نیز می‌گوید: چهره‌ی ما نیز از اکسیر عشق همچون طلا زرد شده است.

۴۲۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت سؤال: از خود بی‌خود شدن عاشق با دیدن معشوق مفهوم ابیات:

گزینه‌ی (۱): ناتوانی در پنهان نگاه داشتن عشق

گزینه‌ی (۲): از خودبی‌خود شدن عاشق با دیدن معشوق

گزینه‌ی (۳): ناتوانی از نظربوشی

گزینه‌ی (۴): شوق وصال و شب‌زنده‌داری عاشق

۴۲۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): تعالی‌بخش بودن و اثر کیمیای عشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): یکسان نبودن ارزش پدیده‌های مشابه

گزینه‌ی (۲): کم نشدن ارزش ذاتی در سختی‌ها و بلاها

گزینه‌ی (۳): تأثیر ویرانگر هم‌نشین نامناسب

۴۲۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): خودخواسته عاشق شدن و به اختیار خود در دام معشوق افتادن/ اختیاری بودن عشق

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): عشق موجب وارستگی و مانع خودخواهی است.

گزینه‌ی (۳): گلایه از جفاکاری معشوق

گزینه‌ی (۴): ترک تعلقات دنیوی

۴۲۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت سؤال ← نمی‌توانم نگاه نکنم (باید نگاه کنم)/ مفهوم بیت گزینه‌ی (۳) ← نباید نگاه کنم!!

۴۲۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال این است که: با دیدن محبوب نه تنها اشتیاق و میل عاشق به او کمتر نمی‌شود بلکه فزونی می‌یابد در بیت گزینه‌ی (۱) شاعر می‌گوید: با خود گفتم شاید با فراهم آمدن وصال، از عشق به محبوب رهایی یابم؛ اما من مانند شخصی هستم که به بیماری استسقا دچار شده است و با خوردن آب هیچ‌گاه سیراب نمی‌شود.

۴۲۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال این است: «من خود به دام عشق معشوق گرفتار شدم و اختیار داشتم» که مفهوم مقابل آن «جبر» است که در ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) دیده می‌شود.

۴۲۸- گزینه‌ی (۲) سعدی می‌گوید عشق همچون اکسیری است که وجود بی‌ارزش انسان را ارزش می‌بخشد و او را شایسته‌ی حضور به بارگاه معشوق می‌کند که همین مفهوم در گزینه‌ی (۲) آمده است.

۴۲۹- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): مدارا کردن با اسیر مفهوم مشترک سه گزینه‌ی دیگر: عاشق به میل خود اسیر دام عشق می‌شود و در پی رهایی از آن نیست.

۴۳۰- گزینه‌ی (۴) در صورت سؤال و گزینه‌های (۱) و (۲) و (۳) سخن از اسارت در دام عشق به خواسته‌ی معشوق است در حالی که در گزینه‌ی (۴) عکس این قضیه است.

۴۳۱- گزینه‌ی (۴) بیت سؤال و گزینه‌ی فوق بیان‌کننده‌ی این نکته است که عاشق باید با تمام وجود به معشوق توجه کند زیرا اولین پدیده‌ای که شناخته عشق به معشوق بوده است.

۴۳۲- گزینه‌ی (۴) ابیات «الف» و «ج» و بیت صورت سؤال همگی بر این نکته اشاره دارند که عاشقان خود در دام عشق به معشوق گرفتار شده‌اند. این گرفتاری از سوی خودشان اتفاق افتاده است و معشوق تلاشی در گرفتار کردن آنان نداشته است.

۴۳۳- گزینه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← عاشق به اختیار خود به دام معشوق می‌افتد و معشوق توجهی به عاشق ندارد.

۴۳۴- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال سعدی می‌گوید که من مثل شبنم بی‌ارزش و ناچیز بودم، ولی آفتاب عشق مرا به کمال رساند و ارزش بخشید. شاعر در گزینه‌ی (۳) معتقد است که رخ گاهی او مورد توجه هیچ کس نبود، ولی وقتی در کوی معشوق افتاد، این عشق او را به طلای معتبر تبدیل کرد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← تیر عشق تو در دل من جای دارد.

گزینه‌ی (۲) ← آتشی بزرگ از عشق در دلم افروخته شده که شمع‌های بسیاری را روشن می‌کند.

گزینه‌ی (۴) ← آه از دلم مثل تیر به آسمان می‌رود و به همین دلیل آسمان از دلم حذر می‌کند.

۴۳۵- گزینه‌ی (۳) این بیت تکرار و تناقض (بارادوکس) ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «مس و زر» تضاد دارند/ «روی زرد شدن» کنایه از «رنجوری»

گزینه‌ی (۲) ← اکسیر عشق: تشبیه/ روی، مس، زر: مراعات‌نظیر

گزینه‌ی (۴) ← سعدی با دلیلی غیرواقعی و شاعرانه زردی روی خود را به دلیل اکسیر عشق می‌داند که وجود بی‌ارزش او را متعالی کرده است: حسن تعلیل/ روی: ۱- چهره، رخسار (معنای موردنظر شاعر) ۲- نوعی فلز (معنایی که مورد نظر شاعر نیست، اما متناسب با «زر و مس» است). بنابراین ایهام تناسب دارد.

۴۳۶- گزینه‌ی (۴) سعدی در بیت صورت سؤال می‌گوید که محبوب توجهی به من نداشت و من خود اسیر عشق او شدم و این مفهوم در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) نیز وجود دارد، اما در گزینه‌ی (۴) شاعر می‌گوید من به اختیار خود به عشق تو گرفتار نشدم بلکه زلف خوش‌بوی تو مرا به سوی خویش می‌کشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← دل به اختیار خود اسیر عشق او می‌شود، همان‌طور که ماهی، خود، به سوی دام می‌رود.

گزینه‌ی (۲) ← صید به دنبال شکارچی می‌رود.

گزینه‌ی (۳) ← هم‌چون مرغ زیرک با پای خود در دام افتادم.

۴۳۷- گزینه‌ی (۲) بیت صورت سؤال بیانگر این مفهوم است که عاشق با دیدار یار، مشتاق‌تر شده و بی‌قراری و اشتیاق او فزون‌تر گشته است.

معنی بیت گزینه‌ی (۲) ← با خود می‌گفتم با وصال یار، آتش اشتیاق فرو می‌نشیند، ولی ندانستم که برای بیمار مبتلا به استسقا (عاشق) نوشیدن آب سودی ندارد و هم‌چنان عطش و اشتیاق او بر جای می‌ماند.

۴۳۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) ← عاشق بدون معشوق آرامش ندارد.

۴۳۹- گزینه‌ی (۲) بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) بر این نکته تأکید دارند که دیدار معشوق نه تنها از آلام و اندوه و عشق عاشق کم نمی‌کند، بلکه برعکس بر اشتیاق و درد عشق و ناآرامی او می‌افزاید، اما در گزینه‌ی (۲) آمده است ← زلف آشفته‌ی معشوق، عاشق را آشفته‌تر و شیفته‌تر می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← عاشق با وصل آشفته‌تر گشت./ گزینه‌ی (۳) ← دیدار معشوق مرا مشتاق‌تر کرد./ گزینه‌ی (۴) ← گفته‌اند که وصل یار موجب فروکش کردن آتش عشق می‌شود، این گونه نشد و شعله بر آسمان کشید.

۴۴۰- گزینه‌ی (۳) مفهوم سؤال، بی‌نیازی معشوق و عدم توجه به عاشق است. اما در گزینه‌ی (۳) آمده است که عاشق منتظر لطف و کشش معشوق است و تا این جذب و کشش نباشد، عاشق خود به سوی مال (معشوق) کشیده نمی‌شود.

۴۴۱- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال و در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، عشق باعث بلندمرتبه‌ی انسان می‌شود، اما در گزینه‌ی (۳)، همت و اراده‌ی انسان مهم دانسته شده است.

۴۴۲- گزینه‌ی (۳) در بیت سؤال آمده است که «معشوق عنایتی به عشق‌ورزی من نداشت و من به اختیار خود عاشق او شدم. که در گزینه (۳) مفهوم مقابل آن را بیان می‌کند که معشوق، عاشق را همراه خود می‌کند».

۴۴۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک: بی‌توجهی معشوق به عاشق

مفهوم گزینه‌های (۱) و (۲) و (۳): عشق، عاشق را به کمال می‌رساند.

۴۴۴- گزینه‌ی (۱) هر دو بیت به این موضوع اشاره دارند که: «عاشق، خود اسیر و گرفتار معشوق می‌شود» نیازهای عاشق در برابر ناز معشوق نشانگر اختیار عاشق در عشقش نسبت به معشوق است.

۴۴۵- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک: دیدن معشوق، عشق عاشق را زیادت‌ر می‌کند. اما در گزینه (۴) می‌گوید عشق بورز تا به تکامل برسی!

۴۴۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم مصراع دوم بیت سؤال، به بی‌قراری عاشق اشاره می‌کند و این‌که او یک لحظه نیز آرام و قرار ندارد و این مفهوم بی‌قراری دقیقاً در گزینه‌ی (۲) نیز آمده است.

۴۴۷- گزینه‌ی (۱) در این گزینه گفته شده که تحریر درد اشتیاق بسیار طاقت‌فرسا و طولانی است در حالی که در سایر ابیات گفته شده است که با دیدار معشوق نه تنها اشتیاق عاشق کم نمی‌گردد که نتیجه‌ی عکس نیز می‌دهد و شوق او را می‌افزاید.

درس هفتم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۴۴۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۱) ← غفلت و گذر عمر مفهوم بیت (۲) ← در پی عمر جاودان نباش

مفهوم بیت (۳) ← عشق ما ازلی است.

مفهوم بیت (۴) ← مانع آمدن معشوق خوش‌گذرانی و غفلت است، اگر آه مرا بشنود برمی‌گردد.

* به نظر می‌رسد گزینه‌ی (۲) و (۴) نیز بی‌ربط نیستند، اما گزینه‌ی (۱) بهتر است.

۴۴۹- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) ← زمانی که با تو نیستم (فراق) در عمر من حساب نمی‌شود.

۴۵۰- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← لاله‌زار عمر - گل رو/ گزینه‌ی (۲) ← چو باران - چو برق/ گزینه‌ی (۴) ← سوار عمر

۴۵۱- گزینه‌ی (۲) مصراع دوم گزینه‌ی (۲) استهزام انکاری است: «روز فراق را که نهد در شمار عمر؟» یعنی کسی روز فراق را در شمار عمر نمی‌نهد!

۴۵۲- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) ← «هر»: صفت مبهم - «آن»: صفت اشاره/ گزینه‌ی (۳) ← «این»: صفت اشاره/ گزینه‌ی (۴) ← «این»: صفت اشاره - «یک دو» صفت شمارش/ * در گزینه‌ی (۱): «این» وابسته‌ی پیشین نیست چرا که پس از آن «اسم» نیامده است.

۴۵۳- گزینه‌ی (۴) حس آمیزی ← شکر خواب/ مراعات‌نظیر ← صبح و بامداد/ جناس ← کی و می

درس هشتم ادبیات پیش‌دانشگاهی

- ۴۷۱- گزینهی (۳) مفهوم مشترک سؤال و بیت گزینهی (۳) ← معشوق را باید از نگاه عاشق دید و چنین نگاهی زیبایی و مثبت‌نگر است.
- ۴۷۲- گزینهی (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینهی (۲) ← نحوه‌ی نگرش عاشق به معشوق متفاوت است و او زیبایی و چیزهایی در معشوق می‌بیند که دیگران نمی‌توانند ببینند (معادل: اگر در دیده‌ی مجنون نشینی/ به غیر از خوبی لیلی نبینی تو مو بینی و مجنون پیچش مو/ تو ابرو او اشارت‌های ابرو)
- ۴۷۳- گزینهی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینهی (۴) ← از نظر عاشق، معشوق با بقیه فرق دارد و نگاه او نگاهی دیگر به معشوق است.
- ۴۷۴- گزینهی (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینهی (۱) ← انتقاد از ظاهر بینان
- ۴۷۵- گزینهی (۳) این بیت اشاره به نحوه‌ی نگرش انسان به محیط دارد.
- ۴۷۶- گزینهی (۴) کل شعر «مجنون و عیب‌جو» به نفی ظاهر بینی دعوت می‌کند.
- ۴۷۷- گزینهی (۳) مفهوم مشترک این دو، نفی ظاهر بینی و بیان اهمیت نحوه‌ی نگرش است.
- گزینهی (۱) ← همه‌ی مرا به عشق ورزی تو ملامت می‌کنند اما این ملامت و سرزنش در مورد من انصاف نیست چون خوبی و زیبایی توست که مرا عاشق کرده است.
- گزینهی (۲) ← هر که عاشق است باید دست از خواسته‌های خود بردارد و خود را در نظر نگیرد.
- گزینهی (۳) ← سرزنش فرد ظاهر بین است که زیبایی ظاهری ما را عاشق نکرده بلکه به قول حافظ یک «آن» و یک نظر الهی ما را عاشق معشوق کرده است.
- گزینهی (۴) ← تحمل سختی راه عشق آسان است چون عشق به مکه و خدا در یاد و دل ماست.
- ۴۷۸- گزینهی (۱) ناوک: نوعی تیر کوچک که آن را در غلاف آهنین گذارند و از کمان سُر دهند تا دورتر رود.
- نگاه ناوک انداز: نگاهی که همچون تیر تأثیر گذار باشد (نگاهی که تیر بر دل عاشق می‌زند).
- ناوک انداز: صفت فاعلی مرکب مرخم (ناوک‌اندازنده)
- ۴۷۹- گزینهی (۳) ناوک: تیر کوچک که در غلاف آهنی گذارند و از کمان سُر دهند تا دورتر رود/ غوی: همراه/ قصور: کوتاهی، نقص، عیب
- ۴۸۰- گزینهی (۴) گزینهی (۱) ← معشوق ما را در پی خود می‌کشاند./
- گزینهی (۲) ← در راه معشوق جان فداایم./ گزینهی (۳) ← کسی که عاشق نشده درد عشق مجنون را نمی‌فهمد./ گزینهی (۴) ← ایراد عیب جو این بود که ظاهر بین بود.
- ۴۸۱- گزینهی (۲) مفهوم سؤال بر این نکته تکیه دارد که فقط عاشق حقیقی همچون مجنون کیفیت حسن لیلی را درک می‌کند؛ حال آن‌که گزینهی (۲) این مفهوم را دارد که هر کسی که بصر (چشمی) دارد، باید حیران تو باشد.
- ۴۸۲- گزینهی (۱) بیت سؤال و گزینهی (۱) هر دو به این نکته اشاره دارند که فقط عاشق است که معشوق را در همه حال زیبا و دوست‌داشتنی می‌یابد و او را با چشم معنوی می‌نگرد و دیگران از این نوع دیدن محرومند.
- ۴۸۳- گزینهی (۴) در بیت سؤال و گزینهی (۴) به نگاه خاص عاشق (و نه هر نگاهی) به معشوق اشاره دارد و فقط این عاشق است که معشوق را همواره زیبا و خواستنی می‌بیند.
- مفهوم دیگر گزینه‌ها چنین است: عشق انسان را به مرتبه‌ی بالا می‌رساند.
- ۴۸۴- گزینهی (۱) برای رعایت قافیه لازم است حوری و قصوری پسوند مشترک داشته باشند. پس «ی» حوری نیز مانند قصوری نکره است.
- ۴۸۵- گزینهی (۱) در بیت صورت سؤال بر این مفهوم تأکید شده است که زیبایی معشوق را فقط عاشق درک می‌کند. در بیت اول نیز شاعر می‌گوید: برای درک جمال معشوق فقط از دیدگاه سعدی (=عاشق) باید به معشوق نگریست.
- ۴۸۶- گزینهی (۴) مفهوم بیت سؤال و گزینهی (۴): نگاه متفاوت عاشق به معشوق بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینهی (۱): بی‌خبری شرط خبر داشتن است!
- گزینهی (۲): تفاوت داشتن سخن اهل حقیقت با دیگران
- گزینهی (۳): ستایش لطافت و راست‌قامتی یار و برتر دانستن او از دیگران

- ۴۵۴- گزینهی (۲) حسن تعلیل ← مصراع اول دلیلی غیر واقعی و شاعرانه برای مصراع دوم است.
- تناسب ← خیل و عنان و سوار
- تشبیه ← سوار عمر (عمر به سوار)
- ۴۵۵- گزینهی (۴) گزینهی (۱) ← مصراع دوم/ گزینهی (۲) یک دو دم/ گزینهی (۳) ← بشد روزگار عمر
- ۴۵۶- گزینهی (۴) در گزینهی (۴)، «که» به معنای چه کسی است و ضمیر پرسش است. در سایر ابیات «که» حرف ربط است.
- ۴۵۷- گزینهی (۳) «یک دو دم» مجاز از زمان اندک است!
- ۴۵۸- گزینهی (۳) «بی عمر زنده‌ام» پارادوکس است.
- ۴۵۹- گزینهی (۲) بیت بعدی بیت سؤال این است:
- تا کی می‌صبح و شکر خواب بامداد/ هشیار گرد، هان! که گذشت اختیار عمر که چهار جمله است.
- ❖ دقت کنید شعر بهار عمر حافظ، جزء اشعار حفظی کتاب درسی است.
- ۴۶۰- گزینهی (۲) مفهوم گزینهی (۲) برخلاف صورت سؤال به حرف نزنن است.
- نکته: مفهوم گزینهی (۴) نفی غیبت است.
- ۴۶۱- گزینهی (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهی (۳): ناپایداری عمر و ضرورت اغتنام فرصت.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینهی (۱): روزگار تلخ هجران را نباید در شمار عمر به حساب آورد.
- گزینهی (۲): دشواری‌ها و پیش‌آمدهای ناگوار در طول زندگی
- گزینهی (۴): گذر عمر در حسرت وصال معشوق/ ناکامی عاشق
- ۴۶۲- گزینهی (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهی (۴): روزگار تلخ هجران را نباید در شمار عمر به حساب آورد.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینهی (۱): امید به وصال، انگیزه‌ی حیات عاشق است.
- گزینهی (۲): روزگار غفلت را نباید در شمار عمر به حساب آورد.
- گزینهی (۳): ترک تمایلات نفسانی موجب زندگی جاودان است.
- ۴۶۳- گزینهی (۳) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به استفاده کردن از لحظه‌های عمر و خوش‌گذرانی تأکید شده است، اما مفهوم گزینهی (۳) نکوهش طمع‌کاری و غرور می‌باشد.
- ۴۶۴- گزینهی (۳) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینهی (۱)، (۲) و (۴) یادگار ماندن سخن شاعر و در بیت گزینهی (۳) سراینده‌ی بیت (رهی معیری) خود را یادگار حافظ می‌داند.
- ۴۶۵- گزینهی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینهی (۲) مرتبط ← وجود معشوق برای عاشق ارزشمند است و دوری معشوق باعث از بین رفتن بهار عمر (جوانی) عاشق شده است، به همین دلیل عاشق خواهان توجه معشوق است. مفهوم بیت گزینهی (۲) ← تو نیز مانند لاله و سرو جلوه‌گری کن.
- ۴۶۶- گزینهی (۴) بیت سؤال: پرهیز از خوش‌گذرانی و پرهیز از غفلت است و مفهوم مقابل این بیت فقط در گزینهی (۴) دیده می‌شود.
- گزینهی (۴) ← توصیه به خوش بودن و غصه‌ی دیروز و فردا را نخوردن.
- بیت (۱) ← چشم می‌گون معشوق مانع هشیاری است.
- بیت (۲) ← عبرت‌پذیری و آگاه شدن از نتیجه‌ی بدی
- بیت (۳) ← شکوه و شکایت از غفلت و بی‌خبری
- ۴۶۷- گزینهی (۱) خیل حوادث: تشبیه/ خیل: ایهام تناسب (گروه اسبان که در این معنی با عنان گسسته و سوار تناسب دارد، دسته و سپاه)/ مصراع نخست: کنایه/ سوار عمر: تشبیه/ کل بیت حسن تعلیل: علت زودگذری عمر وجود حوادث بسیار است.
- ۴۶۸- گزینهی (۳) مفهوم بیت: ارزشمندی وقت و عمر در کنار محبوب است و روز فراق در شمار عمر نیست.
- ۴۶۹- گزینهی (۴) پیام سایر گزینه‌ها حتمی و قطعی بودن قضا و قدر و تأثیر سرنوشت است. اما پیام بیت گزینهی (۴)، گذر عمر و پرهیز از غفلت است.
- ۴۷۰- گزینهی (۱) نکته: دقت کنید که شعر «بهار عمر» حافظ، جزء اشعار حفظی است!

۴۸۷- گزینه‌ی (۴) «حور» در عربی جمع «آحور» و «حورا» به معنی مرد و زن سیاه چشم است. این کلمه که در فارسی به معنی مفرد به کار رفته است، «حوری» هم گفته می‌شود. در این بیت «حوری» از آن جهت که توصیف لیلی توسط عیب‌جو است، باید به صورت «حور» + ی نکره خوانده شود.

۴۸۸- گزینه‌ی (۱) معشوق را باید از دریچه‌ی چشم عاشق دید.

گزینه‌ی (۲) ← عاشق در همه‌جا معشوق را می‌بیند.

گزینه‌ی (۳) ← تحوّل پدیده‌های هستی و دل نیستن به دنیای ویرانه

گزینه‌ی (۴) ← عشق سراسر وجود من را فرا گرفته است.

۴۸۹- گزینه‌ی (۱) بیت مورد سؤال تفاوت دید عیب‌جو و مجنون را می‌رساند و بیت گزینه‌ی (۱) نیز تفاوت دید و بینش عاشق واقعی و ظاهرینان مدّعی را می‌رساند. گفت لیلی را خلیفه کان تویی کز تو مجنون شد پریشان و غوی از دگر خوبان تو افزون نیستی گفت خامش چون تو مجنون نیستی (مولوی)

عیب مجنون مکن ای منکر لیلی که ز دور حالتی هست که آن بر همه کس ظاهر نیست (وحشی بافقی)

۴۹۰- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) نفی ظاهرینی و توجّه به باطن است در حالی که در گزینه‌ی (۳) تفاوت نگرش عاشق با دیگران است.

۴۹۱- گزینه‌ی (۳) «نکوهش ظاهرینی» مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌های مرتبط است، اما در بیت گزینه‌ی (۳) شاعر می‌گوید: «از ترس مردم زمانه، خرقه‌پوشی و درویشی خود را پنهان کرده است.»

۴۹۲- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) سعدی، عاشقی را هنر خود می‌داند، چیزی که عوام آن را عیب می‌شمارند، ولی در ابیات صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر، بر این موضوع تأکید شده که عاشق، عیب معشوق را نمی‌بیند.

۴۹۳- گزینه‌ی (۴) در بیت صورت سؤال به دیدگاه متفاوت عاشق حقیقی با دیگران اشاره شده است و بیت گزینه‌ی (۴) هم می‌گوید که «ما هنر و جمال معشوق را می‌بینیم و تو عیب و نقص او را، ما از آینه صفا و پاکی می‌بینیم و تو پشت آن را می‌نگری.»

۴۹۴- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) این است که باید از نگاه عاشق به محبوب نگریست.

مفهوم گزینه‌ی (۱): کسی که چشمش به دنبال زیبایی آن محبوب است، سخت دل‌بسته و شیفته‌ی اوست.

۴۹۵- گزینه‌ی (۲) در دو بیت صورت سؤال از مثنوی مولانا، بر نگرش مثبت و عاشقانه نسبت به معشوق تأکید شده است، هم‌چنین سطحی‌نگری و ظاهرینی در آن نفی شده است، شاعر این مفهوم را در بیت گزینه‌ی (۲) نیز بیان کرده است.

معنی بیت گزینه‌ی (۲) ← اگر دید عاشقانه نداشته باشی، نمی‌توانی کیفیت زیبایی لیلی (معشوق) را درک کنی.

۴۹۶- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال ظاهرینی عیب‌جو، نکوهش شده است، زیرا او نظر به کیفیت و عمق و باطن ندارد و در گزینه‌ی (۲) نیز شاعر معتقد است، اهل بصیرت کسانی را که به لباس نظر دارند، چون سوزن، عریان می‌دانند (آنان را ظاهرین می‌دانند).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← کسی که چشمش به دنبال زیبایی آن محبوب است، سخت دل‌بسته و شیفته‌ی اوست.

گزینه‌ی (۳) ← گیاهان روئیده در حریم خیمه‌ی لیلی نیز از اشک چشم مجنون سیراب شده‌اند.

گزینه‌ی (۴) ← وقتی عاشق او شوی، نمی‌توانی از او دل بکنی.

۴۹۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) ← تقابل ظاهرینی و باطن‌نگری

۴۹۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک گزینه‌ها: نفی ظاهرینی

اما گزینه (۱) می‌گوید شرط یافتن از معشوق از خودبی‌خودی است!

۴۹۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) معتقدند در عشق، عیب و نقصی دیده نمی‌شود و هر عیبی حسن و نیکی است و گزینه (۳) می‌گوید نباید از معشوق جدا شد که موجب پشیمانی است.

۵۰۰- گزینه‌ی (۳) «عدم توجّه به ظاهر» ← اشتراک بیت ۳ و شعر مجنون و عیب‌جو

۵۰۱- گزینه‌ی (۲) هر دو کلمه‌ی قافیه (حوری و قصوری) ی «نکره» دارند. (رجوع کنید به خودآزمایی درس مجنون و عیب‌جو)

نکته: مطابقه همان تضاد یا طباق است.

۵۰۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت سؤال تأکید بر عشق‌ورزی عاشق و ندیدن عیب‌های معشوق است که در تمام گزینه‌ها تکرار می‌شود و در گزینه‌ی (۳) به دشواری راه عشق اشاره شده!

۵۰۳- گزینه‌ی (۱) حس آمیزی: شکر خنده

مراعات نظیر: دل و لب و دندان

جناس: خون و چون

۵۰۴- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌های دیگر اشاره به این دارد که عاشق باطن‌نگر است و با ظاهرینی نمی‌توان عاشق حقیقی بود.

درس نهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۵۰۵- گزینه‌ی (۳) «تهجّد یعنی شب زنده‌داری برای عبادت» و با همین معنی این تست قابل پاسخ‌گویی بود!

۵۰۶- گزینه‌ی (۳) چهره به خاک ساییدن: کنایه از سجده کردن/ روی در لکه ابرهای تیره کشیدن: کنایه از پشت ابر پنهان شدن/ به خاک افتادن: کنایه از مردن و شهید شدن است.

۵۰۷- گزینه‌ی (۱) ← هوا به نگاه تشبیه شده.

گزینه‌ی (۳) ← شب به پرده تشبیه شده (اضافه‌ی تشبیه‌ی).

گزینه‌ی (۴) ← او به اختر تشبیه شده است.

۵۰۸- گزینه‌ی (۱) تهجّد صحیح است به معنی شب‌زنده‌داری.

۵۰۹- گزینه‌ی (۲) «موحش» صحیح است به معنی وحشت‌آور!

۵۱۰- گزینه‌ی (۲) املای صحیح واژه‌ها: طوفانی - حضيضی (پستی)/ توفان: غرّان

۵۱۱- گزینه‌ی (۱) تهجّد: شب زنده‌داری، شب بیداری/ تحجّر: مثل سنگ شدن، غرور/ تهجّر: دوری، هجران

توضیح: دیشب: منظور تاسوعای حسینی است/ طومار عشق ← اضافه‌ی تشبیه‌ی/ چهره به خاک ساییدن ← کنایه از سجده کردن

۵۱۲- گزینه‌ی (۴) اشک: استعاره و تشخیص دارد، به دلیل هدایت کردن و نگرستن. سیل حوادث: تشبیه

استحکام کاخ پوشالی: پارادوکس (متناقض نما) ← هیچ کاخی نمی‌تواند هم پوشالی و هم با استحکام باشد.

کل جمله: استفهام انکاری و کنایه دارد.

معنی: مگر اشک انسان مظلوم، حوادث ویرانگر را هم‌چون سیل به سمت کاخ‌های ظاهراً محکم اما سست ستمگران نمی‌کشاند و به آن‌ها با تمسخر نمی‌نگرد؟ (البته که می‌نگرد) همه‌ی آن‌ها را ویران می‌کند.

۵۱۳- گزینه‌ی (۳) چهره به خاک ساییدن: کنایه از عبادت کردن و سر به سجده نهادن

۵۱۴- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← اشتباه است.

گزینه‌ی (۳) ← خاک‌های غم‌آلود: صفت مفعولی مرکب مرخم (غم‌آلوده)، تشخیص هم دارد.

گزینه‌ی (۴) ← فروغ بی‌رنگ مهتاب: پارادوکس (روشنی بی‌رنگ)

۵۱۵- گزینه‌ی (۲) حضيض: نشیب، پستی (مقابل اوج)

سخره: تمسخر، ریشخند

تهجّد: شب بیداری، شب زنده‌داری

طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ

۵۱۶- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) ← تشبیه، تشخیص و کنایه از نورافشانی ماه

گزینه‌ی (۲) ← تشبیه، تشخیص و کنایه از نورافشانی ستاره‌ها

گزینه‌ی (۳) ← تشبیه (طومار عشق)

گزینه‌ی (۴) ← تشبیه، کنایه (آستین بر چهره گرفتن)، حسن تعلیل که علت پشت ابر ماندن ماه را شرمندگی و خجالت او می‌داند و تشخیص

۵۱۷- گزینۀ (۱) ← سیاهی شب سنگین شده حس آمیزی دارد.

چون شدت تاریکی را باید ببینیم و قابل لمس کردن نیست.

معنی: تاریکی شب بسیار شدید بود.

گزینۀ (۲) ← نگاه وحشتناک غارها: استعاره و تشخیص

کل جمله: تشبیه دارد.

معنی: هوا مانند فضای ترس آور داخل غارها حرکتی نداشت (باد نمی‌وزید).

گزینۀ (۳) ← فرات: استعاره‌ی مکنیه: تشخیص به علت داشتن صدای غمگین

صدا از گوش‌ها می‌افتاد: کنایه از قطع شدن صدا و خاموش شدن

گزینۀ (۴) ← پیش آمدن ماه: تشخیص

ماه چون انسانی ترسیده: تشبیه، تشخیص

دخمه‌ای مهیب: گودالی ترسناک

۵۱۸- گزینۀ (۲) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس سپیده‌ی آشنا

۵۱۹- گزینۀ (۲)

۵۲۰- گزینۀ (۴)

معنای بیت: ظالم از تیر آه و نفرین مظلوم در امان نیست

همچنان که قبل از بلند شدن فریاد از هدف و صید، خود کمان به فغان و فریاد

درمی‌آید (کمان با پرتاب کردن تیر، به صید ستم می‌کند اما پیش‌تر از صید، خودش

آزرده می‌شود و به فریاد درمی‌آید) ← ظلم ظالمان گریبان خود ظالم را هم می‌گیرد

و این فقط مظلوم نیست که آسیب می‌بیند.

این مفهوم در گزینۀ (۴) دیده می‌شود: اشک و آه مظلومان و سیه‌روزان، زندگی به

ظاهر امن و مرفه ظالمان را دستخوش حوادث ناگوار خواهد کرد.

۵۲۱- گزینۀ (۳) مگر نه این است که اشک بیچارگان حوادث تاریخ را ارشاد

و هدایت می‌کند و به قدرت کاذب ستمگران با تمسخر می‌نگرد. مفهوم عبارت این

است که اشک دردمندان و بیچارگان کاخ پوشالی ستمگران را ویران می‌کند.

۵۲۲- گزینۀ (۳) در عبارت پرسش، نویسنده، نهر فرات (عناصر طبیعی) را از

کشته شدن امام حسین (ع) و یارانش غمگین می‌داند و در بیت گزینۀ (۳) شاعر،

آسمان (عناصر طبیعی) را از این واقعه ناراحت و غمگین می‌بیند.

«روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار»

۵۲۳- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ (۱) ← اگر دلی

آزرده و شکسته شود و مورد ظلم واقع شود، آه و نفرینش دامن ظالم را خواهد گرفت.

۵۲۴- گزینۀ (۱) امام حسین (ع) فرمود: «اگر دین ندارید لااقل در زندگی

دنیایتان آزاده باشید» توصیه به آزادی در گزینۀ (۱) دیده می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ (۲): متواضع باش.

گزینۀ (۳): چون بی‌مایه‌ای لاف سخنوری زن.

گزینۀ (۴): آزاده کسی است که دلی به‌دست می‌آورد.

۵۲۵- گزینۀ (۳) تشخیص: «چهره بر آستین گرفتن ماه» و «رو در ابرها

کشیدن ماه»/ حسن تعلیل: بیان علت ادبی و تخیلی «پنهان شدن ماه به پشت ابر به

قصد روشن نشدن دشت کربلا»/ پارادوکس (متناقض‌نما) ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ (۱): استعاره: «صدای غمگین نهر فرات»/ ایهام: تالی دو معنا دارد: ۱- پیرو

۲- تلاوت‌کننده/ تناسب: صدا و گوش

گزینۀ (۲): تشبیه: سیل حوادث/ متناقض‌نما (پارادوکس): استحکام کاخ پوشالی/

اغراق: اشکی که حوادث را چون سیل جاری کند.

گزینۀ (۴): جناس و تضاد: کاخ و کوخ/ استعاره: نگرستن ماه

۵۲۶- گزینۀ (۳) جمله‌ی مشهور امام حسین (ع)، «اگر دین ندارید، پس در

دنیاتان آزاده باشید» که مفهوم آن بر آزاده بودن تأکید می‌کند. در گزینه‌های (۱)،

(۲) و (۴) آمده است، اما در گزینۀ (۳) به گرفتار بودن اشاره شده است.

۵۲۷- گزینۀ (۳) مفهوم این جمله‌ی مشهور از سخنان امام حسین (ع) همانند

گزینۀ (۳) به آزادی و آزادمنشی اشاره دارد.

۵۲۸- گزینۀ (۳) املا‌ی درست واژه‌های غلط ← حفیض - سوختگان -

خارها - تهجد - موحش

۵۲۹- گزینۀ (۴) مفهوم متن صورت سؤال و بیت گزینۀ (۴) ← اشک و آه

مظلوم می‌تواند کاخ و قدرت تهی و پوشالی قدرت‌مداران را نابود کند.

۵۳۰- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱) و (۳): به عدم تعلق و وابستگی و داشتن آزادی

اشاره دارند.

گزینۀ (۴): معتقد است با پذیرش دین حقیقت، نصیب فرد آزادی می‌شود

گزینۀ (۲): به تواضع و فروتنی و توجه به آزادی اشاره می‌کند. حتی اگر دین نداری!

* معنی حدیث: اگر دین ندارید در دنیاتان آزادمرد باشید.

درس دهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۵۳۱- گزینۀ (۲)

مثنوی	غزل
× _____ × _____	× _____ × _____
○ _____ ○ _____	× _____ × _____
□ _____ □ _____	× _____ × _____
⋮	⋮
رباعی	قطعه
× _____ × _____	× _____ × _____
× _____ × _____	× _____ × _____
× _____ × _____	× _____ × _____
⋮	⋮

* چون مصراع اول بیت اول قافیه ندارد پس قطعه است.

۵۳۲- گزینۀ (۲) صفات متعددی که به عاشق می‌دهد، نهایت نفرت شاعر

نسبت به جوان عاشق را نشان می‌دهد.

گزینۀ (۱) ← شکایت معشوقه از خشم و نگاه خشمگینانه‌ی مادر عاشق است.

گزینۀ (۳) ← نهایت سنگ‌دلی معشوقه را بیان می‌کند.

گزینۀ (۴) ← تحریک معشوقه است که عاشق، مادرش را بکشد و البته نسبت دادن

کلمه‌ی سنگ‌دل به مادر عاشق، نهایت بی‌انصافی او است.

۵۳۳- گزینۀ (۲) چون بیان عواطف و احساسات است، در حوزه‌ی ادبیات

غنائی است.

۵۳۴- گزینۀ (۴) رجوع شود به تاریخ ادبیات شعر قلب مادر.

۵۳۵- گزینۀ (۱) آه و وای در انتخاب این گزینه، ما را ترغیب می‌کند.

۵۳۶- گزینۀ (۳) لحن این مصراع کاملاً عامیانه است.

۵۳۷- گزینۀ (۴) ایرج میرزا (متوفای سال ۱۳۰۴ هـ.ش) با زبانی چالاک

و بیانی گرم و زنده و پوینده که از گفتار ساده‌ی روزانه‌ی مردم و تعبیرات آن‌ها به

شیوه‌ای هنرمندانه بهره جسته است. قطعه‌ی قلب مادر او اصلاً ترجمه‌ای از یک

قطعه‌ی آلمانی است که با استادی و توانایی پرورده شده و به همین دلیل، تأثیر عاطفی

عمیقی بر خواننده می‌گذارد.

۵۳۸- گزینۀ (۴) جمله‌ی الگو ← سه جزئی مفعولی

گزینۀ (۱) ← سه جزئی متممی

گزینۀ (۲) ← سه جزئی متممی

گزینۀ (۳) ← سه جزئی مسندی

۵۳۹- گزینۀ (۱) گزینۀ (۲) ← «نگاه غضب‌آلوده» به «تیرخدنگ» مانده

شده است.

گزینۀ (۳) ← «دل» به «سنگ» و «شهد» به «شرنگ» تشبیه شده است.

گزینۀ (۴) ← «قلب» به «آینه» مانند شده است.

۵۴۰- گزینۀ (۴) شعر «قلب مادر» در مورد عاطفه‌ی بسیار مادر است که

سختی و غم را برای معشوق (فرزند) تحمل می‌کند.

گزینۀ (۱): امیدوارست سایه‌ی مهر مادر بر سر او باشد.

گزینۀ (۲): دلیل مرگ مادر را نزدیکی او به خدا می‌داند.

گزینۀ (۳): مادر را نمایه‌ای از قدرت خلقت خدا و فضیلت الهی می‌داند.

۵۴۱- گزینۀ (۴) کلمات «پیغام - م - ش» مفعول هستند اما «سنگ» متمم است.

۵۴۲- گزینۀ (۲) شعر شهریار در قالب نیمایی سروده شده است نه غزل!

درس یازدهم ادبیات پیش دانشگاهی

- ۵۴۳- گزینه‌ی (۱)** مفهوم مشترک گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) ← آمدن بهار و زیبایشن طبیعت و رویش گل‌ها
مفهوم گزینه‌ی (۱) ← بهار برای من فقط خار به همراه دارد (سختی زندگی)
- ۵۴۴- گزینه‌ی (۴)** مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۴) ← بی‌توجهی به تعلقات دنیایی و مادیات
(نیازند هرگز به مردارها = ز اسباب جهان با کفنی ساخته‌اند)
- ۵۴۵- گزینه‌ی (۱)** مصراع دوم گزینه‌ی (۱) (آشکار شدن معشوق از گل برگ سبز) و صورت سؤال مفهوم مشترک دارند ← همه‌ی پدیده‌ها بیانگر وجود اویند!
- ۵۴۶- گزینه‌ی (۳)** مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← عشق کار انسان بی‌درد و راحت طلب نیست!
- مفهوم بیت گزینه‌ی (۳) ← کسی که در ناز و نعمت زندگی می‌کند از دست دادن این نعمت‌ها برایش سخت و مشکل است.
- ۵۴۷- گزینه‌ی (۱)** مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها: عاشقان با شادی و آسایش کاری ندارند و عشق کار انسان ناپروورده که تحمل سختی را ندارد، نیست!
- مفهوم بیت گزینه‌ی (۱) ← عاشقان بدون داشتن سرمایه، سود می‌برند و با وجود خود کاری ندارند.
- ۵۴۸- گزینه‌ی (۳)** مفهوم ابیات گزینه‌ی (۱) ← تو عهد شکستی ولی من وفادار بودم. مفهوم ابیات گزینه‌ی (۲) ← سرزنش و ملامت دیگران برای عاشق اهمیتی ندارد. مفهوم ابیات گزینه‌ی (۴) ← عاشق در معشوق عیب نمی‌بیند و همه چیز معشوق در نظر عاشق خوب است.
- مفهوم بیت اول گزینه‌ی (۳) ← شادی به آسانی میسر نمی‌شود، ولی غم راحت ایجاد می‌شود. مفهوم بیت دوم گزینه‌ی (۳) ← به یاد معشوق بسیار شادم.
- ۵۴۹- گزینه‌ی (۲)** این مفهوم در گزینه‌های (۳) و (۴) آشکار است. در گزینه‌ی (۱) می‌توان گفت که شادی و آسایش و خواب و خور مقاصد دنیایی هستند پس در گزینه‌ی (۱) هم مفهوم بی‌اعتنایی به دنیا وجود دارد؛ بنابراین گزینه‌ی (۲) مناسب‌تر است.
- ۵۵۰- گزینه‌ی (۲)** مفهوم مشترک سایر بیت‌ها سخت بودن راه عشق است و این که عاشقی، سختی و خطر دارد.
- ۵۵۱- گزینه‌ی (۴)** در گزینه‌ی (۱) جهان، با مصرع اول بیت صورت سؤال در قرابت معنایی است.
- در گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک این دو بیت در سخت بودن راه عشق است.
- در گزینه‌ی (۳) مصرع دوم این بیت با مصرع دوم بیت صورت سؤال قرابت معنایی دارد.
- ۵۵۲- گزینه‌ی (۲)** مصرع اول ← پرداختن به عشق عارفانه
مصرع دوم ← بی‌اعتنایی به خرده‌گیران
- ۵۵۳- گزینه‌ی (۳)** بیت سؤال و گزینه‌ی (۳) هر دو اشاره به آزادگی و عدم تعلّق عاشقان به دنیای فانی دارند.
- ۵۵۴- گزینه‌ی (۲)** معنی بیت: عاشقان آزاد، به دنیای فانی دل‌بستگی ندارند.
- ۵۵۵- گزینه‌ی (۴)** در گزینه‌ی (۱) قافیه مضاف‌الیه است.
- در گزینه‌ی (۲) «دل افکارها» نهاد است.
- در گزینه‌ی (۳) «گلنارها» نهاد است.
- نکته:** «گل‌رخان» مضاف الیه است، «خواب و خور» متمم است، نیلوفر نیز مضاف‌الیه است. (البته هیچ کدام قافیه نیستند چرا که شعر، قصیده است!)
- ۵۵۶- گزینه‌ی (۲)** گزینه‌ی (۱) ← فرهاد و حلاج مجاز از عاشقان
چه فرهادها مرده در کوه‌ها
↓ ↓ ↓ ↓
چه حلاج‌ها رفته بر دارها ← ترصیع
- گزینه‌ی (۲) ← پرده‌ی غنچه: تشبیه/ باد، بام: جناس/ هر دو مصراع: کنایه از شکستن گل، آوازخوانی بلبل
- گزینه‌ی (۳) ← مردار استعاره از تعلقات دنیایی، تلمیح به سخن حضرت علی: «الدنيا جيفة و طالبها کلاب»
- گزینه‌ی (۴) ← ایهام ۱- مشغول باش ۲- گرم و پرنشاط باش/ جام: مجاز از شراب

- ۵۵۷- گزینه‌ی (۴)** گزینه‌ی (۱) ← هشیارها و عاقلان درک نمی‌کنند که در مذهب عشق، پرستش معشوق به سرمستی و از خودبی خود شدن است. ← عاقلان حال عاشقان را در نمی‌یابند.
- گزینه‌ی (۲) ← عاشقان به کام خود نمی‌رسند و بین آن‌ها و خواسته‌هایشان دیوار کشیده‌اند.
- گزینه‌ی (۳) ← هنگام بهار، آسمان قطرات باران را مثل شاپاش بر دامن گلزار می‌ریزد.
- گزینه‌ی (۴) ← دنیا حيله و افسانه‌ای بیش نیست که حتی افرادی چون خسایار هم فریب دنیا را خوردند. بستن چشم، کنایه از فریب خوردن یا از بین رفتن است.
- ۵۵۸- گزینه‌ی (۱)** گزینه‌ی (۱) ← دل افکارها کاری ندارند. ← دل افکارها: نهاد
گزینه‌ی (۲) ← دیوارها کشیدند. ← دیوارها: مفعول
گزینه‌ی (۳) ← باده دشوارها را آسان کند. ← دشوارها: مفعول
گزینه‌ی (۴) ← گلبن جویبار رخسارها را نگارش دهد. ← رخسارها: مفعول
- ۵۵۹- گزینه‌ی (۴)** گزینه‌های دیگر، بیانگر این موضوع هستند که برای رسیدن به هدف، باید تلاش کرد و عشق کار کسی است که بتواند سختی را تحمل کند.
- مفهوم گزینه‌ی (۴) ← عشق انسان را به مقام بالا می‌رساند.
- ۵۶۰- گزینه‌ی (۴)** بیت سؤال و گزینه‌ی (۴) هر دو به ترک تعلقات و بی‌توجهی به مادیات توسط عاشق اشاره دارد البته گزینه‌ی (۳) نیز چندان بی‌ربط نیست ولی از گزینه‌ی (۴) ضعیف تر است.
- ۵۶۱- گزینه‌ی (۴)** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴) این است که عاشقی با سختی و ترک خوشی‌ها همراه است.
- ۵۶۲- گزینه‌ی (۱)** مفهوم هر دو بیت تقابل عقل و عشق است.
- ۵۶۳- گزینه‌ی (۴)** گل در گزینه‌ی (۴)، استعاره از دنیای مادی و بی‌ارزش است.
- ۵۶۴- گزینه‌ی (۱)** مصراع دوم گزینه‌ی (۱) حُسن تعلیل دارد. (علّت لاله‌افشانی چمن را عشق رخ یار دانسته است)
- ۵۶۵- گزینه‌ی (۲)** «قلب» ایهام دارد: ۱- دگرگون ۲- عضو بدن
- ۵۶۶- گزینه‌ی (۴)** استعاره ← غنچه (معشوق)/ تشبیه ← مرغ دل (دل به مرغ)/ کنایه ← مصراع اول (شکستن غنچه)
- ۵۶۷- گزینه‌ی (۴)** مفهوم سایر ابیات مثبت است و بشارت دارد اما مفهوم گزینه‌ی (۴) غم آلود است!
- ۵۶۸- گزینه‌ی (۳)** مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳)، تجلی خدا در همه‌ی پدیده‌های هستی (وحدت وجود) است.
- ۵۶۹- گزینه‌ی (۲)** شاعر در بیت صورت سؤال اشاره به این موضوع دارد که در راه عشق و مستی نباید توجهی به ایرادهای دیگران داشت و باید کار خود را انجام داد، در بیت دوم نیز حافظ می‌گوید: اگر من به سرزنش دیگران توجهی کنم، نمی‌توانم عاشقی و مستی را پیش ببرم (بنابراین به سرزنش دیگران توجهی ندارم).
- در بیت (۱): شاعر توصیه دارد که اسرار عشق و مستی را نباید به دیگران گفت.
- بیت (۳): مفهوم کلی این بیت دعوت به خوش‌گذرانی است.
- بیت (۴): نیز توصیف زیبایی چشمان معشوق و وضعیت عاشق در قبال این زیبایی است.
- ۵۷۰- گزینه‌ی (۲)** معنای ظاهری بیت صورت سؤال، رویدن گل‌های سرخ در دشت و لذت بردن از دشت پر از گل است، در بیت دوم نیز حافظ به زیبایی بوستان و رویدن گل سرخ و خوشی و لذت بردن در این وضعیت، اشاره دارد.
- در بیت نخست فقط اشاره به شکفته شدن گل سرخ شده است.
- در بیت سوم نیز فقط به رویدن گل سرخ و جوان شدن بوستان اشاره شده است.
- در بیت چهارم «گلبن خرامان» استعاره از معشوق است و اشاره‌ای به رویدن گل ندارد.
- ۵۷۱- گزینه‌ی (۱)** مفهوم بیت اول توصیه به احتیاط در مقابل دنیااست چرا که دنیا رنج و مصیبت بسیار دارد، اما مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها این است که «عاشق بلاکش است».
- ۵۷۲- گزینه‌ی (۲)** مفهوم گزینه‌ی (۲): ادب، نشانه‌ی هشیاری است.
- مفهوم سایر ابیات: تقابل عشق و عقل
- ۵۷۳- گزینه‌ی (۳)** مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): آمدن بهار و جلوه‌گر شدن عشق مفهوم سایر ابیات:
- گزینه‌ی (۱): بهار بدون یار خوش نیست.
- گزینه‌ی (۲): بیان زیبایی یار
- گزینه‌ی (۴): عاشق به بوستان و بهار توجهی ندارد.

۵۷۴- گزینهی (۱) در گزینهی (۱) «کیش» به معنی «تیردان» است، ولی در سایر گزینیه‌ها و بیت سؤال معنی «آیین و مذهب» را می‌دهد.

۵۷۵- گزینهی (۳) مفهوم بیت (۳) ← هر کسی را که دچار هوس شده است، نمی‌توان عاشق و آگاه از رموز عشق به شمار آورد.

مفهوم مشترک سه گزینهی دیگر: کسب عشق با سختی‌های بسیار همراه است.

۵۷۶- گزینهی (۴) «پست و ناچیز شمردن دنیا و بی‌توجهی به امور بی‌ارزش دنیوی» مفهومی است که در بیت صورت سؤال دیده می‌شود. در گزینهی (۴) نیز شاعر می‌گوید که جوان‌مردان و آزادمردان، هرگز به امور و مسائل بی‌ارزش و دنیوی دل نمی‌بندند. بیت دوم به جان‌فشانی و شهادت عاشقان در راه عشق اشاره دارد. بیت سوم به بیهودگی نگرانی و اندوه آینده اشاره دارد.

۵۷۷- گزینهی (۳) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴) آن چه در دنیا اهمیت دارد، عشق ورزیدن است. هر چیزی غیر از عشق یار، بی‌ارزش است.

۵۷۸- گزینهی (۲) مفهوم «نبرداختن عارفان به تعلقات دنیوی» یا «وارستگی» مشترکاً در بیت صورت سؤال و گزینیه‌های (۱)، (۳) و (۴) دیده می‌شود؛ اما مفهوم بیت گزینهی (۲) چنین است: «خداشناسان امور دشوار را برای خود ساده می‌کنند، برعکس ما که سهل‌ها را دشوار می‌کنیم»

۵۷۹- گزینهی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال به خون‌ریز بودن راه عشق اشاره می‌کند و این مفهوم در بیت گزینهی (۱) نیز آمده است ← «اگر می‌خواهی عاشق شوی و راه عشق را بگذرانی، از حیات صرف‌نظر کن، چون موج دریای عشق با گرداب نابودی همراه است (هلاک شدن)»

۵۸۰- گزینهی (۱) مفهوم مصراع اول بیت صورت سؤال و ابیات (الف) و (د) ← پرندگان در تسبیح خداوند هستند (عاشقانه سرود می‌خوانند).

۵۸۱- گزینهی (۴) بیت صورت سؤال و گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) به دشواری‌ها و سختی‌های راه عشق اشاره می‌کنند، اما در گزینهی (۴) آمده است ← «مردم به طالبان عشق، دیوانه می‌گویند، در حالی که آن‌که عاشق نیست، عاقل نیست»

۵۸۲- گزینهی (۳) بیت صورت سؤال و ابیات گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴) بر این مفهوم تأکید دارند که لازمه‌ی عشق‌ورزی، از خود بی‌خود شدن و ترک عقلانیت است؛ به عبارت دیگر، با عقل‌گرایی و خردورزی و مصلحت‌اندیشی نمی‌توان عشق‌ورزی نمود (تقابل عشق و عقل)، اما در بیت گزینهی (۳)، آمده است ← «دل عاشق از گشت و گذار بیش‌تر آزرده می‌شود، زیرا مرغی که رشته‌ای برپا دارد، هر شاخه‌ی گل برای او مانند دام است (گرفتار می‌شود)»

۵۸۳- گزینهی (۳) در بیت صورت سؤال و گزینهی (۳) به ریخته شدن خون عاشقان اشاره شده است.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← از منزلی که گذشتی گریستم و از اشک من هزار لاله روید.

گزینهی (۲) ← رهرو راه عشق با تواضع خود به مقصود می‌رسد.

گزینهی (۴) ← باد بهاری چهره و قامت معشوق را به گل سرخ و سرو ترجیح می‌دهد و به هواداری او می‌پردازد.

۵۸۴- گزینهی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال ← عارفان و عاشقان دل‌خسته، به زرق و برق دنیا و جلوه‌های مادی جهان دلبستگی ندارند. این معنی در ابیات (ب)، (ث) و (ج) دیده می‌شود. بیت (الف) ← در نکوهش زر اندوزی است. بیت‌های (پ)، (ت) و (ج) در مذمت دنیا و بیان ناپایداری و بی‌وفایی آن است.

۵۸۵- گزینهی (۲) مفهوم کلی این بیت حل مشکلات با مستی است!

۵۸۶- گزینهی (۳) مفهوم مشترک دو گزینیه: «خدا همه جا هست (حتی در پدیده‌ها)»

۵۸۷- گزینهی (۱) حتماً «تقابل عقل و عشق» را در گزینیه‌های دیگر یافته‌اید.

۵۸۸- گزینهی (۳) مفهوم مشترک دو گزینیه «تقابل عقل و عشق» است.

۵۸۹- گزینهی (۴) مفهوم بیت اول از گزینهی (۴) ← عاشق ترک تعلقات می‌کند.

مفهوم بیت دوم گزینهی (۴) ← در این دنیا غیر از عشق چیزی وجود ندارد.

۵۹۰- گزینهی (۳) «دل‌افکارها - گلنارها - خارها» هر سه نهاد هستند اما «می‌خوارها» مضاف‌الیه است.

۵۹۱- گزینهی (۳) پیام هر دو بیت باریدن باران بهاری است.

۵۹۲- گزینهی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و این بیت به تقابل عقل و عشق و ترجیح عشق بر عقل از نگاه عرفانی است.

۵۹۳- گزینهی (۱) مفهوم سایر ابیات، ازلی بودن عشق است در حالی که گزینهی اول می‌گوید رویش گل‌های سرخ به علت ریختن خون عاشقان و شهیدان است.

درس دوازدهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۵۹۴- گزینهی (۳) مفهوم مشترک سایر گزینیه‌ها ← سیاهی نامه‌ی اعمال در روز قیامت

مفهوم گزینهی (۳) ← کسی که در روز قیامت به دنبال بهشت باشد کافر است و بهشتی نیست!

۵۹۵- گزینهی (۱) در سایر ابیات، «غم» مفهوم مثبتی دارد (غم عشق)، در حالی که در گزینهی (۱) این چنین نیست (غم مادی و منفی).

۵۹۶- گزینهی (۱) سایر گزینیه‌ها و صورت سؤال به غم مثبت عشق که در هجران یار است، اشاره دارند.

ولی گزینهی (۱) به غم منفی دنیا اشاره دارد که به ما می‌گوید: اگر به خدا و عشق او توکل کنی، از غم دنیا رها می‌شوی.

۵۹۷- گزینهی (۴) سایر گزینیه‌ها و صورت سؤال به غم مثبت عشق در هجران معشوق اشاره دارد. ولی گزینهی (۴) به غم منفی دنیا اشاره می‌کند.

۵۹۸- گزینهی (۲) گزینهی (۱) ← حرف «تا» چون نشان‌دهنده‌ی فاصله‌ی مکانی است، حرف اضافه است و کلمه‌ی بعد از آن متمم است.

گزینهی (۲) ← حرف «تا» به معنای آگاه باشد صوت تنبیه است و خود یک جمله است و در صورت سؤال هم این گونه است.

گزینهی (۳) ← حرف «تا» معنای برای این که می‌دهد که حرف ربط است.

گزینهی (۴) ← حرف «تا» چون نشانگر فاصله‌ی زمانی است حرف اضافه است و کلمه‌ی بعد از آن متمم است.

۵۹۹- گزینهی (۳) رباعی و دوبیتی از نظر آرایش قافیه مثل هم‌اند. مصراع اول و دوم و چهارم (گاه سوم) هم‌قافیه‌اند و تفاوت آن‌ها در وزن است و محتوا. محتوای دو بیت عشق است و رباعی برای ثبت لحظات زودگذر شاعر به کار می‌رود و اما وزن که تشخیص وزن عروضی برای رشته‌ی تجربی و ریاضی دشوار است. برای همین هرگاه اولین هجای اولین کلمه از مصراع «صامت + مصوت کوتاه» بود (به ← بی) دو بیت است. در غیر این صورت قالب شعری رباعی است.

گزینهی (۱): با ← ص + م. بلند (رباعی)

گزینهی (۲): آن ← ص + م. بلند + ص (رباعی)

گزینهی (۴): در ← ص + م. کوتاه + ص (رباعی)

۶۰۰- گزینهی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال «نهراسیدن از مرگ» است، در همه‌ی گزینیه‌ها به‌جز گزینهی (۱)، نوعی هراس از مرگ دیده می‌شود که در تقابل با صورت سؤال است، اما در گزینهی (۱) شاعر مرگ را آخر کار همه می‌داند و اشاره‌ای به ترسیدن یا نترسیدن از مرگ ندارد.

۶۰۱- گزینهی (۴) گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) غم عشق را ارزشمند بیان می‌کنند. گزینهی (۴): غم عشق مطرح نیست و شاعر با توسل به شادی، قصد گریز از این غم را دارد.

۶۰۲- گزینهی (۲) مفهوم بیت گزینهی (۲): افزوده شدن عشق (عاشق) با دیدن هر چیزی که به عشق یا معشوق نسبت داشته باشد، آتش عشقش افزون می‌شود.

مفهوم بیت سؤال و سایر گزینیه‌ها: ناپایداری دنیا/ فانی بودن انسان

۶۰۳- گزینهی (۱) این مفهوم از رایج‌ترین و محوری‌ترین مفاهیم رباعی ختم است:

۱) «کاین سبزه که امروز تماشاگاه توست فردا همه از خاک تو بر خواهد رُست»

۲) «چون ابر به نوروز رخ لاله بنشست بنشین و به جام باده کن عزم درست»

۶۰۴- گزینهی (۱) به خاک شدن انسان، پس از آن همه زندگی پرفراز و نشیب و همچنین غنیمت‌شماری و خوش‌باشی در این چند روزه‌ی عمر از مضامین رباعیات ختم است که در بیت سؤال نیز این مفهوم تأکید شده است.

درس سیزدهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

- ۶۰۵- گزینه‌ی (۱) سراینده‌ی این ابیات (نشان سرفرازی)، زنده‌یاد سید حسن حسینی است که شهید را توصیف می‌کند ضمناً در قالب رباعی است. راه تشخیص دوبیتی و رباعی در «وزن» است؛ اولین هجا در دوبیتی، کوتاه است (صامت + مصوّت کوتاه) ولی اولین هجا در رباعی، هجای بلند است («صامت + مصوّت کوتاه + صامت» یا «صامت + مصوّت بلند»).
- ۶۰۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک دو بیت با باطاهر و این بیت: «هر آن که کار نیک انجام ندهد، فردای قیامت نامه‌اش سیاه است.»
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱): خداوند ستار العیوب است و گناه بندگان را روز قیامت آشکار نمی‌کند.
- گزینه‌ی (۲): ارشاد دیگران
- گزینه‌ی (۳): درخواست فضل و رحمت خداوندی
- ۶۰۷- گزینه‌ی (۳) «تا» در صورت سؤال و سایر گزینه‌ها به معنی «زنده‌یاد» و «آگاه باش» است!
- ۶۰۸- گزینه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به غم مثبت عشق اشاره شده است. در بیت گزینه‌ی (۲) سخن از غم منفی است.
- ۶۰۹- گزینه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) منظور از «نامه»، نامه‌ی اعمال ماست که در قیامت به دستمان داده می‌شود. این واژه در بیت گزینه‌ی (۲)، به معنی «سوگ‌نامه» است و با سایر ابیات فرق دارد. (دختر رز استعاره از شراب است).
- ۶۱۰- گزینه‌ی (۱) این مضمون که غم عشق، غمی شیرین و دل‌پذیر است از مضامین شایع ادبیات فارسی است، که در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) آمده است، اما در گزینه‌ی (۱) آمده است «غم روزگار را بخورم یا غم هجران را تحمل کنم، با این بی‌طاقتی کدام‌یک را می‌توانم تحمل کنم؟»
- ۶۱۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک گزینه‌ها خوش بودن غم عشق است. اما گزینه‌ی دوم اشاره می‌کند که بی‌بهره از عشق یک مرده است.
- ۶۱۲- گزینه‌ی (۴) در اندیشه خیامی است که «هر پدیده‌ی زیبا برآمده از خاک انسانی زیباست» که در گزینه‌ی (۴) تکرار شده است.
- گزینه‌ی (۱): به فرا رسیدن فصل بهار.
- گزینه‌ی (۲): به شکرگزاری از خدا در برابر نعمت‌های زیبا.
- گزینه‌ی (۳): به غم و اندوه عاشق از دوری معشوق اشاره می‌کنند.
- ۶۱۳- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی الف و ب «هم‌بستر خاک شدن و فنا»
- ۶۱۴- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت سؤال و سه گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۳) «پاکبازی و فنا و فدا شدن در راه معشوق. مفهوم گزینه‌ی (۴) معادل است با بیت: آتش است این بانگ نای و نیست باد/ هر این آتش ندارد نیست باد»
- ۶۱۵- گزینه‌ی (۲) دقت کنید هجای اول شعر را «پ» باید در نظر گرفت که از «صامت + مصوّت کوتاه» تشکیل شده است پس قالب شعر دو بیتی است نه رباعی!! نکته: کلماتی مانند بیا، خیال و ... در وزن شعر بیا، خیال و ... محسوب می‌شوند.
- ۶۱۶- گزینه‌ی (۳) پیام سایر ابیات، حرف زدن و سخن‌گویی است ولی پیام گزینه‌ی سوم سکوت و خاموشی است.
- ۶۱۷- گزینه‌ی (۲) چون رباعی و دوبیتی، چهار مصرعند که مصرع‌های ۴، ۲ و ۱ آن‌ها هم‌قافیه است باید از روی هجای اول مصرع‌ها قالب آن‌ها را تعیین کرد. دوبیتی، هجای اول هر مصرع در واج (صامت + مصوت کوتاه) دارد. رباعی، هجای اول هر مصرع سه یا چهار واج دارد.

گزینه	هجای اول	قالب
۱	دی	رباعی
۲	ب	دوبیتی
۳	پا	رباعی
۴	مَن	رباعی

- * چند نکته‌ی مهم: در وزن شعر ۱- مصوت‌های بلند دو واج حساب می‌شوند (گزینه‌های (۱) و (۳))
- ۲- باید شعر را روان و فصیح خواند نه این‌که دکلمه کرد. مثلاً هجاهای گزینه‌ی دوم (بَ + را و وَر) صحیح است نه (بَر + آ و وَر)

۶۳۸- گزینهی (۲) در عبارت صورت سؤال نشاندهی مرد خدا، اجتماعی بودن و درآمیختن با خلق بیان شده است که در گزینهی (۲) به مفهوم مقابل آن یعنی گوشه‌نشینی و پرهیز از خلق تأکید شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← مدارا کردن با مردم.

گزینهی (۳) ← دائم به فکر همراه و دوست بودن.

گزینهی (۴) ← گوی بخشش نصیب هر کس نمی‌شود.

۶۳۹- گزینهی (۳) «دانشگاه‌های من» اثر ماکسیم گورکی حسب حال است و «فرار از مدرسه» زندگی‌نامه یا بیوگرافی امام محمد غزالی اثر دکتر عبدالحسین زرین‌کوب است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← هر دو اثر «حسب حال» است.

گزینهی (۲) ← هر دو اثر «یادنامه» است.

گزینهی (۴) ← هر دو اثر «تذکره» یا شرح و ترجمه‌ای احوال مشایخ صوفیه یا شعر است.

۶۴۰- گزینهی (۲) «خط فرو کشیدن به کسی» کنایه از برجسب زدن و طبق ظاهر فرد حکم دادن است که در این دو بیت توصیه به انجام ندادن این کار دربارهی دیگران دارد.

۶۴۱- گزینهی (۳) مفهوم مشترک حکایت بهترین خلق و بیت سؤال: خود آتھامی!

۶۴۲- گزینهی (۲) مفهوم بیت گزینهی (۱) و حکایت مستوجب آتش ←

تواضع و غرورشکنی

مفهوم بیت گزینهی (۲) ← تسلیم در مقابل معشوق، اما مفهوم حکایت غرورشکنی:

دعوت به تواضع

مفهوم بیت گزینهی (۳) و حکایت انسان راستین ← با مردم بودن و در عین حال

خدایی بودن

مفهوم بیت گزینهی (۴) و حکایت بهترین خلق ← آتھام نفس

۶۴۳- گزینهی (۴) گزینهی (۴) ← فرد منتخب و برگزیده‌ی بنی اسرائیل از

گمان بد داشتن به دیگران صرف‌نظر کرد و گفت ممکن است خودم فرد خطا کار باشم

که این مفهوم با «خیرخواه خلق» بودن در گزینهی چهارم تناسب دارد.

گزینهی (۱) ← «توصیه به غرور نداشتن»

گزینهی (۲) ← «به ارزشمندی رسیدن با تواضع»

گزینهی (۳) ← «توصیه به تواضع و فروتنی»

۶۴۴- گزینهی (۳)

درس چهاردهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۶۴۵- گزینهی (۳) مفهوم مشترک سؤال و گزینهی (۳) ← قضا و قدر و

سرنوشت و خواست خدا

۶۴۶- گزینهی (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینهی (۲) ← تسلیم در مقابل

قضا و قدر و اینکه خواست، خواست خداست!

۶۴۷- گزینهی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینهی (۴): ناگزیری و

ناچاری از ارتکاب به خطا!

۶۴۸- گزینهی (۴) بیت صورت سؤال همانند گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) به ایمان

به خدا و ایمان به خواست و اراده‌ی او و تسلیم اراده‌ی خداوند شدن اشاره دارد.

* مفهوم گزینهی (۴): بلندهمت‌ی و ممانعت طبع!

۶۴۹- گزینهی (۱) بیت صورت سؤال و گزینهی (۱) هر دو ناچاری به انجام را

بیان می‌کند.

۶۵۰- گزینهی (۲)

۶۵۱- گزینهی (۴) شاب یعنی جوان/رجوع شود به متن درس بارقه‌های شعر فارسی

۶۵۲- گزینهی (۳) در بقیه گزینیه‌ها، سعدی مجاز از آثار و کلام سعدی است.

۶۵۳- گزینهی (۲) تقلید از سبک مسجع/آشنایی با این آثار

۶۵۴- گزینهی (۱) مفهوم عبارت صورت سؤال «تسلیم در برابر خواست الهی»

است، در بیت اول نیز شاعر می‌گوید: به‌جز تسلیم چاره‌ی دیگری در دنیا نداریم، زیرا تسلیم، امور منفی را تبدیل به امور مثبت می‌کند.

۶۵۵- گزینهی (۳) گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴)، ویژگی‌ها و خصوصیات است که سعدی به عنوان شاعر بزرگ قرن هفتم در خود جمع دارد. وجود برخی کلمه‌های متضاد نظیر پیر و جوان، عقاب و کبوتر دلالت بر تضاد در شعر یا شخص سعدی نیست، بلکه حکایت از زیبایی نوشته و کلام نویسنده دارد.

گزینهی (۳) موضوعات متفاوت و بعضاً متضادی هستند که در شعر سعدی در کنار هم دیده می‌شود.

۶۵۶- گزینهی (۲) خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت = روح متوکل داشت. (اعتقادات او ریشه در سرچشمه‌ی معارف الهی داشت به گونه‌ای که هر امر خوب و بدی را به عنوان قضا و قدر الهی می‌پذیرفت.)

۶۵۷- گزینهی (۴) صورت سؤال «مقام رضا و تسلیم شدن در برابر آن چه خداوند مقدر می‌دارد» را بیان می‌کند، که در گزینهی (۴) دیده می‌شود.

۶۵۸- گزینهی (۴) گزینهی (۴) در فضیلت سعی و تلاش است در حالی که سه گزینهی دیگر در فضیلت قناعت است.

۶۵۹- گزینهی (۲) صورت سؤال حرص و ولع داشتن به انجام کاری است و در گزینهی (۲) نیز حرص بودن نویسنده برای نوشتن به شیوه‌ی سعدی نشان داده است.

۶۶۰- گزینهی (۴) عبارت صورت سؤال از ایمان و توکل خاله و عدم شک و تردید او به مشیت الهی سخن می‌گوید.

در گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) از شک و تردیدی که شیطان در دل می‌اندازد سخن به میان آمده است.

۶۶۱- گزینهی (۱) مفهوم «مست شدن بدون خوردن» مشترکاً در عبارت صورت سؤال و ابیات گزینیه‌های (۲)، (۳) و (۴) بیان شده است، اما بیت گزینهی (۱) بیانگر این نکته است که «انسان مغرور با گفت‌وگو (مباحثه) هشیار و آگاه نمی‌شود».

۶۶۲- گزینهی (۳) مفهوم عبارت چنین است: «او به مشیت خداوند گردن می‌نهد و هر خوب و بدی را به عنوان خواست خداوند می‌پذیرفت.» همان‌طور که در

گزینهی (۳) آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱): نیک و بد هر سرشتی را از دل بپرس، همان‌طور که زشتی و زیبایی را آینه مشخص می‌کند.

گزینهی (۲): سکوت و خاموشی، صفت واصلان به حق است.

گزینهی (۴): ای نصیحت‌گوی دل‌سوز، به فکر خودت باش، ما همینیم که هستیم.

۶۶۳- گزینهی (۲) بیت گزینهی (۲)، بر عدم امکان شکیبایی عاشق در عشق معشوق دلالت دارد و عبارت صورت سؤال و گزینیه‌های دیگر به این موضوع که

بی‌نیازی باعث قناعت است، اشاره دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱): هرگز به فرومایگان اظهار نیاز نکردم و قانع بودم.

گزینهی (۳): از خانه‌ای که آب قناعت نگذرد، آلودگی نیاز پاک نمی‌شود.

گزینهی (۴): هر کس به کم راضی باشد، بی‌نیاز می‌شود.

۶۶۴- گزینهی (۴) بیت گزینهی (۴)، بیانگر خلل‌ناپذیری و جاودانگی فرمانروایی خداوند است، در حالی که گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) و عبارت صورت سؤال به «تسلیم‌بودن بندگان در برابر خواست و مشیت الهی» اشاره دارند.

۶۶۵- گزینهی (۴) منظور عبارت این است که انسان مؤمن هر نیک و بد را به عنوان اراده و خواست خداوند می‌پذیرد. (قبول کرد به جان هر سخن که جانان گفت) که حاکمیت اراده و مشیت پروردگار را بر امور بیان می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← قضاوت واقعی از آن خداوند است./ گزینهی (۲) ← فرمان‌پذیری مطرح شده است./ گزینهی (۳) ← راه رسیدن به توحید رضایت معشوق است نه پیروی از هوای نفسانی.

۶۶۶- گزینهی (۲) در عبارت صورت سؤال سرمستی به دلیل خواندن و شنیدن کلام سعدی، لذت بردن از سخن او و از خود بی‌خود شدن و در کل تأثیر پذیرفتن از سخن سعدی و هیجان‌زده شدن از آن مورد نظر بوده است، در گزینیه‌های (۱)، (۳) و (۴) نیز تحت تأثیر قرار گرفتن مطرح شده است، ولی در گزینهی (۲) شاعر خطاب به خود می‌گوید که هر چند سخت زیباست، ولی سخن را جایی آورده‌ای که مخاطب تو، خود، استادان است. (نظیر زیره به کرمان بردن).

۶۶۷- گزینۀ (۳) گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) و عبارت مطرح شده در سؤال به اعتقاد به قضا و قدر و سرنوشت است.

گزینۀ (۳): تنها خداوند از راز عشق و ورزیدن عاشق به معشوق خبردار است.

۶۶۸- گزینۀ (۱) بیت سؤال و ابیات (۲) تا (۴) همگی به این مفهوم اشاره دارند که: «در انجام این کار ناگزیر بودم» یعنی چاره‌ای جز انجام دادن کار ذکر شده نداشتم پس چون به اختیار خود نبوده مرا عفو کنید ولی در بیت اول چنین مفهومی مطرح نشده است.

۶۶۹- گزینۀ (۲) عبارت سؤال به این مفهوم اشاره می‌کند که «هر نیک و بدی به مشیت و خواست خداوند است» این موضوع در بیت دوم نیز آمده است. من در مقابل جور و آزار تو سکوت اختیار می‌کنم. اگر خواست تو آن باشد پس من در برابر اراده‌ی تو تسلیم می‌شوم.

۶۷۰- گزینۀ (۳) مفهوم سایر ابیات، نوعی تسلیم و رضا در برابر تقدیر و مشیت خداست ولی گزینۀ سه نوعی اظهار نارضایتی از قضا و قدر را بیان می‌کند.

۶۷۱- گزینۀ (۳) ویژگی سهل‌ممتنع سخن سعدی این است که سخن او به همه کس شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد و مثل آن گفتن ساده نیست در عین این که ساده به نظر می‌رسد و سعدی این‌گونه سخن‌وری را از آن خود کرده است.

درس پانزدهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۶۷۲- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینۀ‌ها ← دعوت به گوشه‌گیری و عزلت

مفهوم گزینۀ (۱) ← گوشه‌گیری‌ای ارزش دارد که موجب شهرت نشود!

۶۷۳- گزینۀ (۱) مفهوم صورت سؤال ← رازداری

مفهوم سایر ابیات ← آشکار شدن راز

مفهوم بیت ۱ ← در این داستان رازی وجود دارد.

به ترکیب «تقابل معنایی» در صورت سؤال دقت کنید.

۶۷۴- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک سؤال و جواب ← گوشه‌گیری و عزلت انسان را به مقام بالا می‌رساند.

مفهوم سایر ابیات ← ترک گوشه‌گیری

۶۷۵- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ (۳) ← سخن باید کم و باارزش و مفید باشد (البته گزینۀ (۴) هم بی‌ربط نیست اما گزینۀ (۳) نزدیک‌تر است).

۶۷۶- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینۀ‌ها ← حرف زدن نا به جا موجب دردسر و هلاکت است.

۶۷۷- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینۀ‌ها: توصیه به سکوت مفهوم گزینۀ (۱) ← پرهیز از غیبت و دعوت به شکر و سپاس گفتن

۶۷۸- گزینۀ (۳) به سکوت سفارش شده تا سخن دیگران و پند ارزشمند ایشان را دریافت کنیم.

۶۷۹- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک سایر ابیات «سنجیده‌گویی» می‌باشد، در حالی‌که گزینۀ (۳) بیان می‌کند که کسی که زیاد حرف می‌زند، گوش شنیدن نصیحت را ندارد.

۶۸۰- گزینۀ (۱) هر دو بیان می‌کنند که شخص، گوش شنیدن ندارد.

۶۸۱- گزینۀ (۲) «با علم اگر عمل برابر گردد» در قسمت (د)، «آن‌چه بشنیدی به کار درآر» در قسمت (ب)، «دانش هست، کار بستن کو» در قسمت (ه) و «علم با کار سودمند بود» در قسمت (ج) ما را به انتخاب گزینۀ (۲) ترغیب می‌کنند.

۶۸۲- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک سایر ابیات «خاموشی و سکوت» می‌باشد. * در گزینۀ (۲) منظور از گلزار «دل» می‌باشد.

۶۸۳- گزینۀ (۱) مفهوم سایر ابیات دعوت به سکوت است، در حالی‌که گزینۀ (۱) نفی غیبت می‌باشد.

۶۸۴- گزینۀ (۴) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس «پرورده‌گویی».

۶۸۵- گزینۀ (۳) مفهوم سایر ابیات دعوت به رازداری و سکوت می‌باشد.

۶۸۶- گزینۀ (۱) مفهوم این دو بیت دعوت به سکوت و کم‌گویی است.

۶۸۷- گزینۀ (۲) مفهوم هر دو دعوت به سکوت است.

۶۸۸- گزینۀ (۳) در اسلوب معادله، دو مصرع به هم ربط موضوعی یا وابستگی ندارند و بین آن دو رابطۀ شباهت برقرار است و مصرع دوم مثال و مصداقی برای مصرع اول است.

۶۸۹- گزینۀ (۴) مفهوم سایر ابیات دعوت به خاموشی است.

۶۹۰- گزینۀ (۲) مفهوم سایر ابیات دعوت به سنجیده‌گویی و سکوت است، در حالی‌که گزینۀ (۲) به سخن گفتن دعوت می‌کند.

۶۹۱- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک این دو، دعوت به اندیشیدن قبل از سخن گفتن می‌باشد.

۶۹۲- گزینۀ (۲) مفهوم سایر ابیات دعوت به گوشه‌گیری است، در حالی‌که گزینۀ (۲) بیان می‌کند که اگر هنرمند بخواهد شاد و مشهور شود، نباید گوشه‌گیری کند.

۶۹۳- گزینۀ (۲) مفهوم هر دو نفی غیبت است.

۶۹۴- گزینۀ (۱) مفهوم هر دو دعوت به سکوت است.

۶۹۵- گزینۀ (۳) مفهوم این گزینۀ رازداری است، در حالی‌که سایر گزینۀ‌ها، پرورده‌گویی را ترویج می‌کنند.

۶۹۶- گزینۀ (۴) در گزینۀ (۱) «در شهر» استعاره از دهان

در گزینۀ (۲) «لؤلؤ» استعاره از سخن خوب

در گزینۀ (۳) «زبان» استعاره از فتنه‌ی شمع

۶۹۷- گزینۀ (۳) مفهوم سایر ابیات دعوت به خاموشی و مفهوم این گزینۀ رازداری است.

۶۹۸- گزینۀ (۱) مفهوم سایر ابیات سنجیده‌گویی است.

۶۹۹- گزینۀ (۴) * خیلی به این دو بیت دقت کنید:

«چرا گوید آن چیز در خفیه، مرد/ که گر فاش گردد، شود روی زرد؟» ← نفی غیبت «مکن پیش دیوار غیبت بسی/ بود کز پشش گوش دارد کسی» ← رازداری

۷۰۰- گزینۀ (۴) مفهوم هر دو، دعوت به سکوت برای شنیدن نصیحت دیگران است.

۷۰۱- گزینۀ (۳) «که» در سایر گزینۀ‌ها حرف ربط وابسته‌ساز است ولی در گزینۀ (۳) معنی «از» می‌دهد و حرف اضافه است.

۷۰۲- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱) ← نصاب الصبّیان منظوم‌ی تعلیمی قرن ۶ و ۷ چون تعلیم لغت است و برای آموزش موضوع خاصی است، از لحاظ خیال‌انگیزی معمولاً قوی و پرمایه نیست.

گزینۀ (۲) ← شعر تعلیمی در ادب فارسی از ادبیات غرب وسیع‌تر و پیش‌تر است. گزینۀ (۳) ← در مثنوی معنوی مولوی و بوستان، گاه حکایت ساده و سخنان پندآموز و حکمت‌آمیز در قالب‌های شعری آمده است ولی در گرشاسب نامه‌ی اسدی توسی شعرهای تعلیمی در لایه‌لای اشعار و داستان‌ها قرار گرفته است.

گزینۀ (۴) ← بهشت گم‌شده از میلتن شاعر انگلیسی قرن هفدهم اثری حماسی - تعلیمی و کم‌دی الهی از دانته شاعر ایتالیایی قرن ۱۴ میلادی اثری نمایشی - تعلیمی است.

۷۰۳- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱) ← تیر: استعاره از سخن/ صد انداختن تیر: کنایه از پرگویی/ صد و یک: تناسب و تضاد/ راست: ایهام (۱) مستقیم (۲) درست/ یک انداز: کنایه از کم‌گویی.

گزینۀ (۲) ← دهان دوختن: کنایه از ساکت شدن/ زبان شمع: استعاره‌ی مکنیه و تشخیص/ دوخته و سوخته: جناس/ علت ساکت بودن فرد دانا دیدن عاقبت شمع است: حسن تعلیل/ مرد: مجاز از انسان

گزینۀ (۳) ← راز مثل شهر بند است: تشبیه/ در شهر: استعاره از دهان/ شهر: استعاره از دل

گزینۀ (۴) ← پای در دامن آوردن: کنایه از گوشه‌گیری/ مصراع اول: تشبیه و تشخیص/ از آسمان گذشتن سر: کنایه از به مقام بالا رسیدن/ کوه و شکوه: جناس/ مصراع دوم: اغراق

۷۰۴- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱) ← «که» حرف اضافه است چون معنای «از» می‌دهد: مشک کم بهتر از یک توده گل است.

گزینۀ (۲) ← حرف «مگر» معنای فقط می‌دهد و قید استثناست: فقط فرد ساکت نصیحت‌پذیر است.

گزینۀ (۳) ← حرف «را» معنای «به» می‌دهد و حرف اضافه است: به او حسد کردند. گزینۀ (۴) ← حرف «که» حرف ربط (تعلیل) است و معنای «زیرا» می‌دهد: زیرا فردا فرد بی‌زبان مؤاخذه نمی‌شود.

در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) شاعر به نکوهش غیبت می‌پردازد و انسان را از آن (غیبت) باز می‌دارد.

گزینه‌ی (۲) ← به هیچ وجه در مقابل کسی از دیگری بد مگو که کاری نیک نیست. گزینه‌ی (۳) ← اشاره به آیه‌ی قرآن که غیبت کردن مانند خوردن گوشت برادر مرده است.

گزینه‌ی (۴) ← خداوند برای حمد و سپاس زبان را به انسان ارزانی کرده به همین دلیل انسان حق شناس زبانش را در راه غیبت به کار نمی‌گیرد (نمی‌گرداندش: زبانش را نمی‌چرخاند: زبانش را به حرکت در نمی‌آورد).

۷۱۹- گزینه‌ی (۱) بیت صورت سؤال بر «رازداری» و بیت گزینه‌ی نخست بر «افشای راز» تأکید دارد، بنابراین مفهوم گزینه‌ی نخست مقابل بیت سؤال است. در گزینه‌ی (۲) «رشوه‌خواری» نکوهش شده است، در گزینه‌ی (۳) «بی‌تعلقی و وارستگی» مورد تأکید قرار گرفته است و در گزینه‌ی (۴) بر «رازداری» تأکید شده است.

۷۲۰- گزینه‌ی (۳) معنای بیت صورت سؤال: «زبان را (از آن چه نباید بگویی) حفاظت کن تا باعث گرفتار شدن در آتش جهنم نشود. چرا که زبان، می‌تواند بدترین زبان‌ها را به انسان برساند. در گزینه‌ی (۳) نیز شاعر علاوه بر دعوت به سکوت، می‌گوید که در روز قیامت «شخص بی‌زبان» که سخنی بر زبان نیاورده است بازخواست نخواهد شد، در واقع زبان را عاملی می‌داند که می‌تواند در روز قیامت موجب مؤاخذه‌ی انسان شود.»

۷۲۱- گزینه‌ی (۱) این دو بیت بر «خاموشی و سکوت» تأکید دارند. بیت (الف) ← مردم نادان نصیحت‌پذیر نیستند. بیت (ج) ← سخنی را که آشکارا نمی‌توان گفت، در خفا هم نباید گفت. بیت (د) ← آزادگان بخشنده‌اند. بیت (و) ← نصیحت ناصح دلسوز را بپذیر.

۷۲۲- گزینه‌ی (۳) پیام بیت گزینه‌ی (۳) ← از سخنان عالمان و دانایان بهره بگیر حتی اگر خودشان به گفته‌هایشان عمل نکنند. پیام سه گزینه‌ی دیگر ← عمل مهم است نه گفتار و حرف.

۷۲۳- گزینه‌ی (۱) فعل گزینه‌ی (۱)، (یافته‌اند: پیدا کرده‌اند) گذرا به مفعول است (سه جزئی گذرا به مفعول) در حالی که فعل در گزینه‌های دیگر «اسنادی» است و جمله‌های سه جزئی با مسند را ساخته‌اند.

۷۲۴- گزینه‌ی (۱) سه بیت «ب، د، ه» به سنجیده‌گویی و اندیشه سخن گفتن تأکید دارند.

بیت «الف» با بیت «تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد» تناسب دارد. بیت «ج»: رازداری/ بیت «و»: سکوت و خاموشی

۷۲۵- گزینه‌ی (۱) مفهوم ابیات «ب»، «د» و «ه» خاموشی و رازداری است. مفهوم بیت «الف»، «حجاب داشتن/ چهره پوشاندن» و مفهوم بیت «ج»، «فاش شدن راز عشق» است.

۷۲۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۲) در مذمت و نکوهش غیبت است.

۷۲۷- گزینه‌ی (۴) آدم پر حرف گوشش نمی‌شنود. نصیحت به جز در انسان خاموش اثر نمی‌کند.

مفهوم بیت دوم: فرد خردمند تا همه سکوت نکرده‌اند، حرف نمی‌زند.

۷۲۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال این است که «بدون اندیشه سخن مگوی که هر که سخن را با اندیشه و فکر بیان کند، سخانش ارزشمند و نیکوست.» و توصیه به «اول اندیشه، وانگهی گفتار» است که در گزینه‌ی (۳) نیز دیده می‌شود.

۷۲۹- گزینه‌ی (۴) گرچه هر چهار گزینه با صورت سؤال ارتباط دارد اما مفهوم گزینه‌ی (۴) (سوختن زبان شمع به خاطر پر حرفی) با صورت سؤال تناسب بیش‌تری دارد.

۷۳۰- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک این ابیات ← سخن بی‌جا و بیهوده موجب آسیب دیدن است.

۷۳۱- گزینه‌ی (۱) در بیت صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر تأکید بر گوشه‌نشینی است برای عزت یافتن، ولی در بیت گزینه‌ی (۱) آمده است ← هر چند که سرشار از اسرار هستیم، اما آن را به کسی نشان نمی‌دهیم و تسلیم نمی‌شویم. (حتی با تیغ هم نمی‌تواند ما را وادار به گفتن اسرار کند).

۷۰۵- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) ← نصاب الصبایان منظومه‌ای است در آموزش لغت و مرزبان نامه حکایاتی پند آموز و حکمت آمیز دارد.

گزینه‌ی (۲) ← بوستان، حکایاتی به صورت نظم، با جنبه‌ی تعلیمی و در قالب مثنوی است و کمدی الهی منظومه‌ای تعلیمی است در ادبیات ایتالیا.

گزینه‌ی (۳) ← کلیل و دمنه شامل حکایاتی است از حیوانات و سرشار از تعالیم و سخنان پندآموز و بهشت گم‌شده منظومه‌ای است در ادبیات انگلستان از میلتون.

گزینه‌ی (۴) ← مثنوی معنوی کتابی عرفانی - تعلیمی از مولوی است که حکایاتی پندآموز دارد ولی تذکرة الاولیاء شرح حال عرفاست و حکایاتی از آن‌ها، ولی جنبه‌ی تعلیمی ندارد.

۷۰۶- گزینه‌ی (۳) شعر پرورده‌گویی از ابتدای باب هفتم بوستان سعدی انتخاب شده است.

۷۰۷- گزینه‌ی (۲) آکنده‌گوش: کسی که گوشش پر است، کر، ناشنوا مگر: نه اگر، قطعاً، حتماً، هر آینه، به تحقیق، بی‌شرط (البته این کلمه معانی دیگری چون: شاید، امید که، به جز و ... هم دارد) ژاژ: نوعی گیاه بی‌مزه که هر چند شتر بجود نرم نشود.

خفیه: پنهانی، نهانی

۷۰۸- گزینه‌ی (۴) شعر تعلیمی: شعری است که قصد گوینده و سراینده‌ی آن تعلیم و آموزش است. ماده‌ی اصلی شعر تعلیمی علم، اخلاق و هنر است، یعنی حقیقت، نیکی (خیر) و زیبایی. بهشت گمشده‌ی میلتون و کمدی الهی دانته از انواع شعر تعلیمی است. شعر غنایی: شعری که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر باشد، یعنی آینه‌ی آلام و لذات و تأثرات روحی و دوستی‌ها و عشق‌هاست. در این نوع شعر، شاعر خویشستن خویش را موضوع قرار می‌دهد و از احساسات شخصی سخن به میان می‌آورد، مثل اشعار حافظ.

شعر وصفی: سراینده‌ی شعر وصفی به یاری تخیل سازنده و قوی خود به عناصر بی‌جان طبیعت، پرندگان، گل‌ها و دیگر موجودات، احساس و صفت بشری می‌بخشد و کاینات بی‌روح را جان می‌دهد.

شعر حماسی: شعری است داستانی با زمینه‌ی قهرمانی، قومی و ملی که حوادثی خارق‌العاده در آن جریان دارد، مثل: شاهنامه.

۷۰۹- گزینه‌ی (۳) خیر و نیکی در حوزه‌ی اخلاق است و حقیقت و زیبایی در حوزه‌ی شعرهایی از مباحث علم و ادب است.

۷۱۰- گزینه‌ی (۱) کوه نماد خاموشی است.

۷۱۱- گزینه‌ی (۳) رجوع شود به صفحه اول درآمدی بر ادبیات تعلیمی.

۷۱۲- گزینه‌ی (۲) سایر گزینه‌ها به مفهوم «کم با کیفیت» اشاره دارند، اما گزینه‌ی (۲) به دوری کردن از سخن ناروا (= غیبت) درباره‌ی دیگران توصیه می‌کند.

۷۱۳- گزینه‌ی (۴) در بیت صورت سؤال، شاعر علت سوخته شدن شمع را زبانه (= زبان و حرف زدن) می‌داند، در سه بیت نخست نیز شمع به علت زبان و سخن گوی‌اش کشته می‌شود، اما در گزینه‌ی (۴)، شاعر شمع را موجودی پنداشته که در مقابل زیبایی معشوق، سر از خجالت به پایین اندخته است.

۷۱۴- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲)، غایب شدن از دیدگان مورد نظر است، در حالی که در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) مذمت غیبت کردن عنوان شده است.

۷۱۵- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲) ← گوشه‌گیری از مردم، مقام انسان را بالا می‌برد!

۷۱۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم این گزینه این است که همه چیز مطابق میل نیست. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۳) ← بیان گر سنجیده سخن گفتن است (اول اندیشه وانگهی گفتار). گزینه‌های (۲) و (۴) ← مثال‌هایی هستند بر بیت گزینه‌ی (۳) که اول باید فکر کرد، بعد حرف زد.

۷۱۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم این گزینه تأکیدی است بر پرهیز از مردم‌آزاری تا جایی که به باور شاعر، چهارپایان از انسان‌های مردم‌آزار برتر و سودمندترند. مفهوم مشترک سایر ابیات: خاموشی و سخن نگفتن بهتر از سخن بیهوده گفتن است.

۷۱۸- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱) ← شاعر می‌گوید: واعظ شهر ما نمی‌داند حق چیست و درباره‌ی آن چیزی ننشیده است. بشنو که من این سخن را در حضورش نیز می‌گویم و غیبت نمی‌کنم.

۷۳۲- گزینه‌ی (۳) در مصراع صورت سؤال توصیه شده است که ابتدا باید اندازه گرفت و سپس برید. این مفهوم در گزینه‌ی (۳) بدین صورت مطرح شده است که باید ابتدا اندیشید و سپس سخن سنجیده گفت.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← نادان به هنگام سکوت، رسواتر از زمان سخن گفتن است.

گزینه‌ی (۲) ← به سکوت توصیه می‌کند و این که فرد خوش‌سخن هیچ‌گاه از لب خاموش گله‌مند نخواهد شد.

گزینه‌ی (۴) ← گفتارم موجب کوتاهی عمرم می‌شود.

۷۳۳- گزینه‌ی (۲) وقتی که در جامعه‌ای خلّاقیت و ابتکار هنری بمیرد، هنرمندان و شاعرانش به‌جای آفرینش شعر، مسائل مختلف را به نظم در می‌آورند و تصنع جای الهام را می‌گیرد.

۷۳۴- گزینه‌ی (۴) بیت مورد سؤال و ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به رازداری و پوشاندن اسرار و این که راز دل خود با غیر مگویید، تأکید دارند، اما بیت گزینه‌ی (۴) بر «به‌جا سخن گفتن» تأکید می‌کند.

۷۳۵- گزینه‌ی (۲) مفهوم کلی هر دو بیت ← زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد.

۷۳۶- گزینه‌ی (۲) «مگر» در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به‌معنای «امید است، شاید» و در بیت گزینه‌ی (۲) به‌معنی «بی‌هیچ شرطی، حتماً» آمده است.

۷۳۷- گزینه‌ی (۱) گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) توصیه به گوشه‌گیری و عزلت است و حال آن که در گزینه‌ی (۱) می‌گوید: هر کس که عاشق شود دیگر آرام و قرار ندارد.

۷۳۸- گزینه‌ی (۴) سخن را باید قیاس کرد و سنجید سپس ادا کرد. شاعران ابیات (۱)، (۲) و (۳) می‌گویند که سخن را بسنج (گزینه‌ی (۱)) تا نیک بدانی که کاملاً درست است (گزینه‌ی (۲)) آن‌گاه آن را خرج کن (گزینه‌ی (۳)).

سخن، چون سرایی بسنج از نخست / کم سخته شاید نه بسیار سست

۷۳۹- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت این است که «با گوشه‌گیری به عزت و ارزشمندی خواهی رسید» که در گزینه‌های «الف و ب» آمده است. بیت «ج» به عدم گوشه‌گیری اشاره کرده، بیت «د» توصیه به گوشه‌گیری می‌کند و بیت «ه» از گوشه‌گیری نهی می‌کند.

۷۴۰- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت سؤال و ابیات (۱)، (۲) و (۴) «عزلت و گوشه‌نشینی و سکوت اختیار کردن» است. ولی بیدل دهلوی در بیت سوم می‌گوید:

معجزه‌ی جمال و زیبایی معشوق خموشی و سکوت را نیز گویا می‌کند.

۷۴۱- گزینه‌ی (۴) مفهوم ابیات «ب - ت - ث» ← سنجیده‌گویی

مفهوم ابیات «الف و ج» ← سکوت

مفهوم بیت «پ» ← غیبت کردن

۷۴۲- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← گوشه‌گیری (≠ فعال بودن)

گزینه‌ی (۲) ← سخن گفتن و سالک نبودن (≠ کم گفتن و سکوت)

گزینه‌ی (۳) ← نفی غیبت (= نهی از غیبت)

گزینه‌ی (۴) ← خوبی در برابر بدی (≠ بدی در برابر بدی)

۷۴۳- گزینه‌ی (۴) پیام سایر ابیات کم‌گویی و سنجیده‌گویی است ولی پیام بیت چهارم نکوهش حرص و طمع است.

۷۴۴- گزینه‌ی (۳) کنایه (ده مرده گوی کنایه از زیاده‌گو)

تشبیه (چو دانا)

جناس تام (گوی در مصرع اول یعنی گوینده و در مصرع دوم فعل امر است)

تضاد (دانا و نادان)

درس شانزدهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۷۴۵- گزینه‌ی (۲) مفهوم صورت سؤال ← کشته شدن عاشق

مفهوم گزینه‌ی (۲) ← عشق به شمشیر، بسم الله می‌گوید و شمشیر را به سوی خود فرا می‌خواند یعنی عشق همراه با کشته شدن است.

۷۴۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← ترک تن و کشته شدن عاشق در راه عشق

مفهوم گزینه‌ی (۲) ← انتظار ندارم از من بیزار باشی!

(البته به نظر می‌رسد این سؤال ایراد دارد و گزینه‌ی (۳) هم چندان ربط قوی‌ای با صورت سؤال ندارد!)

۷۴۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) ← جان دادن و کشته شدن عاشق در راه معشوق

(البته گزینه‌ی (۳) هم بی‌ربط نیست، اما گزینه‌ی (۴) قوی‌تر است.)

۷۴۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) ← تعالی روح و بلند پروازی آن.

۷۴۹- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← علاوه بر جسم، روح هم وجود دارد که به کار آید!

۷۵۰- گزینه‌ی (۳) مفهوم سایر ابیات و صورت سؤال ← خواست، خواست خداست!

۷۵۱- گزینه‌ی (۲) کسی را که خدا نپذیرد از همه جا رانده است و کسی را که بپذیرد کسی نمی‌تواند او را براند. یعنی نظر، نظر خداست نه مردم!

۷۵۲- گزینه‌ی (۴) مفهوم صورت سؤال و بقیه‌ی گزینه‌ها فنا شدن و جانبازی عاشق در راه معشوق است.

۷۵۳- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) و صورت سؤال به عدم ارتباط ظاهر و باطن اشاره شده است. ولی در گزینه‌ی (۱) به ارتباط ظاهر و باطن اشاره شده.

۷۵۴- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱) و صورت سؤال به این مفهوم اشاره شده که نامهربانی و زخم‌زبان دشمن (ناآگاه) دردآور نیست ولی نامهربانی و زخم‌زبان دوست (آگاه) بسیار دردآور و باعث تأمل است.

۷۵۵- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴) به گذر عمر اشاره شده است ولی سه گزینه‌ی دیگر همانند صورت سؤال به جدا بودن عالم جسم و روح اشاره دارند.

۷۵۶- گزینه‌ی (۱) اهل صورت، یعنی ظاهر‌گرایان یا همان متشرّعان و سر‌جوب‌پاره سرخ کردن یعنی کشته شدن و به دار جاهلیت کشیده شدن و به مقام عرفانی رسیدن.

۷۵۷- گزینه‌ی (۱) قبا: لباس معمولی و عموم مردم

او را از آن تفاوت نبود: در حال وی تغییری ایجاد نشد.

۷۵۸- گزینه‌ی (۱) سه گزینه‌ی دیگر و صورت سؤال به سخت بودن راه عشق اشاره دارد.

۷۵۹- گزینه‌ی (۴) این جمله از درس «ذکر حسین بن منصور» آمده است که جنید عارف، حلاج را دعوت به سکوت و خلوت‌گزینی می‌کند تا از شرّ بدفهمان و کزاندیشان در امان باشد.

گزینه‌ی (۱) ← کنایه از ساکت بودن، کسی که نمی‌شنود

گزینه‌ی (۲) ← کنایه از ساکت کردن، سنجیده عمل کردن

گزینه‌ی (۳) ← کنایه از بیهوده حرف زدن، به خاطر حرف زدن دچار آسیب شدن

گزینه‌ی (۴) ← کنایه از ساکت بودن، گوشه‌نشینی و عزلت

۷۶۰- گزینه‌ی (۲) * با توجه به محتوای درس حلاج، می‌توان به این سؤال پاسخ داد.

۷۶۱- گزینه‌ی (۳) صفت فاعلی مرکب مرخم، صف درنده، دلیر و شجاع مهجور: دور افتاده (واژه‌ی هجران را به یاد بیاورید).

دستار: عمامه، پارچه‌ای که دور سر می‌پیچند.

سکر: سرمستی، واژه‌ای عرفانی است (در مقابل کلمه‌ی صَخُو: هشجاری).

۷۶۲- گزینه‌ی (۴) در این تست بیش‌تر، املا‌ی کلمات هم آوا موردنظر است.

- غرایب: جمع غریبه به معنای نادر است و قریبه به این صورت در فارسی کاربرد ندارد.

- زی: در معنای لباس در درس شانزدهم پیش‌دانشگاهی و به معنای «سوی» در

قصیده‌ی ناصر خسرو در سال سوم آمده است و «ذی» به معنای صاحب، دارنده

- فراق: دوری، جدایی / قَراغ: آسودگی (واژه‌ی اوقات فراغت را به خاطر بیاورید!)

- قبیح: از قُبَح به معنای زشت، صفت است.

- منسوب: گماشتن، نصب کردن، گذاشتن / منسوب: نسبت داده شده، مثلاً منسوب

به حماقت ...

۷۶۳- گزینه‌ی (۲)

۷۶۴- گزینه‌ی (۴)

۷۶۵- گزینه‌ی (۲)

۷۶۶- گزینه‌ی (۴)

۷۶۷- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) ← انتظار از دوست چنین نبود!

۷۶۸- گزینهی (۳) معنای بیت: چون حلاج مست شراب عشق خدای بود، هشیاران (آنان که مست عشق نبودند، عارف‌نمایان، زاهدان و ...) نتوانستند سرمستی و های و هوی مستانه‌ی او را تحمل کنند. (ناخشنودی مشایخ از سرمستی او بود).

۷۶۹- گزینهی (۴) در گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) به این نکته اشاره شده است که «خواست، خواست خداست و بر مشیت الهی تأکید دارد»، اما در گزینهی (۴) به شادمانی مردم پس از گذر سیاهوش از آتش، اشاره دارد.

البته درس گذر سیاهوش از آتش از کتاب سال چهارم حذف شده است ولی صورت سؤال از درس «حسین بن منصور حلاج» انتخاب شده است.

۷۷۰- گزینهی (۳) شکوه منصور حلاج از آن است که شبلی با وجود این که منظور منصور حلاج را می‌داند، باز هم با جماعت هم‌رنگ می‌شود و او را محکوم می‌کند، این شکایت از دوست را در بیت گزینهی (۳) نیز می‌بینیم.

۷۷۱- گزینهی (۴) مفهوم «شهادت و کشته شدن موجب افتخار و سربلندی و زینت انسان‌هاست.» در عبارت صورت سؤال و گزینیه‌های مرتبط مطرح شده است، اما شاعر در بیت گزینهی (۴)، می‌گوید که در هجران معشوق، چهره‌ی خود را با اشک خونین رنگین می‌سازد.

۷۷۲- گزینهی (۳) گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴) بر حس معنوی انسان برای نیل به کمالات حقیقی دوست اشاره شده است، اما در بیت گزینهی (۳) آمده است «اگر نور عشق نبود، هیچ کس از تاریکی‌ها رهایی نمی‌یافت».

۷۷۳- گزینهی (۴) مفهوم عبارت سؤال و گزینهی (۴)، رابطه‌ی حلاج با خداوند است و مردم تأثیری در تأیید و انکار او ندارند.

گزینهی (۱): نفی ریاکاری/ گزینهی (۲): تأثیر خواست و اراده‌ی الهی/ گزینهی (۳): قضا و قدر و جبرگرایی

۷۷۴- گزینهی (۴) عبارت سؤال می‌گوید: عاشق با صفات و دست و پای عشق سفر هر دو عالم می‌کند و نیازی به پای جسم ندارد. این مفهوم را در ابیات (۱) تا (۳) نیز می‌بینیم که در هر سه بیت از رفتن با پای دل و روح و با بال عشق بر فراز آسمان سخن رفته است.

۷۷۵- گزینهی (۳) از حلاج درباره‌ی عشق می‌پرسند و او «فناء فی الله» را عشق می‌داند که در گزینهی (۳) آمده است.

گزینهی (۱): عشق امری جاودان و مستحکم است. گزینهی (۲): عشق سرشار از سختی و اندوه است. گزینهی (۴): تقابل عشق و عقل را بیان می‌کند.

۷۷۶- گزینهی (۳) عبارت سؤال یعنی: شهادت و جان‌بازی پله‌ی عروج مردان حق است. در بیت سوم نیز صائب می‌گوید: دار مرگ و نیستی تاجی است بر سر مردان و مردان خدا با بر سر دار رفتن تاج بر سر خود می‌نهند.

۷۷۷- گزینهی (۴)

۷۷۸- گزینهی (۱) کافی است به توضیحات درس حسین بن منصور حلاج مراجعه کنید که در توضیح این عبارت آمده است: حلاج به طنز می‌گوید: اگر مرید [که نیستید] دست صفات مرا که دور پرواز و بلند همت است ببرد.

۷۷۹- گزینهی (۳) نظر ابوالقاسم قشیری درباره حلاج: اگر مقبول بود به ردّ خلق مقبول نگردد و اگر مردود بود به قبول خلق مقبول نگردد.

نکته: مفهوم مشترک این جمله و گزینهی (۳) «نظر خداوند مهم است نه نظر مردم!» ابیات ۱، ۲ و ۴ مانند عبارت سؤال در مورد «جان‌فشانی عاشق در عشق معشوق» سخن می‌گویند ولی بیت سوم به دل باختن و گرفتار شدن عاشق اشاره دارد.

۷۸۱- گزینهی (۳) کرامت در اصطلاح عرفانی یعنی امور خارق‌العاده‌ای که به عنایت خداوندی از صوفیان و عارفان سر می‌زند مثل اخبار غیبی و اشراف بر ضمائر. وقتی حلاج در جواب آن درویش می‌گوید عشق را امروز می‌بینی و فردا و پس فردا از کجا می‌دانستی که امروز می‌کشند و فردا می‌سوزانند و پس فردا خاکسترش را به باد می‌دهند. آیا این پیش‌بینی از مقوله‌ی اخبار غیبی نیست؟

در گزینهی (۱) «فراسط یعنی دریافت باطن چیزی با نگاه کردن به ظاهرش

در گزینهی (۲) «ریاضت یعنی تحمل رنج و تعب برای تهذیب نفس

در گزینهی (۴) «همت یعنی توجه آدمی با تمام قوای روحانی خود به خداوند برای کسب کمال

درس هفدهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۷۸۲- گزینهی (۲) در گزینهی (۱) «واقعات غریب - غالب مشایخ - افشای اسرار

در گزینهی (۲) «کارش صواب نبود (صواب: درست و صحیح، ثواب: اجر و پاداش)

در گزینهی (۳) «منسوب کرد، برخاست

در گزینهی (۴) «چَد و جهد، سوز فراق

۷۸۳- گزینهی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت گزینهی (۳) «همه

مستند (این جا کسی هشیار نیست - اگر قرار باشد مستان را به دار بزنند گذر عامی و عارف (همه) بر دار است)

۷۸۴- گزینهی (۲) گزینهی (۲) به رخداد تاریخی هماهنگی لباس اشاره دارد که نبود کلاه پهلوی (کلاه لبه‌دار) بی‌احترامی تلقی می‌شد.

۷۸۵- گزینهی (۴) رجوع کنید به تاریخ ادبیات شعر «مست و هشیار»

۷۸۶- گزینهی (۱) والی را سرای = سرای والی

* «را» فلک اضافه، رای است که بین مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده می‌آید.

۷۸۷- گزینهی (۳) گاه برخی از جملات آن‌قدر در موقعیت‌ها درست و مناسب

به کار می‌روند که جنبه‌ی ضرب‌المثل می‌یابند. در سر باید عقل و اندیشه باشد، کلاه نداشتن عیب نیست و عقل نداشتن موجب رسوایی و ننگ است.

۷۸۸- گزینهی (۴) پروین شاعر قطعه‌سرا علاقه دارد اکثر شعرهایش را تعلیمی بیان کند و برای تعلیم «مناظره» را انتخاب کرده است و طنز انتقادی بسیار تندی دارد که یادآور طنز رندانه‌ی حافظ است.

۷۸۹- گزینهی (۴) در گزینهی (۴) نیز مانند صورت سؤال، عدم مطرح بودن کم یا زیاد گناه و زشتی گناه به ذات مطرح شده است.

۷۹۰- گزینهی (۴) مفهوم عبارت صورت سؤال درخواست رشوه از طرف محتسب است، رشوه به عنوان یک پدیده‌ی مذموم اجتماعی فقط در گزینهی (۴) آمده است: رشوه گرفتن از مردم نشانه‌ی فساد است.

مفاهیم سایر گزینیه‌ها:

گزینهی (۱): عظمت مقام ممدوح

گزینهی (۲): ناگزیری مرگ و این که مرگ به سراغ همه می‌آید.

گزینهی (۳): بخشش بی‌توقع خداوند

۷۹۱- گزینهی (۳) بیت صورت سؤال بیانگر اهمیت عقل و ستایش عقلانیت است. در میان گزینیه‌ها، فقط در گزینهی (۳) به ستایش عقل پرداخته شده است.

۷۹۲- گزینهی (۲)

۷۹۳- گزینهی (۱) مفهوم بیت سؤال این است که در سر انسان باید عقل و شعور باشد و نداشتن کلاه، ننگ و عار به حساب نمی‌آید (اصل مهم است، نه فرع و ظاهر)، «نداشتن کلاه» (کلاه پهلوی) در آن دوران نوعی بی‌احترامی به حساب می‌آمده که فرد مست بسیار رندانه و زیرکانه جواب می‌دهد. همین مفهوم در گزینهی (۱) به چشم می‌خورد.

۷۹۴- گزینهی (۳) مفهوم صورت سؤال «ظاهر و کلاه مهم نیست و عقل مهم است. مفهوم بیت گزینهی (۳) «ظاهر مهم است و دستار (عمامه) به جای عقل باشد بهتر است.

* دقت کنید صورت سؤال مفهوم مقابل را خواسته است.

۷۹۵- گزینهی (۴) مفهوم محوری «مناظره‌ی مست و هوشیار پروین اعتصامی» این است که فساد و تباهی، جامعه، مردم و حاکمان را در بر گرفته است؛ قاضی به وظائفش بی‌توجه است؛ والی خود مست است و ساکن میکده، مأمور اجرای حدود و قوانین دین، رشوه‌خوار است و بی‌توجه به قوانین دین و مردم همه مست و رسوا و تباه، نظیر همین شرایط در بیت (۴) نیز بیان شده است.

۷۹۶- گزینهی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال این است که در سر انسان باید عقل و شعور باشد و نداشتن کلاه ننگ و عار به حساب نمی‌آید (اصل مهم است نه فرع)، «نداشتن کلاه» (کلاه پهلوی) نوعی بی‌احترامی به حساب می‌آمده که فرد مست بسیار رندانه و زیرکانه جواب می‌دهد. همین مفهوم در گزینهی (۱) به چشم می‌خورد.

۷۹۷- گزینهی (۴) «افتان و خیزان رفتن» کنایه از عدم تعادل است و در مصراع دوم «ره هموار نیست» کنایه از این است که اوضاع اجتماعی ناپه‌سامان است، یعنی علت «افتان و خیزان رفتن من» (مستی) این است که اوضاع اجتماعی ناپه‌سامان است.

۷۹۸- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ چهارم، «فقر اقتصادی» است.

گزینۀ (۱) ← امید به گشایش کار

گزینۀ (۲) ← گل، مژده‌دهندۀ کرامت خداست.

گزینۀ (۳) ← در مقابل دامن چاک‌شدۀ عالم رندی، جامه‌ای نیز در نیک‌نامی می‌باید درید!

۷۹۹- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ سوم، «دلیل آوردن برای نپرداختن غرامت» است. (بیان‌کنندۀ فقر اجتماعی حاکم بر جامعه)

۸۰۰- گزینۀ (۳) در این بیت آمده است: «هیچ هشیار دگر عیب نگیرد بر مست»، یعنی هشیار هست ولی دیگر هیچ هشیاری بر مست عیب نمی‌گیرد. و این با صورت سؤال در تقابل است!

۸۰۱- گزینۀ (۱)

نکته: شعر «مست و هشیار» پروین اعتصامی، از شعرهای حفظی کتاب است!

۸۰۲- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ (۴)، «تباهی و نادرستی رایج در دستگاه حکومت است».

۸۰۳- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ (۴) ← «تباهی و نادرستی رایج در دستگاه حکومت»

۸۰۴- گزینۀ (۴) این بیت جز معنای ظاهری، تعادل نداشتن مست را می‌رساند. ضمناً در قدیم، بدون کلاه و دستار در بین مردم ظاهر شدن، نوعی ننگ و عار و بی‌ادبی تلقی می‌شد.

۸۰۵- گزینۀ (۲) در بیت صورت سؤال اشاره می‌شود که در این شهر یکی هشیار نیست و همه مست‌اند و بی‌خبر و این مفهوم و معنا دقیقاً در بیت گزینۀ (۲) به کار رفته است، یعنی در این شهر همه هم‌چون ما مست و سرگشته و نظرباز و می‌خواره‌اند، البته مفهوم شعر حافظ بیش‌تر بنیان غنایی دارد، ولی بیت پروین بنیان سیاسی و اجتماعی دارد.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) ← تا زمانی که عشق تو در وجود من است، همواره در مستی خواهم بود.

گزینۀ (۳) ← تمام وجود من در مستی ساز و معشوق و شراب مستغرق است.

گزینۀ (۴) ← مستی با وجود تو بر ما حلال می‌گردد و بدون تو حرام است.

۸۰۶- گزینۀ (۴) بیت سؤال و ابیات ۱ تا ۳ به «فساد حاکمان و زاهدان و تزویر و ریای آن‌ها» اشاره می‌کنند ولی بیت چهارم می‌گوید: «اگر محتسب خود شراب بخورد مست را معذور می‌دارد و او را به جرم مستی بازخواست نمی‌کند».

درس هجدهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۸۰۷- گزینۀ (۲) امیل زولا از برجسته‌ترین چهره‌های مکتب ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی)، واقع‌بینی را به‌جای تخیل اصلی‌ترین شرط نویسندگی می‌داند.

۸۰۸- گزینۀ (۲) منوچهری در توصیف عناصر طبیعی (بهار، طوفان و ...) استاد بود.

۸۰۹- گزینۀ (۱) طبق توضیحات درس هفدهم معنای دقیق این بیت: بلبل بر شاخه‌ی پرطراوت گل سرخ به نغمه‌خوانی مشغول است (گل در ادب فارسی هر جا تنها به کار رود، به معنی گل سرخ است).

۸۱۰- گزینۀ (۳) خرگه (خیمه بزرگ) زدن لاله تشخیص است.

۸۱۱- گزینۀ (۴) رجوع کنید به درآمدی بر توصیف و تصویرگری!

۸۱۲- گزینۀ (۲) چوک: مرغی است مانند جغد که خود را از درخت آویزان سازد و فریاد کند؛ شب‌اوز، مرغ حق

۸۱۳- گزینۀ (۲) این مصرع زیبایی پای قرمز رنگ کبک را با ذوقی شاعرانه توصیف می‌کند.

۸۱۴- گزینۀ (۱) رجوع کنید به درآمدی بر توصیف و تصویرگری!

۸۱۵- گزینۀ (۱) توصیف شور عاشقانه، وجد عارفانه و لحظه‌های هجران و وصل در سروده‌های سعدی و حافظ و مولانا آمده است.

۸۱۶- گزینۀ (۱) اسب سیاه: ابر / لؤلؤ تر: باران

۸۱۷- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱) ← «شکر با شکایت» پارادوکس است.

گزینۀ (۲) ← «در حسن، قصور هست» پارادوکس است.

گزینۀ (۳) ← «شهد، شریک است» پارادوکس است.

* در گزینۀ (۴) بلبل، قمری و نحل، تناسب دارند.

دهن لاله: استعاره‌ی مکتبه، تشخیص / مشک: استعاره از سیاهی درون لاله / مصراع دوم: حسن تعلیل / آرایه‌ی تکرار: دهن

در گزینۀهای (۱)، (۲) و (۳) پارادوکس وجود دارد.

معنی گزینۀ (۴): بلبلان با شور و نشاط هستند و قمری با جوش و خروش است. در دهن گل لاله مشک ریخته شده که سیاه رنگ است و در دهن زنبور عسل شیرینی.

۸۱۸- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱): توصیف طبیعت از منوچهری دامغانی است در وصف بهار. گزینۀ (۲): توصیف میدان رزم و جنگ از فردوسی / گزینۀ (۳): توصیف مجلس بزم است از نظامی. / گزینۀ (۴): شعری است عاشقانه و توصیفی نیست و شاعرش سعدی است.

* این قبیل تست‌ها خیلی سخت است! گاهی باید دعا کرد!!!

۸۱۹- گزینۀ (۳) * (۱) کلاسیسم: در این مکتب ادیبان از گذشتگان تقلید می‌کنند و معتقدند به جای احساس و الهام باید عقل در مقام قضاوت کننده بر آثار ادبی حاکم باشد و چون باید آثار ادبی، هدفی ارشادی را دنبال کنند شیوه‌ای زیبا و خوشایند را باید وسیله‌ی تعلیم قرار دهند. کلمات ضمن ایجاز از وضوح و روشنی برخوردارند. شکسپیر از معروف‌ترین ادیبان این مکتب است.

(۲) رئالیسم: از اواسط قرن نوزدهم در اعتراض به مکتب رمانتیسم پدید آمد. بالزاک و جرج الیوت با آثارشان این مکتب را بنا نهادند. نویسنده با بی‌طرفی موضوعی را از زندگی واقعی مردم برمی‌گزیند و داستان را عیناً بدون دخالت تعریف می‌کند و شخصیت‌ها از مردمان طبقه‌ی پایین جامعه هستند.

(۴) رمانتیسم: از قرن هجدهم رواج یافت و موضوع شعرهایشان طبیعت بیرون بوده است و انگیزه‌ای برای به فکر واداشتن. دیدگاه آن‌ها دیدگاهی شخصی و درون‌گرایانه است. آن‌ها سرشت انسان را خوب می‌دانند و بدی را ناشی از شرایط محیط، مانند شخصیت ژان‌والزان در بینوایان هوگو. نیز شخصیت داستان‌های آن‌ها عادی و کودک هستند چون کودک بیش‌تر از دیگران به طبیعت نزدیک است و نیز شعرای این سبک افرادی مبتکر و مبدع هستند.

۸۲۰- گزینۀ (۱) مصراع صورت سؤال به آوازخوانی بلبل برای گل سرخ اشاره دارد، ولی در بیت نخست شاعر خودش را همچو بلبلی می‌داند که در فصل رویدن گل سرخ، سکوت پیشه کرده است.

۸۲۱- گزینۀ (۲) در بیت صورت سؤال، اشاره به سیاهی داخل گل لاله شده است، این تصویر فقط در بیت دوم دیده می‌شود که شاعر جگر خود را همچون لاله «سوخته» می‌داند.

گزینۀ (۱): شباهت گل لاله به جام سرخ رنگ باد.

گزینۀ (۳): اشاره به سرخی گل لاله.

گزینۀ (۴): رویدن لاله از مزار عاشق.

۸۲۲- گزینۀ (۳) گنج فریدون در این درس به معنی نغمه‌خوانی آمده است.

۸۲۳- گزینۀ (۱) واژه‌ی به‌ترتیب در توضیحات توصیف درست رعایت نشده است.

۸۲۴- گزینۀ (۳) گزینۀ (۳) توصیف تخیلی است، در حالی که گزینۀهای دیگر توصیف نمادین هستند.

۸۲۵- گزینۀ (۳) در این گزینۀ از پاییز سخن به میان آورده است ولی در سایر گزینۀها شاعر از «نغمه‌خوانی بلبل در فصل گل» سخن می‌گوید.

ابر آذاری برآمد از کران کوهسار / باد فروردین بجنبید از میان مرغزار (منوچهری دامغانی) بهار آمد و گشت عالم گلستان / خوشا وقت بلبل، خوشا وقت بستان (وحشی بافقی)

سرو چو منبر شده است فاخته همچون خطیب / مسجد او جویبار، منبر او عندیلب (امیر معزی) بهار آمد که از گلین همی بانگ هزار آید / به هر ساعت خروش مرغزار از مرغزار آید (قائمی شیرازی)

۸۲۶- گزینۀ (۳) بیت «الف»: باد به گلو انداختن، کنایه از آوازخوانی است.

بیت «ب»: بلبلان و قمریان آواز می‌خوانند و نغمه‌سرایی می‌کنند («ک» = ک تحبیب) بیت «د»: بلبل بر روی شاخه‌ی باطراوت گل سرخ نغمه‌سرایی می‌کند (گنج فریدون: نام نوایی در موسیقی و هم گنجی منسوب به فریدون)

۸۲۷- گزینیه‌ی (۱) گنج فریدون: نام نوایی در موسیقی و گنجی منسوب به فریدون.
 ۸۲۸- گزینیه‌ی (۳) تناسب بیت سؤال و گزینیه‌ی سوم، به تصویر کشیدن رویدن سبزه‌ها و آوازخوانی بلبل است.
 مفهوم سایر گزینیه‌ها:
 گزینیه‌ی (۱) ← رویدن گل‌ها
 گزینیه‌ی (۲) ← رویدن گل‌ها و ابری بودن آسمان
 گزینیه‌ی (۴) ← دل‌سوختگی و فراگیری جنون عاشقی
 ۸۲۹- گزینیه‌ی (۳) در آثار برجسته‌ی نثر فارسی چون «تاریخ بیهقی»، «کلیله و دمنه»، «گلستان سعدی» و «مرزبان‌نامه»، توصیف صحنه‌های تاریخی، روحیات و حالات افراد به زیبایی و رسایی تمام مشهود و محسوس است.
 ۸۳۰- گزینیه‌ی (۲) الف) «مشک سیاه»: داغ لاله/ب) «در نمین»: زاله (باران)
 ۸۳۱- گزینیه‌ی (۲) «توصیف عناصر طبیعی در شعر شاعرانی چون منوچهری، فرخی سیستانی، عنصری و ملک الشعرای بهار مشهود است. توصیف واقعی از آن نویسندگانی است که به مکتب ادبی ناتورالیسم معتقدند. امیل زولا واقع‌بینی را به جای تخیل اصلی‌ترین شرط نویسندگی می‌داند. توصیفات واقعی بیش‌تر در دنیای رمان‌نویسی و داستان‌پردازی جایگاه و پایگاه یافته است.»
 ۸۳۲- گزینیه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و گزینیه‌ی (۳)، هر دو به «بارش ابر بهاری» و توصیف تخیلی آن اشاره دارند.
 تشریح گزینیه‌های دیگر:
 گزینیه‌ی (۱): جود و کرم تو برای مفلس، از سودی که باران بهاری به کنش‌زار می‌رساند بیش‌تر است.
 گزینیه‌ی (۲): قطرات عرق بر چهره‌ی زیبای یار مثل قطرات باران بهاری بر روی گل است.
 گزینیه‌ی (۴): تشبیهی زیبا از گریستن عاشق و شباهت آن با ابر بهاری آمده است که مفهوم انبوهی اشک عاشق را تداعی می‌کند.
 ۸۳۳- گزینیه‌ی (۲) توصیف عناصر طبیعی در شعر شاعرانی چون منوچهری، فرّخی سیستانی، عنصری و ملک الشعرای بهار؛ توصیف شور عاشقانه و وجد عارفانه در سروده‌های سعدی، حافظ و مولانا و توصیف صحنه‌های طبیعی، حوادث تاریخی و ... در کتاب‌هایی مانند تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه، گلستان سعدی و مرزبان‌نامه به زیبایی تمام مشهود است.
 توصیفات تخیلی محصول گره‌خوردگی حواس ظاهری با احساسات انسانی است. وصف‌هایی که گوینده از تصوّر و پندار خویش مدد می‌گیرد، واقعه‌ای تخیلی را به‌وجود می‌آورد و آن را برای دیگران مجسم می‌سازد.
 ۸۳۴- گزینیه‌ی (۱) در آثار برجسته‌ی نثر فارسی چون تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه، گلستان سعدی، مرزبان‌نامه، توصیف صحنه‌های طبیعی، حادثه‌های تاریخی، روحیات و حالات افراد به زیبایی و رسایی تمام مشهود و محسوس است.
 ۸۳۵- گزینیه‌ی (۲) گزینیه‌های (۱)، (۳) و (۴) اشاره به سنگ‌دل بودن محبوب دارد. در گزینیه (۲)، هم‌نشینی نادان به سنگی تشبیه شده است که دل همانند سبزو را می‌شکند، پس بر سنگ‌دلی دلالت ندارد بلکه برعکس شکننده بودن دل را می‌رساند.
 ۸۳۶- گزینیه‌ی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینیه (۲) ← سیاهی درون گل لاله
 تشریح گزینیه‌های دیگر:
 گزینیه‌ی (۱) ← هر لاله نشان یک شهید است.
 گزینیه‌ی (۳) ← خداوند همه جا نمودار است.
 گزینیه‌ی (۴) ← هر لاله در کوه نشان‌دهنده‌ی خون فرهاد است.
 ۸۳۷- گزینیه‌ی (۴) توصیف میدان‌های رزم، رویارویی پهلوانان، وصف ساز و برگ جنگی در شاهنامه‌ی فردوسی، توصیف عناصر طبیعی (بهار، طوفان، باران، شب، ستارگان، زاله و گل) در شعر شاعرانی چون منوچهری، فرّخی، عنصری و ملک الشعرای بهار، توصیفات مجالس بزم در خمسه‌ی نظامی، توصیف روحیات و حالات افراد، حادثه‌های تاریخی و صحنه‌های طبیعی در تاریخ بیهقی مشاهده می‌شود.
 ۸۳۸- گزینیه‌ی (۴) در توصیفات واقعی، گوینده هم‌چون دوربین بسیار حساس عکاسی همه چیز را - آن‌گونه که هست، زشت یا زیبا نشان می‌دهد و به آرایه‌های ادبی و سایر رموز هنر - که دست‌مایه‌ی سخن‌سرایان است، کاری ندارد.

۸۳۹- گزینیه‌ی (۱) در بیت صورت سؤال و در گزینیه‌های (۲)، (۳) و (۴) دنیا به جهت سرسبزی که با آمدن بهار حاصل شده، به بهشت تشبیه شده است، اما در گزینیه (۱)، توصیف «قطره‌ی باران بر روی گل سوسن که مانند ستاره‌ی ثریا بر آسمان است» صورت گرفته است.
 ۸۴۰- گزینیه‌ی (۱) استعاره ← مشک/مراعات‌نظیر ← «قمری و کبک» و «گلو و گوش»/مجاز ← سنجاب در معنی پوست سنجاب/تشخیص ← «سنجاب‌پوش بودن قمری» و «مشک به سوراخ گوش ریختن کبک»/کنایه ← «گلو پر از باد کردن»/کنایه از «آماده بودن برای آواز خواندن»
 ۸۴۱- گزینیه‌ی (۴) مصراع اول بیت گزینیه (۴)، «توصیف واقعی» و مصراع دوم «توصیف تخیلی» است.
 بیت‌های گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳)، «توصیف تخیلی» هستند.
 ۸۴۲- گزینیه‌ی (۴) در صورت سؤال می‌گوید ← بلبل به نغمه‌سرایی پرداخته است، در حالی که در گزینیه (۴) از سکوت بلبل سخن می‌گوید.
 ۸۴۳- گزینیه‌ی (۲) بیت سؤال به آمدن بهار اشاره دارد و مفهوم مقابل آن رسیدن فصل خزان و رفتن بهار و مرگ گل‌هاست که در گزینیه (۲) آمده است.
 ۸۴۴- گزینیه‌ی (۳) گزینیه (۱) به «رویدن سبزه در دشت»، گزینیه (۲) به «زیبایی زمین در بهار» و گزینیه (۴) به «نغمه‌پردازی بلبل» اشاره می‌کند. اما گزینیه (۳) مصراع اول به «تأثیرگذاری ظلم بر جامعه» و مصراع دوم به «ظلم‌ستیزی» اشاره می‌کند.
 ۸۴۵- گزینیه‌ی (۳) مجاز ← سنجاب (پوست سنجاب)/حسن تعلیل ← علت سیاهی گوش کبک را این دانسته که کبک مشک که سیاه رنگ است در گوش خود ریخته که این علتی غیر واقعی و تخیلی است/کنایه ← کرده گلو پر ز باد (آماده برای آواز خواندن)/جناس ← پوش و گوش (این جناس چندان قوی نیست چرا که «پوش» قسمتی از کلمه‌ی «سنجاب پوش» است)/تناسب ← قمری، سنجاب، کبک
 ۸۴۶- گزینیه‌ی (۴) همه‌ی ابیات به‌جز بیت چهارم از «فصل بهار و طبیعت زیبای آن» سخن می‌گویند ولی بیت چهارم به تمام شدن خوشی‌های روزگار اشاره دارد.
 ۸۴۷- گزینیه‌ی (۲) در این متن املای این واژه‌ها نادرست است:
 (۱) ویژه‌گی‌ها (ویژگی‌ها) - (۲) قریب (غریب) - (۳) بیافتد (بیفتد)
 ۸۴۸- گزینیه‌ی (۱) امیل زولا که از برجسته‌ترین چهره‌های مکتب طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) است واقع‌بینی را به جای تخیل اصلی‌ترین شرط نویسندگی می‌داند.

درس نوزدهم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۸۴۹- گزینیه‌ی (۱) بیت صورت سؤال به دوری از فساد و خمودی اشاره دارد و مخاطب خود را به جوش و خروش دعوت می‌کند در حالی که در گزینیه (۱) گفته شده که تو افسرده‌ای!
 * دقت کنید مفهوم مقابل خواسته شده است نه معادل!
 ۸۵۰- گزینیه‌ی (۳)
 ۸۵۱- گزینیه‌ی (۴) ابیات صورت سؤال مخاطب خود را به جوش و خروش و تلاش برای آزادی خود دعوت می‌کنند.
 ۸۵۲- گزینیه‌ی (۳) ارغند: خشمگین و قهرآلود (در فرهنگ‌های فارسی ارغند را دلیر و شجاع معنی کرده‌اند).
 ۸۵۳- گزینیه‌ی (۲) ضمد کردن: مرهم نهادن و چیزی بر زخم بستن
 کافور به خاطر رنگ سفید خود که همانند برف است به مرهمی بر زخم و درد و ورم کوه (قله‌ی آن) تشبیه شده است.
 ۸۵۴- گزینیه‌ی (۳) ضربتی چند: چند ضربه
 چون «چند» به همراه اسم آمده، صفت مبهم است.
 ۸۵۵- گزینیه‌ی (۴) گزینیه (۱) ← پنهان شدن کوه دماوند در پشت ابرها ← بیان‌گر ارتفاع و بلندی کوه
 گزینیه (۲) ← گنبد گیتی، گنبدی بزرگ در جهان و لفظ دیو ← بیان‌گر ارتفاع کوه
 گزینیه (۳) ← شیر سپهر: آفتاب، اختر سعد، سیاره‌ی مشتری ← کوه دماوند با آفتاب و ستاره‌ی مشتری پیوند خورده ← ارتفاع کوه
 گزینیه (۴) ← مشت بزرگ روزگار بیان‌گر عظمت کوه است، نه ارتفاع!
 ۸۵۶- گزینیه‌ی (۲) رجوع شود به تاریخ ادبیات شعر دماوندیه!
 ۸۵۷- گزینیه‌ی (۳) هر دو مضاف‌الیه‌اند. (جان تو)

۸۵۸- گزینۀ (۲) هر دو به قیام و اعتراض و نشان دادن قدرت دعوت می‌کند.

۸۵۹- گزینۀ (۲) سپهر دیو استعاره از دوران استبداد و ظلم است.

۸۶۰- گزینۀ (۱) رجوع شود به واژه‌نامه.

۸۶۱- گزینۀ (۴) قصیده حداقل ۱۵ بیت است.

۸۶۲- گزینۀ (۱) رجوع شود به تاریخ ادبیات شعر دماوندیه.

۸۶۳- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱): دماوند با خورشید و مشتری هم‌پیمان است. گزینۀ (۲): دماوند مشت زمین است که تا آسمان رفته است. گزینۀ (۳): دماوند قلب زمین است که ورم کرده است. گزینۀ (۴): اشاره به برف (= سپید معجز) روی کوه دماوند دارد.

۸۶۴- گزینۀ (۲) کافور در سه گزینۀ دیگر به معنی و مفهوم برف آمده است.

۸۶۵- گزینۀ (۴) بیت صورت سؤال دعوت به قیام و گزینۀ (۴) نیز دعوت به شورش و قیام است.

۸۶۶- گزینۀ (۳) معجز (روسی) اورند (تخت، فَرّ و شکوه، شَأْن و شوکت)

۸۶۷- گزینۀ (۳) در سه بیت شاعر مردم را به سخن گفتن و اعتراض دعوت می‌کند. بیت اول: ای آگاه خاموش، اعتراضات و مخالفت خود را به زبان بیاور و مخواه که این اعتراضات نهفته بماند.

بیت دوم: تا کی می‌خواهی که سخن را علنی نگویی، اکنون موقع سخن گفتن فرا رسیده است.

بیت چهارم: ای آگاه خاموش، دیگر خاموش و افسرده منشین و سخن بگو. (افسردگی و ناراحتی چاره‌ی کار نیست. به نتیجه‌ی قیام خود امیدوار باش).

۸۶۸- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۴): پرهیز از هم‌نشینی با انسان‌های پست/ مردم‌گریزی

مفهوم سایر گزینۀها: (۱) رهایی از اسارت (۲) صراحت و محدودیت عمل وارستانگان (۳) وارستگی و بی‌تعلقی

۸۶۹- گزینۀ (۴) مفهوم بیت سؤال: دعوت به «سخن‌پردازی» است. (حرف بزن و اعتراض کن)

مفهوم بیت گزینۀ چهارم، دعوت به «خاموشی» است.

مفهوم سایر گزینۀها:

گزینۀ (۱): «هر کسی محرم راز عشق نیست» (خاموشی اجباری)

گزینۀ (۲): «طلب سخن گفتن از معشوق»

گزینۀ (۳): «به پایان رسیدن دوران خفقان» که معادل بیت زیر است: «صبح امید که بد معتكف پرده‌ی غیب/ گو برون آی که کار شب تار آخر شد»

۸۷۰- گزینۀ (۲) در گزینۀهای (۱)، (۳) و (۴) شاعر مردم را به «اعتراض و قیام» علیه طاغوت فرا می‌خواند ولی در گزینۀ دوم، شاعر «انتقام‌گیری و حق‌ستانی» را بیان می‌کند.

۸۷۱- گزینۀ (۴) «آوند ← معلق/ پس‌افکنده ← پس‌افت، میراث/ اورند ← اورنگ، تخت (مجازاً فَرّ و شکوه، شَأْن و شوکت)/ ارغند ← خشمگین و قهرآلود (در فرهنگ فارسی «ارغند» را «دلیر و شجاع» نیز معنی کرده‌اند). هتاک ← پرده‌در (هتاک‌ی ← پرده‌دری، آبروریزی)»

۸۷۲- گزینۀ (۴) مفهوم این گزینۀ این است که هر کاری را باید در جایگاه آن انجام داد (ضرورت موقعیت‌شناسی در انجام کارها، حتی کارهای نیک و درست) در حالی که بیت صورت سؤال و گزینۀهای (۱)، (۲) و (۳) بر این نکته تأکید دارند که باید ظلم و ستم را در جامعه از بین برد و بنای ظلم را ویران نمود و ریشه‌های آن را خشکاند.

۸۷۳- گزینۀ (۲) واژه‌ی مشخص شده «مضاف‌الیه» است (روی تو را نبیند). در گزینۀهای (۱)، (۳) و (۴) نقش واژه‌های مشخص شده «متمم» است زیرا پس از حرف اضافه آمده‌اند.

نکته: «نزدیک» اگر به معنی «در نظر» و «در عقیده» باشد، حرف اضافه است.

۸۷۴- گزینۀ (۱) مفهوم گزینۀ (۱)، «اتحاد پدیده‌های متضاد» است. مفهوم مشترک سایر گزینۀها، «ظلم‌ستیزی» است.

۸۷۵- گزینۀ (۴) مفهوم بیت سؤال، دعوت به «سخن‌پردازی» است. (حرف بزن و اعتراض کن)

مفهوم بیت گزینۀ چهارم، دعوت به «خاموشی» است.

مفهوم سایر گزینۀها:

گزینۀ (۱) ← «هر کسی محرم راز عشق نیست» (خاموشی اجباری).

گزینۀ (۲) ← «طلب سخن گفتن از معشوق»

گزینۀ (۳) ← «به پایان رسیدن دوران خفقان»

۸۷۶- گزینۀ (۲) مفهوم کلی صورت سؤال «قدرت‌نمایی» است و این مفهوم در گزینۀ (۲) نیز دیده می‌شود.

۸۷۷- گزینۀ (۴) ابیات گزینۀهای (۱)، (۲) و (۳) بر اعتراض و خروش و عصیان علیه حاکمان مستبد تأکید دارند، ولی در گزینۀ (۴) شاعر قدرتمندی دماوند را به او یادآوری می‌کند و مانند ابیات گزینۀهای دیگر به او توصیه نمی‌کند که عصیان و اعتراض کند.

۸۷۸- گزینۀ (۱) در عبارت صورت سؤال به این موضوع اشاره شده است: «از هر چیز، معنا و حقیقت آن را جست‌وجو کنید نه ظاهر را.» اما گزینۀ (۱) می‌گوید: «من بنده‌ی کسی هستم که صورت سروری و سیرت درویشان را دارد.» تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۲): صورت‌ها مانند کف دریا هستند، اگر می‌خواهی به معنا برسی از ظاهر بگذر. گزینۀ (۳): برای آن‌که بتوانی به اتحاد با یار برسی، به دنبال معنی باش که صورت، عصیانگر است.

گزینۀ (۴): هر که در بند ظاهر باشد، به معنا نخواهد رسید.

۸۷۹- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ (۴) ← ضعف و سستی را از خود دور کن!

۸۸۰- گزینۀ (۳) الف: تا چشم بشر نبیند روی: روی تو را ← چهره‌ی دماوند ب: بر روی بنواز ضربتی چند: آسمان ج: «ورم» استعاره از «برآمدگی کوه دماوند»/ «کافور» استعاره از «برف» د: «دل زمانه» استعاره از «کوه دماوند»/ «آتش» استعاره از «خشم و نفرت درونی» ه: سوخته‌جان: خود شاعر (ملک‌الشعراى بهار)

۸۸۱- گزینۀ (۲) الف) کنایه از این‌که ضعف و ناتوانی‌ات را از بین ببر و به اقتدار و توانمندی دست پیدا کن.

ب) اشاره به خفقان می‌کند که سبب خاموشی و سکوت گشته است.

ج) بیزاری دماوند از مردم زمانه و انزوای دماوند.

د) شیر سپهر: آفتاب؛ با آفتاب پیمان‌بستن اشاره به بلندی کوه دماوند دارد.

۸۸۲- گزینۀ (۴) در گزینۀهای (۱)، (۲) و (۳) شاعر درباره‌ی بلندی کوه سخن می‌گوید، ولی در گزینۀ (۴) کوه دماوند را هم‌چون مثنی می‌داند که شاعر از او می‌خواهد از روی خشم به آسمان چند ضربه بزند.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) ← برای آن‌که چشم بشر چهره‌ی تو را نبیند، چهره‌ات را با ابر پوشانده‌ای. (مفهوم: بلندی)

گزینۀ (۲) ← کوه به غایت بلند است که خورشید با طناب خود را به قلّه‌ی آن می‌رساند. (مفهوم: بلندی)

گزینۀ (۳) ← با خورشید آسمان و با سیاره‌ی مشتری عهد و پیمان دارد. (مفهوم: بلندی)

۸۸۳- گزینۀ (۳) مفهوم ظلم‌ستیزی در تمام ابیات به‌جز بیت (۳) دیده می‌شود در حالی که در این بیت گفته شده است که او راحت‌طلبی و استراحت را از خود دور کرد و به تلاش برخاست.

۸۸۴- گزینۀ (۴) مفهوم مصراع «ساکت نبودن و حرف زدن» است و ضدّ آن «سکوت» می‌شود که در تمام گزینۀها مفهوم همین مصراع آمده است جز گزینۀ چهار که می‌گوید هر چه در دل داری بگو!

۸۸۵- گزینۀ (۲) «اورند» در گزینۀ (۲) متمم است نه صفت! (به یکی اورند کبود بنشین) در حالی که «کبود» صفت است که قافیه نیست.

در سایر گزینۀها «دیو مانند - چند - خردمند» صفت هستند.

۸۸۶- گزینۀ (۲) شهرت شاعر در قصاید فخیم و استوار است نه در غزلیات.

۸۸۷- گزینۀ (۱) سایر ابیات به سپیده‌پوش بودن قلّه‌ی دماوند اشاره دارند ولی گزینۀ (۱) به برآمدگی قلّه‌ی دماوند اشاره کرده است.

۸۸۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴) بلندی و ارتفاع دماوند است ولی در سایر گزینه‌ها شاعر از دماوند (مخاطب) می‌خواهد که:
گزینه‌ی (۱) ← آن روسری سفید (برف قله) را بردارد و بر تختی تیره بنشیند که لازم‌هاش فوران است.
گزینه‌ی (۲) ← آتش‌درونی (خشم و اعتراض) خود را با انفجار بیرون بریزد.
گزینه‌ی (۳) ← به سوی آسمان برود (فوران کند) و چند ضربه به آن بزند.

درس بیستم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۸۸۹- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← تشبیه: صدای سایش بال‌های خیال به سخن پارادوکس: صدای سایش بال‌ها سکوت را نشان می‌دهد.
گزینه‌ی (۳) ← تشبیه: شب‌کویر به موجود زیبا و آسمانی
پارادوکس: شبی که از بامداد آغاز می‌شود.
گزینه‌ی (۴) ← تشبیه: شعر و خیال به باغ رنگین و معطر
پارادوکس: سموم سرد

۸۹۰- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) مربوط به نگاه علمی و مادی به کویر و پدیده‌های کویری است در حالی که گزینه‌های دیگر و صورت سؤال به نگاه احساسی و زیبانگراانه به پدیده‌ها اشاره دارند!

۸۹۱- گزینه‌ی (۲) فلک به مزرع سبز تشبیه شده است. (مزرع سبز فلک: اضافه‌ی تشبیه‌ی «کنشته» استعاره از اعمال است.

مزرع، داس، کشته، درو و ... مراعات نظیر دارند.

این بیت تلمیح به روز قیامت دارد. (همچنین به «الدُّنْیا مزرعة الآخرة» هم تلمیح دارد).

۸۹۲- گزینه‌ی (۳) ترکیب‌های وصفی: این نخلستان - نخلستان خاموش - هرگاه - مشت خونین - باران‌های غیبی - نگاه‌های اسیر - این مزرع - مزرع سبز - آن دوست - دوست شاعر - ناله‌های گریه‌آلود - آن روح - روح دردمند
ترکیب‌های اضافی: آسمان کویر - مشت قلب - قلبم - باران‌های سکوت - سکوتش - نگاه‌های من (در نگاه‌های اسیرم) - پروانه‌های شوق - مزرع دوست - دوست من (در دوست شاعرم) - ناله‌های روح

۸۹۳- گزینه‌ی (۱) صورت سؤال و گزینه‌های دیگر تأکید بر توجه به باطن و درون به عنوان اصل هر چیز دارد اما در گزینه‌ی (۱) ظاهر بزرگان و درون درویشان داشتن ستوده شده است.

۸۹۴- گزینه‌ی (۱) صورت سؤال تأکید بر توجه به باطن و درون به عنوان اصل هر چیز دارد و این مفهوم در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) آمده است.
مفهوم گزینه‌ی (۱): از انسان فقط دل می‌ماند و بقیه از بین می‌رود.

۸۹۵- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۱) مردم شهرنشین با شب کویر بیگانه‌اند و باورشان از شب، همان شبی است که در شهر می‌بینند. / در گزینه‌ی (۲) «سخنی که نمایانگر سکوت است و آن را ساکت‌تر می‌کند»، تناقض دارد. / در گزینه‌ی (۳) به چشم دیدن مطالب ذهنی که توسط فلسفه و مذهب بررسی می‌شود، دارای پارادوکس است.
در گزینه‌ی (۴) در این گزینه خیال به پرنده‌ای نامرئی تشبیه شده که سایه دارد و این عبارت دارای پارادوکس است.

* به عبارتی یعنی این سؤال ایراد دارد و سه گزینه پارادوکس (متناقض‌نما) دارد اما جواب کنکور گزینه‌ی (۲) بوده است!

۸۹۶- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) به غلبه‌ی خیال و آرزو بر تفکر برای رهایی از دنیای واقعی اشاره دارد.

۸۹۷- گزینه‌ی (۱) صفات: اسیر (در نگاه‌های اسیرم) - این (در این مزرع) - سبز (در مزرع سبز) - آن (در آن دوست) - شاعر (در دوست شاعرم)
مضاف‌الیه‌ها: م (در نگاه‌های اسیرم) - شوق (در پروانه‌های شوق) - دوست (در مزرع دوست) - م (در دوست شاعرم)

۸۹۸- گزینه‌ی (۳) طبق متن داده شده مرجع ضمیر در استشمام کرده است «نویسنده‌ی رومانی» است.

۸۹۹- گزینه‌ی (۱) اشاره به گریستن حضرت علی (ع) بر سر چاه‌های کوفه دارد!

۹۰۰- گزینه‌ی (۱) دریای سبز استعاره از آسمان است.

مرغان الماس پر استعاره از ستارگان است.

۹۰۱- گزینه‌ی (۴) با توجه به جمله‌ی اول عبارت، پرنده‌ی شاعر استعاره از خیال است.

۹۰۲- گزینه‌ی (۱) معنی گزینه‌ی (۱) ← بوته‌ها بدون آب و در اوج گرما رشد می‌کنند.

سینه‌ی کویر: اضافه‌ی استعاری، استعاره‌ی مکنیه، تشخیص
سر کشیدن: کنایه از رویدن

۹۰۳- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← خداوند همه جا هست.

گزینه‌ی (۲) ← هر آن‌چه در آسمان و زمین است خدا را یاد و حمد می‌کند.

گزینه‌ی (۳) ← اشاره به ضرب‌المثل خواستن، توانستن است.

گزینه‌ی (۴) ← هر روز گذشته‌ام را به خاطر می‌آورم تا مغرور نشوم.

۹۰۴- گزینه‌ی (۲) حصار، عبوس، غربت صحیح است.

۹۰۵- گزینه‌ی (۲) در مصراع دوم این گزینه، مانند عبارت صورت سؤال، به این مفهوم اعتقادی اشاره شده است که شهاب‌سنگ‌ها، تیرهایی هستند که به سمت شیاطین و دیوان‌رها می‌شوند. در سایر گزینه‌ها، هر چند سخن از شهاب یا دیو رفته است، اما به موضوع رانده شدن شیاطین به وسیله‌ی شهاب‌ها اشاره‌ای نشده است.

۹۰۶- گزینه‌ی (۴)

گزینه‌ی (۱):

آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم

گزینه‌ی (۲):

ساکنان حرم ستر عفاف ملکوت با من راهنشین باده‌ی مستانه زدند

گزینه‌ی (۳):

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو

۹۰۷- گزینه‌ی (۲) نگاه‌های اسیرم را در آسمان سبز دوست شاعرم (حافظ) رها می‌کنم.

۹۰۸- گزینه‌ی (۲)

۹۰۹- گزینه‌ی (۴) «... آن عالم پرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد ساخته‌ی چند عنصر و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس که قلب پاک کودکان‌هم همچون پروانه‌ی شوق در آن می‌پرد - در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها - که درونم را پر از خدا می‌کرد - به این علم عدد بین مصلحت‌اندیش آلود و آسمان فربیی آبی‌رنگ شد (= شب کویر، شریعتی)»

۹۱۰- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): نخلستان خاموش و پرمهتابی

گزینه‌ی (۲): مزرع سبز: استعاره از آسمان

گزینه‌ی (۳): کشور سبز آرزوها، چشمه‌ی موج و زلال نوازش‌ها، نزهتگاه ارواح پاک و ... همه اشاره به آسمان کویر دارند.

و در گزینه‌ی (۴): به ماه و نور آن (مهتاب) اشاره دارد.

۹۱۱- گزینه‌ی (۱) مفهوم گزینه (۱)، «بدرستی اهل روزگار» و مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها «ترجیح معنی بر صورت» است.

۹۱۲- گزینه‌ی (۲) مردم عوام ستاره‌ها را سوراخ‌هایی بر سقف شب به فضای ابدیت و ملکوت خداوند می‌دانسته‌اند.

۹۱۳- گزینه‌ی (۴) عبارت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) بر این نکته تأکید دارند که نگاه صرفاً علمی، زیبایی‌های روحانی جهان را بر ما می‌پوشاند. (واژه‌های علم و عقل در گزینه‌های دیگر نباید ما را دچار اشتباه کند).

۹۱۴- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط، «ترجیح باطن بر ظاهر، یا معنی بر صورت یا جان بر تن» است، اما بیت گزینه‌ی (۴)، بیانگر آمادگی عاشق برای بذل جان خویش است.

۹۱۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم عبارت صورت سؤال این است که «هر کسی محرم اسرار الهی نیست» و در گزینه‌ی (۳) نیز این موضوع مطرح است که هر دهانی سزاوار لقمه‌ی بزرگ نیست، پس اسرار کوه قاف را فقط به عنقا سپرده‌اند که محرم این رازهاست.

۹۱۶- گزینه‌ی (۳) «دکتر شریعتی شهاب‌های آسمانی را تیرهای نورانی می‌داند که فرشتگان به «سمت شیطان و هم‌دستانش پرتاب می‌کنند. دیو‌هایی که نباید از راز بارگاه الهی باخبر شوند.» که با مفهوم بیت گزینه‌ی (۳) متناسب است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← شهاب از آسمان مانند سنگ فلاخن فروافتاد.

گزینه‌ی (۲) ← اگر کمان تو شست شهاب را در انگشت داشته باشد تیر خود رابه قله‌ی وجود (هدف اصلی) خواهد زد.

گزینه‌ی (۴) ← هوا به رنگ قیای نیلی در آمده و شهاب مانند بند سرخ بر قیای اوست. ۹۱۷- گزینه‌ی (۴) این بیت در ستایش صاحب دیوان، سروده شده است و هیچ ارتباطی با درس «شب کویر» ندارد. در بیت: (۱) مفهوم ندای جبرئیل، (۲) مزرع سبز فلک و توصیف آسمان و در (۳) مفهوم همراهی فرشتگان با انسان در درس کاملاً مشهود است.

۹۱۸- گزینه‌ی (۲) تمام گزینه‌ها به عدم درک عقل و فهم انسان در مقابل احساس و عشق اشاره می‌کنند جز گزینه (۲) که معتقد است بی‌توجهی به حقیقت امور، تباهی در پی دارد.

۹۱۹- گزینه‌ی (۲) توضیح گزینه‌ی (۲) مربوط به «آسمان کویر» است نه خود کویر! ۹۲۰- گزینه‌ی (۳) عبارت سؤال و ابیات (۱)، (۲) و (۴) به این موضوع اشاره دارند که «شهاب سنگ‌ها برای دور کردن شیطان هستند از حریم بارگاه الهی» (آیه ۱۸ سوره حجر و آیه ۱۰ سوره صافات)

۹۲۱- گزینه‌ی (۴) ۱- جان شب ۲- تیر فرشتگان ۳- فرشتگان ملکوت ۴- ملکوت خداوند ۵- بارگاهش ۶- شعر خود ۷- خودش (خود او) ۸- پرده‌داران حرم ۹- حرم ستر ۱۰- ستر عفاف ۱۱- عفاف ملکوت

۹۲۲- گزینه‌ی (۱) مفهوم جمله و بیت در حقیقت تقابل بین عقل و احساس (عشق) و ناتوانی عقل در درک عشق و تجزیه و تحلیل آن را بیان می‌کند.

در گزینه‌ی (۲) ← از تأثیر عشق، عاقلان هم دیوانه می‌شوند.

در گزینه‌ی (۳) ← از دوری معشوق و ندیدن زیبایی او عقل هم سرگردان شده است. در گزینه‌ی (۴) ← عشق جایگاهی فراتر از عقل و دانایی دارد.

۹۲۳- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴) تشبیه نداریم.

در گزینه‌ی (۱) ← استعاره (نخلستان استعاره از آسمان) - تشبیه (مشت قلب، باران سکوت) - تناقض (نخلستان تاریک و پر مهتاب)

در گزینه‌ی (۲) ← تلمیح (راز و نیاز علی (ع) در دهانه‌ی چاه‌های نخلستان کوفه) - تشخیص (حلقوم چاه)

استعاره (کویر استعاره از کوفه)

در گزینه‌ی (۳) ← تشبیه (نگاه‌ها هم چون پروانه‌ها/ پروانه‌های شوق) - استعاره (مزرع سبز استعاره از آسمان)

تلمیح (اشاره دارد به این بیت حافظ: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو/ یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو)

۹۲۴- گزینه‌ی (۱) پیام سایر ابیات ضمن تلمیح داشتن به آیات قرآن این است که شهاب‌سنگ‌ها تیر نگهبانان ملکوت است که به سوی شیاطین آسمانی پرتاب می‌شود ولی پیام بیت گزینه‌ی (۲) همراهی و هم‌دلی فرشتگان با آدم خاکی است.

۹۲۵- گزینه‌ی (۲) ۱- ناله‌های گریه‌آلود ۲- آن امام ۳- امام راستین ۴- امام بزرگ ۵- این شیعه ۶- شیعه‌ی گمنام ۷- شیعه‌ی غریب ۸- آن مدینه ۹- مدینه‌ی پلید ۱۰- چنین کویر ۱۱- کویر بی‌فریاد

درس بیست و یکم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۹۲۶- گزینه‌ی (۴) در دوره‌ی ساسانیان، نه سامانیان!

(رجوع کنید به درآمدی بر ترجمه - فصل هفتم پیش‌دانشگاهی)

۹۲۷- گزینه‌ی (۲) به جمله‌ی آخر عبارت توجه کنید.

۹۲۸- گزینه‌ی (۴) با مرده‌ی در آستانه‌ی خانه‌شان نکوشیدند ← هر که جهاد را واگذارد./ جز که جامه‌ی خواری بر آنان پوشیدند ← در زبونی و فرومایگی بماند.

۹۲۹- گزینه‌ی (۴) جمله‌ی آخر عبارت، منظور سؤال است.

۹۳۰- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): نیایید - بلایید/ گزینه‌ی (۳): ملامت - کرامت/ گزینه‌ی (۴): می‌ریزند - درآمیزند

۹۳۱- گزینه‌ی (۱) «گفتار در روش به کار بردن خرد» از دکارت، ترجمه‌ی

ذکاءالملک فروغی است و از نمونه‌های خوب ترجمه در دوران اواخر عهد قاجار است. ۹۳۲- گزینه‌ی (۴) لاجرم: ناگزیر، ناچار/ حسان: نیکو، بسیار نیکو، نیکوروی/

سست عنصری: ضعیف نفسی

۹۳۳- گزینه‌ی (۴) ترجمه‌ی دکتر شهیدی، آهنگین است.

۹۳۴- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به درآمدی بر ترجمه.

۹۳۵- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): «کلیله و دمنه» در اصل به زبان سنسکریت هندی بوده به نام «پنجانتیره» که به پهلوی و عربی ترجمه می‌شود و سرانجام نصراله منشی آن را به فارسی ترجمه می‌کند./ گزینه‌ی (۳): «مرزبان نامه» کتابی است شامل داستان‌ها و حکایات به زبان حیوانات با محتوای پندآموز که مرزبان بن رستم در قرن چهارم به زبان قدیم طبرستان تألیف کرده و قرن ۷ سعدالدین وراونی آن را به فارسی دری ترجمه کرد./ گزینه‌ی (۴): «سیاست نامه» یا «سیرالملوک» کتابی است به فارسی از نظام الملک در پنجاه فصل، حاصل تجربه‌های این وزیر دانشمند سلجوقیان.

۹۳۶- گزینه‌ی (۱) ترجمه در ایران سابقه‌ی طولانی دارد.

۹۳۷- گزینه‌ی (۴)

۹۳۸- گزینه‌ی (۳) هر ترجمه‌ی خوب، شرایطی دارد که اساسی‌ترین آن‌ها رعایت امانت و به بیان دیگر «حفظ سبک» مؤلف است.

۹۳۹- گزینه‌ی (۳) بهانه‌جویی کردن برای جهاد نکردن کاملاً در این عبارت مشهود است.

۹۴۰- گزینه‌ی (۴) ترجمه‌ی ناصرالملک از «اتللو» (اثر ویلیام شکسپیر) و ترجمه‌ی ذکاءالملک از «گفتار در روش به کار بردن خرد» (اثر دکارت) از نمونه‌های خوب و بی‌نقص ترجمه در اواخر عهد قاجار هستند.

۹۴۱- گزینه‌ی (۲) کتاب «نهج‌البلاغه» به همت سید رضی (۴۰۶ - ۳۵۹ هـ. ق) گردآوری شد و مترجمانی نیز آن را به زبان فارسی برگرداندند. از جمله دکتر سید جعفر شهیدی - استاد و دانشمند معاصر - که با ذوق و دقت علمی بسیار و به پیروی از نظر آهنگین نهج‌البلاغه، این کتاب را ترجمه کرده است.

۹۴۲- گزینه‌ی (۴) ای حافظ من هم مانند تو در سرزمینی زندگی کردم که بر از فرهنگ ادبی غنی است.

۹۴۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۳)، جهاد در راه خدا با کافران است، در حالی که مقصود از جهاد در گزینه‌های دیگر جهاد با نفس است.

۹۴۴- گزینه‌ی (۴) «اتللو» ترجمه‌ی «ناصرالملک» و «گفتار در روش به کار بردن خرد» ترجمه‌ی «ذکاءالملک فروغی» است.

۹۴۵- گزینه‌ی (۳) در بیت گزینه‌ی (۳)، آمده است: «برای رسیدن به وصال یار هر قدر می‌توانی تلاش کن»، اما در دیگر گزینه‌ها و عبارت صورت سؤال توصیه به جنگیدن و جهاد و مردی شده است.

۹۴۶- گزینه‌ی (۱)

۹۴۷- گزینه‌ی (۲) مطلوب‌ترین شکل انتقال آن است که هیچ بخشی از «صورت و معنی» از میان نرود، اما به اعتقاد متخصصان فنّ ترجمه، این امر امکان‌پذیر نیست.

۹۴۸- گزینه‌ی (۴)

درس بیست و دوم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۹۴۹- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← عشق، پنهان نمی‌ماند مفهوم بیت (۴) ← راز دل عاشقان فقط در قیامت برملا می‌شود.

۹۵۰- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سایر ابیات ← اشک عاشق، عشق را برملا و فاش می‌کند.

مفهوم بیت (۲) ← در طلب و فراق معشوق اشک خونین می‌ریزم.

۹۵۱- گزینه‌ی (۲) سایر ابیات به اشک عاشق که رازها را فاش می‌کند اشاره دارد. مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← عشق

پنهان نمی‌ماند!

۹۵۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سؤال و بیت (۲) ← آشکار شدن و پنهان نماندن! بیت موردنظر و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به عدم توانایی در

پنهان کردن اشاره دارند.

۹۵۵- گزینیه‌ی (۱) مفهوم عبارت سؤال و گزینیه‌های (۲)، (۳) و (۴) ← پنهان نشدن عشق

۹۵۶- گزینیه‌ی (۴) عبارت سؤال و گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) به عدم توانایی در پنهان کردن عشق اشاره دارد.

۹۵۷- گزینیه‌ی (۳) به معنی اندیشم ← ژرف‌اندیشی/ به ریزه‌کاری‌های گفته‌ی تو بیارایم ← آرایه‌های بلاغی/ بدان لباس الفاظ زیبا بیوشانم ← انتخاب واژگان متناسب با معانی

۹۵۸- گزینیه‌ی (۳) منظور عبارت، وجود جناس تام در قافیه است که این آرایه در گزینیه‌ی (۳) مشاهده می‌شود. (نیست باد [باد نیست] و نیست باد [نابود باد])

۹۵۹- گزینیه‌ی (۳) تا باد، تست‌های آسان باد!

۹۶۰- گزینیه‌ی (۱) بیت (الف): ترجمان سخنی است از زبان یعقوب که می‌گوید حال ما واردی است بر دل که از بسیاری از نهان‌ها فرد باخبر می‌شود و این حال چون برق چنده است، گاهی آشکار و گاهی نهان است.

بیت (ب) و (د): معتقدند پرتو کوچکی از نور عشق لیلی و عنایت معشوق کافی است تا وجود عاشق را بسوزاند.

بیت (ج): در ارتباط با وجود آشکار خداست که با همه‌ی پنهانی‌ها در تمام موجودات حضورش آشکار است.

۹۶۱- گزینیه‌ی (۳) نغمه‌های آسمانی: استعاره از شعرهای حافظ (این سخن از گوته است درباره‌ی حافظ)

۹۶۲- گزینیه‌ی (۲) دوزخ: استعاره از اروپای جنگ‌زده و ناآرام

۹۶۳- گزینیه‌ی (۴)

۹۶۴- گزینیه‌ی (۴) در عبارت مورد سؤال و گزینیه‌ی (۴) به ناتوانی عاشق در پنهان کردن عشق، اشاره شده است.

۹۶۵- گزینیه‌ی (۱) هر دو بیت به غزل‌های زیبا و تأثیرگذار حافظ اشاره دارند.

۹۶۶- گزینیه‌ی (۲)

۹۶۷- گزینیه‌ی (۳) گوته آلمانی بود و در قرون ۱۸ و ۱۹ می‌زیست.

۹۶۸- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینیه‌ها ← معشوق و عشق او، آتش در دل عاشق می‌زند و اشتیاق بسیاری برای او ایجاد می‌کند.

۹۶۹- گزینیه‌ی (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینیه‌ها ← عشق، آتشی در خرمن عاشق می‌زند و او را به جوش و خروش و شوق وامی‌دارد.

۹۷۰- گزینیه‌ی (۴) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینیه‌ی (۴) ← شاعر ممدوح را بسیار بالاتر از خود می‌داند و مقایسه‌ی خود با او را بیهوده می‌پندارد.

۹۷۱- گزینیه‌ی (۲) مولوی خود را سایه‌ی بید می‌داند و شمس را چشمه‌ی خورشید می‌نامد. در عبارت سؤال نیز گوته در مقام تواضع و فروتنی خود را تخته‌پاره‌ای می‌داند که اختیارش را امواج دارند و در مقابل، حافظ را چون کشتی می‌بیند و هر جا بخواهد می‌رود. (تو توانا و قدرتمند هستی و من در برابر تو بسیار حقیر و ناچیز و سرگردانم)

۹۷۲- گزینیه‌ی (۱) مفهوم این گزینیه، بیانگر این است که کسی قابلیت درک درد کسی را دارد که خود گرفتار آن درد شده باشد، ولی مفهوم صورت سؤال و گزینیه‌های دیگر این است که عشق پنهان کردنی نیست.

۹۷۳- گزینیه‌ی (۳) گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴) در مورد آشکار شدن راز پنهان عشق است و این که عاشق یارای پنهان نگاه‌داشتن آن را ندارد.

گزینیه‌ی (۳) اعتبار بخشیدن به وسیله‌ی عشق را مطرح کرده است.

۹۷۴- گزینیه‌ی (۱) مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط «بی‌نظیر بودن حافظ در عالم شعر و شاعری» است، اما بیت گزینیه‌ی (۱) بیانگر رضایت حافظ از ممدوح و اظهار بندگی نسبت به اوست.

۹۷۵- گزینیه‌ی (۱) مفهوم ابیات «الف، ب، ه و» اشاره دارند به این که عشق در وجود عاشق پنهان شدنی نبوده و التهاب نگاه و رنگ چهره‌اش راز عشق را آشکار خواهد ساخت.

۹۷۶- گزینیه‌ی (۱) مفهوم گزینیه‌ی (۱) ← ناخوشی مردم دنیا و غفلت عده‌ای خوش‌گذران!

مفهوم سایر گزینیه‌ها ← عشق معشوق تمام وجود عاشق را سوزاند!

۹۷۷- گزینیه‌ی (۳) مفهوم عبارت گزینیه‌ی (۳) ← سخن حافظ همه وجود مرا می‌سوزاند.

مفهوم گزینیه‌ی (۳) ← با لب خاموش معشوق من سخن‌های پنهان دارم. تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیه‌ی (۱) ← متن و بیت هر دو به رفیق و همدم بودن با اشعار و سخن حافظ اشاره می‌کنند.

گزینیه‌ی (۲) ← منظور از عبارت تازگی و پویایی کلام حافظ است و در بیت شعر مرتبط با آن نیز شاعر مدعی آوردن سخن تازه و نو است.

گزینیه‌ی (۴) ← عبارت و بیت بر عجز و ناتوانی گوینده دلالت می‌کنند.

۹۷۸- گزینیه‌ی (۴) گزینیه‌ی (۴): ای که از فروغ روی تو، عمر من همواره به شادی می‌گذرد، بازگرد که دوری از تو بهار عمر مرا از بین برده است. تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیه‌ی (۱) ← یک برق منزل لیلی، تمام وجود مجنون را سوزاند.

گزینیه‌ی (۲) ← فروغ چهره‌ی تو، آواز بلبل را آتشین و مؤثر کرده است.

گزینیه‌ی (۳) ← آن چشم مست سحرآفرین معشوق را ببین که چه بر سر عاشق آورد.

۹۷۹- گزینیه‌ی (۱) در قطعه‌ی ادبی اعتراف از گوته می‌خوانیم که «آتش، عشق، شعر شاعر» پنهان نمی‌ماند. در بیت صورت سؤال هم از پنهان نماندن سرّ می‌فروش که همان عشق است صحبت شده است!

۹۸۰- گزینیه‌ی (۴) در عبارت سؤال و ابیات (۱)، (۲) و (۳) از «افشا شدن راز به دست اشک» سخن گفته است ولی در بیت چهارم شاعر می‌گوید: «من شب‌ها از غم فراق تو اشک می‌ریزم»

۹۸۱- گزینیه‌ی (۴) دقت شود که گوته جناس تامی را می‌خواهد که کلماتش در قافیه آمده باشند.

جناس سایر گزینیه‌ها:

گزینیه‌ی (۱) ← پرده‌ی اوّل، نغمه و آهنگ، غریب دوم، حجاب و مانع

گزینیه‌ی (۲) ← غریب اوّل، شگفت و عجیب، غریب دوم، بیگانه و ناآشنا

گزینیه‌ی (۳) ← داد اوّل، حقّ و انصاف، داد دوم، فعل ماضی است.

۹۸۲- گزینیه‌ی (۲) این بیت می‌گوید ما عاشقان غم آبرو نداریم چون در مذهب عشق و عاشقان آبرو داری معنا ندارد. (عشق با رسوایی همراه است.)

گزینیه‌ی (۴)، (۳) و (۱) می‌گویند عاشقان نمی‌توانند عشق خود را پنهان کنند رنگ چهره راز عشق را بر ملا می‌سازد. (عشق پنهان کردنی نیست)

۹۸۳- گزینیه‌ی (۲) در گزینیه‌های (۱)، (۳) و (۴) تأکید بر این است که عشق را نمی‌شود پنهان کرد و عشق با نگاه و اشک و تب و تاب، خود را آشکار می‌کند و گزینیه‌ی (۲) عشق را دردی دواناپذیر می‌داند.

درس بیست و سوم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۹۸۴- گزینیه‌ی (۲) دوره‌ی اوّل ← درخشش نیما - جدال بر سر کهنه و نو دوره‌ی دوم ← تأثیر شعر نیما بر دیگران - شکوفایی شیوه‌ی نیما - انتشار نشریه‌های ادبی - نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران - شعر سپید

دوره‌ی سوم ← گسترش شعر نو تغزلی - رواج زبان رمزگونه و ادبیات اجتماعی و حماسی - مسائل غیراخلاقی و یأس و ناامیدی

دوره‌ی چهارم ← کمال جریان‌های ادبی پیشین - بارورتر شدن و شفاف‌تر شدن فضای شعر و همراهی و پیوستگی آن با مسائل اجتماعی

۹۸۵- گزینیه‌ی (۳) رجوع کنید به درآمدی بر ادبیات معاصر (فصل هشتم پیش‌دانشگاهی)

۹۸۶- گزینیه‌ی (۴) دوره‌ی اوّل: درخشش نیما و جدال بر سر کهنه و نو/ دوره‌ی دوم: دوره‌ی تأثیر شعر نیما بر دیگران و شکوفایی شیوه‌ی او و انتشار نشریه‌های ادبی، روزگار نو، پیام نو و مجله‌ی سخن و ایجاد شعر سپید یا شعر منثور و ایجاد نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران/ دوره‌ی سوم: شعر نو تغزلی گسترش یافت و زبان رمزگونه و ادبیات اجتماعی و حماسی که خوشایند رژیم نبود رواج یافت/ دوره‌ی چهارم: دوره‌ی کمال جریان‌های ادبی پیشین

۹۸۷- گزینیه‌ی (۲) در دوره دوم نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران شکل گرفت و شعر سپید یا شعر منثور ایجاد شد.

۹۸۸- گزینۀ (۴) این شعر، شعر نیمایی یا نو است که قافیه و ردیف و وزن عروضی دارد، ولی مصراع‌ها مساوی نیست و جای قافیه مشخص نیست.

۹۸۹- گزینۀ (۳) در صورت سؤال و گزینۀ (۳) به این نکته اشاره شده که شاعر تلاش می‌کند تا مردم را بیدار کند، ولی مردم انگار «کر» شده‌اند و این کار را بیهوده می‌داند.

۹۹۰- گزینۀ (۳) (صبح می‌خواهد از من/ کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را/ بلکه خبر)

۹۹۱- گزینۀ (۱) منظور آرزوها و اندیشه‌های شاعر است.

۹۹۲- گزینۀ (۳) ۵ عامل: ۱- آمدن صنعت چاپ به ایران/ ۲- گسترش روزنامه نویسی/ ۳- آشنایی ایرانیان با ادبیات اروپایی/ ۴- نشر آثار اروپایی/ ۵- تأسیس دارالفنون

۹۹۳- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) صبح از من می‌خواهد تا این قوم به جان باخته را خبر دهم. را معنی «به» می‌دهد پس «این قوم به جان باخته» متمم است.

گزینۀ (۲) قید است.

گزینۀ (۴) متمم است.

۹۹۴- گزینۀ (۲) ابتدا قطعه‌ی «افسانه» آغازگر تحوّل بزرگ و سپس «ققنوس» نخستین شعر که از نظر تخیل و وزن آرای و قافیه کاملاً متفاوت بود.

۹۹۵- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱) «دست‌ها می‌سایم»: کنایه از آماده شدن و در پی چیزی بودن

گزینۀ (۲) سخت آسان بود: پارادوکس و تضاد

گزینۀ (۳) «می‌تراود مهتاب: استعاره‌ی مکنیه (تشبیه نور مهتاب به چیزی که تراوش می‌کند)»/ «می‌درخشد شب تاب»: کنایه از غفلت حاکم بر جامعه

گزینۀ (۴) «نگران: ایهام (مضطرب/ نگاه کننده)/ سحر همراه من نگران ایستاده است: تشخیص و استعاره‌ی مکنیه

۹۹۶- گزینۀ (۱) «می‌تراود مهتاب»: تصویر عصر شب‌زده و جامعه‌ی غفلت‌آلودی است که نیما در آن زندگی می‌کند.

۹۹۷- گزینۀ (۳) زبان نوشته‌ها در ادبیات معاصر ساده شده است.

۹۹۸- گزینۀ (۳)

۹۹۹- گزینۀ (۳) نگران با من استاده سحر: شاعر عناصر طبیعی مثل سحر را هم با خود شریک می‌داند و می‌گوید سحر هم مثل من منتظر رسیدن صبح است (نگران: ایهام).

۱۰۰۰- گزینۀ (۴) نخستین شعر نیما که از نظر تخیل و وزن آرای و قافیه‌بندی با شعر گذشتگان کاملاً متفاوت بود، «ققنوس» است.

۱۰۰۱- گزینۀ (۴) «شعر سپید» و به تعبیری «شعر منثور»، از دستاوردهای هنری دوره‌ی دوم شعر نیمایی است.

۱۰۰۲- گزینۀ (۴) نخستین شعر نیما که از نظر تخیل و وزن آرای و قافیه‌بندی با شعر گذشتگان کاملاً متفاوت بود، «ققنوس» است.

۱۰۰۳- گزینۀ (۱) شاعر در فضای تاریک و بسته جست‌وجو می‌کند تا راهی بگشاید ولی هیچ کس از خواب غفلت بیدار نمی‌شود و پاسخی نمی‌دهد.

۱۰۰۴- گزینۀ (۱) چشمان شاعر از اشک تر است (غم و اندوه) و از غم غفلت‌زدگی مردم ایران، خواب به چشمانش نمی‌آید (بیداری و آگاهی، بی‌قراری و احساس مسئولیت نسبت به مردم).

اما در این قسمت از شعر، هنوز شاعر از ناامیدی خود سخنی به میان نیاورده است.

۱۰۰۵- گزینۀ (۱) «شعر سپید» و نیز تشکیل نخستین کنگره‌ی نویسندگان، محصول دوره‌ی دوم است. درخشش نیما در دوره‌ی اوّل عصر شعر نیمایی بود و مسائل غیراخلاقی و یأس و ناامیدی در دوره‌ی سوم عصر شعر نیمایی ظهور یافت.

۱۰۰۶- گزینۀ (۱) در و دیوار به هم ریخته: اوضاع نابسامان جامعه/ دهکده: مجازاً به معنی جامعه/ کوله‌بار: استعاره از آرزوهای شاعر (نظرات شاعر برای رهایی مردم)

۱۰۰۷- گزینۀ (۱)

۱۰۰۸- گزینۀ (۲) نیماوشیخ (علی اسفندیاری) با سرودن قطعه‌ی «افسانه» در سال ۱۳۰۱ آغازگر تحوّل بزرگ شد و پس از آن در سال ۱۳۱۶ شعر «ققنوس»، نخستین شعر خود را که از نظر نگاه تخیل و ... با شعر گذشتگان کاملاً متفاوت بود، عرضه کرد.

۱۰۰۹- گزینۀ (۴) دوره‌ی نخست را باید دوره‌ی درخشش نیما و جدال بر سر کهنه و نو دانست.

۱۰۱۰- گزینۀ (۳) مفهوم «انسان آگاه از غفلت افراد جامعه آزار می‌بیند» به‌طور مشترک در شعر صورت سؤال و بیت مرتبط دیده می‌شود.

۱۰۱۱- گزینۀ (۳) تأسیس دانشگاه جزو عوامل عمده‌ی تحولات ادبی نیست و تأسیس مدرسه دارالفنون را از عواملی می‌توان دانست که در تحوّل و دگرگونی مؤثر بوده است.

۱۰۱۲- گزینۀ (۲) بیت «الف»: منظور از سفر، سیر آرزوها و خواسته‌ها در ذهن شاعر است.

بیت «ب»: ساقه‌ی نازک و لطیف گلی (آرزویی) که آن را با جان پروردم.

۱۰۱۳- گزینۀ (۴) بر عبث می‌پایم: بیهوده انتظار می‌کشیم/ نشستن در انتظار غبار بی‌سوار کنایه از بیهوده انتظار کشیدن

۱۰۱۴- گزینۀ (۱) دوره‌ی چهارم را باید دوره‌ی کمال جریان‌های ادبی دوره‌ی پیشین دانست. در این دوره، زبان شعر بارورتر و شفاف‌تر و فضای شعر با مسائل اجتماعی همراه‌تر و پیوسته‌تر است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ (۲) و (۳) مربوط به دوره‌ی سوم شعر نیمایی و گزینۀ (۴) مربوط به دوره‌ی دوم است.

۱۰۱۵- گزینۀ (۱) واژه‌های مترادف و الفاظ خشک و ناآشنا، آرام‌آرام از فضای نوشته‌ها رخت برپستند و معنی‌اندیشی و بیان روشن به لفاظی‌ها و پرداخت‌های متکلفانه پایان بخشید.

۱۰۱۶- گزینۀ (۳) گزینۀ (۳)، به رواج اندیشه‌های نو و مبارزه‌ی شاعر اشاره دارد.

۱۰۱۷- گزینۀ (۲) شعر حفظیه دیگر! چاره‌ی نیست، بعضی وقتا سؤال میاد ازش!

۱۰۱۸- گزینۀ (۱) ترکیب‌های وصفی (۷) ← لطیفه‌های انتقادی - این دوره - همین رشته - داستان‌های فکاهی - داستان‌های انتقادی - دردهای اجتماعی - اندیشه‌های نو

ترکیب‌های اضافی (۶) ← ادبیات دوره - نویسندگان روزنامه‌ها - نویسندگان مجلات - نویسندگان داستان‌ها - واقعیات زندگی - طرح اندیشه‌ها

درس بیست و چهارم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۱۰۱۹- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک شعر «خوان هشتم» از اخوان ثالث و سایر گزینه‌ها ← تأکید بر نامردی و ناجوانمردی

مفهوم گزینۀ (۱) ← وفاداری عاشق به معشوق تحت هر شرایطی

۱۰۲۰- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) ← قهوه‌خانه

گزینۀ (۲) ← چوب دستی

گزینۀ (۴) ← بی‌شرمی چاه

* در گزینۀ (۳) مشبه «مردم» بوده است که محذوف است.

۱۰۲۱- گزینۀ (۱) ضجه درست است به معنای ناله و زاری!

۱۰۲۲- گزینۀ (۳) * تمامی سؤالات خودآزمایی‌ها می‌توانند سؤالات کنکور باشند.

۱۰۲۳- گزینۀ (۱) او نگاهش مثل خنجر (تیز و برنده) بود.

وجه‌شبه حذف شده است.

۱۰۲۴- گزینۀ (۴)

۱۰۲۵- گزینۀ (۱) تاریخ ادبیات درس خوان هشتم بسیار مهم است و بارها سؤال کنکور سراسری داشته است!

۱۰۲۶- گزینۀ (۲) سورت: تند، شدت اثر، تیزی

۱۰۲۷- گزینۀ (۱) کمند شصت خم: در شعر مهدی اخوان ثالث، کنایه از بسیار بلند است.

۱۰۲۸- گزینۀ (۲) سورت: شدت اثر، تند، تیزی (صورت: شکل)

غدر: فریب و حيله (قدر: ارزش) (قَدَر: تقدیر و سرنوشت)

ناورد: نبرد، جنگ، رزم

هریوه: منسوب به هرات، اهل هرات، هراتی

عماد: ستون خیمه، تکیه گاه

سان: سرنیزه

۱۰۵۳- گزینه‌ی (۲) ← تمام هستی لایق دوست داشتن است.
گزینه‌ی (۲) ← اسرار وجود را نمی‌توان شناخت.
گزینه‌ی (۳) ← زیبا دیدن، باید دیوار عادت‌ها و آموخته‌ها را بشکنیم.
گزینه‌ی (۴) ← تمام هستی لایق دوست داشتن است.
۱۰۵۴- گزینه‌ی (۱) ← اگر آب را خود شاعر بدانیم دوستان خود را ارزشمند و بهتر از خود می‌داند و مادرش را فرد لطیف و مهربان
گزینه‌ی (۲) ← به صورت غیرمستقیم معتقد است گل شبدر و لاله‌ی قرمز هر دو نوعی گل هستند و ارزشمند و این دیدها و اندیشه‌های معهود ما هستند که به چیزی صفت ارزشمندی یا بی‌ارزشی را نسبت می‌دهند.
گزینه‌ی (۳) ← ای معشوق به روی من لیخند زدی در روز بدبختی‌ام و به من رو کردی در وقت پیری‌ام که برایم هیچ سودی نداشت.
گزینه‌ی (۴) ← در زمان رژیم شاه هیچ فردی قدرت و اجازه‌ی به تکامل رسیدن نداشت و همه‌جا استبداد بود و خفقان
۱۰۵۵- گزینه‌ی (۱) آثار منظوم او: از آسمان سبز، از این ستاره تا آن ستاره، دری به خانه‌ی خورشید/ علیرضا قزوه: سروده‌ی وی آیینی پایداری‌ها و اینارگری‌های جانبازان انقلاب اسلامی است.
۱۰۵۶- گزینه‌ی (۱) از آسمان سبز، دری به خانه‌ی خورشید، از این ستاره تا آن ستاره ← سلمان هراتی
۱۰۵۷- گزینه‌ی (۱) مفهوم شعر: خلوص نیت شاعر در عبادت است و این‌که عبادت او سرشار از روشنی و زیبایی و اخلاص است.
۱) باید در هنگام ادای خدمت و وظیفه در مقابل خدا خلوص نیت داشت که این کارها، دل‌پاک می‌خواهد نه عبادت‌های ظاهری
۲) همه‌ی موجودات در حال تسبیح خدایند و هر شنونده‌ای این اسرار جهان را درک نمی‌کند.
۳) در تمام موجودات وجود خدا را می‌شود حس کرد و دید. (وحدت وجود)
۴) جان و دل آدمی از جانب خدا هستند.
۱۰۵۸- گزینه‌ی (۲) دیدگاه‌های غلط ما، موجودات را به زشت و زیبا تقسیم می‌کند و چشم‌ها را باید شست.
۱۰۵۹- گزینه‌ی (۱) ← مفهوم: اسرار وجود را نمی‌توان شناخت ولی در راز و رمزش می‌شود زندگی کرد.
گزینه‌ی (۲) ← نماز چون ماه و طیف سرشار روشنی و زیبایی و مثل آب زلال است. آن‌چنان که سنگ از درون آن پیداست. یعنی، خلوص نیت دارم.
گزینه‌ی (۳) ← کودک: سنبلی آگاهی
معنی: همه‌ی مردم (آن شهر) حتی بچه‌ها به عرفان دست یافته‌اند و کودکان نیز آگاهی یافته‌اند
مفهوم: رسیدن به آگاهی و عرفان
گزینه‌ی (۴) ← سبز خواهم شد: تأثیر خواهم داشت/ پرستو: نشانه‌ی کوچ، آزادی
معنی و مفهوم: پوسیدگی را پس می‌زنم و آزادی و رهایی را تکتیر می‌کنم.
۱۰۶۰- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) خداوند را پوشیده می‌داند اما در بقیه گزینه‌ها و صورت سؤال بیان می‌شود که خدا همه‌جا هست.
۱۰۶۱- گزینه‌ی (۴)
۱۰۶۲- گزینه‌ی (۳) موضوع بیت سؤال خلوص نیت است و گزینه‌ی ۳ نیز در مورد خلوص نیت در عبادت است.
۱۰۶۳- گزینه‌ی (۳) شاعر در این گزینه به شرح هجران یار و غم و اندوه ناشی از آن می‌پردازد ولی در شعر صورت سؤال و سایر گزینه‌ها، ظاهربینی نکوهش شده و اصلاح در نگرش ما نسبت به پدیده‌ها و موجودات مورد تأکید قرار گرفته است.
۱۰۶۴- گزینه‌ی (۳) ویژگی غافل‌گیری شاعرانه (آشنایی‌زدایی) در گزینه‌ی (۳) وجود دارد.
۱۰۶۵- گزینه‌ی (۲) شعر صدای پای آب از سهراب سپهری است. (رجوع کنید به تاریخ ادبیات ابتدای درس!)
۱۰۶۶- گزینه‌ی (۳) ← آب در این شعر رمز خود شاعر است.
گزینه‌ی (۲) ← گل سرخ نماد عشق، قلب انسان و زیبایی‌های جهان است.
گزینه‌ی (۳) ← چشمه نماد پاکی و جوشش و لطافت و روشنی و نور نمادی از پرتوآیزدی
گزینه‌ی (۴) ← پنجره نماد ارتباط درون به برون و نشانگر احساس و ارتباط است.

۱۰۲۹- گزینه‌ی (۲) هر دو اشاره به استبداد و خفقان حاکم بر جامعه دارد.
۱۰۳۰- گزینه‌ی (۳) کانون گرم ایهام دارد (۱- سرد نبود ۲- صمیمانه بود) نابردار ایهام دارد (۱- برادر ناتنی ۲- نامرد)
۱۰۳۱- گزینه‌ی (۴) زاد سرو مرو از راویان شاهنامه است.
۱۰۳۲- گزینه‌ی (۲) اشاره دارد به این‌که رستم قبل از مرگ خود، شغاد، برادر بی‌وفای خود را کشت!
۱۰۳۳- گزینه‌ی (۱) ← نگاهش تیز و نافذ بود/ گزینه‌ی (۳) ← پهلوانی که در صحنه‌ی جنگ‌های وحشتناک حاضر بود/ گزینه‌ی (۴) ← این داستان فقط شعر زیبا نیست بلکه سنجش و محک است.
۱۰۳۴- گزینه‌ی (۱) «اخبار رستم» از آثار «آزادسرو سیستانی» (زاد سرو مرو) و «ارغنون» از آثار «مهدی اخوان ثالث» (ماث) است.
۱۰۳۵- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال مفهوم این است که رستم برای اولین بار نخندید و مفهوم متضاد در گزینه‌ی (۳) دیده می‌شود.
۱۰۳۶- گزینه‌ی (۳) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) مفهوم مقابل دارند.
۱۰۳۷- گزینه‌ی (۴) هفت خوان رستم به ترتیب عبارتند از:
۱) کشتن شیر به کمک رخس (۲) غلبه بر تشنگی (۳) کشتن اژدها (۴) کشتن زن جادوگر (۵) گرفتار ساختن اولاد دیو (۶) جنگ با ارژنگ دیو (۷) کشتن دیو سپید
۱۰۳۸- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳) از سکوت سنجیده و ارزشمند سخن به میان آمده است در شرایطی که در صورت سؤال نیز از همین‌گونه سکوت سخن رفته است.
۱۰۳۹- گزینه‌ی (۲) مفهوم استعاره «کلید گنج مروارید»، در معنای لبخند است که رستم پس از مرگ رخس برای اولین بار لبخند از لبانش زده می‌شد و داغ حسرت بر جانش می‌نشست.
۱۰۴۰- گزینه‌ی (۳) اخوان ثالث در این شعر، شعرهایی را که تنها ظاهر زیبایی دارند، ناپسند و بی‌ارزش می‌داند و شعر خودش را بامحتوا و ارزشمند بیان می‌کند.
۱۰۴۱- گزینه‌ی (۳) هفت خوان رستم عبارت‌اند از: ۱- کشته‌شدن شیر به‌وسیله‌ی رخس ۲- غلبه بر تشنگی ۳- غلبه بر اژدها ۴- کشتن زن جادوگر ۵- اسارت اولاد دیو ۶- کشتن ارژنگ دیو ۷- کشتن دیو سپید
نکته: «کشتن دو گرگ» جزء هفت خوان اسفندیار است.

درس بیست و پنجم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۱۰۴۲- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات ← همه‌ی موجودات و پدیده‌ها در حال تسبیح و عبادت خدا هستند.
گزینه‌ی (۱) ← زبان تسبیح خدا را می‌گوید، کسی که زبان ندارد چگونه تسبیح بگوید؟
۱۰۴۳- گزینه‌ی (۳) این تست با توجه به توضیحات درس «صدای پای آب» از سهراب سپهری طرح شده است که در آن آمده است: شاعر آن‌چه را که در نقاشی ممکن نیست (آواز خواندن شقایق آن هم در قفس) در عالم شعر ممکن ساخته است. (این قسمت آرزوی تحقق‌نیافته‌ی شاعر را نشان می‌دهد)
۱۰۴۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲) ← نفی غرور و خودخواهی
مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← نحوه‌ی نگرش مهم است و می‌توان چیزهای کوچک را بزرگ دید.
۱۰۴۵- گزینه‌ی (۲) گل نیلوفر، رمز عرفان است.
۱۰۴۶- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱) اثر سهراب سپهری است. دیگر آثار سهراب: زندگی خواب‌ها، آوار آفتاب، شرق اندوه، حجم سبز، ماهیج، مانگاه
۱۰۴۷- گزینه‌ی (۲) عجب تستی!!!
۱۰۴۸- گزینه‌ی (۳) چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.
۱۰۴۹- گزینه‌ی (۴) شعر «پیش از تو...» از سلمان هراتی، خطاب به امام خمینی سروده شده است و به توصیف عصر پیش از انقلاب و خفقان حاکم بر آن می‌پردازد.
۱۰۵۰- گزینه‌ی (۱) توضیحات شعر سهراب فوق‌العاده مهم‌اند.
۱۰۵۱- گزینه‌ی (۳) چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید.
۱۰۵۲- گزینه‌ی (۳) تنها فن حل سؤال‌های قرابت، مقایسه است.

- ۱۰۶۷- گزینۀ (۳) در گزینۀ (۳) کاشان نمادی از همه‌ی جهان است ولی در گزینۀ‌های دیگر کاشان زادگاه شاعر است.
- ۱۰۶۸- گزینۀ (۳) مضمون مشترک شعر مورد سؤال و گزینۀ (۳)، همه‌ی پدیده‌ها در تسبیح خدا هستند.
- تشریح گزینۀ‌های دیگر:
- گزینۀ (۱) «می‌خواهم برای گل تسبیح، خاکی از جای شراب معشوق به‌دست آرم. گزینۀ (۲) «هدف اصلی از خرقة و زتار و سجاده و تسبیح، فقط خداوند است و دیگر هیچ. گزینۀ (۴) «در آیین محبت و عشق‌ورزی، همه برابرند».
- ۱۰۶۹- گزینۀ (۱) در گزینۀ (۱) آزادی‌خواهان (= رود) در جامعۀ ایران زیاد بودند، اما افسوس که با هم متحد نبودند.
- «دریا شدن» کنایه از «اتحاد و همبستگی»/واژه‌ی «دریغ» بیانگر تأسف شاعر است.
- ۱۰۷۰- گزینۀ (۳) مفهوم شعر داده شده، این است که همه‌ی پدیده‌ها در حال تسبیح و عبادت هستند. این معنی در گزینۀ (۳) آمده است.
- ۱۰۷۱- گزینۀ (۲) مفهوم قطعه شعر «تسبیح خدا از جانب تمام موجودات» است که در گزینۀ (۲) این مفهوم تکرار شده است.
- گزینۀ (۱): فقط وظیفه انسان را عبادت می‌داند.
- گزینۀ (۳): لذت بردن از طبیعت و زیبایی‌هایش را بیان می‌کند.
- گزینۀ (۴): بی‌قراری گلشن را از پیام‌رسانی باد صبا می‌داند.
- ۱۰۷۲- گزینۀ (۴) با مراجعه به توضیحات شعر صدای پای آب سهراب سهری در می‌یابیم که:
- «آواز شقایق زندانی در قفس، نغمه‌ی عاشقانه‌ی قلبی است خونین که چون پرندۀ در قفس پرده‌ی نقاشی گرفتار است و این قسمت آروزی تحقق نیافته‌ی شاعر را نشان می‌دهد».
- ۱۰۷۳- گزینۀ (۱) هر دو به اخلاص و خلوص تبت اشاره دارند.
- ۱۰۷۴- گزینۀ (۳) مفهوم بیت این است که عشق قصد و مجال آشکار شدن نداشت که در گزینۀ (۳) می‌گوید اشک راز عشق را افشا و آشکار می‌کند.

درس بیست و ششم ادبیات پیش‌دانشگاهی

- ۱۰۷۵- گزینۀ (۳) رجوع کنید به درآمدی بر ادبیات داستانی (فصل ۹ پیش‌دانشگاهی)
- ۱۰۷۶- گزینۀ (۱) جامع‌التمثیل «قصه‌هایی که براساس امثال و حکم فارسی و عربی تنظیم شده‌اند.
- سمک عیار «قصه‌های عامیانه
- تذکرۀ الاولیا «شرح حال عرفا
- ۱۰۷۷- گزینۀ (۴) رجوع شود به درآمدی بر ادبیات داستانی. (مقامات حمیدی و گلستان سعدی این گونه هستند!)
- ۱۰۷۸- گزینۀ (۲) بیت صورت سؤال و گزینۀ (۲) به این مفهوم دلالت دارد که با این‌که توانایی و استطاعت مالی ندارند، باز هم به دیگران کمک می‌کنند و آبرومندانه زندگی می‌کنند.
- ۱۰۷۹- گزینۀ (۱) رجوع شود به درآمدی بر ادبیات داستانی.
- ۱۰۸۰- گزینۀ (۴) غلط‌های املائی عبارتند از: ۱- مآبی/ ۲- می‌گذارند/ ۳- اشباحی/ ۴- مهملی
- ۱۰۸۱- گزینۀ (۲) غلط‌های املائی عبارتند از: مهملی/ مطمئن
- ۱۰۸۲- گزینۀ (۳) فلا کردن یعنی کلک زدن، شیطنت کردن
- ۱۰۸۳- گزینۀ (۲) به قصه‌هایی که از زبان حیوانات است قابل گویند (مانند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه)
- ۱۰۸۴- گزینۀ (۲) رجوع شود به درآمدی بر ادبیات داستانی.
- ۱۰۸۵- گزینۀ (۳) رجوع شود به درآمدی بر ادبیات داستانی.
- ۱۰۸۶- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) «قصه‌های واقعی و تاریخی و اخلاقی، قصه‌های عامیانه، توضیح مفاهیم عرفانی (تمثیلی)، شرح زندگی کرامات عارفان
- گزینۀ (۲) «قصه‌های تاریخی، فنون و رسوم کشورداری، قصه‌هایی با محتواهای گوناگون، شرح اصطلاحات عرفانی و دینی و ...
- گزینۀ (۳) «قصه‌های تعلیم و تربیت، قصه‌های عامیانه، قصه‌هایی براساس امثال و حکم، شرح حال عرفا

- ۱۰۸۸- گزینۀ (۱) گزینۀ (۲) «خیلی به خودش ور می‌رفت» به سر و لباس و ظاهر خود می‌رسید.
- گزینۀ (۳) «دو برادری مثل علم یزید می‌ماند» شما دو برادر بسیار بلندقد هستید. (کنایه)
- گزینۀ (۴) «در لاتی کار شاهان را می‌کرد» در عین فقر و نداری، مهمان‌نواز بود.
- ۱۰۸۹- گزینۀ (۲) منظور از چشم مسلح در این داستان، چشم با عینک است نه وسایل و تجهیزات علمی مانند تلسکوپ و میکروسکوپ.
- این کتاب اثر عوفی است.
- ۱۰۹۱- گزینۀ (۱) ۱۰۹۲- گزینۀ (۳) ۱۰۹۳- گزینۀ (۴) ۱۰۹۴- گزینۀ (۱) ۱۰۹۵- گزینۀ (۴)
- بور شدن و زردرویی هر دو کنایه از شرمندگی است.
- بچه‌ها به دلیل فقر، کسب روزی را به تحصیل ترجیح می‌دادند.
- گوینده در صورت سؤال می‌گوید: «گفتارم صادقانه بود و گفتار صادقانه در سنگ هم اثر می‌کند.» و در گزینۀ (۴) نیز به گفتار اثرگذار اشاره شده است.
- ۱۰۹۶- گزینۀ (۳) «لاتی» در این‌جا به معنی فقر و بی‌چیزی است. معنی جمله‌ی صورت سؤال: «پدرم در عین فقر مثل شاهان، بخشنده بود».
- در گزینۀ (۳): مصراع اول، برابر با «کار شاهان را می‌کرد» و در مصراع دوم، برابر با «لاتی» است.
- تشریح گزینۀ‌های دیگر:
- گزینۀ (۱) «برای من تنگ‌دستی و قناعت مانند سلطنت است، سلطنتی که حتی شاهان ندارند».
- گزینۀ (۲) «من فقیرم، ولی کلاه پشمی کم‌ارزش خود را از صد تاج شاهی برتر می‌دانم. گزینۀ (۴) «درباره‌ی قناعت و دوری از حرص است و بر بخشندگی دلالت ندارد. «ای نفس حریص! اگر تو مرا رها کنی، در عین گدایی، خود را مثل شاهان بی‌نیاز می‌بینم».
- ۱۰۹۷- گزینۀ (۴) «بورشدن» در معنی «خجلت‌زده شدن و شرم‌منده شدن» است، ولی در بیت گزینۀ (۴)، «سرخ‌رویی» به معنی «موفقیت و پیروزی» آمده است.
- تشریح گزینۀ‌های دیگر:
- گزینۀ (۱) «در لاتی کار شاهان را کردن = با دست خالی بخشنده بود/ گزینۀ (۲) «قوز بالا قوز بودن = مشکلی بر مشکل قبلی اضافه شدن/ گزینۀ (۳) «رجحان دادن تهیه‌ی نان سنگک بر خواندن تاریخ و ادبیات = ترجیح دادن کسب و کار و خرج امرار معاش به درس خواندن».
- ۱۰۹۸- گزینۀ (۳) گزینۀ (۳) «در پوستم نمی‌گنجیدم» کنایه از «شادی فراوان داشتم»، ولی در این گزینۀ مجاز دیده نمی‌شود.
- تشریح گزینۀ‌های دیگر:
- گزینۀ (۱) «کلاس» مجازاً «دانش‌آموزان»/ «دست و پایم را گم کرده‌ام» کنایه از «قدرت تشخیص نداشتم»
- گزینۀ (۲) «چشم» مجازاً «نگاه»/ «سر از پا نمی‌شناختم» کنایه از «شادی بیش از حد داشتم»
- گزینۀ (۴) «کلاس» مجازاً «دانش‌آموزان کلاس»/ «کاسه‌ای زیر نیم کاسه باشد» کنایه از «توطئه و نقشه‌ای از پیش کشیده شده باشد»
- ۱۰۹۹- گزینۀ (۱) در عبارت صورت سؤال به سخن راست و صریح و بدون کنایه گفتن اشاره شده است که این مفهوم در گزینۀ (۱) نیز دیده می‌شود.
- گزینۀ (۱) «من با صراحت سخن می‌گویم و به این وسیله، ابهام و ظن را به یقین بدل می‌کنم».
- تشریح گزینۀ‌های دیگر:
- گزینۀ (۲) «بی‌اعتنایی معشوق را بیان می‌کند».
- گزینۀ (۳) «شمع با این‌که در حباب شیشه‌ای فانوس محصور است، ولی همین حباب شیشه‌ای سبب می‌شود که نور و روشنی‌اش بیشتر آشکار گردد، همان‌گونه که کنایه‌آمیز و مبهم سخن گفتن من هم به نوعی افشاگری بود».
- گزینۀ (۴) «میان من و او صحبتی و سخنی رفت که باکنایه بود، نه صریح».

معنی ب ← شکر موجب مزید (زیادی) می‌شود اگر زیادشدن نعمت می‌خواهی شکر را کنار مگذار.

معنی ج ← بنده‌ی شاکران باش و کنار آن‌ها قرار بگیر.

معنی د ← تو را شکر می‌گویم و خدا را به خاطر حق‌پرستی سپاس می‌گویم.

۱۱۱۸- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک سایر ابیات ← برای تکامل و راحتی ما کائنات و موجودات بسیاری تلاش کرده‌اند!

مفهوم گزینیه‌ی (۳) ← سال‌ها سختی کشیده‌ام تا دچار پشیمانی شدم.

۱۱۱۹- گزینیه‌ی (۴) مفهوم صورت سؤال ← ما در وصف خدا ناتوان و متحیریم! مفهوم بیت (۴) ← شب‌پره‌ی کور نمی‌تواند خورشید را وصف کند (پس در عدم درک و وصف اشتراک دارند).

۱۱۲۰- گزینیه‌ی (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینیه‌ی (۱) ← نعمت خداوند شامل حال همه‌ی بندگانش می‌شود.

۱۱۲۱- گزینیه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینیه‌ی (۱) ← با دیدن جلوه‌ی معشوق از خود بی‌خود شدم!!

۱۱۲۲- گزینیه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و بقیه‌ی گزینیه‌ها: خدا را نمی‌توان شناخت و نمی‌توان به ذات او پی برد (نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی).

مفهوم گزینیه‌ی (۱): دهان وصف تو را نمی‌گوید مگر اینکه خودت در سخن بیایی و خود را وصف کنی.

۱۱۲۳- گزینیه‌ی (۴) بیت (الف) از شعر «افلاک، حریم بارگاهت» در نعت پیامبر است. بیت (ب) توصیه‌ی سعدی است به ما در دیباجه‌ی گلستان خویش. بیت (ج) در پایان دیباجه‌ی گلستان سعدی آمده است و خداوند را خطاب می‌کند. بیت (د) در دیباجه‌ی گلستان سعدی آمده و در مورد پیامبر سخن رانده است.

۱۱۲۴- گزینیه‌ی (۲) به همیشگی بودن خداوند از ابتدا تا انتها اشاره دارد. ولی سه گزینیه‌ی دیگر به معراج و والا مقامی پیامبر اشاره دارند.

۱۱۲۵- گزینیه‌ی (۴) موارد گزینیه‌ی (۴) و صورت سؤال به این مفهوم اشاره دارند که: «وجود پشتیبانی و عنایت تو (معشوق) باعث می‌شود که ما از هیچ چیز نترسیم».

۱۱۲۶- گزینیه‌ی (۲) مفهوم صورت سؤال این است که «ادعا کنندگان که می‌گویند از یار خبر دارند، در واقع خبر ندارند و فقط ادعای باخبری می‌کنند. چون کسی که از یار خبر دارد، همگان از او بی‌خبرند و او ادعای آگاهی از یار را بر زبان نمی‌آورد و خموش است». این مفهوم در گزینیه‌ی (۲) به وضوح دیده می‌شود.

۱۱۲۷- گزینیه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال و سه گزینیه‌ی دیگر این است که «وجود همراه و پشتیبانی چون تو باعث دلگرمی و نترسیدن ما می‌شود».

۱۱۲۸- گزینیه‌ی (۱) * انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا البته گزینیه‌ی (۴) هم بی‌ربط نیست، ولی در حقیقت تکرار توبه‌کردن و استغفار علت اصلی پذیرش بود. اگر گزینیه‌ی (۱) نبود، گزینیه‌ی (۴) را انتخاب می‌کردیم.

۱۱۲۹- گزینیه‌ی (۳) مفهوم صورت سؤال: «مرغ سحر فقط مدعی عشق است و این موضوع را فریاد می‌زند ولی پروانه در آتش عشق می‌سوزد و لب به سخن نمی‌گشاید». که هم مفهوم با گزینیه‌ی (۳) است.

۱۱۳۰- گزینیه‌ی (۲) معنی صورت سؤال: «ای فرشتگانم، من از بنده‌ی خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد؛ پس آمرزیدمش».

۱۱۳۱- گزینیه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال و سه گزینیه‌ی دیگر: «کسی که عاشق واقعی است، لب به سخن دربارهی آگاهی از یار باز نمی‌کند».

۱۱۳۲- گزینیه‌ی (۲) مفهوم گزینیه‌ی (۲) این است که: «از تو سخن بر جا می‌ماند. پس سخن بیهوده مگوی». اما مفهوم صورت سؤال و گزینیه‌های دیگر این است: «کسی که از معشوق خبر دارد، از خود بی‌خود و مدهوش و خموش است»!

۱۱۳۳- گزینیه‌ی (۳) هر دو بیت به آمدن بهار اشاره دارند.

گزینیه‌ی (۱) ← چهره‌ی یار، زیباتر از گل یاسمن است. یاسمنی که در بالای قد بلند یار شکفته باشد یعنی یاسمن صورت یار است.

گزینیه‌ی (۲) ← چشم یار به سوی جان می‌تازد و دل و جان را به یغما می‌برد.

گزینیه‌ی (۴) ← آن‌قدر زیر زلف پریچ و خم تو، دل شکسته وجود دارد که به قلب شکسته‌ی من توجه نمی‌کنی.

۱۱۳۴- گزینیه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و گزینیه‌ی (۳) هر دو به بی‌ادعایی و خموشی در برابر سختی‌های راه عشق، توصیه و اشاره می‌کنند.

۱۱۰۰- گزینیه‌ی (۲) رجوع کنید به واژه‌نامه‌ی ادبیات پیش دانشگاهی تحت

عنوان: «هفت صندوق»

۱۱۰۱- گزینیه‌ی (۴)

۱۱۰۲- گزینیه‌ی (۲)

درس بیست و هفتم ادبیات پیش‌دانشگاهی

۱۱۰۳- گزینیه‌ی (۱) «عاشق چیزی را می‌پسندد که معشوق می‌خواهد» این مفهوم عبارت صورت سؤال است که در گزینیه‌ی (۱) نیز دیده می‌شود.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیه‌ی (۲): من با عشق تو همزادم، من با تو دو روان در یک بدن یا مانند دو مغز درون یک پوست هستم.

گزینیه‌ی (۳): از عشق او (معشوق) مانند گوی در همه‌ی عالم سرگردان شدم و تا هم‌اکنون چوگان غمش مرا سرگشته می‌دارد.

گزینیه‌ی (۴): گروهی اشک ظاهر مرا می‌نگرند و از آتش عشق درونم بی‌خبرند.

۱۱۰۴- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و بیت گزینیه‌ی (۳)، دست‌گیری است.

۱۱۰۵- گزینیه‌ی (۲) فرمانبرداری مفهوم مشترک بیت گزینیه‌ی (۲) و عبارت صورت سؤال است.

۱۱۰۶- گزینیه‌ی (۴) عبارت صورت سؤال، مربوط به درس «آخرین درس» و درباره‌ی معلم مدرسه است که می‌خواستند او را تبعید کنند و بیان می‌کند که دل‌کندن از جایی چقدر سخت است. مفهوم گزینیه‌ی (۴) هم دقیقاً همین است.

۱۱۰۷- گزینیه‌ی (۱) چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید.

۱۱۰۸- گزینیه‌ی (۱) ایجت نادرست است و درست آن ایجت است.

۱۱۰۹- گزینیه‌ی (۴) صورت درست واژه‌های سایر گزینیه‌ها:

گزینیه‌ی (۱): قرص ← غرس (کاشتن) / گزینیه‌ی (۲): احتزاز ← اهتزاز (برافراشتن) / گزینیه‌ی (۳): حیات ← حیات

۱۱۱۰- گزینیه‌ی (۲) عتاب: خشم گرفتن، ملامت از روی خشم

جلی: آشکار، روشن (مقابل خفی) / مقهور: شکست خورده، مغلوب / اهتزاز: جنبیدن، برافراشتن / غرس: کاشتن درخت / معطر: سالخورده، پیر و کهنسال

۱۱۱۱- گزینیه‌ی (۴) گزینیه‌ی (۱) ← خوانی، چنانی، می‌توانی

گزینیه‌ی (۲) ← باد، بیداد / فرمان و درمان

گزینیه‌ی (۳) ← دانه، دارم

۱۱۱۲- گزینیه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینیه‌ی (۲) ← تسلیم عاشق در مقابل معشوق!

۱۱۱۳- گزینیه‌ی (۳) جمله‌ی پایانی «زنده باد میهن!» حس وطن‌پرستی و ناسیونالیستی را القا می‌کند. این مفهوم در همه‌ی گزینیه‌ها دیده می‌شود، اما در گزینیه‌ی (۳) شاعر از فراق می‌نالَد.

۱۱۱۴- گزینیه‌ی (۴) مفاهیم ابیات گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) با مضمون عبارت صورت سؤال که به «پشیمانی از تلف کردن عمر» تأکید دارد، مطابقت می‌کنند، اما در گزینیه‌ی (۴) آمده است: «ای جوانان زیرک و چابک، توقف کنید و صبر کنید، چون در کاروان پیران سُست هم هستند».

۱۱۱۵- گزینیه‌ی (۴) حس «میهن‌پرستی و وطن‌دوستی» در گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۳) و صورت سؤال دیده می‌شود، اما در گزینیه‌ی (۴)، شاعر معتقد است نباید به خاطر وطن‌دوستی خود رادر خطر مرگ انداخت.

درس اول ادبیات فارسی ۳

۱۱۱۶- گزینیه‌ی (۴) قابوس‌نامه - تاریخ بلعمی - ساده و مرسل

گلستان - روضه‌ی خلد - مستجع و فتی

جهانگشای جوینی - مرزبان‌نامه - مصنوع و متکلف

۱۱۱۷- گزینیه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و ابیات (الف) و (ب) ← شکرگزاری به درگاه خدا موجب نعمت و زیادی آن است.

معنی الف ← شکر کن چراکه مهمانی که سر سفره‌ی تو می‌نشیند روزی خود را از سفره‌ی تو می‌خورد.

۱۱۳۵- گزینیهی (۱) ربیع: بهار/ قدوم: آمدن

۱۱۳۶- گزینیهی (۱) مفهوم گزینیهی (۱) این است که: «باران لطیف بر همه جا می بارد ولی در اثر همان باران، در باغ لاله می روید ولی در شوره زار خس و خاشاک!»/ گزینیهی (۲): «به عصیان در رزق بر کس نیست» با «وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد» متناسب است./ گزینیهی (۳): «مصراع اول» با «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده» تناسب دارد. (ادیم: سفره)/ گزینیهی (۴): «مصراع دوم» با «برده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» تناسب دارد. (دو کون: دو دنیا)

۱۱۳۷- گزینیهی (۲) * صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز/ نسیم: خوش بو/ وسیم: دارای نشان پیامبری/ دجی: تاریکی/ جلیه: زیور، زینت

۱۱۳۸- گزینیهی (۳) سعدی در این عبارت می گوید که عاشقان خدا آن چنان از او مست هستند که اختیاری از خویش ندارند.

گزینیهی (۳) نیز بیان گر حیرت عاشقان در زیبایی معشوق است.

۱۱۳۹- گزینیهی (۱) از عبارت، روزی رسانی و کرم و بخشش خدا دریافت می شود که این موارد در گزینیهی (۱) یافت نمی شود.

۱۱۴۰- گزینیهی (۳) اعراض: روی برگرداندن/ انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا/ تنقه: به جای مانده، باقی مانده از چیزی/ فایق: برگزیده، برتر/ مفخر: آنچه بدان فخر کنند

۱۱۴۱- گزینیهی (۱) با توجه به این که فقط مصراع های زوج قافیه دارند (آواز - باز) قالب شعر قطعه است.

* تفاوت رباعی و دو بیتی در وزن عروضی است که احتیاج به توضیح مفصل در رشته‌ی انسانی دارد. از این رو ما در این جا راهی برای تشخیص این دو از هم ارائه می نماییم.

۱۱۴۱- گزینیهی (۱) با توجه به این که فقط مصراع های زوج قافیه دارند (آواز - باز) قالب شعر قطعه است.

* تفاوت رباعی و دو بیتی در وزن عروضی است که احتیاج به توضیح مفصل در رشته‌ی انسانی دارد. از این رو ما در این جا راهی برای تشخیص این دو از هم ارائه می نماییم.

به هجای اول بیت می نگریم } اگر (صامت + مصوت کوتاه) در ابتدای بیت بود -> دو بیتی وگرنه -> رباعی

* در قطعه، داریم:

x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _
:

* در مثنوی هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد که عموماً برای سرودن داستان های بلند به کار می رود.

* در غزل و قصیده داریم:

x _ _ _ _ _ x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _ x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _ x _ _ _ _ _
:

که غزل بیش تر برای عشق و عرفان و قصیده بیش تر برای وصف طبیعت و آموزه های تعلیمی به کار می رود. تعداد ابیات قصیده از غزل بیش تر است.

۱۱۴۲- گزینیهی (۱) صورت سؤال و گزینیهی (۱) هم مفهوم با: «کرم بین و لطف خداوندگار/ گنه بنده کرده ست و او شرمسار»

۱۱۴۳- گزینیهی (۱) گزینیهی (۲): ساغر میگون (گل های رنگارنگ)

گزینیهی (۳): فرش زمردین (سبزه و چمن)

گزینیهی (۴): عقد ثریا (شاخه‌ی انگور)

۱۱۴۴- گزینیهی (۱) از «ماه» و «شب» در می یابیم که پیامبر اسلام (ص) در آسمان ها صعود کرده اند و به معراج رفته اند.

۱۱۴۵- گزینیهی (۲) گزینیهی (۲) -> بوی گل چنان من را مست کرد -> مفعول

۱۱۴۶- گزینیهی (۲) بهارستان، گلستان، مناجات نامه: نثر مسجع و فنی

قاپوس نامه: نثر ساده

* انواع نثر: نثر ساده- نثر مسجع و فنی- نثر مصنوع و متکلف

۱۱۴۷- گزینیهی (۳) اشاره به چمن و خوابیدن طفل غنچه در آن، ارتباط مستقیم گزینیهی (۳) و صورت سؤال است.

۱۱۴۸- گزینیهی (۱) همه‌ی ابیات با صورت سؤال ارتباط دارند اما گزینیهی (۱) به دلیل عبارت «شاخ خرم شود»، ارتباط دقیق تری با صورت سؤال برقرار کرده است.

۱۱۴۹- گزینیهی (۲) گزینیهی (۱)، (۳) و (۴) به معراج و گزینیهی (۲) به معجزه‌ی شق القمر پیامبر اشاره دارد.

گزینیهی (۱) -> ما به هر معشوق زیبارویی عشق می ورزیم.

گزینیهی (۲) -> ارزش خاک درگاه آستان معشوق بالاتر از هر بوی خوش عطار است.

گزینیهی (۴) -> بلبلان مشتاق در بهار آواز خوانی می کنند.

۱۱۵۱- گزینیهی (۳) در بیت صورت سؤال و گزینیهی (۳) عاشق حقیقی - و نه عاشق مدعی - کسی است که از حقیقت عشق و معشوق با خبر است اما خود را خاموش نگه می دارد و در حقیقت از عاشق واقعی صدایی شنیده نمی شود و از خود بی خود و مدهوش است.

۱۱۵۲- گزینیهی (۱) بیت سؤال و گزینیهی (۱) به معراج پیامبر اشاره می دارند.

۱۱۵۳- گزینیهی (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینیهی (۱)، (۲) و (۳) این است که انسان در شناختن خداوند ناتوان است اما مفهوم گزینیهی (۴) کاستی و نقص عبادت ماست در مقابل خداوند.

۱۱۵۴- گزینیهی (۴) معنی گزینیهی (۱) و (۳) جابه جاست.

۱۱۵۵- گزینیهی (۲) چرخ ار چه رفیع/ خاک پایت/ عقل ار چه بزرگ/ طفل راهت (است در تمام جملات محذوف است)

۱۱۵۶- گزینیهی (۳) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده -> رحمانیت. خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده -> رزاقیت.

برده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد -> ستاریت.

۱۱۵۷- گزینیهی (۳) سفوت -> صفوت/ بنده گان -> بندگان/ تزرع -> تضرع

۱۱۵۸- گزینیهی (۱) گزینیهی (۲) -> نثر شکسته/ گزینیهی (۳) -> نثر متکلف/ گزینیهی (۴) -> نثر مسجع

۱۱۵۹- گزینیهی (۴) مرتب شده عبارت چنین است: به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر اطفال شاخ نهاده.

* رای فک اضافه بین مضاف و مضاف الیه مقلوب می آید مثل: فلک را سقف = سقف فلک.

۱۱۶۰- گزینیهی (۴) مرتب شده‌ی مصراع چنین است: زمانه کلید من را به دست تو داد (یعنی کلید مرگ من را).

۱۱۶۱- گزینیهی (۲) سپاس خداوند باعث زیاد شدن نعمت است.

۱۱۶۲- گزینیهی (۳) در گزینیهی (۱) و (۲) و (۴) منظور، خداوند است اما در گزینیهی (۳) منظور، پیامبر است.

۱۱۶۳- گزینیهی (۴) مفهوم ابیات گزینیهی (۱)، (۲) و (۳) این است: شناخت و دیدار معشوق (خداوند)، از خود بی خودی و بی هوشی عاشق را در پی دارد.

۱۱۶۴- گزینیهی (۱) گلستان از بهترین نمونه های تحمیدیه در ادب فارسی است.

۱۱۶۵- گزینیهی (۲)

۱۱۶۶- گزینیهی (۲) گزینیهی (۲) به هیچ عنوان پرسشی را مطرح نمی کند.

۱۱۶۷- گزینیهی (۴) مفهوم گزینیهی (۱)، (۲) و (۳) یکی است، یعنی هر سه بیت بیانگر ناتوانی انسان از شکرگزاری در برابر نعمت های الهی است. اما گزینیهی (۴) به بخشندگی خداوند اشاره کرده است که مفهوم آن از گزینیهی دیگر دورتر است.

۱۱۶۸- گزینیهی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینیهی (۳)، «عجز انسان از شکرگزاری به درگاه خداوند» است.

مفاهیم سایر ابیات:

گزینیهی (۱): اجازه بده تا دیگران از تو تشکر کنند.

گزینیهی (۲): چون سایرین دعاگوی دولت تو هستند، تو نیز خدای را شکر کن.

گزینیهی (۴): عدم شکرگزاری و آفات آن

۱۱۶۹- گزینیهی (۲) مفهوم گزینیهی (۲): مغرور نبودن به طاعت و نیکی های خود، نباید به خوبی ها و بندگی های خود اعتماد کرد، آن کس که نابینا است بر عصا تکیه می کند (انسان بینا نیاز به عصا ندارد و انسان خردمند به خود غرّه نمی شود).

سایر گزینیه ها: طاعت و بندگی سبب نزدیکی خدا است.

۱۱۷۰- گزینیهی (۳)

۱۱۷۱- گزینیهی (۳) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینیهی (۱)، (۲) و (۴) -> آن کسی که از اسرار عشق خداوندی آگاه شد، سکوت کرد و بی خبر شده .

۱۱۷۲- گزینیهی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینیهی (۴) -> مدهوشی و بی هوشی و بی خبری عاشق!

۱۱۳۵- گزینیهی (۱) ربیع: بهار/ قدوم: آمدن

۱۱۳۶- گزینیهی (۱) مفهوم گزینیهی (۱) این است که: «باران لطیف بر همه جا می بارد ولی در اثر همان باران، در باغ لاله می روید ولی در شوره زار خس و خاشاک!»/ گزینیهی (۲): «به عصیان در رزق بر کس نیست» با «وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد» متناسب است./ گزینیهی (۳): «مصراع اول» با «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده» تناسب دارد. (ادیم: سفره)/ گزینیهی (۴): «مصراع دوم» با «برده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» تناسب دارد. (دو کون: دو دنیا)

۱۱۳۷- گزینیهی (۲) * صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز/ نسیم: خوش بو/ وسیم: دارای نشان پیامبری/ دجی: تاریکی/ جلیه: زیور، زینت

۱۱۳۸- گزینیهی (۳) سعدی در این عبارت می گوید که عاشقان خدا آن چنان از او مست هستند که اختیاری از خویش ندارند.

گزینیهی (۳) نیز بیان گر حیرت عاشقان در زیبایی معشوق است.

۱۱۳۹- گزینیهی (۱) از عبارت، روزی رسانی و کرم و بخشش خدا دریافت می شود که این موارد در گزینیهی (۱) یافت نمی شود.

۱۱۴۰- گزینیهی (۳) اعراض: روی برگرداندن/ انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا/ تنقه: به جای مانده، باقی مانده از چیزی/ فایق: برگزیده، برتر/ مفخر: آنچه بدان فخر کنند

۱۱۴۱- گزینیهی (۱) با توجه به این که فقط مصراع های زوج قافیه دارند (آواز - باز) قالب شعر قطعه است.

* تفاوت رباعی و دو بیتی در وزن عروضی است که احتیاج به توضیح مفصل در رشته‌ی انسانی دارد. از این رو ما در این جا راهی برای تشخیص این دو از هم ارائه می نماییم.

۱۱۴۱- گزینیهی (۱) با توجه به این که فقط مصراع های زوج قافیه دارند (آواز - باز) قالب شعر قطعه است.

* تفاوت رباعی و دو بیتی در وزن عروضی است که احتیاج به توضیح مفصل در رشته‌ی انسانی دارد. از این رو ما در این جا راهی برای تشخیص این دو از هم ارائه می نماییم.

به هجای اول بیت می نگریم } اگر (صامت + مصوت کوتاه) در ابتدای بیت بود -> دو بیتی وگرنه -> رباعی

* در قطعه، داریم:

x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _
:

* در مثنوی هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد که عموماً برای سرودن داستان های بلند به کار می رود.

* در غزل و قصیده داریم:

x _ _ _ _ _ x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _ x _ _ _ _ _
x _ _ _ _ _ x _ _ _ _ _
:

که غزل بیش تر برای عشق و عرفان و قصیده بیش تر برای وصف طبیعت و آموزه های تعلیمی به کار می رود. تعداد ابیات قصیده از غزل بیش تر است.

۱۱۴۲- گزینیهی (۱) صورت سؤال و گزینیهی (۱) هم مفهوم با: «کرم بین و لطف خداوندگار/ گنه بنده کرده ست و او شرمسار»

۱۱۴۳- گزینیهی (۱) گزینیهی (۲): ساغر میگون (گل های رنگارنگ)

گزینیهی (۳): فرش زمردین (سبزه و چمن)

گزینیهی (۴): عقد ثریا (شاخه‌ی انگور)

۱۱۴۴- گزینیهی (۱) از «ماه» و «شب» در می یابیم که پیامبر اسلام (ص) در آسمان ها صعود کرده اند و به معراج رفته اند.

۱۱۴۵- گزینیهی (۲) گزینیهی (۲) -> بوی گل چنان من را مست کرد -> مفعول

۱۱۴۶- گزینیهی (۲) بهارستان، گلستان، مناجات نامه: نثر مسجع و فنی

قاپوس نامه: نثر ساده

* انواع نثر: نثر ساده- نثر مسجع و فنی- نثر مصنوع و متکلف

۱۱۴۷- گزینیهی (۳) اشاره به چمن و خوابیدن طفل غنچه در آن، ارتباط مستقیم گزینیهی (۳) و صورت سؤال است.

۱۱۴۸- گزینیهی (۱) همه‌ی ابیات با صورت سؤال ارتباط دارند اما گزینیهی (۱) به دلیل عبارت «شاخ خرم شود»، ارتباط دقیق تری با صورت سؤال برقرار کرده است.

۱۱۴۹- گزینیهی (۲) گزینیهی (۱)، (۳) و (۴) به معراج و گزینیهی (۲) به معجزه‌ی شق القمر پیامبر اشاره دارد.

۱۱۹۱- گزینهی (۳) مفهوم بیت سؤال: «کسی که از اسرار باخبر می‌شود از او هیچ آوازی نمی‌آید» با بیت گزینهی (۳) که به بی‌خبری عاشق حقیقی از خود دلالت می‌کند، تناسب دارد. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱): به مفهوم «بالوده شدن از قید خویش» اشاره می‌کند. گزینهی (۲): به مفهوم «در خود سفر کردن و شناخت نفس خویش» دلالت می‌کند. گزینهی (۴): به «صواب بودن خاموشی گزیدن انسان غافل از عالم معنا» اشاره می‌کند. ۱۱۹۲- گزینهی (۳) در گزینه‌های (۱)، (۲)، (۴) شاعر معتقد است، بودن یار، سختی‌ها را آسان می‌کند و از آن‌ها غمی نیست، ولی در گزینهی (۳) شاعر می‌گوید: عاشقان خود گرفتار عشق تو می‌گردند که هر کس را تو گرفتار کنی او را از خودی و خودپرستی رها کرده‌ای.

۱۱۹۳- گزینهی (۲) معنی آیهی صورت سؤال: «به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان‌اند.» که منظور از اشاره‌ی موجود در صورت سؤال اشاره به سوگند خداوند به جان حضرت رسول (ص) است که در گزینهی (۲) دیده می‌شود. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← به عزّت و عظمت پیامبر (ص) اشاره دارد. گزینهی (۳) ← تشریح شرع نبی مورد نظر است. گزینهی (۴) ← منظور آمدن نام پیامبر (ص) بعد از نام خدا در برخی آیات قرآن است. ۱۱۹۴- گزینهی (۳) در عبارت صورت سؤال ناتوانی توصیف کنندگان حق مطرح شده است و در گزینهی (۳) نیز شاعر معتقد است که چون ذات الهی بی‌چون است و اوصاف او از اندازه بیرون، چنان‌چه صد زبان هم داشته باشد از بیان آن عاجز است. ۱۱۹۵- گزینهی (۳) «زبان آوری شمع» شعله کشیدن و آشکار کردن راز است و کسی نمی‌تواند در عین سوختگی و عاشقی، زبان آوری کند و راز را برملا سازد، زیرا کسی که از اسرار باخبر می‌شود، از او هیچ آوازی هم چون صدای مدعیان نمی‌آید. نکته: مفهوم بیت مورد سؤال، به بی‌خبری مدعیان عاشق و سکوت باخبران دلالت می‌کند که مفهوم موضوع نخست در گزینهی (۳) کاملاً مشهود است.

تشریح گزینه‌های دیگر: گزینهی (۱) ← به مفهوم «انسان عاشق (جگر سوخته) فقط می‌تواند عاشق جان سوخته را درک کند» اشاره می‌کند.

گزینهی (۲) ← به مفهوم «در خود سفر کردن و شناخت نفس خویش» دلالت می‌کند. گزینهی (۴) ← به مفهوم «عدم درک گوهر مطلوب و تهی ماندن دست انسان از شناخت حقیقت» اشاره می‌کند.

۱۱۹۶- گزینهی (۴) آرایه‌های گزینهی (۴) ← جناس ناقص: «بار و کار» / تشبیه: ایوان قرب / ایهام ندارد. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← «دل» تشخیص و استعاره، «بنیاد هستی» استعاره (اضافه‌ی استعاره‌ی)، «طوفان» استعاره از «حوادث ناگوار و مشکلات روزگار» / تلمیح: اشاره به طوفان نوح و کشتی نوح دارد. / «سیل فنا» اضافه‌ی تشبیه‌ی گزینهی (۲) ← «حکایت کردن گل با صبا» تشخیص و استعاره دارد. / «گل و باد صبا» و «رخ و دهن» تناسب دارند.

گزینهی (۳) ← «موج، بحر و کشتیان» مراعات نظیر دارند. / بیت اسلوب معادله دارد: چنان‌چه پیامبر پشیمان اَمّت باشد، همان‌طور که از موج دریا هنگامی که نوح کشتیان است، هراسی نیست. / «دیوار اَمّت» تشبیه دارد.

۱۱۹۷- گزینهی (۳) در صورت سؤال و گزینهی (۳) هر دو بر شکرگزاری و این‌که ناسپاسی موجب تباہ شدن نعمت‌های خداوندی می‌شود، تأکید شده است.

۱۱۹۸- گزینهی (۴) باسق: بلند / فایق: برگزیده، برتر / صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / طَرّه: دسته موی پیشانی

۱۱۹۹- گزینهی (۲) در نثر مستجع و قتی اعتدال رعایت می‌شود. «مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری - گلستان - کلیه و دمنه» نمونه‌های موقّق این نوع نثر به حساب می‌آیند.

۱۲۰۰- گزینهی (۴) مرجع ضمیر «تو» در گزینهی (۴) خداوند است و بیت بیانگر عجز و ناتوانی بشر در توصیف عظمت خداوند است. در گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) مرجع ضمیر «تو» پیامبر اکرم (ص) است.

۱۱۷۳- گزینهی (۴) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) ← اشاره و تلمیح به معراج پیامبر (ص) دارند در حالی‌که در گزینهی (۴) فقط از نام درخت سدره بهره گرفته‌ایم.

۱۱۷۴- گزینهی (۳) در بیت صورت سؤال بی‌ارزشی همه‌ی پدیده‌ها در برابر وجود با برکت پیامبر است.

در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) نیز همین مفاهیم دیده می‌شود.

در گزینهی (۳) قدرت‌مندی معشوق و در پی آن نابودی دشمنان او آرزو شده است.

۱۱۷۵- گزینهی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینهی (۱) ← رحمت و بخشش خدا بیش‌تر از آن است که از گناهان ما بندگان عاجز نگذرد و دست به عذاب ما گشاید!

«پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما آینه‌کی‌برهم‌خورد از زشتی تمثال‌ها» (صائب)

۱۱۷۶- گزینهی (۱) جمله‌ی آخر عبارت و بیت گزینهی (۱) به «روزی‌رسانی» خداوند اشاره دارد.

۱۱۷۷- گزینهی (۳) در گزینهی (۳)، از ناتوانی انسان و فرشتگان در حمد و ستایش خداوند سخن رانده می‌شود. در حالی‌که دیگر گزینه‌ها به ناتوانی انسان در درک و معرفت الهی تأکید دارند.

۱۱۷۸- گزینهی (۴)

گزینهی (۱) ← اشاره به بی‌کسی بندگان

گزینهی (۲) ← اشاره به شرم از بنده

گزینهی (۳) ← اشاره به بخشایش الهی

۱۱۷۹- گزینهی (۲) مفهوم بیت گزینهی (۲) ← بهره‌ی ما از بندگی خدا چیزی جز شرمندگی نیست. این مفهوم در دو بیت مورد سؤال به وضوح مطرح شده است.

۱۱۸۰- گزینهی (۳) یعنی خدا به جهت بزرگداشت و احترام شما به چهره‌ی زیبایان قسم خورده است.

۱۱۸۱- گزینهی (۲) مفهوم صورت سؤال و ابیات «الف، د و ه» بیانگر «رزاقیت خدا و گستردگی نعمت خدا» است.

الف) روی ناامیدی ز کارگاه کرم نیست

د) فیض رحمت او عام است.

ه) پهن خوان کرم گسترده.

۱۱۸۲- گزینهی (۳) در عبارت صورت سؤال ناتوانی توصیف کنندگان حق مطرح شده است و در گزینهی (۳) نیز شاعر معتقد است که چون ذات الهی بی‌چون است و اوصاف او از اندازه بیرون، چنان‌چه صد زبان هم داشته باشد از بیان آن عاجز است.

۱۱۸۳- گزینهی (۲) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینهی (۲)، «عاشق واقعی، سخنی از رمز و راز عشق و معشوق بیان نمی‌کند».

۱۱۸۴- گزینهی (۱) مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط: بیان ناتوانی انسان در توصیف خداوند (معشوق) و حیرت او از عظمت خداوند (معشوق)

۱۱۸۵- گزینهی (۳) واژه‌های «تضرّع و لایه»، هر دو معنی «التماس و زاری» می‌دهند.

۱۱۸۶- گزینهی (۱) گوینده در بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) معتقد است چون خداوند منزّه از چگونگی و بی‌نشان است، قابل توصیف نیست ولی در گزینهی (۱) می‌گوید که دهان تو از غایت کوچکی «نیست» است و قابل توصیف نیست. تنها وقتی که سخن بگویی می‌فهمم که لب و دهان داری.

۱۱۸۷- گزینهی (۲)

۱۱۸۸- گزینهی (۲) در صورت سؤال شاعر می‌گوید که با وجود پشیمانی چون تو، امت هیچ غم و وحشتی ندارد و در گزینهی (۲) نیز شاعر معتقد است کرم و لطف محبوب، دشواری‌ها را بر ما آسان می‌کند. (پشیمانی محبوب)

۱۱۸۹- گزینهی (۳) در عبارت صورت سؤال، «ناتوانی توصیف کنندگان حق» مطرح شده است و در گزینهی (۳) نیز شاعر معتقد است که چون ذات الهی بی‌چون است و اوصاف او از اندازه بیرون، چنان‌چه صد زبان هم داشته باشد از بیان آن عاجز است.

۱۱۹۰- گزینهی (۲) گزینهی (۲) می‌گوید: «سوز و گداز عشق باید در شمع اثر کند تا پروانه را بسوزاند.» اما مفهوم سه گزینهی دیگر «بیانگر سکوت و خاموشی عشق است.» تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱): هر که شد آفرخته، از او دود نخیزد.

گزینهی (۳): جان شد و آواز نیامد.

گزینهی (۴): آن کس شایسته‌ی آموختن اسرار حق است که بتواند سکوت کند و سخنی به زبان نیاورد.

۱۲۰۱- گزینۀ (۲) تاریخ جهانگشای جویی و مرزبان‌نامه هر دو نثر مصنوع و متکلف دارند.

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ (۱) ← تاریخ بلعی نثر ساده (مرسل) و مناجات‌نامه نثر مسجع و فنی دارد. گزینۀ (۳) ← کلیله و دمنه نثر مسجع و فنی و قابوس‌نامه نثر ساده (مرسل) دارد. گزینۀ (۴) ← سیاست‌نامه نثر ساده (مرسل) و گلستان سعدی نثر مسجع و فنی دارد.

۱۲۰۲- گزینۀ (۲) در صورت سؤال شاعر می‌گوید که با وجود پشتیبانی چون تو اکت هیچ غم و وحشتی ندارد و در گزینۀ (۲) نیز شاعر معتقد است کرم و لطف محبوب، دشواری‌ها را بر ما آسان می‌کند. (پشتیبانی محبوب)

۱۲۰۳- گزینۀ (۲) در صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۳) و (۴) عشق پروانه به‌عنوان الگوی عشق کامل معرفی شده است. ولی در گزینۀ (۲) چنین نیست.

۱۲۰۴- گزینۀ (۳) در صورت سؤال و گزینۀ (۳) هر دو بر شکرگزاری و این‌که ناسیاسی موجب تباه شدن نعمت‌های خداوندی می‌شود، تأکید شده است.

۱۲۰۵- گزینۀ (۲) بیت سؤال و ابیات (۱)، (۳) و (۴) به این موضوع اشاره دارند که اگر معشوق پشتیبان و حامی باشد از هیچ خطری هراسی نداریم ولی در بیت دوم شاعر می‌گوید دلم سرتاپا طوفان عشق است پس هرگز از سیل حوادث نمی‌ترسم و در فکر ساحل آرامش نیستم.

۱۲۰۶- گزینۀ (۳) مفهوم عبارت «رحمت گسترده‌ی خدا، منعم بودن، پوشاندگی خدا و روزی‌دهندگی اوست»

گزینۀ (۱): روزی‌دهندگی خدا/ گزینۀ (۲): پوشاندگی خدا

گزینۀ (۴): نعمت‌دهندگی خدا/ گزینۀ (۳): بخشایش‌گری خدا

۱۲۰۷- گزینۀ (۴) بیت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۳) بر این نکته اشاره دارند که همه‌ی مخلوقات خدا را ستایش می‌کنند.

گزینۀ (۴): ناتوانی از شکرگزاری

۱۲۰۸- گزینۀ (۴) مفهوم عبارت صورت سؤال به این سخن پیامبر اشاره می‌کند که او با همه‌ی شناخت خود از خداوند فروتنانه در حیرت شناخت حضرت حق، سخن می‌گوید و در گزینۀ (۴) نیز این مفهوم در صورت غنایی خود دقیقاً آمده است.

۱۲۰۹- گزینۀ (۳) گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) به بخشش خدا اشاره دارد ولی گزینۀ (۳) به استغنا و بی‌نیازی خدا.

درس دوم ادبیات فارسی ۳

۱۲۱۰- گزینۀ (۲) وقتی رستم پیشنهاد می‌کند که اگر جنگ دوست داری بیا دو سپاه بیاوریم که با هم بجنگند و تو لذت ببر اسفندیار در پاسخ می‌گوید راه و رسم من این نیست که برای رسیدن به تاج و تخت مردم را به کشتن بدهم!

۱۲۱۱- گزینۀ (۱) در گزینۀ (۲)، اسفندیار، قوی‌پیکری خود را به رخ رستم می‌کشد و او را سگری خطاب می‌کند. در گزینۀ (۳)، اسفندیار رستم را رویاه و کسی که از جنگ می‌ترسد، خطاب می‌کند. در گزینۀ (۴)، اسفندیار به رستم با تمسخر می‌گوید آیا تو همان کسی هستی که دیو هم از تو می‌ترسید؟ (یعنی پس چرا اکنون چنین حقیر شده‌ای؟)

۱۲۱۲- گزینۀ (۱) تحذیر: ترس، تهدید ← بکوبمست/ آزادی ← بنبد مرا دست چرخ بلند/ تعهد ← نهادند پیمان

۱۲۱۳- گزینۀ (۳) معنی سؤال: از خدای پاک که جهان هستی در پنجه‌ی قدرت اوست، بترس و عقل و احساس خود را تباه مکن (عقلت را به دست احساس مده و خود را خوار مکن).

گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) هم به عدم پیروی از هوا و احساس اشاره دارند.

۱۲۱۴- گزینۀ (۱) هور: خورشید/ فرّ: شکوه/ باد آفره: مجازات، کیفر/ دادار: آفریننده/ ایدر: این‌جا، اکنون

۱۲۱۵- گزینۀ (۲) دوال: چرم و پوست، یک دوال: یعنی یک لایه، یک پاره

۱۲۱۶- گزینۀ (۱) * سیه شدن جهان پیش چشم کسی، کنایه از نابینایی و مرگ اوست.

۱۲۱۷- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱): رزم - بزم/ گزینۀ (۲): سر - بر/ گزینۀ (۳):

گیر - ببر، بر - گیر، بر - ببر

۱۲۱۸- گزینۀ (۴) * یال: گردن، موی گردن که در این‌جا مجاز از کل وجود رستم است.

۱۲۱۹- گزینۀ (۴) در گزینۀ (۱): به رستم می‌گوید حرف بیهوده نزن. در گزینۀ (۲): به رستم می‌گوید دوستان را در این جنگ تن به تن، با خود بیاور. در گزینۀ (۳): سیستانی بودن رستم را مسخره می‌کند و همه‌ی این موارد، بیانگر بر خورد تحقیرآمیز است.

۱۲۲۰- گزینۀ (۴) صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۳) بیان می‌کنند که همه چیز از قبل مشخص شده است و در دست قضا و قدر است ولی گزینۀ (۴) این مفهوم را بیان نمی‌کند.

۱۲۲۱- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱): گوش با شنیدن قصه‌ی ایمان مست شده و این یک اغراق است. / گزینۀ (۳): پهنای بیابان از وسعت تابش خورشید هم بیش‌تر بود! / گزینۀ (۴): در تمام اوقات به یاد صورت و موی تو هستم. (اغراق در دلدادگی!)

* در گزینۀ (۲) شاعر گفته است که با اغراق هم نمی‌توانم چهره‌ی تو را وصف کنم!

۱۲۲۲- گزینۀ (۳) بیت صورت سؤال و سایر گزینۀ‌ها به بخشش وجود حق تعالی اشاره دارند؛ ولی در گزینۀ (۳) شاعر از خدا ادب را طلب می‌کند، نه بخشش.

۱۲۲۳- گزینۀ (۱) رجوع شود به توضیحات درس «رزم رستم و اسفندیار».

۱۲۲۴- گزینۀ (۲) بیت گزینۀ (۲) مخصوص رزم رستم و اشکیوس (کشانی) است.

۱۲۲۵- گزینۀ (۳) رجوع شود به درآمد ادبیات حماسی.

۱۲۲۶- گزینۀ (۳) ققنوس در گزینۀ (۱)، سیمرغ در گزینۀ (۲) و دیو سپید در گزینۀ (۴) خرق عادت دارند.

* هر جا اسفندیار داریم که خرق عادت نیست. اگر رویین تن بودن او ذکر شود یا به آن اشاره‌ای شود، آن وقت می‌توان گفت خرق عادت است!

۱۲۲۷- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱): خرق عادت/ گزینۀ (۲): ملّی/ گزینۀ (۴): قهرمانی

۱۲۲۸- گزینۀ (۱) «گر» در این‌جا به معنی یا است.

۱۲۲۹- گزینۀ (۳) در این بیت دو ضمیر اشاره دیده نمی‌شود و فقط «این» ضمیر اشاره است.

مسند ← سزا/ ضمیر شخصی ← من/ قید مختص ← هرگز (قید مختص کلمه‌ای است که همیشه قید باشد)

۱۲۳۰- گزینۀ (۱) درون مایه‌ی این داستان را پیری و جوانی، آزادی و اسارت، کهنگی و نوبی تشکیل می‌دهد.

۱۲۳۱- گزینۀ (۴)

۱۲۳۲- گزینۀ (۴)

۱۲۳۳- گزینۀ (۲) یعنی هیچ‌یک بر دیگری پیروز نشد.

۱۲۳۴- گزینۀ (۲) * مغاک یعنی گودال.

۱۲۳۵- گزینۀ (۳) بیت دو جمله است. (خروش آمد از باره‌ی هردو مرد - تو گفنی بدرد دشت نبرد)

* نکته: تو گفنی یعنی انگار و قید است و جمله ایجاد نمی‌کند

۱۲۳۶- گزینۀ (۲) طنز، ریشخند و طعنه زدن است و از نظر کنکور تا حدی تحقیر. این طعنه و تحقیر در بیت دوم دیده می‌شود. آن‌جا که اسفندیار خطاب به رستم می‌گوید: آیا تو مهارت و قدرت روز گذشته‌ی مرا فراموش کردی (که چه بلایی سرت آوردم).

۱۲۳۷- گزینۀ (۳) اسفندیار می‌گوید: آیین من نمی‌پسندد که در سایه‌ی کشته شدن مردم ایران، من به سلطنت برسم و پادشاهی کنم و حفظ جان مردم مهم‌تر از حکومت است.

۱۲۳۸- گزینۀ (۴) مفهوم گزینۀ (۴): بیم دادن از حساب قیامت و نکوهش گستاخی رستم در برابر خود.

در سایر گزینۀ‌ها: تحقیر و تمسخر دیده می‌شود.

۱۲۳۹- گزینۀ (۳) «نوش‌آذر» و «مهرنوش» دو فرزند اسفندیار بودند که «نوش‌آذر» به دست «زواره» برادر رستم و «مهرنوش» به دست «فرامرز» پسر رستم کشته شدند.

۱۲۴۰- گزینۀ (۳) وجود عبارت‌های «فرماندن دست از کار» و «گرفتن دوال کمر» نشانگر این است که نبرد هم‌چنان ادامه دارد، ولی چیزی در دست ندارند.

۱۲۴۱- گزینۀ (۲) «همه دل پر از باد» ← وجود رستم پر از اندوه و افسوس بود.

۱۲۵۹- گزینه‌ی (۲) اسفندیار می‌گوید: این کار (جنگاندن زابل‌ها) در دین و آیین من کار شایسته‌ای نیست.
۱۲۶۰- گزینه‌ی (۲) صورت مرتب و بازگردانی شده مصرع چنین خواهد بود: امروز یال تو [را] زین‌گونه می‌کوبم.
نکته: دقت شود که «ت» نقش مضاف الیهی دارد نه مفعولی!

درس سوم ادبیات فارسی ۳

۱۲۶۱- گزینه‌ی (۳) «بچه‌های آسمان» اثر مجید مجیدی است.
۱۲۶۲- گزینه‌ی (۴) بدون شرح!
۱۲۶۳- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به خودآزمایی درس.
۱۲۶۴- گزینه‌ی (۲)
۱۲۶۵- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به توضیحات درس.
۱۲۶۶- گزینه‌ی (۲) یک نظر به زیر پا نینداختن دارای ایهام است. (۱) به فرش زیر پایمان توجه نکردیم ۲- به زیر دستمان توجه نکردیم
۱۲۶۷- گزینه‌ی (۲) تشبیه: نشان حبس و تبعید (اضافه‌ی تشبیهی) / کنایه: نشان چیزی را در سینه داشتن، آن‌چیز را تجربه کردن / ایهام: سرافراز: ۱- اعدام، ۲- سر بلند
۱۲۶۸- گزینه‌ی (۳) «سلطان صاحبقران» از فیلم‌نامه‌های علی حاتمی است.
۱۲۶۹- گزینه‌ی (۳)
۱۲۷۰- گزینه‌ی (۴) «گفتن بله قربان شیرین» حسن آمیزی دارد و درهم آمیختن دو حس می‌باشد.
۱۲۷۱- گزینه‌ی (۴) فرمان خدا و شاه با هم فرقی ندارد.
۱۲۷۲- گزینه‌ی (۳) خبط یعنی بی‌راه رفتن، کز رفتن.
۱۲۷۳- گزینه‌ی (۳) دقت کنید به واژه‌ی «مقابل» وقتی سؤال می‌گوید مفهوم مقابل یعنی مفهوم متضاد.
مفهوم عبارت سؤال این است که هنرمند نیازمند توجه است، پس مفهوم مقابل یا متضاد آن این است که هنرمند به توجه و تحسین نیاز ندارد.
مفهوم گزینه‌ی (۱) ← روزگار با هنرمندان ناسازگار است، پس تسلیم تقدیر باش.
مفهوم گزینه‌ی (۲) ← زیبایی‌های ما، بازتاب زیبایی آفریدگار است. زیبایی ما عَرَضی است و از خودمان نیست.
مفهوم گزینه‌ی (۴) ← خوش بودن، غم روزگار را نخوردن
۱۲۷۴- گزینه‌ی (۴) مفهوم عبارت: هنرمند نیازمند توجه است. مفهوم مقابل: بی‌نیازی هنرمند به توجه و تحسین
مفهوم گزینه‌ها:
گزینه‌ی (۱): قدر اهل هنر را فقط هنرشناس می‌داند.
گزینه‌ی (۲): بلندی یافتن نام بزرگان به وسیله‌ی هنرمندان
گزینه‌ی (۳): جفای روزگار به اهل هنر
گزینه‌ی (۴): طمع نشانه‌ی فرومایگی است / محتاج نبودن هنر به تحسین
۱۲۷۵- گزینه‌ی (۴)
۱۲۷۶- گزینه‌ی (۳) عبارات صورت سؤال نشان‌گر تواضع کمال‌الملك در برابر پیرمرد روستایی است که این معنی در عبارت «خاک پای همه‌باش» در گزینه‌ی (۳) نیز آمده است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۱): نیک‌خواه مردم باش.
گزینه‌ی (۲): سحرخیز و اهل عبادت شبانه باش.
گزینه‌ی (۴): آماده و مهیا و مبارز باش.
۱۲۷۷- گزینه‌ی (۳) عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط بیانگر این نکته‌اند که توجه و عنایت، حیات‌بخش و روح‌افزا خواهد بود، اما بیت گزینه‌ی (۳) بیانگر رشک و غیرت عاشق به دلیل بی‌اعتنایی محبوب به او و توجه‌اش به رقیبان وی است.
۱۲۷۸- گزینه‌ی (۲) مفهوم نهایی عبارت صورت سؤال و گزینه‌ی (۲): تواضع و فروتنی بزرگمنشانه.

۱۲۴۲- گزینه‌ی (۳) بیت از زبان اسفندیار گفته می‌شود، مخاطب آن رستم است و دو سگری، زواره و فرامرز هستند و پسران کشته‌شده‌ی اسفندیار، مهرنوش و نوش‌آذر هستند.
۱۲۴۳- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت فردوسی و گزینه‌ی (۱) ← عدم اطاعت از ظلم و ترسیدن از قدرت و تهدید دشمن.
۱۲۴۴- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴)، «دیو سپید»، «رویین‌تن بودن اسفندیار» و «سیمرغ» نشان‌دهنده‌ی زمینه‌ی خرق عادت است.
۱۲۴۵- گزینه‌ی (۳) بیت مورد سؤال به این امر اشاره دارد که انسان نباید خلاف عقل و احساس عمل کند. در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) نیز به این امر تأکید شده است که آدمی نباید عقل و خرد خودش را اسیر و تابع هوا و هوس گرداند و از اندیشه و خرد دوری جوید.
۱۲۴۶- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲)، تیر هنوز پرتاب نشده است، بلکه رستم در حال آماده کردن تیر و کمان است.
۱۲۴۷- گزینه‌ی (۱) وجود سیمرغ که امری غیرطبیعی است و با منطق عینی و تجربه‌ی عملی هم‌سازی ندارد، زمینه‌ی خرق عادت حماسه را در شاهنامه نشان می‌دهد.
۱۲۴۸- گزینه‌ی (۲) بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۲) بر «ستایش آزادگی و اسیر سرنوشت و روزگار نشدن» تأکید می‌کنند.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۱): چرخ (روزگار) صد دور چرخید ولی بلا و مصیبت از زندگی فرد بدبخت دور نشد.
گزینه‌ی (۳): حتی اگر روزگار مرا نابود کند، امید وصال تو را از دست نمی‌دهم.
گزینه‌ی (۴): نمی‌توانم تدبیری بیندیشم و چاره‌ای بگزینم که روزگار کلاه مرا با کمند تقدیر می‌رباید.
۱۲۴۹- گزینه‌ی (۱) در بیت صورت سؤال، گوینده چنین بیان می‌کند که «من تنها می‌جنگم و فردی از سپاهیان را به یاری نمی‌طلبم»، گزینه‌ی (۱) متضاد آن است، یعنی «سپاهیان را به میدان می‌آوریم تا با هم بجنگند و خودمان فعلاً دست نگه داریم»
۱۲۵۰- گزینه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال، مفهوم آزادگی نهفته است و مفهوم مقابل (متضاد) آن «بندگی» در بیت گزینه‌ی (۲) دیده می‌شود.
۱۲۵۱- گزینه‌ی (۳) «بیر بیان» زره مخصوص رستم بود که علاوه بر گیر که نوعی زره بود، برای حفظ تن خویش آن را به تن می‌کرد.
۱۲۵۲- گزینه‌ی (۲) «بادافره»: مکافات
۱۲۵۳- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳) هدف اسفندیار، جانشینی پدر و رسیدن به تاج و تخت پادشاهی است، اما در گزینه‌های (۱) و (۴) که از زبان اسفندیار و در گزینه‌ی (۲) که از زبان گشتاسب نقل شده است، تاج و تخت در ظاهر مراد و مقصود اصلی و نهایی نیست.
۱۲۵۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم درست: از خدا ترس و عقل و احساس خود را تباه مکن.
۱۲۵۵- گزینه‌ی (۳) در بیت «الف»، وجود سیمرغ بیانگر خرق عادت است. / در بیت «ب»، مخاطب به شنیدن داستان رزم سهراب و رستم دعوت شده است. / بیت «ج»، مناجات رستم با خدا قبل از تیر انداختن است. (اشاره به اخلاق ایرانیان و مذهب ایشان که بیانگر زمینه‌ی ملی است).
۱۲۵۶- گزینه‌ی (۴) تشریح گزینه‌های دیگر:
جای اصلی ضمیر متصل: گزینه‌ی (۱) ← کلیدم / گزینه‌ی (۲) ← یالت / گزینه‌ی (۳) ← به گوشم
۱۲۵۷- گزینه‌ی (۳) رستم برای جنگ نیامده است و فقط برای حفظ آبرو و عذرخواهی آمده است.
۱۲۵۸- گزینه‌ی (۱) یار و کار: جناس ناقص اختلافی / بیت مجاز ندارد.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۲) ← گز: مجاز از تیر گز / زود و بود: جناس
گزینه‌ی (۳) ← سر: مجاز از موی سر / سر و بر: جناس
گزینه‌ی (۴) ← لب: مجاز از سخنان / «لب» در مصراع اول به معنای «کنار» و در مصراع دوم به معنای «عضوی از صورت»: جناس تام

درس چهارم ادبیات فارسی ۳

- ۱۲۹۲- گزینه‌ی (۱) * تخلص غلامحسین ساعدی، گوهر مراد است.
رجوع شود به تاریخ ادبیات درس «گاو».
- ۱۲۹۳- گزینه‌ی (۴) * هسته یا طرح داستان شباهتی با درون‌مایه دارد. به تعاریف این دو خوب دقت فرمایید تا اشتباه نکنید.
- ۱۲۹۴- گزینه‌ی (۳) صوت زدن ← صوت زدن
رجوع شود به تاریخ ادبیات درس.
- ۱۲۹۵- گزینه‌ی (۱) صوت زدن ← صوت زدن
رجوع شود به تاریخ ادبیات درس.
- ۱۲۹۶- گزینه‌ی (۴) نومیذی از زندگی و نبودن هدف در زندگی مردم و فقر و بدبختی آن‌ها پیام محوری داستان گاو است که در این بیت بیش‌تر مشهود است.
رجوع شود به پیام‌های درس «گاو»!
- ۱۲۹۸- گزینه‌ی (۴) زاویه‌ی دید سایر گزینه‌ها سوم شخص (دانای کل) است ولی زاویه‌ی دید گزینه‌ی (۳) اول شخص است.
- ۱۳۰۰- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به درآمد «عناصر داستان».
- ۱۳۰۱- گزینه‌ی (۴) شخصیت‌ها گاه بر اثر عوامل گوناگون به‌تدریج یا به‌طور ناگهانی فضای داستان را ترک می‌کنند یا تغییر و تحول می‌یابند.
- ۱۳۰۲- گزینه‌ی (۴) فیلم «گاو» را داریوش مهرجویی ساخته است.
رجوع شود به خودآزمایی درس!
- ۱۳۰۳- گزینه‌ی (۲) صوت می‌زد ← صوت می‌زد
- ۱۳۰۴- گزینه‌ی (۲) «بو شنیدن» دارای آرایه‌ی حس‌آمیزی است.
لحن ایجاد فضا در کلام است.
- ۱۳۰۵- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به درآمدی بر عناصر داستان.
- ۱۳۰۶- گزینه‌ی (۲) در سایر گزینه‌ها همه‌ی مفاهیم ذکر شده درست است، ولی در گزینه‌ی (۳) «پوست کندن» در معنای حقیقی خود به کار رفته نه در معنای کنایی.
- ۱۳۰۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم عبارت پایانی به‌مشورت کردن و رأی زدن گروهی اشاره می‌کند که در ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) این مفهوم نهفته است در حالی که بیت گزینه‌ی (۴) به پرهیز از خودرأیی اشاره می‌کند و این که چگونه می‌توان نظر خود را در مورد خاصی صائب دانست.
- ۱۳۰۸- گزینه‌ی (۱) زاویه‌ی دید در داستان «خسرو» اول شخص، در داستان «کباب‌غاز» اول شخص، در داستان «سووشون» دانای کل (سوم شخص) و در داستان «گیله‌مرد» دانای کل (سوم شخص) است.
- ۱۳۰۹- گزینه‌ی (۴) در هر دو مورد زاویه‌ی دید (راوی داستان) اول شخص است. تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱) ← هدیه‌ی سال نو: دانای کل (سوم شخص) / گزینه‌ی (۲) ← گاو: دانای کل (سوم شخص) / گزینه‌ی (۳) ← گل دسته‌ها و فلک: (اول شخص)
- ۱۳۱۰- گزینه‌ی (۳) در سایر گزینه‌ها همه‌ی مفاهیم ذکر شده درست است، ولی در گزینه‌ی (۳) «پوست کندن» در معنای حقیقی خود به کار رفته نه در معنای کنایی.
- ۱۳۱۱- گزینه‌ی (۳) عبارات بیانگر از خودبیگانگی و گریز از واقعیت است.
- ۱۳۱۲- گزینه‌ی (۲) ساعدی داستان‌پرداز و نمایش‌نامه‌نویس معاصر در طول بیست سال نویسندگی، طبع خویش را در عرصه‌های گوناگون آزمود. او داستان گاو را که در کتاب «عزادارن بیل» آمده است، در قالب فیلم‌نامه نیز نوشت.

درس پنجم ادبیات فارسی ۳

- ۱۳۱۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۴) ← اگر لطف و رحمتی نداری، لاف‌ل آسب و آزار نرسان!!!
- ۱۳۱۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سایر ابیات: از تو توقع و امید خوبی ندارم، فقط به من بدی نکن، همین!
- ۱۳۱۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و این گزینه: اگر خوبی نمی‌کنی، بدی مرسان.
- ۱۳۱۹- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) به این اشاره می‌کند که در محضر سلطان باید مطیع و فرمانبردار بود و تنها به تأیید رای پادشاه کمر بست تا زنده ماند که تدبیر دقیقاً به همین نکته اشاره می‌کند.

- ۱۲۷۹- گزینه‌ی (۳) در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) به این مفهوم تأکید شده است که انسان‌های آزاده، مرگ و شهادت را بر ننگ و ذلت ترجیح می‌دهند و به استقبال آن می‌روند.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱): اهل فضیلت هرگز نمی‌میرند.
- گزینه‌ی (۲): مرگ برای مردم بیچاره و بدبخت، رهایی و خوشبختی است.
- گزینه‌ی (۴): عاشق برای بذل جان خود به پای معشوق آماده است.
- ۱۲۸۰- گزینه‌ی (۲) از عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط، مفهوم «فروتنی و تواضع» دریافت می‌شود و در آن‌ها به این نکته اشاره شده است که با خاکساری و فروتنی می‌توان به کمال و منزلت رسید. اما در بیت گزینه‌ی (۲) تواضع، مانع وارستگی دانسته شده است که این معنی با صورت سؤال متناسب نیست.
- ۱۲۸۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت‌های «ب» و «ج»، «غرو و تکبر و استبداد» که نشان‌دهنده‌ی شخصیت «رضاشاه» در داستان کمال‌الملک است.
- ۱۲۸۲- گزینه‌ی (۴) در صورت سؤال، تدبیر، کمال‌الملک را نصیحت می‌کند که اگر برخلاف نظر رضاخان عمل کند باید منتظر حوادث ناگوار باشد. این مفهوم در گزینه‌ی (۴) به وضوح دیده می‌شود.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱): اگر شاهی مطابق سخن زیردست عمل کند، حیف است که آن زیردست جز سخنان نیکو گوید.
- گزینه‌ی (۲): اگر پادشاهی به زیردست، ستم کند، دوستان او در روزگار سختی علیه او خواهند بود.
- گزینه‌ی (۳): اگر سلطان خطایی کوچک انجام دهد، زیردستان او خطایی به مراتب بزرگ‌تر انجام خواهند داد.
- ۱۲۸۳- گزینه‌ی (۴) تابلوی «زرگر بغدادی و شاگردش» از آثار ارزشمند محمد غفاری مشهور به کمال‌الملک است.
- ۱۲۸۴- گزینه‌ی (۱) مفهوم کلی صورت سؤال بی‌اعتنایی است و همین معنا در مصراع اول بیت گزینه‌ی (۱) نیز وجود دارد.
- ۱۲۸۵- گزینه‌ی (۱) این مفهوم که «توجه کردن باعث زندگی بخشیدن است و بی‌توجهی سبب مرگ» در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۱) آمده است.
- ۱۲۸۶- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال، تدبیر، کمال‌الملک را نصیحت می‌کند که اگر برخلاف نظر رضاخان عمل کند باید منتظر حوادث ناگوار باشد. این مفهوم در گزینه‌ی (۳) به وضوح دیده می‌شود.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱) ← اگر شاهی مطابق سخن بنده عمل کند آن بنده حیف است که جز سخنان نیکو گوید.
- گزینه‌ی (۲) ← اگر پادشاهی به زیردست، ستم کند، دوستان او در روزگار سختی علیه او خواهند بود.
- گزینه‌ی (۴) ← اگر سلطان خطایی کوچک انجام دهد، زیردستان او خطایی به مراتب بزرگ‌تر انجام خواهند داد.
- ۱۲۸۷- گزینه‌ی (۲) محمد غفاری ملقب به کمال‌الملک است، وی بزرگ‌ترین نقاش قرن اخیر و صاحب آناری چون «تالار آینه» - زرگر بغدادی و شاگردانش - میدان کربلا - یهودی فالگیر بغدادی» است. کمال‌الملک از فیلم‌نامه‌های علی حاتمی از سینماگران و فیلم‌نامه‌نویسان برجسته‌ی تاریخ سی‌ساله سینمای ایران است.
- ۱۲۸۸- گزینه‌ی (۲) منظور رضاخان در این عبارت ترسو و راحت‌طلب بودن شاهان قاجار و شجاع بودن پهلوی است.
- ۱۲۸۹- گزینه‌ی (۳) در این حکایت دزدان با حماقت و نادانی زاهد موفق می‌شوند گوسفند او را بدزدند که در گزینه‌ی (۳) این مفهوم تکرار شده است.
- ۱۲۹۰- گزینه‌ی (۴) این جملات سخنان کمال‌الملک است که بیانگر تواضع و فروتنی است.
- ۱۲۹۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم حکایت سعدی به این اشاره می‌کند که در محضر سلطان باید مطیع و فرمانبردار بود و تنها به تأیید رای پادشاه کمر بست تا زنده ماند که تدبیر دقیقاً به همین نکته اشاره می‌کند.

گزینهی (۲) ← هیچ کس جز خدا نمی‌تواند مونس آدمی باشد، از دیگران توقع خیر و نیکی نداشته باش.

گزینهی (۴) ← نمی‌توان از تو انتظار خیر نو نیکی داشت، تو نیز مانند روزگار از نیکی کردن بی‌بهره‌ای.

۱۳۳۸- گزینهی (۳) یکی از شاعران پیش امیر دزدان رفت و با شعر خودش او را ستایش کرد.

۱۳۳۹- گزینهی (۳) بیت گزینهی (۳) می‌گوید: «چشم فتان معشوق از قیامت فتنه‌برانگیزتر است» اما در گزینیه‌های دیگر شاعر به قول معروف «عطای شخص را به لقایش می‌بخشد.» زیرا معتقد است در این ارتباط نه تنها خیری وجود ندارد، بلکه بیم آن است که شرّش دامن او را بگیرد.

۱۳۴۰- گزینهی (۳) اصغر در داستان «گل‌دسته‌ها و فلک» نماد افراد پُرمدّعا و لاف‌زن ولی ناتوان در عمل و ترسو است که ادّعای بی‌عمل در گزینهی (۳) نیز مطرح شده است.

۱۳۴۱- گزینهی (۲) عبارت صورت سؤال، جلال آل‌احمد را معرفی می‌نماید.

۱۳۴۲- گزینهی (۳) گزینیه‌های (۴)، (۲) و (۱) با بیت سؤال ارتباط مفهومی دارند: «نه که نوشم نه ای نیشم چرای» / گزینهی (۳): درخواست لطف و یاری از یار

۱۳۴۳- گزینهی (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینیه (۱) ← اگر خیر نمی‌رسانی لااقل شر هم مرسان!

۱۳۴۴- گزینهی (۲) عبارت صورت سؤال به این نکته اشاره می‌کند که ما به خیر و عنایت شما هیچ امیدی نداریم پس به ما صدمه نزنید و آزار نرسانید و مفهوم ناامیدی از عنایت دوست از آن برداشت می‌شود در حالی‌که در گزینهی (۲) مفهوم امید به عنایت و رحمت یار نهفته شده است و این مفهوم در تقابل با بیت صورت سؤال است.

درس ششم ادبیات فارسی ۳

۱۳۴۵- گزینهی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینیه‌ها ← قناعت و بلندهستی / مفهوم گزینهی (۴) ← کیوتر با کیوتر باز با باز !!

۱۳۴۶- گزینهی (۴) دلیل عدم پذیرش در سایر ابیات «قناعت» مطرح شده است. اما در گزینهی (۴) عدم اطلاع از حلال و حرام بودن صله مطرح شده است.

۱۳۴۷- گزینهی (۴) گزینهی (۴) به بسنده کردن با درد اشاره دارد ولی صورت سؤال و سه گزینیه‌ی دیگر به قناعت به‌عنوان امری مثبت اشاره می‌کنند.

۱۳۴۸- گزینهی (۲)

۱۳۴۹- گزینهی (۲) بونصر به آن صله نیاز داشت ولی در حلال بودن آن شک داشت.

۱۳۵۰- گزینهی (۱) گردن‌بندی از کافور در پزشکی قدیم، تب بُر بوده است.

۱۳۵۱- گزینهی (۳) یعنی فقط سخن حق می‌گویم.

۱۳۵۲- گزینهی (۴) گزینهی (۱) ← این مرد بزرگ و دبیر کافی گزینهی (۲) ← تا نزدیک نماز پیشین گزینهی (۳) ← و خیل‌تاشان و سواران * گزینهی (۴) ← «باز نمودن» یعنی نوشتن و شرح دادن!

۱۳۵۳- گزینهی (۴) * ضیا: نور، روشنایی

۱۳۵۴- گزینهی (۲) * درست: سالم / درستم: حالم خوب است.

۱۳۵۵- گزینهی (۴) «حطام» استعاره از مال دنیا است. در این عبارت اشاره شده که همین مقدار کمی که از مال دنیا دارم، حلال است و کافی است و بیش‌تر نمی‌خواهم و به همین قانعم.

پس قناعت و پرهیز از حرص و دقت در حلال بودن، بیان شده است. اما به بخشش به نیازمندان، هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است.

۱۳۵۶- گزینهی (۴) گزینهی (۴) توصیه به گوشه‌گیری می‌کند و سایر گزینیه‌ها به قناعت و خرسندی توجّه دارند.

۱۳۵۷- گزینهی (۲) رجوع شود به درآمدی بر نقد و تحلیل آثار بزرگ ادبی و درس ویرایش در زبان فارسی ۳.

۱۳۵۸- گزینهی (۲) عبارت صورت سؤال و گزینهی (۲) از سخنی که باعث شرمندگی در آینده شود، برحذرند.

۱۳۵۹- گزینهی (۴) سایر گزینیه‌ها و عبارت سؤال به قناعت در فقر اشاره دارند.

۱۳۲۰- گزینهی (۳) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس «گلدسته‌ها و فلک».

۱۳۲۱- گزینهی (۲) سایر گزینیه‌ها داستان هستند ولی گزینهی (۲) مقاله است.

۱۳۲۲- گزینهی (۲)

* این تست ترکیبی است از این درس و درس «نگارش تشریحی» از زبان فارسی ۳.

۱۳۲۳- گزینهی (۱) سنگ و سگ: جناس / بسته و گشاده: سجع

۱۳۲۴- گزینهی (۳) «امیدوار» مسند است.

۱۳۲۵- گزینهی (۱) ای حکیم (یک جمله) و از من چیزی بخواه (یک جمله) است و من و چیز ضمائر آن هستند.

* «چیز» ضمیر مبهم است.

۱۳۲۶- گزینهی (۲) سنا- ثنا / خاست- خواست

۱۳۲۷- گزینهی (۴) دل مجاز از جرأت است.

۱۳۲۸- گزینهی (۳) جمله‌ای است که مدیر هنگام بازی و زنگ تفریح به بچه‌ها می‌گفت و نشان‌گر استبداد حاکم بوده است.

۱۳۲۹- گزینهی (۴) «عین» یعنی مثل و ادات تشبیه است.

۱۳۳۰- گزینهی (۳)

۱۳۳۱- گزینهی (۲) ناامیدی شاعر از مخاطب در بیت صورت سؤال و گزینهی (۲) کاملاً مشهود است.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← شاعر به بیهوده بودن هر اقدام جدید و به اتمام رسیدن کار و خارج شدن امور از عهده‌ی خود اشاره می‌کند.

گزینهی (۳) ← دل من که از موفقیت بخت و طالع خود ناامید شده است، مورد لطف قرار گرفتنش توسط معشوق او را امیدوار می‌کند.

گزینهی (۴) ← بدی و شرّی که به خیر منتهی شود، در آن خیر است.

۱۳۳۲- گزینهی (۲) در صورت سؤال منظور نویسنده این است که جذابیتی در گل‌دسته‌ها بود که ناخودآگاه ما را به سوی خود می‌کشاند و نیز در گزینهی (۲) کشش و جذب از جانب محبوب است که عاشق را به سوی خود جلب می‌کند و او در این کار اراده‌ای از خود ندارد.

۱۳۳۳- گزینهی (۴) مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و گزینیه‌ی (۴) بی‌اختیاری فرد در عملکرد و وجود جذب و کشش از سوی مخاطب است.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینهی (۱): هم در دوری و هم در نزدیکی آتش عشق او در من گرفت.

گزینهی (۲): آتش عشق در دل من مثل گلستان برای ابراهیم (ع) است.

گزینهی (۳): هر کس که سوز عشق محبوب در دلش اثر کند، یار پسندیده محسوب می‌شود.

۱۳۳۴- گزینهی (۲) در صورت سؤال منظور نویسنده این است که جذابیتی در گل‌دسته‌ها بود که ناخودآگاه ما را به سوی خود می‌کشاند و نیز در گزینهی (۲) کشش و جذب از جانب محبوب است که عاشق را به سوی خود جلب می‌کند و او در این کار اراده‌ای از خود ندارد.

۱۳۳۵- گزینهی (۴) بیت صورت سؤال می‌گوید: «اگر خیری از تو به دیگری نمی‌رسد، حداقل بدی نکن». این مفهوم در بیت گزینهی (۴) نیز آمده است.

۱۳۳۶- گزینهی (۳) مفهوم عبارت صورت سؤال این است که «گل‌دسته‌ها توجه ما را جلب می‌کردند و گرنه ما نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا بودیم» در گزینهی (۳) نیز سعدی معتقد است که «او به دنبال محبوب نیست، بلکه محبوب او را به سمت خویش جذب می‌کند».

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینهی (۱): کسی که اسیر عشق خوبان شود، هلاک می‌شود.

گزینهی (۲): ای عاقلان، بر سوخته‌دلان زار خرده نگیرید.

گزینهی (۴): ما به کسی نیازمندیم که نیاز هیچ‌کس را برآورده نمی‌کند.

۱۳۳۷- گزینهی (۳) پیام محوری بیت صورت سؤال این است که اگر خیری نمی‌رسانی، لااقل شر هم نرسان و در گزینهی (۳) نیز شاعر از مخاطب خود می‌خواهد که اگر مرهم نیست، زخم او را با نمک پاشیدن ریش‌تر نکند.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینهی (۱) ← کسی که برای دیگران سودی نمی‌خواهد، از مال خویش خیر و سودی نخواهد دید.

- ۱۳۶۰- گزینۀ (۱) این جمله از ابوالفضل بیهقی نویسنده تاریخ بیهقی (مسعودی) است.
- ۱۳۶۱- گزینۀ (۲) توقیع: امضا کردن نامه و فرمان/ ضیعت: زمین زراعی/ وزر: گناه/ عقد: گردن بند
- ۱۳۶۲- گزینۀ (۴) این «الف»، «الف» کثرت است.
- ۱۳۶۳- گزینۀ (۲) آقاجی ← آغاجی/ طاس ← تاس
- ۱۳۶۴- گزینۀ (۲)
- ۱۳۶۵- گزینۀ (۱) گزینۀ (۱): جمله‌ی «جامه‌ها افگندند» یعنی گستردنی‌ها را گسترده را مهیا کردند.
- گزینۀ (۲): «توقیع»: امضا شده (ی نسبت در مفهوم مفعولی)
- گزینۀ (۴): «نماز پیشین»: نماز ظهر/ «نماز دیگر»: نماز عصر/ «نماز شام»: نماز مغرب/ «نماز خفتن»: نماز عشا/ «دوگانه»: نماز صبح
- ۱۳۶۶- گزینۀ (۲) مفهوم گزینۀ (۲): زیان کاری در دنیا و آخرت
- مفهوم عبارت سؤال و سایر گزینۀ: قناعت و راضی بودن به داشته‌های اندک خود
- ۱۳۶۷- گزینۀ (۳) مفهوم گزینۀ (۳): دریافتن با قوی‌تر از خود. نشان نادانی است.
- مفهوم عبارت سؤال و سایر گزینۀ: مناعت طبع و بلند نظری
- ۱۳۶۸- گزینۀ (۴) مفهوم عبارت سؤال: صدقه دادن برای به جای آوردن شکر نعمت سلامتی.
- مفهوم سایر گزینۀ: گزینۀ (۱): فقط کسی که بیمار بوده است قدر سلامتی را می‌داند.
- گزینۀ (۲): ناتوانی انسان در شکر نعمت‌های خداوند
- گزینۀ (۳): حرام را حلال دانستن: مال شبهه‌دار می‌خوری و می‌گویی حلال است، زیرا احکام شرع را با تفسیر و تأویل (مطابق خواسته‌ی خود) دگرگون می‌کنی.
- گزینۀ (۴): به ضعیفان کمک کردن برای به جا آوردن شکر نعمت سلامتی
- ۱۳۶۹- گزینۀ (۴) جامه‌ها افگندند: گستردنی‌ها را گسترده، بسترها را مهیا کردند.
- گزینۀ (۱) ← به نشاط قلم در نهاد: شادمانه شروع به نوشتن کرد.
- گزینۀ (۲) ← خبر خیر جواب می‌آورد: به سرعت پاسخ‌های شاه را می‌گرفتم.
- گزینۀ (۳) ← در عهدی این نشوم: مسئولیت این را برعهده نمی‌گیرم.
- ۱۳۷۰- گزینۀ (۳)
- ۱۳۷۱- گزینۀ (۱) مفهوم اصلی درس قاضی بست و پیام گزینۀ (۱) ← آزادی و زیر بار تعلقات دنیوی نرفتن.
- ۱۳۷۲- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینۀ ← قناعت و استغنا
- ۱۳۷۳- گزینۀ (۳) مفهوم عبارت مورد سؤال ← چون به حلال بودن طلاها شک دارد می‌گوید پذیرش طلاها، گناه و عقوبت اخروی را به دنبال دارد، پس به مال ناچیز خود قناعت می‌کنم.
- مفهوم گزینۀ (۳) ← خوردن عسل ارزش زخم زنبور را ندارد، پس به شیرهی انگور خود می‌سازم.
- ۱۳۷۴- گزینۀ (۱) نماز پیشین: نماز ظهر - نماز دیگر: نماز عصر - نماز شام: نماز مغرب - نماز خفتن: نماز عشا
- ۱۳۷۵- گزینۀ (۳) در عبارت صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) تأثیر مثبت مصاحب خوب مطرح شده است ولی در گزینۀ (۳) شاعر معتقد است که مصاحب خوب همیشه هم اثربخش نیست.
- تشریح گزینۀ‌های دیگر:
- گزینۀ (۱): از کمال همنشین، ارزش یافتن.
- گزینۀ (۲): صحبت نیکان در فرد مؤثر است.
- گزینۀ (۴): صحبت نیکان همچون اکسیری سبب کمال می‌شود.
- ۱۳۷۶- گزینۀ (۴) مفهوم صورت سؤال و گزینۀ (۴) بیانگر «استغناء و قناعت از مال دنیا» است.
- تشریح گزینۀ‌های دیگر:
- گزینۀ (۱): سرزنش ریاکاری است.
- گزینۀ (۲): در تنگنای جهان عقل و خرد برای من کافی است.
- گزینۀ (۳): به خیال معشوق بسنده می‌کنم.
- ۱۳۷۷- گزینۀ (۳) خاست شد ← خواست شد/ خواست ← خاست/ سعب ← صعب

- ۱۳۷۸- گزینۀ (۱) قاضی بست می‌گوید: آنچه دارم اندک است. ولی به آن قانعم، پس گناه و عذاب دریافت این صله را نمی‌خواهم. در گزینۀ (۱) نیز شاعر به آنچه دارد قانع است و چیزی از دیگران طلب نمی‌کند.
- ۱۳۷۹- گزینۀ (۲) در این گزینۀ از حرص و زیاده‌طلبی سخن گفته شده است. در حالی که در صورت سؤال گوینده به داشته‌های خود قانع است و اظهار بی‌نیازی می‌نماید.
- ۱۳۸۰- گزینۀ (۴) سلطان مسعود در این عبارت به حلال بودن زرها به غنیمت گرفته شده از هندوستان تأکید می‌کند و صدقه دادن از این مال حلال را برای خود افتخار می‌داند.
- ۱۳۸۱- گزینۀ (۳) اتفاقاً گوینده با بیان عبارت «نگویم که مرا سخت دربايست نیست» توضیح می‌دهد که به این مال‌ها نیازمند است.
- ۱۳۸۲- گزینۀ (۳) املائی درست کلمات «خواست شد - غریو - سور» است.
- ۱۳۸۳- گزینۀ (۲) «قلم در نهادن» به معنی «نوشتن» است که در گزینۀ (۲) در فعل «می‌نویسم» آمده است.
- در گزینۀ (۱)، چون کلمه‌ی «صورت» آمده، «رقم کردن» به معنی نقاشی کردن است نه نوشتن.
- نکته‌ی مهم این است که در صورت سؤال، «دبیر»، معنی معلّم و آموزگار نمی‌دهد، بلکه به معنی نویسنده است.
- ۱۳۸۴- گزینۀ (۳) مفهوم جمله‌ی تاریخ بیهقی، «قناعت و نکوهش طمع‌ورزی» است. این مفهوم در گزینۀ‌های (۱)، (۲)، (۴) وجود دارد، اما مفهوم گزینۀ (۳) «تسلیم و رضا در مقابل تقدیر الهی» است.
- ۱۳۸۵- گزینۀ (۱) گزینۀ (۱) ← هفت و هشت نفر از آنان در آب پریدند و پادشاه را گرفتند و کشیدند.
- ۱۳۸۶- گزینۀ (۱) قاضی بست می‌گفت به آنچه دارد با همه اندکی‌اش راضی و قانع است که در تمام گزینۀ‌ها هم قناعت ستایش شده است ولی در گزینۀ (۱) قناعت را نوعی مذلت و خواری دانسته است.
- ۱۳۸۷- گزینۀ (۱) مفهوم عبارت سؤال و گزینۀ‌های (۲)، (۳) و (۴) ← استغنا، بی‌نیازی و قناعت
- ۱۳۸۸- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) ← کشتی‌ها بخاست (بخواست) - غریو بر خواست (برخواست) - صور (سور)
- گزینۀ (۲) ← آقاجی (آغاجی) - طاس‌ها (تاس‌ها)
- گزینۀ (۳) ← بولعا (بولعلا) - علّت و طب (علّت و تب) - فارق (فارغ) گذارده (گزارده)
- گزینۀ (۴) ← هلال (حلال) - اندیشمند (اندیشه‌مند)
- ### درس هفتم ادبیات فارسی ۳
- ۱۳۸۹- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک (۱)، (۳) و (۴) ← موقع قدرت خوب باش و خوبی کن!
- مفهوم گزینۀ (۲) ← تو صاحب اختیار و صاحب قدرت هستی هر کاری می‌خواهی بکن (تسلیم عاشق در مقابل معشوق)
- ۱۳۹۰- گزینۀ (۱) «ماندگاری اثر» مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ (۱) است.
- ۱۳۹۱- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک ابیات صورت سؤال و گزینۀ (۲) ← صبر، انسان را به مرتبه و مقام بالا می‌رساند.
- مفهوم گزینۀ‌های (۱) و (۳) ← گرچه علاج کار، صبر است اما توان صبر کردن ندارم.
- مفهوم گزینۀ (۴) ← خداوند می‌تواند به من صبر دهد.
- ۱۳۹۲- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک ← درویشی و قناعت با بی‌اعتنایی به دنیا و مادیات.
- ۱۳۹۳- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک سایر گزینۀ‌ها ← در وقت توانایی و قدرت به حال زیردستان رسیدگی کن!
- ۱۳۹۴- گزینۀ (۴) مفهوم صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۳) چنین است: دنیا و نعمت آن و مقام‌های دنیوی ناپایدارند.
- مفهوم بیت گزینۀ (۴): دین و هنر و فضل مهم است، نه جامه‌ی ظاهر!
- ۱۳۹۵- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ (۲): عدم غفلت و مشغول شدن به دنیا! (اشاره به بیدار شدن از خواب غفلت)
- * البته هر سه گزینۀ دیگر هم بی‌ربط نیست!

۱۳۹۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) چنین است: خلقت خدا عوض نمی‌شود و تربیت تأثیری ندارد. (از کوزه همان برون تراود که دروست.) مفهوم گزینه‌ی (۲): سگ اصحاب کهف چون با نیکان نشست، آدم شد. (تربیت تأثیر دارد.) ۱۳۹۷- گزینه‌ی (۱) این جمله از بیهقی است و مفهوم ماندگاری نوشته‌اش را دارد که در بیت فردوسی در گزینه‌ی (۱) نیز همین مفهوم آمده است. ۱۳۹۸- گزینه‌ی (۱) معنی گزینه‌ی (۱): نیمه بلند شد. / معنی سایر گزینه‌ها: عصبانی شد. ۱۳۹۹- گزینه‌ی (۱) تعمل ← تأمل (تفکر، درنگ) ۱۴۰۰- گزینه‌ی (۱) زعارت: بدخویی، بدخلقی / سطوت: وقار، غلبه، شکوه ۱۴۰۱- گزینه‌ی (۱) «حسن تألیف» یعنی پیوند مناسب اجزای جمله! ۱۴۰۲- گزینه‌ی (۱) ۱۴۰۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) بی‌ارزشی و بی‌ثباتی دنیاست. ۱۴۰۴- گزینه‌ی (۳) محتشم: بزرگ، بزرگ‌زاده / زعارت: بدخویی، بدخلقی، تندمزاجی / شرارت: بدکرداری. ۱۴۰۵- گزینه‌ی (۴) ۱۴۰۶- گزینه‌ی (۲) «کنون» قید مختص است، «هست و دست» نیز جناس دارند و بیت نیز ۳ جمله است. اما همه‌ی فعل‌ها مضارع‌اند. ۱۴۰۷- گزینه‌ی (۳) ۱۴۰۸- گزینه‌ی (۱) در سایر گزینه‌ها اشاره به از بین رفتن پول و ثروت دنیا دارد و این که در دوره‌ی توانایی باید به دیگران کمک کرد و در گزینه ۱، اشاره به قناعت می‌کند. ۱۴۰۹- گزینه‌ی (۲) املا‌ی درست کلمات «فراغ و التفات» است. ۱۴۱۰- گزینه‌ی (۱) «جام تجلی» آرایه‌ی تشبیه دارد. ۱۴۱۱- گزینه‌ی (۳) * متن درس را بخوانید و آن چه را که تحلیل کرده است، خود نیز تحلیل کنید. * ایجاز: اختصار ≠ اطباء ۱۴۱۲- گزینه‌ی (۳) رجوع شود به توضیحات درس! ۱۴۱۳- گزینه‌ی (۱) عبارت صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) هر دو به محبوب بودن در میان مردم عادی اشاره دارند. * وقتی چند نفر را اجیر کرده‌اند که به حسنک سنگ بزنند، یعنی این که مردم سنگ نمی‌زدند و او را دوست داشتند. ۱۴۱۴- گزینه‌ی (۳) بوسحل ← بوسهل / مهتشم ← محتشم / تبع ← طبع / ماگد ← مؤگد / بوسحل ← بوسهل / علمی ← المی * دقت کنید که اگر یک غلط املا‌ی دوبار در یک متن تکرار شود، دوبار آن را به حساب می‌آوریم!! ۱۴۱۵- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک عبارت و بیت (۱): تغییرناپذیری سرشت انسان‌ها سعدی: پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است ابر اگر آب زندگی یارد هرگز از شاخ بید بر نخوری با فرومایه روزگار مبر کز نی بوریا شکر نخوری ۱۴۱۶- گزینه‌ی (۲) به جز این گزینه که عاشق را از نافرمانی منع می‌کند، بقیه‌ی گزینه‌ها به ناپایداری دنیا و عدم دل‌بستگی به آن اشاره می‌کنند. ۱۴۱۷- گزینه‌ی (۳) معنی بیت گزینه‌ی (۳) ← اگر من با درک حقایق عرفانی کامروا و شادمان شدم مستحق این زکات بودم. بیت گزینه‌ی (۳) با ابیات زیر قرابت معنایی دارد: «لیک کس واقف نشد ز اسرار او نیست کار هر گدایی، کار او» «کوتاه نظر غافل از آن سرو بلند است کاین جامه به اندازه‌ی هر کس نبریدند.» ۱۴۱۸- گزینه‌ی (۱) ۱۴۱۹- گزینه‌ی (۴) در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) شاعر دلیل توفیق و کامروایی خود را در صیوری دانسته و این توفیق را مزد شکیبایی‌هایش به حساب آورده است.

۱۴۲۰- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) این است که پس از درد و رنج، شاعر به آسایش و دولت رسیده است. تشریح گزینه‌های دیگر: گزینه‌ی (۱): پس از آفرینش، گرفتار حوادث فراوانی شدم. گزینه‌ی (۲): صداقت و خلوص دارم. گزینه‌ی (۳): آب را محصور کردند و تشنگی را نصیب من کردند. ۱۴۲۱- گزینه‌ی (۲) در عبارت صورت سؤال مفهوم «عبرت‌آموزی از تاریخ و به آگاهی رسیدن فریب خوردگان دنیا» مطرح شده است و مفهوم مقابل آن یعنی «بیش‌تر شدن غفلت با شنیدن پند و اندرز و آگاه نشدن» در بیت گزینه‌ی (۲) آمده است. ۱۴۲۲- گزینه‌ی (۴) سجایا: اخلاق نیک، خوی‌ها و عادات نیک، مفرد آن سحیه / شرارت: بدی کردن، بدخواهی، فتنه‌انگیزی / تضرب: فتنه‌انگیزی، دو به هم زنی / زعارت: بدخویی، بدخلقی، تندمزاجی / لت: سیلی، لت زدن: سیلی زدن، خدشه به کسی وارد کردن ۱۴۲۳- گزینه‌ی (۴) مضمون مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): صبر کردن نتیجه‌ای نیکو و شیرین دارد. ۱۴۲۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و سایر گزینه‌ها خلقت خدا عوض نمی‌شود و هر کسی متناسب با ذات و سرشت خود عمل می‌کند. ۱۴۲۵- گزینه‌ی (۲) شاه باید به حال رعیت رسیدگی کند و وظیفه‌ی شاه این است- (مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۲)) ۱۴۲۶- گزینه‌ی (۴) این بیت به سپری شدن عمر انسان به بطلالت و کاهلی اشاره می‌کند. سایر ابیات در مورد ناپایداری دنیا و غیر قابل اعتماد بودن آن است. ۱۴۲۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و سایر گزینه‌ها ← هر کس متناسب با ذاتش عمل می‌کند (البته گزینه‌ی (۳) هم چندان بی‌ربط نیست!) ۱۴۲۸- گزینه‌ی (۴) در عبارت صورت سؤال «آزار رساندن به زیردستان» و «پیدن مجازات آن» آمده است و این مفاهیم هر یک به نوعی در گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) نیز دیده می‌شود، اما در گزینه‌ی (۴) شاعر می‌گوید: «هرگز با تندخویی که داری از دشمن ساده‌دل در امان نباش، زیرا نرم‌خویی او مثل آبی است که آتش خوی تو را خواهد کشت و تو را نابود خواهد کرد.» ۱۴۲۹- گزینه‌ی (۳) پیام‌های بیت صورت سؤال، انجام کار نیک در فرصت اندک زندگی و گذرا بودن جهان و ناپایداری آن است که فقط در گزینه‌ی (۳) دیده نمی‌شود. تشریح گزینه‌های دیگر: گزینه‌ی (۱) ← مغتنم دانستن زندگی برای انجام کار خیر و درست. / گزینه‌ی (۲) ← انجام کار نیک در دنیایی که ناپایدار است. / گزینه‌ی (۴) ← مغتنم دانستن فرصت زندگی و استفاده از ثروت برای انجام کار خیر. ۱۴۳۰- گزینه‌ی (۴) در عبارت صورت سؤال و ابیات «ب» و «د» به رعیت‌پروری پادشاه تأکید شده است. ۱۴۳۱- گزینه‌ی (۳) منظور از «روزه به دهن»، گرسنگی لشکر است، نه روزه‌داری آن‌ها. ۱۴۳۲- گزینه‌ی (۲) «بی‌خودی» حالتی است که عارف در اثر انبساط روحی به مرحله‌ای می‌رسد که تمام قیود ظاهری و باطنی را ترک نموده و متوجه حق می‌شود و این مفهوم در بیت صورت سؤال با «سوختن و یک عقده نماندن از وجود» بیان شده است. ۱۴۳۳- گزینه‌ی (۴) عبارت سؤال و ابیات (۱) تا (۳) از «بی‌وفایی و مکر دنیا» سخن می‌گویند و توصیه می‌کنند که هرگز نباید به این دنیا دل بست. اما در بیت چهارم شاعر می‌گوید به حسن و زیبایی خود دل میند که موقتی است. ۱۴۳۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم جمله این است که «خلقت و سرشت غیرقابل تغییر است» و تربیت در آن تأثیری ندارد که بیت «ب» مفهوم مقابل را بیان می‌کند و بیت «د» تأثیر نیکوکاری را می‌گوید. ۱۴۳۵- گزینه‌ی (۴) عبارت سؤال و ابیات (۱) تا (۳) سخن از «دل نیستن به دنیای فانی» می‌گویند. چون دنیا گذراست و ما مسافری بیش نیستیم و این جهان به هیچ کس وفا نکرده است پس دل بستن به آن دور از عقل و خرد است. بیت چهارم می‌گوید: اگر برای کسی رفتن خاک در معشوق قسمت شود دیگر آرزوی بهشت نمی‌کند. (دقت کنید در صورت سؤال غرابت معنایی خواسته شده یعنی دور نه نزدیک!!) ۱۴۳۶- گزینه‌ی (۳) مفهوم گزینه‌ی ج و د ← قابلیت داشتن تغییر و دگرگونی مفهوم عبارت سؤال و گزینه‌ی الف، ب و ه ← تغییرناپذیر بودن

۱۴۳۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم عبارت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) ← بی‌اعتبار دانستن روزگار، دل نیستن به آن و فریب آن را نخوردن.
۱۴۳۸- گزینه‌ی (۲) پیام کلی سایر گزینه‌ها دوام و بقای کلام و کتاب شاعر یا نویسنده است ولی پیام گزینه‌ی (۲) بقای نام نیک است.

درس هشتم ادبیات فارسی ۳

۱۴۳۹- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات ← مرگ در پی ماست و عاقبت می‌میریم (البته گزینه‌ی (۱) بیش‌تر به فرستادن کار خوب قبل از مرگ برای بعد از مرگ اشاره دارد که در مصراع اول بیت سؤال آمده است).
مفهوم بیت (۴) ← نیرنگ روزگار همه‌چیز را بر هم می‌زند (توانایی روزگار)
۱۴۴۰- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← آهو (عیب و نقص) و آهو (نام حیوان)
گزینه‌ی (۲) ← چین اول: خم خوردگی، چین دوم: کشور چین
گزینه‌ی (۴) ← تنگ اول: بار و توشه، تنگ دوم: کوچک
در گزینه‌ی (۳) هر دو «زاد» به معنای «به‌وجود آورد» است.
۱۴۴۱- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): یاد و زاد / گزینه‌ی (۳): یاد و باد / گزینه‌ی (۴): استاد و استاد / در گزینه‌ی (۲) هر دو استاد یک معنی را می‌دهند. (تکرار)
* جناس ناقص: تفاوت دو کلمه در یک حرف یا حرکت می‌باشد.
۱۴۴۲- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) ← یاد (باد هوا)، باد (فعل داعی)
گزینه‌ی (۲) ← زاد (توشه)، زاد (متولد شد)
گزینه‌ی (۳) ← نهاد (ذات)، نهاد (قرارداد)
۱۴۴۳- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) ← چنگ (آلت موسیقی)، چنگ (دست)
گزینه‌ی (۳) ← دیده و دیدن، بر و سر (جناس ضعیف است!)
گزینه‌ی (۴) ← باز و بار
* در گزینه‌ی (۱) هر دو «آهنگ» به معنی «قصه» است.

۱۴۴۴- گزینه‌ی (۳) پری (پیری) و پری (فرشته)
۱۴۴۵- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴)، آرایه‌های تلمیح و استعاره دیده می‌شود اما در گزینه‌ی (۲) تلمیح نداریم!
۱۴۴۶- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، به نوعی نفی خودپرستی است و دعوت به تسلیم‌شدن که چنین مفهومی در گزینه‌ی (۳) دیده نمی‌شود.

۱۴۴۷- گزینه‌ی (۳) ستاره‌گانی ← ستارگانی / رصوخ ← رسوخ بدون شرح!
۱۴۴۸- گزینه‌ی (۱) بدون شرح!
۱۴۴۹- گزینه‌ی (۲) «خط خون» اثر علی موسوی گرمارودی است و سایر گزینه‌ها از آثار پرویز خرسند است.

۱۴۵۰- گزینه‌ی (۴) درون مایه ادبیات پایداری (مقاومت) رویارویی با عوامل استبداد داخلی یا تجاوز بیگانگان و مسائلی است که در پی آن رخ می‌دهد.
۱۴۵۱- گزینه‌ی (۳) تکواژها: هنگام / ی / که / نوبت / به / پیر / - / روشن / ضمیر / و / آزاد / مرد / - / ما / انس / رسید / - / آهسته / و / با / تائی / به / پیش / - / حسین / آمد / - / ۲۷ تکواژ

* در عبارت، «پیر» صفت جانشین موصوف است، «انس» نقش بدل را برای «پیر روشن‌ضمیر» دارد و دو فعل ماضی «رسید» و «آمد» در جمله وجود دارد اما تعداد تکواژها ۲۷ می‌باشد.

۱۴۵۲- گزینه‌ی (۱)

آن جا که هر سو صد شهید خفته دارد آن جا که هر کوشش غمی بنهفته دارد.
اشاره مبهم شمارش بیانی اشاره مبهم بیانی
۱۴۵۳- گزینه‌ی (۱) اشاره ← اشاعه

۱۴۵۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم صورت سؤال تعداد زیاد شهیدان در جای‌جای سرزمین است و در گزینه‌ی (۲) نیز لاله نماد شهید است.
گزینه‌ی (۱): مفهوم بازپس گرفتن فلسطین از دست اسرائیل است.
گزینه‌ی (۳): تحمل رنج و سختی در راه رسیدن به هدف
گزینه‌ی (۴): پیوستن به معشوق و مقیم کوی او شدن، سبب سراقازی و سربلندی می‌شود.

۱۴۵۵- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۱) ← چاووش رهبر است.

در گزینه‌ی (۲) ← جلودار رهبر است.

در گزینه‌ی (۳) ← جلودار رهبر است.

در گزینه‌ی (۴) ← احترام و اشتیاق نسبت به سرزمین فلسطین مطرح شده است.

۱۴۵۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت (۴): شدت غم و اندوه برای لبنان و فجایع دیر یاسین مفهوم سایر گزینه‌ها: دعوت به جهاد و آماده شدن و همت کردن برای قدم گذاشتن در این راه

۱۴۵۷- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) ← «موسی (ع)» استعاره از امام خمینی (ره) است.

گزینه‌ی (۳) ← منظور از «جلودار» امام خمینی (ره) است.

گزینه‌ی (۴) ← «فرمان رسید» از جانب امام خمینی (ره) است که فرمود: «قدس باید آزاد شود».

۱۴۵۸- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) شاعر فقر اختیاری خود را گنج با ارزشی می‌داند و از طمع بر مال دنیا و تعلقات مادی دوری می‌کند. ولی ابیات سایر گزینه‌ها، مخاطب به اعتنا فرصت و رسیدگی به دیگران، دعوت و ناپایداری قدرت و مقام را گوشزد می‌کند.

۱۴۵۹- گزینه‌ی (۲) داغ دیر یاسین ← اشاره و تلمیح دارد به قتل عام صهیونیست‌ها در روستای دیر یاسین.

کشت و پشت ← دارای جناس ناقص اختلافی هستند.

شکستن پشت ← کنایه از تحمل اندوه شدید و داغدار شدن است.

لبنان ← مجاز از مردم لبنان است و دیر یاسین مجاز از مردم آن‌جاست.

۱۴۶۰- گزینه‌ی (۳) در عبارت صورت سؤال و همه‌ی ابیات، این مفهوم وجود دارد که هر انسانی می‌میرد به جز بیت گزینه‌ی (۳) که می‌گوید این دنیا از مرگ انسان غمگین نمی‌شود.

۱۴۶۱- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) شاعر از غم و اندوه بی‌پایان خود سخن می‌گوید، اما در عبارت صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر به شهادت و جانبازی در راه عشق اشاره شده است.

۱۴۶۲- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی پاسخ املا «نامرعی» نادرست و صورت املا «نامرعی» به معنای «غیر قابل رؤیت» است.

«نامرعی» به معنی «مراعات نشده» است.

۱۴۶۳- گزینه‌ی (۳) «سرود درد» از آثار حمید سبزواری است.

۱۴۶۴- گزینه‌ی (۳) ابیات «د» و «ب» به ترتیب به زندگی حضرت سلیمان (ع) و حضرت موسی (ع) اشاره دارند.

د) ← اشاره است به داستان زندگی حضرت سلیمان (ع) و دیوی که انگشتر آن حضرت را ربود و بر تخت وی نشست.

ب) ← وادی ایمن صحرا و بیابانی است در جانب راست کوه طور که در آن‌جا ندای حق تعالی به موسی (ع) رسید.

۱۴۶۵- گزینه‌ی (۳) «با در رکاب راهوار خویش دارند» کنایه از آماده‌ی حرکت و هجوم هستند که این مفهوم در گزینه‌ی (۳) دیده می‌شود.

۱۴۶۶- گزینه‌ی (۴) «سرود درد» از آثار حمید سبزواری است.

۱۴۶۷- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۱)، وادی، در گزینه‌ی (۳)، خانه و در گزینه‌ی (۴)، بوسه‌گاه وادی ایمن؛ استعاره از فلسطین است، ولی در گزینه‌ی (۲)، چنین استعاره‌ای وجود ندارد.

۱۴۶۸- گزینه‌ی (۱) گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) و بیت صورت سؤال، همگی بر این نکته تأکید دارند که مبارزان با وجود سختی‌های بسیار در مسیر و رسیدن به هدف از ادامه‌ی کار منصرف نمی‌شوند، اما در گزینه‌ی (۱) آمده است که بانگ جرس به گوش می‌آید، وای بر من که بانگ جرس بلند شد و من حرکتی نکردم.

درس نهم ادبیات فارسی ۳

۱۴۶۹- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک گزینه‌ی (۲) با صورت سؤال ← گریستن

بسیار زیاد و فوق حد طبیعی عاشق

صورت سؤال ← وقتی می‌گیرم از شدت گریه‌ام خاک، گل می‌شود و شترها در گل می‌مانند.

گزینه‌ی (۲) ← چشم من راه سیل اشک است.

۱۴۷۰- گزینیه‌ی (۱) مفهوم مشترک سایر ابیات ← وفاداری عاشق
 ۱۴۷۱- گزینیه‌ی (۴) نگفتن اندوه دل الّا یک از هزاران با شرح این قدر کفایت
 قرابت دارد. بدین شکل که از غم عشق، ماجرای زیادی نمی‌توان شرح کرد بر اغیار.
 ۱۴۷۲- گزینیه‌ی (۳) کوچک شمردن طبیعت در مقابل یک انسان، در گزینیه‌ی
 (۳) و صورت سؤال یکسان می‌باشد.
 ۱۴۷۳- گزینیه‌ی (۴) «شب و غروب برای کسی که روزه‌دار است، دیر می‌رسد»
 درسته؟!
 ۱۴۷۴- گزینیه‌ی (۲) رجوع شود به توضیحات درس.
 ۱۴۷۵- گزینیه‌ی (۳) رجوع شود به «آورده‌اند که ...» در انتهای درس.
 ۱۴۷۶- گزینیه‌ی (۴) بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها به عدم ذکر حقایق عشق
 در مقابل ناله‌ان وادی عشق اشاره دارند ولی در گزینیه‌ی (۴) شاعر توانایی ادامه‌ی
 سخن را ندارد.
 ۱۴۷۷- گزینیه‌ی (۴)
 ۱۴۷۸- گزینیه‌ی (۳)
 ۱۴۷۹- گزینیه‌ی (۳) گزینیه‌ی (۱): هرب ← حرب / گزینیه‌ی (۲): تشنه‌گان ←
 تشنگان / گزینیه‌ی (۴): نسغ ← نسق
 ۱۴۸۰- گزینیه‌ی (۴) «تو» خطاب به جانبازی است که بینایی خود را از دست
 داده است.
 ۱۴۸۱- گزینیه‌ی (۳) با توجه به قافیه نمی‌تواند قطعه یا ترکیب‌بند باشد و با توجه
 به ۱۰ بیت بودن قصیده نیست چون قصیده معمولاً بیش از ۱۵ بیت دارد.
 ۱۴۸۲- گزینیه‌ی (۳) در گزینیه‌ی (۱) نهایت آرزوی عاشق، وصال معشوق است و
 تا رسیدن به این هدف دست‌بردار نیست.
 در گزینیه‌ی (۳) شاعر معتقد است که عشق یار در رگ و استخوان عاشق نفوذ کرده
 است و نمی‌تواند به چیزی غیر از معشوق فکر کند. مفهوم بیت سؤال همین است که
 مهر و دوستی را نمی‌توان از دل بیرون کرد، مگر با مرگ.
 گزینیه‌ی (۲): سخت بودن جدایی
 گزینیه‌ی (۴): حیرت شاعر از معشوق که در عین غایب از نظر بودن، در برابر چشم است.
 ۱۴۸۳- گزینیه‌ی (۲) مفهوم کلی صورت سؤال و بیت دوم «گریستن فراوان
 عاشق» است.
 مفهوم کلی سایر ابیات:
 گزینیه‌ی (۱): عدم تأثیر گریه‌ی عاشق در دل معشوق
 گزینیه‌ی (۳): گریستن ابر بر حال معشوق
 گزینیه‌ی (۴): سوزناکی سخنان عاشق
 ۱۴۸۴- گزینیه‌ی (۱) «باغ نگاه» اضافی تشبیهی است.
 «میوه‌ی خورشید» استعاره از نور، عشق و معرفت است.
 بین واژه‌های «باغ»، «سید»، «میوه»، «چید» مراعات نظیر وجود دارد.
 ۱۴۸۵- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک ابیات گزینیه‌ی (۳): شرح‌ناپذیری بودن غم عشق
 مفهوم سایر گزینه‌ها:
 (الف): ضرورت رازداری در راه عشق
 (ب): عاشق حقیقی تنها از عشق سخن می‌گوید.
 ۱۴۸۶- گزینیه‌ی (۴) عبارات، نشان‌دهنده‌ی اتکا به نفس ماشاءالله است.
 ۱۴۸۷- گزینیه‌ی (۲) مفهوم صورت سؤال و گزینه‌ها «ایثار و از خودگذشتگی
 است» ولی شاعر در گزینیه‌ی (۲) می‌گوید: «اگر به من زندگی بخشی یا هلاک گردانی،
 من همچنان بنده و فرمانبردار تو هستم»
 تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینیه‌ی (۱): مصراع دوم (زندگی خود را فدای معشوق کرد)
 گزینیه‌ی (۳): هر که به فکر سود دیگران و زیان خود باشد، در مدتی کم، زیانش سود
 می‌شود (ایثار کردن).
 گزینیه‌ی (۴): برای خوشی دیگران باید کار خود را کنار بگذاری.
 ۱۴۸۸- گزینیه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال و گزینیه‌ی (۲) این مفهوم مشترک
 وجود دارد که اشک فراوان شاعر مانع حرکت کاروان است.

۱۴۸۹- گزینیه‌ی (۳) در شعر صورت سؤال شاعر خطاب به جانباز می‌گوید:
 «چشم تو منبع روشنائی‌هاست و حتی خورشید از آن نور می‌گیرد» این معنی در
 گزینیه‌ی (۳) نیز آمده است.
 تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینیه‌ی (۱): همان‌طور که با خیره شدن به آفتاب آب از چشم می‌آید، با دیدن
 چهره‌ی برافروخته‌ی تو، دل آب می‌شود.
 گزینیه‌ی (۲): علت ابری شدن آسمان این است که چشم آفتاب به تو نرسد.
 گزینیه‌ی (۴): اگر آسمان ارزش تو را بفهمد، خاک پای تو را در چشم آفتاب می‌کند.
 ۱۴۹۰- گزینیه‌ی (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینیه‌ی (۲) ← ایثار
 ۱۴۹۱- گزینیه‌ی (۲) مصراع اول تشبیه دارد. / اغراق: «تالیدن سنگ در روز وداع
 یاران» و «گریستن به اندازه‌ی ابر بهاری» / واج‌آرایی (نغمه‌ی حروف): صامت «ب» و
 «ر» / تشخیص: «تالیدن سنگ» و «گریستن ابر»
 ۱۴۹۲- گزینیه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینیه‌ی (۴)، «بسیار گریستن در
 فراق معشوق یا سختی هجران» است.
 تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینیه‌ی (۱) ← «نتیجه‌ی عمل خود را بدان»
 گزینیه‌ی (۲) ← «بخت بد داشتن»
 گزینیه‌ی (۳) ← «لذت خاک‌بوسی درگاه معشوق»
 ۱۴۹۳- گزینیه‌ی (۳) گزینیه‌ی (۳) از زبان یک پیر بیان شده است که به خود
 هشدار می‌دهد که به خاطر سودای عشق یک جوان مضحکه‌ی مردم شده است، ولی
 در دیگر گزینه‌ها بیان می‌کند که شرح درد عشق را فقط عاشق می‌فهمد و لاغیر.
 ۱۴۹۴- گزینیه‌ی (۲) فارسی صحبت کردن مرا دید، حس‌آمیزی دارد و گزینیه‌ی
 (۲) شکر خند دارای آرایه‌ی حس‌آمیزی است.
 ۱۴۹۵- گزینیه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و ابیات (۱)، (۲) و (۴) به این اشاره دارند که
 «درد فراق بسیار سخت است و عاشق در هجران یار، اشک فراوان (اشک سیل‌آسا) می‌ریزد»
 در بیت سوم از تبدیل شب فراق به صبح وصال سخن به میان آمده است.
 ۱۴۹۶- گزینیه‌ی (۱) صبح و شام: تضاد، صبح مانند شام: تشبیه، ای صبح:
 تشخیص، جانم به طاقت آمد: کنایه
 گزینیه (۲): شراب فرقت: تشبیه، مصراع اول: کنایه، واج‌آرایی صامت «ش»
 گزینیه (۳): چون ابر بهاران: تشبیه، ناله کردن سنگ: تشخیص و اغراق، واج‌آرایی
 مصوت «آ»
 گزینیه (۴): مانند چشم گناهکاران: تشبیه، دیده و آب و گریان: تناسب، مصراع اول: کنایه
 ۱۴۹۷- گزینیه‌ی (۱) نکته‌ی مشترک دیگر گزینه‌ها: سخت بودن عشق و جدایی
 (مفهوم گزینیه (۱) پایداری و ماندگاری عشق است)
 ۱۴۹۸- گزینیه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت (۲) ← در فراق
 معشوق و یار بسیار گریستن (بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران - کنار دامن من
 همچو رود جیحون است)
 ۱۴۹۹- گزینیه‌ی (۲) گزینیه‌ی (۱) ← چشیدن کنایه از تجربه کردن
 گزینیه‌ی (۳) ← جان به طاقت آمدن کنایه از لبریز شدن طاقت
 گزینیه‌ی (۴) ← مهر بر دل نشستن کنایه از عاشق شدن
 ۱۵۰۰- گزینیه‌ی (۱) پیام و مفهوم سایر ابیات این است که احوال و اندوه عاشقان
 را غیر عاشقان درک نمی‌کنند ولی پیام بیت گزینیه‌ی (۱) کثرت غم هجران است.

درس دهم ادبیات فارسی ۳

۱۵۰۱- گزینیه‌ی (۱) خسوف‌های کزخیم ← استعاره از حوادث ناگوار
 نکته: عبارت سؤال عیناً در توضیحات درس شکسپیر معنی شده است. توصیه می‌کنم
 به توضیحات کتاب‌های درسی کمی دقت کنید!
 ۱۵۰۲- گزینیه‌ی (۴) مفهوم بیت سؤال ← سخنان جاودانه گفته‌ام و این مرا
 جاودانه می‌کند.
 مفهوم گزینیه‌ی (۴) ← زمان همه چیز را از بین می‌برد به جز اشعار من که جاودانه می‌مانند.
 ۱۵۰۳- گزینیه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← دنیا آن‌چه می‌دهد
 باز می‌گیرد! (البته به نظر می‌رسد گزینیه‌ی (۱) قانع کننده نیست!)
 مفهوم گزینیه‌ی (۳) ← گذر زمان!

۱۵۰۴- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۱) ← رسیدن پیری!
 ۱۵۰۵- گزینه‌ی (۳) تمام آثار خارجی که «زندگی‌نامه» نیست تا گزینه‌ی (۳) درست شود!!

* رجوع شود به درآمد «ادبیات جهان».

۱۵۰۶- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به اعلام مربوط به شکسپیر.

۱۵۰۷- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به پایین درس «ترانه‌ی من»!

۱۵۰۸- گزینه‌ی (۴)

پرسش اول: چگونه زمان مناسب برای هر کار را تشخیص دهد؟
 پرسش دوم: چگونه ارزشمندترین افراد را بشناسد؟
 پرسش سوم: چگونه از اشتباه در تشخیص مهم‌ترین کارها جلوگیری کند؟

۱۵۰۹- گزینه‌ی (۲)

۱۵۱۰- گزینه‌ی (۲) دو صفت دروگر و هیچ هستند. روینده صفت مرکب مرخم نیست یعنی کوتاه شده نمی‌باشد و فقط صفت فاعلی است. زنه‌ار نهاد است چون یعنی زنه‌ار (امان) وجود ندارد.

۱۵۱۱- گزینه‌ی (۲) در قرن ۲۰ در همان روستای محل تولد درگذشت.

۱۵۱۲- گزینه‌ی (۱) سه پرسش یک داستان کوتاه است و درون‌مایه آن دعوت به نیکی و درستی است.

۱۵۱۳- گزینه‌ی (۲) «چاووش» به معنی پیشرو لشکر و کاروان است.

۱۵۱۴- گزینه‌ی (۳) چنبر به معنی محیط دایره، حلقه، قید و گرفتاری است.

۱۵۱۵- گزینه‌ی (۳) بیت به در امان نبودن از گذر زمان و رسیدن پیری و ماندگاری شعر شاعر اشاره دارد.

۱۵۱۶- گزینه‌ی (۲) در بیت حافظ به این نکته اشاره می‌کند که زمانی چیزی نمی‌بخشد که روزی پس نگیرد و شکسپیر هم می‌گوید زمان با گذر خود عمر ما را بازپس می‌گیرد.

۱۵۱۷- گزینه‌ی (۱) شاه لیر، مکبث و اتللو از نمایش‌نامه‌های شکسپیر هستند.

۱۵۱۸- گزینه‌ی (۴) زنه‌ار به معنی امان است.

۱۵۱۹- گزینه‌ی (۱)

۱۵۲۰- گزینه‌ی (۴) منظور شاعر این بوده که ناخواسته روزگار ظالم ارزش شعر او را می‌ستاید چون در آینده هم ماندگار است.

۱۵۲۱- گزینه‌ی (۴) وقت به داس دروگر تشبیه شده است.

۱۵۲۲- گزینه‌ی (۱) مفهوم درس «سه پرسش» دعوت به نیکی و درستی است. مفهوم گزینه‌ی (۱) ← می‌گوید: صادق و درستکار باش مثل آب که صاف و پاک است و آزادی را از سرو بیاموز.

در گزینه‌ی (۲) ← جمع بودن همه‌ی نیکی‌ها در وجود ممدوح شاعر (مگر خدا همه‌ی نیکی‌ها را در وجود تو قرار داده است).

در گزینه‌ی (۳) ← انسان این قابلیت را دارد که بهترین یا بدترین باشد.

در گزینه‌ی (۴) ← نتیجه‌ی عمل هر کس به خودش بازمی‌گردد.

۱۵۲۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۴)، ماندگاری و جاودانگی شعر است.

مفهوم گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): روانی شعر

گزینه‌ی (۲): فراگیری شعر

گزینه‌ی (۳): شهرت شاعر در شاعری و شهرت معشوق در زیبایی

۱۵۲۴- گزینه‌ی (۲)

۱۵۲۵- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱): در مورد وداع جوانی و فرا رسیدن پیری است.

گزینه‌ی (۲): کامیابی در ایام جوانی است.

گزینه‌ی (۳): عدم وصال و کامیابی در ایام جوانی است.

گزینه‌ی (۴): نشاط عمر در ایام جوانی است و به رونق عمر در ایام جوانی اشاره شده است.

۱۵۲۶- گزینه‌ی (۲)

۱۵۲۷- گزینه‌ی (۱) در شعر صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) به این مفهوم مشترک اشاره شده است که هر موجودی از دنیا می‌رود و تنها سخن است که ماندگار می‌ماند.

۱۵۲۸- گزینه‌ی (۴) پیام شعر در صورت سؤال: «همه‌ی موجودات از بین می‌روند.» و نیز مفهوم بیت گزینه‌ی (۴): «مرگ اجتناب‌ناپذیر است.»

۱۵۲۹- گزینه‌ی (۴) در صورت سؤال واژه‌ی «ناخواست» و در گزینه‌ی (۴)، واژه‌ی «به‌رغم»، معنی «خلاف میل» می‌دهند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← واژه‌ی «ناخواست» یعنی بدون تقاضا.

گزینه‌ی (۲) ← «خواست» یعنی ثروت (خواست» نیست = ثروت ندارد).

گزینه‌ی (۳) ← مفهوم بیت این است که زمانه، ارزش دانش را نمی‌داند.

۱۵۳۰- گزینه‌ی (۴) «سه پرسش» داستانی کوتاه از تولستوی است که درون‌مایه‌ی آن دعوت به نیکی و درستی است. «رمان» به داستان‌های بلند گفته می‌شود.

۱۵۳۱- گزینه‌ی (۱) در شعر صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به گذر عمر اشاره شده است. بیت گزینه‌ی (۱)، به تلخی‌های زندگی شراب‌خوار اشاره دارد که مانند شخص در حال غرق شدن است.

۱۵۳۲- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال «به حتمی بودن مرگ شاعر و جاودانه ماندن شعر او» اشاره می‌شود و این معنی در گزینه‌ی (۲)، نیز آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← مرگ حتمی است. / گزینه‌ی (۳) ← مرگ من نزدیک است و طالب شنیدن سخن یار هستم. / گزینه‌ی (۴) ← پس از زیستن، مرگ حتمی است.

۱۵۳۳- گزینه‌ی (۳) سؤال اول تزار این بود که چه وقت باید کارها را شروع کند و پاسخ راهب این که فقط یک زمان بسیار مهم وجود دارد و آن «حال» است. در گزینه‌ی (۳)، نیز شاعر معتقد است که باید زمان حال را که در آن هستیم، غنیمت بشمریم، چون بگذرد، آن را از دست داده‌ایم.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← پاسخ به سؤال دوم تزار / گزینه‌ی (۲) ← پاسخ به سؤال سوم تزار / گزینه‌ی (۴) ← پادشاه باید هم در خلوت خود و هم در ملاقات‌ها، هوشیار باشد.

۱۵۳۴- گزینه‌ی (۴) پیام جمله‌ی صورت سؤال ← «همه‌ی موجودات از بین می‌روند.» و نیز مفهوم بیت گزینه‌ی (۴) ← «مرگ اجتناب‌ناپذیر است»

۱۵۳۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم صورت سؤال این است که گذشت زمان باعث پیری می‌شود. ولی در گزینه‌ی (۳) شاعر معتقد است گذر لحظه‌ها او را نوجوان می‌کنند نه پیر.

۱۵۳۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← ناپایداری و بی‌وفایی دنیا و گذر عمر و...

درس یازدهم ادبیات فارسی ۳

۱۵۳۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۴) ← مصیبت بیش‌تر به کسانی می‌رسد که به معشوق نزدیک‌ترند. (هر که در این بزم مقرب‌تر است / جام بلا بیش‌ترش می‌دهند)

۱۵۳۸- گزینه‌ی (۴) اینکه چراغ روشنی‌اش را برای دیگران خرج می‌کند و نصیب خودش سیاهی است، با گزینه‌ی (۴) تناسب دارد.

۱۵۳۹- گزینه‌ی (۱) ارزش پول از گزینه‌ی (۱) برداشت نمی‌شود، همچنین آنکه گزینه‌ی (۱) به ارزش والایی یار و دوست اشاره دارد.

۱۵۴۰- گزینه‌ی (۳) در خدمت بودن اطرافیان برای انسان نماد خودخواهی است که در صورت سؤال بدان اشاره شده است.

۱۵۴۱- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال روشنی ایجاد شده است و در گزینه‌ی (۲) تاریکی و نیز فانوس به‌عنوان نکته‌ی مثبت در گزینه‌ی (۲) پنهان شده. در حالی که در صورت سؤال اشاره به هویدا بودن نکات مثبت شده است.

* دقت کنید که در صورت سؤال مفهوم مقابل خواسته شده است، یعنی برعکس!

۱۵۴۲- گزینه‌ی (۲) ارزش پول و زر و سیم از صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) بر می‌خیزد.

۱۵۴۳- گزینه‌ی (۲) طنز نهفته در آن به بخل و خساست اشاره دارد. (در حالی که خسیس‌اند به آن‌ها گفته شده طفلان خندان کرم!!)

۱۵۴۴- گزینه‌ی (۳) گل‌های خدا در نقش موهبت‌های الهی معرفی شده.

۱۵۴۵- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) هر دو به نحوی می‌گویند که سختی‌ها برای افراد مؤمن به خداوند است تا آن‌ها را بیازماید و مقاوم سازد.

۱۵۴۶- گزینه‌ی (۲) «گل» به تنهایی، در ادبیات همان گل سرخ است و نماد عشق، عمر کوتاه، طراوت، جوانی و ... است.

※ گل بنفشه نماد غم و اندوه و سوگواری و گل سوسن نماد زبان آوری و سخن‌وری است.

۱۵۴۷- گزینه‌ی (۱) «فریفته مشبوی» فعل نهی، «چیزی نخورد» (نمی‌خورد) مضارع اخباری و «نگفته باشم» ماضی التزامی است.

۱۵۴۸- گزینه‌ی (۲) املا‌ی صحیح حضر به معنی ماندن و متضاد سفر می‌باشد.

۱۵۴۹- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← مهم‌ترین کار در دنیا نیکی است.

گزینه‌ی (۲) ← نگوشت خوار دانستن درویشان با خداست.

گزینه‌ی (۳) ← تأکید بر بی‌زبانی و سکوت

گزینه‌ی (۴) ← درویش‌نوازی، اغتنام فرصت

۱۵۵۰- گزینه‌ی (۴) گل سرخ ← نماد طراوت، عشق، عمر کوتاه، جوانی

۱۵۵۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم شعر سؤال: امیدوار بودن خدا به انسان ← مفهوم مقابل: ناامید شدن خدا از انسان

مفهوم گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): امیدوار بودن به خدا هنگام ناامیدی از دیگران

گزینه‌ی (۲): ناامید شدن پیامبر و قطع نظر خداوند از مردم

گزینه‌ی (۳): ناامید نشدن بندگان از درگاه خدا/ امیدوار بودن به خدا

گزینه‌ی (۴): امید داشتن به درگاه خدا

۱۵۵۲- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← کسی که به معشوق نزدیک‌تر است، معشوق بیشتر به او آسیب می‌زند و رنج می‌بیند!

۱۵۵۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← ایثار و از خود گذشتگی.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱) ← عاشق از هیچ چیز نمی‌هراسد.

گزینه‌ی (۲) ← نگوشت خرسندی از مرگ دیگران.

گزینه‌ی (۴) ← عاشق واقعی همواره پریشان است (عشق و آسودگی جمع ناپذیرند).

۱۵۵۴- گزینه‌ی (۲) شاعر در بیت گزینه‌ی (۲) می‌گوید: «بیمار عشق، مرگ را شفا می‌داند» اما شاعر در سایر ابیات می‌گوید «بلا برای دوستان است، هر چه عنایت و توجه معشوق و خدا بیشتر باشد، رنج معشوق هم بیشتر است.»

۱۵۵۵- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲)، پاکبازان با فنا، جاودانه می‌شوند.

مفهوم شعر صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) هر که عاشق‌تر است بیشتر تر آسیب می‌بیند.

۱۵۵۶- گزینه‌ی (۴) شعر تاگور و بیت گزینه‌ی (۴) هر دو بیانگر این مفهوم هستند که هر کس به حقیقت پشت کند، گمراه خواهد شد.

۱۵۵۷- گزینه‌ی (۲) بیت گزینه‌ی (۲) اشاره به این دارد که تقدیر و سرنوشت ما همان چیزی است که خواست خداوند است و اختیاری برای ما نیست، در حالی که در بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳)، (۴)، رنج و مرارتی را که از جانب دوست می‌رسد نشانه‌ی تقرب و توجه او (معشوق) می‌دانند.

۱۵۵۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم شعر صورت سؤال آن است که خداوند بلا را نصیب بندگان مقرب خویش می‌کند و این مفهوم در گزینه‌ی (۴) آمده است.

۱۵۵۹- گزینه‌ی (۴) در تمام گزینه‌ها عزیز بودن و ارزشمندی مال و پول مورد نظر است و در گزینه‌ی (۴) «بلندهمتی و مناعت طبع فرد» ستوده می‌شود.

۱۵۶۰- گزینه‌ی (۳) بیت سؤال و ابیات (۱)، (۲) و (۴) به ارزش زر و ثروت اشاره می‌کنند ولی در بیت سوم ارزشمند شدن عاشق را بیان می‌کند.

درس دوازدهم ادبیات فارسی ۳

۱۵۶۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت سوال ← غم صد ساله به یک دیدار معشوق می‌ارزد.

مفهوم بیت گزینه‌ی (۴) ← امید وصال معشوق به اندوهش نمی‌ارزد.

نکته: دقت کنید در صورت سؤال مفهوم مقابل (برعکس) خواسته شده است.

۱۵۶۴- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و این گزینه: «تحمل فراق را به شرط وصال مقدور دانستن.»

۱۵۶۵- گزینه‌ی (۳) شاخ تشنه ← نیاز عاشق، تحمل سختی (شاخ تشنه منتظر باران می‌ماند تا به او آب برساند!) / هوای ابر و باران ← امید به لطف

۱۵۶۶- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲): ای صبح دم

گزینه‌ی (۳): دروغ‌زن بودن باد صبا

گزینه‌ی (۴): دست هوا (اضافه‌ی استعاره‌ی) ← هوا مانند انسانی است که دست دارد.

※ آمدن کلمه‌ی «ای» بر سر غیرجاندار تشخیص محسوب می‌شود.

۱۵۶۷- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس.

۱۵۶۸- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به توضیحات درس.

※ آماده و مهیا مفهوم «بسته‌بسته» در چند بیت بعد درس است.

۱۵۶۹- گزینه‌ی (۴) «دیدار» در این جا به معنی چهره است/ گزینه‌ی (۱) ← صد، یک / گزینه‌ی (۳) ← گر، چو

۱۵۷۰- گزینه‌ی (۲)

۱۵۷۱- گزینه‌ی (۲) غزلیات خاقانی برخلاف قصایدش ساده و روان است.

۱۵۷۲- گزینه‌ی (۲) مهربان در این بیت صفت جانشین موصوف است و شکل کامل آن مثلاً می‌توانسته به صورت یار مهربان باشد.

۱۵۷۳- گزینه‌ی (۱) با توجه به معنی پیراستن که صیقل دادن، زدودن و زینت دادن است گزینه‌های (۳) و (۴) حذف می‌شوند و در گزینه‌ی (۲) نیز معنی رغم به اشتباه بینی آمده است.

۱۵۷۴- گزینه‌ی (۱) صبا منظور باد صبا است و صبا نام مکان و سرزمینی است.

۱۵۷۵- گزینه‌ی (۲) شعر «امید دیدار» که در کتاب آمده است شامل بخشی از نامه‌ی ویس به رامین است، پس مورد خطاب رامین است.

۱۵۷۶- گزینه‌ی (۴) پیام مشترک به عشق محبوب زنده ماندن است.

۱۵۷۷- گزینه‌ی (۱)

۱۵۷۸- گزینه‌ی (۳) «دست هوا» استعاره، «رشته‌جان» تشبیه و مصرع اول کنایه از چیره شدن هوس می‌باشد. همچنین هوا (هوس) و هوا (عشق) جناس دارد.

۱۵۷۹- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک زحمت فراوان و تحمل رنج بسیار برای به ثمر نشستن است.

۱۵۸۰- گزینه‌ی (۲) تلخ بودن دوری و شیرین بودن امید دیدار حس آمیزی دارند.

۱۵۸۱- گزینه‌ی (۳) در بیت دوم دلیل شباهت درخت مهربانی به سرو را آورده است.

۱۵۸۲- گزینه‌ی (۱) مصرع دوم دلیل آن است که عاشق در آتش هجران نمی‌سوزد.

۱۵۸۳- گزینه‌ی (۱) با توجه به نحوه قرار گرفتن قافیه‌ها و تعداد ابیات، غزل است.

۱۵۸۴- گزینه‌ی (۴)

۱۵۸۵- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت سؤال: لذت‌بخش بودن فراق با امید وصال

مفهوم گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): ضرورت وفا کردن با یار باوفا و جدایی از یار بی‌وفا

گزینه‌ی (۲): صبر نداشتن بر فراق/ ناامید بودن از وفای یار

گزینه‌ی (۳): سختی فراق

گزینه‌ی (۴): لذت‌بخش بودن فراق با امید وصال

۱۵۸۶- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت مورد سؤال و گزینه‌ی (۳) ← آرزوی وصال و امید به آینده.

۱۵۸۷- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳) در مورد مستی و بی‌قراری در راه عاشقی و بی‌صبری است.

۱۵۸۸- گزینه‌ی (۳)

۱۵۸۹- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌های دیگر امید به رسیدن، سختی‌ها را آسان می‌کند، اما در گزینه‌ی (۲) امیدواری همیشگی را بیان می‌کند.

۱۵۶۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲) ← باد صبا دروغ زن است = حدیث باد صبا هست سر به سر همه باد

۱۵۶۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سوال و گزینه‌ی (۲) ← امیدواری به وصال معشوق!

نکته: البته گزینه‌ی (۴) هم بی‌ربط نیست اما جواب سازمان سنجش گزینه‌ی (۲) بوده!

۱۵۹۰- گزینیهی (۳) مفهوم گزینیهی (۳) ← وفاداری عاشق در راه عشق مفهوم مشترک سایر گزینیه‌ها ← شیرینی امید وصال، تحمل سختی‌های راه عشق را آسان می‌سازد.

۱۵۹۱- گزینیهی (۱) دست هوا: تشخیص/ رشته‌ی جان: تشبیه/ گره‌زدن و گره‌گشایی: کنایه و تضاد/ گره‌گشای هوا: استعاره از خدا/ هوا در مصراع اول: هوا و هوس/ هوا در مصراع دوم: عشق، جناس تام

۱۵۹۲- گزینیهی (۴) بیت صورت سؤال بر محرمانه بودن و نهفته ماندن اسرار عشق اشاره دارد و مفهوم مقابل آن در ابیات «الف» و «ج» آمده است.

۱۵۹۳- گزینیهی (۱) شاعر در بیت صورت سؤال و بیت گزینیهی (۱) می‌گوید که از رسیدن به معشوق ناامید نیست، چرا که امید وصال، رنج فراق را آسان می‌کند. تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیهی (۲): امید به وصال تو خیالی باطل بود.

گزینیهی (۳): انتظار وصال تو بیهوده است.

گزینیهی (۴): بذر امید من بی‌حاصل است.

۱۵۹۴- گزینیهی (۴) مفهوم بیت اول گزینیهی (۴): اگر جدایی از یار سخت است، اما امید دیدار آن را لذت‌بخش می‌کند.

مفهوم بیت دوم: فراق کسی که می‌توان روز قیامت به وصال او رسید، بسیار تلخ است؛ زیرا زمان وصل او خیلی دیر فرا می‌رسد.

۱۵۹۵- گزینیهی (۳) مضمون بیت مورد سؤال به «امیدواری» تأکید دارد و این‌که امید، مایه‌ی حیات و زندگی است. در گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴) نیز مفهوم امیدواری مشهود است، اما مفهوم بیت گزینیهی (۳) برخلاف گزینیه‌های دیگر به ناامیدی و تأسف بر عمر گذشته اشاره دارد.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیهی (۱): اکنون که به من امید دادی، دیگر دردی ندارم، زیرا که امید بهتر از پیش‌خورد (اجرت کار را قبل از انجام کار گرفتن) است.

گزینیهی (۲): با وجود همه‌ی دردها هنوز هم به درمان امیدوارم، زیرا که شب طولانی یلدا نیز پایانی دارد و در نهایت صبح فرا می‌رسد.

گزینیهی (۴): اگر چشمانم مانند چشمان یعقوب سفید (نابینا) شوند، باز هم از آرزوی دیدار یوسف (یار) قطع امید نخواهم کرد.

۱۵۹۶- گزینیهی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینیه‌های دیگر ← تحمل سختی‌ها برای رسیدن به معشوق ساده است!

۱۵۹۷- گزینیهی (۱) «دیدار» در گزینیهی (۱) به معنای «دیدن» و «ملاقات کردن» است. در گزینیه‌های (۲)، (۳)، (۴) به معنی «چهره» آمده است.

۱۵۹۸- گزینیهی (۲) شاعر خود را مانند یک شاخ تشنه می‌داند و معشوق را مانند باران که اگر نبارد این شاخ از بین خواهد رفت.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیهی (۱) ← به امید وصال معشوق است.

گزینیهی (۳) ← یک لحظه دیدار معشوق و فراموشی غم‌ها.

گزینیهی (۴) ← چنان‌چه صد سال غم و اندوه جدایی را بخورم مهم نیست در صورتی که بتوانم چهره‌ی معشوق را ببینم.

۱۵۹۹- گزینیهی (۴) در بیت صورت سؤال و گزینیهی (۴)، نیاز عاشق به معشوق مطرح شده است.

تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیهی (۱) ← من وفادارم و تو جفاکاری. / گزینیهی (۲) ← بارش ابر به‌دلیل بدعهدی روزگار است. / گزینیهی (۳) ← تشنه و بی‌نصیب از رحمت ابر بهار مانده‌ام.

۱۶۰۰- گزینیهی (۳) اشاره به داستان حضرت سلیمان و ملکه‌ی سبا (بلقیس): تلمیح/ «سبا»: مجازاً معشوق است/ «سبا و سبا» جناس ناقص وجود دارد/ صامت «س» واج‌آرایی دارد. / «ای هدهد صبا» تشخیص دارد (مورد خطاب قرار گرفته است). / «هدهد صبا» تشبیه.

۱۶۰۱- گزینیهی (۴) بیت صورت سؤال و گزینیهی (۴) در بیان شیرینی شربت وصال پس از زهر هجران هستند.

۱۶۰۲- گزینیهی (۲) در صورت سؤال «نیازمندی عاشق به معشوق»، پیام محوری بیت است که این نیازمندی در گزینیهی (۲) نیز مطرح شده است ← «مثل میوه‌ی خام که برای رسیدن و پخته شدن به خورشید محتاج است، من به تو نیازمندم».

۱۶۰۳- گزینیهی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینیهی (۲) ← «معشوق (خداوند) رهایی‌بخش از هوا و هوس است یا رستگار شدن و رهایی از هوا و هوس به وسیله‌ی معشوق میسر است».

۱۶۰۴- گزینیهی (۴) از مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینیهی (۴) چنین دریافت می‌شود که امید به وصال یار سبب و انگیزه‌ی زندگی من است. (در غیر این صورت می‌میرم)

۱۶۰۵- گزینیهی (۴) در هر دو تأکید بر این است که به فرد باتجربه و کاردار باید کار را سپرد.

گزینیهی (۱): دروغگویی باد صبا/ پیام‌رسانی باد صبا

گزینیهی (۲): فناء فی الله/ مشتاقی خود را پنهان کردن

گزینیهی (۳): بی‌عنایتی معشوق/ تقاضای عنایت از معشوق

۱۶۰۶- گزینیهی (۲) بیت سؤال و بیت دوم هر دو می‌گویند که: «راز عشق نباید آشکار شود».

۱۶۰۷- گزینیهی (۲) مفهوم وفاداری عاشق و بی‌وفایی معشوق، فقط در گزینیهی (۲) دیده می‌شود.

۱۶۰۸- گزینیهی (۴) گزینیهی (۱) ← در راه عشق باید جان داد و هوس‌بازی جایی ندارد.

گزینیهی (۲) ← ای یار، در دلم فقط عشق تو وجود دارد.

گزینیهی (۳) ← ای یار دوست دارم با تو گفت و گو کنم.

گزینیهی (۴) ← من گرفتار هوا و هوس دل‌خوبش‌م که با مفهوم مصراع سؤال ارتباط معنایی دارد.

درس سیزدهم ادبیات فارسی ۳

۱۶۰۹- گزینیهی (۳) مفهوم مشترک گزینیه‌های (۱)، (۲) و (۴) ← کسی که از معشوق خبر داشته باشد از خود بی‌خود و بی‌خبر و مدهوش است.

مفهوم گزینیهی (۳) ← هیچ طبیعی نمی‌تواند درد عشق را درمان کند و فقط کسی که بیماری را ایجاد کرده است (معشوق) می‌تواند درمانت کند.

۱۶۱۰- گزینیهی (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینیهی (۱) کسی که از خود بیخود و بی‌خبر و مدهوش است از معشوق خبر دارد!

۱۶۱۱- گزینیهی (۴) مفهوم مشترک سؤال و جواب ← جانبازی و مرگ و فنا شدن عاشق در راه عشق

۱۶۱۲- گزینیهی (۱) البته گزینیهی ۴ هم بی‌ربط نیست و می‌تواند جواب باشد!

۱۶۱۳- گزینیهی (۱) مفهوم مشترک سؤال و بیت گزینیهی (۱) ← کسی از معشوق حقیقی خبر دارد که از خود بی‌خود و بی‌خبر باشد.

۱۶۱۴- گزینیهی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینیهی (۴) ← تلاش ما تأثیری ندارد و اصل عنایت معشوق است. (البته گزینیهی (۲) هم چندان بی‌ربط نیست!)

۱۶۱۵- گزینیهی (۳) مفهوم مشترک سؤال و بیت گزینیهی (۳) ← کسی از معشوق حقیقی خبر دارد که از خود بی‌خود و بی‌خبر باشد.

۱۶۱۶- گزینیهی (۳) جان حاصل شدن از دست خون‌آلود، معادل عبارت سؤال است.

۱۶۱۷- گزینیهی (۱) مفهوم صورت سؤال و گزینیهی (۱)، خلقت انسان است.

۱۶۱۸- گزینیهی (۲) صورت سؤال و بیت گزینیهی (۲) هر دو به این موضوع اشاره دارند که آنچه باعث موفقیت، بزرگی و سربلندی است، یاد خدا و خواست معشوق است.

البته گزینیهی (۴) هم چندان بی‌ربط نیست ولی از گزینیهی (۲) ضعیف‌تر است.

۱۶۱۹- گزینیهی (۲) با توجه به صورت سؤال «کارهای بزرگ به مردم خرد فرمودم کارهای خرد به مردم بزرگ» منظور سپردن کارهای مهم به افراد نادان و کارهای کوچک به افراد داناست که نشان‌دهنده‌ی بی‌عدلی و بی‌دراستی سلطان سنجر است.

۱۶۲۰- گزینیهی (۲) در بیت صورت سؤال مقصود از گوهر گوینده، نفس ناطقه‌ی انسان و مقصود از غمزه‌ی غمازه، نشان‌دهنده‌ی اسرار و رازهای الهی است.

۱۶۲۱- گزینیهی (۲) عبارت صورت سؤال و بیت‌های گزینیه‌های (۱)، (۳) و (۴) همگی به سرزنش بی‌عدالتی و بی‌دراستی اشاره دارند. در صورتی که بیت گزینیهی (۲) به برتری دوست نسبت به دشمن اشاره دارد.

۱۶۲۲- گزینیهی (۱) تأکید بر فناشدن عاشق در معشوق است.

۱۶۲۳- گزینه‌ی (۳) چون در راه رسیدن به معبود و معشوق (سیمرغ) فردیت آنان از بین رفت و از آن همه مرغ تنها سی مرغ به قاف رسیدند و به «سیمرغ» تبدیل شدند.

۱۶۲۴- گزینه‌ی (۱) با توجه به صورت سؤال مقصود از غمزه‌ی غازه و لعل لب، فاش‌کننده‌ی رموز الهی و عنایت معشوق است.

۱۶۲۵- گزینه‌ی (۴) مفهوم گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) مرتبط با صورت سؤال ولی بیت گزینه‌ی (۴) به در پی معشوق بودن اشاره دارد.

۱۶۲۶- گزینه‌ی (۴) شاعر در هر دو بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) می‌گوید: عنایت معشوق باید شامل جان عاشق گردد و زیبایی وجود ندارد مگر آن که از طرف خداوند باشد.

۱۶۲۷- گزینه‌ی (۱) با توجه به صورت سؤال «دست درکش کردن» به معنای درآغوش گرفتن است، در نتیجه کش به معنای آغوش است.

* «کش» معنی خرمی و شادمانی نیز می‌دهد (البته نه در این مصراع).

۱۶۲۸- گزینه‌ی (۳) هر کس به اندازه‌ی فهم خود خدا را درک می‌کند. سایر گزینه‌ها بر عدم درک انسان از خدا اشاره دارند.

۱۶۲۹- گزینه‌ی (۳) مفهوم مصراع اول چنین است: «هر کس به خداوند متوسل شود، به همه چیز دست می‌یابد.» که چنین مفهومی در گزینه‌ی (۳) نیز دیده می‌شود.

۱۶۳۰- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): تلمیح به دم مسیحایی حضرت عیسی (ع)/ گزینه‌ی (۲): تلمیح به معجزه‌ی حضرت صالح (ع)/ گزینه‌ی (۴): علام الغیوب بودن خدا- العالم محض، لا تعصوا فی محضره.

۱۶۳۱- گزینه‌ی (۴) بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) هر دو به سخن تازه و نو دعوت می‌کنند.

۱۶۳۲- گزینه‌ی (۲) «پروانه‌ی بی‌پروا» از کتاب منطق الطیر یا مقامات الطیور عطار انتخاب شده است.

۱۶۳۳- گزینه‌ی (۱)

۱۶۳۴- گزینه‌ی (۳) تنها یک حرف ربط وجود دارد و آن هم کلمه «اگر» است. کلمات کسبی، لعل، لب، ت در لب و غازه نقش اضافی دارند. لعل لب اضافه تشبیهی است. تو ضمیر شخصی و کس هم ضمیر مبهم است.

۱۶۳۵- گزینه‌ی (۲) چو فقط هنگامی که معنی «مثل» بدهد حرف اضافه است.

۱۶۳۶- گزینه‌ی (۴)

۱۶۳۷- گزینه‌ی (۳) «کی» ضمیر پرسش است به معنی چه وقت/ «قمار عشق» اضافه تشبیهی است/ بیت تشخیص دارد اما لف و نشر ندارد.

۱۶۳۸- گزینه‌ی (۲) «قمار عشق» در گزینه‌ی (۱)، «خانه دل» در گزینه‌ی (۳) و «لعل لب» در گزینه‌ی (۴) اضافه تشبیهی هستند.

۱۶۳۹- گزینه‌ی (۴) موی پریشان بر سر آدم پریشان یا پریشان بودن برای کسی که خود پریشان است.

۱۶۴۰- گزینه‌ی (۳) مفهوم هردو شعر آن است که برای شناخت محبوب باید از خویش گذشت.

۱۶۴۱- گزینه‌ی (۴) مصرع دوم بیت این مفهوم را می‌رساند که آن زیبایی ظاهری است و سریع از بین می‌رود.

۱۶۴۲- گزینه‌ی (۳) راه رسیدن به محبوب و رسیدن به یقین فناشدن در راه او است.

۱۶۴۳- گزینه‌ی (۴) امارت کن ← عمارت کن (آباد ساز)

۱۶۴۴- گزینه‌ی (۱) اثر غازه مفهوم زیبایی ظاهری و ناپایدار را دارد.

۱۶۴۵- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت سؤال: دعوت به سخن تازه گفتن و جهان را تازه و شاداب گرداندن (سخن تازه سبب تازه شدن جهان است).

گزینه‌ی (۱): برتری سخن تازه بر آب حیات (سخن تازه سبب تازه شدن جهان است).

گزینه‌ی (۲): طرحی نو انداختن و جهان را تازه گرداندن

گزینه‌ی (۳): از خود بی‌خود شدن عاشق با شنیدن سخن یار

گزینه‌ی (۴): تأثیر سخن و اغراق در تعریف از سخن خود (سخن تازه سبب تازه شدن جهان است).

۱۶۴۶- گزینه‌ی (۴) بیت سؤال و سه گزینه‌ی اول به از دست دادن دل و دین در راه عاشقی و خرسندی از آن اشاره می‌کنند، اما در گزینه‌ی (۴)، مناعت طبع عارفان و بی‌اعتنایی عاشقان حق به مقامات ناچیز دنیوی بیان می‌شود.

۱۶۴۷- گزینه‌ی (۲) ابیات «الف» و «پ» به این مفهوم اشاره و تأکید دارند که تنها شکل معرفت حق، ترک تعلقات و حیات مادی، یعنی فنا شدن در حق است.

۱۶۴۸- گزینه‌ی (۱) بیت مورد سؤال در مورد بلا و سختی‌های راه عشق است اما بیت گزینه‌ی (۱) در مورد عاشق و بی‌قرار بودن عاشق است و شاعر این نکته را شرط اول این مسیر می‌پندارد.

۱۶۴۹- گزینه‌ی (۴) پروانه‌ی سوم، عاشق حقیقی بود که رفت و بر سر آتش نشست و با آتش یکی شد.

۱۶۵۰- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲) ← پای‌بندی به حسن خلق و پرهیز از تندخویی مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها ← کار را به کاردان سپردن (هر کسی را بهر کاری ساختند).

۱۶۵۱- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳): شرط رسیدن به معشوق، از خود بی‌خود شدن و فنا شدن در وجود معشوق است.

۱۶۵۲- گزینه‌ی (۱) در بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) سخن تازه و نو، ارزشمند شناخته شده است، ولی در گزینه‌ی (۱) آمده است: شاعر از «راه نو روزگار» بیزار است و خواهان پرده‌ی یار قدیمی است (مفهوم مقابل).

۱۶۵۳- گزینه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) شاعر، خود، خواسته است تا دل و دین را در راه معشوق از دست بدهد و پشیمانی هم ندارد.

۱۶۵۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و این گزینه، «اتحاد عاشق و معشوق» است.

۱۶۵۵- گزینه‌ی (۲) مفهوم هر دو بیت این است که: هر آن‌چه که از سوی خداوند نباشد فضیلت محسوب نمی‌شود.

۱۶۵۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) «اتحاد عاشق و معشوق» است. اما بیت گزینه‌ی (۱) می‌گوید: «ای محبوب! تو در دل من هستی، ولی چه فایده که بین من و دلم هزار فرسنگ فاصله است و تو از من دوری.»

۱۶۵۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم مصراع صورت سؤال این است که هیچ کس بدون لطف و کرم و عنایت تو (خداوند) خوش‌بخت و رستگار نمی‌شود و در گزینه‌ی (۳) نیز شاعر معتقد است که عزت و ذلت هر کس در دست خداست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← وقتی نیازمندی از بخشنده‌ی لطف و کرم می‌بیند، او را رها نمی‌کند.

گزینه‌ی (۲) ← شاعر از خداوند عزت می‌طلبد و می‌خواهد که خداوند او را به‌خاطر گناهی که انجام داده، شرمسار نکند.

گزینه‌ی (۴) ← خداوند! تو ناتوانی و بیچارگی ما را در مقابل نفس اماره می‌دانی.

۱۶۵۸- گزینه‌ی (۴) بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به عاشق حقیقی اشاره می‌کنند، اما گزینه‌ی (۴) از افرادی سخن می‌گوید که از عشق بهره‌ای نبرده‌اند.

۱۶۵۹- گزینه‌ی (۳) مضمون مشترک هر دو بیت، دعوت به بیان سخن تازه و نو است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← تأکید به سخن گفتن در مورد دوست و تازه شدن روح عاشق با وجود معشوق

گزینه‌ی (۲) ← اشاره به سخن گفتن درباره‌ی لباس نو

گزینه‌ی (۴) ← تأکید به بی‌ارزش بودن سخن تازه

۱۶۶۰- گزینه‌ی (۴) زشتی‌ها به زیبایی تبدیل می‌شود.

جگرسوزه ← کنایه از مایه‌ی رنج/ جگرسازه ← کنایه از باعث شادی

۱۶۶۱- گزینه‌ی (۱) اعتبار حقیقی به مدد حق به‌دست آید، سرخرو گشتن کنایه از با عزت و اعتبار گشتن به بیت (۱) دقت کنیم، بی‌مدد تو گل به بوستان نمی‌روید و اگر هم بروید ارزش بوییدن ندارد.

۱۶۶۲- گزینه‌ی (۴) شعر مورد سؤال و ابیات (۱) تا (۳) به این مفهوم اشاره دارد که «هستی عاشق در معشوق محو می‌شود و اتحاد عاشق و معشوق صورت می‌گیرد» یعنی عاشق به مرحله‌ی فنا می‌رسد و دیگر خود را نمی‌بیند و هر چه می‌بیند وجود معشوق است. ولی در بیت (۴) عاشق خود را مثل دریای بی‌کران عاشق واقعی و کامل می‌داند که هر لحظه مست عشق است.

۱۶۶۳- گزینه‌ی (۴) بارادو کس: باختن و خرسند شدن/ تشبیه: قمار عشق/ واج آرایی: واج «د»

۱۶۶۴- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها: شادابی واقعی با لطف خدا میسر می‌شود (اعتبار حقیقی فقط از جانب خداست)

۱۶۶۵- گزینه‌ی (۱) ← بیت اول دوری از معشوق به امید وصال مشکل نیست.

بیت دوم فراق و هجران معشوق از مرگ هم دشوارتر است.

گزینه‌ی (۲) ← بیت اول: برای مملکت‌داری خوب کارهای بزرگ را به انسان تازه به دوران رسیده، نسپار.

بیت دوم برای نا به سامان نشدن اوضاع، به فرد بی‌تجربه کاری را نسپار.

گزینه‌ی (۳) ← هر دو بیت بیان سخن تازه و حلاوت و امتیاز آن اشاره می‌کند.

گزینه‌ی (۴) ← هر دو بیت به مفهوم از «ماست که بر ماست» اشاره دارند.

۱۶۶۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت سؤال و ابیات (۱)، (۳) و (۴) «رازداری و فاش نکردن راز» است ولی در بیت دوم شاعر می‌گوید «راز نهانی را فاش کن» که مفهوم مقابل ابیات دیگر است.

۱۶۶۷- گزینه‌ی (۳) در این بیت شاعر، می‌گوید: دشمنان او در رنج و بلا هستند ولی در ابیات دیگر شاعر به این مفهوم اشاره دارد که: «عاشق همیشه در رنج و بلاست» و هرگز در پی آرامش و آسایش خود نیست.

درس چهاردهم ادبیات فارسی ۳

۱۶۶۸- گزینه‌ی (۱) معنی بیت اول ← هر کس مثل طاووس به خود بنگرد در دام گرفتار خواهد شد (علت گرفتاری در دام، خود فرد است که معادل از ماست که بر ماست می‌باشد)

۱۶۶۹- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← با اتحاد و تعاون می‌توان پیروز شد!

۱۶۷۰- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← بدبختی و مشکل از خود ماست!

مفهوم گزینه‌ی (۱) ← انسان‌های بزرگ از عیب خود بیش‌تر استفاده می‌کنند!

۱۶۷۱- گزینه‌ی (۴) بیست صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) همگی به سرزنش غرور و تکبر اشاره دارند.

۱۶۷۲- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) همگی بیانگر این موضوع‌اند که خود شخص مسئول مشکلاتش است.

۱۶۷۳- گزینه‌ی (۱) در این گزینه موضوع بیداد جهان آمده است اما در سه گزینه دیگر این نکته مطرح شده است که «از ماست که بر ماست».

۱۶۷۴- گزینه‌ی (۴) با توجه به جمله‌ی صورت سؤال خصلت پسندیده و سیرت ستوده‌ی کبوتر طوق‌دار این است که ترجیح داد ابتدا دوستانش رهایی یابند بعد خود رها شود.

۱۶۷۵- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳) تسلیم بودن در برابر سرنوشت است و این که از گذشت عمر، نمی‌توان جلوگیری کرد. شاعر در سه گزینه دیگر نتیجه‌ی اعمال آدمی را در کردار خود او می‌بیند.

۱۶۷۶- گزینه‌ی (۴) یعنی این که آن‌قدر باغ زیبا بود که حتی زشتی‌ها را زیبا می‌نمود و در برابر زیبایی آن، زیبایی‌ها هم زشت می‌نمود.

۱۶۷۷- گزینه‌ی (۱) موافقت: سازگاری/اولی: برتر/ طاعن: خرده‌گیر، طعنه‌زن/ وقیعت: بدگویی

۱۶۷۸- گزینه‌ی (۲) اجمال: سستی/ بسته باشم: گرفتار باشم/ ملالت به کمال رسیدن: بی‌نهایت خسته شدن

۱۶۷۹- گزینه‌ی (۲) بگذارند ← بگذارند (ادا کردند، به جا آوردند)/ مظاهرت ← مظاهرت (پشتیبانی)

۱۶۸۰- گزینه‌ی (۲) لوازم: وظایف/ موجب: شرایط/ سیادت: سروری

۱۶۸۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲) چنین است: ما هرچه می‌کشیم از خود می‌کشیم. چنین مفهومی در مصراع دوم صورت سؤال به وضوح یافت می‌شود. هر دو معادل این ضرب‌المثل‌اند که: خودم کردم که لعنت بر خودم باد!

۱۶۸۲- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس.

۱۶۸۳- گزینه‌ی (۲) ایشان دویند تا در عمق دریا، یگانه ماهی زیبا (ماهی طاق زیبا) را نظاره کنند.

۱۶۸۴- گزینه‌ی (۳) در سایر گزینه‌ها «سخت» معنی «بسیار» می‌دهد ولی در گزینه‌ی (۳) «سخت» معنی مهارت می‌دهد.

۱۶۸۵- گزینه‌ی (۱) غزلیات حافظ جزء ادب عاشقانه و عارفانه و مناجات‌نامه جزء ادب عارفانه و معنوی است.

۱۶۸۶- گزینه‌ی (۴) ترکیب وصفی: هر ملت/ عناصر تشکیل‌دهنده/ آن ملت/ خرازهای اجتماعی/ خرازهای تاریخی/ آن فرهنگ/ دیگر جوامع ← ۷ صفت

ترکیب اضافی (مضاف‌الیه): مطالعه‌ی فرهنگ/ مطالعه‌ی هنر/ هنر ملت/ شناخت عناصر/ عناصر آن/ تاریخ ملت/ پیوستگی فرهنگ/ فرهنگ جوامع/ فرهنگ ملل ← ۹ مضاف‌الیه

۱۶۸۷- گزینه‌ی (۳) ابن مقفع ترجمه پهلوی به عربی و نصرالله منشی ترجمه عربی به فارسی را انجام دادند. اصل کتاب هندی بوده و نصرالله منشی در ترجمه از عربی به فارسی نکته‌های فراوان به آن افزوده.

۱۶۸۸- گزینه‌ی (۲) نکواها: نشسته بود و چپ و راست می‌نگریست (شناسه محذوف)/ «و» که بعد از «نشسته بود» آمده است، حرف ربط و همچنین «و» بین عبارت «چپ و راست» حرف عطف است. هیچ فعل مرکبی هم در عبارت دیده نمی‌شود. فعل اول ماضی بعید و فعل دوم ماضی استمراری است.

۱۶۸۹- گزینه‌ی (۲) شکل صحیح کلمات به این ترتیب است: بینداخت/ گذاشتندی.

۱۶۹۰- گزینه‌ی (۴) سرد و گرم تضاد (طباق) دارند، گرم و سرد روزگار دیده حس آمیزی است و عبارت مسجع است (دیده و کرده)

۱۶۹۱- گزینه‌ی (۳) زه آب دیدگان یعنی چشمه چشم که یک اضافه تشبیهی است.

۱۶۹۲- گزینه‌ی (۴) مناصهت ← مناصحت/ بگذارند ← بگذارند/ مؤونت ← معونت/ مظاهرت ← مظاهرت/ سیادت ← سیادت

۱۶۹۳- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۱) چون به قرار داشتن جهان در زیر پا اشاره کرده، در گزینه‌های (۲) و (۳) به تیزبینی بسیار زیاد اشاره کرده که مفهوم آن‌ها غرور و خودپسندی به شکل منفی است.

۱۶۹۴- گزینه‌ی (۱) مصرع دوم در گزینه‌ی (۱) چنین مفهومی دارد.

۱۶۹۵- گزینه‌ی (۱)

۱۶۹۶- گزینه‌ی (۱) خایب: بی‌بهره، ناامید/ نزه: خوش، خوش آب و هوا/ ثقت: اعتماد/ وقیعت: بدگویی

۱۶۹۷- گزینه‌ی (۲) جال: دام، تله/ گشن: انبوه، متراکم/ مطاوعت: اطاعت، فرمان‌برداری/ دها: زیرکی/ مظاهرت: پشتیبانی

۱۶۹۸- گزینه‌ی (۲) مفهوم سایر گزینه‌ها مقصر بودن خویشتن در بروز مشکلات است.

۱۶۹۹- گزینه‌ی (۳) گفتا ز که (ضمیر پرسشی) نالیم که (حرف ربط وابسته‌ساز به معنی زیرا (تعلیل) که (حرف ربط وابسته‌ساز) برماست!

۱۷۰۰- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی «الف» ← فروتنی و مسئولیت‌پذیری

گزینه‌ی «ب» ← مصلحت‌اندیشی

گزینه‌ی «ج» ← مناعت طبع و بلندنظری

گزینه‌ی «د» ← اتحاد

۱۷۰۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): دست نیافتنی بودن معشوق و ناامید بودن عاشق از وصال

۱۷۰۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): طلب توجه داشتن از معشوق

مفهوم بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: خود (و آشنایان) را مسبب و مسئول گرفتاری‌ها دانست (از خود و آشنایان نالیدن)

۱۷۰۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت آن است که ما هرچه می‌کشیم از دست خود می‌کشیم و نباید دیگران را مقصر بدانیم.

۱۷۰۴- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲)، «موش» اصرار دارد اول بندهای مطوقه را بچود و سپس به سراغ کبوتران دیگر برود. اما مطوقه بنابر دلایلی از او می‌خواهد که اول بند کبوتران را باز کند و سپس او را آزاد سازد.

۱۷۰۵- گزینه‌ی (۳) در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) بر لزوم همراهی افراد در خوشی‌ها و ناخوشی‌های یک‌دیگر تأکید شده است.

۱۷۰۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم «ترجیح دیگران بر خود» در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۱) وجود دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲): شاعر معتقد است معشوق چون عاشقان فراوان دارد، به ناراحتی یکی از آن‌ها اهمیتی نمی‌دهد.

گزینه‌ی (۳): جان‌فشانی در راه معشوق

گزینه‌ی (۴): آرزوی دوام دوستی

- ۱۷۰۷- گزینه‌ی (۳) در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) بر لزوم همراهی افراد در خوشی‌ها و ناخوشی‌های هم‌دیگر تأکید شده است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۱): [ای ممدوح] موافق تو مانند دوستان در شادی و خوشی و مخالف تو مانند دشمنان در غم و اندوه بماند.
گزینه‌ی (۲): اگر همراهی نکنی (نپذیری) دچار ناراحتی می‌شوی، پس یک لحظه از همراهی دور نباش (در این بیت به مشارکت هم در خوشی‌ها و هم در ناخوشی‌ها اشاره نشده است).
گزینه‌ی (۴): زهر مورد رضایت ممدوح، پادزهر من و نوش بی‌رضایت او نیش من است.
۱۷۰۸- گزینه‌ی (۳) بیت گزینه‌ی (۳) اشاره به بی‌تجربه بودن فرد دارد، در صورتی که عبارت صورت سؤال به باتجربگی و پختگی دلالت دارد.
۱۷۰۹- گزینه‌ی (۳) نزه: باصفا، خوش آب و هوا/ استخلاص: رهایی جستن، رهایی دادن، رهاییدن/ دها: زیر کی، هوشمندی
۱۷۱۰- گزینه‌ی (۴) «عیب‌پوش یک‌دیگر بودن» در متن سؤال نیامده است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۱) «چنان باید که همگان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسند.
گزینه‌ی (۲) «جمله به طریق تعاون قوتی کنید
گزینه‌ی (۳) «در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر.
۱۷۱۱- گزینه‌ی (۴) املا‌ی صحیح کلمات، عبارت‌اند از: «فراغ، اهمال و مطاوعت»
۱۷۱۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت مرجع این است که هر چه از شکست و پیروزی بر ما می‌رسد نتیجه‌ی اعمال خود ماست که در بیت‌های «ب»، «د» و «ه» دیده می‌شود.
۱۷۱۳- گزینه‌ی (۱) مفهوم عبارت: از ماست که بر ماست در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) آمده است.
گزینه‌ی (۱): از غم جانکاه یار سخن می‌گوید.

درس شانزدهم ادبیات فارسی ۳

- ۱۷۱۴- گزینه‌ی (۴) مفهوم ابیات سؤال: دعوت به عدم تقلید کورکورانه!
این مفهوم در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) هم دیده می‌شود اما مفهوم گزینه‌ی (۴) چنین است که هر چه هم مار را بهتر پرورش دهی وقتی مار خشمگین شود تو را نیش خواهد زد. به عبارتی: «از کوزه همان برون تراود که در اوست».
۱۷۱۵- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌های دیگر، بر عدم تقلید تأکید شده است اما در این گزینه، خودپسندی نکوهش شده است.
۱۷۱۶- گزینه‌ی (۳) با توجه به مفهوم جمله منظور از فرزند، بشر است و منظور از مادر، طبیعت.
۱۷۱۷- گزینه‌ی (۱) جامی در تحفة الاحرار و در داستان زاغ و کبک «تقلید کورکورانه و خودباختگی» را در قالبی نمادین به تصویر کشیده است.
۱۷۱۸- گزینه‌ی (۱) کسی که با درهمی معامله می‌کند و برای دانه‌ای چانه می‌زند، نشان دهنده‌ی کاسبی دقیق و سختگیر است.
درم: درهم، نوعی پول/ حبه: دانه/ مکاس: چانه‌زدن
۱۷۱۹- گزینه‌ی (۲) * یک نگاهی به واژه‌نامه بیندازیم بد نیست!!
۱۷۲۰- گزینه‌ی (۲) صُرّه: کیسه
۱۷۲۱- گزینه‌ی (۲)
۱۷۲۲- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴) بیش‌ترین قرابت مفهومی را با صورت سؤال دارد که: در دنیا همیشه تغییر و ناپایداری وجود دارد و همواره همه چیز در حال تغییر و تحول است.
* معنی گزینه‌ی (۴): دیروز در این سرزمین (سرزمین فرضی) کاخ‌های بسیار بود ولی اکنون این‌جا به ویرانه (مکان زاد و ولد حیوانات) بدل گشته است!
۱۷۲۳- گزینه‌ی (۳) در هر دو بیت، شاعر از مخاطب رنجیده و از او دیگر طلب کمک ندارد.
۱۷۲۴- گزینه‌ی (۳) «پیر روزگار آلود» در این‌جا استعاره از نوروز است.
۱۷۲۵- گزینه‌ی (۴) تحفة الاحرار از آثار منظوم جامی است.

- ۱۷۲۶- گزینه‌ی (۳) «گرفتار» و «رفتار» در گزینه‌ی (۱)، «پای» و «جای» در گزینه‌ی (۲)، «درمی» و «کرمی» در گزینه‌ی (۴)، کلمات قافیه هستند که جناس ایجاد کرده‌اند. اما «گزید» و «کشید» که قافیه‌ی گزینه‌ی (۳) می‌باشند، جناس ندارند.
۱۷۲۷- گزینه‌ی (۱) در این بیت می‌گوید که زاغ در پی کبک به روش کبک سه چهار روزی حرکت کرد و اشاره‌ای به صفات کبک ندارد.
۱۷۲۸- گزینه‌ی (۱) «خلود» به معنی جاودانگی است و معنی صحیح آن فقط در گزینه‌ی (۱) آمده.
۱۷۲۹- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): قدیر خم ← غدیر خم / گزینه‌ی (۳): حور مزد ← هور مزد / گزینه‌ی (۴): ذوال ← زوال
۱۷۳۰- گزینه‌ی (۱) نفی تقلید کورکورانه
۱۷۳۱- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، «شاهد» معنی زیبارو و محبوب می‌دهد، ولی در گزینه‌ی (۳)، «شاهد» به معنی «گواه و شهادت دهنده» است که با «قاضی و فتوای شرع» در بیت، تناسب معنایی دارد.
۱۷۳۲- گزینه‌ی (۱) در بیت صورت سؤال، تقلید مورد تأکید قرار گرفته، حال آن‌که در گزینه‌ی (۱) تقلید نکوهش شده و بر نوآوری تأکید شده است.
۱۷۳۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها ← نفی تقلید کورکورانه
۱۷۳۴- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، «شاهد» معنی زیبارو و محبوب می‌دهد، ولی در گزینه‌ی (۳) «شاهد» به معنی «گواه و شهادت‌دهنده» است که با «حجت و دلیل و یمین (سوگند)» در بیت، تناسب معنایی دارد.
۱۷۳۵- گزینه‌ی (۱) مفهوم عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۱) بزرگی و فضل، به اصل و نسب و ظواهر نیست.
۱۷۳۶- گزینه‌ی (۱) در بیت صورت سؤال، تقلید مورد تأکید قرار گرفته، حال آن‌که در گزینه‌ی (۱) تقلید نکوهش شده و بر نوآوری تأکید شده است.

درس شانزدهم ادبیات فارسی ۳

- ۱۷۳۷- گزینه‌ی (۱) معنی سؤال: نباید شمشیر حضرت علی در غلاف باشد و نباید زبان سعدی هم در دهان بماند و سخن نگوید.
گزینه‌ی (۱): ابر با نیاریدن نسبتی ندارد و باید ببارد. تیغ هم باید ببرد.
۱۷۳۸- گزینه‌ی (۱) حسن تعلیل یعنی علتی شاعرانه برای پدیده‌ای بیاوریم. در این بیت هم شاعر دلیل گریه‌ی ابرها (باریدن باران) را انتظار ظهور امام زمان می‌داند.
۱۷۳۹- گزینه‌ی (۳) «دشنه بر بیداد بستن» کنایه از مبارزه کردن است و «قامت فریاد بستن» کنایه از شکستن سکوت و قیام کردن است.
۱۷۴۰- گزینه‌ی (۲) تشبیه: عشق به کشتی تشبیه شده
کنایه: لنگر گرفتن کنایه از آرام گرفتن
مراعات‌نظیر: کنار، لنگر، کشتی
۱۷۴۱- گزینه‌ی (۳) معنی گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴): هر پدیده‌ای نشانی از خداست.
معنی گزینه‌ی (۳): در پی هر بهاری خزان است و هر قدرتی رو به زوال.
۱۷۴۲- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به درآمد «ادبیات انقلاب اسلامی».
۱۷۴۳- گزینه‌ی (۳)
۱۷۴۴- گزینه‌ی (۴) سایر گزینه‌ها و بیت صورت سؤال به غفلت و هشدار برای بیداری اشاره دارند ولی گزینه‌ی (۴) این مفهوم را در خود ندارد.
۱۷۴۵- گزینه‌ی (۱) * بعد از این همه تست زدن و خواندن حتماً قالب‌ها را می‌شناسید دیگه!؟
۱۷۴۶- گزینه‌ی (۳) * مضامین موجود در آثار شاعران و نویسندگان ادبیات انقلاب اسلامی عبارتند از:
۱) دعوت به مبارزه و جهاد با دشمنان و ستمگران / ۲) تکریم و تجلیل از شهید و شهادت / ۳) عشق به ولایت و اهل بیت / ۴) طرح حماسه‌ی عظیم عاشورا / ۵) دعوت به وحدت و همدلی / ۶) انتظار موعود
۱۷۴۷- گزینه‌ی (۱) آئینه نماد صفا و پاکی است. شاعر، امام را هم صحبت صفا و پاکی «آئینه» می‌داند مردی که با آئینه هم صحبت بود (پاکی و زلال بودن) و از روزن شب (عصر ستم و بیداد) به شوکت دیرینه (گذشته‌ی درخشان اسلام) می‌نگریست.
۱۷۴۸- گزینه‌ی (۲) آماده جنگ بودن با ظلم و ستم

۱۷۴۹- گزینۀ (۲) صورت سؤال و گزینۀ ۲ به این مفهوم مشترک اشاره دارند که همه پدیده‌های خلقت آیات و نشانه‌های خداوند هستند.

۱۷۵۰- گزینۀ (۳) * «واو مبیانت» به جمع دو کلمه اشاره دارد که امکان آن وجود ندارد مثل مسلمان و دروغ. (یعنی از هم دورند)

۱۷۵۱- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱): فسانه- عاشقانه- مسند / گزینۀ (۲): آینه- مضاف‌الیه- دیرینه- صفت / گزینۀ (۳): دل گیر- پیر- مسند / گزینۀ (۴): درد- سرد- مسند

۱۷۵۲- گزینۀ (۲) این عبارت اشاره به وجود خدا و نور حق در همه جای هستی و همه پدیده‌ها دارد که در گزینۀ ۲ به این مطلب اشاره نشده است و به سبب و شاداب بودن اقلیم عشق اشاره دارد.

۱۷۵۳- گزینۀ (۳) مفهوم گزینۀ (۳): پرتلاطم و آماده‌ی انقلاب بودن جامعه و رهبری امام

سایر گزینۀها: ترسیم فضای یأس و اندوه دورۀ طاغوت

۱۷۵۴- گزینۀ (۱) تلمیح - اشاره به داستان نوح

ایهام - روح (۱- معنای ظاهری ۲- نام امام خمینی)

جناس - روح و نوح

۱۷۵۵- گزینۀ (۱) در گزینۀ (۱)، «دوباره پلک دلم می‌پرد» به باوری عامیانه اشاره دارد که می‌پنداشتند، پریدن پلک نشانه‌ی این است که مهمانی در راه است.

۱۷۵۶- گزینۀ (۴) علاوه بر آثار ذکر شده در گزینۀ (۴)، دو اثر «به قول پرستو» و «در کوچۀ آفتاب» نیز از قیصر امین‌پور هستند.

«دری به خانۀ خورشید، از این ستاره تا آن ستاره، از آسمان سبز» از آثار «سلمان هراتی» هستند. / «در انتظار شاعر» از علی مؤذنی است.

۱۷۵۷- گزینۀ (۲) آثار سلمان هراتی عبارت‌اند از: «از آسمان سبز»، «از این ستاره تا آن ستاره» (ویژه‌ی نوجوانان) و «دری به خانۀ خورشید».

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀهای (۱) - «ظهر روز دهم» از دکتر قیصر امین‌پور و «رجعت سرخ ستاره» از محمّد علی معلّم دامغانی

گزینۀ (۳) - «آواز گلستگ» و «سفر سوختن» از دکتر فاطمه راکعی

گزینۀ (۴) - «تنفس صبح» و «در کوچۀ آفتاب» از قیصر امین‌پور

۱۷۵۸- گزینۀ (۴) همه پدیده‌ها و آفریده‌ها جلوه‌گاه حق هستند. هر آنچه در جهان است آیه و نشانه‌ای است که ما را به سوی حق رهنمون است. از آتش و برف (در گزینۀ (۱)) گرفته تا به گل‌هایی چون نرگس که چشم به او دارند (گزینۀ (۲)) و بنفشه و صحرا (گزینۀ (۳)) اما بیت چهارم فرا رسیدن بهار را بشارت می‌دهد.

۱۷۵۹- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک دیگر گزینۀها، پدیده‌های جهان نشانه‌هایی از خدا هستند و معشوق جلوه‌های بسیار دارد.

۱۷۶۰- گزینۀ (۲) عبارت سؤال به این مفهوم اشاره دارد که «جهان کتاب خداوند است و همه پدیده‌های عالم نشانه‌های اوست» در بیت (۲) نیز شاعر می‌گوید: دیده بینا در همه پدیده‌های عالم خدا را می‌بیند.

درس هفدهم ادبیات فارسی ۳

۱۷۶۵- گزینۀ (۴) «گنجشک و جبرئیل» اثر سید حسن حسینی است.

اثر دیگر او: هم‌صدا با حلق اسماعیل

۱۷۶۶- گزینۀ (۳) خداوند در دل‌های شکسته است.

۱۷۶۷- گزینۀ (۲) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس «نیاز روحانی».

۱۷۶۸- گزینۀ (۱)

۱۷۶۹- گزینۀ (۳) رجوع شود به بیاموزیم درس.

* شبیه تست آزاد بود ولی زیباست.

۱۷۷۰- گزینۀ (۱) بیت صورت سؤال و گزینۀ (۱) می‌گویند که همه چیز ما از دیگری است و اگر کاری از ما سر می‌زند، نه از ما بلکه از آن دیگری است.

۱۷۷۱- گزینۀ (۱) زیرا زمانه را به انسانی مانند کرده است که دوش دارد.

۱۷۷۲- گزینۀ (۴) «خانۀ دل» اضافه تشبیه‌ی / اینکه «در جهان نمی‌گنجد ولی به خانۀ دل من آمده است» تناقض/مصرع اول اغراق دارد.

۱۷۷۳- گزینۀ (۳) «گو» در اینجا به معنی گودال است و «جولاه» به معنی بافنده یا نساج است.

۱۷۷۴- گزینۀ (۴) «ستاره‌ای بود شهید» تشبیه است و «می‌گویم» فعل مضارع و «پیدا و گم» تضاد دارند.

۱۷۷۵- گزینۀ (۳) با توجه به وزن «لا حول و لا قوّة الا بالله» می‌توان جواب این سؤال را داد. (اگر هجای اوّل کوتاه باشد دوبیتی است و الا رباعی)

۱۷۷۶- گزینۀ (۲) دلیل خم شدن قد را این می‌داند که به دنبال جوانی در زیر پای خود می‌گردد که دلیلی زیبا و غیرواقعی است.

۱۷۷۷- گزینۀ (۲) صافه - صاعقه

۱۷۷۸- گزینۀ (۲) دلیل فرو نرفتن چوب در آب را این می‌داند که چوب پرورده‌ی آب است و به همین دلیل آب، چوب را در خود فرو نمی‌برد. و این مصرع دارای حسن تعلیل است زیرا دلیلی زیبا و غیر واقعی را آورده است.

۱۷۷۹- گزینۀ (۳) این رباعی به درخواست از عشق برای احاطه‌ی وجود اشاره دارد.

۱۷۸۰- گزینۀ (۲) بیت به حضور او و بیدار کردن از خواب غفلت اشاره دارد که همچون صاعقه‌ای بود که آمد و زود رفت.

۱۷۸۱- گزینۀ (۳) این که او غمی بزرگ داشت اما در کنار آن دلی بزرگ نیز برای تحمل این غم نیز داشت (او سعه‌ی صدر داشت)

۱۷۸۲- گزینۀ (۲) گزینۀ (۲) و بیت مورد نظر می‌گوید: خدا در دل‌های شکسته است (إِنَّ اللَّهَ فِي قُلُوبِ الْمُكَسَّرَةِ).

۱۷۸۳- گزینۀ (۱) شاعر می‌گوید: دل بینوای ما را بشکن زیرا که دل شکسته ارزشمندتر است، چون جایگاه خداوندی است.

بیت گزینۀ (۱)، نیز می‌گوید: «دل هر که ویران گردد جایگاه خداوند می‌گردد.»

۱۷۸۴- گزینۀ (۳) پیام محوری و تلمیح بیت سؤال این است که: «ان الله في قلوب مكسرة»، خدا در دل‌های شکسته جای دارد و این مفهوم در گزینۀ (۳) دیده می‌شود.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) - دل به شکستگان دادن زیباست، پس ما دل شکسته به زلف شکسته‌ی (خمیده) تو می‌سپاریم.

گزینۀ (۲) - آرزوی غمگینان دیدن تو و آسایش رنج‌کشیدگان وصال توست.

«دل شکستگان» در این بیت به معنی «افراد رنج دیده و غمگینان» است.

گزینۀ (۴) - دل شکسته‌ی مردم به دیدار آشنایان درست می‌شود. ولی من برعکس از یار آشنا دل‌شکسته می‌شوم.

۱۷۸۵- گزینۀ (۳) در بیت صورت سؤال و گزینۀ (۳)، عاشق در فراق معشوق گریان است و از او می‌خواهد که با آمدن خود، او را شادمان سازد.

۱۷۸۶- گزینۀ (۳) در آن حکایت، جولاهه (بافنده) به مقام وزارت رسیده بود ولی هر روز در اتاقی اصل خود را خود یادآوری می‌کرد تا به خطا و اشتباه نرود و همه‌ی این بزرگی را از شاه می‌دانست، در بیت سوم نیز شاعر زیبایی کلام خود را از معشوق می‌داند و می‌گوید در ابتدا سخنانم این‌قدر زیبا نبود ولی با لطف تو به این مرحله از زیبایی رسیده است.

۱۷۶۱- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ (۲) - بعضی چیزهای شکسته ارزشمند هستند.

بیت سؤال - دل شکسته ارزشمند است

بیت (۲) - بسیار شکست وجود دارد که از آن‌ها کارها درست می‌شود!

۱۷۶۲- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ (۴) - دل شکسته ارزشمند است و جایگاه خداست!

۱۷۶۳- گزینۀ (۴) علت درخواست عاشق برای شکسته شدن دلش، خوش آهنگ‌تر بودن دل شکسته است.

۱۷۶۴- گزینۀ (۴) علت خمیده بودن پیران این است که روی زمین دنبال جوانی خود می‌گردند.

درس هجدهم ادبیات فارسی ۳

- ۱۷۸۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← هر کسی توان درک حقایق و اسرار را ندارد و فقط محرمان و پاکان، آشنای اسرارند!
- ۱۷۸۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۴) ← هر کسی محرم اسرار نیست و او را راه به درگاه معشوق نمی‌دهند!
- ۱۷۸۹- گزینه‌ی (۲) برخاست صحیح است، به معنی بلند شد.
- ۱۷۹۰- گزینه‌ی (۱) سایر گزینه‌ها و صورت سؤال به این مفهوم مشترک اشاره دارند که فقط عارفان و عاشقان و اولیا محرم اسرارند و دیگران جایی در این وادی ندارند.
- ۱۷۹۱- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به درآمدی بر سفرنامه، حسب‌حال و زندگی‌نامه.
- ۱۷۹۲- گزینه‌ی (۱) * معنی گزینه‌ی (۴): صبر تلخ است و عمر فانی است. ای کاش می‌دانستم که تا کی او را نمی‌بینم و در هجران او خواهم بود.
- ۱۷۹۳- گزینه‌ی (۳) رجوع شود به خودآزمایی درس.
- ۱۷۹۴- گزینه‌ی (۲) زندگی‌نامه مشتق مرکب است.
- ۱۷۹۵- گزینه‌ی (۴) با توجه به این عبارت که ما آن‌ها را خرد و خود را بزرگ می‌پنداریم متوجه مغرور بودن انسان‌ها می‌شویم.
- ۱۷۹۶- گزینه‌ی (۱) غار حرا چه بود؟ برای همه، کوهی بود مانند کوه‌های دیگر ولی برای محمد چه بود؟
- ۱۷۹۷- گزینه‌ی (۲) منظور از «نگار من» پیامبر اکرم (ص) هستند.
- ۱۷۹۸- گزینه‌ی (۲) بیت سه جمله و سه فعل ماضی بدرخشید، شد و شد دارد. «و» اول (بین دو جمله) حرف ربط است «و» دوم (بین دو کلمه) حرف عطف است و جمله‌ی ستاره‌ای بدرخشید دو جزئی است. نقش کلمات «مجلس، دل، ما» اضافی است.
- ۱۷۹۹- گزینه‌ی (۴) هر دو بیت به امی بودن پیامبر و در عین حال فصیح بودن و بلیغ بودن سخنان پیامبر و آموزش به دیگران اشاره دارد.
- ۱۸۰۰- گزینه‌ی (۴) هر دو بیت به این موضوع اشاره می‌کند که نامحرمان از شنیدن پیغام‌های الهی محرومند.
- ۱۸۰۱- گزینه‌ی (۳) پیام هر دو بیت نرسیدن پیغام الهی به گوش نامحرمان است.
- ۱۸۰۲- گزینه‌ی (۲) «ماه» و «ستاره» و «نگار من» همگی استعاره از پیامبرند.
- ۱۸۰۳- گزینه‌ی (۴) امم امت / اخلاق خلق / قوافل قافله
- * «عبوس» مفرد است.
- ۱۸۰۴- گزینه‌ی (۳) در این بیت به امی بودن پیامبر اشاره شده است.
- ۱۸۰۵- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): منش ← منشأ / گزینه‌ی (۳): سعود ← صعود / گزینه‌ی (۴): حذقه ← حذقه
- ۱۸۰۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم اصلی عبارت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر تأکید بر لزوم لیاقت و شایستگی برای درک اسرار حق است و گزینه‌ی (۱) تأکید بر «ارزش وجودی» دارد.
- ۱۸۰۷- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به این مفهوم اشاره شده است که «تا زمانی که محرم نباشی، از درگاه الهی رانده می‌شوی.» شایسته‌ی درک اسرار الهی نیستی!
- ۱۸۰۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال بیانگر این است که برای شنیدن پیام عشق و رموز الهی باید عاشقی رازدار و آشنا به رموز الهی باشی، همین مفهوم در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) وجود دارد، اما گزینه‌ی (۴) به تجلی خداوند در تمام پدیده‌ها اشاره دارد که ناشی از یقین و اعتقاد عاشقان نسبت به معشوق (خداوند) است.
- ۱۸۰۹- گزینه‌ی (۳) مضمون مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳)، امی بودن پیامبر است.
- ۱۸۱۰- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴) ← بازگرد تا مونس دل‌تنگی‌ها و محرم اسرارم گردی. مفهوم بیت صورت سؤال بیانگر این است که برای شنیدن پیام عشق و رموز الهی باید عاشقی رازدار و آشنا به رموز الهی باشی، همین مفهوم در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) وجود دارد.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱) ← باید عاشق دل‌سوخته باشی تا لایق دریاف الطاف الهی گردی.
- گزینه‌ی (۲) ← پاکیزه شو تا محرم اسرار شوی.
- گزینه‌ی (۳) ← اگر دلت پاک بشود، هم‌چو جام جم، نشان‌دهنده‌ی اسرار الهی خواهد شد.

- ۱۸۱۱- گزینه‌ی (۴) پیام محوری صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر این است که باید برای درک اسرار و رموز و معانی بلند، شایستگی و اهلیت داشت، در حالی که در گزینه‌ی (۴)، شاعر از پی مزه‌دهی وصل، دست از جان می‌شوی و خود را از دام این جهان می‌رهاند.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱) ← فقط با نظر پاک می‌توان محبوب پاک را مشاهده کرد.
- گزینه‌ی (۲) ← برای دریافت اسرار الهی باید محرم درگاه خداوند گردی.
- گزینه‌ی (۳) ← برای دریافت اسرار باید درونی سلیم داشت.
- ۱۸۱۲- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت سؤال به این اشاره دارد که باید راز را به کسی گفت که محرم راز باشد و کسی که محرم راز نباشد، لایق شنیدن نیست. در گزینه‌ی (۲) مخفی کردن راز از غیر، در گزینه‌ی (۳) گفتن راز به محرم اسرار و در گزینه‌ی (۴) گذشتن روزهای که مانند منصور راز را افشا می‌کردند اشاره شده است. در گزینه‌ی (۴) تلویحاً بیان می‌کند که نباید مانند منصور افشاگری کرد و راز را برای نامحرمان آشکار ساخت.

درس نوزدهم ادبیات فارسی ۳

- ۱۸۱۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و جواب ← بر این دنیای بی‌وفای گذرا دل میندا!
- ۱۸۱۴- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سایر ابیات ← قناعت و بی‌توجهی به مقام و ثروت دنیا
- مفهوم گزینه‌ی (۱) ← دعوت به سکوت!
- ۱۸۱۵- گزینه‌ی (۲) بیت گزینه‌ی (۲) به تحمل سختی اشاره دارد.
- ۱۸۱۶- گزینه‌ی (۱) اشاره به امیدواری دارد اما صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر اشاره به بد شدن اوضاع دارد.
- ۱۸۱۷- گزینه‌ی (۱) بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) اشاره به نامساعد شدن احوال و از مقام بالا به پایین آمدن و تمایل به بازگشت دارد.
- ۱۸۱۸- گزینه‌ی (۱) عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۱) اشاره به از مقام بالا و جایگاه اصلی بیرون رفتن و سختی کشیدن دارد!
- ۱۸۱۹- گزینه‌ی (۱) بیت گزینه‌ی (۱) اشاره به گذشتن روزهای بد و مساعد شدن احوال دارد، در حالی که مفهوم صورت سؤال و گزینه‌های دیگر برعکس آن است.
- ۱۸۲۰- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱) اشاره به بخشش و دهش می‌کند و سایر گزینه‌ها بر ناپایداری دنیا و قدرت اشاره دارند.
- ۱۸۲۱- گزینه‌ی (۳)
- نکته: نثر کتاب «بخاری من، ایل من» روان و طنزآمیز است و ما را با فرهنگ اقلیمی ایل قشقایی آشنا می‌کند.
- ۱۸۲۲- گزینه‌ی (۱)
- ۱۸۲۳- گزینه‌ی (۳) «گووارترین» صفت عالی و «می‌افراشتند و بود» به ترتیب ماضی استمراری و ماضی مطلق می‌باشند. «آب انبار» کلمه‌ی مرکب است.
- «کسان» ضمیر مبهم است نه صفت مبهم.
- ۱۸۲۴- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲): کشنده / گزینه‌ی (۳): روان / گزینه‌ی (۴): نمایان
- ۱۸۲۵- گزینه‌ی (۲) برای نشان دادن سست بودن جهان در هر دو بیت آن را به عروسی تشبیه کرده است که هزار شوهر دارد و بسیار فریبکار و بی‌وفا است.
- ۱۸۲۶- گزینه‌ی (۳) بیت اول حسن تعلیل، مصرع‌های دوم بیت (۲) و (۳) کنایه و همچنین چشم باز کردن نرگس، دارای آرایه‌ی تشخیص می‌باشد.
- ۱۸۲۷- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال می‌گوید که پایت را از روی بی‌محلی روی سبزه مگذار که از خاک عاشق یا معشوقی روییده است. گزینه‌ی (۳) هم می‌گوید که خاک این دامنه‌ی کوه پر از لاله‌های روییده از خون دل فرهاد (عاشق) است. پس هر دو بیت از سبزه‌ها و لاله‌ها و گیاهان به‌عنوان خون دل عاشقان در راه معشوق یاد می‌کنند.
- ۱۸۲۸- گزینه‌ی (۳) این گزینه بر «ناپایداری جهان» تأکید دارد، اما صورت سؤال و سایر گزینه‌ها بر «عدم دل‌بستگی به دنیا» تأکید دارند. (مخدره = پرده‌نشین)
- ۱۸۲۹- گزینه‌ی (۲) «ناپایداری دنیا و گذر عمر» در بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) مفهوم مشترک است.

- ۱۸۳۰- گزینۀ (۴) کنایه ← دل مبدل/ تناسب ← عروس و داماد/ تشبیه ← «پیر زن عشوۀ گر دهر»، دهر به پیرزن عشوۀ گر مانند شده است.
- ۱۸۳۱- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینۀ ها ← تمایل بازگشت به محلّ اصلی خود!
- ۱۸۳۲- گزینۀ (۳) در بیت صورت سؤال اشاره به گذر جهان و باقی ماندن نعمت‌های دنیوی پس از شخص سازندۀ آن شده است.
- ۱۸۳۳- گزینۀ (۴) در عبارت صورت سؤال و بیت گزینۀ ی (۴)، به از میان رفتن شکوه و عظمت تأکید شده است.
- ۱۸۳۴- گزینۀ (۴) مفهوم عبارت سؤال «از اوج مقام و منزلت به ذلت و ناچیزی رسیدن» است که گزینۀ ی (۴) مفهوم مقابل آن «همراهی بخت و به عزت رسیدن» را در بر دارد.
- ۱۸۳۵- گزینۀ (۲) مفهوم بیت سؤال، عدم وابستگی به مادیات است. (وارستگی) گزینۀ ی (۲) ← تو همه چیز من هستی و با وجود تو به چیز دیگری نیاز ندارم. گزینۀ ی (۱) ← اگر حافظ بر بالای مجلس نمی‌نشیند، نشانه‌ی همت والای اوست، زیرا عاشقی مانند او که درد عشق دارد، دیگر در پی ثروت و قدرت نیست. (وارستگی) گزینۀ ی (۳) ← ای حافظ از تعلّقات مادی دل‌کندن، نشانه‌ی خوش‌دلی است، مبدا فکر کنی که حال و روز کسانی که از این جهان مادی بهره دارند، خوب و رضایت بخش است (وارستگی)
- گزینۀ ی (۴) ← انسان‌های وابسته به مادیات مثل سنگ هستند ولی ما خود را از مراد و تعلّقات مادی رها کرده‌ایم. (وارستگی)

درس بیستم ادبیات فارسی ۳

- ۱۸۳۶- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ ی (۱) ← در عالم عشق تمام اتفاقات مطابق میل و خواست عاشق است.
- ۱۸۳۷- گزینۀ (۴) درون ذره‌ای عظمت معشوق را می‌توان دید و یافت ← مفهوم مشترک گزینۀ ی (۴) و صورت سؤال است.
- نکته: البته گزینۀ ی (۳) هم چندان بی‌ربط نیست.
- ۱۸۳۸- گزینۀ (۳) مفهوم صورت سؤال و سایر گزینۀ ها ← گدایان عالم عشق که داری مقام و مرتبه بالا هستند به مادیات و تعلّقات دنیایی توجهی ندارند.
- مفهوم گزینۀ ی (۳) ← شاه بزرگی خود را از رعیت می‌گیرد!
- ۱۸۳۹- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک سؤال و بیت گزینۀ ی (۳) ← چیزهای بزرگ در دل چیزهای کوچک نهفته است (در دل ذره آفتابی است - از زلف یار شرح بی‌نهایت گفته شده)
- * البته گزینۀ ی (۳) هم چندان ارتباط قوی با صورت سؤال ندارد اما از سایر گزینۀ ها بهتر است.
- ۱۸۴۰- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک سؤال و جواب ← حقیقت و خدا آشکار و هویداست اما ما بی‌خبریم و به دنبال اوییم.
- ۱۸۴۱- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و جواب ← آشکار بودن خدا
- ۱۸۴۲- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک سؤال و جواب ← گدای عالم عشق به جهان و تعلّقات مادی بی‌اعتناست.
- ۱۸۴۳- گزینۀ (۳) در ادب عارفانه آنچه با عقل و اندیشه سروکار دارد، گاه در حوزه ادب تعلیمی می‌گنجد، مانند: حدیقه، گلشن راز، کشف‌المحجوب، رساله‌ی قشیریه (رجوع کنید به درآمد ادبیات عرفانی فصل دهم فارسی سال سوم)
- ۱۸۴۴- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ ی (۲) ← خداوند همه‌جا هویدا و آشکار است!
- ۱۸۴۵- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک سایر ابیات فقط انسان حقیقی (پیامبر) ره به حریم یار دارد و حتّی جبریل اجازه‌ی ورود ندارد!
- ۱۸۴۶- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ های دیگر ← با چشم دل و عشق اگر نگاه کنیم حقایق و نادیدنی‌ها را خواهیم دید!
- ۱۸۴۷- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ ی (۲): در عالم عشق، فقیران و گداه‌ها هم به اوج مراتب می‌رسند.

- ۱۸۴۸- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال: گدای عالم عشق بی‌اعتنا به دنیااست، مفهوم گزینۀ ی (۳): گدایی در خانه‌ی معشوق را با سلطنت و مقام دنیا عوض نمی‌کنم.
- ۱۸۴۹- گزینۀ (۴) وحدت وجود یعنی همه چیز اوست و جز او کسی نیست.
- مفهوم گزینۀ ی (۴): همه وجود من همه اوست و من هیچ نیستم!
- ۱۸۵۰- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ ها، «روش خطا در رسیدن به مقصود» می‌باشد.
- ۱۸۵۱- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ های دیگر: وحدت وجود است.
- ۱۸۵۲- گزینۀ (۴) بیت صورت سؤال و سه گزینۀ ی دیگر، به حضور خداوند و جلوه‌های او در کوچک‌ترین ذرات جهان اشاره دارند. / مفهوم بیت (۴): کوچک‌ترین ذرات هم در این عالم مفید و لازم‌اند و بدون آن‌ها دنیا دچار اشکال می‌شود.
- ۱۸۵۳- گزینۀ (۳) بیت‌های صورت سؤال و سه گزینۀ ی دیگر، به آشکار بودن جلوه‌های خداوند در هستی اشاره دارد.
- ۱۸۵۴- گزینۀ (۱) بیت صورت سؤال و سه گزینۀ ی دیگر، در تقابل عشق و عقل آمده است و بیان می‌کند که عقل در راه عشق نابیناست، ولی مفهوم گزینۀ ی (۱) ارزشمندی و قدرت عقل است.
- ۱۸۵۵- گزینۀ (۲) بیت صورت سؤال و گزینۀ ی (۲)، به وحدت وجود اشاره دارد. (از کثرت به وحدت آمدن!)
- ۱۸۵۶- گزینۀ (۲) مفهوم بیت گزینۀ ی (۲) بر وفق مراد و رضایت است.
- * مقام رضای عارفانه یعنی تمام اتفاقات مطابق میل عارف است!
- ۱۸۵۷- گزینۀ (۲) «آنچه» در گزینۀ ی (۲) نهاد است و در سه گزینۀ ی دیگر مفعول.
- ۱۸۵۸- گزینۀ (۲) سه گزینۀ ی دیگر اشاره به حضور خداوند در همه‌جا دارند، اما مفهوم گزینۀ ی (۲) به نحوی به وحدت وجود اشاره دارد.
- ۱۸۵۹- گزینۀ (۲) معتقد است که مردان نیک خدا اصطلاحاتی دارند که غافلان و نادانان از آن و قصد آنان بی‌خبرند.
- ۱۸۶۰- گزینۀ (۳) اندیشه‌ی وحدت وجود بیان می‌کند که هرچه در عالم است، خداست و بس.
- ۱۸۶۱- گزینۀ (۲) مفهوم گزینۀ ی (۲): فقر و قناعت، انسان را به مراتب بالا می‌رساند. مفهوم سؤال: گدای عالم عشق، به مادیات جهان بی‌توجه است.
- مشاهده می‌شود که این دو مفهوم بسیار نزدیک‌اند. (به صورت سؤال دقت شود!)
- ۱۸۶۲- گزینۀ (۴) مفهوم بیت سؤال: قناعت، انسان فقیر را پادشاه می‌کند.
- مفهوم بیت گزینۀ ی (۴): در آن‌جا گدایان نیز مقامی بالا دارند.
- مشاهده می‌شود که این دو مفهوم به هم نزدیک‌اند.
- ۱۸۶۳- گزینۀ (۲) در سه گزینۀ ی دیگر به استغنائی گدایان عالم عشق (عارفان و عاشقان حقیقی) و بی‌اعتنایی آنان به جهان و آنچه در آن است، اشاره دارند اما گزینۀ ی (۲) به خوش‌باشی درویش و ندانستن مصلحت او اشاره دارد.
- ۱۸۶۴- گزینۀ (۳) وحدت وجود یا توحید یا از کثرت به وحدت رفتن، تنها در گزینۀ ی (۳) دیده می‌شود؛ تنها در این صورت است که انسان به‌جز خدا نمی‌بیند.
- ۱۸۶۵- گزینۀ (۲) مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری جزء ادب عارفانه در حوزه‌ی شور و اشتیاق و عشق است.
- ۱۸۶۶- گزینۀ (۴) گزینۀ ی (۱): در مورد ترجیع‌بند صحیح است. / گزینۀ ی (۲): هاتف اصفهانی ← ترجیع‌بند، عبدالرزاق اصفهانی ← ترکیب‌بند / گزینۀ ی (۳): در مورد ترجیع‌بند صحیح است.
- * برای تأیید صحت گزینۀ ی (۴) به تاریخ ادبیات درس «اقلیم عشق» رجوع کنید.
- ۱۸۶۷- گزینۀ (۳) گزینۀ ی (۳) بیان می‌کند که باید با دیده‌ی دل به عالم نگرست تا خدا را در آن دید ولی سایر گزینۀ ها صراحتاً خدا را ظاهر در همه‌جا و آشکارا اعلام می‌کنند.
- ۱۸۶۸- گزینۀ (۴) عشق اصلی‌ترین موضوع عرفان است و عاشق کسی است که جز معشوق نمی‌بیند و جز وصل او نمی‌خواهد و همه‌ی سوز و گداز و راز و نیازش رسیدن به کوی اوست.
- ۱۸۶۹- گزینۀ (۱)

۱۸۷۰- گزینه‌ی (۲) تمسک ← تمسک / مزمت ← مذمت

۱۸۷۱- گزینه‌ی (۱) در شمارش جمله، افعال حذف شده یک جمله ایجاد می‌کنند: «این ره»، «آن زادراه»، «آن منزل»، «مرد راهی اگر»، «بیا»، «بیار» ← ۶ جمله

۱۸۷۲- گزینه‌ی (۴) در ترجیع‌بند بیتی که در میان بندها می‌آید یک بیت یکسان است.

۱۸۷۳- گزینه‌ی (۲) «پای اوهام» آرایه‌ی استعاره ایجاد می‌کند زیرا «اوهام» را به انسانی مانند کرده که «پای» دارد.

۱۸۷۴- گزینه‌ی (۲) بیت ۲ اشاره به معراج پیامبر دارد که آرایه‌ی تلمیح ایجاد می‌کند.

۱۸۷۵- گزینه‌ی (۲) از دل و جان، تنها، عاشق خدای یکتا باش تا در حالت عین‌الیقین ببینی که ...

در ادامه بیت «که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو» قرار می‌گیرد. * منظور سؤال ابیات موقوف‌المعانی است.

۱۸۷۶- گزینه‌ی (۱) مغ: موبد زردشتی، زردشتی دیر: محلی که راهبان در آن عبادت می‌کنند، صومعه

۱۸۷۷- گزینه‌ی (۱) خداوند همه جا هست و نیازی به ابزار نیست.

۱۸۷۸- گزینه‌ی (۳) آنچه بینی / دلت همان خواهد / آنچه خواهد دلت / همان بینی همگی جملات سه جزئی گذرا به مفعول هستند.

۱۸۷۹- گزینه‌ی (۴) در آنجا گدایان به دنیا هیچ دلبستگی ندارند (گدای عالم عشق به جهان و آن چه در آن است اعتنا نمی‌کند).

۱۸۸۰- گزینه‌ی (۳) غیر از او هیچ چیز نیست و او تنها و یکی است.

۱۸۸۱- گزینه‌ی (۳) بیت اشاره به این دارد که گدای عالم عشق به جهان و آن چه در آن است اعتنا نمی‌کند گزینه ۳ نیز به همین معنا اشاره دارد که گدای کوی عاشقان نسبت به جهان بی‌اعتنا و غنی است.

۱۸۸۲- گزینه‌ی (۲) این سؤال را باید با توجه به معنی پاسخ داد.

۱۸۸۳- گزینه‌ی (۱) خدا را می‌توان دید البته با چشم دل و گزینه ۱ نیز اشاره دارد به باز کردن چشم دل برای دیدن آنچه که به نظر و با چشم سر قابل دیدن نیست.

۱۸۸۴- گزینه‌ی (۱) عشق باعث می‌شود که آنچه که قابل دیدن نیست و حقایقی که پنهان است را بتوان دید. گزینه (۱) نیز اشاره به دیدن و شنیدن غیب‌ها دارد.

۱۸۸۵- گزینه‌ی (۱) صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) مطرح می‌کنند که خداوند - هر چند دیدنی نیست - در تمام پدیده‌های جهان آشکار است و با مشاهده‌ی مخلوقاتش می‌توان به وجود قدرت او پی برد.

اما گزینه (۱): ارتباطی به این مفهوم ندارد، بلکه تنها حقیقت هر دو جهان را عشق و سایر پدیده‌ها را فانی و بی‌ارزش می‌داند.

۱۸۸۶- گزینه‌ی (۲) این گزینه به یکی از مهم‌ترین اصول عرفانی، یعنی اعتقاد به وحدت وجود خداوند تأکید دارد. طبق این دیدگاه، در سراسر جهان هستی غیر از خدا کسی و چیزی نیست.

۱۸۸۷- گزینه‌ی (۴) هم بیت سؤال و هم گزینه‌ی (۴) به این امر اشاره دارند که «پدیده‌های آفرینش نشانه‌ای از بزرگی و کمال خداوند هستند و هر پدیده لایه‌هایی بیش‌تر از ظاهرش دارد».

۱۸۸۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم مصراع دوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): مهتا بودن خواسته‌های عارفان حقیقی مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): نکوهش درخواست کردن از غیر خدا / فقط از خدا درخواست کردن

گزینه (۲): تسلیم خواست معشوق بودن / جانبازی عاشقان

گزینه (۴): رضای عارفانه

۱۸۸۹- گزینه‌ی (۳) مفهوم سؤال و گزینه‌ی (۳): مقام والای گدایان عشق مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): تقابل عقل و عشق

گزینه (۲): آرامش و خوشی در قناعت

گزینه (۴): آزاردهنده بودن درخواست گدایان

۱۸۹۰- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): منظور از می و ساقی ... اصطلاحاتی است که غیر عارف در نمی‌یابد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): پیر و مراد مظهر اسرار حق است.

گزینه (۳): بی‌خبری متشّرّعان ظاهرین از اسرار حقیقت

گزینه (۴): اسرار حقیقت را باید با عشق یافت نه با درس و کتاب

۱۸۹۱- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک ابیات گزینه‌ی (۱) ← در دل هر ذره عظمتی نهفته است.

مفهوم سایر ابیات:

(الف) ← بی‌تعلقی و وارستگی عارفان

(د) ← عنایت و کشش باید از سوی معشوق باشد.

۱۸۹۲- گزینه‌ی (۳) آفتاب حقیقت را در میان کوچک‌ترین پدیده‌ها می‌بینی، اگر ذرات خاکی از قوه به فعل در آیند و از خاک به انسان تبدیل شوند در وجودشان جام جم یا همان جام جهان‌نمایی است که همه چیز در آن پیداست (اشاره به دل که در ابیات عرفانی جام جم است).

۱۸۹۳- گزینه‌ی (۲) عشق، کارهایی را که از نظر عقل محال و غیرممکن است، ممکن می‌کند. در سایر گزینه‌ها، عظمت شأن انسان و امکان حضور او در قرب الهی بیان شده است.

۱۸۹۴- گزینه‌ی (۲) بیت مورد نظر اشاره دارد به بیت زیر: «اگر بسی بی‌نیی عدد گر اندکی آن یکی باشد در این ره در یکی»

۱۸۹۵- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال این است که خداوند بدون هیچ مانعی، آشکارا از در دیوار نمایان است و می‌توان خداوند را در همه جا دید.

گزینه (۲) ← آگاهان و اهل بصیرت رُخ زیبای خدا را در هر ذره‌ای آشکارا می‌بینند. گزینه (۳) ← شاعر به هر کجا قدم گذاشت یارش (خدا) حاضر است.

گزینه (۴) ← همان‌طور که لیلی همیشه پیش روی مجنون است زیبایی معشوق (خدا) در همه جا و همه چیز پیش شاعر است، اما در گزینه‌ی (۱) حافظ می‌گوید عقل دچار جنون شده است، نشانی از زلف و ابروی معشوق برای او بیابورند.

۱۸۹۶- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۱) «مرصاد العباد»، در گزینه‌ی (۲) «اسرار التوحید» و در گزینه‌ی (۴)، «کشف الاسرار میبدی» آثار منثور هستند، نه منظومه.

۱۸۹۷- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲)، عقل و عشق با هم در تقابل هستند، در حالی که در سه گزینه‌ی دیگر از این موضوع سخن می‌رود که عشق پنهان نمی‌ماند.

۱۸۹۸- گزینه‌ی (۴) این بیت می‌گوید: «از عشق او بامداد برمن روشن شد و فهمیدم که عمر خود را صرف مشغله‌ی عشق خواهم کرد».

گزینه (۱) ← «خورشید تابان» استعاره از وجود خداوند و «نور شمع» استعاره از عقل است.

گزینه (۲) ← منظور از «استدلایان» طرفداران عقل است که راه به عشق نمی‌برند. گزینه (۳) ← از راه تدبیر خرد نمی‌توان به محبوب دست یافت، او در همه عالم آشکار است.

۱۸۹۹- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) آمده است: گدای اقلیم عشق وارسته و بی‌تعلّق است.

گزینه (۳) ← گدای بی‌سر و پای عالم عشق را در مقابل ملک جهان بی‌اعتنا (سرگردان) می‌بینیم.

۱۹۰۰- گزینه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال آمده است ← گدای بی‌سر و پای عالم عشق را در مقابل ملک جهان بی‌اعتنا (سرگردان) می‌بینی (گدای عالم عشق به جهان و آن چه در آن است، اعتنا نمی‌کند) و در بیت گزینه‌ی (۲) نیز بی‌توجهی عاشقان حقیقی به هر چه غیر خداوند است، مطرح شده است.

۱۹۰۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک: عشق مایه‌ی کمال است.

گزینه (۱): وحدت وجود

گزینه (۳): پدیداری خدا در پدیده‌ها

گزینه (۴): فقر عارفانه موجب بزرگی و بی‌اعتنایی به جهان

۱۹۰۲-گزینۀ (۴) حس آمیزی ندارد.

گزینۀ (۱): ملک لامکان (پارادوکس است/ مضیق و وسعت تضاد هستند)
گزینۀ (۲): رسی و نمی‌رسد (تضاد (طباق) هستند/ پای اوهام تشخیص است)
گزینۀ (۳): «راه طلب» و «ره عشق» اضافی تشبیهی هستند/ راه استعاره از طلب است.
۱۹۰۳-گزینۀ (۱) در بیت سؤال و گزینۀ‌های (۲) و (۳) و (۴) اشاره می‌کند به

این که وجود خدا و حضورش آشکار و ملموس است و ما از او بی‌خبریم و دور. گزینۀ (۱) «تقابل عشق و عقل» را مطرح می‌کند.

۱۹۰۴-گزینۀ (۱) می‌گوید گنج را در ویرانه‌ها باید جست. پس دلت را ویران کن تا گنج خدا را در آن‌جا ببینی.

گزینۀ (۲) می‌گوید «عاشقان مست را ملامت مکن چون در ذهن و مغز عاشقان، عقل، جایی ندارد. (تقابل عقل و عشق)

گزینۀ (۳) «عقل می‌گوید که در راه عشق پا نگذاریم که جز سختی و عذاب نصیبمان نمی‌شود و عشق در پاسخ می‌گوید که تمام سختی‌ها و عذاب‌ها به خاطر عقل است. (تقابل عقل و عشق)

گزینۀ (۴) می‌گوید «اگر اسرار مستی را به بی‌خبران بگویی ترک هشیاری می‌کنند و عاشق می‌شوند. (تقابل عقل و عشق)

۱۹۰۵-گزینۀ (۳) مفهوم این گزینۀ دوری از زهد ریایی است حال آن‌که صورت سؤال بیانگر این مفهوم است که برای رسیدن به حقیقت باید از دنیا و تعلقات مادی دل بکنی.

معنای گزینۀ (۱) «سخنی نگو و تلاش کن تا دل و جانت را از خار هستی خلاص کنی تا آزار نبینی. آن‌گاه وجودت پر از گل‌های حقیقت و معنا خواهد شد.

گزینۀ (۲) «وقتی شور و غوغای مجلس انس و نزدیکی با خدا به گوشت می‌رسد که گوشت مادیات کر و پر شده باشد و به مسائل دنیایی و مادی بی‌توجه باشی. آکندن یعنی پر کردن

گزینۀ (۴) «تو که از عالم مادی خارج نمی‌شوی، هرگز به کوی حقیقت راه نمی‌یابی.

درس بیست و یکم ادبیات فارسی ۳

۱۹۰۶-گزینۀ (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ (۲) «هر کسی متناسب با ذات و زبان خود حرف می‌زند و با خدا ارتباط برقرار می‌کند (هر دو بیت از داستان موسی و شبان از مثنوی مولوی است)

۱۹۰۷-گزینۀ (۲) مفهوم آیه: هر کس به اندازه و متناسب با خود به چیزی می‌رسد. مفهوم سایر ابیات: هر کس به تلاش کن به تکامل و حقیقت‌بینی برسی.

۱۹۰۸-گزینۀ (۲) بیت صورت سؤال و گزینۀ (۲) هر دو به این اشاره دارند که هر کس شیوهای برای راز و نیاز با خدا دارد.

۱۹۰۹-گزینۀ (۲) یعنی هر کس ویژگی‌هایی دارد و مطابق با آن عمل می‌کند. ۱۹۱۰-گزینۀ (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و سه گزینۀ دیگر این است که هر کس متناسب با ویژگی‌هایی که دارد، عمل می‌کند.

بیت گزینۀ (۱) اشاره به این دارد که هر کس که کامل‌تر است، مشکلات پیش‌تری دارد. ۱۹۱۱-گزینۀ (۳) مثنوی معنوی اقیانوسی از معارف، حکمت‌ها و آموزه‌های عرفانی است که در قالب تمثیل بیان می‌شود. قصه موسی و شبان از دفتر دوم مثنوی مولوی، گفت و گوی صمیمی و ساده‌چوایی است با پروردگارش.

* مولانا جلال‌الدین محمد بن بهاء الدین محمدبن حسین الخطیبی معروف به مولوی یا ملای روم از بزرگترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم است. او در بلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد و در کودکی در نیشابور با عطار ملاقات داشت که طی آن عطار کتاب اسرارنامه‌ی خود را به مولوی اهدا کرد آثار او عبارت‌اند از «مثنوی»، «دیوان شمس»، «قیه ما قیه»، «مجالس سبعه» و «مکاتیب».

۱۹۱۲-گزینۀ (۲) بقیۀ گزینۀ‌ها از زبان شبان است به خداوند ولی گزینۀ ۲ سخن موسی است به شبان.

۱۹۱۳-گزینۀ (۲) در سایر گزینۀ‌ها «ای فلان، ای خدا و ای اله و هان» شبهه جمله هستند. در گزینۀ ۲ «آهی بکرد» یک جمله کامل همراه فعل است.

۱۹۱۴-گزینۀ (۴)

۱۹۱۵-گزینۀ (۲) در مفهوم سایر ابیات به کار طبق «ساختار وجودی و ارزش ذاتی پدیده‌ها» اشاره شده است.

درس بیست و دوم ادبیات فارسی ۳

۱۹۱۶-گزینۀ (۴) طین: گل خشک - تعبیه: آراستن - طوع: فرمان بردن، اطاعت کردن - قبه: یک مشت از هر چیزی/ خازن: نگهبان خزانه

۱۹۱۷-گزینۀ (۱) بیت صورت سؤال و سه گزینۀ دیگر اشاره به خلقت انسان دارند. بیت گزینۀ (۱) اشاره به رزاقیت خدا دارد.

۱۹۱۸-گزینۀ (۱) عبارت صورت سؤال و بیت سه گزینۀ دیگر اشاره به تحمّل بار عشق و سختی آن دارند.

بیت گزینۀ (۱) اشاره به تحمل غم دارد.

۱۹۱۹-گزینۀ (۲) آیه و بیت گزینۀ (۲) هر دو اشاره به تحمّل بار عشق دارند.

۱۹۲۰-گزینۀ (۲) تلمیح: اشاره به آیه «انا عرضنا الامانة» دارد.

تشبیه: گنج معرفت (معرفت به گنج تشبیه شده است).

استعاره: شفت جان (اضافه استعاری)

۱۹۲۱-گزینۀ (۳) اعور: یک چشم/ رجیم: رانده شده از بارگاه الهی/فخار: سفال/ خازن: خزانه‌دار، نگهبان خزان و فرشته/ تلبیس: نیرنگ، پنهان کردن حقیقت/ نشتر: نیشت، چاقوی فلزی نوک‌تیز، تیغ جراحی

۱۹۲۲-گزینۀ (۳) در گزینۀ (۱)، «غایی» در گزینۀ (۲) «بندگی» و در گزینۀ (۴) «آزل» صحیح است.

۱۹۲۳-گزینۀ (۳) عشق دلیل وجود هستی است که در گزینۀ‌های (۱) و (۲) و (۴) به آن اشاره شده است.

۱۹۲۴-گزینۀ (۲)

۱۹۲۵-گزینۀ (۳) مفهوم عبارت سؤال و گزینۀ (۳): برداشت نادرست و سطحی شیطان از انسان (انسان را فقط گل دانست)

مفهوم سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): نگوهرش کسانی که فقط به فکر حال هستند و از عاقبت کار غافلند.

گزینۀ (۲): همراهان شیطان گرفتار جهنم خواهند شد.

گزینۀ (۴): دشمن بودن شیطان با انسان

۱۹۲۶-گزینۀ (۳) ترجمه آیه‌ی شریفه «انسان را از گل خشک همچون سُفال آفرید» که اشاره‌ای است به خلقت انسان از گل و خاک، «ولادت ز آب و طین دارم» نیز اشاره‌ای به خلقت آدم از گل است. (طین: گل)

۱۹۲۷-گزینۀ (۳) ترجمه آیه چنین است: (انسان را از گل خشک هم‌چون سُفال آفرید) که اشاره‌ای است به خلقت انسان از گل و خاک «ولادت ز آب و طین دارم» نیز اشاره‌ای به خلقت از گل است (طین: گل)

۱۹۲۸-گزینۀ (۳) در گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴) منظور از سفال، عالم خاکی است.

در گزینۀ (۳) مصراع دوم تن انسان است.

معنی آیه «انسان را از گل خشک همچون سفال آفرید» سوره‌ی الرحمن آیه‌ی ۱۴

۱۹۲۹-گزینۀ (۴) مفهوم مشترک صورت و گزینۀ (۴) «خلقت انسان از خاک و گل!

۱۹۳۰-گزینۀ (۳) مفهوم سایر ابیات «ازلی بودن عشق

مفهوم گزینۀ (۳) «کسی که عاشق نیست مرده‌ای بیش نیست!

۱۹۳۱-گزینۀ (۲) در صورت سؤال به دوگانگی سرشت انسانی (روحانی و جسمانی) اشاره شده و این پیام در بیت گزینۀ (۲) نیز قابل مشاهده است.

۱۹۳۲-گزینۀ (۲) برخی «بار امانت» را مسئولیت، برخی ولایت علی (ع)، برخی معرفت و عرفا آن را «عشق» دانسته‌اند.

۱۹۳۳-گزینۀ (۳) مفهوم رباعی این است که «دل آمیخته‌ای از عشق و محبت است» که در تمام گزینۀ‌ها این مفهوم هست ولی گزینۀ (۳) معتقد است راه عشق پر خطر است و باید با آهستگی طی کرد.

درس اول زبان فارسی ۳

۱۹۳۴- گزینه‌ی (۳) ابر ← ع / (ص) = / (م) ب / (ص) ر / (ص)

همه ← ه / (ص) = / (م) م / (ص) = / (م)

تویی ← ت / (ص) = / (م) ی / (ص) ی / (م)

۱۹۳۵- گزینه‌ی (۲) وام (= پر) ← ص / م / ص

سیل (= درد) ← ص / م / ص / ص

رمة (= خانه) ← ص / م / ص / م

آش (= صد) ← ص / م / ص

۱۹۳۶- گزینه‌ی (۳) ابتدا کلمه را با بخش کردن به ۴ هجای زیر تقسیم کرده، سپس هر هجا را تحلیل می‌کنیم.

ب / = / ه / = / ج / = / ت / = / ع / = / ن / گ / ی / ز

ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص

۱۹۳۷- گزینه‌ی (۱) ابتدا کلمه را به ۴ هجای زیر تقسیم کرده و هریک را تحلیل می‌کنیم.

ع / = / س / = / ی / = / ش / گ / ا / ه

ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص

۱۹۳۸- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۱) و (۲) واجگاه مشترک دارند و گزینه‌ی (۳) از الگوی هجایی (ص + م + ص) پیروی نمی‌کنند.

۱۹۳۹- گزینه‌ی (۲) چون واجگاه ت / و / د / ب / و / پ / ج / و / ش / به هم نزدیک است نمی‌توانند در کنار هم قرار گیرند.

۱۹۴۰- گزینه‌ی (۱) به دلیل واجگاه مشترک

گزینه‌ی (۳) از قاعده هم‌نشینی پیروی نمی‌کند. (وزارت آموزش و پرورش)

گزینه‌ی (۴) ← ج / و / د / واجگاه مشترک دارند.

۱۹۴۱- گزینه‌ی (۴) ۱) دو غلط نحوی: چوپانان جمع است و با فعل رسید مطابقت ندارد و فعل متعدی باید باشد چون مفعول داریم.

۲) یک غلط معنایی

۱۹۴۲- گزینه‌ی (۴)

۱۹۴۳- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به پاورقی درس اول کتاب

۱۹۴۴- گزینه‌ی (۱)

گزینه‌ی (۱):

دشت ← صامت + مصوّت + صامت + صامت

کیش ← صامت + مصوّت + صامت

چه ← صامت + مصوّت

گزینه‌ی (۲):

کو ← صامت + مصوّت

شام ← صامت + مصوّت + صامت

فارسی ← صامت + مصوّت + صامت / صامت + مصوّت

گزینه‌ی (۳):

کاه ← صامت + مصوّت + صامت

موش ← صامت + مصوّت + صامت

برگ ← صامت + مصوّت + صامت + صامت

گزینه‌ی (۴):

مست ← صامت + مصوّت + صامت + صامت

میز ← صامت + مصوّت + صامت

باند ← صامت + مصوّت + صامت + صامت

※ الگوی هجایی = صامت + مصوّت (+ صامت)

۱۹۴۵- گزینه‌ی (۱) / پ / = / ی / = / س / = / ز / = / ر / = / ب / = / ن / = /

ج / = / ح / = / ه /

۱۹۴۶- گزینه‌ی (۳) / ح / = / ج / = / و / ه /

/ س / = / س / = / و / ص / و / ث /

/ ز / = / ز / = / و / ذ / و / ض / و / ظ /

/ ت / = / ت / = / و / ط /

۱۹۴۷- گزینه‌ی (۲) / ی / اول صامت و / ی / آخر مصوّت است.

۱۹۴۸- گزینه‌ی (۴) از نظر معنایی مناسب نیست. (بقیه گزینه‌ها از نظر هم‌نشینی اشکال دارند)

۱۹۴۹- گزینه‌ی (۴) اجزای تشکیل دهنده‌ی گروه، درست در پی هم نیامده‌اند:

(چهره‌اش خندان: چهره‌ی خندانش) - قواعد هم‌نشینی رعایت نشده است.

در گزینه‌ی (۱) ← قواعد نحوی رعایت نشده است: «من» باید به «خودم» تبدیل شود.

در گزینه‌ی (۲) ← قواعد نحوی رعایت نشده است: بین نهاد جدا «تو» و شناسه‌ی

فعل هماهنگی وجود ندارد.

در گزینه‌ی (۳) ← قواعد معنایی رعایت نشده است.

۱۹۵۰- گزینه‌ی (۱) هسته نهاد در گزینه‌ی (۱) «باغ» است ← ب + ۱ + غ (ص + م + ص) الگوی (۲)

هسته نهاد در گزینه‌ی (۲) «برق» است ← ب + = + ر + ق (ص + م + ص + ص) الگوی (۳)

هسته نهاد در گزینه‌ی (۳) «عشق» است ← ع + = + ش + ق (ص + م + ص + ص) الگوی (۳)

هسته نهاد در گزینه‌ی (۴) «مهر» است ← م + = + ه + ر (ص + م + ص + ص) الگوی (۳)

۱۹۵۱- گزینه‌ی (۲) چون نهاد با فعل جمله مطابقت ندارد اشکال نحوی (دستوری) ایجاد شده است.

۱۹۵۲- گزینه‌ی (۴) الگوهای هجایی عبارت‌اند از:

الف) صامت + مصوّت (ب) صامت + مصوّت + صامت

ج) صامت + مصوّت + صامت + صامت

۱) دا (صامت + مصوّت) + نش (صامت + مصوّت + صامت) + پ (صامت + مصوّت) + ژوه (صامت + مصوّت + صامت)

۲) ریخت (صامت + مصوّت + صامت + صامت) + ش (صامت + مصوّت) + نا (صامت + مصوّت) + سی (صامت + مصوّت)

۳) ماه (صامت + مصوّت + صامت) + گ (صامت + مصوّت) + رف (صامت + مصوّت + صامت) + ت (صامت + مصوّت) + گی (صامت + مصوّت)

۴) درد (صامت + مصوّت + صامت + صامت) + من (صامت + مصوّت + صامت) + دا (صامت + مصوّت) + ن (صامت + مصوّت)

۱۹۵۳- گزینه‌ی (۳) با دو جمله مواجهیم که هیچ ارتباط منطقی بین آن‌ها نیست.

در گزینه‌ی (۲) اشکال دستوری و نحوی وجود دارد.

در گزینه‌ی (۳) اشکال معنایی وجود دارد.

در گزینه‌ی (۴) اشکال در هم‌نشینی واژه‌ها و تکواژهاست.

۱۹۵۴- گزینه‌ی (۳)

س = ر ← ص / م / ص

ب = د ← ص / م

د = ا ← ص / م

ری ← ص / م

ب = ن ← ص / م / ص

د = ص ← ص / م

گی ← ص / م

ها ← ص / م

۱۹۵۵- گزینه‌ی (۳) الگوهای هجایی گزینه‌ی (۳) عبارتند از:

نوگرایسی: نو (ن - و) = صامت + مصوّت کوتاه + صامت / گ = صامت + مصوّت کوتاه / را = صامت + مصوّت بلند / یی = صامت + مصوّت

۱۹۵۶- گزینه‌ی (۱) عبارت (ب): جهان آینه‌نما ← آینه‌ی جهان‌نما

ج: ستاره‌ی شعاع صبح ← شعاع ستاره‌ی صبح

۱۹۵۷- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴)، هم‌نشینی واژه‌ها در گروه اسمی «الف» درست و در گروه اسمی «ب» نادرست بیان شده است.

۱۹۵۸- گزینه‌ی (۳) هم‌نشینی: دبیرستان دولتی امیرکبیر / نحوی: دانش‌آموزان در درس خواندن کوشا هستند.

۱۹۵۹- گزینه‌ی (۳) رعایت نشدن قواعد نحوی: مطابقت نداشتن نهاد و فعل (گوینده‌ی آن، ... برده باشند) / رعایت نشدن قواعد هم‌نشینی: ویژه‌ای استفاده ← استفاده‌ای ویژه

۱۹۶۰- گزینه‌ی (۳) الگوی هجایی گزینه‌ی (۳)، عبارت است از: نوگرایشی: نو (ن و) = صامت + مصوّت کوتاه + صامت / گ = صامت + مصوّت کوتاه / را = صامت + مصوّت بلند / ی = صامت + مصوّت بلند

۱۹۶۱- گزینه‌ی (۳) رعایت نشدن قواعد نحوی: مطابقت نداشتن نهاد و فعل (گوینده‌ی آن، ... برده باشند) / رعایت نشدن قواعد هم‌نشینی: ویژه‌ای استفاده ← استفاده‌ای ویژه

۱۹۶۲- گزینه‌ی (۴)

گزینه‌ی (۴) ← ر + و + ی / ک + َ + ر + د
ص م / ص م / ص م / ص م

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← گ + ُ + س / ت + َ + ر + َ + ش
ص م / ص م / ص م / ص م

گزینه‌ی (۲) ← َ + َ + ب / ت + َ + ک / ا + ر
ص م / ص م / ص م / ص م

گزینه‌ی (۳) ← َ + َ + ط / ل + ا + ح
ص م / ص م / ص م / ص م

۱۹۶۳- گزینه‌ی (۲) قواعد هم‌نشینی در گروه اسمی نهاد رعایت نشده است.

طلایی بزرگ میخ ← میخ بزرگ طلایی

۱۹۶۴- گزینه‌ی (۲) هر هشت سخنران ... داشت (نحوی) ← داشتند / دو کوشا دانشمند (هم‌نشینی) ← دو دانشمند کوشا

۱۹۶۵- گزینه‌ی (۳) هشیاری ← هُش: صامت + مصوّت کوتاه + صامت / یا: صامت + مصوّت بلند / ری: صامت + مصوّت بلند

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← بیماری ← بی: صامت + مصوّت بلند / ما: صامت + مصوّت بلند / ری: صامت + مصوّت بلند

گزینه‌ی (۲) ← کاکائو ← کا: صامت + مصوّت بلند / کا: صامت + مصوّت بلند / ثو: صامت + مصوّت بلند

گزینه‌ی (۴) ← زیبارو ← زی: صامت + مصوّت بلند / با: صامت + مصوّت بلند / رو: صامت + مصوّت بلند

۱۹۶۶- گزینه‌ی (۴) بوی خوش گل‌های گلدان: هم‌نشینی / بوی خوش گل‌های گلدان ... پراکنده شد: نحوی (فعل باید مفرد به کار رود).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← جمله فاقد قاعده‌ی معنایی است. / خواهند سپرد ← خواهد سپرد: نحوی (نهاد مفرد با فعل جمع آمده است)

گزینه‌ی (۲) ← چگونه آیا: نحوی / پرسش و پاسخ نامناسب: کاربردی

گزینه‌ی (۳) ← پنجاه شجاع مرد ← پنجاه مرد شجاع: هم‌نشینی / بر خواهد گشت ← خواهند برگشت: نحوی (فعل باید جمع به کار رود) و هم‌نشینی

۱۹۶۷- گزینه‌ی (۱) کُش/ت/کُش/تار ← هجای سوم: کُش ← صامت + مصوّت

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲) ← گ/لاب/گی/ران ← هجای سوم: گی ← صامت + مصوّت

گزینه‌ی (۳) ← ش/تاب/ز/د ← هجای سوم: ز ← صامت + مصوّت

گزینه‌ی (۴) ← آ/تش/با/زی ← هجای سوم: با ← صامت + مصوّت

۱۹۶۸- گزینه‌ی (۴) قواعد نحوی (عدم مطابقت نهاد با فعل): زندگی ... آراسته شده بودند ← آراسته شده بود. قواعد هم‌نشینی: کشتی بلند عرشی‌ی این ← عرشی‌ی بلند این کشتی

۱۹۶۹- گزینه‌ی (۳) «ازدحام» متشکل از سه هجای «از + د + حام» است و هجای دوم آن یعنی «د» مطابق الگوی هجایی «صامت + مصوّت» است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← اس/تق/لال ← تق: صامت + مصوّت + صامت

گزینه‌ی (۲) ← م/سَل/لَم ← سَل: صامت + مصوّت + صامت

گزینه‌ی (۴) ← تا/ریخ/چه ← ریخ: صامت + مصوّت + صامت

۱۹۷۰- گزینه‌ی (۲) داگک بر خلاف قواعد واجی است. زیرا دو واج با واجگاه مشترک /ک/ و /گ/ در یک هجا و کنار یک‌دیگر آمده‌اند. /گروه مفعولی «اجناس کلّیه» برخلاف قواعد هم‌نشینی است و منظور «کلّیه اجناس» است. /عدم مطابقت نهاد و فعل نیز برخلاف قواعد نحوی است. «عرضه کرده است».

نکته: عدم رعایت قواعد نحوی معمولاً به دو شکل ظاهر می‌شود: الف) عدم تطابق نهاد و فعل: دوستانم به سینما رفت. ب) تکراری بودن لفظ نهاد و مفعول (تو تو را دیدی)، نهاد و متمم (شما به شما می‌نازی)، نهاد و مضاف‌الیه (من کتاب من را آوردم).

۱۹۷۱- گزینه‌ی (۱) تو: ص / م

آرد: ص / م / ص / ص

پول: ص / م / ص

گزینه دوم هجای دو واجی ندارد / گزینه سوم هجای سه واجی ندارد / گزینه چهارم هجای سه واجی ندارد.

۱۹۷۲- گزینه‌ی (۳) در مصرع «موسی و عیسی کجا بود آن زمان» عدم مطابقت نهاد با فعل (قواعد نحوی)

در گروه «ویژگی فارسی معیار زبان» واژگان گروه اسمی باید به صورت «ویژگی زبان فارسی معیار» باشد (قواعد هم‌نشینی)

در جمله‌ی «هنگام خروج، پنجره را خاموش کنید (قواعد معنایی) رعایت نشده است.

درس دوم زبان فارسی ۳

۱۹۷۳- گزینه‌ی (۳) گزاره‌ی عبارت ← به پویایی و رسایی کاینات بستگی ابدی دارد

تکواژها (۱۹) ← به / پوی / ی / و / رس / ی / ی / کاینه / ات / بست / ه / ی / ی / ابد / ی / دار / د

۱۹۷۴- گزینه‌ی (۳) عبارت ۱ (۱۳) ← به / هم / سرا / یی / ی / قلب / ی / تو / می / تپ / د / با / شوق /

عبارت ۲ (۱۱) ← عاشق / انه / ترین / نغمه / را / دو / بار / ه / ب / خوان / ی /

۱۹۷۵- گزینه‌ی (۳) تکواژها (۳۳) ← باز / کن / پنجره / را / من / تو / را / خواه / م / برد / به / سر / رود / ی / خروش / ان / ی / حیات / آب / ی / این / رود / به / سر / چشم / ه / نا / می / گرد / د / باز /

نکته: دقت کنید فعل آینده ∅ ندارد!

۱۹۷۶- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← بدل: ادیب بلند پایه ← ۱۶ واج

گزینه‌ی (۲) ← بدل: شاعر معروف عرب ← ۱۸ واج

گزینه‌ی (۳) ← بدل: منتقد مشهور غرب ← ۲۰ واج

گزینه‌ی (۴) ← بدل: عارف شیفته و شوریده ← ۱۹ واج

۱۹۷۷- گزینه‌ی (۳) تکواژها (۳۷) ← این / همه / تلاش / ی / روز / انه / این / پر / کار / ی / ی / درنگ / نا / پذیر / این / زد / و / خورد / ی / همیشه / گی / از / عشق / ی / است /

ک / ه / به / خدا / ی / زیب / ا / ئی / ها / می / ورز / یم /

۱۹۷۸- گزینه‌ی (۲) دومین گروه اسمی ← در کوره راه‌هایی پرنشیب و فراز هسته ← کوره راه

واج‌های هسته ← ک / و / ر / ی / ا / ا / ه / (۷ واج)

۱۹۷۹- گزینه‌ی (۳) تکواژها (۳۴) ← هم / سنگ / ی / آ / و / ی / و / معنا / ی / در / شعر / شکل / ی / پوی / ا / و / بسیار / هنر / مند / انه / ایجاد / می / کن / د / و / در / تقویت / ی / موسیقی / ی / زبان / مؤثر / است /

۱۹۸۰- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← غزلواره (۲) - چوبینه (۲) - زیبایی (۳)

گزینه‌ی (۲) ← بی‌پروا (۲) - رهاورد (۲) - کوزه‌گری (۳)

گزینه‌ی (۳) ← کامروایی (۴: کام - رو - ا - یی) - سپیده‌دمان (۴: سپید - ه - دم - ان) - وابستگی (۴: وا - بست - ه - ی)

گزینه‌ی (۴) ← گواراترین (۳: گوار - ا - ترین) - گردش‌کنان (۴: گرد - ش - کنان) - نارسایی (۴: نا - رس - ا - یی)

۱۹۸۱- گزینه‌ی (۲) ← تکواژها (۱۲): ز/نا/رس/ا/ی/ی/طومار/م/عمر/می/ترس/م/گزینه‌ی (۲) ← تکواژها (۱۱): سال/ها/در/طلب/ت/گوش/ه/نشین/ی/کرد/م/گزینه‌ی (۳) ← تکواژها (۱۲): گری/ه/ی/مست/انه/آخر/عقد/ه/ام/از/دل/گشود/گزینه‌ی (۴) ← تکواژها (۱۲): ز/سحر/انگیز/ی/ت/ای/چشم/کافر/کیش/حیران/م/گزینه‌ی (۴) ← تکواژها (۸): دور/به/تو/خاتم/دوران/نبشت/گزینه‌ی (۲) ← تکواژها (۱۲): رد/م/کن/م/ک/ز/همه/رد/گشت/ه/ام/گزینه‌ی (۳) ← تکواژها (۱۱): چشم/ه/ی/مه/تاب/تو/سرد/ی/گرفت/گزینه‌ی (۴) ← تکواژها (۱۲): نور/ی/از/آن/دید/ه/که/بین/تر/است/بدهی/است این سؤال ایراد دارد و هر دو گزینه‌ی ۲ و ۴ جواب است گرچه در پاسخ اولیه سازمان سنجش جواب گزینه‌ی ۴ است. دقت کنید در گزینه‌ی ۲ رد ممکن یعنی مرا رد مکن و «م» مفعول است نه شناسه
۱۹۸۳- گزینه‌ی (۱) ← تکواژها (۲): که/او/به/وصفت/گویا/بود/همیشه/گزینه‌ی (۳): بگذار/تا/دل/من/بر/جا/بود/همیشه/گزینه‌ی (۴): تا/شاهد/جمالت/مستور/باشد/از/من/وجود/حرف/ربط/وابسته/ساز/«که-تا-تا» نشان دهنده‌ی وجود جمله‌ی وابسته (پیرو) در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) است.
۱۹۸۴- گزینه‌ی (۳) ← تکواژها (۱۹): کلام/شان/رو/ان/ی/و/گوار/ا/ی/آب/چشم/ه/سار/ان/را/دار/د/جمله‌ی چهارم ← تکواژها (۱۱): عطش/ناک/ی/آن/ان/را/تسکین/می/بخش/د/یک تکواژی‌ها: کیش - هاله - زمین - پروانه - بحران - تمنا - کین - معنا - آوا - فرایند - بیگانه
دو تکواژی‌ها: کوشا - پسین - نوشین - نالان - خسته - خنده - رهاورد - ماله - سیمین
۱۹۸۶- گزینه‌ی (۱) ← تکواژها (۳۵): صبح/زال/چون/آب/ی/گوار/ا/ی/چشم/ه/ها/از/کران/ه/ی/خاور/بر/می/تراو/د/و/روشن/ی/نیل/گون/ی/خود/را/بر/زمین/می/پاش/د/واژه‌ها (۲۴): صبح/زال/چون/آب/ی/گوار/ا/ی/چشم/ه/ها/از/کران/ه/ی/خاور/بر/می/تراو/د/و/روشن/ی/نیل/گون/ی/خود/را/بر/زمین/می/پاش/د/واژه‌ها (۲۱): شاعر/با/بهره/گیر/ی/از/عناصر/عظیم/طبیعت/و/پیوند/آن/با/قهرمان/ی/حماسه/ی/خود/بزرگ/نما/ی/کرد/ه/است/واژه‌ها (۲۱): شاعر/با/بهره/گیری/از/عناصر/عظیم/طبیعت/و/پیوند/آن/با/قهرمان/ی/حماسه/ی/خود/بزرگ/نمایی/کرده/است/شهرت/ی/که/شیخ/در/زمان/خود/داشت/بیش/تر/به/واسطه/ی/اندیش/ه/ها/ی/بلند/و/بی/پروا/ی/بود/که/در/حقایق/عرفان/تجلی/یافت/ه/بود/تکواژها (۳۴): از/زمین/ه/ها/ی/تازه/گی/در/آثار/روز/گار/ما/بر/داشت/جدید/از/گذشت/ه/گان/و/باز/ساز/ی/نو/ین/آن/ها/است/واژه‌ها (۲۲): از/زمینه‌ها/ی/تازگی/در/آثار/روزگار/ما/برداشت/جدید/از/گذشتگان/و/بازسازی/نوین/آن‌ها/است/طبق نظر قبلی کنکور در سال ۹۰ (رشته‌ی زبان) که «ه» در کلمه‌ی «پراکندگی» را تکواژ نشمرده بود بهتر بود ما هم «ه» در گذشتگان را نمی‌شمردیم اما چون تعداد واژه‌ها ۲۲ تاست مجبوریم این کار را انجام دهیم!! و از این به بعد این ملاک است!
۱۹۹۰- گزینه‌ی (۲) ← شک/این/شاعر/توان/فرمان/رو/ای/ملک/سخن/را/با/نگار/ش/کتاب/بر/جست/ه/ی/گل/ستان/به/خود/اختصاص/داد/ه/است/گزینه‌ی (۲) ← آزاد/مرد/ان/نام/ی/و/دلیر/ان/پهن/ه/ی/دل/آور/ی/دیر/ی/است/دامن/از/زندان/ی/خاک/بر/چید/ه/اند/

۱۹۹۲- گزینه‌ی (۱) ← تکواژها (۳۵): هر/انسان/ی/ب/پذیر/د/آن/چه/پیغام/بر/وی/گفت/ه/است/از/اهل/ب/شریعت/است/و/هر/انسان/ی/به/جای/آور/د/اهل/ب/طریقت/است/واژه‌ها (۲۲): هر/انسانی/بپذیرد/آن/چه/پیغمبر/ی/گفته/است/از/اهل/ب/شریعت/است/و/هر/انسانی/به/جای/آورد/اهل/ب/طریقت/است/تکواژها (۳۵): این/شاعر/چون/معاصر/ان/خود/بر/شیوه/ی/گذشت/ه/گان/بود/ولی/در/این/تقلید/به/سراغ/متولی/ان/ادب/منظوم/ی/فارس/ی/رفت/ه/است/واژه‌ها (۲۶): این/شاعر/چون/معاصران/خود/بر/شیوه/ی/گذشتگان/بود/ولی/در/این/تقلید/به/سراغ/متولیان/ادب/منظوم/ی/فارسی/رفته/است/گزینه‌ی (۴) ← گزینه‌ی (۱) ← شیرین/ترین/لب/خند/بر/لب/ان/اراده/ی/پولاد/ین/تو/جلوه/گر/است/تکواژها (۱۸): گذار/را/می/آشام/ان/ی/گزینه‌ی (۲) ← در/گذر/گه/تاریخ/ایستاد/ه/ای/و/بشر/یت/ره/گذار/گزینه‌ی (۳) ← مرد/ن/ی/چون/مرگ/پیروز/مند/انه/ات/غبطه/ی/بزرگ/زنده/گان/ی/شد/تکواژها (۱۹): گزینیه‌ی (۴) ← و/فلق/محراب/ی/سرخ/گون/است/که/تو/در/آن/نماز/صبح/شهادت/را/گزارد/ه/ای/تکواژها (۲۱): «ی» در «سوزی» نکره است پس پسوند تصریفی است. تکواژهای تصریفی: علائم جمع، ی نکره، تر، ترین، می، ب (امر)، ن (نفي در فعل)، شناسه، ...
۱۹۹۶- گزینه‌ی (۳) ← تکواژها (۲۱): موضوع/زبان/شناسی/تاریخی/پژوهش/در/تحولاتی/است/که/هر/زبان/در/طی/تاریخ/طولانی/خود/پذیرفته/است/تکواژها (۳۲): موضوع/زبان/شناس/ی/تاریخ/ی/پژوه/ش/در/تحول/ات/ی/است/که/هر/زبان/در/طی/تاریخ/طولانی/خود/پذیرفته/ه/است/گزینه‌ی (۴) ← عارف/ان/راست/ین/به/کل/ی/خود/را/بخت/ه/و/حق/را/یافت/ه/اند/تکواژها (۱۸): گزینیه‌ی (۲) ← متصوفه/برای/تبیین/لزم/مرشد/بر/رس/ی/ها/ی/گسترد/ه/ای/کرد/ه/اند/تکواژها (۱۸): گزینیه‌ی (۳) ← طبق/نظر/یه/ی/صوف/ی/ان/گم/راه/ان/از/الطاف/حق/بی/نصیب/ن/است/ند/تکواژها (۲۰): گزینیه‌ی (۴) ← نیاز/به/راه/نما/ی/روح/انی/مورد/تأیید/کل/یه/ی/ره/پوی/ان/عرفان/است/تکواژها (۲۱): گزینیه‌ی (۱) ← خورشید/به/تدریج/پایین/می/رو/د/و/سایه/ها/ی/ستون/ها/روی/خاک/این/زمین/دراز/تر/می/شو/د/تکواژها (۲۴): گزینیه‌ی (۲) ← این/ستون/ها/ی/عظیم/و/بلند/از/دو/هزار/سال/تا/کنون/هنوز/پا/بر/جا/ماند/ه/است/تکواژها (۲۱): گزینیه‌ی (۳) ← اشیاء/ی/این/ناحیه/که/از/ادامه/ی/بقا/خست/ه/اند/اکنون/ناظر/شب/ی/دیگر/خواه/ند/تکواژها (۲۱): گزینیه‌ی (۴) ← در/این/کوه/ستان/سر/در/ها/و/ستون/ها/ی/بزرگ/تراش/خورد/ه/دید/ه/می/شو/د/تکواژها (۲۱): تکواژ: منظور/از/نشان/ه/هر/موضوع/محسوس/ی/است/که/ب/توان/د/در/ذهن/تصور/موضوع/ی/غایب/یا/نا/محسوس/را/ایجاد/کن/د/چنان/که/دود/نشان/ه/ی/آتش/است/و/چراغ/ی/قرمز/نشان/ه/ی/خطر/و/منع/ی/عبور/می/باش/د/تکواژها (۵۳): فکر/کن/سر/کنکور، یکی/این/رو/بشماره/...!!!
واژه: منظور/از/نشانه/هر/موضوع/محسوسی/است/که/بتواند/در/ذهن/تصور/موضوعی/غایب/یا/نامحسوس/را/ایجاد/کند/چنان/که/دود/نشانه/ی/آتش/است/و/چراغ/ی/قرمز/نشانه/ی/خطر/و/منع/ی/عبور/می/باشد/← واژه ۳۹

۲۰۰۰- گزینہ (۲) نکواڑھا: دان/ش/ی/عوام/یا/تودہ/شناس/ی/شاخ/ہ/ای/است/از/علم/ی/مردم/شناس/ی/و/عبارت/است/از/علم/بہ/آداب/و/رسوم/و/افسانہ/ہا/ی/یک/قوم/و/خصایص/ی/ملی/آن/قوم/را/آشکار/می/ساز/د/د/۴۷ نکواڑ

واژه‌ها: دانش/ی/عوام/یا/توده‌شناسی/شاخه‌ای/است/از/علم/ی/مردم/شناسی/و/عبارت/است/از/علم/بہ/آداب/و/رسوم/و/افسانہ‌ها/ی/یک/قوم/و/خصایص/ی/ملی/آن/قوم/را/آشکار/می/سازد/د/۳۵ نکواڑ

۲۰۰۱- گزینہ (۲) نکواڑھا: شگفت/ی/بہ/خدا/کہ/ہم/آہنگ/ی/این/مردم/در/باطل/ی/خویش/و/پراکندگی/ی/شما/در/حق/ی/خود/دل/را/می/میر/ان/د/د/و/اندوہ/را/تازہ/می/گرد/ان/د/د/۳۸ نکواڑ

واژه‌ها: شگفتا/بہ/خدا/کہ/ہماہنگی/ی/این/مردم/در/باطل/ی/خویش/و/پراکندگی/ی/شما/در/حق/ی/خود/دل/را/می/میراند/و/اندوہ/را/تازہ/می/گرداند/د/۲۷ واژہ

۲۰۰۲- گزینہ (۳) نکواڑ: آثار/ی/ادب/ی/ایران/آیینہ/ی/اندیش/ہ/ہا/باور/ہا/و/ہنر/مند/ی/ہا/ی/ملت/ی/است/از/گذشت/ہ/تا/کنون/بال/ندہ/و/شکوف/از/خطر/ہا/رست/ہ/است/از/ابد/پا/بر/جا/می/مان/د/د/۵۰ نکواڑ

واژه: آثار/ادبی/ی/ایران/آیینہ/ی/اندیشہ‌ها/باورہا/و/ہنرمندی‌ها/ی/ملتی/است/کہ/از/گذشتہ/تا/کنون/بالندہ/و/شکوف/از/خطرہا/رستہ/است/و/تا/ابد/پابرجا/می‌ماند/د/۳۰ واژہ

۲۰۰۳- گزینہ (۴) نکواڑھا: بیہقی/ی/تہا/مورخ/ی/امین/و/بلند/پا/ہ/ن/است/از/کہ/نویس/ندہ/ای/توان/از/زیر/دست/است/از/امانت/دار/ی/و/دقت/ی/وی/کتاب/ش/را/بہ/صورت/ی/داستان/ی/گیر/و/دل/چسب/کرد/ہ/است/از/۴۹ نکواڑ

۳۰ واژہ‌ها را بشمار! احتمالاً ۳۰ تا درمی‌آری! بزن گزینہ (۴) ولی رجوع کن بہ کتاب منبع بحث زبان فارسی!!

۲۰۰۴- گزینہ (۳) نکواڑھا: ادب/ی/یات/ی/داستان/ی/تحلیل/ی/دست/ی/ما/را/می/گیر/د/د/و/بہ/یاری/ی/تخیل/ما/را/و/ما/دار/د/د/تا/بیش/تر/بہ/درون/ی/جہان/ی/واقع/ی/ب/رو/یم/۴۱ نکواڑ

۴۱ نکواڑ بہ دست آوردن نزن (۳)!!

۲۰۰۵- گزینہ (۳) گروه بدلی: «این نخلستان خاموش و پر مہتاب/ء/ی/ن/ن/ن/خ/ل/ل/س/ت/ن/ن/خ/م/و/ش/و/پ/م/م/م/ت/ا/ب/۲۹ واج

۳۰ واژہ‌ها را بشمار! اگر ابتدا کلمہ یا ترکیب را بخش کنیم، کار سادہ‌تر است. گزارہ، ہمہی عبارت است بہ جز گروہ نهادی و بدلہای

۲۰۰۶- گزینہ (۲) گزارہ، ہمہی عبارت دیگر گزارہی این عبارت: «با زبان سادہ و... ساخت». است. نکواڑھا: با/زبان/ی/سادہ/و/عام/ی/انہ/و/بہرہ/گیر/ی/از/لغات/ی/متداول/و/رایج/در/میان/ی/مردم/نوشت/ہ/ہا/ی/خود/را/شاخص/و/ممتاز/ساخت/۳۳ نکواڑ

واژہ‌ها: با/زبان/ی/سادہ/و/عامیانه/و/بہرہ‌گیری/از/لغات/ی/متداول/و/رایج/در/میان/ی/مردم/نوشتہ‌ها/ی/خود/را/شاخص/و/ممتاز/ساخت/۲۶ واژہ

۳۰ کنکور سراسری «لغات» را یک نکواڑ گرفتہ، می‌گیرد و خواہد گرفت. البتہ بہ اشتباہ، ولی ملاک کنکور است!!

۲۰۰۷- گزینہ (۳) گروه بدلی: «این تنها پرنده‌ی نامرئی/ء/ای/ن/ن/ن/پ/ر/ر/ن/د/ی/ی/ن/م/م/ر/ء/ی/۲۴ واج

۲۰۰۸- گزینہ (۱) عبارت سؤال: تحمید/تہ/در/لغت/بہ/معنا/ی/حمد/و/ستای/ی/ش/گفت/ن/است/از/۱۵ نکواڑ

گزینہ (۱) عرفان/ی/اسلام/ی/مولود/ی/تعلیم/ات/ی/قرآن/و/پیام/بر/است/از/۱۵ نکواڑ

گزینہ (۲) در/تاریخ/ی/تفکر/ی/بشر/ی/سر/چشم/ہ/ہا/ی/عرفان/ی/یافت/می/شو/د/د/۱۸ نکواڑ

گزینہ (۳) کلام/ی/عارف/ان/رنگ/و/جلوہ/ای/دیگر/دار/د/د/و/عشق/بہ/معبود/است/از/۱۷ نکواڑ

گزینہ (۴) در/تحمید/تہ/ہا/ی/زبان/ی/فارس/ی/نوع/ی/براعت/ی/استہلال/دید/ہ/می/شو/د/د/۱۹ نکواڑ

۲۰۰۹- گزینہ (۳) گروه بدلی: «داستان‌نویس پر آوازه و موفق معاصر/ء/ای/س/ت/ان/ن/ن/ی/س/پ/ء/ء/ا/ا/ز/ا/م/م/م/ء/و/ف/ف/ق/م/م/ع/ا/ص/ر/۳۹ واج

۳۰ اگر کلمات را بخش (ہجا) کنیم، تعیین واج‌ها بسیار راحت‌تر است.

۲۰۱۰- گزینہ (۴) عبارت سؤال: اگر/نا/محرم/ان/از/اسرار/ی/عرفا/آگاہ/شو/ند/احتمال/ی/تکفیر/و/تغزیر/و/دیگر/پی/آمد/ہا/ی/نا/گوار/در/کار/خواہ/د/د/۲۹ نکواڑ

گزینہ (۱) واژہ/ہا/ی/زبان/ی/متداول/برای/بیان/ی/باور/ہا/و/جہان/بین/ی/ی/عرفا/و/صوف/ی/ان/نا/رس/ا/بود/د/د/۲۶ نکواڑ

گزینہ (۲) در/دین/ی/اسلام/واژہ/ہا/ی/وجود/دار/د/د/کہ/در/دین/ی/دیگر/ی/این/واژہ/ہا/معادل/و/کار/برد/ی/ن/دار/د/د/۲۷ نکواڑ

گزینہ (۳) از/واژہ/ہا/ی/رایج/در/یک/مکتب/برای/بیان/ی/باور/ہا/ی/مکتب/ی/دیگر/بہ/سخت/ی/می/توان/استفادہ/کرد/از/۲۵ نکواڑ

گزینہ (۴) صوف/ی/ان/با/زبان/ی/معمول/ن/می/توانست/ند/مفہیم/ی/عرفان/ی/را/بیان/کن/ند/زیرا/امکان/ی/لغز/ی/ش/برای/شنو/ندہ/بود/از/۲۹ نکواڑ

۲۰۱۱- گزینہ (۱) گروه بدلی: «اثر شیخ شیرازی، شاعر و نویسنده‌ی ایرانی/ء/ا/ت/ث/ر/ر/ش/ی/خ/ی/ش/ی/ز/ی/ش/ا/ع/ر/و/ن/ی/و/ی/س/ن/د/د/ی/ء/ی/ر/ن/ی/۴۱ واج

۳۰ «اثر شیخ شیرازی» بدل از سعدی‌نامہ است و «شاعر و نویسنده‌ی ایرانی» بدل از شیخ شیرازی.

۲۰۱۲- گزینہ (۴) گزارہی گزینہ (۱) گزارہ/ی/انتشار... آفرید/با/انتشار/ی/افسانہ/فضا/ی/تازہ/ای/در/شعر/ی/فارس/ی/آفرید/از/۱۵ نکواڑ

گزارہی گزینہ (۲) زمینہ‌ساز... شد/زمین/ہ/ساز/ی/تحول/در/جامعہ/ی/ایران/ی/شد/از/۱۲ نکواڑ

گزارہی گزینہ (۳) از/مہم‌ترین... است/از/مہم/ترین/موضوع/ات/ی/نثر/و/شعر/ی/انقلاب/ی/اسلام/ی/است/از/۱۶ نکواڑ

گزارہی گزینہ (۴) بہ/سرودہ‌های... است/بہ/سرود/ہ/ہا/ی/معلم/نمایز/و/ارز/ی/ش/ی/خاص/ی/بخشید/ہ/است/از/۱۷ نکواڑ

۳۰ دقت کنید در صورت سؤال نکواڑهای گزارہ خواستہ شدہ است نہ ہمہی نکواڑھا!

۲۰۱۳- گزینہ (۲) نکواڑھا: برای/ایجاد/ی/دل/نشین/ی/و/شیرین/ی/در/ہر/اثر/گوی/ندہ/گان/و/نویس/ندہ/گان/شگرد/ہا/ی/گون/ا/گون/ی/دار/د/د/۲۸ نکواڑ

واژہ‌ها: برای/ایجاد/ی/دل‌نشینی/و/شیرینی/در/ہر/اثر/گویندگان/و/نویسندگان/شگردها/ی/گونگون/دارند/از/۱۶ واژہ

۳۰ «شیرین» واژہ‌ای است سادہ و یک نکواڑ!

۲۰۱۴- گزینہ (۱) نکواڑھا: با/پیش/رفت/ی/صنعت/و/گستر/ی/ش/ی/فنون/ی/ارتباط/ات/اکتون/رسان/ہ/ہا/ی/دید/ار/ی/و/شنید/ار/ی/بہ/کمک/ی/محقق/ان/آمد/ہ/اند/تا/سرعت/و/دقت/ی/پژوہ/ی/ش/ہا/را/ب/افزای/ند/۴۵ نکواڑ

واژہ‌ها: با/پیشرفت/ی/صنعت/و/گسترش/ی/فنون/ی/ارتباطات/اکتون/رسانہ‌ها/ی/دیداری/و/شنیداری/بہ/کمک/ی/محققان/آمده‌اند/تا/سرعت/و/دقت/ی/پژوہش/ہا/را/بیزایند/از/۲۹ واژہ

۳۰ رسانہ/رسان+ہ (بعضی عقیدہ دارند باید «ان» گذراساز را شمرد، البتہ این عقیدہ صحیح است ولی در حالی کہ کلمہ «فعل» باشد. یعنی «ان» گذراساز اگر کلمہ فعل باشد، نکواڑ است و آلا حساب نمی‌شود. می‌بینید کہ در تست کنکور سراسری ہم آن را نشمرده است.)

۳۰ بدیہی است کہ «فنون»، جمع مکسر فن است، نہ جمع سالم و یک نکواڑ محسوب می‌شود.

۲۰۱۵- گزینیه‌ی (۳) تک‌واژه‌ها: زمین/ه/ی/مستعد/ فرهنگ/ ایران/ی/ در/ بر/ خورد/ با/ سر/ چشم/ه/ها/ی/ دین/ی/ اسلام/ بار/ور/ شد/ و/ ایران/ ی/ اصالت/ روان/ی/ و/ گستر/ ش/ روح/ خوش/ را/ در/ اسلام/ یافت/ Ø ← ۴۵ تک‌واژ

واژه‌ها: زمینه/ی/مستعد/ فرهنگ/ ایرانی/ در/ بر/ خورد/ با/ سر/ چشمه‌ها/ی/ دینی/ اسلام/ بارور/ شد/ و/ ایرانی/ اصالت/ روانی/ و/ گسترش/ روح/ خوش/ را/ در/ اسلام/ یافت ← ۳۲ واژه
* روان اگر در معنای روح و نفس باشد یک تک‌واژ محسوب می‌شود ولی اگر در معنای جاری باشد ۲ تک‌واژ.

۲۰۱۶- گزینیه‌ی (۱) تک‌واژه‌ها: اهم/ اهداف/ وظایف/ کتاب/ خانه/ی/ ملی/ ایران/ گرد/ آور/ی/ حفاظت/ ساز/ مان/ ده/ی/ و/ ترویج/ اطلاع/ ات/ مربوط/ به/ آثار/ کتاب/ و/ نا/ مکتوب/ است/ Ø ← ۳۶ تک‌واژ
واژه‌ها: اهم/ اهداف/ وظایف/ کتابخانه/ی/ ملی/ ایران/ گرد/ آور/ی/ حفاظت/ سازماندهی/ و/ ترویج/ اطلاعات/ مربوط/ به/ آثار/ مکتوب/ و/ نامکتوب/ است ← ۲۷ واژه

* ملی در کنکور سراسری یک تک‌واژ شمرده شده است و به صورت «ملت + ی» تجزیه نشده است. به هر حال نظر کنکور ملاک است چه درست چه غلط!!

۲۰۱۷- گزینیه‌ی (۱) واژه‌ها: دانش‌نامه/ی/ ایران/ و/ اسلام/ شامل/ اطلاع/ فراوان/ در/ تاریخ/ و/ فرهنگ/ ایران/ و/ حکومت/ اسلامی/ از/ روز/گار/ کهن/ تا/ عصر/ حاضر/ است/ Ø ← ۲۹ واژه

تک‌واژه‌ها: دان/ ش/ نامه/ی/ ایران/ و/ اسلام/ شامل/ اطلاع/ ات/ فراوان/ در/ تاریخ/ و/ فرهنگ/ ایران/ و/ حکومت/ اسلام/ی/ از/ روز/گار/ کهن/ تا/ عصر/ حاضر/ است/ Ø ← ۳۵ تک‌واژ
* بارها گفته‌ایم که «نامه» یک تک‌واژ است (نامه ≠ نام + ه)

۲۰۱۸- گزینیه‌ی (۴) تک‌واژه‌ها: حیرت/ آفرین/ی/ یک/ی/ از/ ویژه/ گی/ ها/ی/ شعر/ زیب/ است/ Ø و/ بسیار/ی/ از/ تشبیه/ ات/ در/ ذهن/ بشر/ شگفت/ ی/ و/ حیرت/ می/ آفرین/ = د ← ۳۳ تک‌واژ

واژه‌ها: حیرت آفرینی/ یکی/ از/ ویژگی‌ها/ی/ شعر/ زیبا/ است/ و/ بسیاری/ از/ تشبیهات/ در/ ذهن/ بشر/ شگفتی/ و/ حیرت/ می‌آفریند ← ۲۱ واژه

۲۰۱۹- گزینیه‌ی (۴) واژه‌ها: ملت/ مسلمان/ ما/ اغلب/ در/ سخنان/ و/ نوشته‌ها/ی/ خود/ با/ ذکر/ تمام/ یا/ بخشی/ از/ یک/ آیه/ یا/ حدیث/ بر/ تأثیر/ سخن/ و/ نوشته/ی/ خویش/ می‌افزایند ← ۳۲ واژه

تک‌واژه‌ها: ملت/ مسلمان/ ما/ اغلب/ در/ سخن/ ان/ و/ نوشت/ ه/ ها/ی/ خود/ با/ ذکر/ تمام/ یا/ بخش/ ی/ از/ یک/ آیه/ یا/ حدیث/ بر/ تأثیر/ سخن/ و/ نوشت/ ه/ ی/ خویش/ می‌افزای/ = د ← ۳۹ تک‌واژ

۲۰۲۰- گزینیه‌ی (۱) واژه‌ها: این/ روزها/ اگر/ علم/ و/ فن/ کنونی/ را/ از/ بشر/ بگیرند/ حیات/ برای/ او/ بسیار/ مشکل/ خواهد شد/ ولی/ نسل/ او/ جاویدان/ خواهد بود ← ۲۴ واژه

تک‌واژ: این/ روز/ ها/ اگر/ علم/ و/ فن/ کنون/ ی/ را/ از/ بشر/ ب/ گیر/ = ند/ حیات/ برای/ او/ بسیار/ مشکل/ خواه/ = د/ شد/ ولی/ نسل/ او/ جاوید/ ان/ خواه/ = د/ بود ← ۳۳ تک‌واژ

* کل فعل یک واژه است. (مثال: خواهد شد (۱ واژه))

* فعل مستقبل شناسه‌ی محذوف (Ø) ندارد.

* «برای، بدون و...» یک تک‌واژند.

۲۰۲۱- گزینیه‌ی (۱) تک‌واژه‌ها: غالب/ مورّخ/ ان/ و/ پزوه/ ش/ گر/ ان/ نوشت/ ه/ اند/ که/ وی/ کور/ مادر/ زاد/ بود/ Ø اما/ در/ اشعار/ وی/ نشان/ ه/ ها/ یی/ است/ Ø که/ به/ احتمال/ در/ روز/گار/ جوان/ ی/ بین/ ا/ بود/ ه/ است/ Ø ← ۴۶ تک‌واژ

واژه‌ها: غالب/ مورّخان/ و/ پژوهش‌گران/ نوشته‌اند/ که/ وی/ کور/ مادر/ زاد/ بود/ اما/ در/ اشعار/ وی/ نشانه‌هایی/ است/ که/ به/ احتمال/ در/ روز/گار/ جوانی/ بینا/ بوده است ← ۲۸ واژه

۲۰۲۲- گزینیه‌ی (۱) تک‌واژه‌ها: در/ عصر/ جدید/ به/ شیوه/ی/ اروپا/ یی/ از/ یک/ سو/ نثر/ ابداع/ ی/ و/ تخیل/ ی/ نوشت/ ه/ شد/ Ø و/ از/ سو/ یی/ در/ نثر/ ها/ ی/ دیگر/ چون/ مقاله/ و/ تحقیق/ استدلال/ و/ دقت/ نظر/ راه/ یافت/ Ø ← ۴۴ تک‌واژ

واژه‌ها: در/ عصر/ جدید/ به/ شیوه/ی/ اروپایی/ از/ یک/ سو/ نثر/ ابداعی/ و/ تخیلی/ نوشته شد/ و/ از/ سو/ یی/ در/ نثرها/ ی/ دیگر/ چون/ مقاله/ و/ تحقیق/ استدلال/ و/ دقت/ نظر/ راه/ یافت ← ۳۵ واژه

* «راه یافت» دو واژه است چرا که «راه» مفعول است و «یافت» فعل. می‌دانیم که هر چه نقش بگیرد، واژه است.

* «دقت نظر» یک ترکیب اضافی است. نه یک واژه (دقت + نظر)!

۲۰۲۳- گزینیه‌ی (۳) تک‌واژه‌ها: اوج/ و/ حضيض/ حکومت/ مسعود/ از/ همه/ عبرت/ انگیز/ تر/ است/ Ø در/ اول/ چیز/ ی/ که/ هست/ Ø کام/ یاب/ ی/ و/ پیش/ رفت/ است/ Ø و/ در/ پایان/ موانع/ و/ سخت/ ی/ ها/ بر/ او/ می/ تاز/ = ند ← ۴۲ تک‌واژ

واژه‌ها: اوج/ و/ حضيض/ حکومت/ مسعود/ از/ همه/ عبرت‌انگیز تر/ است/ در/ اول/ چیزی/ که/ هست/ کامیابی/ و/ پیشرفت/ است/ و/ در/ پایان/ موانع/ و/ سختی‌ها/ بر/ او/ می‌تازند ← ۲۹ واژه

۲۰۲۴- گزینیه‌ی (۲) تک‌واژه‌ها: کتاب/ ها/ ی/ خاطره/ ات/ بر/ حسب/ زمین/ ه/ ی/ ذهن/ ی/ و/ طرز/ تفکر/ و/ نظر/ گاه/ و/ سلیقه/ ی/ نویس/ = نده/ طبیعت/ و/ جلوه/ ی/ متفاوت/ دار/ = د ← ۳۲ تک‌واژ

واژه‌ها: کتاب‌ها/ ی/ خاطرات/ بر/ حسب/ زمین/ ه/ ی/ ذهنی/ و/ طرز/ تفکر/ و/ نظر/ گاه/ و/ سلیقه/ ی/ نویسنده/ طبیعت/ و/ جلوه/ ی/ متفاوت/ دارد ← ۲۵ واژه

۲۰۲۵- گزینیه‌ی (۳) تک‌واژه‌ها: شعر/ در/ عصر/ سامان/ ی/ آمیخت/ ه/ با/ چاشنی/ بد/ بین/ ی/ و/ تلخ/ کام/ ی/ است/ Ø و/ الگو/ ی/ بر/ جست/ ه/ ی/ این/ نوع/ شعر/ در/ نزد/ شعرا/ ی/ این/ عهد/ یافت/ ه/ می/ شو/ = د ← ۴۲ تک‌واژ
واژه‌ها: شعر/ در/ عصر/ سامانی/ آمیخته/ با/ چاشنی/ بدبینی/ و/ تلخ‌کامی/ است/ و/ الگو/ ی/ برجسته/ ی/ این/ نوع/ شعر/ در/ نزد/ شعرا/ ی/ این/ عهد/ یافته می‌شود ← ۲۹ واژه

۲۰۲۶- گزینیه‌ی (۴) گزینیه‌ی (۱) اگر/ هم/ رمان/ نویس/ رسالت/ ی/ داشت/ ه/ باش/ = د/ به/ تر/ است/ Ø به/ طور/ غیر/ مستقیم/ حرف/ ش/ را/ ب/ زن/ = د ← ۲۶ تک‌واژ

گزینیه‌ی (۲) فقدان/ نیرو/ ی/ ایمان/ عامل/ اصل/ ی/ تمام/ ضعف/ ها/ در/ جوانب/ مختلف/ فرهنگ/ و/ ادب/ روز/ گار/ ما/ است/ Ø ۲۹ تک‌واژ
گزینیه‌ی (۳) وظیفه/ ی/ نقد/ ادب/ ی/ تجزیه/ و/ تحلیل/ و/ شکافت/ = ن/ ن/ مسائل/ ی/ است/ Ø که/ یک/ خوان/ = نده/ ی/ عام/ ی/ از/ عهد/ اش/ بر/ می/ آید/ = د ← ۳۱ تک‌واژ

گزینیه‌ی (۴) همیشه/ شاهد/ این/ نکته/ بود/ ه/ ایم/ که/ قلّه/ ها/ ی/ ادب/ ما/ کس/ ان/ ی/ بود/ ه/ اند/ که/ عمق/ انسان/ ی/ کار/ شان/ جلب/ نظر/ می/ کن/ = د ← ۳۵ تک‌واژ

۲۰۲۷- گزینیه‌ی (۲) گزینیه‌ی (۱): تبیین ← ص م ص م ص م ص (۶ واج)/ گزینیه‌ی (۲): جَریان ← ص م ص م ص م ص (۷ واج)/ گزینیه‌ی (۳): بستر ← ص م ص م ص م ص (۶ واج)/ گزینیه‌ی (۴): شناخت ← ص م ص م ص م ص (۶ واج)
* هسته‌ی یک گروه اسمی، اولین کلمه‌ای است که در گروه، کسره‌ی اضافه بگیرد (بجز کلمه‌ی «همه»).

* تلفظ صحیح جریان، «جَریان» است. همچنین است جَوَلاَن، نه جُولان.

۲۰۲۸- گزینیه‌ی (۲) واژه‌ها: در/ شعر/ باغ/ من/ شاعر/ به/ توصیف/ پاییز/ می‌پردازد/ و/ پاییز/ را/ نه/ فصل/ بی‌حاصلی/ و/ خشکی/ و/ نازیبایی/ که/ مظهر/ زیبایی/ و/ پادشاه/ فصل‌ها/ می‌داند ← ۳۲ واژه

تک‌واژه‌ها: در/ شعر/ باغ/ من/ شاعر/ به/ توصیف/ پاییز/ می‌پردازد/ و/ پاییز/ را/ نه/ فصل/ بی‌حاصلی/ و/ خشکی/ و/ نازیبایی/ که/ مظهر/ زیبایی/ و/ پادشاه/ فصل‌ها/ می‌دان/ = د ← ۴۵ تک‌واژ

۲۰۲۹- گزینۀ (۳) واژه‌ها: شاعر/ زمان/ ما/ قبل/ از/ آن/ که/ به/ زندگی/ بیندیشد/ به/ این/ می‌اندیشد/ که/ در/ تاریخ/ ادبیات/ آيا/ کدام/ تجربه/ را/ به/ نام/ او/ خواهند نوشت ← ۲۹ واژه

تک‌واژه‌ها: شاعر/ زمان/ ما/ قبل/ از/ آن/ که/ به/ زنده/ گی/ ب/ اندیش/ د/ به/ این/ می‌اندیش/ د/ که/ در/ تاریخ/ ادب/ ی/ یات/ آيا/ کدام/ تجربه/ را/ به/ نام/ او/ خواه/ د/ ن/ نوشت ← ۳۸ تک‌واژه

* خواهند نوشت ← خواه + د + ن + نوشت (دقت کنید که فعل آینده، شناسه‌ی محذوف (Ø) ندارد و شناسه‌ی آن موجود و پس از «خواه» می‌آید).

* اگر به عبارت سؤال دقت کنیم، متوجه می‌شویم که این عبارت دارای اشکال نگارشی است (آیا کدام) که این اشکال ارتباطی با تک‌واژه شماری ندارد.

۲۰۳۰- گزینۀ (۴) تک‌واژه‌ها: نثر/ تاریخ/ ی/ در/ قرن/ پنج/ م/ در/ کتاب/ تاریخ/ بی‌هیچ/ ی/ اوج/ و/ اعتبار/ خاص/ ی/ یافت/ Ø ← ۲۴ تک‌واژه
واژه‌ها: نثر/ تاریخی/ در/ قرن/ پنج/ در/ کتاب/ تاریخ/ بی‌هیچ/ اوج/ و/ اعتبار/ خاص/ یافت ← ۱۹ واژه

۲۰۳۱- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱): در کلمه‌ی کاروان هیچ تک‌واژه اشتقاقی نداریم (کلاً یک تک‌واژه است). گزینۀ (۲): بارور و پیروزه‌گون فقط یک تک‌واژه اشتقاقی دارند. گزینۀ (۳): جهان‌گشایی فقط یک تک‌واژه اشتقاقی دارد. («ی» آخر) گزینۀ (۴): شکب + ی/ خور + ی/ ش + گر/ ره + آ + ش/ وا + بست + ه

۲۰۳۲- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱) ادب/ ی/ یات/ ی/ که/ از/ طریق/ فرست/ نده/ ها/ عرضه/ شو/ د/ تأثیر/ گذشت/ ه/ ی/ خود/ را/ از/ دست/ خواه/ د/ داد ← ۲۶ تک‌واژه

گزینۀ (۲) شرط/ اساس/ ی/ توفیق/ داستان/ کوتاه/ نمای/ اند/ ن/ گوش/ ه/ ای/ از/ روان/ آدم/ ی/ است/ Ø ← ۲۴ تک‌واژه

گزینۀ (۳) در/ تربیت/ فرزند/ ان/ ایران/ زبان/ فارس/ ی/ که/ مفتاح/ تفکر/ ایران/ ی/ است/ Ø/ اهم/ یت/ ی/ خاص/ پیدا/ می/ کن/ د ← ۲۸ تک‌واژه
گزینۀ (۴) کام/ یاب/ ی/ ها/ ی/ علم/ ی/ بشر/ ناشی/ از/ عطش/ درون/ ی/ شعله/ ی/ مرموز/ ی/ است/ Ø/ برای/ دریافت/ ن/ و/ کشف/ کرد/ ن/ ← ۲۹ تک‌واژه

۲۰۳۳- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱) این/ طرز/ تعلیم/ متأسف/ انه/ از/ کودک/ ستان/ و/ دبستان/ شروع/ می/ شو/ د/ و/ تا/ دان/ ش/ گاه/ ادامه/ می/ یاب/ د ← ۲۴ تک‌واژه

گزینۀ (۲) در/ رو/ ش/ آموزش/ ش/ کنون/ ی/ توجه/ به/ فهمید/ ن/ به/ جا/ ی/ حفظ/ کرد/ ن/ به/ صورت/ شعار/ ی/ در/ آمد/ ه/ است/ Ø ← ۲۹ تک‌واژه

گزینۀ (۳) در/ این/ رو/ ش/ به/ جا/ ی/ بهره/ بر/ دار/ ی/ کامل/ از/ این/ قدرت/ ذهن/ بیش/ تر/ با/ ذهن/ به/ بازی/ می/ پرداز/ د ← ۲۷ تک‌واژه

گزینۀ (۴) توجه/ به/ کم/ یت/ جهان/ بین/ ی/ را/ وسعت/ می/ بخش/ د/ و/ عدم/ توجه/ به/ آن/ ما/ را/ در/ درون/ پيله/ ای/ از/ محدود/ یت/ جا/ می/ ده/ د ← ۳۲ تک‌واژه

* «دبستان» یک تک‌واژه است (ساختار قدیمی دبستان را دارد).
* «بهره» یک تک‌واژه است، نه دو تک‌واژه!

۲۰۳۴- گزینۀ (۳) تک‌واژه‌ها: عشق/ خود/ هم/ راه/ و/ هم/ راه/ بر/ است/ Ø/ و/ مقام/ و/ منصب/ را/ در/ آن/ جای/ گاه/ ی/ ن/ است/ Ø ← ۲۳ تک‌واژه
واژه‌ها: عشق/ خود/ هم/ راه/ و/ هم/ راهبر/ است/ و/ مقام/ و/ منصب/ را/ در/ آن/ جایگاهی/ نیست ← ۱۷ واژه

۲۰۳۵- گزینۀ (۳) تک‌واژه‌ها: شهر/ یار/ شاعر/ ی/ است/ Ø/ که/ در/ زمین/ ه/ ها/ ی/ متنوع/ و/ گون/ ا/ گون/ به/ سرود/ ن/ اشعار/ پرداخت/ ه/ است/ Ø ← ۲۶ تک‌واژه

واژه‌ها: شهریار/ شاعری/ است/ که/ در/ زمینه‌ها/ ی/ متنوع/ و/ گوناگون/ به/ سرودن/ اشعار/ پرداخته است ← ۱۵ واژه

* شهریار ← شهر + یار (یار شهر، یار مردم شهر)

* زمینه ← زمین + ه (زمینه‌ی هر چیز، زمین آن چیز است!)

۲۰۳۶- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) ← وظیفه/ ی/ مترجم/ ادب/ ی/ آن/ ن/ است/ Ø/ که/ مطلب/ را/ ب/ جو/ د/ و/ در/ دهان/ خوان/ د/ نده/ ب/ گذار/ د ← ۲۵ تک‌واژه

گزینۀ (۲) ← ترجمه/ ی/ خوب/ آن/ است/ Ø/ که/ هر/ چه/ بیش/ تر/ از/ اصل/ با/ خود/ هم/ راه/ داشت/ ه/ باش/ د ← ۲۱ تک‌واژه

گزینۀ (۳) ← سبک/ و/ سطح/ نگار/ ش/ نامه/ ها/ ی/ دوست/ انه/ بای/ د/ متناسب/ با/ سن/ و/ موقع/ و/ مقام/ گیر/ د/ نده/ باش/ د ← ۲۶ تک‌واژه

گزینۀ (۴) ← عدالت/ اجتماع/ ی/ احترام/ به/ قانون/ و/ توجه/ به/ مسئول/ یت/ مایه/ ی/ بقا/ ی/ جوامع/ بشر/ ی/ است/ Ø ← ۲۲ تک‌واژه
* باید ← ۲ تک‌واژه/ نامه ← ۱ تک‌واژه/ نیست ← ۳ تک‌واژه

۲۰۳۷- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱) ← منتقد/ ان/ آثار/ ادب/ ی/ را/ بی/ توجه/ به/ شکل/ ظاهر/ ی/ فقط/ از/ دید/ گاه/ محتوا/ و/ بار/ عاطفه/ ی/ تقسیم/ کرد/ ه/ اند ← ۲۹ تک‌واژه

گزینۀ (۲) ← گوی/ نده/ گان/ بعضی/ داستان/ ها/ در/ به/ گزین/ ی/ واژه/ ها/ که/ کالبد/ اندیش/ ه/ است/ Ø/ بسیار/ ژرف/ نگر/ ی/ نمود/ ه/ اند ← ۲۸ تک‌واژه

گزینۀ (۳) ← مطالعه/ ی/ دقیق/ آثار/ ادب/ ی/ جان/ را/ طراوت/ می/ بخش/ د/ و/ روح/ را/ به/ افق/ ها/ ی/ شفاف/ و/ روشن/ پرواز/ می/ ده/ د ← ۲۸ تک‌واژه

گزینۀ (۴) ← غنا/ ی/ آثار/ ادب/ ی/ ایران/ گواه/ تک/ ا/ ی/ پو/ ی/ فرزانه/ گان/ ادب/ و/ فرهنگ/ ایران/ و/ عصاره/ ی/ روح/ بلند/ آن/ ان/ است/ Ø ← ۳۳ تک‌واژه

* عاطفی ← عاطفه + ی (کلماتی که به «ه» یا «ت» ختم می‌شوند، اگر «ی» نسبت بگیرند، «ه» یا «ت» حذف می‌شود).

* تکاپو ← تک (بن مضارع تکیدن = دوییدن) + ا (میانوند) + پو (بن مضارع بوییدن = حرکت کردن)

۲۰۳۸- گزینۀ (۱) گزینۀ (۱) ← قلم/ رو/ خیال/ بسیار/ وسیع/ و/ پهن/ ا/ و/ است/ Ø/ و/ هر/ چیز/ غیر/ ممکن/ می/ توان/ د/ در/ آن/ جا/ شد/ ن/ ی/ و/ بود/ ن/ ی/ باش/ د ← ۳۴ تک‌واژه

گزینۀ (۲) ← بعضی/ از/ نویس/ نده/ گان/ در/ درون/ خود/ دنیا/ یی/ به/ وجود/ می/ آور/ د/ که/ از/ دنیا/ ی/ برون/ پس/ ی/ زیب/ ا/ تر/ است/ Ø ← ۲۸ تک‌واژه

گزینۀ (۳) ← با/ کنج/ کاو/ ی/ می/ توان/ به/ حقایق/ رسید/ Ø/ و/ موارد/ ی/ را/ که/ صورت/ حدس/ و/ گمان/ داشت/ ه/ اند/ به/ یقین/ مبذل/ ساخت/ Ø ← ۲۸ تک‌واژه

گزینۀ (۴) ← بدون/ تخیل/ و/ تصور/ عالم/ ادب/ از/ صفا/ و/ کمال/ باز/ می/ مان/ د/ و/ شاعر/ و/ داستان/ سرا/ ی/ هنر/ مند/ به/ وجود/ ن/ می/ آور/ د ← ۲۹ تک‌واژه
* «قلمرو» دو تک‌واژه است. (به قسمت درسنامه مراجعه شود).

* «بعضی» یک تک‌واژه است. (با اینکه عده‌ای اعتقاد دارند دو تک‌واژه است ولی کنکور سراسری آن را یک تک‌واژه گرفته و این، ملاک عمل است).

* «رسید» دو تک‌واژه است (رسید + Ø)، گروهی معتقدند باید «ید» ماضی‌ساز را نیز یک تک‌واژه به حساب آوریم ولی نظر غالب این است که علائم ماضی‌ساز را نباید شمرد!

۲۰۳۹- گزینۀ (۴) گزینۀ (۱) ← نویس/ نده/ ی/ خوب/ زبان/ مادر/ ی/ خود/ را/ می/ دان/ د/ و/ قواعد/ آن/ را/ می/ شناس/ د ← ۲۲ تک‌واژه

گزینۀ (۲) ← همه/ ی/ فنون/ با/ عمل/ و/ ممارست/ هم/ راه/ اند/ و/ با/ گذشت/ زمان/ فرا/ گرفت/ ه/ می/ شو/ د ← ۲۱ تک‌واژه

گزینۀ (۳) ← نویس/ نده/ ی/ هنر/ مند/ می/ توان/ د/ در/ هر/ نوع/ سخن/ نکته/ ای/ از/ دانست/ ن/ ی/ ها/ قرار/ ده/ د ← ۲۲ تک‌واژه

گزینۀ (۴) ← نوشت/ ه/ ی/ دل‌انگیز/ آن/ است/ Ø/ که/ ساده/ و/ روان/ باش/ د/ و/ خوان/ د/ نده/ به/ سهولت/ آن/ را/ درک/ کن/ د ← ۲۵ تک‌واژه

* «فنون»، جمع مکسر «فن» است؛ به همین دلیل یک تک‌واژه است.

۲۰۴۰- گزینۀ (۲) تک‌واژه‌ها: با/ گستر/ ش/ شعر/ فارسی/ ی/ در/ عراق/ و/ توجه/ نویس/ نده/ گان/ و/ شاعر/ ان/ به/ علوم/ و/ ادب/ ی/ یات/ در/ شعر/ و/ نثر/ تحول/ ی/ پیدا/ شد/ Ø ← ۳۴ تک‌واژه

واژه‌ها: با/ گسترش/ شعر/ فارسی/ در/ عراق/ و/ توجه/ نویسندگان/ و/ شاعران/ به/ علوم/ و/ ادبیات/ در/ شعر/ و/ نثر/ تحولی/ پیدا/ شد ← ۲۵ واژه

* دقت کنید که «پیدا شد» یک واژه نیست چرا که «پیدا» مسند است و «شد» فعل و هر کدام جداگانه، یک واژه‌اند.

۲۰۴۹- گزینہ (۱) واژه‌ها (۳۸ واژه): شاعران / و / نویسندگان / از / دیرباز / به / رسم / - / خطبه خوانان / و / گویندگان / آغاز / - / دیوان / و / منظومه‌ها / ی / - / بلند / - / خویش / را / به / مناجات / و / راز و نیاز / با / پروردگار / و / نعت / و / ستایش / - / پیامبر / و / اولیا / ی / دین / می / آراسته‌اند /

۲۰۷۱- گزینه‌ی (۱)

تکواژها ← فیلم + نامه + نوع + ی + نمای + ش + نامه + است + Ø + که + بر + مبنا
واژه‌ها ←

ی + طرح + - + آن + فیلم + ها + ی + سینما + یی
واژه‌ها ←

تکواژها ← ی + تلویزیون + ی + ساخت + ه + می + شو + - د (۲۹ تکواژ)

واژه‌ها ←

۲۰۷۲- گزینه‌ی (۲) گروه بدلی ← این موجود زیبا و آسمانی

واژه‌ها ← عین + م + و + جو + د + زی + ی + و + ا + س + م + ا + ن + ی = ۲۴ واج
۳ ۳ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

۲۰۷۳- گزینه‌ی (۱)

جمله‌ی سه جزئی با مسند ← نهاد + مسند + فعل اسنادی

انسان غرق است
↓ ↓ ↓
انسان غرق است

انسان = ن + س + ا ن ← ۶ واج
غرق = غ + ر ق ← ۴ واج
است = ا + س + ت ← ۴ واج

۲۰۷۴- گزینه‌ی (۲) کتاب + - یی + نوا + یان + - + هوگو + ماجرا + یی + مردم

+ تیره + روز + و + بخت + بر + گشت + ه + ای + است + Ø + که + یا + دشوار
+ ی + ها + ی + زنده + گی + رو + به + رو + بود + ه + اند (۲۰ واژه و ۳۵ تکواژ)

۲۰۷۵- گزینه‌ی (۲) گروه مسندی عبارت ← طرفدار محسنین و تحقیر کننده‌ی منافقین

واژه‌ها ← ط + ر / د / ر / ف / د / ا / ر / م / ا / ح / س / ن / ی / ن / و / ت / ا / ح / ق
ق / ی / ر / ک / ن / د / ن / د / ی / ا / م / ن / ا / ف / ق / ی / ن / ا ← ۴۳ واج

۲۰۷۶- گزینه‌ی (۴)

گزینه‌ی (۱) ← لاک‌پ: ل / ل / ا / ا / ی / ل / ا / و / ا ← ۶ واج
اشمئزاز: ا / ا / ش / ا / ز / ا / ز / ا / ز / ا ← ۹ واج

گزینه‌ی (۲) ← تبث: ت / ب / ا / ت / ت / ت / ا / ل / ا ← ۸ واج
تث: ت / ا / ق / ا / ت / ا ← ۵ واج

گزینه‌ی (۳) ← تهجد: ت / ه / ا / ج / ا / ج / ا / د / ا ← ۸ واج
بیاض: ب / ا / ی / ا / ض / ا ← ۵ واج

گزینه‌ی (۴) ← نزهتگه: ن / ز / ه / ا / ت / گ / ا / ه / ا ← ۹ واج
خوالیگر: خ / ا / ل / ل / ی / گ / ا / ر / ا ← ۷ واج

۲۰۷۷- گزینه‌ی (۲)

تکواژ ← دبیر + ان + از + شیوه + ها + ی + متفاوت + و + گون + ا + گون + و +
واژه ←

تدریس + استقاده + می + کن + - ند + تا + جریان + - + یاد + ده + ی + و
تکواژ ←

یاد + گیر + ی + با + سهولت + - + بیش + تر + ی +
تکواژ ←

انجام + شو + - د ← ۳۶ تکواژ

واژه ← ۲۳ واژه

۲۰۷۸- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← باز + گرد + اند + د + ه + است + Ø

تکواژ ← ۷ تکواژ

گزینه‌ی (۲) ← بازرگان + ی + خویش + گذر + ان / ← ۵ تکواژ

گزینه‌ی (۳) ← پی + آمد + ها + ی + اجتماع + ی / ← ۶ تکواژ

گزینه‌ی (۴) ← شیوه + ها + ی + هنجار + شکن + انه / ← ۶ تکواژ

۲۰۷۹- گزینه‌ی (۳) بدل ← شرح حوادث و رویدادها و اندیشه‌ها و تحولات

روحی و فکری انسان‌ها

واژه‌ها ← شرح - حوادث و رویدادها و اندیشه‌ها و تحولات = روحی و فکری = انسان‌ها

واژه ← ۱۵ واژه

۲۰۶۰- گزینه‌ی (۴) تکواژها ← ره + ا + یی + - + در + ماند + ه + گان + -

+ شیطان + پرست + در + گردن + نهاد + ن + به + فرمای + ش + ها + ی +
پیام + بر + - + بزرگ + وار + - + اسلام + است + Ø ← ۲۹ تکواژ

۲۰۶۱- گزینه‌ی (۳) گروه مسندی ← جولانگاه‌های خیال

تکواژها ← جولان + گاه + - + پروانه + ها + - + خیال / ← ۷ تکواژ

۲۰۶۲- گزینه‌ی (۴)

م ت ع س س س س س س س
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

۲۰۶۳- گزینه‌ی (۱) تکواژهای (الف) ← به / همین / سبب / در / سر / گذشت

و / یا / شرح / - / قهرمان / ی / ها / ی / پهلوان / ان / دخالت / ی / ن / می / ورز / - د /

تکواژهای (ب) ← در / این / نوع / شعر / هیچ / گاه / عواطف / - / شخص / ی / - / خود /
را / در / اصل / - / داستان / وارد / ن / می / کن / - د /

۲۰۶۴- گزینه‌ی (۲) تکواژها ← در / خرد / و / بین / ا / ش / او / را / هم / تا / یی /

ن / است / Ø / از / هر / چه / گمان / می / رو / - د / زیب / ا / تر / است / Ø / یا / خرد /
مند / ی / و / زیب / ا / یی / شکوه / و / جلال / ی / بی / مانند / دار / - د /

واژه‌ها ← در / خرد / و / بینش / او / را / همتایی / نیست / از / هر / چه / گمان / می / رود /
زیباتر / است / یا / خردمندی / و / زیبایی / شکوه / و / جلالت / بی / مانند / دارد /

۲۰۶۵- گزینه‌ی (۴) تکواژها: قهرمان / ان / و / شخص / یت / ها / ی / داستان /

کس / ان / ی / هست - ند / که / با / رفت / ار / ها / و / گفت / ار / ها / ی / خود / داستان /
را / به / وجود / می / آور - ند

واژه‌ها ← قهرمانان / و / شخصیت‌ها / ی / داستان / کسانی / هستند / که / با / رفتارها / و /
گفتارها / ی / خود / داستان / را / به / وجود می / آورند /

۲۰۶۶- گزینه‌ی (۴) گروه مسندی: «نمودار آرمان‌های ملت ایران»

واژه‌ها ← ن - د + و + دا + ر + ا + م + ا + م + ه + ا + ی + - م + د + ل + ل + ت + - +
۲ ۲ ۲ ۲ ۳ ۲ ۳ ۲ ۳ ۲

ا + ی + ران ← ۳۰ واج
۳ ۲

۲۰۶۷- گزینه‌ی (۲) تکواژها ← نه / عمر / - / رستم / واقع / یت / است / Ø

نه / روی / ین / تن / ی / - / اسفندیار / و / نه / وجود / - / سی / مرغ / اما / همه / حقیقت /
است / Ø / و / این / تبلور / - / اغراق / آمیز / - / آرمان / ها / ی / بشر / است / Ø / در /

وجود / - / پهلوان / ان / - / خیال / ی / زنده / گی / - / رستم / واقع / یت / ن / است / Ø /
واژه‌ها ← نه / عمر / - / رستم / واقعیت / است / نه / رویین تنی / - / اسفندیار / و / نه /
وجود / - / سیمرغ / اما / همه / حقیقت / است / و / این / تبلور / - / اغراق / آمیز / - / آرمان / ها /

ی / بشر / است / در / وجود / - / پهلوانان / - / خیالی / زندگی / - / رستم / واقعیت / نیست /

۲۰۶۸- گزینه‌ی (۴)

تکواژ ← مرد + ی + بود + Ø + پنجاه + و + چند + سال + ه + چهار + شانه + و +

واژه ← اندک + ی + فربه + شکم + سینه + ای + بر + جست + ه + داشت + Ø + و +

تکواژ ← ریش + - + جو + گندم + ی + - + خود + را + از +
تکواژ ←

ته + می + زد + Ø (۳۷ تکواژ)

واژه ← (۲۰ واژه)

۲۰۶۹- گزینه‌ی (۱) گروه بدلی ← پر افتخارترین اثر حماسی ایران

می‌دانیم گروه‌ها سه نوع هستند: اسمی، قیدی و فعلی، حال

به گروه‌های عبارت دقت کنید:

صبح زلال، چون آب گوارای چشمه‌ها، از کرانه‌ی خاور، برمی‌تراود و روشنایی نیلگون خود را

گروه اسمی گروه قیدی (متمم قیدی) گروه فعلی گروه اسمی

به زمین می‌بخشد.

گروه اسمی گروه فعل

درس سوم زبان فارسی ۳

- ۲۱۲۵- گزینه‌ی (۲) استفاده از حرف اضافه‌ی «از» برای بهره‌مند و مشتاق هر دو با هم صحیح نیست! (با شنیدن مشتاق شدم!)
- ۲۱۲۶- گزینه‌ی (۲) سایر موارد از موارد ویرایش زبانی است.
- ۲۱۲۷- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴) جابه‌جایی ارکان جمله وجود دارد. (البته در مصراع دوم بیت گزینه‌ی (۱) نیز جابه‌جایی ارکان جمله دیده می‌شود و به نظر می‌رسد تست ایراد دارد!!)
- ۲۱۲۸- گزینه‌ی (۱) مرور علائم نشانه‌گذاری از کتاب زبان فارسی سال اول که خلاصه‌ی آن در درس سوم زبان فارسی آمده، توصیه می‌شود!! (می‌توانید این جدول را در پاسخنامه‌ی فصل پنجم کتاب پنج بحث زبان فارسی نشر الگو بخوانید!)
- ۲۱۲۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) «فعل‌های «خواهند شد» و «بمانند» با هم مطابقت زمانی ندارند. کلمه‌ی «متوجه» در این عبارت زائد است.
- گزینه‌ی (۲) «را»ی مفعولی باید بعد از مفعول (دانش و بینشی) بیاید، نه بعد از جمله‌ی توضیحی آن!
- گزینه‌ی (۴) «فعل می‌کنند» بعد از «اختیار» بدون قرینه‌ی لفظی حذف شده است.
- ۲۱۳۰- گزینه‌ی (۳) ۱- فعل «بود» بعد از آگاه بدون قرینه‌ی لفظی حذف شده است.
- ۲- «شئون» جمع‌الجمع است. (شأن شئون شئونات)
- ۳- بر علیه (به جای آن باید از «علیه» یا «بر ضد» استفاده کرد.)
- ۴- بناحق «(به ناحق» صحیح است. حرف اضافه نباید به متمم بچسبد.)
- ۵- نگارشات «نگارش» فارسی است و نباید با «ات» عربی جمع بسته شود.)
- ۶- «امورات» جمع‌الجمع است. (امر امور امورات)
- ۷- حرف اضافه‌ی متفاوت «با» است، نه «از». (متفاوت با دیگر آثار)
- ۲۱۳۱- گزینه‌ی (۱) «برخوردار بودن» با امور مثبت می‌آید، در حالی که «افق دید ضعیف» امری است منفی!
- ۲۱۳۲- گزینه‌ی (۱) فعل «شد» بعد از «صادر» بدون قرینه‌ی لفظی درست، حذف شده است که غلط می‌باشد. درست گزینه‌ی (۱) چنین است:
- «اطلاعه‌ی مهمی از جانب رئیس جمهوری صادر شد و صحت تصمیمات گرفته شده تحقق یافت.»
- ۲۱۳۳- گزینه‌ی (۱) انجام غلط است و باید به جای آن از «اجرا» استفاده نمود.
- ۲۱۳۴- گزینه‌ی (۴) حرف اضافه علاقه‌مند «به» است، نه «از». پس گزینه‌ی (۴) باید چنین باشد. (تا باد چنین باد!!)
- «آل احمد در ترجمه... هر شخص علاقه‌مند به حقیقت باید...»
- ۲۱۳۵- گزینه‌ی (۴) بعد از «به قول معروف» قول معروف (ضرب‌المثل یا...) نیامده است.
- ۲۱۳۶- گزینه‌ی (۱) نشانه‌ی مفعولی «را» باید بعد از مفعول (عقاید و افکار فلسفی و مذهبی) به کار رود. درست جمله چنین است:
- «اسطوره مانند رؤیا، عقاید و افکار فلسفی و مذهبی را که در زمان و مکان اتفاق افتاده‌اند، به زبان سمبلیک بیان می‌کند.»
- ۲۱۳۷- گزینه‌ی (۴) «برخوردار بودن» برای امور مثبت است، در حالی که «سستی درک و فهم» امری منفی است.
- ۲۱۳۸- گزینه‌ی (۳) «سوابق گذشته» حشو می‌باشد.
- * در گزینه‌های (۱) و (۴) حذف فعل به قرینه‌ی لفظی درست است.
- ۲۱۳۹- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) «استفاده از لغت «چاکر» از مصداق‌های عامیانه‌نویسی است./ «را» مفعولی باید بعد از «رضایت مخدوم» که مفعول است، به کار رود.
- گزینه‌ی (۳) «آیا چگونه» غلط است. دو قید پرسش را نباید هم‌زمان به کار برد.
- گزینه‌ی (۴) «کاربرد» به قول معروف غلط است، چرا که بعد از آن قول معروف (ضرب‌المثل و...) نیامده است.
- ۲۱۴۰- گزینه‌ی (۳) حرف اضافه‌ی «خارج کردن»، «از» است، نه «در»؛ درست گزینه‌ی (۳) چنین است: «نویسنده با گنج‌نبدن مفاهیم و اصطلاحات امروزی در داستان، نوشته را از حالت متعارف آن خارج کرده است.»
- ۲۱۴۱- گزینه‌ی (۱) به کار بردن «نه تنها، بلکه، هم‌چنین، نیز» به طور هم‌زمان غلط است و صورت صحیح آن چنین است: «نه تنها... بلکه...»

۲۱۴۲- گزینه‌ی (۴) ۱- پایان اواخر حشو است.

- ۲- فعل «بود» بعد از «نشده» بدون قرینه حذف شده است.
- ۳- «او» برای «نثر فارسی» به کار رفته است که غلط است، چرا که او برای انسان به کار می‌رود. باید از «آن» استفاده شود.
- ۴- «عهد و زمان» از نمونه‌های مترادف زائد است و یکی از آن‌ها باید حذف شود.
- ۵- «نویسنده‌گانی» غلط املائی است.
- ۶- فعل «شد» با نهادش (نویسنده‌گانی) مطابقت ندارد.
- ۷- «برخوردار بودن» از ضعف و سستی غلط است، چرا که «برخوردار بودن» با امور مثبت به کار می‌رود.
- ۲۱۴۳- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳)، «را» مفعولی بعد از مفعول نیامده است، بلکه بعد از جمله‌ی توضیحی مربوط به مفعول آمده که غلط است. گزینه‌ی (۳) باید چنین باشد:
- «قرخی، بخش عمده‌ای از قضایدی را که سروده است، به مدح سلاطین و بزرگان عصر خویش پرداخته است.»
- ۲۱۴۴- گزینه‌ی (۳) «مسئله» در گزینه‌ی (۳)، اشتباه است، چرا که «مسئله» در جایی به کار می‌رود که واقعاً مسئله‌ای با فرض و حکم در کار باشد، نه به معنی مشکل و دشواری!
- ۲۱۴۵- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲)، بین نهاد (مطالعه‌ی دقیق و عمیق...) که مفرد است و فعل (می‌بخشند) مطابقت وجود ندارد.
- * رعایت قواعد مطابقت نهاد و فعل در ویرایش الزامی است!!
- ۲۱۴۶- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) شامل (باید از مشمول استفاده کرد، چرا که شامل یعنی دربرگیرنده و مشمول یعنی دربر گرفته شده).
- گزینه‌ی (۳) «انجام (باید از اجرا استفاده کرد، چرا که «انجام» یعنی پایان.) عملیات‌های جمع‌الجمع است.
- گزینه‌ی (۴) «فعل «شد» بعد از «دچار» بدون قرینه حذف شده و غلط است.
- ۲۱۴۷- گزینه‌ی (۴) ۱- مدیره ← مدیر
- ۲- اعلی‌تر ← اعلی
- ۳- آزمایشات ← آزمایش‌ها
- ۴- محترمه ← محترم
- ۵- انجام دهد ← اجرا کند
- ۶- بعد از «به قول معروف»، قول معروف (ضرب‌المثل و...) نیامده است.
- ۷- «ببرد» فعل مفرد است و با نهاد «دانش‌آموزان» مطابقت ندارد.
- ۲۱۴۸- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) حذف فعل بعد از «کرده» و «برکنار» بدون قرینه و غلط است.
- گزینه‌ی (۲) حذف فعل «شد» بعد از «مطرح» با قرینه‌ی لفظی است و درست است.
- گزینه‌ی (۳) «گزارش» فارسی است و جمع بستن آن با «ات» غلط است.
- گزینه‌ی (۴) حذف فعل «شد» بعد از «مطرح» بدون قرینه و غلط است.
- ۲۱۴۹- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) «هفته‌های اخیر» ماضی است اما با فعل مضارع «تجربه می‌کند» آمده است. (در حقیقت در این گزینه مطابقت زمانی در جمله وجود ندارد.)
- گزینه‌ی (۳) «کم خونی» امری منفی است و نباید با «برخوردار بودن» به کار رود.
- گزینه‌ی (۴) حذف فعل «شد» بعد از «نوشته» بدون قرینه و غلط است./ جمله مجهول است ولی نهاد با «توسط» برگردانده شده که غلط است.
- * در جملات مجهول نباید نهاد را با «توسط»، «به وسیله‌ی» و... برگرداند. (مثال: «کتاب توسط او نوشته شد» غلط است.)
- * در گزینه‌ی (۱)، «قوم» واژه‌ای است عربی و کاربرد آن با پسوند «یت» اشکالی ندارد.
- ۲۱۵۰- گزینه‌ی (۴) «موفق در جدا کردن» غلط است و باید گفت «موفق به جدا کردن».
- * حرف اضافه‌ی «موفق»، «به» است.
- * اسامی و فعل‌هایی که حرف اضافه‌ی اختصاصی دارند، باید با همان حرف اضافه به کار روند.
- (تفاوت ← با/ باختن ← به/ آشنایی ← با/ نفرت ← از/ چسبیدن ← به/ آموختن از/ به/ گذشتن ← از)
- ۲۱۵۱- گزینه‌ی (۴) واصله ← واصل/ بر علیه ← علیه- برضد/ تلفناً ← تلفنی/ لازمه ← لازم/ انجام دهد ← اجرا کند ← ۵ غلط

۲۱۵۲- گزینه‌ی (۴) کلمه‌ی فرمایش به علت به کار رفتن پسوند «-ش» می‌توان فهمید که کاملاً فارسی است، پس به کار بردن علامت جمع عربی مثل «ات» برای آن اشتباه است.

۲۱۵۳- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) «بازرسین» غلط است، چرا که «بازرس» فارسی است و نباید با «ین» عربی جمع بسته شود.

گزینه‌ی (۳) «احوال» غلط است، چرا که جمع‌الجمع است. (دو بار جمع بسته شده: حال ← احوال ← احوالات)

گزینه‌ی (۴) «برعلیه» غلط است و به جای آن باید از «علیه» یا «برضد» استفاده کرد.

۲۱۵۴- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) «اعلی‌ترین» غلط است، چرا که با صفت تفضیلی عربی نباید «تر و ترین» به کار برد.

گزینه‌ی (۳) «خویتی» غلط است، چرا که پسوند «یت» فقط به کلمات عربی می‌چسبد، حال آن که «خوب» فارسی است.

گزینه‌ی (۴) «زباناً» غلط است، چرا که تنوین مخصوص لغات عربی است ولی «زبان» فارسی است.

* در گزینه‌ی (۱)، «گرام» هم مناسب نیست و بهتر است به جای آن از «گرامی» استفاده کنیم.

۲۱۵۵- گزینه‌ی (۲) اشکالات: «را» باید بعد از برادرش بیاید/ برعلیه/ گزارشات/ پیشنهادات/ دویت/ افضل‌تر/ برخوردار شدن برای امر منفی گفته شده/

* دقت کنید به قول معروف در این جا غلط نیست، چرا که بعد از آن ضرب‌المثل آمده.

۲۱۵۶- گزینه‌ی (۴) تا حد امکان نباید از «می‌باشد» استفاده کرد و بهتر است به جای آن از واژه‌ی «است» استفاده کنیم.

۲۱۵۷- گزینه‌ی (۴) بدست ← به دست (حرف اضافه باید جدا از متمم نوشته شود)/ «کشته شد» فعل مجهول است و نباید «به دست غلامش» با آن آورده شود.

۲۱۵۸- گزینه‌ی (۱) «واو» در «مسلمانان و دروغ!»، «واو» مابینت با استبعاد است. یعنی مسلمان از دروغ دور است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): صلاح کار کجا و من خراب کجا: «واو» مابینت (استبعاد): من خراب از صلاح کار دورم

گزینه‌ی (۲): ز صومعه و خرقة ... «واو» عطف/ دیر مغان کجاست و شراب ناب کجا: «واو» ربط (هم‌پایه‌ساز)

گزینه‌ی (۳): آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا: حرف ربط (هم‌پایه‌ساز)

گزینه‌ی (۴): قرار و خواب: «واو» عطف

۲۱۵۹- گزینه‌ی (۲)

(۱) کاربرد برابره‌ای فارسی به جای واژگان دخیل: سیستم ← نظام

(۲) حذف همزه از آخر کلمات عربی مختوم به «ا»: املاء ← املا

(۳) کلمه‌ی «برخوردار» برای امور «مثبت و پسندیده» به کار می‌رود.

(۴) کاربرد نادرست «را» نشانه‌ی مفعول پس از فعل: باید مشکلاتی را که در اثر آن به وجود می‌آید برطرف ساخت.

۲۱۶۰- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های نادرست:

(۱) «رفیق بیست ساله» کژتابی دارد یعنی معلوم نیست بیست سال با او رفاقت دارد یا رفیق او بیست سال دارد.

(۲) حرف اضافه‌ی «باختن» حرف «به» است پس باید نوشت «به آن‌ها باختیم».

(۳) هنگامی که فاعل را می‌شناسیم نباید از فعل مجهول استفاده کنیم هم‌چنین «نوشته شده» و به تحریر درآمده» حشو دارد.

۲۱۶۱- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱) «آیا» زاید است.

گزینه‌ی (۲) «بر علیه» غلط و درست آن «علیه» است.

گزینه‌ی (۴) «ناباید فعل مجهول را با نهاد آورد.

شکل درست این جمله: } گلستان نوشته شد. یا سعدی گلستان را نوشت.

۲۱۶۲- گزینه‌ی (۲) شکل درست گزینه‌ی (۲) «خاموش شدن چراغ، بر میزان ترس افراد افزوده است.

مسأله - انجام - را - گزارشات - حذف فعل بعد از ذکر - پایان اواخر - اصلح‌تر

۲۱۶۳- گزینه‌ی (۲)

در گزینه‌ی (۴) واژه‌ی «انجام» نادرست است و به جای آن باید واژه‌ی «اجرا» قرار بگیرد.

۲۱۶۴- گزینه‌ی (۴)

گزینه‌ی (۱) «کژتابی» دارد.

گزینه‌ی (۲) «واژه‌ی آزمایشات نادرست است.

گزینه‌ی (۳) «واژه‌ی مسأله نادرست به کار رفته است.

۲۱۶۵- گزینه‌ی (۴)

اشکالات عبارت سؤال و شکل درست آن‌ها:

(۱) همسایگان طبقه بالایمان ← همسایگان ما در طبقه‌ی بالا

(۲) شب لیلة‌القدر ← شب قدر یا لیلة‌القدر

(۳) بر علیه ← علیه

(۴) مراسمات ← مراسم

(۵) اقداماتی کرد ← اقداماتی کردند

(۶) توسط ← با

۲۱۶۷- گزینه‌ی (۳) «واو» در عبارت مسلمان و دروغ!، «واو» مابینت یا استبعاد» است یعنی بین مسلمان و دروغ فاصله زیاد است (مسلمان از دروغ دور است). در گزینه‌ی (۳) نیز «واو» مابینت یا استبعاد آمده است: «صلاح کار کجا و من خراب کجا؟» یعنی «من خراب از صلاح کار دورم».

گزینه‌ی (۱) «واو» در مصراع اول، پیوند هم‌پایه‌ساز است و مصراع دوم «واو» معیت گزینه‌ی (۲) «واو» معیت

گزینه‌ی (۴) «واو»، حرف اضافه است و به معنی «در مقابل - در برابر» می‌باشد: «عمر در برابر آفتاب تموز مثل برف است.»

۲۱۶۸- گزینه‌ی (۳) «انتلاف» هم آوا ندارد.

۲۱۶۹- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳)، ابتدا ویرایش زبانی و سپس ویرایش فنی صورت گرفته است. جمع بستن کلمات فارسی با نشانه‌های جمع عربی جایز نیست: بازرسین ← بازرسان (ویرایش زبانی) در زبان فارسی، همزه از آخر کلمات عربی مختوم به «اء» باید حذف شود: انشاء ← انشا (ویرایش فنی)

۲۱۷۰- گزینه‌ی (۴) در عبارت (ب) صفت (جدید) علامت جمع (ها) گرفته که یک غلط زبانی است و در عبارت (ج) نیز، کلمه‌ی «کارگاه» به شکل نادرست «کارگاه» نوشته شده که غلط خطی است.

۲۱۷۱- گزینه‌ی (۲) به جای «می‌باشد» از فعل «است» استفاده کنیم.

۲۱۷۲- گزینه‌ی (۳) تمام واژه‌های گزینه‌ی (۳) به ویرایش زبانی نیاز دارند: «شئون» جمع «شان» است و جمع بستن مجدد آن نادرست است. / تلفناً ← تلفنی (کاربرد نادرست تنوین با کلمات غیر عربی) / از جای شدن ← عصبانی شدن (پرهیز از کاربرد واژگان و ساخت‌های دستوری کهن) / باختن از ← باختن به (به کار بردن فعل با حرف اضافه‌ی خاص آن)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «سبوی آب» سبوی آب (استفاده درست از «ی» میانجی)

گزینه‌ی (۲) «پیامبر صلی‌الله» ← پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم یا پیامبر (ص) (کامل نوشتن عبارت‌های دعایی یا نوشتن آن‌ها با نشانه‌ی اختصار)

گزینه‌ی (۴) «حاصل‌ضرب» ← حاصل‌ضرب (جدا نوشتن کلمات مرکبی که سر هم نوشتن آن‌ها موجب بدخوانی می‌شود).

۲۱۷۳- گزینه‌ی (۲) در این عبارت حذف فعل جمله‌ی آخر به قرینه‌ی لفظی صورت گرفته است و اشکال نگارشی ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «فعل جمله‌ی اول بدون قرینه حذف شده است. (متهم می‌کنند)

گزینه‌ی (۳) «تفاوت» با حرف اضافه‌ی «با» به کار می‌رود نه «از»

گزینه‌ی (۴) «سایر شهرهای دیگر» حشو دارد، زیرا «سایر» به معنای «دیگر» است.

۲۱۷۴- گزینه‌ی (۳) جمع بستن مجدد جمع‌های عربی در فارسی نادرست است و «رسوم» جمع «رسم» است که دوباره جمع بسته شده است.

۲۱۵۲- گزینه‌ی (۴) کلمه‌ی فرمایش به علت به کار رفتن پسوند «-ش» می‌توان فهمید که کاملاً فارسی است، پس به کار بردن علامت جمع عربی مثل «ات» برای آن اشتباه است.

۲۱۵۳- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) «بازرسین» غلط است، چرا که «بازرس» فارسی است و نباید با «ین» عربی جمع بسته شود.

گزینه‌ی (۳) «احوال» غلط است، چرا که جمع‌الجمع است. (دو بار جمع بسته شده: حال ← احوال ← احوالات)

گزینه‌ی (۴) «برعلیه» غلط است و به جای آن باید از «علیه» یا «برضد» استفاده کرد.

۲۱۵۴- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) «اعلی‌ترین» غلط است، چرا که با صفت تفضیلی عربی نباید «تر و ترین» به کار برد.

گزینه‌ی (۳) «خویتی» غلط است، چرا که پسوند «یت» فقط به کلمات عربی می‌چسبد، حال آن که «خوب» فارسی است.

گزینه‌ی (۴) «زباناً» غلط است، چرا که تنوین مخصوص لغات عربی است ولی «زبان» فارسی است.

* در گزینه‌ی (۱)، «گرام» هم مناسب نیست و بهتر است به جای آن از «گرامی» استفاده کنیم.

۲۱۵۵- گزینه‌ی (۲) اشکالات: «را» باید بعد از برادرش بیاید/ برعلیه/ گزارشات/ پیشنهادات/ دویت/ افضل‌تر/ برخوردار شدن برای امر منفی گفته شده/

* دقت کنید به قول معروف در این جا غلط نیست، چرا که بعد از آن ضرب‌المثل آمده.

۲۱۵۶- گزینه‌ی (۴) تا حد امکان نباید از «می‌باشد» استفاده کرد و بهتر است به جای آن از واژه‌ی «است» استفاده کنیم.

۲۱۵۷- گزینه‌ی (۴) بدست ← به دست (حرف اضافه باید جدا از متمم نوشته شود)/ «کشته شد» فعل مجهول است و نباید «به دست غلامش» با آن آورده شود.

۲۱۵۸- گزینه‌ی (۱) «واو» در «مسلمانان و دروغ!»، «واو» مابینت با استبعاد است. یعنی مسلمان از دروغ دور است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): صلاح کار کجا و من خراب کجا: «واو» مابینت (استبعاد): من خراب از صلاح کار دورم

گزینه‌ی (۲): ز صومعه و خرقة ... «واو» عطف/ دیر مغان کجاست و شراب ناب کجا: «واو» ربط (هم‌پایه‌ساز)

گزینه‌ی (۳): آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا: حرف ربط (هم‌پایه‌ساز)

گزینه‌ی (۴): قرار و خواب: «واو» عطف

۲۱۵۹- گزینه‌ی (۲)

(۱) کاربرد برابره‌ای فارسی به جای واژگان دخیل: سیستم ← نظام

(۲) حذف همزه از آخر کلمات عربی مختوم به «ا»: املاء ← املا

(۳) کلمه‌ی «برخوردار» برای امور «مثبت و پسندیده» به کار می‌رود.

(۴) کاربرد نادرست «را» نشانه‌ی مفعول پس از فعل: باید مشکلاتی را که در اثر آن به وجود می‌آید برطرف ساخت.

۲۱۶۰- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های نادرست:

(۱) «رفیق بیست ساله» کژتابی دارد یعنی معلوم نیست بیست سال با او رفاقت دارد یا رفیق او بیست سال دارد.

(۲) حرف اضافه‌ی «باختن» حرف «به» است پس باید نوشت «به آن‌ها باختیم».

(۳) هنگامی که فاعل را می‌شناسیم نباید از فعل مجهول استفاده کنیم هم‌چنین «نوشته شده» و به تحریر درآمده» حشو دارد.

۲۱۶۱- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱) «آیا» زاید است.

گزینه‌ی (۲) «بر علیه» غلط و درست آن «علیه» است.

گزینه‌ی (۴) «ناباید فعل مجهول را با نهاد آورد.

شکل درست این جمله: } گلستان نوشته شد. یا سعدی گلستان را نوشت.

۲۱۶۲- گزینه‌ی (۲) شکل درست گزینه‌ی (۲) «خاموش شدن چراغ، بر میزان ترس افراد افزوده است.

۲۱۹۳- گزینه‌ی (۱) ← گزینه‌ی (۲) فعل «کن» در انتهای مصراع اول به قرینه‌ی معنوی حذف شده!

گزینه‌ی (۳) ← فعل «بود» در انتهای هر دو مصراع به قرینه‌ی معنوی حذف شده!

گزینه‌ی (۴) ← فعل «است» در انتهای مصراع دوم به قرینه‌ی معنوی حذف شده!

۲۱۹۴- گزینه‌ی (۱) ← گزینه‌ی (۲) «ی» در مطالعه‌ی روی - «و» در نیکوان / گزینه‌ی (۳) ← «ی» در آشنایان و آشنایی / گزینه‌ی (۴) ← «گ» در بیگانگی - «ی» در آشنایی

نکته: «ی» بدل از کسره واج میانجی محسوب می‌شود.

۲۱۹۵- گزینه‌ی (۴) ← گزینه‌ی (۱) ← نهاد فعل «تمتا می‌کند» محذوف است.

گزینه‌ی (۲) ← نهاد فعل‌های «نشد» محذوف است.

گزینه‌ی (۳) ← نهاد فعل «رفت» محذوف است.

اما در گزینه‌ی (۴)، نهاد فعل «بازآید» ← بخت / نهاد فعل «درآید» ← یکی / نهاد فعل «بگشاید» ← روی میمون تو

۲۱۹۶- گزینه‌ی (۱) نهاد «تو» در جملات اول و دوم به قرینه‌ی شناسه حذف شده‌اند (قرینه‌ی لفظی)

فعل «است» در سایر ابیات به قرینه‌ی معنوی حذف شده است.

۲۱۹۷- گزینه‌ی (۳) می‌توان از حرف «را» فهمید «خدای» مفعول است. پس مفعول حذف نشده است.

۲۱۹۸- گزینه‌ی (۳) ای (معشوق که) جفای تو ز دولت خوب‌تر (است).

۲۱۹۹- گزینه‌ی (۳) دید - +ان ← قرارگیری دو مصوت در کنار هم ← واج میانجی دید - +گ +ان ← دیدگان

۲۲۰۰- گزینه‌ی (۴) فعل: می‌برند / در گزینه‌های دیگر فعل «است» به قرینه‌ی معنوی حذف شده است.

۲۲۰۱- گزینه‌ی (۱) «حمد و ثنا می‌کند» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است. (... که موی بر اعضا حمد و ثنا می‌کند)

۲۲۰۲- گزینه‌ی (۱) با بقیه گزینه‌ها هم فعل مفرد به کار می‌رود. هم فعل جمع! اگر در هنگام جان‌بخشی نهاد جمع باشد فعل نیز جمع است و اگر مفرد باشد، فعل مفرد.

۲۲۰۳- گزینه‌ی (۲) در فارسی مؤدبانه اول شخص مفرد و جمع با هم فرق دارد اما دوم و سوم شخص، مفرد و جمعشان یکی می‌شود.

۲۲۰۴- گزینه‌ی (۱) با نهاد شورا فعل مفرد باید بیاید.

۲۲۰۵- گزینه‌ی (۴) در سایر گزینه‌ها به ترتیب در گزینه‌ی (۱) چون برای تأکید و در گزینه‌ی (۲) با وابسته و در گزینه‌ی (۳) با بدل آمده نمی‌توان نهاد جدا را حذف کرد.

۲۲۰۶- گزینه‌ی (۴) گونه‌ی مؤدبانه آمدن برای مخاطب، تشریف آوردن / تشریف فرما شدن است.

۲۲۰۷- گزینه‌ی (۳) در جمله‌ی «سال‌ها دیده‌ام» او را (مفعول) و «من» (نهاد) به قرینه‌ی لفظی حذف شده‌اند.

۲۲۰۸- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← و / گزینه‌ی (۳) ← گ / گزینه‌ی (۴) ← ا

۲۲۰۹- گزینه‌ی (۱)

۲۲۱۰- گزینه‌ی (۱)

۲۲۱۱- گزینه‌ی (۴)

۲۲۱۲- گزینه‌ی (۱)

چنان‌چه در واژه‌ای دو مصوت کنار هم واقع شوند، قابل تلفظ نیستند مگر این‌که صامتی بین آن دو واقع گردد و واژه‌ی «ابرو» هنگام جمع بستن با تکواژ «ان» مشمول چنین قانونی می‌شود.

۲۲۱۳- گزینه‌ی (۳) «نواي خرد» ۳ واژه است ← «نوا + + خرد». چون واژه‌ی قبل از کسره، مصوت بلند «ا» است، «ی» میانجی (صامت میانجی) آمده است. مثل:

خدای مهربان (ی) - موی بلند (ی) - خانه‌ی دوست (ی)

۲۲۱۴- گزینه‌ی (۱) «گ» در «خوانندگان» (خواننده +ان ← «گ» میانجی)

۲ «ی» در «آشنایی»

۳ «ی» در «شوریده‌ی»

۴ «ا» (همزه) در «از دنیا بریده‌ای»

۲۲۱۵- گزینه‌ی (۲) صامت «گ» در بی‌برنامگی صامت میانجی است.

۲۲۱۶- گزینه‌ی (۴) با نهاد «مردم» فعل جمع می‌آید.

۲۱۷۵- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱) فعل «است» بعد از «دیرباب‌تر» به قرینه‌ی لفظی حذف شده و درست است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲) ← واژه‌ی «شتون» خود جمع «شأن» است و دوباره جمع بستن آن، نادرست است.

گزینه‌ی (۳) ← حرف «را» باید بعد از مفعول (قصایدی) آورده شود.

گزینه‌ی (۴) ← به شیوه‌ی ← از شیوه‌ی

۲۱۷۶- گزینه‌ی (۳) مواردی که نیاز به ویرایش دارند:

۱- در عبارت «هر واژه‌ای را»، «را» بعد از فعل «دارد» آمده که نادرست است. / ۲- بیداری و آگاهی نویسندگان متعهد را فرا گرفته است ← نویسندگان متعهد بیدار و آگاه شده‌اند (فرا گرفتن با بیداری و آگاهی نادرست است). / ۳- «متفاوت از» باید «متفاوت با» باشد.

۲۱۷۷- گزینه‌ی (۲) اگر گوینده و نویسنده به صحت مطلبی اطمینان نداشته باشند، نباید آن را بیان کنند.

۲۱۷۸- گزینه‌ی (۴) گزینه (۱): بهره‌مند شدن ← از / مشتاق شدن ← به / ... و به آن‌ها مشتاق شدم حرف اضافه به اشتباه حذف شده است و نیز «استاید» جمع مکسر از کلمه‌ی فارسی است.

گزینه (۲): «گفتارمان» مفرد است و فعل مفرد می‌گیرد ← مطابقت نداشته باشد.

گزینه (۳): «مشمول» کاربرد درستی دارد اما به جای «می‌باشد» باید «است» بیاید.

۲۱۷۹- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی اول باید بعد از «به اصطلاح» یک ضرب‌المثل، تکیه‌کلام یا کنایه بیاید. در گزینه‌ی دوم، حرف اضافه‌ی «علاقه‌مند»، «به» است نه «از» در گزینه‌ی سوم نیز کژتابی داریم.

۲۱۸۰- گزینه‌ی (۴) حرف نشانه‌ی مفعولی (را) باید پس از مفعول (شیفتگی) قرار بگیرد.

۲۱۸۱- گزینه‌ی (۴) حرف اضافه‌ی اختصاصی درآميز «با» است.

۲۱۸۲- گزینه‌ی (۴) غلط‌های نگارشی و ویرایشی در سایر گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: (۱) رسومات، جمع‌های مکسر نباید دوباره جمع بسته شوند (۲) حرف اضافه اختصاصی واگذار کردن، «به» است. (۳) «سیستم» همیشه غلط است، به جای آن باید از نظام، سازمان یا سامانه استفاده کرد.

۲۱۸۳- گزینه‌ی (۳) متفاوت از ← متفاوت با / لاشه‌ی بی‌جان آن را (جای درست رای مفعولی) / حسن خوبی: حشو است.

درس چهارم زبان فارسی ۳

۲۱۸۴- گزینه‌ی (۴) مُحمل ← مُهتل (بیهوده) / توطعه ← توطئه

۲۱۸۵- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): سفیر ← صغیر (صدا) / گزینه‌ی (۲): منسوب ← منصوب (گماشته) / گزینه‌ی (۴): حبوط ← هبوط (نزول)، ثمین ← سمن (چاق)

۲۱۸۶- گزینه‌ی (۴) همزه در میان کلمه به سه صورت نوشته می‌شود: «نَ/أ/ؤ» * گزینه‌های دیگر غلط است.

۲۱۸۷- گزینه‌ی (۱) «لالی، مزبور، وهله، انقباض، نسب، وجه شبه، الفا، ذرع، تحدید، سمن و حوضه» صحیح است.

۲۱۸۸- گزینه‌ی (۲) به ترتیب «صلت، هزاهز، وجاهت» درست است.

۲۱۸۹- گزینه‌ی (۳) در گزینه (۱)، سفیر و منشآت در گزینه‌ی (۲)، الفا، تأمل در گزینه‌ی (۳)، مطاع، سمن، حایل در گزینه‌ی (۴)، ذرع و لثامت درست می‌باشند

در گزینه‌ی (۳)، سه غلط و در باقی گزینه‌ها (۲) غلط موجود است.

۲۱۹۰- گزینه‌ی (۲) املا‌ی صحیح کلمه عبارت است از: طاق (سقف بنا).

۲۱۹۱- گزینه‌ی (۳) واژه‌های غلط عبارتند از: همیت / وجاحت

املا‌ی صحیح این واژه‌ها: حمیت / وجاهت

درس پنجم زبان فارسی ۳

۲۱۹۲- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← «ی» در خیمه‌ی سلطان «ی» بدل از

کسره، واج میانجی محسوب می‌شود

گزینه‌ی (۲) ← «ی» اول در جدایی (البته «ی» در «ننماید» هم واج میانجی محسوب می‌شود)

گزینه‌ی (۴) ← «گ» در آسودگی (البته «ی» در «زاید» و «بفرساید» هم واج میانجی محسوب می‌شود)

۲۲۱۷- گزینۀ (۱) در گزینۀهای دیگر از سیاق سخن می‌توان پی برد که بعد از واژه‌ی «شکر» فعل «می‌گویم» یا «به جای می‌آورم» به قرینۀ معنوی حذف شده است. اما در گزینۀ (۱) بعد از «شکر» واژه‌ی «است» آمده است.

۲۲۱۸- گزینۀ (۲) هرگاه نهاد جدا، «مردم» باشد، شناسه‌ی فعل آن «جمع» است. بنابراین نهاد پیوسته (شناسه) در گزینۀ (۲) فقط «جمع» و فعل آن «بودند» یا «هستند» است.

نهاد پیوسته‌ی گزینۀهای دیگر چنین است:

گزینۀ (۱) ← نهاد: بعضی / فعل: هم مفرد و هم جمع (بود/ بودند)

گزینۀ (۳) ← نهاد: ملت / فعل: هم مفرد و هم جمع (نکرد/ نکردند)

گزینۀ (۴) ← نهاد: هیچ‌یک / فعل: هم مفرد و هم جمع (نبود/ نبودند)

۲۲۱۹- گزینۀ (۲) گزینۀ (۱) ← بودند در «گشته بودند» حذف معنوی فعل کمکی است و در پایان بیت «گشته» به‌طور لفظی و «بودند» به‌طور معنوی حذف شده است. گزینۀ (۲) ← دو بار فعل «بینی» به قرینۀ لفظی حذف شده است.

گزینۀ (۳) ← در پایان این گزینۀ فعل «شده بود» حذف شده که «شده» به قرینۀ فعل مصراع اول حذف لفظی است و «بود» آن به قرینۀ معنوی حرف شده است.

گزینۀ (۴) ← در مصراع دوم این گزینۀ، فعل «بود» به قرینۀ معنوی حذف شده است.

۲۲۲۰- گزینۀ (۳) در مصراع دوم گزینۀ (۳)، فعل «است» به قرینۀ معنوی حذف شده است.

۲۲۲۱- گزینۀ (۱) گونه‌ی مؤذبانۀ بودن درباره‌ی خود ← در خدمت بودن گونه‌ی مؤذبانۀ رفتن درباره‌ی خود ← مرخص شدن / رفع زحمت کردن گونه‌ی مؤذبانۀ خواستن درباره‌ی خود ← استدعا / خواهش / تمنا کردن گونه‌ی مؤذبانۀ دادن درباره‌ی خود ← تقدیم کردن

۲۲۲۲- گزینۀ (۱) واج میانجی: «گ» در «آوارگی»

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۲): «همزه» در «قافله‌ای» / «ی» در «خاطره‌ی» و «سال‌های»

گزینۀ (۳): «ی» در «روی» / «گ» در «زندگی» / «ک» در «نیاکان» / «همزه»

در «قبیله‌اش»

گزینۀ (۴): «گ» در «زندگی» / «زندگی ساده‌ای» مصوت آوایی «ی» / «همزه» در «ساده‌ای»

۲۲۲۳- گزینۀ (۴) گزینۀ (۴) در مصراع اول این انجم و افلاک (گروه نهادی) و شناسه‌ی فعل مفرد در مصراع دوم «وین آب و هوا و آتش و خاک» گروه نهادی و شناسه‌ی فعل مفرد و کاربرد آن درست است چون نهاد جمع غیرجاندار است.

تشریح گزینۀهای دیگر:

عدم مطابقت نهاد با شناسه:

گزینۀ (۱): این گروه (نهاد) شناسه‌ی فعل جمع (ند) است در حالی که هرگاه «گروه» نهاد واقع شود شناسه‌ی فعل باید «مفرد» باشد.

گزینۀ (۲): در مصراع دوم، خورشید و زمین و آسمان (گروه نهادی) شناسه‌ی فعل «مفرد» است چون آرایه‌ی تشخیص به‌کار رفته باید شناسه‌ی فعل جمله جمع باشد. گزینۀ (۳): زمین و آسمان (گروه نهادی) و شناسه‌ی فعل «مفرد» است در حالی که آرایه‌ی تشخیص به‌کار رفته است و باید فعل جمع باشد.

۲۲۲۴- گزینۀ (۴) «هر کسی» همیشه باید با فعل مفرد به‌کار رود.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱): «هر یک» با فعل جمع / مفرد به‌کار می‌رود.

گزینۀ (۲): «بعضی» با فعل جمع / مفرد به‌کار می‌رود.

گزینۀ (۳): «گروه» با فعل مفرد به‌کار می‌رود.

۲۲۲۵- گزینۀ (۴) تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱): «سال‌های دوری»، «آوارگی»: واج میانجی

گزینۀ (۲): «قافله‌ای»: واج میانجی همزه / «خاطره‌ی سال‌های جوانی»: واج میانجی

گزینۀ (۳): «زندگی»: واج میانجی

۲۲۲۶- گزینۀ (۲) تشریح گزینۀهای دیگر:

موارد حذف به قرینۀ معنوی:

گزینۀ (۱): ... بس [است] ...

گزینۀ (۳): سوگند [می‌خورم] ...

گزینۀ (۴): شکر ایزد [می‌گویم / می‌کنم] ...

۲۲۲۷- گزینۀ (۲) در مصراع دوم گزینۀ (۲)، «پیغمبر ما مرکز است و حیدر خط پرگار است» دو فعل اسنادی «است» به قرینۀ معنوی حذف شده است. تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱): روزها فکر من این است و همه شب سخنم (این است)

حذف به قرینۀ لفظی

گزینۀ (۳): ماری تو که هر که را ببینی بزنی یا بوم (ی) که مخفف فعل اسنادی

«هستی» است

حذف به قرینۀ لفظی

گزینۀ (۴): تن ز جان (مستور نیست) و جان ز تن مستور نیست

حذف به قرینۀ لفظی

۲۲۲۸- گزینۀ (۲) گونه‌ی مؤذبانۀ افعال صورت سؤال درباره‌ی «خود» عبارت‌اند از:

فعل «گفتن»: «عرض کردن» و «به عرض رساندن» / فعل «خوردن»: «صرف کردن»

و «صرف شدن» / فعل «آمدن»: «مشرف شدن» و «خدمت رسیدن» / فعل «خواستن»: «استدعا کردن»، «خواهش کردن» و «تمنا کردن»

۲۲۲۹- گزینۀ (۴) «شدند» فعل، «انده» نهاد: برای نهاد مفرد، فعل جمع آورده

شده است. باید برای نهاد مفرد بی‌جان، فعل مفرد بیاید.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) ← با نهاد اسم مبهم «هر یک» هم فعل جمع و هم فعل مفرد به‌کار می‌رود.

گزینۀهای (۲) و (۳) ← با نهاد اسم مبهم «هر کس» فعل مفرد آورده می‌شود.

۲۲۳۰- گزینۀ (۲) مرا در فضل مرتبه‌ای است زیادت (حذف صورت نکرته است).

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) ← «من و برادرم» در جمله‌ی دوم حذف به قرینۀ لفظی (نهاد) است.

گزینۀ (۳) ← «کودکان» در جمله‌ی دوم (پنداشتند) حذف به قرینۀ لفظی (نهاد) است.

گزینۀ (۴) ← «وزیر» در جمله‌ی دوم حذف به قرینۀ لفظی (نهاد) است.

۲۲۳۱- گزینۀ (۲) در مصراع دوم گزینۀ (۲)، «پیغمبر ما مرکز است و حیدر

خط پرگار است» و فعل اسنادی «است» به قرینۀ معنوی حذف شده است.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) ← روزها فکر من این است و همه شب سخنم

گزینۀ (۳) ← ماری تو که هر که را ببینی بزنی

گزینۀ (۴) ← تن ز جان (مستور نیست) و جان ز تن مستور نیست

حذف به قرینۀ لفظی

۲۲۳۲- گزینۀ (۳) هنگام «جان بخشیدن به اشیا» برای «نهاد بی‌جان جمع» باید

«فعل جمع» بیاوریم.

۲۲۳۳- گزینۀ (۳) «ای عزیز»: «عزیز» منادا است و در منادا حذف به قرینۀ

معنوی وجود دارد (ای عزیز، با تو هستم) / «است» در جمله‌ی آخر به قرینۀ معنوی

حذف شده است.

۲۲۳۴- گزینۀ (۳) در گزینۀ (۳) نهاد اول شخص «من» چون وابسته یعنی

صفت گرفت (بدبخت)، قابل حذف نیست.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) ← نهاد جدا برای تأکید است و آن را نمی‌توان حذف کرد.

گزینۀ (۲) ← نهاد جدا (ما) چون همراه بدل (ایرانیان) آمده است نمی‌توان حذف کرد.

گزینۀ (۴) ← نهاد جدا را مثل گزینۀ (۱) برای تأکید نمی‌توان حذف کرد (تو

نه کس دیگر).

۲۲۳۵- گزینۀ (۲) تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱) ← نکته‌ای: «ا» همزه: واج میانجی / گزینۀ (۳) ← پارسایان: «ی» واج

میانجی / گزینۀ (۴) ← بندگی: «گ» واج میانجی

۲۲۳۶- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) ← تمثالی: «ی» واج میانجی / گزینۀ (۲) ←

بدرقه‌ی راه: «ی» واج میانجی / گزینۀ (۴) ← گرانمایگان: «گ» واج میانجی

۲۲۳۷- گزینۀ (۱) حالتی رؤیایی (داشت)، «داشت» به قرینۀ معنوی حذف

شده است. بقیۀ حذف‌ها، حذف به قرینۀ لفظی هستند.

۲۲۳۸- گزینه‌ی (۴) در این گزینه واج میانجی به کار نرفته است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← بیگانه + گ + ان/ گزینه‌ی (۲): شکبیا + ی + ی/

صامت میانجی صامت میانجی

گزینه‌ی (۳): برانداخته + همزه + ی

صامت میانجی

۲۲۳۹- گزینه‌ی (۳) «من» و «ما»، قابل حذف هستند، زیرا بدل ندارند، جنبه‌ی

تأکید ندارند و همراه با وابسته نیستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

(ب) ← من به دلیل داشتن بدل قابل حذف نیست.

(د) ← تو به دلیل داشتن وابسته (صفت) قابل حذف نیست.

۲۲۴۰- گزینه‌ی (۱) حذف نهاد «من» به قرینه‌ی لفظی (شناسه) در مصراع دوم:

من شرح دهم. در گزینه‌های (۲) و (۳) حذفی صورت نگرفته است و در گزینه (۴)

فعل «است» به قرینه‌ی معنوی حذف شده است.

۲۲۴۱- گزینه‌ی (۲) ویژگی‌های/ نیمایی/ تنگنهای/ آینده‌ی

۲۲۴۲- گزینه‌ی (۲) با نهاد «بعضی» در صورت بی‌جان بودن هم فعل مفرد به‌کار

می‌رود هم فعل جمع و اگر جاندار باشد فقط فعل جمع به‌کار می‌رود.

با کلمات «اسکناس‌ها، سنگ‌ها، چوب‌ها، گل‌ها، سبزی‌ها» چون جمع غیرجاندار هستند

هم فعل مفرد به‌کار می‌رود و هم فعل جمع!

۲۲۴۳- گزینه‌ی (۱) می‌دانیم که حذف نهاد جدا معمولاً ممکن است مگر این‌که:

۱- با وابسته (صفتی یا مضاف‌الیهی) همراه باشد مثل گزینه‌ی (۲) و (۳)

۲- با تأکید همراه باشد مثل گزینه‌ی چهارم که با قید تأکید «فقط» مؤکد شده است.

۳- با بدل همراه باشد که گزینه‌ی اولِ بدل ندارد و شبیه‌سازی شده است.

۲۲۴۴- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۱) «عاشق شدم»، در گزینه‌ی (۲) «آید»، در

گزینه‌ی (۴) «هستم» حذف به قرینه‌ی لفظی است در گزینه‌ی (۳) «آشفته از مه دور

باشد بهتر است» حذف به قرینه‌ی معنوی.

۲۲۴۵- گزینه‌ی (۲) با نهادهای «بعضی (بی‌جان)، پیامبر، ملت، هیچ‌یک، هریک»

فعل هم می‌تواند به‌صورت مفرد بیاید هم جمع.

نکته: رجوع کنید به جدول مطابقت نهاد و فعل درس پنجم!

۲۲۴۶- گزینه‌ی (۱) ابروان (و) - تشنگان (گ) - گوینده (ی) - پلکان (ک) -

ادبیات (ی) - دیرنگی (گ) - معنوی (و)

۲۲۴۷- گزینه‌ی (۲) دادن/ تقدیم کردن/ مرحمت کردن

درس ششم زبان فارسی ۳

۲۲۴۸- گزینه‌ی (۱)

۲۲۴۹- گزینه‌ی (۲) اصل واژه کمچی به معنی شلاق و تازیانه است.

۲۲۵۰- گزینه‌ی (۲) تحقیقی یا پژوهشی.

۲۲۵۱- گزینه‌ی (۲) در سؤال، نشانه زمان است و گزینه (۲) نیز این چنین است

اما سایر گزینه‌ها نشانه جمع است.

۲۲۵۲- گزینه‌ی (۱)

گزینه‌ی (۱) ← گذرانِ حالت است.

گزینه‌ی (۲) ← شمشاد قدان و شیرین‌دهان جمع است.

گزینه‌ی (۳) ← بلبلکان و قمریکان جمع است.

گزینه‌ی (۴) ← نامداران و گردن‌کشان جمع است.

۲۲۵۳- گزینه‌ی (۲) در اغلب نوشته‌ها با هر بیان و زبان و در هر قالبی که باشند

هدف نویسنده تشریح بی‌کم و کاست اشخاص، وقایع و چیزهاست، آن‌گونه که هستند.

۲۲۵۴- گزینه‌ی (۱) «ان» در «جانان» شباهت است (مانند جان)، اما در سایر

گزینه‌ها (بلبلکان، قمریکان، سحرخیزان، سیه‌گلیمان) نشانه‌ی جمع است.

۲۲۵۵- گزینه‌ی (۲)

۲۲۵۶- گزینه‌ی (۲) «ان» در «شادان»: صفت‌ساز/ «ان» در «سواران»: نشانه‌ی

جمع «ان» در «کوهان»: مفهوم شباهت/ «ان» در «گیلان»: مفهوم مکان

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «ان» در «داناان، بانوان»: نشانه‌ی جمع/ «ان» در «شامگاهان، پاییزان»:

مفهوم زمان

گزینه‌ی (۳): «ان» در «پرسان، پزان»: صفت‌ساز/ «ان» در «سحرگاهان، بهاران»: مفهوم زمان

گزینه‌ی (۴): «ان» در «مردان، درختان»: نشانه‌ی جمع/ «ان» در «ریزان، درخشان»:

صفت‌ساز

۲۲۵۷- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳): پسوند «ان» در

واژه‌های «بامدادان» و «بهاران» پسوند زمان است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «ان» در «گیلان» پسوند مکان است.

گزینه‌ی (۲): «ان» در «چرخ‌زان» پسوند قید و صفت‌ساز است در مفهوم حالت

گزینه‌ی (۴): «ان» در «عندلیبان» نشانه‌ی جمع است.

۲۲۵۸- گزینه‌ی (۴) «ان» در گزینه‌ی (۴) نشانه‌ی «صفت فاعلی» است، ولی در

سایر گزینه‌ها «ان» بر مفهوم زمان دلالت می‌کند.

توجه: در گزینه‌ی (۳)، «ان» در «دامان» جزء خود واژه است.

۲۲۵۹- گزینه‌ی (۳) «تربیت انسانی و سنت ملی ما»: نوشته‌ی تحلیلی (حاصل

تأملات درونی نویسنده) // «کتاب و کتاب‌خوانی»: تحقیقی (حاصل پژوهش‌های

نویسنده) // «کلاس نقاشی»: تشریحی (حاصل دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده)

۲۲۶۰- گزینه‌ی (۱) پسوند «ان» در واژه‌های «شمشاد قدان»، «شیرین‌دهان»،

«مژگان» و «صف‌شکنان» به‌عنوان علامت «جمع» کاربردی یکسان دارد.

توجه: کاربردهای «ان» عبارت‌اند از:

۱- علامت جمع: گیاهان ۲- پسوند زمان: بهاران، بامدادان ۳- پسوند مکان: گیلان ۴-

پسوند شباهت: کوهان ۵- علامت صفت فاعلی: دوان، خندان ۶- اسم‌ساز: خندانان

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲): «ان» در «بهاران» پسوند زمان و در «یاران» علامت جمع است.

گزینه‌ی (۳): «ان» در «خواهان» علامت صفت فاعلی و در «پادشاهان» علامت جمع است.

گزینه‌ی (۴): «ان» در «دوان» علامت صفت فاعلی و در «ابروان» علامت جمع است.

۲۲۶۱- گزینه‌ی (۳) پسوند «ان» در واژه‌های «شمشاد قدان»، «شیرین‌دهان»،

«مژگان» و «صف‌شکنان» به‌عنوان علامت «جمع» کاربردی یکسان دارد.

نکته: کاربردهای «ان» عبارت‌اند از:

۱- علامت جمع: گیاهان ۲- پسوند زمان: بهاران، بامدادان ۳- پسوند مکان: گیلان/

۴- پسوند شباهت: کوهان ۵- علامت صفت فاعلی: دوان، خندان ۶- پسوند قیدساز: شادان

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «ان» در «خواهان» علامت صفت فاعلی و در «پادشاهان» علامت

جمع است.

گزینه‌ی (۲) ← «ان» در «بهاران» پسوند زمان و در «یاران» علامت جمع است.

گزینه‌ی (۴) ← «ان» در «دوران» علامت صفت فاعلی و در «ابروان» علامت جمع است.

۲۲۶۲- گزینه‌ی (۴) «ان» در گزینه‌ی (۴)، «ان» حالت و فاعلی است (گذرنده)

ولی در سایر گزینه‌ها «ان» زمان است.

*نکته: در گزینه‌ی (۳)، «ان» در «دامان» جزء خود واژه است.

۲۲۶۳- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳)، «ان» پسوند زمان است. بامدادان: هنگام بامداد

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← در «بلبلکان و قمریکان»، «ان» نشانه‌ی جمع است.

گزینه‌ی (۲) ← در «ناجوان‌مردان، پستان، بی‌دردان»، «ان» نشانه‌ی جمع است.

گزینه‌ی (۴) ← در «کوهان»، «ان» نشانه‌ی جمع است.

۲۲۶۴- گزینه‌ی (۱) اگر بخواهیم چیزی یا جایی یا کسی یا واقعه‌ای را که امروز

وجود ندارد و آثار آن از میان رفته است، تشریح کنیم، از مدارک و مأخذ و اسناد و

کتاب‌ها کمک می‌گیریم یا با افراد مطلع مصاحبه می‌کنیم.

۲۲۶۵- گزینه‌ی (۲) مقاله‌ی «چنین رفت و...» یک مقاله‌ی تحقیقی و پژوهشی

است. البته نویسنده‌ی مقاله در برخی نکات به تحلیل بعضی از وقایع نیز پرداخته است.

۲۳۱۳- گزینه‌ی (۲) ← «شد» فعل ساده، «قرار گیرد» فعل مرکب
گزینه‌ی (۲) ← «است» فعل ساده، «زندگی می‌کند» فعل مرکب، «برگرداند» فعل پیشوندی
گزینه‌ی (۳) ← «درآمد» فعل پیشوندی، «گذاشت» فعل ساده
گزینه‌ی (۴) ← «کرد» فعل ساده، «رهانید» فعل ساده
۲۳۱۴- گزینه‌ی (۳) ← «پرداخته و آموختند: ساده/برخاستند: پیشوندی
گزینه‌ی (۲) ← «نشان دهد و جای گرفته: مرکب/ دارد: ساده
گزینه‌ی (۳) ← «درآمد: پیشوندی/ بود: ساده/ به سر برد: مرکب
گزینه‌ی (۴) ← «کرد: ساده/ به تصویر کشید: مرکب
۲۳۱۵- گزینه‌ی (۳) استیفا در متن سوال مفهوم نیست و باید تبدیل به استعفا
شود زیرا در پایان متن نیز معاف شدن از امر قضاوت، مورد نظر است.
۲۳۱۶- گزینه‌ی (۴) بسته‌ها را بر کرده است.
مفعول مسند فعل
جمله چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند. متمم جمله از نوع متمم اسم است و متعلق
به مسند (پر از) است. فعل ساده.

درس هشتم زبان فارسی ۳

۲۳۱۷- گزینه‌ی (۴) هنگامی که دو واژه کنار هم، مستقل از یکدیگرند، لازم
است که حریم آن‌ها رعایت نشود و از فاصله‌ی «میان واژه‌ای» استفاده کنیم. مانند
«آماده بود» که «آماده» مسند و «بود» فعل است. بنابراین «آماده» و «بود» مستقل از
یکدیگرند و رعایت فاصله‌ی «میان واژه‌ای» ضروری است.
* در گزینه‌های دیگر، «آمده بود، برگشته بود و نیامده بود» یک واژه (فعل) هستند و
بین اجزایشان فاصله‌ی میان حرفی (نیم‌فاصله) لازم است.
۲۳۱۸- گزینه‌ی (۱) به شمارش فاصله‌ها می‌پردازیم:
آشنایی. با. امکانات. زبان. فارسی. ما. را. قادر. می‌سازد. که. هزاران. واژه‌ی. تازه. بسازیم
۲۳۱۹- گزینه‌ی (۱) امانت و دقت نویسنده به یک زندگی‌نامه اعتبار می‌بخشد به
سبب همین ویژگی تاریخ بی‌هیچ ممتاز شده است.
۲۳۲۰- گزینه‌ی (۳) ملاصدرا شیرازی، صدراالمطهرین فیلسوف ایرانی قرن
یازدهم است و نظریه حرکت جوهری وی مشهور است.
۲۳۲۱- گزینه‌ی (۴) اسرارنامه از آثار عطار نیشابوری است.
۲۳۲۲- گزینه‌ی (۱) ← «چشم به راه آینده» گروه مسندی است
پس با فعل «بود» فاصله میان واژه‌ای لازم دارد.
گزینه‌ی (۲) ← خواهد شد یک واژه است پس بین «خواهد» و «شد» نیم فاصله مورد
نظر است.
گزینه‌ی (۳) ← نمی‌توانست یافت یک واژه است پس بین «نمی‌توانست» و «یافت»
نیم فاصله وجود دارد.
گزینه‌ی (۴) ← به‌وجودآورد یک واژه است پس بین «وجود» و «آورد» نیم فاصله
باید باشد.
۲۳۲۳- گزینه‌ی (۳) تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۱): زندگی‌نامه، از انواع نوشته‌های تشریحی است.
گزینه‌ی (۲): اگر زندگی‌نامه، دور از تعصب و غرض‌ورزی نوشته شود، می‌تواند سهم
خود را در پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی حفظ کند.
گزینه‌ی (۴): گاهی زندگی‌نامه‌ها شکلی کاملاً رمان گونه دارند.
۲۳۲۴- گزینه‌ی (۲) الف) زندگی‌نامه باید دور از تعصب و غرض‌ورزی نوشته
شود تا بتواند سهم خود را در پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی حفظ کند. / ب) اغراق و
بزرگ‌نمایی هنگام توصیف ممکن است نویسنده را از واقعیت دور سازد. / ج) امانت و
دقت نویسنده به یک زندگی‌نامه اعتبار می‌بخشد.
۲۳۲۵- گزینه‌ی (۲) مورد ذکر شده در گزینه‌ی (۲) از شیوه‌های گردآوری
اطلاعات نیست.
۲۳۲۶- گزینه‌ی (۳) فاصله‌ی میان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کلمات در گزینه‌ی (۳)،
فاصله‌ی میان واژه‌ای نامیده می‌شود؛ زیرا هر یک از موارد ذکر شده در این گزینه، یک
گروه اسمی محسوب می‌شود، اما در سایر گزینه‌ها هر مورد ذکر شده، یک واژه محسوب
می‌شود و فاصله‌ی میان اجزای آن‌ها، فاصله‌ی میان حرفی یا نیم‌فاصله نامیده می‌شود.

۲۳۰۳- گزینه‌ی (۳) فعل «ماند» در گزینه‌ی (۳) ماضی است: دل رفت و دیده
خون شد و جان ضعیف ماند، که آن هم برای آن مانده است که آن را فدای دوست کنیم.
در سایر گزینه‌ها:
گزینه‌ی (۱): «بدان ماند»: شبیه آن است که ...
گزینه‌ی (۲): «به چه ماند؟»: شبیه به چیست؟
گزینه‌ی (۴): «به جایی ماند»: به جایی شبیه است.
۲۳۰۴- گزینه‌ی (۳) همه‌ی مصدرهای گزینه‌ی (۳) با افزودن تکواژ «ان» گذرا به
مفعول می‌شوند:
نشستن ← نشاندن/ پریدن ← پراندن/ خشکیدن ← خشکاندن
تشریح گزینه‌های دیگر:
مصدرهای «شتافتن» در گزینه‌ی (۱)، «زیستن» در گزینه‌ی (۲) و «آسودن» در
گزینه‌ی (۴) تکواژ گذراساز «ان» را نمی‌پذیرند.
۲۳۰۵- گزینه‌ی (۴) «نشان می‌دهد» فعل مرکب است. در همین گزینه، «تلاش
کرده‌اند» نیز دیده می‌شود که فعل مرکب نیست، بلکه فقط «کرده‌اند» در معنای
«انجام داده‌اند» آمده و «تلاش» مفعول آن است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۱): «خواهیم رسید»، فعل آینده از مصدر «رسیدن» و ساده است.
گزینه‌ی (۲): «می‌سازد»، فعل ساده است و متمایز «مسند» است.
گزینه‌ی (۳): «فرامی‌نماید»، فعل پیشوندی است.
۲۳۰۶- گزینه‌ی (۱) «دست از جهان شستن» عبارت کنایی است و فعل مرکب
محسوب می‌شود. «رفته بودند» فعل ساده است.
۲۳۰۷- گزینه‌ی (۱) فعل از جهت اجزای تشکیل دهنده سه نوع است: ساده،
پیشوندی و مرکب.
فعل ساده: بود/ فعل پیشوندی: دربرداشت/ فعل مرکب: هدیه کرد.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۲) ← قرار گرفته است: فعل مرکب/ ندارد و خواهد بود: فعل ساده
گزینه‌ی (۳) ← بپذیرد: فعل ساده/ برمی‌نهند: فعل پیشوندی/ بوده است: فعل ساده
گزینه‌ی (۴) ← می‌خواند: فعل ساده/ است: فعل ساده/ بخواند: فعل ساده/ کند:
فعل ساده
۲۳۰۸- گزینه‌ی (۴) نیست: ساده/ دربرآید: پیشوندی/ ننشسته (است): ساده/
فرود آمده است: مرکب
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌ی (۱) ← می‌خواهد: ساده/ صرف‌نظر کند: مرکب/ بخواند: ساده/ نمی‌پذیرد: ساده
گزینه‌ی (۲) ← می‌نهد: ساده/ بده: ساده/ باش: ساده/ برگزین: پیشوندی/ شو: ساده
گزینه‌ی (۳) ← قرار گرفته (است): مرکب/ در پیش گرفته شود: مرکب/ خواهد
رفت: ساده
۲۳۰۹- گزینه‌ی (۴) فعل «گرفتیم» در بیت گزینه‌ی (۴) به معنی «تصرف
کردیم، تسخیر کردیم، به چنگ آوردیم» آمده است. اما در سایر گزینه‌ها افعال
«گرفتم/ گرفتیم» به معنی «فرض کردم و انگاشتم» به کار رفته‌اند.
۲۳۱۰- گزینه‌ی (۳) شکل درست جمله‌های گذرا شده عبارت‌اند از:
ب) زال، رستم را پس از نبرد سنگین به سوی آب روان برد.
ج) تهمینه، سهراب را برای شناختن پدر به ایران آورد.
۲۳۱۱- گزینه‌ی (۴) فعل‌های «گرفت، دوخت و پخت» در کاربردهای متفاوت
می‌توانند معانی مختلفی داشته باشند.
۲۳۱۲- گزینه‌ی (۳) رهیدن (از) ← رهاندن (را، از)/ پوشیدن (را) ← پوشاندن
(به، را)
چرخیدن (ناگذر) ← چرخاندن (را)/ لرزیدن (ناگذر) ← لرزاندن (را)
فهمیدن (را) ← فهماندن (را، به)/ چیدن (ناگذر) ← جهانند (را)
چشیدن (را) ← چشانند (به، را)/ ترسیدن (از) ← ترساندن (را، از)
نکته: مصدرهایی که گذرا به متمم یا مفعول هستند پس از گذرا شدن با «ان» گذرا
به مفعول و متمم می‌شوند.

۲۳۲۷- گزینہ (۲) برای نوشتن زندگی‌نامه این موارد استفاده می‌شود: «توصیف، تشریح، مقایسه، سادهنویسی، آغاز و پایان و عنوان مناسب، طرح سؤال (برای این که آن را به گونه‌ای متفاوت آغاز کنیم)، رعایت نکات فنی، دوری از تعصب و غرض‌ورزی، امانت و دقت و دوری از اغراق»

۲۳۲۸- گزینہ (۳) فاصله‌ی میان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کلمات در گزینہ (۳): فاصله‌ی میان واژه‌ای نامیده می‌شود، زیرا هر یک از موارد ذکر شده در این گزینہ، یک گروه اسمی محسوب می‌شود، اما در سایر گزینہ‌ها در مورد ذکر شده، یک واژه محسوب می‌شود و فاصله‌ی میان اجزای آن‌ها، فاصله‌ی میان حرفی یا نیم‌فاصله نامیده می‌شود.

۲۳۲۹- گزینہ (۱) از آن جایی که واژه‌های «آماده» و «بودند» دو نقش جداگانه (مسند و فعل) پذیرفته‌اند، فاصله‌ی بین آن‌ها، فاصله‌ی میان‌واژه‌ای نامیده می‌شود، اما چون هر دو جزء مشخص شده در سایر گزینہ‌ها، به همراه هم نقش فعل جمله را پذیرفته‌اند، فاصله‌ی میان آن‌ها «نیم‌فاصله» نامیده می‌شود.

نکته: در مورد واژه‌های مرکب، مشتق، فعل‌های پیشوندی، مرکب و فعل‌هایی که در ساختمان آن‌ها فعل کمکی به کار می‌رود، فاصله‌ی میان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کلمه، به اندازه‌ی فاصله‌ی میان حرف‌های غیر چسبان (نیم‌فاصله) در نظر گرفته می‌شود، مثال: «کتاب‌خانه - ورودی - برداشت - یاد می‌دهد - خواهد آمد و ...»

۲۳۳۰- گزینہ (۲) زندگی‌نامه گونه‌ای از نوشته‌های تشریحی است.

۲۳۳۱- گزینہ (۱) فاصله‌های میان واژه‌ای با علامت ضریب مشخص شده است: اتفاق × جالبی × روی داده است × و × دانش‌آموزان × مدارس × سلام × ساعت‌ها × در × این × زمینه × تحقیق × کرده‌اند.

نکته: «روی داده است» فعل مرکب است پس بین اجزایش نیم‌فاصله دارد نه فاصله! نکته: «تحقیق» مفعول است پس بین تحقیق و کرده‌اند فاصله وجود دارد.

۲۳۳۲- گزینہ (۳) گزینہ (۱) - زندگی‌نامه گونه‌ای از نوشته‌های تشریحی است.

گزینہ (۲) - بهره‌گیری از تخیلات قوی از ارزش زندگی‌نامه می‌کاهد. گزینہ (۴) - ... باید به واقعیات توجه کرد نه حدس و گمان.

۲۳۳۳- گزینہ (۲)

درس نهم زبان فارسی ۳

۲۳۳۴- گزینہ (۲) الف) فعل - شد (رفت) - دو جزئی

ب) فعل - ی (هستی) - سه جزئی با مسند

ج) فعل (۱) - نکه کن - سه جزئی با مفعول (البته می‌توانیم به صورت سه جزئی با متمم نیز در نظر بگیریم) / فعل (۲) - شد - سه جزئی با مسند

د) فعل (۱) - است - سه جزئی با مسند / فعل (۲) - شمرد - چهار جزئی با مفعول و مسند

ه) فعل (۱) - شد (رفت) - دو جزئی / فعل (۲) - آمد - دو جزئی

۲۳۳۵- گزینہ (۴) جملات: ۱- در بهشت به رویم باز شده بود / ۲- از وجد در خود نمی‌گنجیدم / ۳- سرخوش به هر سو می‌رفتم (دو جزئی با فعل ناگذر) / ۴- دلم می‌خواست / ۵- این نغمه‌ی آسمانی را همه از بهشتیان بشنوند (چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم) / ۶- به جان بسپارند

۲۳۳۶- گزینہ (۱) فعل «نسا زد» به معنی «مدارا نکند» حرف اضافه اختصاصی «با» دارد که در ابتدای جمله آمده و مقدم بر سایر اجزای جمله شده (با من دلشده، متمم فعلی است که در ابتدای جمله قرار گرفته)

۲۳۳۷- گزینہ (۲) دو جزئی (ناگذر) - بر تخت قدرت و سروری نشسته بودند.

سه جزئی گذرا به متمم - با تمام وجود به این نیاکان قدرتمند می‌بایند. چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند - ایرانیان دوره‌ی ساسانی نیاکان خود را جاندارانی می‌دیدند (= می‌پنداشتند)

نکته: تاریخ می‌گوید - چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم بایستد به معنی افتخار کردن حرف اضافه‌ی اختصاصی (به) دارد ولی به معنی رشد کردن حرف اضافه ندارد.

۲۳۳۸- گزینہ (۴) فعل جمله‌ی چهارم - می‌گیرم گرفتن هم مفعول می‌خواهد و هم حرف اضافه اختصاصی از دارد (طبق جدول کتاب) نکته: نیامدن متمم فعلی در عبارت تأثیری در شمارش آن ندارد و به حساب می‌آید!

۲۳۳۹- گزینہ (۲) فعل‌های ناگذر - سر به بیابان گذاشت / می‌رفت / نرود نکته: دقت کنید فعل جمله‌ی اول کنایی است (سر به بیابان گذاشت)

۲۳۴۰- گزینہ (۴) الف) - فعل: می‌رسند (ارتقا دادن) - چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

ب) - فعل: ندارم - سه جزئی گذرا به مفعول

ج) - فعل: دیدیم - سه جزئی گذرا به مفعول

د) - فعل: م - سه جزئی گذرا به مسند

ه) - فعل: آمد - دو جزئی با فعل ناگذر

نکته: به نظر می‌رسد این سؤال ایراد دارد و طبق کنکورهای سابق و نظر کتاب رساندن حرف اضافه اختصاصی ندارد اما گزینہ‌ها به شکلی قرار دارد که مجبور به انتخاب (۴) می‌شویم!

۲۳۴۱- گزینہ (۴) سه جزئی گذرا به متمم - اما چگونه می‌توان به این اصل پیوست؟ سه جزئی گذرا به مفعول - آرزوی بازگشت بدان اصل دارد / جز ناله‌ای بر لب نداشته باشد.

چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند - انسان را از خود تهی می‌کند.

۲۳۴۲- گزینہ (۴) جمله‌ی دوم - جهان‌بینی مولانا، شعر او را از لحاظ گستردگی حوزه‌ی عاطفی و هیجان‌های روحی ممتاز ساخته است.

فعل - ساخته است (به معنی گردانده است، اسنادی است و به مفعول هم نیاز دارد، پس جمله‌ی چهار جزئی مفعول و مسند تشکیل داده است)

مفعول - شعر او / مسند - ممتاز

۲۳۴۳- گزینہ (۱) مصدرهای گذرا به متمم و مفعول - شنیدن - آموختن مصدرهای گذرا به متمم - شوریدن (بر) - جنگیدن (با) - بالیدن (به) - پرهیزیدن (از)

مصدرهای ناگذر - چکیدن - لغزیدن - رمیدن

۲۳۴۴- گزینہ (۱) جمله‌ی اول - من دودیم در باغ (دو جزئی)

جمله‌ی چهارم - داشت در پای چناری غمگین، تخم آواز قناری می‌کاشت (سه جزئی با مفعول)

جمله‌ی پنجم - ناگهان شوق تپش در دل و جانم جوشید (دو جزئی)

* دقت کنید فعل جمله‌ی چهارم «داشت می‌کاشت» است از مصدر «کاشتن»

۲۳۴۵- گزینہ (۳) «آموختن - سنجیدن - پرداختن (پرداخت کردن) - ربودن - فروختن - چسباندن - اندودن - کاستن - آمیختن - ترساندن» همگی جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم می‌سازند.

۲۳۴۶- گزینہ (۴) با توجه به این که فعل جمله‌ی پایه «است» می‌باشد در صورت تغییر این جمله به جمله‌ی ساده باز هم فعل باید «است» باشد. بدین صورت: یکی از مقتضیات تمدن است.

پس جمله‌ی سه جزئی اسنادی ایجاد می‌شود.

۲۳۴۷- گزینہ (۳) گزینہ ۱ - ناگذر: گریستم - آید / گذرا: گذشت (از)

گزینہ ۲ - ناگذر: می‌سوخت - بمرد - درگذشت / گذرا: می‌داد

گزینہ ۳ - ناگذر: / - گذرا: طلب مکن - بساز - گذشت

گزینہ ۴ - ناگذر: / - گذرا: گذشت - م (هستم) - گذشت

* به نظر می‌رسد این سؤال ایراد دارد و گزینہ‌های ۳ و ۴ جواب است.

۲۳۴۸- گزینہ (۳) فعل جمله‌ی اول - آویخت (چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم) فعل جمله‌ی سوم - نماند (دو جزئی)

فعل جمله‌ی چهارم - نبیند (سه جزئی گذرا به مفعول)

۲۳۴۹- گزینہ (۴) برای مثال در جمله‌ی «کنکور یعنی تلاش» که یک جمله‌ی سه جزئی بی‌فعل (استثنایی) است، «یعنی» یک گروه اسمی است و معادل فعل «است» می‌باشد.

۲۳۵۰- گزینہ (۲) ۱- پدرم غصه می‌خورد / ۲- همه چیزش را از دست داده بود / ۳- پسرش با تلاش درس می‌خواند / ۴- به کتاب و مدرسه دلبستگی داشت.

* به نظر می‌رسد جواب این تست کنکور، ایراد دارد و بهتر بود طراح محترم جواب را گزینہ (۳) اعلام می‌کرد چرا که «پدرم غصه می‌خورد» چون فعل کنایی دارد نمی‌توان «غصه» را مفعول گرفت. اما به هر حال جواب سازمان سنجش گزینہ (۲) بوده است و ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. (مثل همیشه!)

۲۳۵۱- گزینه‌ی (۳) ساختن به معنی مدارا کردن جمله‌ی سه جزئی گذرا با متمم می‌سازد.

در سایر گزینه‌ها فعل از مصدر ساختن، جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول ساخته است.

۲۳۵۲- گزینه‌ی (۳) فعل جمله‌ی دوم: دارد ← گذرا به مفعول فعل جمله‌ی سوم: بگیری: گذرا به مفعول و متمم فعل جمله‌ی پنجم: می‌ماند: ناگذر

۲۳۵۳- گزینه‌ی (۲) مفعول (شمع جانم) قبل از نهاد (آن بی‌وفا) آمده است. البته گزینه‌ی (۱) هم چندان غلط نیست.

۲۳۵۴- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های دیگر: چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند/گزینه‌ی (۴): سه جزئی گذرا به مفعول

۲۳۵۵- گزینه‌ی (۳) فعل «می‌پرسی» حرف اضافه‌ی اختصاصی «از» دارد، پس «سر و سامان» متمم فعلی است و از اجزای اصلی جمله محسوب می‌شود.

۲۳۵۶- گزینه‌ی (۳) می‌خشکد ← دوجزئی/ برمی‌کنند ← سه جزئی با مفعول می‌سوزانند ← سه جزئی با مفعول

۲۳۵۷- گزینه‌ی (۳) افعال «می‌بینم - می‌کشم - می‌دانم - دوست دارم - بگیرم» گذرا به مفعول هستند.

۲۳۵۸- گزینه‌ی (۳) جمله‌ی سؤال و گزینه‌ی (۳): چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم گزینه‌ی (۱): سه جزئی گذرا به مفعول گزینه‌ی (۲): سه جزئی گذرا به مسند گزینه‌ی (۴): سه جزئی گذرا به مفعول

۲۳۵۹- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱) ← به دختر/ گزینه‌ی (۲) ← به بازار/ گزینه‌ی (۴) ← به نان

۲۳۶۰- گزینه‌ی (۴) می‌گذشت ← سه جزئی گذرا به متمم/ می‌گسترده ← سه جزئی گذرا به مفعول/ بود ← سه جزئی گذرا به مسند/ می‌گرفتم ← چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۲۳۶۱- گزینه‌ی (۳) صورت سؤال و گزینه‌ی (۳): سه جزئی گذرا به متمم گزینه‌ی (۱): سه جزئی گذرا به مفعول گزینه‌ی (۲): چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند گزینه‌ی (۴): چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۲۳۶۲- گزینه‌ی (۲) پشت پنجره ایستاده بود: دو جزئی با فعل ناگذر میله‌های آهنی را با دست‌هایش می‌فشرده: سه جزئی گذرا به مفعول مثل بچه‌ای دو ساله، لب برچیده بود: سه جزئی گذرا به مفعول هرچه از او پرسیدند: چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۲۳۶۳- گزینه‌ی (۲) عبارت گزینه‌ی (۲) چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم است!

۲۳۶۴- گزینه‌ی (۴) فعل جمله‌ی اول: دارد: سه جزئی گذرا به مفعول فعل جمله‌ی دوم: نمی‌گنجد: سه جزئی گذرا به متمم فعل جمله‌ی سوم: می‌شکافند: سه جزئی گذرا به مفعول فعل جمله‌ی چهارم: است: سه جزئی گذرا به مسند

۲۳۶۵- گزینه‌ی (۴) ز من، متمم اجباری بوده و مقدم بر فعل خود آمده است.

۲۳۶۶- گزینه‌ی (۳) در این گزینه، همه‌ی افعال ناگذر هستند.

۲۳۶۷- گزینه‌ی (۱) در بیت اول افعال «فرو آر» و «بمال» آمده که هر دو گذرا به مفعولند. در بیت دوم فعل «مانده است» ناگذر و فعل «دریایی» گذرا به مفعول است و «رفت» و «باز نیاید» ناگذر است.

در بیت سوم فعل «بخشند» گذرا به مفعول و متمم و فعل «برو» ناگذر و فعل «خو نکنی» گذرا به متمم است.

در بیت چهارم فعل «رفت» ناگذر و فعل «شد» گذرا به مسند و «اندر باز» گذرا به مفعول است.

۲۳۶۸- گزینه‌ی (۲) این بیت ۴ جمله دارد که به ترتیب: سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مفعول

۲۳۶۹- گزینه‌ی (۴) داده است ← گذرا به متمم و گذرا به مفعول

۲۳۷۰- گزینه‌ی (۲) «نشسته بودند» ناگذر است.

۲۳۷۱- گزینه‌ی (۴) ۱- خدایا ز عفو ناامیدم نکن/ ۲- خدایا به فضل خود دستم گیر/ ۳- که هیچ فعالم پسندیده نیست.

۲۳۷۲- گزینه‌ی (۲) در این گزینه همه‌ی افعال هم حرف اضافه اختصاصی دارند و هم گذرا به مفعولند.

۲۳۷۳- گزینه‌ی (۱)

پرداخت } ۱- اقدام کرد ← سه جزئی گذرا به متمم
} ۲- واریز کرد ← چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۲۳۷۴- گزینه‌ی (۲) در شیوه‌ی بلاغی ارکان کلام، جابه‌جا می‌شود ولی در شیوه‌ی عادی نه. چنان که در گزینه‌ی (۲) فعل‌ها در آخر جملات آمده است.

۲۳۷۵- گزینه‌ی (۱) در سایر گزینه‌ها، جزئی بعد از فعل آمده است!

۲۳۷۶- گزینه‌ی (۲) فعل: هستند (گذرا به مسند)

۲۳۷۷- گزینه‌ی (۳) حق طلب ← کسی که حق را می‌طلبد/ راهنما ← کسی که راه را می‌نماید (نشان می‌دهد)/ تأسّف‌انگیز ← چیزی که تأسّف را می‌انگیزد/ سخن‌شناس ← کسی که سخن را می‌شناسد/

۲۳۷۸- گزینه‌ی (۳) «به شمار رفتن» از افعال اسنادی است و فقط مسند می‌خواهد. مسند: عوامل اصلی فقر و قحطی کتاب

۲۳۷۹- گزینه‌ی (۳) جمله‌ی سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) همگی سه جزئی گذرا به مسند است اما جمله‌ی گزینه‌ی (۳) چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم است.

۲۳۸۰- گزینه‌ی (۲) جمله‌ی سؤال: سه جزئی گذرا به متمم (متمم فعلی: در حوزه‌ی ادب تعلیمی)

گزینه‌ی (۱): سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: نقش مهمی)

گزینه‌ی (۲): سه جزئی گذرا به متمم (متمم فعلی: به شرح جزئیات وقایع یا ...)

گزینه‌ی (۳): چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند (مفعول: صحنه‌هایی - مسند: بازآفرینی)

گزینه‌ی (۴): چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم (مفعول: احساس و صفت بشری - متمم فعلی: به عناصر بی‌جان طبیعت)

۲۳۸۱- گزینه‌ی (۳) عبارت صورت سؤال: چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند (مفعول: خود - مسند: دوست‌دار مؤمنین و ...)

گزینه‌ی (۱): چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم (مفعول: دوستان و دشمنان - متمم: اعجاب و تسلیم)

گزینه‌ی (۲): سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: نقش مهمی)

گزینه‌ی (۳): چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند (مفعول: آناری با ماهیت ... - مسند: ادبیات داستانی)

گزینه‌ی (۴): سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: ما)

۲۳۸۲- گزینه‌ی (۱) فعل جمله «دارند» است که نه اسنادی است و نه حرف اضافه‌ی اختصاصی دارد؛ فقط مفعول می‌خواهد. (چه چیزی را دارند؟) ← مفاهیم اختصاصی و موضوعی؛ پس جمله، سه جزئی گذرا به مفعول است.

۲۳۸۳- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): سه جزئی با مسند (مسند: به اندازه‌ی فاصله‌ی حرف‌های یک کلمه) / گزینه‌ی (۲): چهار جزئی با مفعول و مسند (مفعول: خویش - مسند: بی‌نیاز) / گزینه‌ی (۳): سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: تکیه)

گزینه‌ی (۴): سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: زندگی یکی از بزرگان)

※ «دیدن» به معنی «پنداشتن»، «محسوب کردن» و ... فعل اسنادی است!

۲۳۸۴- گزینه‌ی (۲) نهاد: توصیف میدان‌های رزم، روایتی پهلوانان، وصف سزوبرگ جنگی در شاهنامه‌ی فردوسی، توصیف عناصر طبیعی در شعر شاعران مسند: گواه باریک‌اندیشی و خیال‌پردازی و لطافت طبع شاعران ما فعل: است

۲۳۸۵- گزینه‌ی (۳) نهاد: سراینده‌ی شعر وصفی/ متمم قیدی: به یاری تخیل سازنده و قوی خود/ متمم فعلی: به عناصر بی‌جان طبیعت، پرندگان، گل‌ها و دیگر موجودات/ مفعول: احساس و صفت بشری/ فعل: می‌بخشد

۲۳۸۶- گزینه‌ی (۴) نهاد: بشر/ مفعول: ابتکار تازه‌ای/ مسند: واجب/ فعل: می‌داند

۲۳۹۹- گزینه‌ی (۱) مفعول: فضای نثر و شعر / فعل: آکنده است - اسنادی نیست حرف اضافی اختصاصی ندارد

پس جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول ساخته است.

* دقت کنید فعل، «آکنده است» می‌باشد (ماضی نقلی از مصدر آکندن) نه «است».

۲۴۰۰- گزینه‌ی (۲) گنجیدن - در / شوریدن - بر / جنگیدن - با / شنیدن - از

۲۴۰۱- گزینه‌ی (۴) جمله‌ی اصلی (پایه- هسته): اهل کلیسا در قرون وسطی شعر را غذای شیطان می‌دانستند.

فعل: می‌دانستند
(به معنی به حساب می‌آوردند)
مفعول: شعر
اسنادی است (مسند: غذای شیطان)
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله، چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند است.

* جمله‌ای که بعد از حرف ربط وابسته‌ساز (که- اگر- تا- زیرا- ...) می‌آید جمله‌ی پیرو و یا وابسته است و جمله‌ی دیگر جمله‌ی هسته یا اصلی یا پایه است.

۲۴۰۲- گزینه‌ی (۳) جمله‌ی اصلی (پایه): خط را خط پهلوی می‌نامند.

مفعول: خط
فعل: می‌نامند
اسنادی است (مسند: خط پهلوی)
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند ساخته شده است.

۲۴۰۳- گزینه‌ی (۱)

گزینه‌ی (۱)
جمله‌ی اول: سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: مغز سر آنان)
جمله‌ی دوم: چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم (مفعول: محذوف - متمم فعلی: مارها)
جمله‌ی سوم: سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: آرامش)

گزینه‌ی (۲)
جمله‌ی اول: سه جزئی گذرا به مسند (مسند: مظهري از اهریمن)
جمله‌ی دوم: دوجزئی (فعل: می‌روید)
جمله‌ی سوم: سه جزئی گذرا به مسند (مسند: تجسمی از خواهی اهریمنی)

گزینه‌ی (۳)
جمله‌ی اول: دو جزئی (فعل: بیارامد)
جمله‌ی دوم: سه جزئی گذرا به مسند (مسند: نمودار و مظهر بدترین صورت جورپیشگی)

گزینه‌ی (۴)
جمله‌ی اول: سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: خانه‌ی آبتین)
جمله‌ی دوم: دوجزئی (فعل: بالید)
جمله‌ی سوم: سه جزئی گذرا به مفعول (مفعول: نیرو)
جمله‌ی چهارم: چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم (مفعول: نام و نشان خود و پدر - متمم فعلی: مادر)

۲۴۰۴- گزینه‌ی (۳)

فعل: آن نوع نقد
(به معنی به حساب آوریم)
اسنادی است. (مسند: هم ریشه)
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند، ساخته است.

۲۴۰۵- گزینه‌ی (۴)

فعل: دانسته‌اند
(به معنی محسوب کرده‌اند)
اسنادی است. (مسند: هم‌پایه‌ی ...)
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند ساخته است.

۲۴۰۶- گزینه‌ی (۴)

مفعول: مطالب و نکات لازم
فعل: یاد می‌دادند
اسنادی نیست
حرف اضافی اختصاصی دارد (متمم فعلی: به کارآموزان و همه‌ی مراجعه‌کنندگان)

پس: جمله‌ی چهارجزئی با فعل گذرا به مفعول و متمم است.

* توجه به فعل، کلید حل این سؤالات است!

۲۳۸۷- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): غلبه‌ی روح امید... نهاد/ امتیاز بزرگ... مسند/ است: فعل - سه جزئی گذرا به مسند/ گزینه‌ی (۲): قصه‌های پیامبران: نهاد/

به شعر شاعران متعهد به اسلام: متمم فعل/ جاودانگی و... مفعول/ بخشیده است: فعل - چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم/ گزینه‌ی (۳): هدف قصه‌ها و... نهاد/

ترویج... مسند/ است: فعل - سه جزئی گذرا به مسند/ گزینه‌ی (۴): قصه: نهاد/ منعکس کننده‌ی... مسند/ بوده است: فعل - سه جزئی گذرا به مسند

۲۳۸۸- گزینه‌ی (۳) فعل - می‌شود (پس، جمله جزئی گذرا به مسند است)/ مسند: احساس

۲۳۸۹- گزینه‌ی (۱) مفعول: نکات اخلاقی، پند و نصیحت و ... فعل: آموخته‌اند - اسنادی نیست

حرف اضافی اختصاصی دارد (متمم فعلی: از فردوسی)

پس: جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم است.

۲۳۹۰- گزینه‌ی (۱)

فعل: دانسته‌اند (به معنی پنداشتن و تصور کردن)
اسنادی است (مسند: برخاسته از ...)
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند ساخته شده است.

۲۳۹۱- گزینه‌ی (۱)

مفعول نمی‌خواهد
فعل: شده است
اسنادی است. (مسند: نمایان‌گر قدرت بی‌چون و چرای ...)
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله، سه جزئی گذرا به مسند است.

۲۳۹۲- گزینه‌ی (۲)

مفعول: عرصه‌ای فراخ (چه چیزی را دارد؟)
فعل: دارد
اسنادی نیست.
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول ساخته است.

۲۳۹۳- گزینه‌ی (۴)

مفعول: رابطه‌ی میان تصوّر خزان و آواز برگ‌های خشک
فعل: درمی‌یابد
اسنادی نیست.
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول ساخته است.

۲۳۹۴- گزینه‌ی (۲)

مفعول: راه دیگری
فعل: باقی نمی‌گذارد
اسنادی نیست.
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله، سه جزئی گذرا به مفعول است.

۲۳۹۵- گزینه‌ی (۲)

مفعول: انتخاب
فعل: می‌سازد (به معنی می‌گرداند)
اسنادی است. (مسند: بسیار مشکل)
حرف اضافی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند تشکیل داده است.

۲۳۹۶- گزینه‌ی (۱) نهاد: کارخانه‌های کاغذسازی بزرگ جهان/ مفعول:

بیش‌ترین تولید/ فعل: دارند

۲۳۹۷- گزینه‌ی (۴)

مفعول: احساس و صفت بشری
فعل: می‌بخشد
اسنادی نیست.
حرف اضافی اختصاصی دارد (متمم فعلی: به عناصر بی‌جان طبیعت، ...)

پس: جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم ساخته است.

۲۳۹۸- گزینه‌ی (۳)

مفعول: شکوه و شوکتی
فعل: بخشیده است
اسنادی نیست.
حرف اضافی اختصاصی دارد (متمم فعلی: به شعرش)

پس: جمله، چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم است.

۲۴۰۷- گزینه‌ی (۳)

مفعول: شهرت و محبوبیتی
 فعل: یافته است } اسنادی نیست (چون به معنی پیدا کردن است نه محسوب کردن)
 حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد.
 پس: جمله‌ی سه‌جزئی گذرا به مفعول تشکیل شده است.
 * یافتن به معنی محسوب کردن و پنداشتن فعل اسنادی است نه به معنی پیدا کردن!

۲۴۰۸- گزینه‌ی (۴)

مفعول: ایمان عمیق و ارادت خود
 فعل: می‌سازد } اسنادی است (مسند: آشکار)
 حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد.
 پس: جمله‌ی مزبور، چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند است.
 * «ساختن» به معنی «گرداندن، کردن و نمودن» فعل اسنادی است.

۲۴۰۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← سه‌جزئی گذرا به مسند (مسند: از کدام لشکر، به جای مسند یک گروه متممی آمده)

گزینه‌ی (۲) ← سه‌جزئی گذرا به مسند (مسند: خودی)
 گزینه‌ی (۳) ← دوجزئی «لنگان لنگان» و «به پیش» قید هستند
 گزینه‌ی (۴) ← سه‌جزئی گذرا به مفعول (مفعول: لباس نظامی)

۲۴۱۰- گزینه‌ی (۱)

مفعول نمی‌خواهد (فعل مجهول است)
 فعل: شناخته شده است } اسنادی است. (مسند: چهره‌ای طنزپرداز)
 حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد.
 پس: جمله‌ی سه‌جزئی با مسند تشکیل داده است.

۲۴۱۱- گزینه‌ی (۳)

مفعول: مراحل سیر و سلوک
 فعل: می‌سازد } اسنادی است (ساختن به معنای گرداندن، نمودن و کردن، فعل اسنادی است).
 حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد.
 پس: جمله‌ی مزبور، چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند است.

۲۴۱۲- گزینه‌ی (۲)

مفعول: ما (چه کسی را آشنا می‌گرداند؟)
 فعل: می‌گرداند } اسنادی است.
 حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد.

پس: جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند تشکیل شده است.
 ۲۴۱۳- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱) ← چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند (مفعول: ملل نوپا- مسند: متواضع و قدردان)

گزینه‌ی (۲) ← سه‌جزئی گذرا به مسند (مسند: لازم)
 گزینه‌ی (۳) ← سه‌جزئی گذرا به متمم (متمم فعلی: تعالی فکری و ادبی خود)
 گزینه‌ی (۴) ← سه‌جزئی گذرا به مسند (مسند: میسر)

۲۴۱۴- گزینه‌ی (۱) جمله‌ی پایه: ... به کار برده‌اند: سه‌جزئی با مفعول (مفعول: گنج) / جمله‌ی پیرو: ... می‌نامند: چهار جزئی با مفعول و مسند (مفعول: ش- مسند: معصوم‌زاده)
 * جمله‌ی پیرو، جمله‌ای است که بعد از حرف ربط وابسته‌ساز می‌آید.

۲۴۱۵- گزینه‌ی (۴) آمدن ← وارد شدن / برآمدن ← طلوع کردن
 گذشتن ← عبور کردن / درگذشتن ← مردن
 داشتن ← مالک بودن / واداشتن ← مجبور کردن
 * آسودن و برآسودن هم معنا هستند. هم چنین است: افراشتن و برافراشتن، گماشتن و برگماشتن، ...

۲۴۱۶- گزینه‌ی (۱)

۱- ... برسانند: سه‌جزئی با مفعول
 جملات وابسته } ۲- ... شد: سه‌جزئی با مسند
 * فعل «رسیدن» و «رساندن» حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارند.

۲۴۱۷- گزینه‌ی (۲) جمله‌ی «نامش را کلیله و دمنه بهرام شاهی گذاشت»، چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند است. (مفعول: ش (آن را)- مسند: کلیله و دمنه‌ی بهرام شاهی- فعل: نام گذاشت)
 * در گزینه‌ی (۱)، کردند فعل اسنادی نیست چرا که معنای گرداندن و ساختن نمی‌دهد.

۲۴۱۸- گزینه‌ی (۱) جملات دوم و سوم و چهارم، سه‌جزئی گذرا به مفعولند (مفعول آن‌ها به ترتیب: شکلی هنری، اثری مطلوب، عواطف و احساسات او)
 جمله‌ی اول سه‌جزئی گذرا به متمم است (متمم: عناصر ادبی)
 * جمله‌ی پنجم چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم است.
 * جمله‌ی ششم سه‌جزئی گذرا به مسند است.

* در جمله‌ی سوم «برخواننده» متمم اسمی است نه فعلی (اثر بر ...)
 ۲۴۱۹- گزینه‌ی (۳) جمله‌ی پیرو «آهنگ و تکیه و مکث را نمی‌توان با حروف الفبا منعکس کرد»، که چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند است. (مفعول: آهنگ و تکیه و مکث، مسند: منعکس)

۲۴۲۰- گزینه‌ی (۱) جمله‌ی گزینه‌ی (۱)، سه‌جزئی با مفعول است.
 ۲۴۲۱- گزینه‌ی (۴) «علی» مسند است. در جمله‌ی گزینه‌ی (۳)، علی مفعول است.
 ۲۴۲۲- گزینه‌ی (۲) هر دو جمله، دوجزئی هستند.

۲۴۲۳- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): کسی از دور فلک هیچ مهربانی ندید.
 گزینه‌ی (۲): دادگر آسمان از او داد بگیرد، اگر دادگر خاک داد خلق ندهد.
 گزینه‌ی (۴): بس پند آن‌که در تاج سرش پیدا بود.

۲۴۲۴- گزینه‌ی (۳) نمی‌هراسید: سه‌جزئی متممی / افزود: سه‌جزئی متممی / ساخت: چهار جزئی مفعولی مسندی / از بین نرفته است: ناگذر (دوجزئی)

۲۴۲۵- گزینه‌ی (۱)

گزینه‌ی (۲): بچنید: ناگذر، است: سه‌جزئی مسندی
 گزینه‌ی (۳): می‌آید: ناگذر، است: سه‌جزئی مسندی
 گزینه‌ی (۴): می‌رود: ناگذر، است: سه‌جزئی مسندی

۲۴۲۶- گزینه‌ی (۴) اجرای جمله: به‌دست آورده بود (سه‌جزئی گذرا به مفعول) - به حساب می‌آمد (سه‌جزئی گذرا به مسند) - می‌آمدند (ناگذر و دو جزئی) - می‌شدند (سه‌جزئی گذرا به مسند)

۲۴۲۷- گزینه‌ی (۳) افعال گزینه‌ی (۳)، «آمد و می‌رود» هر دو ناگذرند.

افعال دیگر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): آمد (ناگذر) - برگشود (گذرا)
 گزینه‌ی (۲): بیا (ناگذر) - برگرفت (گذرا)
 گزینه‌ی (۴): خروشید (ناگذر) - شد (گذرا)

۲۴۲۸- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳): دو جزئی

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): سه‌جزئی گذرا به مسند
 گزینه‌ی (۲): جمله‌ی اول: سه‌جزئی گذرا به مفعول / جمله‌ی دوم: چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

گزینه‌ی (۴): سه‌جزئی گذرا به مسند

۲۴۲۹- گزینه‌ی (۴) (۱) مراکز ادبی سامانیان: نهاد

(۲) به شعر شاعران سرزمین‌های دیگر: متمم

(۳) رنگ محلی و اقلیمی: مفعول

(۴) بخشیدند: فعل

فعل «بخشیدند» گذرا به مفعول و متمم است، ولی در سوال مطرح شده، متمم بر مفعول مقدم شده است.

۲۴۳۰- گزینه‌ی (۳) فعل جمله‌ها به ترتیب: «فرا گرفت = گذرا به مفعول» / «یافته بودند = گذرا به مفعول» / «می‌رفتند = ناگذر» / «نداشتند = گذرا به مفعول» / «می‌شدند = گذرا به مسند»

۲۴۳۱- گزینه‌ی (۲) در سه‌گزینه‌ی دیگر هم فعل ناگذر و هم فعل گذرا دیده می‌شود ولی در گزینه‌ی (۲)، فقط فعل‌های «گذرا» دیده می‌شوند یعنی «باختیم، خرسندیم، بود» همه گذرا هستند اما در گزینه‌ی (۱)، فعل «بد» گذرا و «برآسایم» ناگذر، در گزینه‌ی (۳) فعل‌های «بگذارد و خیزد» گذرا و «بگیرم» ناگذر، در گزینه‌ی (۴) «بیرون نمی‌توان کرد» گذرا و «نشسته» ناگذر است.

۲۴۳۲- گزینه‌ی (۱) «ریشه دوانید» به معنی «نفوذ و رسوخ پیدا کرد» یک عبارت کنایی است، همان‌طور که می‌دانید عبارات کنایی هرگاه فعل واقع شوند فعل مرکب خواهند بود.

از آن‌جا که این فعل تنها به متمم نیاز دارد، جمله‌ی سه‌جزئی با متمم را به وجود می‌آورد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲): «الب ارسلان و پسر» ← نهاد

گزینه‌ی (۳): «صبر» و «آب چشم» ← نهاد/ «سود و راز پنهان» ← مفعول

گزینه‌ی (۴): «چشمی» ← نهاد/ «جمال» ← مفعول

۲۴۴۸- گزینه‌ی (۲) در بیت می‌خوانیم: «قحطی تا حدّی که مرد، از فرط بی‌قوتی مانند شمع چشم خود را در آتش می‌سوزاند و به کار می‌برد.» واضح است که «مرد»، نهاد است و گروه «چشم خود» که «چشم» هسته‌ی آن است، مفعول است.

۲۴۴۹- گزینه‌ی (۳) در بیت گزینه‌ی (۳)، با توجه به مفهوم بیت، واضح است که «شد» در مصراع نخست، به معنای «رفت» آمده است: «شب هجران، رفت» جدای از این، «شب هجران» یک گروه است که «شب» هسته‌ی آن است، یعنی حتّی اگر «شد» در این بیت فعل اسنادی بود. «هجران» مسند نمی‌بود. نقش دستوری بخش‌های مشخص شده‌ی ابیات گزینه‌ها همگی مسند است، به‌جز بیت گزینه‌ی (۳).

در دیگر ابیات:

گزینه‌ی (۱): از دست تو، من، شیدا شدم.

گزینه‌ی (۲): تا من حلقه‌به‌گوش شدم.

گزینه‌ی (۴): من از توبه‌ی شراب، خجل شدم.

۲۴۵۰- گزینه‌ی (۱) واضح است که نقش دستوری «جانور» در عبارت صورت سؤال، مفعول است:

«صاد» هرگز جانوری (را) از پهلوی نکشید.

در بیت گزینه‌ی (۱) نیز «ش» به «آن» تبدیل می‌شود که مفعول است: «به شرط آن که آن را به کج طبعان دل کور نشان ندهی.» «ملالت‌ها»، «محض» و «من» در ابیات، گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به‌ترتیب نهاد، مسند و مضاف‌الیه است.

۲۴۵۱- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال، در گروه «بوی زلف»، «زلف» مضاف‌الیه است. جمله‌ی «بوی زلف، گمراه عالم کرد» نیز به شکل «بوی زلف، من را گمراه عالم کرد» بازگردانی می‌شود که در آن «م» مفعول است. در گزینه‌ی (۳) نیز «وصل» در گروه «روز وصل» مضاف‌الیه است و در جمله‌ی «آن را می‌خواهند» نیز در آن «ش» پس از «قدر» به «آن» تبدیل شده است، «آن» مفعول است.

گزینه‌ی (۱): دشمن: نهاد/ مجروح: مسند

گزینه‌ی (۲): تاج: نهاد/ «ش» پس از وصل: مضاف‌الیه

گزینه‌ی (۴): او: مضاف‌الیه/ ایشان: نهاد

۲۴۵۲- گزینه‌ی (۳) بیت گزینه‌ی (۳) به شیوه‌ی عادی بیان شده است: آن کس که مایه‌دار بود (است) خودنمای نیست: هرگز کسی گلی [را] به سر باغبان ندید. (هیچ‌گونه جابه‌جایی بین اجزای جمله ایجاد نشده است.) بازگردانی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): بگو تا سوار زابلی آورم که با خنجر کابلی باشند.

گزینه‌ی (۲): جامه‌ی دیوانگی بر قد هر کس راست (اندازه) نیست. یک تن (نفر) از دو صد دیوانه به راز (در باطن) عریان نیست.

گزینه‌ی (۴): اگر رتبه‌ی بالاتر از شهادت آرزویت است، در تلاش تشنه‌ی مردن در کنار آب باش.

۲۴۵۳- گزینه‌ی (۲) گذرا به متمم ← نازیدن - رنجیدن - گذشتن - برازیدن

گذرا به مفعول و مسند ← نامیدن - دانستن (محسوب کردن) - شمردن

گذرا به مفعول و متمم ← آویختن - سپردن - اندودن - فروختن - چسباندن

گذرا به مفعول ← دانستن (بلد بودن)

۲۴۵۴- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱)، اجزای جمله در جای اصلی قرار گرفته‌اند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲): در هر دو مصراع اجزای جمله جابه‌جا شده است.

گزینه‌ی (۳): در مصراع اول، مسند و فعل جابه‌جا شده است. (خراب شود)

گزینه‌ی (۴): در هر دو مصراع اجزای جمله جابه‌جا شده است.

۲۴۵۵- گزینه‌ی (۲) شعر عامیانه از ... برآمده است. ← دو جزئی/ هرگز ادعای ... نداشته‌اند ← سه جزئی با مفعول/ این شعر در هر شکل و ... آن‌هاست ← سه جزئی با مسند/ در عصر مشروطه ... سرودند ← سه جزئی با مفعول/ زبان سروده‌های خود را ... کردند ← چهار جزئی با مفعول و مسند توجه: در جمله‌ی آخر «به مرز زبان مردم کوچه و بازار» متمم اسم (نزدیک) است.

۲۴۳۲- گزینه‌ی (۲) در جوانی (متمم قیدی) - از همنشینی (متمم فعل) - با دوست نادان (متمم اسم)

۲۴۳۴- گزینه‌ی (۲) در این جمله «دارد» فعل است و این فعل گذرا به مفعول است و جمله‌ی سه‌جزئی با مفعول را می‌سازد. فعل «دارد» به هیچ حرف اضافه‌ی اختصاصی نیاز ندارد.

۲۴۳۵- گزینه‌ی (۱) فعل گزینه‌ی (۱) قبل از گذرا شدن «سه‌جزئی گذرا به متمم» بوده است: «می‌رهید» ← از؛ اما افعال سایر گزینه‌ها قبل از گذرا شدن «گذرا به مفعول» بوده‌اند.

۲۴۳۶- گزینه‌ی (۱) «می‌داند» به معنای می‌پندارد و به حساب می‌آورد نیاز به مفعول و مسند دارد.

۲۴۳۷- گزینه‌ی (۴)

آن‌بو، فکر خلاق را در قلمرو هنر از جنبه‌ی زیبایی‌شناسی امری بیگانه می‌شمارد.

نهاد	مفعول	قید	مسند	فعل
نهاد	مفعول	قید	مسند	فعل

(۴ جزئی با مفعول و مسند)

گزینه‌ی (۴) ← امروزه منتقدان نقد اجتماعی را نقدی معتبر محسوب می‌کنند.

قید	نهاد	مفعول	مسند	فعل
قید	نهاد	مفعول	مسند	فعل

(۴ جزئی با مفعول و مسند)

۲۴۳۸- گزینه‌ی (۲) جمله‌ی اوّل ← فعل: می‌خواهم ← سه جزئی با مفعول/ جمله‌ی دوم ← فعل: کنم ← سه جزئی با مفعول/ جمله‌ی سوّم ← فعل: پردازم ← سه جزئی با مفعول/ جمله‌ی چهارم ← فعل: بیاریم ← چهار جزئی با مفعول و متمم/ جمله‌ی پنجم ← فعل: اندیشم ← سه جزئی با متمم/ جمله‌ی ششم ← فعل: پوشانم ← چهارجزئی با مفعول و متمم

۲۴۳۹- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴)، چهارجزئی گذرا به مفعول (او) و متمم (کندن کوه بیستون) است، در حالی که سه گزینه‌ی دیگر، چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند هستند.

۲۴۴۰- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال چهارجزئی مفعول متممی است، هسته‌ی گزینه‌ی (۴) فعل «می‌گوید» نیز چهارجزئی مفعولی متممی است.

۲۴۴۱- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← سه جزئی مسندی است.

گزینه‌ی (۲) ← چهارجزئی مفعولی مسندی است.

گزینه‌ی (۳) ← سه جزئی مفعولی است.

گزینه‌ی (۴) ← سه جزئی مفعولی است.

۲۴۴۲- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← سه جزئی مسندی است.

گزینه‌ی (۲) ← سه جزئی مفعولی است.

گزینه‌ی (۳) ← چهارجزئی مفعولی مسندی است.

گزینه‌ی (۴) ← سه جزئی مسندی است.

۲۴۴۳- گزینه‌ی (۲)

۲۴۴۴- گزینه‌ی (۳) جمله‌ی «بالا می‌روی» نهاد + فعل (نهاد جدا محذوف است + می‌روی که فعل ناگذر است)، واژه‌ی «بالا» قید است.

۲۴۴۵- گزینه‌ی (۱) در بیت می‌خوانیم: «تا زمانی که خار غم عشقت در دامن آویخته است، رفتن به گلستان‌ها کوتاه‌نظری است.» واضح است که در جمله‌ی «رفتن به گلستان‌ها کوتاه‌نظری است»، «رفتن» نهاد است. دقت کنید مصدرها، اسم فعل هستند و نه خود فعل.

۲۴۴۶- گزینه‌ی (۱) در عبارت «کمال قرآن»، «قرآن» مضاف‌الیه است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «تا خار غم عشق تو در دامن آویخته است»، «ت» مضاف‌الیه «عشق» است.

گزینه‌ی (۲): «به تیرگی» در این بیت گروه متممی است.

گزینه‌ی (۳): «همه‌ی نصیب من از زمانه، غم است؟»، «غم» مسند است.

گزینه‌ی (۴): «نمی‌بینی که سپهر کاسه‌مثال، برای خوردن خون تو، جمله‌تن‌شکم است؟»، «کاسه‌مثال» صفت بیانی است.

۲۴۴۷- گزینه‌ی (۱) در بیت گزینه‌ی (۱)، در مصراع اول، مفعول پیش از نهاد (که) آمده و نیز در مصراع دوم، مسند «که» در «کیست» جلوتر از نهاد (آن) قرار گرفته که از شیوه‌ی بلاغی استفاده شده است.

۲۴۵۶- گزینه‌ی (۱) فعل‌های ناگذر ← رسید - لرزید - ایستاد - ماند

فعل‌های گذرا ← است - پوشاندند - بود - تکرار می‌کند - دارد

۲۴۵۷- گزینه‌ی (۱)

جمله‌ی گزینه‌ی (۲) ← سه جزئی گذرا به متمم

جمله‌ی گزینه‌ی (۳) ← سه جزئی گذرا به مسند

جمله‌ی گزینه‌ی (۴) ← سه جزئی گذرا به مفعول

۲۴۵۸- گزینه‌ی (۳) در جملات دوجزئی، فعل ناگذر است، یعنی فقط نیاز به نهاد

دارد و بقیه‌ی اجزای جمله یا قید هستند یا متمم قیدی و از جمله حذف می‌شوند. در

گزینه‌ی (۱) «فرا رسیده است»/ در گزینه‌ی (۲) «طلوع می‌کنند»/ در گزینه‌ی

(۴) «می‌درخشند» فعل ناگذر است و جمله‌ی دوجزئی می‌سازد، اما در گزینه‌ی

(۳) فعل «گشوده است» گذرا به مفعول و فعل «است» گذرا به مسند است.

۲۴۵۹- گزینه‌ی (۱) جمله‌ی اول: «آموزش و رهبری ...» نهاد، «به سعدی»

متمم فعل، «اثری بسیار» مفعول، «بخشید» فعل ← جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول

و متمم/ جمله‌ی دوم: «او» نهاد، محذوف، «آگاه» مسند، «شد» فعل اسنادی ←

جمله‌ی سه‌جزئی گذرا به مسند/ جمله‌ی چهارم: نهاد محذوف، «مهارت» مفعول،

«یافت» فعل ← جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول/ جمله‌ی پنجم: نهاد محذوف، «به

مشرب عرفان» متمم فعل، «گرایید» فعل ← جمله‌ی سه‌جزئی گذار به متمم

۲۴۶۰- گزینه‌ی (۴) فعل‌های گذرا: «است (گذرا به مسند)، بود (گذرا به مسند)،

از میان می‌برد (گذرا به مفعول)، می‌شد (گذرا به مسند)، شود (گذرا به مسند)» ← ۵

فعل‌های ناگذر: «بیارآمد، نمی‌رسید، از پا درآید» ← ۳

۲۴۶۱- گزینه‌ی (۱) ۱) می‌بخشید ← گذرا به مفعول و متمم/ ۲) می‌وزید ←

دوجزئی/ ۳) بودند ← سه‌جزئی گذرا به مسند/ ۴) می‌رفتند ← دوجزئی/ ۵) می‌کرد ←

چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند/ ۶) می‌ایستاد ← دوجزئی/ ۷) می‌ریخت ← دوجزئی

۲۴۶۲- گزینه‌ی (۴) رنجیدن (از)، پرهیزیدن (از)، تاختن (به)، گرویدن (به)،

در آمیختن (با)، بالیدن (به) ← ۶ مصدر حرف اضافه‌ی اختصاصی دارند.

اندودن (را - با)، گنجاندن (را - در) سپردن (را - به)، ربودن (را - از)، سنجیدن

(را - با)، گفتن (را - به)، آلودن (را - به)، کاستن (را - از) ← ۸ مصدر علاوه بر حرف

اضافه‌ی اختصاصی، نشانه‌ی «را» هم می‌گیرند.

۲۴۶۳- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳) واژه‌ی «زنده» مسند جمله است که بر

اجزای دیگر جمله مقدم شده است.

بازگردانی مصراع چنین است: جان بشر (نهاد) از حکمت و پند تو (متمم اسم)، زنده

(مسند) بود (فعل اسنادی) ← (جمله‌ی سه‌جزئی با مسند)

۲۴۶۴- گزینه‌ی (۴) «از من» متمم فعل است، زیرا فعل «پرس» گذرا به مفعول

و متمم است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «به صحرا» متمم قیدی، فعل «روند» فعل ناگذر است.

گزینه‌ی (۲) «در بند» متمم قیدی، فعل «بمیرد» فعل ناگذر است.

گزینه‌ی (۳) «در خانه» و «به بازار» متمم قیدی، فعل‌های «نشینم» و «آمده

است» ناگذر هستند.

۲۴۶۵- گزینه‌ی (۲) جمله‌ی هسته ← ادبیات تطبیقی یکی از ... است. جمله‌ی

وابسته: که ما را ... آگاه می‌سازد. جمله‌ی هسته: نهاد (ادبیات تطبیقی) + مسند (یکی

از شاخه‌های ...) + فعل ربطی (است) ← جمله‌ی سه‌جزئی با مسند/ «که» حرف ربط

وابستگی که جمله‌ی بعد از آن جمله‌ی وابسته است.

جمله‌ی وابسته ← نهاد (محذوف = ادبیات تطبیقی) + مفعول (ما را) + مسند (آگاه)

+ فعل (می‌سازد)/ «از تأثیرپذیری ادبیات ملت‌های مختلف جهان ...» متمم اسمی

برای واژه‌ی «آگاه» است. ← چهارجزئی با مفعول و مسند

۲۴۶۶- گزینه‌ی (۱) اجزای جمله در جای اصلی قرار گرفته‌اند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲) ← در هر دو مصراع اجزای جمله جابه‌جا شده است.

گزینه‌ی (۳) ← در مصراع اول، مسند و فعل جابه‌جا شده است. (خراب شود)

گزینه‌ی (۴) ← در جمله‌ی اول سایر اجزای جمله بر نهاد مقدم شده‌اند و در مصراع

دوم متمم بر نهاد (اعتماد) مقدم شده است.

۲۴۶۷- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌های (۱) و (۲) و (۳)، جمله‌های «زیارت قبول»،

«دست‌ها بالا» و «عیدتان مبارک» همگی دوجزئی بدون فعل هستند، ولی در گزینه‌ی

(۴) جمله‌ی «به امید دیدار» یک‌جزئی است.

۲۴۶۸- گزینه‌ی (۱) دانسته‌اند ← چهارجزئی با مفعول و مسند/ می‌پردازد

← سه‌جزئی با متمم/ به وجود می‌آورد ← سه‌جزئی با مفعول/ ادامه می‌دهند ←

سه‌جزئی با مفعول

در جمله‌ی آخر «بعد از او» قید و «با سرودن آثاری ارزشمند و درخور» متمم قیدی هستند.

۲۴۶۹- گزینه‌ی (۳) «جست‌وجو می‌کند» فعل مرکب است و جمله‌ی سه‌جزئی

گذرا به مفعول می‌سازد.

ناصر خسرو ریشه‌ی شکست آدمی را در اندیشه و کردار خود او جست‌وجو می‌کند.

نهاد	مفعول	متمم قیدی	فعل
------	-------	-----------	-----

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «کرده بود» ← ساخته بود، گردانیده بود/ عارف تمام نیروی خود

نهاد	مفعول
------	-------

را در چشمانش (متمم اسم) متمرکز کرده بود.

مسند	فعل
------	-----

گزینه‌ی (۲) «بدانیم» ← ببینداریم/ باید او را در جمع خود

یک مرد تمام و کامل بدانیم

مسند	فعل
------	-----

گزینه‌ی (۴) «می‌شمرد» ← به‌شمار می‌آورد/ شاعر تحمل تلخی‌ها و سختی‌ها

نهاد	مفعول
------	-------

را برای کامیابی و پیروزی شرط لازم می‌شمرد.

مسند	فعل
------	-----

۲۴۷۰- گزینه‌ی (۳) همه‌ی جمله‌های گزینه‌ی (۳) ← گذرا به مفعول هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

فعل‌های «اوج می‌گرفت» و «می‌لغزید» در گزینه‌ی (۱) ← «می‌رفتند» در گزینه‌ی

(۲) ← «می‌خزید و می‌گذشت» در گزینه‌ی (۴) ← دوجزئی هستند.

۲۴۷۱- گزینه‌ی (۳) «محسوسات» نهاد/ «نقش مهتی» مفعول/ «دارند» فعل ←

جمله‌ی سه‌جزئی گذرا به مفعول

«در سرودن شعر وصفی» و «در تصویرنگاری شاعر» متمم قیدی هستند.

۲۴۷۲- گزینه‌ی (۴) پیروان شعر نیامی (نهاد)، این حرکت را (مفعول)، ادامه

می‌دهند (فعل) ← سه‌جزئی با مفعول

۲۴۷۳- گزینه‌ی (۴) او (نهاد محذوف)/ خود را (مفعول)/ محروم (مسند)/ کرد

(فعل اسنادی) ← جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «زنان روستایی مصر (نهاد محذوف)/ لب (مفعول)/ فروبندند (فعل)

← سه‌جزئی گذرا به مفعول

گزینه‌ی (۲) او (نهاد محذوف)/ آب (مفعول)/ می‌نوشید (فعل) ← سه‌جزئی گذرا

به مفعول

گزینه‌ی (۳) او (نهاد محذوف)/ غذای خشک (مفعول)/ می‌خورد (فعل) ←

سه‌جزئی گذرا به مفعول

۲۴۷۴- گزینه‌ی (۲) «در عصر مشروطه و پس از آن» متمم قیدی، «کسانی چون

ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، شمس کسمایی و جعفر خامنه‌ای» نهاد، «جریان نوآوری

را» مفعول، «به ویژه» قید، «در عرصه‌ی شعر» متمم قیدی، «پی می‌گیرند» فعل

۲۴۷۵- گزینه‌ی (۲) فعل جمله «پیدا کردند» است که سه‌جزئی گذرا به مفعول

است. کلمه‌ی «گرایش» نقش مفعولی دارد و اسمی است که به متمم اسم نیاز دارد، بنابراین

عبارت «جمهوری اسلامی» متمم اسم است که جزء اجزای جمله به حساب نمی‌آید.

۲۴۷۶- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱) «می‌خواهد» و «آرام» بر سایر اجزای جمله مقدم شده‌اند.

گزینه‌ی (۲) «داد» بر سایر اجزای جمله مقدم شده است.

گزینه‌ی (۴) «نیست» و «شکند» بر سایر اجزای جمله مقدم شده‌اند.

۲۴۷۷- گزینه‌ی (۴)

گزینه‌ی (۱) ← مسند (خشک) بر نهاد و فعل و سایر اجزای جمله مقدّم شده است.
گزینه‌ی (۲) ← فعل «می‌رسد» بر نهاد مقدّم شده است.
گزینه‌ی (۳) ← متمّم بر سایر اجزای جمله مقدّم شده است.

۲۴۷۸- گزینه‌ی (۴)

امام حسین (ع) (نهاد)، با شجاعت و تهور خود (متمّم قیدی)، درس آزادگی و مردانگی (مفعول)، به بشریت (متمّم اجباری)، یاد داد (فعل) ← جمله‌ی چهارجزئی با مفعول متمّم
گزینه‌ی (۴): سراینده‌ی شعر وصفی (نهاد)، به یاری تخیل (متمّم قیدی)، «به عناصر بی‌جان طبیعت» متمّم اجباری، «جان» مفعول، «می‌بخشد» فعل ← جمله‌ی چهارجزئی با مفعول و متمّم

۲۴۷۹- گزینه‌ی (۳)

همه‌ی جمله‌های گزینه‌ی (۳)، گذرا به مفعول هستند.
تشریح گزینه‌های دیگر:
فعل‌های «اوج می‌گرفت» و «می‌لغزید» در گزینه‌ی (۱) / «می‌رفتند» در گزینه‌ی (۲) / «می‌خزید» در گزینه‌ی (۴) ← دوجزئی هستند.

۲۴۸۰- گزینه‌ی (۱)

«داشت» گذرا به مفعول، «دل نمی‌بست» گذرا به متمّم.
۲۴۸۱- گزینه‌ی (۳) «داشت» گذرا به مفعول (ذوق لطیفی) «نمود» (= گردانید) گذرا به مفعول (شعر شاهکار، مسند (آشنا) «شنیدم» گذرا به مفعول (داستان‌های اصیل)، متمّم (او) نکته: با شعر شاهکار، متمّم اسمی است نه فعلی.

۲۴۸۲- گزینه‌ی (۳)

در گزینه‌ی (۱) ← بخشیدن و چشاندن / در گزینه‌ی (۲) ← پرداختن با حرف اضافه‌ی «به» چهار جزئی است / در گزینه‌ی (۴) ← آموخت مصدرهای برانگیختن و آمیختن (= آمیخته شدن) سه جزئی با مفعول است.

۲۴۸۳- گزینه‌ی (۴)

در شیوه‌ی عادی برخلاف شیوه‌ی بلاغی نهاد در ابتدای جمله می‌آید و فعل در انتها.

گزینه‌ی (۱): «جو مهتاب» بعد از فعل «بینی» آمده و شیوه‌ی بلاغی ساخته است.
گزینه‌ی (۲): «به زاری» بعد از فعل «خواهم» آمده و شیوه‌ی بلاغی ساخته است.
گزینه‌ی (۳): «چنین کار» بعد از فعل «ناید» آمده و شیوه‌ی بلاغی ساخته است.

۲۴۸۴- گزینه‌ی (۱)

گزینه‌ی (۱) ← نشاناسد - به دست کن
گزینه‌ی (۲) ← بنوش
گزینه‌ی (۳) ← نبینی
گزینه‌ی (۴) ← -

۲۴۸۵- گزینه‌ی (۴)

در سایر گزینه‌ها ترتیب ارکان جمله (نهاد + ... + فعل) به هم خورده است درحالی‌که در گزینه‌ی (۴) فعل «داری» در آخر هر دو مصراع به قرینه‌ی معنوی حذف شده است و ترتیب ارکان جمله صحیح است.

۲۴۸۶- گزینه‌ی (۳)

نمی‌گنجد: گذرا به متمّم / است: گذرا به مسند / می‌کند: گذرا به مفعول و مسند

۲۴۸۷- گزینه‌ی (۲)

جمله‌ی سؤال ← جمله‌ای چهار جزئی گذرا به مفعول و مفعول است.

گزینه‌ی (۱) ← سه جزئی گذرا به مفعول
گزینه‌ی (۲) ← چهارجزئی گذرا به مفعول و مفعول
گزینه‌ی (۳) ← چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند
گزینه‌ی (۴) ← چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند

۲۴۸۸- گزینه‌ی (۱)

در گزینه‌ی (۱) ← «پیش» بعد از «آید» آمده و شیوه‌ی بلاغی ساخته است. در سایر گزینه‌ها در مصراع دوم (برخلاف مصراع اول) شیوه‌ی بلاغی دیده نمی‌شود!

۲۴۸۹- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱) ← گذرا به متمّم / گزینه‌ی (۲) ← گذرا به مفعول و مسند / گزینه‌ی (۴) ← گذرا به مفعول و مسند

۲۴۹۰- گزینه‌ی (۲)

در شیوه‌ی بلاغی اجزای جمله به هم ریخته است.

۲۴۹۱- گزینه‌ی (۳)

جمله‌ی سؤال ← گذرا به مفعول است.
گزینه‌ی (۱) ← ناگذر (نهاد + فعل مجهول)
گزینه‌ی (۲) ← گذرا به مسند
گزینه‌ی (۳) ← گذرا به مفعول
گزینه‌ی (۴) ← گذرا به مفعول و مسند

۲۴۹۲- گزینه‌ی (۳)

این جمله ۳ جزئی گذرا به مفعول است. مردم (نهاد) و دشمنی (مفعول) و ندارند (فعل) و نوع متمّم از نوع متمّم اسم است و متعلّق به فعل نیست. در سایر گزینه‌ها جمله‌ی سه جزئی گذرا به متمّم داریم:

گزینه	نهاد	متمّم	فعل
۱	-	این همه زیبایی	بنگرید
۲	احمد	بهترین امتیاز	دست یافت
۴	هنرمندان	بیان رازها	می‌پردازند

۲۴۹۳- گزینه‌ی (۴)

در گزینه‌ی (۱) ← فعل «است» گذرا به مسند / فعل «می‌رود» ناگذر است / فعل «می‌کشد» گذرا به مفعول است.
در گزینه‌ی (۲) ← فعل «دارم» گذرا به مفعول / فعل «می‌آیم» ناگذر است / فعل «باشم» گذرا به مسند است.

در گزینه‌ی (۳) ← فعل «نیست» ناگذر است چون معنای وجود ندارد می‌دهد / فعل «برخیز» ناگذر است / فعل‌های «به برکش» و «به سرکش» گذرا به مفعول هستند.
در گزینه‌ی (۴) ← شناسه‌ی «ند» در حکم فعل اسنادی است و فعل «گفت» هم گذرا به مفعول و متمّم است و فعل ناگذر به چشم نمی‌آید.

۲۴۹۴- گزینه‌ی (۳)

در گزینه‌ی (۱) ← فعل «پرسی» بر متمّم و مفعول مقدّم شده است.

در گزینه‌ی (۲) ← فعل «شود» بر مسند و نهاد مقدّم شده است.
در گزینه‌ی (۴) ← فعل «بده» و «بزن» بر مفعول «باده» و «رود» مقدّم شده است.
در حالی‌که در گزینه‌ی (۳) سه جمله آمده است که همگی ساختاری عادی و غیربلاغی دارند و تقدّم و تأخّر نقش‌ها کاملاً درست است.

۲۴۹۵- گزینه‌ی (۳)

جمله‌ی اول:

این نیایش‌ها سرشار از مضامین لطیف و عمیق و گواه ذوق و روح لطیف نهاد مسند متمّم اسمی
گویندگان آن‌ها است .
فعل اسنادی

جمله سه جزئی گذرا به مسند
جمله‌ی دوم:
این نیایش‌ها با حمد الهی و توصیف عظمت کبریایی حق آغاز می‌شوند.
نهاد متمّم اسمی مسند فعل اسنادی

جمله سه جزئی گذرا به مسند
جمله‌ی سوم:
برشمردن صفات جمال و جلال بخش عمده‌ی این مناجات‌ها را نهاد مفعول

تشکیل می‌دهد.
فعل مرکب
جمله سه جزئی گذرا به مفعول

درس دهم زبان فارسی ۳

۲۴۹۶- گزینه‌ی (۱)

اضغاص احلام ← اضغاث احلام (خواب‌های پریشان)

۲۴۹۷- گزینه‌ی (۲)

شکل صحیح کلمات: مهیب، حسّ غریب، لذّت غریب، سیره و مغازی، حظّ و بهره، جبهه حبری رنگ، غذار و فریفتگار

۲۴۹۸- گزینه‌ی (۲)

«تحلیل قوا، اضغاث احلام» صحیح است.

۲۴۹۹- گزینه‌ی (۱)

نامطابق‌های املائی ← دستیار - خوالیگر - خویش - اجتماع

۲۵۰۰- گزینه‌ی (۳)

- دنبال ← پنج مورد

۲۵۰۱- گزینه‌ی (۴)

واژگان گزینه‌ی (۴)، نامطابق املائی نیستند.

۲۵۰۲- گزینه‌ی (۲)

حذر (دوری کردن)، غلط و حضر (ماندن در وطن، مقابل سفر) صحیح است.

۲۵۲۶- گزینه‌ی (۱) در بازگردانی نباید به تلخیص یا شرح و تحلیل و تفسیر نوشته پرداخت.

۲۵۲۷- گزینه‌ی (۲) بازگردانی جمله‌ی دوم بیت اول ← کسی در آن جنگ فریادرس نباشد.

بازگردانی جمله‌ی دوم بیت دوم ← دانش و قرهی از او دور شد.
بازگردانی جمله‌ی دوم بیت سوم ← جمله‌ی (همه‌ی) عالم صورت و علم، جان [آن] است.
نکته: برخی از اشعار چنان ساده و روان‌اند که هنگام بازگردانی به تغییر زیاد نیاز ندارند با تغییر و جابه‌جایی اندکی می‌توان آن‌ها را به نثر برگرداند.

۲۵۲۸- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱) چون بین اجزای جمله، جابه‌جایی نیست، نیازی به بازگردانی وجود ندارد. سایر گزینه‌ها چون بر اساس «شیوه‌ی بلاغی» نگاشته شده‌اند، نیاز به «بازگردانی» دارند.

۲۵۲۹- گزینه‌ی (۲) «هرس کردن» و «مزبور» صحیح است.

۲۵۳۰- گزینه‌ی (۲)

درس دوازدهم زبان فارسی ۳

۲۵۳۱- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← بساز: بخوان/ گزینه‌ی (۲) ← سازی: قبول کنی/ گزینه‌ی (۴) ← سازیم: انجام دهیم
* معنای گزینه‌ی (۳): پس از آن قصد و آهنگ سهراب کنید و یک شب در خواب او را بکشید!

۲۵۳۲- گزینه‌ی (۱) همه‌ی کلمات گزینه‌ی (۱) دو به دو متضاداند اما در سایر گزینه‌ها «هزاهز و غریو - سلاست و روانی - ینوع و چشمه - ابطال و الغا» مترادفند.
۲۵۳۳- گزینه‌ی (۳) در جمله‌ی «ماه نورانی بود» منظور از ماه، «کره‌ی ماه» است. اما در سایر گزینه‌ها منظور از ماه واحدی برای شمارش روزها (هر ۳۰ روز) است.

۲۵۳۴- گزینه‌ی (۴) معمولاً کلمات به تنهایی حامل معنا یا پیامی کاملاً روشن نیستند و باید در جمله بیابند تا معنا را به طور کامل برسانند.

۲۵۳۵- گزینه‌ی (۳) سیر می‌تواند معنی انسان سیر (مخالف گرسنه)، واحد وزن، نوعی گیاه و یا تیره (سبزسیر) بدهد.

۲۵۳۶- گزینه‌ی (۳) گشتی معنای روی گردان شدن و یا پیوستن می‌دهد.

۲۵۳۷- گزینه‌ی (۳) «سمت» مخفف سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی است.

۲۵۳۸- گزینه‌ی (۲) تضاد معنایی بین سوار و پیاده ما را به تضاد بین گرسنه و سیر هدایت می‌کند.

۲۵۳۹- گزینه‌ی (۴) الف و پ هر دو معنای قدیم را از دست داده و معنای جدید گرفته‌اند. معنی قدیم به این شکل بوده: قوس (نام ماهی)، دستور (وزیر، اجازه)، سوگند (ماده‌ای خوردنی)، تماشا (گشت و گذار)، رعنا (زن احقر و خودآرا)، کنیف (ترکیب شده، کلفت)

۲۵۴۰- گزینه‌ی (۳) کلمات موجود در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات از راه کاربرد، معنایشان مشخص می‌شود.

۲۵۴۱- گزینه‌ی (۱) واژه‌های «تربیت - تقویت و فوق‌العاده» به تشدید (۳) نیاز ندارند. «تربیت و تقویت» مصدر باب تفعیل هستند، مانند: تسلیت، تهنیت و ... و به تشدید نیاز ندارند.

نکته: عادت، عادی و فوق‌العاده هیچ کدام به تشدید نیاز ندارند.

۲۵۴۲- گزینه‌ی (۴) ساخت «سرواژه» یا همان ساخت واژه با علائم اختصاری شیوه‌ای جدید است و در گذشته‌های دور وجود نداشته و رایج نبوده است.

۲۵۴۳- گزینه‌ی (۳) سوگند معنای قدیمش گوگرد بوده!

۲۵۴۴- گزینه‌ی (۱) واژه‌های زیر که به ترتیب در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) آمده است جزو واژگانی هستند که هم‌معنی قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته‌اند: «رکاب - زین و سیر»

۲۵۴۵- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← واژگان پس از انتقال به دوره‌ای دیگر به علل سیاسی، فرهنگی و مذهبی کاملاً متروک شده‌اند.

گزینه‌ی (۲) ← واژه‌ها هم‌معنای قدیم را حفظ کرده‌اند و هم‌معنای جدید گرفته‌اند.

گزینه‌ی (۳) ← واژه‌ها معنای پیشین را از دست داده و به دوران بعد با معنای جدید منتقل شده‌اند.

گزینه‌ی (۴) ← واژه‌ها با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می‌دهند.

۲۵۰۳- گزینه‌ی (۲) نامطابق‌های املائی کلماتی هستند که شکل املائی آن‌ها با تلفظ مطابق نیست، نامطابق‌های املائی کلمات صورت سؤال عبارتند از:

۱- خواستن (خاستن) ۲- ینوع (یموع) ۳- گشت‌زنی (گش‌زنی) ۴- پنج‌تا (پنش تا) ۵- جنبش (جمیش)

۲۵۰۴- گزینه‌ی (۴)

گزینه‌ی (۱) ← «رخت‌خواب» و «می‌خواندیم» واو معدوله دارند./ گزینه‌ی (۲) ← «دست‌گیر» ← «دس‌گیر»، کاهش آوایی/ گزینه‌ی (۳) ← «منبر»، ← «ممبر» ابدال رشته‌ی نامرئی صحیح است.

۲۵۰۵- گزینه‌ی (۲) مجتبی (مشتبی «ج» در کنار «ت» متمایل به «ش» تلفظ می‌شود).
۲۵۰۶- گزینه‌ی (۲) شنبه (شنبه، پنج تا (پنش تا)، مجتمع (مشتمع)، من بعد (مم بعد؛ خواسته‌ها (خاسته‌ها).

۲۵۰۷- گزینه‌ی (۱) ده نامطابق املائی عبارت‌اند از:

اجتناب ← اشتناپ
زودتر ← زوتر
قنددان ← قندان
بیابان‌زدایی ← بی‌یابان‌زدایی
هفت‌تیر ← هفت‌یر
یک‌گانه ← یگانه
املاء ← املا
انبساط خاطر ← امبساط خاطر
دست‌رنج ← دس‌رنج
جنبنده ← جمبند

درس یازدهم زبان فارسی ۳

۲۵۰۸- گزینه‌ی (۱) در بازگردانی مضمون اصلی نباید تغییر کند.

۲۵۰۹- گزینه‌ی (۳) معادل صحیح «گزند»، آسیب است.

۲۵۱۰- گزینه‌ی (۳) در بازگردانی نباید به تلخیص، شرح و تحلیل و تفسیر نوشته پرداخت.

۲۵۱۱- گزینه‌ی (۲)

۲۵۱۲- گزینه‌ی (۴) در بازگردانی از تعبیرهای زیبای متن نباید چشم‌پوشی کرد و می‌توان بخشی از شعر را عیناً نقل کرد.

۲۵۱۳- گزینه‌ی (۲) علم، خاتم ملک سلیمان است. جمله‌ی عالم صورت و علم جان است.

۲۵۱۴- گزینه‌ی (۳) داستان باستان از احسان یار شاطر (بازنویسی داستان‌های شاهنامه) است. داستان راستان از مرتضی مطهری است.

۲۵۱۵- گزینه‌ی (۴) بودجه در گزینه‌ی (۱)، بازدیدکنندگان در گزینه‌ی (۲) و خواربارفروشی در گزینه‌ی (۳) شکل صحیح کلمات هستند.

۲۵۱۶- گزینه‌ی (۱) دود خلق معنی «نفرین مردم» می‌دهد.

۲۵۱۷- گزینه‌ی (۲) مفهوم سایر گزینه‌ها خوار و زبون بودن است.

۲۵۱۸- گزینه‌ی (۳)

۲۵۱۹- گزینه‌ی (۴)

۲۵۲۰- گزینه‌ی (۴) بازگردانی بیت: [ای] خواجه بکوش و از عشق بی‌نصیب مباش که کس بنده را به عیب بی‌هنری نخرد.

۲۵۲۱- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴) به حوزه‌ی بازنویسی تعلّق دارد که به تلخیص و شرح و تحلیل و تفسیر نوشته می‌پردازد.

۲۵۲۲- گزینه‌ی (۳) در مصراع دوم از بیت اول مفعول در انتها و فعل در میان جمله آمده است. (۲ تغییر)

در مصراع اول بیت دوم نهاد بعد از فعل آمده و به خاطر وجود «را فک اضافه» جای مضاف و مضاف‌الیه عوض شده است. (۲ تغییر)

در بیت چهارم کلمه‌ی پرسشی «چرا» از اول به آخر جمله رفته است. (۱ تغییر)

ولی در گزینه‌ی (۳)، جابه‌جایی و تغییری وجود ندارد.

۲۵۲۳- گزینه‌ی (۲) ۱- مصراع اول: فعل «بود» در آخر مصراع قرار می‌گیرد.

۲- مصراع دوم: «مکن» در آخر مصراع قرار می‌گیرد.

۲۵۲۴- گزینه‌ی (۴) بازگردانی بیت صورت سؤال: «اگر تاج بر سرم نهد، غلام حلقه در گوش هستم و اگر بند بر پایم نهد، اسیری در بند فرمان هستم».

واضح است که «م»‌های خواسته شده، پس از «سر» و «پا» آمده است.

۲۵۲۵- گزینه‌ی (۱) واژه‌ی «رهی»، منادا و شبه جمله است و دومین جمله محسوب می‌شود بنابراین اولین کلمه‌ی جمله‌ی دوم، همان «رهی» است.

۲۵۴۶- گزینہی (۳) «زین» با حفظ معنای قدیم خود، معنای جدید نیز گرفته است (زین اسب، زین دوچرخه)

توضیح: ممکن است در گذر زمان برای واژه، یکی از چهار وضعیت زیر پیش آید:

الف) حذف ← برگستوان - سوفار - دستار - خوالیگر - آز فنداک ...

ب) تغییر معنا ← دستور - سوگند - شوخ - رعنا - دبیر - مزخرف - ترکش - سفینه - قوس ...

ج) حفظ معنای قدیم ← گریه - شادی - زیبایی ...

د) حفظ معنای قدیم + پذیرفتن معنای جدید ← یخچال - سپر - زین - رکاب ...

۲۵۴۷- گزینہی (۲) «دستور» در معنی «وزیر و راهنما» بوده است که امروز به معنی «فرمان و اجازه» به کار می‌رود. / «تماشا» در معنی «گردش کردن و راه رفتن» بوده است که امروز در معنی «دیدن» به کار می‌رود. / «شوخی» در گذشته به معنی «چرخ و آلودگی» بوده است که امروز به معنی «اهل مزاح» به کار می‌رود. تشریح گزینہی‌های دیگر:

گزینہی (۱): «کثیف» در معنی قدیم «ستبر و غلیظ» ولی امروز در معنی «ناپاک» به کار می‌رود. / «سوگند» در معنی قدیم «نوعی گوگرد» بوده است و امروز در معنی «قسم» کاربرد دارد. / «یخچال» هم معنی قدیم را حفظ کرده و هم معنی جدید پذیرفته است. گزینہی (۳): «سفینه» در قدیم به معنی «دیوان شعر و کشتی» بوده است که امروز در معنی «سفینه‌ی فضایی» کاربرد دارد. / «رکاب» در قدیم به معنی «رکاب اسب» ولی امروز به معنی «رکاب دوچرخه» است. / واژه‌ی «فتراک» متروک است.

گزینہی (۴): واژه‌ی «دستار» متروک است.

۲۵۴۸- گزینہی (۳) واژه‌های «لذت‌بخش»، «مشقت» و «انسانیت» به تشدید نیاز دارند.

۲۵۴۹- گزینہی (۳) «خنده» با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه داده است.

تشریح گزینہی‌های دیگر:

گزینہی (۱) ← دستور: «وزیر» معنای قدیم و «اجازه و فرمان» معنای جدید

گزینہی (۲) ← تماشا: «گشت و گذار» معنای قدیم و «نگاه کردن به چیزی به قصد تفریح» معنای جدید

گزینہی (۴) ← سوگند: «گوگرد» معنای قدیم و «قسم» معنای جدید

۲۵۵۰- گزینہی (۴) واژه‌ی «سپر» در بیت گزینہی (۴) ضمن حفظ معنای قدیم، معنای جدید نیز پذیرفته است (ابزاری صفحه مانند و معمولاً مسدود که برای دفع ضربه‌ی شمشیر و مانند آن به کار می‌رود). بخشی از اتومبیل). تشریح گزینہی‌های دیگر:

گزینہی (۱) ← سوگند: گوگرد (قدیم) / قسم (امروزه)

گزینہی (۲) ← رعنا: زن نادان و ساده‌لوح (قدیم) / زیبا و خوش قامت (امروزه)

گزینہی (۳) ← کثیف: غلیظ (قدیم) / آلوده (امروزه)

۲۵۵۱- گزینہی (۱) واژه‌هایی که با از دست دادن معنای پیشین، معنای جدید پذیرفته‌اند، عبارت‌اند از: «رعنا - سوگند - تماشا - کثیف - سفینه».

واژه‌هایی که هم معنای قدیم را حفظ کرده‌اند و هم معنای جدید گرفته‌اند: «سپر - زین - رکاب - یخچال».

واژه‌هایی که با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می‌دهند: «زیبا - دیوار - چشم - جامه».

واژه‌هایی که از فهرست واژگان حذف شده‌اند: «سوفار - برگستوان - دستار».

۲۵۵۲- گزینہی (۲) در عبارت گزینہی (۲) فقط از شیوه‌ی «اشتقاق» استفاده شده است و واژه‌های «نمودار و قدرتمند» به این شیوه ساخته شده‌اند.

تشریح گزینہی‌های دیگر:

گزینہی (۱) ← به شیوه‌ی اشتقاق: فارسی - ارجمند / به شیوه‌ی ترکیب: دل‌پذیر

گزینہی (۳) ← به شیوه‌ی اشتقاق: فردوسی / به شیوه‌ی ترکیب: شورانگیز - غم‌آلود - شاهنامه

گزینہی (۴) ← به شیوه‌ی اشتقاق: دینی / به شیوه‌ی ترکیب: رویداد - رهگذر - توجیه‌پذیر

۲۵۵۳- گزینہی (۱) واژه‌هایی که از فهرست واژگان حذف شده‌اند: «سوفار - دستار - برگستوان» ← ۳ واژه

واژه‌هایی که با از دست دادن معنای پیشین معنای جدید پذیرفته‌اند: «رعنا - سوگند - دستور» ← ۳ واژه

واژه‌هایی که هم معنای قدیم را حفظ کرده‌اند و هم معنای جدید گرفته‌اند: «یخچال - زین - سپر - رکاب» ← ۴ واژه

نکته: واژه‌های «شادی، خنده، زیبایی و دست» با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می‌دهند.

۲۵۵۴- گزینہی (۲) کثیف و تماشا تحول معنایی هستند اما زین هم معنی قدیم (زین اسب) را حفظ کرده و هم معنی جدید گرفته (زین دوچرخه و موتور)

گزینہی (۱): معنای قدیم را حفظ کرده‌اند معنای جدید نیز گرفته‌اند.

گزینہی (۳): با همان معنای قدیم ادامه می‌دهند.

گزینہی (۴): تحول معنایی

۲۵۵۵- گزینہی (۴) در این گزینہی همه‌ی واژه‌ها با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه دادند. درحالی‌که در گزینہی (۱) کثیف معنای قدیم خود را از دست داده و معنی جدید گرفته در حالی که سایر موارد همگی متروک شده‌اند. در گزینہی (۲) سوگند و دستور و سفینه، معنای قدیم خود را از دست داده و معنی جدید گرفته‌اند در حالی که دستار به طور کامل متروک شده است. در گزینہی (۳) نیز سپر و یخچال و رکاب، هم معنی قدیم را حفظ کرده و هم معنی جدید گرفته ولی تماشا معنی قدیم خود را از دست داده و فقط معنای جدید آن به کار می‌رود.

۲۵۵۶- گزینہی (۲) در این گزینہی واژه‌ی مشتق نداریم. به واژه‌های سایر گزینہ‌ها دقت نمایید:

گزینہ	اشتقاق	ترکیب	سرواژه‌سازی
۱	ساختمان	زیربنا	سمپاد
۲	-	روزمره	ناجا
۳	گوینده	شاهکار	هما
۴	ساختار	تیربار	نداجا

۲۵۵۷- گزینہی (۳) واژگان گروه (الف): برگستوان، دستار، فتراک، سوفار

واژگان گروه (ب): چشم، دست، خنده، شادی، زیبا

واژگان گروه (پ): یخچال، سپر، زین، رکاب

واژگان گروه (ت): کثیف، دستور، تماشا

درس سیزدهم زبان فارسی ۳

۲۵۵۸- گزینہی (۲)

گزینہی (۱) ← لاف (تکرار) / ناز (تکرار)

گزینہی (۳) ← خود (بدل)

گزینہی (۴) ← چرخ (معطوف)

۲۵۵۹- گزینہی (۲) خود (بدل از تو)

۲۵۶۰- گزینہی (۱) هسته‌ی گزینہی (۱) ← تعیین

* اولین اسمی که در گروه کسره بگیرد هسته است!

۲۵۶۱- گزینہی (۴) * نقش‌های تبعی عبارت‌اند از: بدل، معطوف، تکرار

گزینہی (۱) ← تکرار (بار) / گزینہی (۲) ← معطوف (حسن قامت سرو) / گزینہی (۳) ← بدل (طاووس بدل از تو)

۲۵۶۲- گزینہی (۱) گزینہی (۱) ← چشم بد - آن سلسله - زلف دراز - هر حلقه - عالم دیگر (۵)

گزینہی (۲) ← آینه‌ی روشن - خط نارسته - آن چهره - چهره‌ی انور (۴)

گزینہی (۳) ← آه گرم - دل پر خون - لاله‌ی احمر (۳)

گزینہی (۴) ← معنی روشن - زلف معنبر (۲)

۲۵۶۳- گزینہی (۳) بعضی (صفت) + سروده‌ها (اسم) + نقش‌نما + شاعران (اسم) + نقش‌نما + گذشته (صفت)

* البته در مورد صفت پیشین بودن «بعضی» اختلاف نظر وجود داشت که با توجه به این سؤال و نظر صریح کنکور سراسری دیگر اختلاف نظری نیست و جواب سازمان سنجش ملاک است.

شرح سایر گزینہ‌ها:

گزینہی ۱: صفت + اسم + نقش‌نما + صفت + نقش‌نما + اسم

گزینہی ۲: صفت + اسم + نقش‌نما + صفت + نقش‌نما + اسم + نقش‌نما + صفت

گزینہی ۴: صفت + اسم + نقش‌نما + صفت + نقش‌نما + اسم + نقش‌نما + صفت

۲۵۶۴- گزینہ (۲) ترکیبات وصفی ← گوشه‌ی روشن - شیرین‌ترین لبخند - بشریت راهگذار
ترکیبات اضافی ← گوشه‌ی وجدان - وجدان تاریخ - لبان اراده - اراده‌ی تو - خون خویش - گذرگه تاریخ
۲۵۶۵- گزینہ (۲) گزینہ (۱) ← خود (بدل از تو)
گزینہ (۳) ← روز (معطوف)
گزینہ (۴) ← رسم (معطوف)
در گزینہ (۲)، «واو» عطف نیست بلکه ربط است یعنی بین جملات آمده است نه کلمات و نقش تبعی تولید نمی‌کند.
نکته: نقش‌های تبعی عبارتند از: بدل، معطوف، تکرار
۲۵۶۶- گزینہ (۴) گزینہ (۱): تپاه ← معطوف / گزینہ (۲): تب ← معطوف / گزینہ (۳): دبیر کافی ← معطوف / گزینہ (۴): بر زبر تخت ← بدل (دقت کنید «و» موجود در گزینہ (۴)، حرف ربط است نه عطف یعنی بین جملات آمده است و نقش تبعی ایجاد نمی‌کند).
۲۵۶۷- گزینہ (۴) ترکیبات وصفی: یک (یک چینه) - یک (یک شعله) - یک (یک خواب) - لطیف (خواب لطیف)
ترکیبات اضافی: شهر (مردم شهر) - احساس (موسیقی احساس) - تو (احساس تو) - پر (صدای پر) - مرغان (پر مرغان) - اساطیر (مرغان اساطیر)
۲۵۶۸- گزینہ (۳) ترکیبات وصفی: فصل خوش - فصل معتدل - سکوت سنگین - سکوت زمستانی - یک درخت
ترکیبات اضافی: سکوت خود - درخت به - باغچه‌ی ما - چیدن شکوفه - خوردن شکوفه - شکوفه‌ی به - سرگرمی‌های من
۲۵۶۹- گزینہ (۲) «امیر» در گروه امیرمسعود شاخص است.
۲۵۷۰- گزینہ (۳) صفت‌ها: همان - دوم - هجری - معدود - هنرور - نگارگر - تمثیلی - حماسی - مربوط - ابتدایی - این - مذهبی - فارسی
۲۵۷۱- گزینہ (۲) ترکیبات وصفی: همه چیز - همه‌ی احوال - هیچ پیشامد - پیشامد جالب - هیچ حادثه - حادثه‌ی سوء - یک تن - همه‌ی دلتنگی‌ها - این عالم
۲۵۷۲- گزینہ (۴) وصفی: دید تازه - همه‌ی موجودات - دیگر پدیده‌ها - این پدیده‌ها - دید اجتماعی - سروده‌های نمادین - سروده‌های انتقادی - ادب نوین - ادب فارسی - جایگاه ویژه
اضافی: مطالعه‌ی شعر - شعر نیما - دید او - نگاه او - یادآور نگاه - شاعران غرب - دید نیما - سروده‌های او
۲۵۷۳- گزینہ (۳) وابسته‌های پسین: قواعد، عروض، قافیه، سئت، ها، روش، ها، شاعری، ایرانی، تازه، ساخت، ها، آوایی، فارسی، ی (اثری) ادبی، سخن، منظوم.
۲۵۷۴- گزینہ (۴) ها، پی‌درپی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عناصر، ی، تازه، اندیشه، ها، فکری، ادبی، اروپا، تحول، ات، ی، ایرانی، آن، ها، ها، منتور، ها، ساده، داستانی، ها، کوتاه، جمال‌زاده، پرتحرک، مردمی، دهخدا ← ۳۰ وابسته‌ی پسین!!
۲۵۷۵- گزینہ (۳) بازنویسی، ادبی، گذشته، معیار، امروز، کهنه، آن، ها، ها، مهجور، آن، ها، آشنا، دقیق، آن، ها، امروز
۲۵۷۶- گزینہ (۴) «ستوان» شاخص است.
* شاخص نباید کسره بگیرد.
۲۵۷۷- گزینہ (۲) ترکیبات وصفی: این اندوه - اندوه وحشی - این سیاهی - سیاهی پریم - آن سنگلاخ‌ها - آن خارها - کودکان از دست رفته - اطفال از عطش سوخته
ترکیبات اضافی: سراب‌دهی سوختگان - قطره‌ی آب
* معطوف به هر نقشی در شمارش آن نقش حساب می‌شود. (مثال: آن سنگلاخ‌ها و خارها = آن سنگلاخ‌ها و آن خارها)
۲۵۷۸- گزینہ (۲) ترکیبات وصفی: دوره‌ی اسلامی - همان قرن‌ها - قرن‌های نخستین - قرن‌های هجری - ترجمه‌ی عربی - آثار معتبر - متون عربی - این رسم - قرن‌های بعد
ترکیبات اضافی: ترجمه‌ی آثار - آثار یونان - مورد استفاده - استفاده‌ی ایرانیان - تفاسیر قرآن - رسم ترجمه

۲۵۷۹- گزینہ (۳) ترکیبات وصفی: دوره‌ی اول - شکل سنتی - سبک رئالیستی - هر نویسنده - تشریح دقیق - خصوصیات ظاهری
ترکیبات اضافی: نقش گزارش‌گر - تشریح خصوصیات - خصوصیات اشخاص - اشخاص رمان - صفحات داستان
۲۵۸۰- گزینہ (۳) ترکیبات وصفی: ادبیات تطبیقی - شاخه‌های مهم - علوم ادبی - علوم معاصر - ملت‌های مختلف - هر ملت - اندیشه‌های ادبی - دیگر ملت‌ها
ترکیبات اضافی: شاخه‌های علوم - تأثیرپذیری ادبیات - ادبیات ملت‌ها - ملت‌های جهان - تکامل ادبیات - شکوفایی ادبیات - ادبیات ملت - اندیشه‌های ملت‌ها
۲۵۸۱- گزینہ (۱) ترکیبات وصفی: کلمات آسمانی - صدای گرم - همه‌جا - همه‌کس - همه‌چیز - این ندا
ترکیبات اضافی: کلمات قرآن - صدای خواننده - گوش جان‌ها - گل‌های شادی - گل‌های امید - باغ خاطر - خاطر کاروانیان
۲۵۸۲- گزینہ (۴) سرخوخه (اسم) + کشیک (اسم) + پاسگاه (اسم) + تازه تأسیس شده (صفت) + کلانتری (اسم) + محل (اسم) + زندگی (اسم)
۲۵۸۳- گزینہ (۱) گزینہ (۱) ← هیکل (اسم) + دراز (صفت) + کبود (صفت) + ورم کرده (صفت) + معلم (اسم) + کلاس (اسم) + چهارم (صفت) + مدرسه (اسم)
گزینہ (۲) ← این (صفت) + طنین (اسم) + قاطع (صفت) + کندنده (صفت) + فرمان (اسم) + وحی (اسم) + حرف + فضا (اسم) + درون (اسم) + من (اسم)
گزینہ (۳) ← شکوه (اسم) + شکایت (اسم) + حرف + وضع (اسم) + بد (صفت) + خود (ضمیر) + حرف + علت (اسم) + گرفتاری (اسم) + حرف + زندان (اسم) + زمان (اسم)
گزینہ (۴) ← اعتراض (اسم) + شاعر (اسم) + حرف + مخالفان (اسم) + بدگویان (اسم) + حرف + اثبات (اسم) + بی‌گناهی (اسم) + خویش (ضمیر)
۲۵۸۴- گزینہ (۳) الگوی سایر گزینه‌ها بر عهده خود دانش‌آموز!!! (خُب به حرکتی هم خودت بزن!!)
۲۵۸۵- گزینہ (۳) گزینہ (۱) ← نخستین (صفت) + گروه (اسم) + وجودی (صفت) + انسان (اسم) + حرف + پیشگاه (اسم) + حضرت (اسم) + حق (اسم)
گزینہ (۲) ← سه (صفت) + تخته (مميز) + فرش (اسم) + ارزشمند (صفت) + هزار نقش (صفت) + ابریشمی (صفت) + قدیمی (صفت)
گزینہ (۳) ← بهترین (صفت) + گردهمایی (اسم) + دو (صفت) + مرکز (اسم) + آموزش (اسم) + درمانی (صفت) + استان (اسم) + تهران (اسم)
گزینہ (۴) ← پنج (صفت) + اصله (مميز) + درخت (اسم) + کهنسال (صفت) + خانه (اسم) + پدری (صفت) + واقع در تجریش (صفت)
۲۵۸۶- گزینہ (۳) ترکیبات وصفی: این نخلستان / نخلستان خاموش / هرگاه / مشت خونین / باران‌های غیبی / نگاه‌های اسیر / این مزرع / مزرع سبز / آن دوست / دوست شاعر / ناله‌های گریه‌آلود / آن روح / روح دردمند
ترکیبات اضافی: آسمان کویر / مشت قلب / قلبم / باران‌های سکوت / سکوتش / نگاه‌های من / پروانه‌های شوق / مزرع دوست / دوست من / ناله‌های روح
۲۵۸۷- گزینہ (۱) گزینہ (۲): سلطان / گزینہ (۳): خواجه / گزینہ (۴): سید
۲۵۸۸- گزینہ (۱) حکم (جمع حکمت) - سیر (جمع سیرت) - مصاف (جمع مصف) - احیا (جمع حی) است.
۲۵۸۹- گزینہ (۱) ترکیبات وصفی: این روزنامه - هر روز - کودکان دوازده ساله - همان چاپخانه - چند دسته - دسته‌ی بزرگ
ترکیبات اضافی: نام روزنامه - سر زبان‌ها - مدیر آن - نام نسیم - نسیم شمال - زمان انتشار - انتشار آن
۲۵۹۰- گزینہ (۳) رنگ‌های قومیت - خطر زوال - دوران مسلمانی - مسلمانی ایرانیان
۲۵۹۱- گزینہ (۳) چه ← تعجبی / جان‌کاه ← فاعلی / سخت ← بیانی / این ← اشاره / همه ← مبهم / عزیز ← بیانی / ابدی ← نسبی
۲۵۹۲- گزینہ (۱) صفات پیشین: این - هر - این - همان
صفات پسین: امروزی - شناخته شده - غیرمتعارف - خنده‌دار - اجتماعی - بارز

۲۵۹۳- گزینہ (۲) گزینہ (۱) ← «امامزاده» هسته‌ی گروه متممی است.

گزینہ (۲) ← «گوسفند معطوف به مضاف‌الیه است که وابسته‌ی پسین است برای خوراک!»
گزینہ (۳) ← «جرقه» هسته‌ی گروه متممی است.

گزینہ (۴) ← «وسيله» هسته‌ی گروه مسندی است.

۲۵۹۴- گزینہ (۲) صفت‌های پیشین: همه: صفت مبهم (همه‌ی بی‌رحمی) - هر: صفت مبهم (هر روز) - هر: صفت مبهم (هر شب)

صفت‌های پسین: آشفته (درون آشفته) - ترسان (خاطر ترسان) - بی‌آرام (خاطر بی‌آرام)

۲۵۹۵- گزینہ (۲) گزینہ (۱) ← آن (صفت) + رزمندہ (اسم) + وارسته (صفت) + ایران (اسم) + اسلامی (صفت)

گزینہ (۲) ← همان (صفت) + چهار (صفت) + دانشجو (اسم) + موفق (صفت) + مسابقات (اسم) + کشوری (صفت)

گزینہ (۳) ← آن (صفت) + دو (صفت) + مرد (اسم) + دانشمند (صفت) + درستکار (صفت) + ایرانی (صفت)

گزینہ (۴) ← همان (صفت) + پهلوان (اسم) + نامی (صفت) + شاهنامه (اسم) + فردوسی (اسم)

۲۵۹۶- گزینہ (۲) گزینہ (۱): کدخدا/ گزینہ (۳): دکتر/ گزینہ (۴): امام

۲۵۹۷- گزینہ (۴) گزینہ (۱): استاد/ گزینہ (۲): امام/ گزینہ (۳): دکتر

۲۵۹۸- گزینہ (۱) او (مضاف‌الیه) - سلطان (شاخص) - محمود (مضاف‌الیه) برای دربار - امیر (شاخص) - سلطان (مضاف‌الیه) - سرآمد بودن (مضاف‌الیه) - ملک‌الشعرایی (مضاف‌الیه)

۲۵۹۹- گزینہ (۴) صفت‌های پیشین: این (این نخلستان) - هر (هرگاه) - این (این مزرع) / صفت‌های پسین: خاموش (نخلستان خاموش) - پرمهتاب (نخلستان پرمهتاب) - خونین (مشت خونین) - بی‌تاب (مشت بی‌تاب) - غیبی (باران‌های غیبی) - اسیر (نگاه‌های اسیر) - سبز (مزرع سبز) //

* می‌دانیم که معطوف به صفت هم صفت شمرده می‌شود. مثال: ترکیب «مشت خونین و بی‌تاب» دو صفت دارد

۲۶۰۰- گزینہ (۳) گزینہ (۱) (۴ وابسته) ← ی (فلسفه‌ای) - مادی - ات (ادبیات) - ی (گرایشی)

گزینہ (۲) (۶ وابسته) ← امیل زولا - خاص - داستان - ها (داستان‌ها) - او - طبیعت‌گرایی

گزینہ (۳) (۱۲ وابسته) ← طبیعت‌گرا - ان (طبیعت‌گرایان) - رفاه - روزافزون - قشر - برخوردار - صنعت - ثروت - یک - تهی‌دستان - ان (تهی‌دستان) - دیگر

گزینہ (۴) (۷ وابسته) ← ها (ناتورالیست‌ها) - گروه - ها (گروه‌ها) - بیش‌تر - ی (بیش‌تری) - اجتماعی - هنر

۲۶۰۱- گزینہ (۱) صفت‌ها عبارتند از:

این (صفت اشاره) - همه (صفت مبهم) - فارسی (صفت نسبی) - اسمی (صفت نسبی) - قیدی (صفت نسبی) - فعلی (صفت نسبی) - این (صفت اشاره) - دو (صفت شمارش) - عادی (صفت نسبی) - بلاغی (صفت نسبی)

۲۶۰۲- گزینہ (۱) مضاف‌الیه‌ها: نویسنده - کاستی‌ها - زشتی‌ها - آن - طنز - آن‌ها - عادت‌ها

ی نکره: نوعی - مختلفی

علائم جمع: ها (۶ بار) - ان

* وابسته‌های غیر صفت عبارتند از: شاخص - مضاف‌الیه - علائم جمع - ی نکره

۲۶۰۳- گزینہ (۴) ی (یکی) - ها (تمرین) - مؤثر (تمرین‌های مؤثر) - نظم (برگردان نظم) - این (این کار) - دانش‌آموزان (ذهن دانش‌آموزان) - دانش‌آموزان (دست دانش‌آموزان) - ان (دانش‌آموزان) - فارسی (زبان فارسی) - معیار (زبان فارسی معیار) - درک (میزان درک) - آن‌ها (درک آن‌ها) - ها (آن‌ها) - شعر (مفاهیم شعر)

۲۶۰۴- گزینہ (۱) ترکیبات وصفی: هر کلمه - معنی مستقل - نقش دستوری - نقش خاص - موارد خاص - دو بخش - بخش ترکیبی

ترکیبات اضافی: دارای معنی - استقلال آن - هنگام نوشتن

۲۶۰۵- گزینہ (۳)

کوششی که بشر متمدن امروز برای کشف حقیقت هستی به کار می‌برد.
ی نکره صفت بیانی م. ال م. ال م. ال

(م.ال = مضاف‌الیه)

۲۶۰۶- گزینہ (۳)

تاریخ بیهقی با گذشت هزار سال هنوز، گیرایی و تازگی خود را حفظ کرده است.
م. ال ص شمارش م. ال م. ال

۲۶۰۷- گزینہ (۴)

قرن ششم / معروف‌ترین سراینده / داستان بزمی
شمارشی پسین صفت عالی صفت بیانی نسبی

۲۶۰۸- گزینہ (۴) پنجم شعبان در گزینہ (۱)، جلودار برادرم در گزینہ (۲) و ملک الخطاطین در گزینہ (۳) بدل هستند.

۲۶۰۹- گزینہ (۲) زن مشدی حسن در گزینہ (۱) بدل است. کدخدا در گزینہ (۳) معطوف است و آهای مشدی حسن در گزینہ (۴) تکرار است.

۲۶۱۰- گزینہ (۱) به ترتیب جمع مکسر به این شکل می‌باشد: عناصر - ابنیه - آثار - نغم

۲۶۱۱- گزینہ (۴) از معلّمتان در گزینہ (۱) (تکرار)، گنبد بلند فلک در گزینہ (۲) (بدل) و پدرم در گزینہ (۳) (معطوف) نقش‌های تبعی هستند.

۲۶۱۲- گزینہ (۱)

بحث درباره‌ی مسایل ادبی این روزها بسیار رواج دارد
صفت ص اشاره علائم جمع سالم

۲ وابسته پسین و ۱ وابسته پیشین

* «درباره‌ی» حرف اضافه است و مسایل متمم!

۲۶۱۳- گزینہ (۴)

انتقاد از زشتی‌ها و نابسامانی‌های جامعه برای اصلاح رفتار اجتماعی سودمند است.
علائم جمع علائم جمع م. الیه م. الیه صفت

* نکته: «برای» حرف اضافه است، پس «اصلاح» متمم است نه مضاف‌الیه!

۲۶۱۴- گزینہ (۴)

عیب‌جویی از دیگران، فراموش کردن عیب‌های خویشان است.
علامت جمع م.ال علائم جمع م.ال

۲۶۱۵- گزینہ (۲) وابسته‌های پسین:

زبان - ارتباط - افراد - جامعه - زبانی - زبانی - اطلاعات - ات - ان

۲۶۱۶- گزینہ (۳) وابسته‌های پسین عبارتند از:

(۱) شور جوانه زدن، (۲) امید شکفتن، (۳) نهاد ساقه، (۴) ساقه‌شان، (۵) جرم گستاخی، (۶) برابر کویر

۲۶۱۷- گزینہ (۳) نقش تبعی بدل دارد.

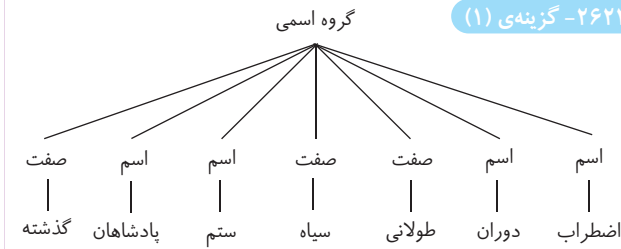
۲۶۱۸- گزینہ (۲) ترکیب‌های وصفی: قرن چهارم - قرن پنجم - زبان فارسی - نثر ساده - نیمه‌ی دوم - قرن پنجم - قرن ششم - قرن هفتم - نثر فنی (۹ مورد) ترکیب‌های اضافی: زبان ... دوره - دوره‌ی نثر - نیمه‌ی ... قرن - دوره‌ی تحوّل - تحوّل نثر - دوره‌ی کمال - کمال نثر (۷ مورد)

۲۶۱۹- گزینہ (۳) ترکیب‌های وصفی ← مطالعه‌ی دقیق - کتاب حاضر - مفاهیم ارزشمند - مفاهیم موجود - چنین نتیجه - این کتاب - نکات دقیق - نکات مهم - نکات اسلامی - پیشوایان مذهبی - رهبران دینی ← ۱۱ ترکیب وصفی ترکیب‌های اضافی ← مطالعه‌ی کتاب - سخنان پیشوایان - سخنان رهبران ← ۳ ترکیب اضافی

۲۶۲۰- گزینہ (۲) وابسته‌های پیشین ← آن - همه - هر - این - این (۵ تا) وابسته‌های پسین ← نوروز - ها - ی - ها - تاریک - روشن - ات - سیاه - سفید - تاریخ - ملت - کهن - ما - دیده - ان - مان (۱۶ تا)

۲۶۲۱- گزینہ (۱) ترکیب‌های وصفی ← آثار بزرگ - آثار ادبی - چشم‌اندازهای گوناگون - این آثار - آرایه‌های ادبی - این آثار - ارزش‌های اخلاقی (۷ ترکیب) ترکیب‌های اضافی ← نظرگاه کاربرد - کاربرد زبان - نظرگاه اصول - نظرگاه قواعد - کاربرد اصول - کاربرد قواعد - بررسی آرایه‌ها - آرایه‌های آثار - ارزش‌های آثار - ملاک نقد - ملاک بررسی (۱۱ ترکیب)

۲۶۲۲- گزینه‌ی (۱) گروه اسمی



۲۶۲۳- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴)، «این چراغ آسمانی» بدل از خورشید (نهاد) است.

۲۶۲۴- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) «ریخت» هسته‌ی گروه مفعولی است.

گزینه‌ی (۲) «یخ» هسته‌ی گروه مفعولی است.

گزینه‌ی (۳) «دور» هسته‌ی گروه قیدی است.

۲۶۲۵- گزینه‌ی (۴)

(۱) ها (در نمونه‌ها) (۲) ی نکره (در نمونه‌هایی)

(۳) ها (در کشورها) (۴) ی نکره (در کشورهایی)

(۵) مضاف‌الیه (بت) (۶) ها (در بت‌ها)

(۷) مضاف‌الیه (ملت) (۸) ها (در ملت‌ها)

(۹) صفت بیانی (متمدن) (۱۰) ی نکره (در جایگاهی)

۲۶۲۶- گزینه‌ی (۲) آثار (اسم) + ماندگار (صفت) + بی‌نظیر (صفت) + تاریخ (مضاف‌الیه) + ارزشمند (صفت) + ایران (مضاف‌الیه) + باستان (مضاف‌الیه)

نقش‌های تبعی شامل:

(۱) شاعر قرن یازدهم (بدل) (۲) دوازدهم (معطوف) (۳) نازک‌اندیشی (معطوف)

(۴) به کار بردن مضمون‌های بدیع (معطوف) (۵) شگفت آفرین (معطوف)

(۶) توانا (معطوف)

۲۶۲۸- گزینه‌ی (۲) «تن» در گزینه‌ی (۲) ممیز است و وابسته‌ی وابسته محسوب می‌شود.

۲۶۲۹- گزینه‌ی (۳) یک بدل (شاعر) و چهار معطوف (نقاش، بی‌آلایش، مفاهیم، فلسفی) وجود دارد.

۲۶۳۰- گزینه‌ی (۴) آسمان ← آسمان / روزگار ← روزگار / استوار ← استوار، واژه‌های دو تلفظی هستند.

۲۶۳۱- گزینه‌ی (۳) تلفظ «خجل» فقط درست است و به صورت «خجل» کاملاً نادرست است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «رایگان» ← به دو صورت «رایگان / رایگان» تلفظ می‌شود.

گزینه‌ی (۲): «روزگار» ← به دو صورت «روزگار / روزگار» تلفظ می‌شود.

گزینه‌ی (۴): «مهربان» ← به دو صورت «مهربان / مهربان» تلفظ می‌شود.

۲۶۳۲- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): معطوف ← داغ و وسیع

گزینه‌ی (۲): معطوف ← درخشان و فروزان

گزینه‌ی (۴): تکرار ← با یاد خدا (تکرار)

توجه: در گزینه‌ی (۳)، «واو» بین دو فعل «می‌ساخت» و «می‌گذاخت»، «واو» ربط است نه عطف.

۲۶۳۳- گزینه‌ی (۳) «و» در گزینه‌ی (۳)، «واو» ربط است و حرف عطف نیست و نقش تبعی وجود ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): مصراع اول: «من، خود» ← «خود» بدل

گزینه‌ی (۲): مصراع دوم: «تو، خود» ← «خود» بدل

گزینه‌ی (۴): مصراع اول: «ما، هیچ متاعان» ← «هیچ متاعان» بدل

۲۶۳۴- گزینه‌ی (۴) در این گزینه، «خود» نقش مضاف‌الیه دارد و هیچ نقش تبعی در بیت دیده نمی‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «خود» نقش بدلی دارد.

گزینه‌ی (۲): «خویش» نقش بدلی دارد. دقت داشته باشید که «خود» در مصراع اول نقش نهادی دارد و با «او» و «را» حالت فک اضافی دارد ← خود او

گزینه‌ی (۳): «خود» نقش بدلی دارد.

۲۶۳۵- گزینه‌ی (۳) در این گزینه «شیخ» وابسته‌ی پیشین و «شاخص» است. استاد، در هر دو جمله این عبارت «نهاد» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «امیرزاده» و «علامه» هر دو هسته‌ی گروه اسمی هستند.

گزینه‌ی (۲): «شیخ» در جمله‌ی دوم منادا است.

گزینه‌ی (۴): «استاد» و «امام» در جمله‌ی اول مضاف الیه و «استاد» و «حکیم» در جملات بعدی نقش نهادی دارند.

۲۶۳۶- گزینه‌ی (۴) تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «این» صفت اشاره / «دو» هسته

گزینه‌ی (۲): «حاجی قوام» ← شاخص

گزینه‌ی (۳): «هر» صفت مبهم / «دو» صفت شمارشی / «جهان» هسته

۲۶۳۷- گزینه‌ی (۳) تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه‌ی (۱): «یادگار»، در گزینه‌ی (۲): «استواری» و در گزینه‌ی (۴): «نامهربان» دو تلفظی هستند.

۲۶۳۸- گزینه‌ی (۴) سیزدهمین شهر ساخته شده در جهان: بدل

۲۶۳۹- گزینه‌ی (۳) نقش‌های تبعی عبارت‌اند از: ۱- معطوف ۲- بدل ۳- تکرار

در گزینه‌ی (۳)، «واو» بین دو فعل می‌ساخت و می‌گذاخت، «واو» ربط است نه عطف.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): وسیعش: (معطوف)

گزینه‌ی (۲): محقق و لغوی بزرگ معاصر: (بدل)

گزینه‌ی (۴): با یاد خدا: (تکرار)

۲۶۴۰- گزینه‌ی (۴) وابسته‌های پیشین: هر گاه (صفت مبهم) / یک شکل (صفت شمارشی) ← ۲ وابسته‌ی پیشین

وابسته‌های پسین: عناصر ادبی / شکل هنری / اثری / مطلوب / احساسات /

اندیشه‌ی وی / تغییر رفتار او ← ۸ وابسته‌ی پسین

۲۶۴۱- گزینه‌ی (۱) وابسته‌های پیشین: این (این سخنان) - هر (هر داستان) - بهترین (بهترین شیوه) - همه (همه‌ی صحنه‌ها) - هر (هر خواننده) ← ۵

وابسته‌های پسین: بیهقی (تاریخ بیهقی) - «ان» جمع در «سخنان» - زیبایی (نهایت زیبایی) - گویایی (نهایت گویایی) - «ی» نکره در «نویسنده‌ای» - باریک‌بین (نویسنده‌های باریک‌بین) - داستان (فضای داستان) - اشخاص (قامت اشخاص) - «ها» جمع در «صحنه‌ها» - چشم (پیش چشم) - خواننده (چشم خواننده) ← ۱۱

۲۶۴۲- گزینه‌ی (۴) «برده‌داران حرم ستر عفاف ملکوت»، بدل «فرشتگان» است. در این‌جا معطوف وجود ندارد و «واو» به کار رفته عطف نیست بلکه حرف ربط است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «کشور سبز آرزوها»، بدل «آسمان» / «رنج» معطوف

گزینه‌ی (۲) ← «خیال»، بدل «تنها پرندۀ نامرئی کویر» / «آزاد» معطوف

گزینه‌ی (۳) ← «این نخلستان خاموش و پرمهتابی» بدل برای «آسمان کویر» / «پرمهتابی» معطوف

۲۶۴۳- گزینه‌ی (۲) صفت‌های بیانی ← شخصیت فرهنگی، دنیا‌ی تازه، زبان فارسی، یک‌نواختی گذشته ← ۴

مضاف‌الیه‌ها ← ترجمه‌ی آثار، ساخت شخصیت، شخصیت فرد، شخصیت جامعه، گنجینه‌ی واژگان، واژگان زبان حالت یک‌نواختی ← ۷

نکته: صفت‌های بیانی: ۱- بیانی ساده (خوب) ۲- فاعلی (بن مضارع + نده: گوینده / بن مضارع + ۱: گویا / بن مضارع + ان: گریان) ۳- مفعولی (بن ماضی + ه، ه: دوخته) ۴- لیاقت (مصدر + ی: خوردنی) ۵- نسبی (اسم + ی: آسمانی)

۲۶۴۴- گزینه‌ی (۳) وابسته‌ها ← ۱- «ی» در «مردمی» ۲- خداشناس (صفت بیانی) ۳- همه (صفت مبهم) ۴- «ات» در موجودات (نشانه‌ی جمع) ۵- جهل (مضاف‌الیه) ۶- «ی» در «مردمی» ۷- ریاکار (صفت بیانی) ۸- این (صفت اشاره) ۹- ها (نشانه‌ی جمع) ۱۰- مختلف (صفت بیانی) ۱۱- همه (صفت مبهم) ۱۲- همه (صفت مبهم) ۱۳- «ها» در گروه‌ها (نشانه جمع) ۱۴- مختلف (صفت بیانی)

۲۶۴۵- گزینه‌ی (۴) تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← شریف ← اشراف

گزینه‌ی (۲) ← مکتب ← مکاتب (مکتوب ← مکاتیب)

گزینه‌ی (۳) ← حاکم ← حکام (حکیم ← حکما)

۲۶۴۶- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) ← «سیزدهمین شهر ساخته شده در جهان»

همان «شهر ری» است، پس بدل محسوب می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← ابن بابویه: مضاف‌الیه/ علامه دهخدا: نهاد/ غلامرضا تختی: معطوف

به نهاد/ شیخ صدوق: متمم

گزینه‌ی (۳) ← رئیس و مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا: مسند/ مرکز بین‌المللی

آموزش زبان فارسی: معطوف به مضاف‌الیه (معطوف به مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا)

پژوهشگر برجسته‌ی ادبیات و فقه و تاریخ اسلام: گروه معطوف به مسند

گزینه‌ی (۴) ← رحمه‌الله علیه: جمله‌ی معترضه/ علامه مجلسی: متمم/ ملاباشی

ایران: معطوف به متمم/ بحارالانوار: مضاف‌الیه

۲۶۴۷- گزینه‌ی (۲)

بیت: «گوشم همه بر قول نی و نغمه‌ی چنگ است/ چشمم همه بر لعل لب

معطوف به مسند

و گردش جام است

معطوف به مسند

در این دو جمله متمم، در جایگاه مسند به کار رفته است.

بیت (د) ← بت خود را بشکن خوار و و ذلیل

معطوف به قید

نکته: در سبایز گزینه‌ها نوع واو، واو عطف نیست. این نوع واو را «واو ربط» می‌نامیم

که بین جملات هم‌پایه می‌آید.

۲۶۴۸- گزینه‌ی (۳) در این گزینه، شاخص وجود ندارد. واژه‌ی «حکیم» هسته‌ی

گروه اسمی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

«ملا» در گزینه‌ی (۱)، «میرزا» در گزینه‌ی (۲) و «شاه» در گزینه‌ی (۴)، شاخص هستند.

۲۶۴۹- گزینه‌ی (۳) ترکیب‌های وصفی ← تاریخ درخشان/ ملل اسلامی/ شاعران

متعهد به اسلام/ عظمت خاص/ اهمیت خاص

ترکیب‌های اضافی ← قصه‌های پیامبران/ طول تاریخ/ تاریخ ملل/ شعر شاعران

۲۶۵۰- گزینه‌ی (۴) این = صفت/ مزرع = اسم/ سبز = صفت/ آن = صفت/

دوست = اسم/ شاعر = صفت/ م (من) = اسم

۲۶۵۱- گزینه‌ی (۲) هیچ «نقش تبعی» در این گزینه نیست. «و» پیوند هم‌پایه

ساز است و دو جمله را به هم پیوند داده است، نه دو کلمه را.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← اقیانوس‌ها و دشت‌ها (معطوف)

گزینه‌ی (۳) ← خیال (بدل)

گزینه‌ی (۴) ← مرز و بوم (معطوف)

۲۶۵۲- گزینه‌ی (۱) شاخص‌ها عناوین و القابی هستند که بدون هیچ نشانه با

نقش‌نمایی پیش از اسم می‌آیند. استاد معین: استاد ← شاخص/ دکتر ادبیات فارسی:

دکتر ← هسته‌ی گروه اسمی/ استاد کرسی: استاد ← هسته‌ی گروه اسمی/ اثر استاد:

استاد ← مضاف‌الیه

۲۶۵۳- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴)، «اندیشه» به «زبان» معطوف است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «و» حرف ربط هم‌پایه‌ساز است. / گزینه‌ی (۲) ← فعل بعد از

«کودکی» به قرینه حذف شده است و «و» حرف ربط هم‌پایه‌ساز است.

گزینه‌ی (۳) ← «و» در میان دو جمله قرار گرفته و حرف ربط است و «گفت و گو»

یک واژه‌ی «مشتق - مرکب» و «و» میانی آن یک «وند» است.

۲۶۵۴- گزینه‌ی (۱) صفت‌های بیانی ← اهورایی - سیاه - مرگ‌زده - تهی - پاک

- روشن

۲۶۵۵- گزینه‌ی (۱) آن مکارترین سوداگران ← آن «صفت اشاره (وابسته‌ی پیشین)،

«مکارترین» صفت عالی (وابسته‌ی پیشین)، «سوداگران» هسته

۲۶۵۶- گزینه‌ی (۳) مراد از نقش تبعی آن است که تابع گروه اسمی قبل از خود

باشد. نقش‌های تبعی عبارت‌اند از: (۱) معطوف (۲) بدل (۳) تکرار.

در گزینه‌ی (۳)، «سعدی شیرازی» بدل است و «و» در میان واژه‌های «شاعر و

نویسنده» و «دور و دراز» واو عطف است.

در گزینه‌های دیگر «بدل و تکرار» وجود ندارد و تنها «معطوف» وجود دارد.

۲۶۵۷- گزینه‌ی (۲) «و» بین جملات حرف ربط است.

در گزینه (۱): زن: معطوف به نهاد

در گزینه (۳): دین: معطوف به مفعول و تکرار دل و دینم

در گزینه (۴): مادرم: بدل منادا

۲۶۵۸- گزینه‌ی (۳) ی نکره ← ابزاری، زبانی، بخشی

مضاف‌الیه ← فرهنگ، اندیشه، انتقال

صفت ← دیگر، مطلوب‌ترین، این، هیچ

۲۶۵۹- گزینه‌ی (۴) ترکیب‌های وصفی: هر ملت - آن ملت - عناصر

تشکیل‌دهنده - آن فرهنگ

- فراز و نشیب‌های اجتماعی - فراز و نشیب‌های تاریخی - دیگر جوامع

ترکیب‌های اضافی: فرهنگ ملت - جلوه‌گاه ذوق - جلوه‌گاه آرمان‌ها -

آرمان‌های ملت - شناخت عناصر - عناصر فرهنگ - پیوستگی آن - فرهنگ جوامع

۲۶۶۰- گزینه‌ی (۳) دارای دو صفت پیشین و هفت صفت پسین است. «این

مکتب» دوبار تکرار شده است که کلمه‌ی «این» صفت پیشین می‌باشد اما صفت‌های

پسین عبارت‌اند از:

مکتب ادبی، قراردادهای اخلاقی، نظریات پذیرفته‌شده، بی‌طرفی کامل، پدیده‌های

معین، نتایج قطعی، نویسنده‌ی فرانسوی که جمعا هفت صفت پسین دیده می‌شود.

۲۶۶۱- گزینه‌ی (۴) وابسته‌های پیشین: هیچ - آن - همه

وابسته‌های پسین: «ی» در کوششی - «شان» در کارشان

خود - کیان - دوستی - «ها» در دوستی‌ها - «ها» در خاطره‌ها - مشترک

۲۶۶۲- گزینه‌ی (۱) ترکیب‌های وصفی: غرفه‌ی بلند/ هر صخره/ زبان گویا/ = ۳

ترکیب وصفی

ترکیب‌های اضافی: شناختن محمد/ دیدن صحرا/ آواز پر/ پر جبرئیل/ زیر غرفه/

غرفه‌ی آسمان/ آسمانش/ صخره‌ی سنگ/ سنگش/ آیات وحی/ زبان خدا/ صحرای

عربستان = ۱۲ ترکیب اضافی

۲۶۶۳- گزینه‌ی (۱) وصفی‌ها: ۱- آن‌ها ۲- ش‌های داغ ۳- مردی سفیدموی

۴- مردی سفیدروی ۵- یک شب ۶- شب ظلمانی ۷- اختری روشن ۸- اختری پرفروغ

۹- خورشید فروزان ۱۰- خون پاک

اضافی: ۱- میان‌ها ۲- کنار خورشید ۳- خورشید حق ۴- خون خویش

درس چهاردهم زبان فارسی ۳

۲۶۶۴- گزینه‌ی (۲)

نگران با معانی «نگاه‌کننده و مضطرب» ایهام دارد.

۲۶۶۵- گزینه‌ی (۲)

«شکافته و شکفته» جناس، «شکفته‌شدن دل» کنایه از

شادشدن است. «دل شکفته می‌شود»، استعاره. (دل مانند گلی شکفته می‌شود)

۲۶۶۷- گزینه‌ی (۲) سینه مجاز از دل است.

دل آدمی همچون باغچه پرغنچه/ نسیم محبت (اضافه تشبیهی)

۲۶۶۸- گزینه‌ی (۲)

به کار رفتن آرایه‌های تشبیه، تناسب، تضاد، کنایه و ...

۲۶۶۹- گزینه‌ی (۱)

هر چه زبان نوشته، ساده‌تر و بی‌تکلف‌تر باشد ارزش هنری

۲۶۷۰- گزینه‌ی (۴)

آن بیش‌تر می‌شود.

۲۶۷۱- گزینه‌ی (۲)

۲۶۷۲- گزینه‌ی (۲)

برخی از آرایه‌های متن داده شده عبارت‌اند از:

۲۶۷۳- گزینه‌ی (۳)

نخلستان خاموش: استعاره/ مزرع سبز آن دوست شاعر: تلمیح و استعاره/ مشت خونین

و بی‌تاب قلب: اضافه‌ی تشبیهی (قلب به مشت می‌ماند شده است) // ناله‌های گریه‌آلود آن

روح دردمند: تلمیح/ باران‌های غیبی سکوت: تشبیه/ نگاه‌های اسیر: تشخیص/ نگاه‌های

اسیر هم چون پروانه‌های شوق: تشبیه/ پروانه‌های شوق: اضافه‌ی تشبیهی

۲۶۸۹- گزینه‌ی (۳) قدما (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) - فرخی (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
 بخردانه (صفت مضاف‌الیه) - رودکی (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
 او (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) - منوچهری (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
 شعر (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) - بهار (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
 باستان (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

۲۶۹۰- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): آن (صفت مضاف‌الیه) / دو ترکیب دیگر وابسته‌ی وابسته ندارد.
 گزینه‌ی (۲): آن، فارسی، فرهنگی (هر سه، صفت مضاف‌الیه)
 گزینه‌ی (۳): حافظ (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) / ادبی (صفت مضاف‌الیه) / ترکیب سوم وابسته‌ی وابسته ندارد.
 گزینه‌ی (۴): دکتری (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) / حوزوی (صفت مضاف‌الیه) / ترکیب سوم وابسته‌ی وابسته ندارد.

۲۶۹۱- گزینه‌ی (۳) دو سیر زعفران- لباس خواهر بزرگ‌تر- یک فروند هواپیمای جنگی- لباس نسبتاً نفیس- برجسته‌ترین شرکت‌کننده‌ی المپیاد ادبی- کتاب جغرافیای منطقه- زنگ در ساختمان- رنگ قرمز تند

۲۶۹۲- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱): دو صفت برای تن ← این دو تن

گزینه‌ی (۲): یک مضاف‌الیه و یک صفت برای چشم ← چشم‌های دورنگر اسفندیار

گزینه‌ی (۳): «بس» قید صفت است و کل عبارت «بس دراز» صفتی برای عمر.

گزینه‌ی (۴): مضاف‌الیه مضاف‌الیه ← زرقای ذهن خوانندگان

۲۶۹۳- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱): فزونی نیروی رستم

گزینه‌ی (۲): ساختن آینده‌ای بهتر

گزینه‌ی (۳): بهترین فصل زندگی

گزینه‌ی (۴): صحبت خیلی عامیانه

۲۶۹۴- گزینه‌ی (۲)

گزینه‌ی (۱): یک تن گندم خوب

گزینه‌ی (۲): دو کشور قدرتمند جهان

گزینه‌ی (۳): چهار متر پارچه‌ی سفید

گزینه‌ی (۴): سه اصله درخت سیب

۲۶۹۵- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← آن (تمامت آن صحرا)، صفت مضاف‌الیه است
 گزینه‌ی (۲) ← ام (زبان خاله‌ام)، مضاف‌الیه مضاف‌الیه است- بسیار (قصة‌های بسیار اصیل)، قید صفت است

گزینه‌ی (۴) ← کین و پلید (کاسه‌ی این فهم‌های پلید)، صفت مضاف‌الیه هستند

۲۶۹۶- گزینه‌ی (۱) صفت مبهم: دیگر (شاعران دیگر) / صفت فاعلی: پارسی‌گو (به معنی پارسی‌گوینده) / مضاف‌الیه مضاف‌الیه: سیستان (مؤلف تاریخ سیستان) /

۲۶۹۷- گزینه‌ی (۲) علل ورود آن‌ها- دلیل رواج آن‌ها- ساختار زبان فارسی- اغلب کاربردهای نادرست- طریق رسانه‌های گروهی- راه به کارگیری درست- راه به کارگیری آن‌ها

* دقت شود که نمودار ترکیب زبان فارسی معیار چنین است.

چرا که هم «فارسی» و هم «معیار» صفت زبان هستند.

۲۶۷۴- گزینه‌ی (۱) پنج عامل موجب هنری شدن نوشته‌ها می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱- کاربرد هنری زبان ۲- آرایه‌های ادبی یا صور خیال ۳- چگونگی بیان ۴- صداقت و صمیمیت ۵- طنز

ضمناً وجود دو عنصر احساس و عاطفه کافی است تا نثر را هنری کند.

۲۶۷۵- گزینه‌ی (۴) دو عنصر احساس و عاطفه می‌توانند یک متن را هنری جلوه دهند، هر چند از عناصر دیگر در متن مورد نظر اثری نباشد.

۲۶۷۶- گزینه‌ی (۴) چون «گل» صفت انسانی گرفته، عبارت این گزینه، از نثر معمولی به نثر هنری ارتقا یافته است.

۲۶۷۷- گزینه‌ی (۲) گزینه (۱): چگونگی بهره‌گیری از صور خیال و واژه‌های مناسب گزینه (۳): بهره‌گیری از عناصر احساس و عاطفه برای بیان ترس گزینه (۴): بهره‌گیری از زبان ساده و طبیعی

۲۶۷۸- گزینه‌ی (۴) نویسنده در این متن با استفاده از صور خیال و به کارگیری آرایه‌های ادبی چون «تشبیه، استعاره، کنایه، تشخیص و ...» نوشته‌ی خود را هنری و ادبی ساخته است.

۲۶۷۹- گزینه‌ی (۴) در درس چهاردهم خواندیم که با ۵ عامل می‌توان نثر معمولی را به نثر هنری تبدیل کرد:

۱- چگونگی کاربرد زبان ۲- آرایه‌های ادبی یا صور خیال ۳- چگونگی بیان ۴- صداقت و صمیمیت ۵- طنز

درس پانزدهم زبان فارسی ۳

۲۶۸۰- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱) } زلف مشکین دوست ← وابسته‌ی وابسته ندارد
 پرواز دو کبوتر ← صفت مضاف‌الیه

گزینه‌ی (۲) } قصه‌ی شیرین زندگی ← وابسته‌ی وابسته ندارد
 رخسار آتشین گل ← وابسته‌ی وابسته ندارد

گزینه‌ی (۳) } اوج آسمان آبی ← صفت مضاف‌الیه
 دیدن آخرین ماهتاب ← صفت مضاف‌الیه

گزینه‌ی (۴) } فریاد عاشقان سوخته دل ← صفت مضاف‌الیه
 برگ‌های زرد پاییز ← وابسته‌ی وابسته ندارد

۲۶۸۱- گزینه‌ی (۲) نشان در میخانه / حدیث شب یلدا / طلب آب رخ
 اما در گزینه‌ی (۲) در ترکیب اسرار دل سوخته، سوخته: صفت مضاف‌الیه است.

۲۶۸۲- گزینه‌ی (۳) علاقه به مبانی اسلام

متمم اسم

* «علاقه» اسمی است که حرف اضافه اختصاصی «به» دارد پس «مبانی اسلام» متمم اسم است.

۲۶۸۳- گزینه‌ی (۴) بدل ← پهلوان ده (بدل از سیدرضا)

متمم اسم ← حریف (تسلط بر حریف)

شاخص ← سید (در ترکیب سیدرضا)

ممیز ← ساعت (دو ساعت انتظار)

* کدخدا شاخص نیست چون همراه هسته نیامده است.

۲۶۸۴- گزینه‌ی (۲) حرف اضافه‌ی اختصاصی پرسیدن «از» است پس «ازکعبه» متمم فعلی است که ابتدای جمله آمده و مقدم بر سایر ارکان شده است.

* در سایر گزینه‌ها متمم فعل وجود ندارد!

۲۶۸۵- گزینه‌ی (۲) «عرب - یونان - جهان (دوبار) ادبیات» مضاف‌الیه مضاف‌الیه هستند.

۲۶۸۶- گزینه‌ی (۲) «سه - فارسی - عربی - انگلیسی - همه» صفت مضاف‌الیه هستند

۲۶۸۷- گزینه‌ی (۲) فارسی (صفت مضاف‌الیه) ← ۲ بار

۲۶۸۸- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): سرشار از آرایه‌های ادبی

گزینه‌ی (۳): لذت بردن از نمودهای طبیعت

گزینه‌ی (۴): بهره‌گیری از عواطف خویش

درس شانزدهم زبان فارسی ۳

- ۲۷۲۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم صورت سؤال طنزی است انتقادی نسبت به مدعیان دروغین. مفهوم ابیات (۱)، (۲) و (۴): دعوت به راستی و درستی و پرهیز از بدی و دروغ مفهوم بیت (۳): انسان‌ها با هم متفاوت‌اند.
- ۲۷۲۸- گزینه‌ی (۲) نقیضه‌پردازی یا تقلید از آثار ادبی از شیوه‌های طنزپردازی است که در این نوشته هم، نویسنده با تقلید از نثرهای حماسی، درگیری بین دو خروس را توضیح داده است.
- ۲۷۲۹- گزینه‌ی (۳) این نوشته از عبید زاکانی بیانگر نوعی طنز است نسبت به انسان‌های خسیس.
- ۲۷۳۰- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴) یک ضرب‌المثل کاملاً منطقی آورده شده.
- ۲۷۳۱- گزینه‌ی (۳) یکی از روش‌های طنزپردازی کش‌دار کردن موضوع است. می‌دانیم که نقیضه‌پردازی آثار ادبی از روش‌های دیگر طنزپردازی است.
- ۲۷۳۲- گزینه‌ی (۱) با توجه به متن، متوجه قدیمی بودن آن می‌شویم که به آن نقیضه‌پردازی هم می‌گویند.

۲۷۳۳- گزینه‌ی (۴)

۲۷۳۴- گزینه‌ی (۳)

- گزینه‌ی (۱) ← نان به ظاهر حلال شیخ، از آب به ظاهر حرام ما بهتر نیست. (ترسم = مطمئن هستم)
- گزینه‌ی (۲) ← توبه کردن از زهد و عار داشتن از توبه، تمسخر حافظ است به ریاکاران زمانش.
- گزینه‌ی (۴) ← حلال و حرام که دو موضوع فقهی است دستاویز شاعر قرار گرفته است که نشان می‌دهد حلال را از حرام می‌شناسد.
- ولی در گزینه‌ی (۳) ← «رَاقِیت» خدا بیان می‌شود.
- ۲۷۳۵- گزینه‌ی (۳) یکی از شیوه‌های طنزپردازان جابه‌جا کردن حوادث و وقایع است. گاه به سبب اشتباهی که در کاری صورت می‌گیرد، حوادث خنده‌داری ایجاد می‌شود، مثل حکایت «کر و بیمار» از مثنوی مولوی.
- ۲۷۳۶- گزینه‌ی (۴) به زشتی و کاستی و نقصی که در آن اغراق صورت گرفته باشد، اشاره ندارد.
- ۲۷۳۷- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی اول کلمه‌ی متمم اسم نوشته شده است که باید بدانیم کلمه‌ی متمم اسم فاعل است و کسره زیر تشدید است و نه فتحه بالای تشدید و این در حالی است که این کلمه در خودآزمایی درس طنزپردازی آمده است و معنای آن تمام‌کننده و کامل‌کننده است و سایر کلمات در بقیه‌ی گزینه‌ها طبق پیام‌وزیم و خودآزمایی درس طنزپردازی با تلفظ درست و حرکت‌گذاری صحیح در گزینه‌ها نوشته شده است.

درس هفدهم زبان فارسی ۳

- ۲۷۳۸- گزینه‌ی (۳) مشتق (۴) ← بی‌سامانی - تنهایی - زیبایی - غمگین مرکب (۲) ← تهیدست - خوشبخت
- مشتق - مرکب (۲) ← سرگردانی - بی‌سروسامانی
- نکته: درختان: ساده (ان جمع تصریفی است) / «ی» در تهیدستی: فعل است و ربطی به کلمه تهیدست ندارد / «ی» در خوشبختی: فعل است و ربطی به کلمه خوشبخت ندارد / «م» در غمگینم: فعل است و ربطی به کلمه‌ی غمگین ندارد.
- ۲۷۳۹- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): برافتادن ← برفتادن / احیای / کشتزارها ← کشتزارها / کشتزارهای / پنبه ← پنبه
- گزینه‌ی (۲): پرماجرای / سیاوش ← سی‌یاووش / باز آمدن ← باز آمدن / خیال ← خی‌یال
- گزینه‌ی (۳): انبار ← امبار / غله‌ی / خوف ← خاف / سبدهای / سنبیل ← سمبیل / خشک شده ← خش شده
- گزینه‌ی (۴): بازی سیاسی انقلابیون ← بازی ی سی یاسی انقلابیون / شادی زیاد مردم خیابان ← شادی ی زی یاد مردم خی یابان
- نکته: دقت کنید «ی» میانجی که نوشته نمی‌شود اما تلفظ می‌شود (مثل گزینه‌ی ۴) جزو فرآیند افزایش محسوب می‌شود.

۲۷۱۷- گزینه‌ی (۳)

- ۱- انسان آرمانی شعر حافظ (حافظ)
- هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- ۲- مقام عدل انسانی او (او)
- هسته مضاف‌الیه صفت مضاف‌الیه
- ۳- چکیده‌ی نظرگاه شخصی حافظ (حافظ)
- هسته مضاف‌الیه صفت مضاف‌الیه
- ۴- اثبات قاطعانه‌ی بی‌عیبی خویش (خویش)
- هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه

بقیه‌ی موارد اسم بعد از صفت آمده و مضاف‌الیه واژه‌ی قبل از صفت شده پس مضاف‌الیه مضاف‌الیه نمی‌شود.

۲۷۱۸- گزینه‌ی (۱) گزینه (۲) ← تقلید از حماسه‌ی طبیعی

گزینه (۳) ← روی آوردن به ادبیات داستانی معاصر

گزینه (۴) ← آمیخته با انتقاد تند

۲۷۱۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← گرو (هسته) خدمت (مضاف‌الیه) عادی (صفت مضاف‌الیه)

گزینه‌ی (۲) ← دور (هسته) کلاه (مضاف‌الیه) / ش (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) شکل (هسته) مه (مضاف‌الیه) یک شبه (صفت مضاف‌الیه)

گزینه (۴) ← منتظر (هسته) حوله‌ی (مضاف‌الیه) باد (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) سحر (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

۲۷۲۰- گزینه‌ی (۳) «جرگه - چنان - حماسه - بقاع» صحیح است.

۲۷۲۱- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی ۱ ← متمم فعلی است (ز کوی میکده)

گزینه‌ی (۲) ← متمم قیدی است (در شب قدر)

گزینه‌ی (۳) ← سرو قد دلجویت متمم اسم برای «محرور» است.

گزینه‌ی (۴) ← متمم مقدم نشده است!

۲۷۲۲- گزینه‌ی (۲)

- سفران عالم دیگر سبای پرواز ملکوتی سینه‌ی خشک کویر
- نخلستان خاموش پر مهتاب دست‌های مهربان مرگ

۲۷۲۳- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) ← از غصه: متمم فعلی (دقت کنید در این مصراع «نجات دادند» فعل مرکب است)

گزینه‌ی (۲) ← اندر آن ظلمت شب: متمم قیدی / «م» در حیاتم: متمم فعلی (به من آب حیات دادند)

گزینه‌ی (۳) ← از جام تجلی صفات: متمم قیدی / «م» در صفاتم: متمم فعلی (به من باده از جام تجلی صفات دادند)

گزینه‌ی (۴) ← در آنجا: متمم قیدی / از جلوه‌ی ذات: متمم اسمی (خبر از -) / «م» در ذاتم: متمم فعلی (به من خبر از جلوه‌ی ذات دادند)

۲۷۲۴- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۱) قید صفت، در گزینه‌ی (۲) صفت مضاف‌الیه و در گزینه‌ی (۴) صفت به کار رفته است.

۲۷۲۵- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۱) مقاله‌ها (متمم دقت) - در گزینه‌ی (۲) قالب (متمم آشنایی) - در گزینه‌ی (۴) دیگران (متمم مشورت)

در گزینه‌ی (۱) - سبک، متمم فعل پی برد.

در گزینه‌ی (۲) - چگونگی، متمم فعل می‌پردازیم.

در گزینه‌ی (۴) - اظهار، متمم فعل باید پرداخت.

در گزینه‌ی (۳) - نوشتار و حروف متمم قیدی هستند.

۲۷۲۶- گزینه‌ی (۴) در سایر گزینه‌ها متمم اسمی: سرشار از لبین، مشحون از نگار / نفرت از دیدن مکروه / علاقه‌ی تو به دنیا در حالی که در گزینه ۴ «کس» متمم فعل است.

۲۷۴۰- گزینہ ۲) گزینہ ۱) جهان آفرین - پرفریب - پادزهر
گزینہ ۲) چهارراه - پیرمرد - بلندقد - درشت استخوان - سرخ رو - کم پشت
گزینہ ۳) کم کم - دلبر - گلوگیر
گزینہ ۴) خوش رو - دور دست
۲۷۴۱- گزینہ ۲) دھش = نگارش - بن + وند
نامنظم = ناتمام - وند + صفت
زیرنویس = دورنما - صفت + بن
آبرفت = دست فرسود - اسم + بن
* روش و کنش - بن + وند / آرامش - صفت + وند / ناشکر - وند + اسم / نادار
- وند + بن / نادرست - وند + صفت / زیرنا و پیش پرده - صفت یا قید + اسم /
دست بوس - اسم + بن / خدایسند - اسم + بن / دست پخت و سرنوشت - اسم + بن
۲۷۴۲- گزینہ ۴) مشتق - اصلی - شعری - بنیادی - نفسانی
مرکب - کاربرد - درون مایه
مشتق - مرکب - سبک شناسی - تقسیم بندی
۲۷۴۳- گزینہ ۳) بیت (ب) - صاحب همت / بیت (ج) - پابند / بیت (ه) -
کم نگاهان
۲۷۴۴- گزینہ ۱) مشتق: زیبا - اندیشه - بیننده - بی شک - سطحی
مرکب: چشم نواز - کاردان - خوشنویس - دلنشین
مشتق - مرکب: خوشنویسی
۲۷۴۵- گزینہ ۱) در سایر گزینہ‌ها این کلمات صفت نیستند - چهل ستون،
سه تار، بزرگداشت، سیاه چادر، زیر گذر
۲۷۴۶- گزینہ ۱) مشتق: زردگون - زبانه - جاهلیت - بی بدیل - نورانی
مرکب: لبخند - رعب آور - دور دست ها - جان پرور
* برابر: مشتق - مرکب
* «ی» در «آفتابی» و «الهامی» و «موجی» نکره است پس تأثیری در ساختمان واژه ندارد.
۲۷۴۷- گزینہ ۴) گزینہ ۱) گلین - خوشخوان
گزینہ ۲) نیم شب - گل چهر
گزینہ ۳) گلرخان
گزینہ ۴) سبکوش - رندسوز - کارخانه
۲۷۴۸- گزینہ ۴) مشتق: زمستانی - پرند - رسیدن
مرکب: یادگیر
مشتق - مرکب: روزشماری - خستگی ناپذیر - شوریده حال
۲۷۴۹- گزینہ ۲) مشتق: نویسنده - شورش - همسر - بیانگر - واقعیت -
اجتماعی - هنرمندان
مرکب: دستگیر
مشتق - مرکب: عدالت خواهی - خودکامه - گیرودار
* «دهقانی وعصری» ساده هستند، چرا که هر دو «ی نکره» دارند که نکواژ تصریفی
است و تأثیری در ساختمان کلمه ندارد.
۲۷۵۰- گزینہ ۳) ساده: دستگاه، پگاه، پارچه، کلوجه، زمستان، دیوار، خاندان،
ناودان، تهمینه، ساربان
مشتق: گفتار، آمیزه، دردمند، بهاره، کمانک، رفتن
مرکب: دو پهلو، مداد پاک کن، گلاب پاش
مشتق مرکب: ناخود آگاه، سرتاپا، سه گوشه
۲۷۵۱- گزینہ ۱) مشتق: الهی، بی عوض، جوانی، فکری، ایرانی، فارسی
مرکب: گران بها
مشتق - مرکب: مایه گذاشتن، سلامت برانداز
۲۷۵۲- گزینہ ۳) مشتق: شرافتمندی، ستمگری، اهمیت، آزادی، فردوسی /
مرکب: شاهنامه / مشتق - مرکب: میهن دوستی، سرکشی، برابر، جانبازی، رادمردی، سراسر
۲۷۵۳- گزینہ ۴) مشتق: ادبیات، فارسی
مرکب: نقد نویسان، مسأله آموز
مشتق - مرکب: دست اندر کاران، درس نخوانده

۲۷۵۴- گزینہ ۳) حق طلب - کسی که حق را می طلبد / راهنما - کسی
که راه را می نماید (نشان می دهد) / تأسف انگیز - چیزی که تأسف را می انگیزد /
سخن شناس - کسی که سخن را می شناسد
۲۷۵۵- گزینہ ۳) واژه های مشتق: دانش - زمینه - فراگیری
واژه های مرکب: امکان پذیر
واژه های مشتق - مرکب: دستیابی - گوناگون - بهره یابی
۲۷۵۶- گزینہ ۴) واژه های مشتق: زمینه - استاندارد - توانا
واژه های مرکب: خیال انگیز - شاهنامه - سخن سرا - حماسه پرداز - زبردست - تشبیه آفرین
۲۷۵۷- گزینہ ۱) واژه های مشتق: گسترش - اندیشه - واقعیت - آفرینش - ماندگار
واژه های مرکب: تأثیر آفرین
واژه های مشتق - مرکب: صیقل دادن - شفاف ساختن
* «پیوند» ساده است.
۲۷۵۸- گزینہ ۱) واژه های مشتق: سرودن - وصفی - پیدایی - سراینده - توانا
واژه های مرکب: زبردست
واژه های مشتق - مرکب: تصویرنگاری - باز آفرینی
۲۷۵۹- گزینہ ۲) انگشت های تشریح مصلحت بینان.
* «مصلحت بینان» مرکب است.
۲۷۶۰- گزینہ ۴) واژه های مشتق: نویسنده - دیده - شنیده - فرهنگی - اخلاقی -
ارزشمند - یادگار
واژه های مرکب: نکته سنج - ژرف نگر - ره گذر - سفرنامه
واژه های مشتق - مرکب: گوناگون
۲۷۶۱- گزینہ ۲) واژه های مشتق - ویژگی - نوشته - تازگی - زیبا
واژه های مرکب - نویدبخش - دلربا
واژه های مشتق - مرکب - نوآوری
۲۷۶۲- گزینہ ۲) واژه های مشتق: سنجش - گویا - فرهنگی
واژه های مرکب: عبرت انگیز - سرگذشت - سرزمین
واژه های مشتق - مرکب: دانش پژوه
۲۷۶۳- گزینہ ۴) واژه های مشتق: سنجش - ادبی - ارزشمند - باستانی
واژه های مرکب: یک دیگر - امکان پذیر
واژه های مشتق - مرکب: لایه لا - تأثیر پذیری
۲۷۶۴- گزینہ ۳) واژه های مشتق: ادبیات (۲ بار) - گذشته - وابسته - داستانی
واژه های مرکب: چشم گیر - چشم نواز
واژه های مشتق - مرکب: گونه گونی
۲۷۶۵- گزینہ ۱) واژه های مشتق: نویسنده - نوشته - اصلی - خواننده - زیبایی - رسایی
واژه های مرکب: سر آغاز
واژه های مشتق - مرکب: مقدمه چینی - زمینه سازی
۲۷۶۶- گزینہ ۲) واژه های مرکب: ماردوش - ستم پیشه - شاهنامه - سرانجام -
اخترشناس
واژه های مشتق - مرکب: رویارویی - عدالت پیشگی - پیش بینی
۲۷۶۷- گزینہ ۴) واژه های مشتق - فردوسی - بی ثمر - قاطعیت - سردی - آدمی
واژه های مرکب - گرانبار
واژه های مشتق - مرکب - کندوکاو
۲۷۶۸- گزینہ ۴) واژه های مشتق - ایستادگی
واژه های مرکب - پیامبر - حق خواه
واژه های مشتق - مرکب - برابر - خودکامگی
۲۷۶۹- گزینہ ۳) واژه های مشتق: پوچی - ظلمانی - حیوانی
واژه های مرکب: کج اندیش - خودبین
واژه های مشتق - مرکب: درون بینی - خودشناسی
۲۷۷۰- گزینہ ۲) واژه های مرکب - شگفت انگیز
واژه های مشتق - مرکب - گفت و گو

۲۷۷۱- گزینه‌ی (۲)

گزینه‌ی (۱) ←	واژه‌ی مشتق: خواننده واژه‌ی مرکب: سخنران واژه‌ی مشتق- مرکب: زیاده‌گویی
گزینه‌ی (۳) ←	واژه‌ی مشتق: ادبیات واژه‌ی مرکب: پرمایه واژه‌ی مشتق- مرکب: نوآوری
گزینه‌ی (۴) ←	واژه‌های مشتق: نوشته- آغازگر- خواننده واژه‌ی مرکب: زودگذر واژه‌ی مشتق- مرکب: واقع‌گرایی

۲۷۷۲- گزینه‌ی (۴) واژه‌های مشتق: ادبیات (۲ بار)- خواننده- بینش- استعاری-

گفتار- جایگاه

واژه‌ی مرکب: رمان‌نویس

واژه‌های مشتق- مرکب: جهان‌بینی- ریشه‌یابی

۲۷۷۳- گزینه‌ی (۱)

۲۷۷۴- گزینه‌ی (۳) واژه‌های مشتق ← ناسزا- شایسته- مدنیت

واژه مشتق- مرکب ← دراز دستی

واژه مرکب ← سرزمین

۲۷۷۵- گزینه‌ی (۱) واژه‌های مشتق: جاودانگی- ارزش- فرهنگی- گذاشتن

واژه‌های مرکب: پی‌گیر- روزافزون- دسترس

واژه‌ی مشتق- مرکب: زنده ماندن

۲۷۷۶- گزینه‌ی (۱) واژه‌های مشتق: اجتماعی- همراه- رندانه- نویسنده

واژه‌های مرکب: دلنشین- مصیبت‌نامه- طنز آمیز

واژه‌ی مشتق- مرکب: خرده‌گیری

۲۷۷۷- گزینه‌ی (۲) واژه‌های مشتق: کارانه- پذیرا- نامردمی- ناشنوا- بی‌برنامگی

واژه‌های مرکب: خویشن‌دار- تأسفانگیز- گلاب

واژه‌های مشتق- مرکب: پروراندی- خدانشناس- یک‌طرفه- مالا مال- آشتی‌کنان- حقوق‌بگیر

۲۷۷۸- گزینه‌ی (۴) «دست‌آورد» ← دست + آورد (مرکب)

* چه سؤال خوبی!!

۲۷۷۹- گزینه‌ی (۱) واژه‌های مشتق: جوانی- نوشتن

واژه‌ی مرکب: لغت‌نامه

واژه‌ی مشتق- مرکب: گوشه‌نشینی

۲۷۸۰- گزینه‌ی (۴) واژه‌های مشتق: فارسی- دوم

واژه‌ی مرکب: پیامبر

واژه‌ی مشتق- مرکب: راهنمایی

۲۷۸۱- گزینه‌ی (۳) واژه‌های مشتق: مشروطه- نماینده- تحمیلی- فرمایشی

واژه‌ی مرکب: خویشن‌دار

واژه‌ی مشتق- مرکب: آزادی‌خواه

۲۷۸۲- گزینه‌ی (۴) واژه‌های مشتق: آرامگاه- شکوهمند- زیارتگاه

واژه‌ی مرکب: صاحب‌دل- ادب‌دوست

واژه‌ی مشتق- مرکب: سراسر

۲۷۸۳- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲): سنجش- ادبی- ارزشمند- لابه‌لا- تأثیرپذیری-

یک‌دیگر

گزینه‌ی (۳): سخن گفتن- طوفان‌زده- ناتوانی- برابر

گزینه‌ی (۴): بهره‌گیری- شخصیت- حماسی

۲۷۸۴- گزینه‌ی (۳) واژه‌های مشتق: قلمی- سراینده- نویسنده- بی‌تجربه

واژه‌ی مرکب: خام‌دست

واژه‌ی مشتق- مرکب: نوآوری

۲۷۸۵- گزینه‌ی (۴) واژه‌های مشتق: ارزش- انسانی

واژه‌ی مرکب: گران‌قدر

واژه‌های مشتق- مرکب: برجای‌مانده- دربردارنده

۲۷۸۶- گزینه‌ی (۳) کشت + و + کشت + ار ← مشتق- مرکب/ درد + مند

← مشتق/ خوش + رو ← مرکب/ هنر + جو ← مرکب

۲۷۸۷- گزینه‌ی (۱) مشتق: فارسی- نویسنده- زیبا- شکوهمند- سروده- نوشته

۲۷۸۸- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱): نخستین- گوینده- اخلاقی- اندیشه- مکتبی

(۵ واژه‌ی مشتق)/

گزینه‌ی (۲): ستایش- عادی- زندگی (۳ واژه‌ی مشتق)/

گزینه‌ی (۳): انسانی (۱ واژه‌ی مشتق)/

گزینه‌ی (۴): پیچیدگی- والایی (۲ واژه‌ی مشتق)/

* عادی ← عادت + ی (مشتق). کلماتی که به «ت» ختم می‌شوند اگر بخواهند «ی»

نسبت بگیرند «ت» حذف می‌شود. (سیاست + ی ← سیاسی)

* سخنی (سخن + ی نکره) ساده است.

۲۷۸۹- گزینه‌ی (۳) مرکب: رازآمیز/ واژه‌های مشتق: نوشته- اندیشه

در گزینه‌های دیگر:

مشتق- مرکب: نمادگرایی- طبیعت‌گرایی

مرکب: بنیان‌گذار- طرف‌داران

مشتق: افراطی

۲۷۹۰- گزینه‌ی (۴) مشتق: آینده (۳ بار)- دارا- نقلی

مرکب: کاربرد (۳ بار)

مشتق- مرکب: گوناگون- چرخ‌گوشت- سیب‌زمینی

* واژه‌های «برخی- ماضی- دستگاه» ساده هستند.

۲۷۹۱- گزینه‌ی (۲) مشتق: لاتینی- فرنگی- فتی- معرّفی- تفصیلی

مرکب: واژه‌نامه

مشتق- مرکب: به‌دست‌دادن- کتاب‌شناسی

۲۷۹۲- گزینه‌ی (۲) تهمینه ← تهم (نیرومند) + ینه (پسوند صفت نسبی)

دستگاه ← دست (قدرت) + گاه

زمستان ← زم (سرما) + ستان (پسوند زمان)

ناودان ← ناو (گذرگاه سفالی آب) + دان (پسوند مکان)

* می‌دانیم که در تعیین ساختار این کلمات، نباید به ساختار قدیمی آن‌ها توجه کنیم!

(یعنی تمامی این کلمات امروزه ساده محسوب می‌شوند.)

۲۷۹۳- گزینه‌ی (۲) واژگان مشتق: بیهقی/ زیبایی/ گویایی/ بیهقی/ نویسنده

واژه‌ی مرکب: باریک‌بین

۲۷۹۴- گزینه‌ی (۳) واژه‌ی دستگاه ساده‌ی قراردادی است و تابستان هم ساده‌ی

قراردادی است.

واژه‌ی رها مشتق است و نمایش هم مشتق است.

واژه‌ی هنرپیشه مرکب است و دوربین هم مرکب است.

واژه‌ی مودی‌گری مشتق است و شنوا هم مشتق است.

واژه‌ی بنگاه ساده‌ی قراردادی است و کوچه هم ساده‌ی قراردادی است.

۲۷۹۵- گزینه‌ی (۲) واژگان مورد نظر سؤال عبارتند از: روان‌شناس، نفرت‌بار،

بیابان‌گرد، وطن‌خواه، خدایسند، تأسفانگیز

۲۷۹۶- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): کم‌خردان (مرکب)/ نازپرورده (مشتق- مرکب)

گزینه‌ی (۲): تیره‌روان (مرکب)

گزینه‌ی (۳): مالا مال (مشتق- مرکب)/ پر خون (مرکب)/ نافرمانی (مشتق)

گزینه‌ی (۴): آشنایی (مشتق)/ دست‌آورد (مرکب)

۲۷۹۷- گزینه‌ی (۴) واژه‌های مرکب:

گزینه‌ی (۱): گل + بن/ خوش + خوان (۲ مورد)

گزینه‌ی (۲): نیم + شب/ گل + چهر (۲ مورد)

گزینه‌ی (۳): گل + رخ (۱ مورد)

گزینه‌ی (۴): سبو + کش/ رند + سوز/ کار + خانه (۳ مورد)

۲۷۹۸- گزینه‌ی (۲) واژه‌های «مشتق»: پهنه- همراه- تاریک‌زار (زار: پسوند مکان)

واژه‌های «مرکب»: خشم‌آهنگ: خشم + آهنگ/ رهبر: ره + بر (اسم + بن مضارع)/

پر آشوب: پر + آشوب

واژه‌های «مشتق- مرکب»: آزادی‌بخش- مرز و بوم

نکته: «زار» اگر در معنی «ناله و فغان» به کار رود، تکواژ آزاد است: مثل زار زار،

زار زدن. اما اگر مفهوم ناحیه و مکان را برساند، پسوند مکان است: مثل گل‌زار -

نمک‌زار - ریگ‌زار

۲۷۹۹- گزینۀ (۴) واژه‌های مشتق ← فردوسی - سرودن - پرداختن - آگاهی -

ناگاه ← ۵ واژه

واژه‌های مرکب ← شاهنامه - شگفت‌انگیز ← ۲ واژه

واژه‌ی مشتق - مرکب ← گوناگون ← ۱ واژه

۲۸۰۰- گزینۀ (۳)

صفت مشتق	اسم مشتق مرکب
آفریدگار	دانش‌سرا
هفده‌گانه	خواب و خور
جوادیه	آشتی‌کنان
	تخت‌خواب

۲۸۰۱- گزینۀ (۱)

مشتق	مرکب	مشتق - مرکب	توضیح
ساختمان (ساخت + مان)	پربها	آیینۀ کاری	مشتق: یک تکواژ آزاد
اعیانی (اعیان + ی)		(آیینۀ + کار + ی)	قاموسی + حداقل یک
نارنجستان (نارنج + ستان)		رنگارنگ	وند اشتقاقی
دَرک (در + ک)		(رنگ + ا + رنگ)	مرکب: حداقل دو تکواژ
هم‌کلاس (هم + کلاس)		آزاد قاموسی	مشتق مرکب: حداقل دو
		آزاد قاموسی + حداقل یک	وند اشتقاقی

نکته: تکواژهای تصریفی (نشانه‌های جمع - ی نکره - تر، ترین) در ساختمان واژه تأثیری ندارد.

۲۸۰۲- گزینۀ (۱) آیینۀ‌نگری ← مشتق - مرکب (آی + نده + نگر + ی) هموطنان ← مشتق (هم + وطن + ان) / «ان» نشانه‌ی جمع است و تکواژ تصریفی است که در ساختمان واژه به حساب نمی‌آید. مردم ← ساده (یک تکواژ آزاد قاموسی است). علاقه‌مند ← مشتق (علاقه + مند) می‌کند ← فعل ساده است.

۲۸۰۳- گزینۀ (۴) واژه‌های ساده ← بچه - کودک - دبستان - کاروان - رستم - خانه - پلکان - ساده (۸ واژه) واژه‌های مشتق ← هنرمند - دریاچه - رایانه - دیدار - دانشگاه - شنیدن (۶ واژه) واژه‌های مرکب ← دستمال - مدادتراش - چهارراه - خودنویس - درست‌کار - چهارگوش (۶ واژه)

واژه‌های مشتق - مرکب ← گفت‌وگو - ناجوان‌مرد (۲ واژه)

۲۸۰۴- گزینۀ (۱) مشتق ← هم‌ارزی - بی‌پیرایه / مرکب ← خودپرداز - چهل چراغ - تنگ حوصله - صورت‌حساب - زیرگذر / مشتق - مرکب ← تخت خواب - سرایشی - گوناگون - ناجوان‌مردانه - پیش‌دستانی

۲۸۰۵- گزینۀ (۲) ی بدل از کسره فرآیند افزایش محسوب می‌شود!

۲۸۰۶- گزینۀ (۲) ابدال: برو «ب» نمی‌رسد «نت» (ابدال در صامت) / انبار «امبار» (ابدال در صامت) ← سه مورد / ادغام: زودتر «زوتر» ← یک مورد

۲۸۰۷- گزینۀ (۲) واژه‌های ساده ← استاد - کمال‌الملک - حسب‌الامر - احضار - الساعه - حضور - مبارک - استاد - استدعا - دارند

واژه‌های مرکب ← اعلی‌حضرت - شرفیاب

واژه‌ی مشتق - مرکب ← دست‌بوسی

۲۸۰۸- گزینۀ (۲) واژه‌های مشتق ← سازگاری - ستایش‌گران - هم‌آواز -

واکنش - آموختنی

واژه‌های مرکب ← دستیاران - شاهنامه - چشم‌گیر

واژه‌های مشتق - مرکب ← شگفت‌زده - دل‌جویی - ناخدا ترسان - «ی» نشانه‌ی نکره) نکته: نشانه‌های جمع، «ی» نکره، «تر» و «ترین» وند تصریفی هستند و در ساختمان واژه به حساب نمی‌آیند.

۲۸۰۹- گزینۀ (۴) واژه‌های مشتق: «صفوی، سازمان، مرکزی، آشفتنگی،

آرامش» / واژه‌ی مرکب: «قلمرو» / واژه‌ی مشتق - مرکب: «بنیان‌گذاری»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ (۱): واژه‌های «مشتق»: «گفته، بیانگر و یافتن» / واژه‌ی «مرکب»: «رهگذر» / واژه‌ی «مشتق - مرکب» ندارد.

گزینۀ (۲): واژه‌های «مشتق»: «ریشه و هندی» / واژه‌های «مشتق - مرکب»: «مضمون‌سازی و باریک‌اندیشی» / واژه‌ی مرکب ندارد.

گزینۀ (۳): واژه‌ی «مشتق»: «بی‌ارزش» / واژه‌های «مشتق - مرکب»: «آسان‌نگری و تأمل‌برانگیز» / واژه‌ی مرکب ندارد.

۲۸۱۰- گزینۀ (۲) گروهی از واژه‌های مرکب هستند که در اصل یک گروه اسمی بوده‌اند که اکنون جای هسته و وابسته‌های آن‌ها عوض شده است: بهای خون ← خون‌بها / مزد روز ← روزمزد / آب گل ← گلاب / بند دست ← دست‌بند / کلاه شب ← شب‌کلاه / خانه‌ی کار ← کارخانه

۲۸۱۱- گزینۀ (۱) در عبارت گزینۀ (۱) واژه‌های مشتق و مرکب به کار رفته است. ولی واژه‌ی مشتق - مرکب به کار نرفته است.

واژه‌های مشتق: فارسی، حاکمیت، استعماری

واژه‌ی مرکب: روزافزون

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ (۲): واژه‌های مشتق: «بی‌جان، شاعرانه» / واژه‌های مشتق - مرکب «جان‌بخشی، خیال‌پردازی»

گزینۀ (۳): واژه‌ی مشتق: «یافتن» / واژه‌ی مشتق - مرکب: «موشکافانه»

گزینۀ (۴): واژه‌های مشتق: «آگاهانه، فارسی» / واژه‌ی مشتق - مرکب: «دگرگونی»

۲۸۱۲- گزینۀ (۴) برخی از واژه‌های مرکب، در اصل یک گروه اسمی تشکیل شده از «هسته و وابسته» اند که گاهی ممکن است در آن‌ها جای هسته و وابسته عوض شده باشد، مانند: گل‌خانه ← خانه‌ی گل.

در سایر گزینه‌ها، واژه‌هایی که در آن‌ها «هسته و وابسته» عوض نشده است، عبارت‌اند از: گزینۀ (۱): جانماز ← جای نماز / گزینۀ (۲): آلوبخارا ← آلوی بخارا / گزینۀ (۳): چوب‌لباس ← چوب لباس.

۲۸۱۳- گزینۀ (۱) مشتق ← صفوی، سازمان، مرکزی، آشفتنگی / مرکب ← قلمرو / مشتق - مرکب ← بنیان‌گذاری

۲۸۱۴- گزینۀ (۱) «خوش‌بخت - سفیدپوست - رادرمرد - بزرگ‌سال - بدگمان - پر زور» (پابره‌نه و زودگذر هم صفت هستند اما «صفت + اسم» نیستند)

۲۸۱۵- گزینۀ (۳) کلماتی که در اصل یک گروه اسمی هستند، عبارت‌اند از: گلاب ← آب گل / سفیدرود ← رود سفید / گل‌خانه ← خانه‌ی گل / دست‌بند ← بند دست

۲۸۱۶- گزینۀ (۱) واژه‌های مشتق ← «شیرازی، خواننده، بیدلان، هم‌زبانی، گویا، خستگی» ← ۶ واژه

واژه‌های مرکب ← «دل‌پذیر، نوش‌دارو، سحرآمیز» ← ۳ واژه

واژه‌های مشتق - مرکب ← «سوخته‌جان، گونه‌گون» ← ۲ واژه

نکته: واژه‌ی «شیرین» یک واژه‌ی ساده محسوب می‌شود / «ی» نکره، واژه را مشتق نمی‌سازد. «ی» نکره در واژه‌های «عاشقی، قلمی» / «مصلح‌الدین» شبه ساده است.

۲۸۱۷- گزینۀ (۴) در گزینه‌های (۱) و (۲) و (۳) فرآیند واجی «ادغام» رخ می‌دهد و در گزینۀ (۴) فرآیند «کاهش» وجود دارد.

نکته: تفاوت کاهش با ادغام در این است که در ادغام حرف باقی‌مانده مشدّد تلفظ می‌شود، مثل: زودتر (زوتر)، شب‌پره (شیره)، بدتر (بتر)، ولی در کاهش فقط یک حرف حذف می‌شود، مثل: دست‌نویس (دس‌نویس).

۲۸۱۸- گزینۀ (۲) گشت‌زنی: کاهش / تنبل: ابدال / زودتر: ادغام / گویا: افزایش

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ (۱) ← سفید: ابدال / برو: ابدال / شب‌پره: ادغام / گویا: افزایش

گزینۀ (۳) ← پست‌بانک: کاهش / بازآمد: کاهش / ابروان: افزایش / منابع: فرآیند واجی ندارد.

گزینۀ (۴) ← تندباد: کاهش / نامه: ابدال / مجتمع: ابدال / خواستار: فرآیند واجی ندارد و «واو» در آن معدوله است.

۲۸۱۹- گزینہی (۴) واژه‌های مشتق ← هنرمند، ساختار، فکری، فعالیت، ذهنی، تخیلی، هنرمند، نگرش ← ۸
 واژه‌های مرکب ← صاحب‌سبک، درون‌مایه ← ۲
 واژه‌های مشتق مرکب سراسر ← لایه‌لا ← ۲

۲۸۲۰- گزینہی (۱) در گزینہی (۱)، «بالا» به معنای «قد و قامت» است و اسم می‌باشد. «اسم + صفت ← صفت». سایر گزینہ‌ها از «صفت + اسم ← صفت» تشکیل شده‌اند.

۲۸۲۱- گزینہی (۳) واژه‌های مشتق ← نویسنده و آشفتہ / واژه‌های مرکب: دل‌فریب / واژه‌های مشتق - مرکب: آزردہ‌حال
 تشریح گزینہ‌های دیگر:
 گزینہی (۱) ← واژه‌های مشتق ← هم‌نشینی، دانشمندان، باروری، ذهنی / واژه‌های مرکب و مشتق - مرکب ندارد.
 گزینہی (۲) ← واژه‌های مشتق ← هنری، نیازمند، علمی، فنی / واژه‌های مشتق - مرکب ← ارزش‌یابی، گوناگون / واژه‌ی مرکب ندارد.
 گزینہی (۴) ← واژه‌های مشتق ← خواندن، آفرینش، ادبی / واژه‌ی مرکب ← پرماجرا / واژه‌ی مشتق - مرکب ندارد.

۲۸۲۲- گزینہی (۲) واژه‌ی مشتق - مرکب وجود ندارد و فقط واژه‌های «مشتق» و «مرکب» دیده می‌شوند. واژه‌های «مشتق»: «لطیفه، انتقادی، نویسندگان» / واژه‌ی «مرکب»: «روزنامه»
 تشریح گزینہ‌های دیگر:
 گزینہی (۱) ← واژه‌های مشتق ← «پیدایی، علمی، تحقیقی، زمینه، ادبیات، اروپایی، ادبی» / واژه‌ی مرکب ← «شرق‌شناسان» / واژه‌ی مشتق - مرکب ← «تأثیرپذیری»
 گزینہی (۳) ← واژه‌های مشتق ← «هم‌پا، فارسی» / واژه‌های مرکب ← «درون‌مایه» / واژه‌ی مشتق - مرکب ← «دگرگونی‌ها»
 گزینہی (۴) ← واژه‌های مشتق ← «اروپاییان، نوشته‌ها» / واژه‌ی مرکب ← «چشم‌گیر» / واژه‌ی مشتق - مرکب ← «ساده‌نویسی»

۲۸۲۳- گزینہی (۲) برخی از واژه‌های مرکب در اصل یک گروه اسمی تشکیل شده از هسته و وابسته‌اند که گاهی ممکن است در آن‌ها جای هسته و وابسته عوض شده باشد. واژه‌های مرکب گزینہی (۲)، در اصل چنین بوده‌اند: دست‌مایه ← مایه‌ی دست / خون‌بها ← بهای خون / کتاب‌خانه ← خانه‌ی کتاب / سیاه‌چادر ← چادر سیاه

۲۸۲۴- گزینہی (۴) واژه‌های مشتق ← ۱- واقعی ۲- گوینده ۳- عکاسی ۴- گونه ۵- زیبا ۶- آرایه ۷- ادبی ۸- پایگاه ۹- جایگاه
 واژه‌های مرکب ← ۱- دوربین ۲- دست‌مایه ۳- سخن‌سرایان
 نکته: هم‌چنین می‌توانید که نشانه‌های جمع «ی» نکره و پسوند «تر و ترین» واژه‌ی «مشتق» نمی‌رساند و تغییری در ساختمان واژه‌ها ایجاد نمی‌کنند به همین دلیل «سخن‌سرایان» یک واژه‌ی «مرکب» است.
 واژه‌های مشتق - مرکب ← ۱- رمان‌نویسی ۲- داستان‌پردازی که ساختمان هر دو واژه از (اسم + بن مضارع + وند) است.

۲۸۲۵- گزینہی (۳) «کارکرد» ← اسم + بن ماضی (اسم مرکب) / «پنج‌شنبه» ← صفت + اسم (اسم مرکب) / «گلاب» ← اسم + اسم (اسم مرکب)
 تشریح گزینہ‌های دیگر:
 گزینہی (۱) ← «گل‌گیر»: اسم مرکب، «پیش‌برده»، اسم مرکب، «راهنما»: صفت مرکب
 گزینہی (۲) ← «سه‌تار»: اسم مرکب، «دماسنج»: اسم مرکب، «ریش‌سفید»: صفت مرکب
 گزینہی (۴) ← «ناهماهنگی»: اسم مشتق، «دل‌گشا»: صفت مرکب، «سیاه‌چادر»: اسم مرکب

۲۸۲۶- گزینہی (۳) مشتق ← تحلیل‌گر - ادبی - ماندگاری / مرکب ← سخن‌چینان - چشم‌انداز / مشتق - مرکب ← گوناگون - ارزیابی - تأثیرگذاری
 نکته: ساخت کلمه‌ی «مشتق» ← یک تکواژ آزاد + یک وند / ساخت کلمه‌ی «مرکب» ← دو تکواژ آزاد / ساخت کلمه‌ی «مشتق» ← مرکب ← دو تکواژ آزاد + یک وند

۲۸۲۷- گزینہی (۴) «خداترس»: کسی که از خدا می‌ترسد و سه‌جزئی با متمم است.
 تشریح گزینہ‌های دیگر:
 «گل‌فروش»: کسی که گل را می‌فروشد. / «خوش‌بین»: کسی که بیانی خوش را دارد. / «راهنما»: کسی یا چیزی که راه را می‌نماید. همه در اصل جمله‌ی سه‌جزئی با مفعول بوده‌اند.

۲۸۲۸- گزینہی (۲) هر چهار گزینہ اسم مرکب هستند، ولی در گزینہی (۲) جای هسته و وابسته عوض نشده است، یعنی در اصل بوده «پدر زن».
 تشریح گزینہ‌های دیگر:
 گزینہی (۱) ← در اصل «سرای مهمان» بوده است. / گزینہی (۳) ← در اصل «خانه‌ی کتاب» بوده است. / گزینہی (۴) ← در اصل «آب گل» بوده است.

۲۸۲۹- گزینہی (۱) کام‌یابی و کشف‌کردن (مشتق مرکب) علمی، درونی، دریافتن (مشتق) واژه مرکب ندارد.
 گزینہی (۲): بنیان‌گذار (مرکب) ساده‌لوحی (مشتق مرکب) روزگار (مشتق) گزینہی (۳): از هم گسسته (مشتق مرکب) سنگردار (مرکب) اردوگاه، کوفیان (مشتق) گزینہی (۴): وقایع‌نگار (مرکب) ادبیات - نابینا - دوران - رودکی (مشتق) نوزادی (مشتق مرکب)

۲۸۳۰- گزینہی (۲) مشتق: سروده - اسلامی - تاریخی - ادبیات
 مرکب: پربار
 مشتق - مرکب: زندگی‌نامه - بهره‌گیری
 نکته: کلمه‌ی دوره ساده است.

۲۸۳۱- گزینہی (۴) مشتق: تجاری - رسمی (۴ بار) - صلاحیت - قانونی
 مشتق مرکب: غیرتجاری
 نکته: مرکب: وکالت‌نامه - قول‌نامه - استشهدنامه - صورت جلسه
 واژه‌ی پسوند مرکب است («وند» تکواژ آزاد است).

۲۸۳۲- گزینہی (۴) مشتق: ارزش - رفتار (۲ بار) - سازنده - اجتماعی - نادرست - فرهنگی - نویسندگان - هنرمندان
 مرکب: دست‌مایه / مشتق - مرکب: کورکورانه

۲۸۳۳- گزینہی (۱) کلمات مشتق این عبارت: نخلستان، خونین، بی‌تاب، غیبی، رها، ناله، دردمند
 کلمه‌ی مرکب: پرمهتاب (پر + مه + تاب)
 کلمه‌ی مشتق - مرکب: گریه‌آلود (گری + ه + آلود)

۲۸۳۴- گزینہی (۳) کلمات مشتق این عبارت: نخلستان، خونین، بی‌تاب، غیبی، رها، ناله، دردمند
 کلمه‌ی مرکب: پرمهتاب (پر + مه + تاب)
 کلمه‌ی مشتق - مرکب: گریه‌آلود (گری + ه + آلود)

۲۸۳۵- گزینہی (۱) سده ← مشتق / بوستان ← مشتق (بو + ستان) / بقیه کلمات ← ساده

۲۸۳۶- گزینہی (۲) واژه‌های مشتق: ادبیات - آشنایی - اندیشه - فرهنگی - ادبی - ارزشمند
 واژه‌های مرکب: سرزمین - نکته‌بین - یکدیگر
 واژه‌های مشتق - مرکب: تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

۲۸۳۷- گزینہی (۲) کلمات مرکبی که فشرده‌ی یک جمله‌ی سه‌جزئی گذرا به مفعول هستند باید اجزای تشکیل‌دهنده‌شان (اسم + بن مضارع) باشد و این بن مضارع در واقع فعلی است که گذرا به مفعول است:
 فال‌گیر کسی که فال را می‌گیرد. جامعه‌شناس کسی که جامعه را می‌شناسد.
 خیرخواه کسی که خیر دیگران را می‌خواهد. قالبیاف فردی که قالی می‌بافد.

۲۸۳۸- گزینہی (۱) واژه‌های ساده: تهمینه - دشوار - غنچه - دیوانه - نامه - دستگاه - خاندان - تابستان
 واژه‌های مشتق: بهار - کمانک - آمیزه - هنرستان - گوشه
 واژه‌های مرکب: صندوق‌خانه - فیزیک‌دان

۲۸۳۹- گزینہی (۴) اسم‌های مرکب: پایتخت - پیشنهاد - دادیار - بزهکار - آدم‌کش
 واژه‌های بزهکار و آدم‌کش در اصل صفت هستند اما در این عبارت نقش مضاف‌الیه دارند و اسم هستند.

اسم‌های مشتق - مرکب: تکاپو - دانش‌نامه - دادگستری - دادیاری - پی‌گیری
 کلمات مشتق: زیبایی، واپسین، اندیشه، پراکندگی، دادگری، استعمارگران، گوارش، ستایشگران
 کلمات مرکب: سرگذشت‌نامه، صاحب‌مقامان، سرزمین، رهگذر، دلنشین، گلاب‌پاش
 کلمات مشتق - مرکب: پیروی، درازدستی، راهنمایی

۲۸۴۰- گزینہی (۳) در گزینہ‌های دیگر «شعب‌بو، سیاه‌چادر، خارپشت، آلوبخارا، زیربنا» واژه‌های مرکب‌اند و در حقیقت، فشرده‌ی یک جمله سه‌جزئی با مفعول نیستند. سرباز: کسی که سرش را می‌بازد.

- ۲۸۴۳- گزینہی (۱) واژه‌های ساده: بیابان، استوار، دیوانه، پیشه، قبة الخضراء (شبه ساده = دخیل)
- واژه‌های مشتق: گوارا، سازمان، همایش، سده، برومند
- واژه‌های مرکب: نامه‌رسان، قلمرو
- واژه‌های مشتق - مرکب: برابر، سرچشمه، زبان نفهم، آینه‌بندان
- ۲۸۴۴- گزینہی (۴) یگانه فرآیند ادغام دارد در حالی که بچگانه و خانگی فرآیند افزایش (صامت میانجی) دارند.
- در گزینہی (۱) فرآیند افزایش (صامت میانجی «و») در واقع اول یک ابدال (تبدیل «و» به «ه») بعد اضافه شدن واج میانجی داریم.
- در گزینہ (۲) فرآیند ابدال
- در گزینہ (۳) فرآیند کاهش داریم.

درس هجدهم زبان فارسی ۳

- ۲۸۴۵- گزینہی (۲)
- ۲۸۴۶- گزینہی (۳)
- ۲۸۴۷- گزینہی (۳) «تاریخ، اراده، نسبت، ساعت، سلام» دخیل هستند.
- ۲۸۴۸- گزینہی (۲) گزینہی (۱): هیوت ← هبوط/ گزینہی (۳): شعوزه ← شعوزه/ گزینہی (۴): جنه ← جنه
- ۲۸۴۹- گزینہی (۴) موهش ← موحش/ معونت ← مؤونت
- * موحش: وحشتناک/ معونت: پشت گرمی، مظهرت/ مؤونت: نفقه، خرجی زندگی
- ۲۸۵۰- گزینہی (۲) اتراق و توقف- مار غاشیه- داستان کلتوباترا- سوءهاضمه- خلافت و وصایت- خرد و بزرگ- غنا و قداست- ارابه‌ی زمان- جدی و مُصر- برخورد و تلاقی- خوش و نزه
- ۲۸۵۱- گزینہی (۳) کلمه‌ی مهمل- صور و سیر- به زودی و عن‌قرب- ظلمانی و موحش- شگردها و لطایف الحیل- لامحاله و ناچار- وقایع و سوانح
- ۲۸۵۲- گزینہی (۴) جدی و مصر (۲) بوی مطبوع (۳) سفر و حضر
- ۲۸۵۳- گزینہی (۴) سناگو ← نناگو
- ۲۸۵۴- گزینہی (۳) کلمات موجود در این گزینہ با داشتن «ال» نشان‌دار شده‌اند. این کلمات در عربی یا مضاف و مضاف‌الیه هستند یا موصوف و صفت. اما در فارسی یک کلمه تلقی می‌شوند (شبه ساده) و در نقش اسم یا صفت کاربرد دارند.
- ۲۸۵۵- گزینہی (۱) کلمات دخیل نشان دار ← (ال + اسم)، البته (ال + اسم)، لذا (حرف + اسم)، شخصاً (اسم + تنوین)، من‌باب (حرف + اسم) ← ۵
- کلمات دخیل بی‌نشان: قلم، طول، اصل، صفحه، تاریخ ← ۵
- ۲۸۵۶- گزینہی (۳) گزینہ (۱): قازه ← غازه
- گزینہ (۲): متاوع ← مطاوع
- گزینہ (۴): تزر و ← تذرو

درس نوزدهم زبان فارسی ۳

- ۲۸۵۷- گزینہی (۳)
- ۲۸۵۸- گزینہی (۱)
- ۲۸۵۹- گزینہی (۲)
- ۲۸۶۰- گزینہی (۴)
- ۲۸۶۱- گزینہی (۴) گزینہ‌های (۱) و (۲) و (۳) جزء مراجع اصلی تحقیق هستند.
- ۲۸۶۲- گزینہی (۱) برای پاسخ به این سؤال باید مدخل طنز، مربوط به دایرةالمعارف فارسی را به دقت بخوانید!
- ۲۸۶۳- گزینہی (۱) بدیهه یعنی سخن گفتن یا شعر سرودن بدون تفکر و آمادگی قبلی (برای پاسخ دادن به این سؤال باید مدخل بدیهه، مربوط به دانش‌نامه‌ی جهان اسلام، را به دقت بخوانید: در پاورقی درس نوزدهم!!)
- ۲۸۶۴- گزینہی (۳) از میان این دایرةالمعارف‌ها فقط دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به دو زبان فارسی و عربی می‌باشد.
- ۲۸۶۵- گزینہی (۳) الاعلام نوشته‌ی خیرالدین زیرکلی است.
- تاریخ رجال ایران نوشته‌ی مهدی بامداد است.

- ۲۸۶۶- گزینہی (۴) مراجع اصلی: ۱- سرگذشت‌نامه‌ها ۲- اطلس‌های جغرافیایی ۳- دایرةالمعارف‌ها ۴- سال‌نامه‌ها ۵- فرهنگ‌ها
- مراجع فرعی: ۱- کتاب‌شناسی‌ها ۲- فهرست‌ها ۳- چکیده‌ها ۴- نمایه‌ها
- ۲۸۶۷- گزینہی (۲) در سرگذشت‌نامه‌ها، شرح حال دانشمندان و بزرگان بیان می‌شود. همه‌ی کتاب‌های ذکر شده در گزینہی (۲)، سرگذشت‌نامه هستند.
- ۲۸۶۸- گزینہی (۳) «دانش‌نامه‌ی جهان اسلام» جزء دایرةالمعارف‌ها و از منابع اصلی است. / «تاریخ رجال ایران» و «الاعلام» جزء سرگذشت‌نامه‌ها و از مراجع اصلی است. / «نمایه» جزء فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها و از مراجع فرعی است.
- ۲۸۶۹- گزینہی (۱)
- ۲۸۷۰- گزینہی (۴) «احصاء العلوم» فارابی از دایرةالمعارف‌های چند دانشی است.
- ۲۸۷۱- گزینہی (۴)
- ۲۸۷۲- گزینہی (۲)

درس بیستم زبان فارسی ۳

- ۲۸۷۳- گزینہی (۳) گزینہی (۱) ← ناخلف- نامنظم ← وند + صفت/ ناگذر - ناتوان ← وند + بن
- گزینہی (۲) ← شیعہ‌گری - وحشی‌گری - منشی‌گری ← صفت + وند/ رویگری ← اسم + وند + وند
- گزینہی (۳) ← سالانه - بچگانه - جانانه - شبانه ← اسم + وند
- گزینہی (۴) ← آلودگی - همیشگی - پیوستگی ← صفت + وند/ خانگی ← اسم + وند
- نکته: تمام کلمات موجود در این تست مشتق هستند!
- ۲۸۷۴- گزینہی (۱) ناسپاس = نافرمان ← وند + اسم
- منشی‌گری = صوفی‌گری ← صفت + وند
- روزانه = مردانه ← اسم + وند
- کشتار = دیدار ← بن + وند
- * ناشناس و نارس ← وند + بن/ نامعلوم ← وند + صفت/ یاغی‌گری ← صفت + وند(گری)/ خوالیگری ← صفت + وند (ی)/ آهنگری ← اسم + وند + وند/ محرمانه ← صفت + انه/ شکرانه و شبانه ← اسم + وند/ گرفتار و برخوردار و شنیدار ← بن + وند
- ۲۸۷۵- گزینہی (۱) طلبکار ← مرکب/ گلزار، شهوار، دیدار ← مشتق
- ۲۸۷۶- گزینہی (۴) جشنواره و گوش‌واره ← اسم
- ۲۸۷۷- گزینہی (۴) «دیدگان» اسم مشتق است و مفعول جمله‌ی آخر!
- سایر مفعول‌ها عبارتند از: «سینه، قلب، سکوت، مرد» که همگی ساده هستند.
- ۲۸۷۸- گزینہی (۱) در سایر گزینہ‌ها کلمات «انبار، آواشناسی، مزاحمت، غیرعادی، اطلاع» فرآیند کاهش ندارند.
- ۲۸۷۹- گزینہی (۳)
- اوج مراتب انسانی ← انسانی: مشتق (انسان + ی)
- هسته مضاف‌الیه صفت‌مضاف‌الیه
- ۲۸۸۰- گزینہی (۱) ابتدا باید وجه تمایز را تشخیص دهید: کلیه‌ی واژگان اسم هستند. مگر واژگان گزینہی (۱) که صفت هستند.
- * ساخت «بن ماضی + ار» همواره اسم می‌سازد، مگر در موارد استثنا که در گزینہی (۱) آمده‌اند.
- ۲۸۸۱- گزینہی (۲) گزینہی (۱): دارا- خوانا- گویا- شنوا
- گزینہی (۳): جویا- روا- بینا- پذیرا
- گزینہی (۴): دانا- کوشا- گذرا- رها
- ۲۸۸۲- گزینہی (۴) سایر گزینہ‌ها ← بن مضارع + ه/ گزینہی (۴) ← بن ماضی + ه
- ۲۸۸۳- گزینہی (۴) هم‌نشینی ← هم + نشین + ی ← مشتق/ واجگاه ← واج + گاه ← مشتق/ زبان‌شناسی ← زبان + شناس + ی ← مشتق- مرکب/ چهارم ← چهار + م ← مشتق
- ۲۸۸۴- گزینہی (۳) گزینہی (۱): فن‌آوری/ گزینہی (۲): گره‌افکنی/ گزینہی (۴): گفت‌وگو- نمایش‌نامه
- * گاهی در چنین سؤال‌اتی که در صورت سؤال «اسم» مشتق- مرکب ذکر شده، دیگر «صفت» مشتق- مرکب ملاک نیست. از این رو باید دقت داشته باشید.
- * کاش شما هم سال ۸۱ کنکور داده بودید!!!

۲۹۰۱- گزینه‌ی (۲)

گزینه‌ی (۲) نو + آور + ی
اسم مشتق - مرکب

گزینه‌ی (۱) هم + آهنگ + ی
اسم مشتق
پراکندگی
اسم مشتق

گزینه‌ی (۴) جملگی
گزینه‌ی (۳) شکوفایی
اسم مشتق
اسم مشتق

۲۹۰۲- گزینه‌ی (۲) این سؤال در حقیقت سؤال آرایه‌ی ادبی است و این‌که تشخیص دهیم در مصراع دوم گزینه‌ی (۲)، کلمه‌ی «پیشانی» ایهام دارد و می‌تواند به‌صورت «ی» مصدری خوانده شود و «ی» نکره، که در صورتی نکره خوانده شود ساده است و در غیراین‌صورت مشتق!

۲۹۰۳- گزینه‌ی (۴) واژه‌های «دربار، نیایش، کرنش» به‌ترتیب در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) ساده هستند و بقیه‌ی واژه‌ها همگی مشتق هستند. «ریشه» در گزینه‌ی ۴ به معنی (شبیه ریش) است.

درس بیست و یکم زبان فارسی ۳

۲۹۰۴- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): تناسب ← سیل و آب، آب و اشک

گزینه‌ی (۲): کنایه ← «ره خواب زدن» کنایه از خوابیدن

گزینه‌ی (۳): تشبیه ← سیل اشک (اضافه‌ی تشبیهی)

۲۹۰۵- گزینه‌ی (۱) می‌دانیم اساسی‌ترین نقش زبان ایجاد ارتباط است.

۲۹۰۶- گزینه‌ی (۲) هدف از هر ارتباط زبانی می‌تواند انتقال اطلاع به دیگران باشد یا ایجاد حس هم‌زبانی و هم‌دلی.

۲۹۰۷- گزینه‌ی (۴) چون در این عبارت پوست انداختن کنایه از، از بین رفتن است نویسنده ساخت کنایه خلق کرده در نتیجه دست به آفرینش ادبی زده است.

۲۹۰۸- گزینه‌ی (۲) با توجه به اینکه واج «ی» در کلمه ریا دوبر خوانده می‌شود این کلمه مشمول قاعده افزایش می‌شود. (ریا ← ری‌ا)

۲۹۰۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) تنها سخن منظوم هستند و از صور خیال و آرایه‌های معنایی در آن‌ها استفاده نشده است. اما در گزینه‌ی (۳)، «نرگس مست» استعاره از «چشم معشوق» است که همه‌ی نظاره‌کنندگان را مست عشق خود می‌سازد.

۲۹۱۰- گزینه‌ی (۳) نقش‌های زبان عبارتند از: (۱) ایجاد ارتباط - (۲) محمل اندیشه - (۳) حدیث نفس - (۴) آفرینش ادبی

۲۹۱۱- گزینه‌ی (۳) در این بیت، شاعر از آرایه‌ی تشبیه «آتش رشک» بهره برده است، بنابراین شاعر علاوه بر قواعد نظم آفرینی که به آفرینش اثری منظوم منجر شده، با استفاده از قواعد معنایی که به ادبیات مربوط می‌شود و نه به زبان، ساخت‌های معنایی تازه‌ای خلق کرده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴): شاعر به کمک اصول و قواعد عروض و قافیه و در چارچوب سنت‌ها و روش‌های شاعری در فرهنگ ایرانی، دو ساخت تازه، یکی ساخت وزن و دیگری ساخت قافیه را بر مجموعه‌ی ساخت‌های آوایی فارسی افزوده و از این رهگذر اثری ادبی آفریده است که می‌توان نام نظم یا سخن منظوم بر آن نهاد.

۲۹۱۲- گزینه‌ی (۳) در این بیت، شاعر از آرایه‌ی تشبیه «آتش رشک» و جناس «خاست و راست» بهره برده است، بنابراین شاعر علاوه بر قواعد نظم آفرینی که به آفرینش اثری منظوم منجر شده، با استفاده از قواعد معنایی که به ادبیات مربوط می‌شود و نه به زبان، ساخت‌های معنایی تازه‌ای خلق کرده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های (۱) و (۲) و (۳) ← شاعر به کمک اصول و قواعد عروض و قافیه و در چارچوب سنت‌ها و روش‌های شاعری در فرهنگ ایرانی، دو ساخت تازه، یکی ساخت وزن و دیگری ساخت قافیه را بر مجموعه‌ی ساخت‌های آوایی فارسی افزوده و از این رهگذر اثری ادبی آفریده است که می‌توان نام نظم یا سخن منظوم بر آن نهاد.

۲۹۱۳- گزینه‌ی (۴) «در آفرینش ادبی»، بر ساخت‌های صوری زبان (یعنی ساخت‌های آوایی و صرفی و نحوی آن) یا ساخت‌های معنایی آن، لایه‌ای از ساخت‌های تازه می‌افزاییم که در محدوده‌ی نظام معنایی زبان توصیف‌پذیر نیستند و فقط در محدوده‌ی علوم و فنون و نظریه‌های ادبی قابل توصیف‌اند.

۲۸۸۵- گزینه‌ی (۳) «به‌کارگیری» مشتق - مرکب است.

* امیدواریم، ساخت‌های مشتق - مرکبی را که در آنها حرف اضافه به کار می‌رود، با مواردی که متمم اسم داریم، تمیز دهید.

۲۸۸۶- گزینه‌ی (۳) کلمات گزینه‌ی (۳) صفت هستند و دیگر گزینه‌ها اسم هستند.

۲۸۸۷- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): کوب + ه / مال + ه

گزینه‌ی (۲): گیر + ه / قند + شکن

گزینه‌ی (۳): ناخن + گیر / پلو + پز

* اما در گزینه‌ی (۴) هیچ ریشه‌ی فعلی دیده نمی‌شود!

۲۸۸۸- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴) ← بن مضارع + ار / سایر گزینه‌ها ← بن ماضی + ار

۲۸۸۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳): سنگین ← سنگ + ین ← اسم + ین

سایر گزینه‌ها: اسم + گین

۲۸۹۰- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱) از «بن مضارع + گار»، اما سایر گزینه‌ها از «بن ماضی + گار» تشکیل شده‌اند.

۲۸۹۱- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) ← اسم + وند / سایر گزینه‌ها ← بن + وند + وند

۲۸۹۲- گزینه‌ی (۲) خواننده (خوان + نده)، اندیشه (اندیش + ه)، زمینی (زمین + ی)، آسمانی (آسمان + ی)، واقعیت (واقع + یت)

۲۸۹۳- گزینه‌ی (۲)

گزینه‌ی (۱) ← ناروا - ناشنیده

گزینه‌ی (۲) ← ساختمان - مرکزی - سازمان - سنجش

گزینه‌ی (۳) ← آزمایش - ایرانی - گسترده

گزینه‌ی (۴) ← اطلاعیه - نمایندگان (دقت کنید که «آموزش و پرورش» یک واژه‌ی مشتق - مرکب است!)

۲۸۹۴- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) صفت مشتق هستند.

گزینه‌ی (۴) اسم مشتق است.

۲۸۹۵- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) پسوند «گری» است.

گزینه‌های دیگر از دو پسوند «گر» و «ی» بهره برده‌ایم.

۲۸۹۶- گزینه‌ی (۴) جمع کردن (کاهش «ع») / در ترکیب «استعمارگران بیگانه»، کاهش رخ نداده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «باز آمدن و اجرا» (کاهش همزه)

گزینه‌ی (۲): «شکست خورده و دستشویی» (کاهش «ت»)

گزینه‌ی (۳): «شمعدان» (کاهش «ع») - «برانداختن» (کاهش همزه)

۲۸۹۷- گزینه‌ی (۴) تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): برافتاد ← برفتاد

گزینه‌ی (۲): دست‌بند ← دس‌بند

گزینه‌ی (۳): امضاء ← امضا / اجراء ← اجرا

۲۸۹۸- گزینه‌ی (۴) واژه‌های «یک» و «پُرکارمند» وابسته‌ی وابسته (صفت مضاف‌الیه) هستند که ساختمان «ساده» و «مرکب» دارند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «زیبا» در گروه اسمی «کنار چشمه‌ی زیبا، وابسته‌ی وابسته (صفت مضاف‌الیه) است و ساختمان «مشتق» دارد.

گزینه‌ی (۲) ← «مصنوعی» در گروه اسمی «سرگرم کارهای مصنوعی» وابسته‌ی وابسته (صفت مضاف‌الیه) و مشتق است.

گزینه‌ی (۳) ← «فردوسی» در گروه اسمی «مجموعه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی» وابسته‌ی وابسته (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) و مشتق است.

۲۸۹۹- گزینه‌ی (۱) واژه‌های «بقالی، دیدار، شکرانه، غزلواره، مجیدیه» اسم هستند.

۲۹۰۰- گزینه‌ی (۳) تمام واژه‌های گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) «اسم» هستند ولی واژه‌های گزینه سوم تماماً «صفت»‌اند.

۲۹۱۴- گزینه‌ی (۴) در سایر گزینه‌ها تخیل و آرایه‌های ادبی به چشم می‌خورد و شعر منظوم هستند!

۲۹۱۵- گزینه‌ی (۴) شاعر (نظامی) در ابیات ۱ تا ۳ به کمک اصول و قواعد عروض و قافیه و در چارچوب سنت‌ها، دو ساخت تازه، یکی ساخت وزن و دیگری ساخت قافیه را بر مجموعه‌ی ساخت‌های آوایی فارسی افزوده و اثری ادبی آفریده که می‌توان نام نظم یا سخن منظوم بر آن نهاد و نه شعر. ولی در بیت چهارم علاوه بر این موضوع از ساخت معنایی نیز مانند (تشبیه) استفاده کرده است.

درس بیست و دوم زبان فارسی ۳

۲۹۱۶- گزینه‌ی (۱)

۲۹۱۷- گزینه‌ی (۱)

۲۹۱۸- گزینه‌ی (۴) مورد اجاره را «عین مستأجره» می‌گویند (موجر: اجاره دهنده) شخصی که استشهادهای را امضا می‌کند ملزم به اثبات آن در دادگاه است.

۲۹۲۰- گزینه‌ی (۳) در واژه‌ی «سپید» که همان سفید است «ابدال» نمود نوشتاری می‌یابد، یعنی وقتی می‌گوییم «سپید» همان «سپید» می‌نویسیم و وقتی می‌گوییم «سفید» همان «سفید» را می‌نویسیم.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «ابدال در (م)» که به صورت «م» خوانده می‌شود. (ابدال در مصوّط‌ها): نامّه «نایم» / گزینه‌ی (۲) «ابدال در (پ)» که به صورت «ب» خوانده می‌شود. (ابدال در مصوّط‌ها): پرو «برو» / گزینه‌ی (۱) «ابدال در (ن)» که به صورت «م» خوانده می‌شود: دنبال «دُمبال»

هیچ کدام از ابدال‌ها نمود نوشتاری ندارد و صورت نوشتاری کلمه تغییر نمی‌کند.

۲۹۲۱- گزینه‌ی (۲) نمی‌آید = نیمه‌ی آید / شبیه = شبیه / پرو = بُرو

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «زودتر» «زوتر» ادغام / باز آمد «باز آمد: کاهش / تمبر» «تمر: کاهش / گزینه‌ی (۳) «هم‌آهنگ» «هم‌هنگ: کاهش / انبار» «ابدال / شب‌پره» «شپره: ادغام / گزینه‌ی (۴) «قندشکن» «قن‌شکن: کاهش / دست‌بند» «دس‌بند: کاهش / منبع «مبع: ابدال»

۲۹۲۲- گزینه‌ی (۳) در گزینه (۱): بُرو: (ب: بُ)

در گزینه (۲): نمی‌بینی: (ت: نِ)

در گزینه (۴): نمی‌شود: (ت: نِ)

۲۹۲۳- گزینه‌ی (۲) در درس اسناد و نوشته‌های حقوقی کتاب زبان فارسی آمده است که: اسناد خرید و فروش، اجاره، صلح، وکالت، ضمانت، شرکت، وقف، وصیت، ازدواج و طلاق و ... هر یک از این اسناد، در صورت ثبت در دفاتر اسناد رسمی و درستی تاریخ و امضاء و تأیید آن‌ها، جزء اسناد رسمی حقوقی به‌شمار می‌رود.

درس بیست و سوم زبان فارسی ۳

۲۹۲۴- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): عتاب «عتاب- جذر» «جزر / گزینه‌ی (۲): استنصاخ «استنصاخ- ثواب» «صواب / گزینه‌ی (۳): طائن «طائن»

۲۹۲۵- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): حزیمت «هزیمت / گزینه‌ی (۲): گذاردن «گذاردن / گزینه‌ی (۴): محذور «محذور»

۲۹۲۶- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲): احساءالعلوم «احساءالعلوم- منشیع» «منشأ / گزینه‌ی (۳): انتساب «انتصاب- مذیق» «مضیق- موهش» «موحش / گزینه‌ی (۴): بق کرده «بق کرده- ظالّه» «ضالّه»

۲۹۲۷- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): متقائد «متقاعد / گزینه‌ی (۲): مذیق» «مضیق / گزینه‌ی (۳): نکحت «نکحت- تالع» «طالع»

۲۹۲۸- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): ازدهام «ازدحام / گزینه‌ی (۲): توجیح» «توجیه / گزینه‌ی (۴): ارتقاء «ارتقاء»

۲۹۲۹- گزینه‌ی (۳) سرگشته‌گی «سرگشتگی»

۲۹۳۰- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): هبوت «هبوط / گزینه‌ی (۳): شعوزه» «شعوذه / گزینه‌ی (۴): جنه» «جنه»

۲۹۳۱- گزینه‌ی (۴) به حمدلّاه باید به صورت بحمدالله نوشته شود.

۲۹۳۲- گزینه‌ی (۲) «استحقاق خزانگی- مضیق حیات- طوع و رغبت - پرداخت بیعانه» صحیح است.

۲۹۳۳- گزینه‌ی (۳) «لم یزل» صحیح است.

۲۹۳۴- گزینه‌ی (۱) «مباهات» صحیح است. به معنی افتخار و نازیدن!

درس بیست و چهارم زبان فارسی ۳

۲۹۳۵- گزینه‌ی (۲) اسم + بن مضارع + پسوند «دلسوزی - خویشتن‌طلبی - چاره‌اندیشی - سرگردانی - طبقه‌بندی - سخن‌پراکنی - آینه‌بندان - احوال‌پرسی» * پدرخوانده «اسم + بن ماضی + پسوند / کارگزاران» «اسم + بن مضارع» «(ان)» در این کلمه وند تصریفی است و این کلمه مرکب است نه مشتق - مرکب / شناسنامه «بن مضارع + اسم»

* کلمه‌ی «خویشتن‌طلبی» در حقیقت این گونه است: خویش + تن + طلب + ی «اسم + اسم + بن مضارع + پسوند اما کل «خویشتن» اسم است و خویشتن‌طلبی با ساختار «اسم + بن مضارع + وند» هم‌خوانی دارد.

۲۹۳۶- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌های دیگر این واژه‌ها «صفت + وند» نیستند: «خدانشناس - ناجوانمرد - زبان‌فهم - ناخوشایند - دست به عصا - ناخودآگاه»

۲۹۳۷- گزینه‌ی (۳) اشکالات سایر گزینه‌ها:

کارآموز: اسم + بن «صفت»

زد و بند: بن + وند + بن «اسم»

دانش‌پژوه: بن + وند + بن «صفت»

کشت و کشتار: اسم + وند + اسم «اسم»

بی‌انتها: وند + اسم «صفت»

ناشکیبا: وند + صفت مشتق «صفت»

۲۹۳۸- گزینه‌ی (۱) وابستگی «وابسته + ی» «وا + بسته» «بست + ه» (البته بحث تجزیه‌ی مرحله به مرحله از کتاب درسی حذف شده است!)

۲۹۳۹- گزینه‌ی (۳) هیچ کاره، هزار ساله، سه پایه

۲۹۴۰- گزینه‌ی (۳) در این نوع تست‌ها بهتر است اوّل دنبال واژه‌ی مشتق - مرکب بگردیم سپس ببینیم آیا وابسته به مضاف‌الیه هست یا نه. فقط گزینه‌های (۳) و (۴) واژه‌ی مشتق - مرکب دارند: «زبر زنجیری» و «ارائه شده» که زبر زنجیری صفت مضاف‌الیه است.

۲۹۴۱- گزینه‌ی (۴) واژه‌ی «منعکس‌کننده» برای گروه اسمی، هسته‌ای با ساخت مشتق - مرکب است. (منعکس + کن + نده)

* در گزینه‌ی (۱) «قصه‌گویی» مشتق - مرکب است اما هسته‌ی گروه نیست.

۲۹۴۲- گزینه‌ی (۲) واژه‌های مرکب: بدبین - مایه‌دار

واژه‌ی مشتق - مرکب: عیب‌جویی

۲۹۴۳- گزینه‌ی (۳) واژگان مشتق - مرکب: سرافرازی - جان‌به در بردن - رنج‌دیده - پرفراز و نشیب - سراسر

واژگان مرکب: دست‌آورد - طاقت‌گداز - پرتاقت - پایدار - دراز دامن

۲۹۴۴- گزینه‌ی (۱) واژگان مرکب: وطن‌دوست - سرزمین

واژگان مشتق - مرکب: کشاکش - گوناگون - روبه‌رو - گمراهی - آشنا ساختن - برابر

۲۹۴۵- گزینه‌ی (۴) روی + ا + روی / بن + ا + گوش / سر + تا + سر

در سایر گزینه‌ها: کاروبار، تودرتو، برابر

۲۹۴۶- گزینه‌ی (۴) واژگان مشتق - مرکب: راز و رمز - دارا بودن

واژه‌ی مرکب: قلمرو

۲۹۴۷- گزینه‌ی (۳) واژگان مشتق - مرکب در گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): «- ندارد / گزینه‌ی (۲): گزارش‌نویسی / گزینه‌ی (۳): بررسی - گوناگون - دانش‌پژوه / گزینه‌ی (۴): جست‌وجو»

۲۹۴۸- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳): به صورت بن ماضی + وند + بن مضارع (از همان مصدر) هستند.

اما گزینه‌ی (۴) که به صورت بن مضارع + وند + بن مضارع است.

۲۹۴۹- گزینه‌ی (۳) رضی‌الدین آرمینی شاعر قرن دهم است.

۲۹۵۰- گزینه‌ی (۱) پای بسته: مشتق - مرکب/ آزادگی: مشتق/ آزاده: مشتق

۲۹۵۱- گزینه‌ی (۴) در این گزینه «دل سوختگان»، اسم مشتق - مرکب (دل + سوخت + ه + ان) و مضاف‌الیه است.

۲۹۵۲- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← برابر - سراسر

گزینه‌ی (۲) ← از خود گذشتگی

گزینه‌ی (۳) ← عدالت‌خواهی - وظیفه‌شناسی

گزینه‌ی (۴) ← درازدستی - تملُّق گفتن

۲۹۵۳- گزینه‌ی (۲) «جریان یافتن» هسته، «رویدادها» وابسته‌ی هسته (مضاف‌الیه) «شگفتی‌آفرین» وابسته‌ی وابسته (صفت مضاف‌الیه) مشتق - مرکب
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «داستان نویسان» وابسته‌ی هسته و مرکب

گزینه‌ی (۳) ← «معماگونه» وابسته‌ی هسته و مشتق - مرکب

گزینه‌ی (۴) ← «جورپیشه» وابسته‌ی وابسته (صفت مضاف‌الیه) و مرکب

۲۹۵۴- گزینه‌ی (۳) واژه‌هایی که از «اسم + وند + اسم» تشکیل شده‌اند، عبارت‌اند از: «دست به عصا، رنگ‌به‌رنگ، تخت‌خواب، مالامال، سراسر» ← ۵

نکته: واژه‌های «رفت‌وآمد» و «دادوستد» بن فعل + وند + بن فعل

۲۹۵۵- گزینه‌ی (۳) واژه‌های مشتق - مرکب ← دیرینه‌روز، قافیه‌پردازی، سراسر، تندروی، ظاهرپرستی، دورنگی، خواب و خور، زد و بند

۲۹۵۶- گزینه‌ی (۳)

در گزینه‌ی (۳) دریافت حقوق اندک دانشجویی

هسته مضاف‌الیه صفت

مضاف‌الیه مضاف‌الیه

دانشجویی = صفت مضاف‌الیه (وابسته‌ی وابسته) است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← پاسخ‌های «گوناگون» وابسته‌ی وابسته نیست.

صفت هسته

گزینه‌ی (۲) ← رنگارنگ = صفت مشتق - مرکب و وابسته به هسته است.

گزینه‌ی (۴) ← یخچال‌سازی = مضاف‌الیه مضاف‌الیه است نه صفت مضاف‌الیه

۲۹۵۷- گزینه‌ی (۲)

در گزینه‌ی (۲) ← گروه اسمی: مضامین ادبیات هزار ساله‌ی فارسی

هسته (مضاف‌الیه) وابسته صفت مضاف‌الیه

هزارساله = صفت «مشتق - مرکب» و وابسته‌ی مضاف‌الیه (وابسته‌ی وابسته) است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «نیرو گرفتن» اسم مشتق - مرکب، وابسته به هسته است/ گزینه‌ی (۳): «پراآوازه» صفت مشتق - مرکب، وابسته به هسته است./ گزینه‌ی (۴) ← دانش‌پژوهان =

اسم «مشتق - مرکب» و وابسته‌ی هسته است نه وابسته‌ی مضاف‌الیه

۲۹۵۸- گزینه‌ی (۴)

آفریده‌ی قلم خودخواهی ما

هسته مضاف‌الیه وابسته‌ی مضاف‌الیه (وابسته‌ی وابسته)

اسم مشتق - مرکب

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «نویسندگان» هسته، «توانا» صفت (وابسته‌ی هسته) مشتق، «چیره‌دست» صفت (معطوف) مرکب، «جامعه» مضاف‌الیه (وابسته‌ی هسته) تو کارآزموده (وابسته‌ی وابسته) صفت مضاف‌الیه، صفت مشتق - مرکب است، نه اسم. گزینه‌ی (۲) ← «بزرگ‌ترین» صفت (وابسته‌ی هسته)، «آفریننده» هسته، «آثار» مضاف‌الیه (وابسته‌ی هسته)، «هنرمندان» و مبتکرانه» صفت مضاف‌الیه (وابسته‌ی وابسته) مشتق‌اند.

گزینه‌ی (۳) ← «چند» صفت (وابسته‌ی هسته)، «داستان» هسته، «کوتاه» صفت (وابسته‌ی هسته)، «آن» صفت مضاف‌الیه (وابسته‌ی وابسته)، «کتاب مضاف‌الیه (وابسته‌ی هسته)، به یاد ماندنی (وابسته‌ی وابسته) صفت مضاف‌الیه، صفت مشتق - مرکب است، نه اسم.

۲۹۵۹- گزینه‌ی (۳) «انبساط» فرآیند واجی ابدال دارد.

نکته: برخی واج‌ها به دلیل نزدیکی واج‌گاه برای سهولت در تلفظ در یک‌دیگر ادغام می‌شوند که به آن فرآیند واجی «ادغام» می‌گویند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← بدتر ← بتر/ گزینه‌ی (۳) ← شب‌پره ← شپیره/ گزینه‌ی (۴) ← زودتر ← زوتر

۲۹۶۰- گزینه‌ی (۴) خواب و خور: «بن + وند + بن: اسم» است.

۲۹۶۱- گزینه‌ی (۲) درخت‌های روبه‌رو (روبه‌رو: صفت)

گزینه‌ی (۱) هزارتومانی (هسته‌ی گروه مفعولی: اسم)

گزینه‌ی (۳) دست‌بوسی (مضاف‌الیه: اسم)

گزینه‌ی (۴) خدانشناس (هسته‌ی گروه نهادی: اسم)

۲۹۶۲- گزینه‌ی (۲)

گزینه‌ی ۲ ← زبان + ن + فهم

اسم وند بن مضارع

گزینه‌ی ۱ ← قلم + به + دست

اسم وند اسم

گزینه‌ی ۳ ← مو + به + مو

اسم وند اسم

گزینه‌ی ۴ ← آموزش + و + پرورش

اسم مصدر وند اسم مصدر

آموز + ش پرور + ش

۲۹۶۳- گزینه‌ی (۲) دانش‌سرا: بن + وند + اسم ← اسم/ یا دانش‌سرا: اسم

مشتق + اسم ← اسم

درس اول ادبیات فارسی ۲

۲۹۶۴- گزینه‌ی (۱) عبارت صورت سؤال، بیان‌کننده‌ی پشتیبان بودن خدا و محافظت معشوق از عاشق است که در گزینه‌ی (۱) به بزرگی و جلال به شرط پشتیبانی خدا اشاره شده است. گزینه‌های (۲) و (۳) بیانگر از سر شدن طاق و غم در راه هجران هستند. در گزینه‌ی (۴) شاعر خویش را گناه‌کار می‌داند.

۲۹۶۵- گزینه‌ی (۱) اشارت گزینه‌ی (۲): بخشنده - کریم - خطابش - پوزش‌پذیر اشارت گزینه‌ی (۳): به خدایی او را سزا دانستن

اشارت گزینه‌ی (۴): از ادراک خلق جدا بودن

ولی در گزینه‌ی (۱) به زیبا آفریدن خدا در آفرینش انسان اشاره دارد که با بیت «بر روی جهان ز روی هستی/ آرایش آفرین تو بستی» تناسب دارد.

۲۹۶۶- گزینه‌ی (۳) عبارت صورت سؤال، به امانتی اشاره دارد که زمین و آسمان آن‌را نپذیرفتند، ولی انسان پذیرفت. برخی «بار امانت» را مسئولیت، برخی ولایت علی (ع)، برخی معرفت و عرفا آن را «عشق» دانسته‌اند.

۲۹۶۷- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) و صورت سؤال، بیان می‌کنند که آن فرد، فراتر از انسان عادی است و مقامی والا دارد.

گزینه‌ی (۴) بیان می‌کند که انسان‌ها بد شده‌اند و دیگر به معنای حقیقی نمی‌توان آدمی پیدا کرد. از این‌رو باید از نو عالمی دیگر به‌وجود آید.

۲۹۶۸- گزینه‌ی (۲) و صورت سؤال، بیان می‌کنند که از راه علی (ع) توانستیم خدا را بشناسیم. گزینه‌ی (۱) توصیه به پرهیز از دشمن علی (ع)، گزینه‌ی (۳) نیز مفهومی مشابه گزینه‌ی (۱) و گزینه‌ی (۴) اشاره به واقعه‌ی غدیرخم دارد.

۲۹۶۹- گزینه‌ی (۴) * در سؤالات سراسری عموماً می‌توان از روی بقیه‌ی جای خالی‌ها، تست را بدون «سال» حل کرد، ولی در سؤالات آزاد مقدور نیست. البته بعضی از سال‌ها مثل سال انتشار «افسانه‌ی نیمایوشیچ ... مهم هستند.

۲۹۷۰- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) اشاره به آیه‌ی «أَنَا عَرْضْنَا الْإِمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ ...» دارد.

گزینه‌ی (۳) اشاره به آیه‌ی «لَعَمْرُكَ أَنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْهَدُونَ» دارد.

گزینه‌ی (۴) اشاره به انداختن حضرت ابراهیم (ع) در آتش دارد که آتش به گلستان تبدیل شد.

۲۹۷۱- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) عظمت آسمان و عشق را مقایسه می‌کند و عظمت عشق را بسیار برتر از آسمان می‌داند.

گزینه‌ی (۳) می‌گوید در این دنیا که نوبت به همه می‌رسد، پس چرا نوبت به من نمی‌رسد و خوش‌بخت نمی‌شوم؟

گزینه‌ی (۴) درباره‌ی کلام بد سخن می‌گوید.

۲۹۷۲- گزینه‌ی (۴) رجوع شود به توضیحات درس «همای رحمت».

* منظور سؤال آرایه‌ی تضمین است.

۲۹۷۳- گزینه‌ی (۱)

۲۹۷۴- گزینه‌ی (۲) «دم می‌زنم» فعل مرکب است.

۲۹۷۵- گزینه‌ی (۲) خواجه عبدالله انصاری در اواخر قرن پنجم درگذشت. (۴۸۱-۳۹۴ هـ ق)

۲۹۷۶- گزینه‌ی (۳) الهی‌نامه‌ی منظوم اثر عطار نیشابوری است.

* البته سنایی هم الهی‌نامه‌ی منظوم دارد که همان کتاب «حقیقه‌الحقیقه» است.

۲۹۷۷- گزینه‌ی (۲) ما / را / آن / ده / که / آن / به

۲۹۷۸- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): ۱- الهی (منادا) ۲- بیمارز مرا به خوبی خود. گزینه‌ی (۲): ۱- ای کریمی ۲- پوشنده‌ی خطایی

گزینه‌ی (۳): ۱- الهی ۲- در دل‌های ما جز تخم محبت خود مکار.

گزینه‌ی (۴): ۱- ما را آن ده ۲- آن به [است] ۳- مگذار ما را به که و مه.

۲۹۷۹- گزینه‌ی (۱) رحمت: مشبه / هما: مشبه‌به (رحمت شبیه هما است).

۲۹۸۰- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): ۱- علی (منادا) ۲- ای همای رحمت (منادا)

۳- تو چه آیتی خدا را ۴- مصراع دوم.

گزینه‌ی (۲): این بیت یک ضمیر شخصی جدا (تو) دارد. «ما» در «ماسوی» جزئی از واژه است.

گزینه‌ی (۳): اضافه‌ی تشبیهی ← همای رحمت.

گزینه‌ی (۴): چه چیز را فکندی؟ سایه‌ی هما را. (پس «سایه‌ی هما» مفعول است و «را» نشانه‌ی مفعول).

۲۹۸۱- گزینه‌ی (۱) «را» در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) حرف اضافه است. اما در گزینه‌ی (۱)، نشانه‌ی مفعول است.

* «را» اگر معنای «به» یا «برای» بدهد حرف اضافه است.

۲۹۸۲- گزینه‌ی (۲) تلمیح دارد به آیه‌ی «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

* سایر گزینه‌ها هم تلمیح دارند، ولی نه به آیه‌ی قرآن!

۲۹۸۳- گزینه‌ی (۲) * استفهام انکاری به پرسشی گفته می‌شود که نیاز به پاسخ ندارد و تنها برای تأکید یک موضوع آورده می‌شود.

۲۹۸۴- گزینه‌ی (۲) آشنا: عاشق، شاعر / پیام آشنا: لطف و نوازش محبوب

۲۹۸۵- گزینه‌ی (۲) «چشم خون‌فشان» ترکیب وصفی است. (خون‌فشان، صفت فاعلی مرکب مرتب است).

۲۹۸۶- گزینه‌ی (۲) ۱- دل (منادا) ۲- اگر خدانشناسی ۳- همه در رخ علی بین ۴- به علی شناختن من خدا را ۵- به خدا قسم (می‌خورم)

۲۹۸۷- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴)، ردیف و قافیه در کلمه‌ی «مدارا» در هم آمیخته‌اند. اما در گزینه‌های دیگر کلمات «هما، گدا و کربلا» قافیه‌اند و کلمه‌ی «را» ردیف است.

۲۹۸۸- گزینه‌ی (۳) چنین ترکیبی در شعر دیده نمی‌شود.

۲۹۸۹- گزینه‌ی (۱) عبارت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) همگی این مفهوم مشترک را دارند که خداوند ما را به‌جز خود به کس دیگری وامگذار. اما مفهوم گزینه‌ی (۱)، زیبایی معشوق است.

۲۹۹۰- گزینه‌ی (۳) ابیات گزینه‌های (۱) و (۴) اشاره به حدیث دارند و گزینه‌ی (۲) هم اشاره به جمله‌ی معروف «لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» دارد ولی گزینه‌ی (۳) اشاره به آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ...» دارد.

۲۹۹۱- گزینه‌ی (۲) هر دو به گذشتن عمر به بیهودگی و گناه و غفلت اشاره دارند.

۲۹۹۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم عبارت صورت سؤال و گزینه‌ی (۲): «ناتوانی انسان از درک خداوند» است.

۲۹۹۳- گزینه‌ی (۴) در بیت صورت سؤال به فضیلت «وفای به عهد» اشاره شده است. در سه گزینه‌ی نخست نیز شاعر مدعی «وفاداری و وفای به عهد» است؛ اما مفهوم کلی گزینه‌ی (۴)، «شکایت از بی‌وفایی یار» است.

۲۹۹۴- گزینه‌ی (۲) در این آیه‌ی شریفه و بیت گزینه‌ی (۲)، به ماجرای اشاره شده است که حضرت علی (ع)، انگشتر خود را در هنگام نماز به سائل بخشید. مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): وصف شجاعت و بخشنده‌ی و نیایش‌های علی (ع)

گزینه‌ی (۳): مدد خواستن پهلوانان از مولا علی (ع) که مقتدای جوانمردان است.

گزینه‌ی (۴): تأکید بر خاتمیت پیامبر اکرم (ص) و ولایت علی (ع)

۲۹۹۵- گزینه‌ی (۱) ابیات «ب» و «ه» اشاره به امانت عشق دارند:

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُلًا»: «ما امانت را به آسمان و زمین و کوه عرضه کردیم، از پذیرفتن آن خودداری کردند، جا زدند و ترسیدند و انسان آن بار را بر دوش کشید به درستی که او ستمگر و نادان بود».

مفاهیم ابیات دیگر:

الف) عاشقان سختی‌های فراق را به امید وصال تحمل می‌کنند.

ب) با وهم و خیال نمی‌توان به ذات احدیت پی برد.

د) نمی‌توانم راه بروم چون بار گناهانم مثل بار سنگین حملان مرا از راه رفتن باز می‌دارد!

۲۹۹۶- گزینه‌ی (۳) قرار گرفتن نام پیامبر کنار نام خدا ← بیت (ب)

زکات دادن حضرت علی به گدا ← بیت (د)

۲۹۹۷- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۲) ← خدا یا ما را به خاطر گناهانمان مؤاخذه مکن

گزینه‌ی (۳) ← ما را به دیگران واگذار مکن!

گزینه‌ی (۴) ← خدا یا مرا به خاطر خوبی خود بیمارز

در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، «طلب آمرزش و مغفرت» بیان شده است، اما در گزینه‌ی (۳) «بیان توبه» مطرح می‌شود.

۲۹۹۸- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) با بیت چهارم درس قرابت معنایی دارد.

گزینه‌ی (۳) با بیت پنجم درس قرابت معنایی دارد.

مصراع دوم گزینه‌ی (۴) با بیت هشتم درس قرابت معنایی دارد.

۲۹۹۹- گزینه‌ی (۴) تلمیح دارد به داستان حضرت نوح - ذکر به مرهم و مهر به کشتی نوح تشبیه شده است - واژه‌های مجروح و نوح که در پایان جملات پی در پی آمده‌اند سجع ایجاد کرده‌اند.

۳۰۰۰- گزینه‌ی (۳) واژه‌ی «برده‌پوش» در گزینه‌ی (۳)، بیانگر پوشنده‌ی خطاست. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): خداوند روزی‌رسان است.

گزینه‌ی (۲): تو صاحب اختیار هستی.

گزینه‌ی (۴): ناتوانی خرد در توصیف خداوند (ندانند = نتواند)

۳۰۰۱- گزینه‌ی (۳) هما نام پرنده‌ای افسانه‌ای است که به باور قدما اگر سایه‌اش بر سر کسی بیفتد، آن شخص سعادت‌مند می‌شود. عبارات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به ترتیب مربوطند به «مرغ طوفان»، «ققنوس» و «سیمرغ».

۳۰۰۲- گزینه‌ی (۳) در عبارت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به لطف و رحمت الهی و خطابشی او اشاره شده است. بیت گزینه‌ی (۳) به این مفهوم اشاره دارد که برای رسیدن به وصال معشوق حقیقی باید کوشش کرد.

۳۰۰۳- گزینه‌ی (۲) در این گزینه شجاعت امام حسین (ع) مطرح شده است و تربیت نیکوی حضرت علی (ع) برای پرورش چنین فرزندی، مورد نظر شاعر است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← هما، پرنده‌ای است که نماد سعادت است و شاعر، حضرت علی (ع) را هم‌چون هما، سعادت‌بخش همه‌ی موجودات عالم می‌داند.

گزینه‌ی (۳) ← مقصود شاعر، بخشش فراوان علی (ع) است و به آیه‌ی «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» (آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائده) اشاره دارد که حضرت علی (ع)، انگشتر خود را در نماز به سائل بخشید.

گزینه‌ی (۴) ← «توتیا» ماده‌ی شفا بخش است و در این بیت وسیله‌ای است برای روشنایی چشم که خاک درگاه حضرت علی (ع) نیز این خاصیت را دارد.

۳۰۰۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال بیانگر سوز هجران عاشق در جدایی از معشوق است که چشم به راه رسیدن خبری از محبوب می‌باشد. در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) نیز همین مفهوم آمده است، اما در گزینه‌ی (۳) شکوه کردن از هجران امری ناپسند توصیف شده است.

۳۰۰۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم عبارت صورت سؤال این است که: «سلام او (رحمت الهی) در صبحگاه، مؤمنان را سرمستی و نشاط می‌بخشد.» و بیت گزینه‌ی (۳) نیز همین مفهوم را در بر دارد.

۳۰۰۶- گزینه‌ی (۲) شهریار اگرچه در سرودن انواع شعر فارسی مهارت داشت، از برجسته‌ترین شاعران غزل‌سرای دوره‌ی معاصر محسوب می‌شود.

۳۰۰۷- گزینه‌ی (۴) معنای آیه‌ی صورت سؤال: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان آن را بر دوش کشید، به درستی که او ستمگر و نادان بود.» برخی «بار امانت» را مسئولیت، برخی ولایت علی (ع)، برخی معرفت و عرفا آن را «عشق» دانسته‌اند.

در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)، شاعر از سپردن امانت عشق بر آدم سخن می‌گوید، ولی در گزینه‌ی (۴) آمده است: آسمان، زمین، آدمی و پری نتیجه و همراه عشق هستند.

۳۰۰۸- گزینه‌ی (۱) بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) بیانگر امید شاعر به نسیم صبحگاهی است که موجب گشایش کارهایش شود. در گزینه‌ی (۱) شاعر می‌گوید که مانند باد به سر کوی یار خواهم رفت و نفسم را به بوی او مشک‌بار (معطر) خواهم کرد.

۳۰۰۹- گزینه‌ی (۴) آثار «خواجه عبدالله انصاری» در گزینه‌ی (۴) درست نوشته شده است. خواجه عبدالله انصاری ملقب به شیخ‌الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات از دانشمندان و عارفان قرن پنجم است. آثار او عبارت‌اند از: مناجات‌نامه، نصایح، کنز‌السالکین، الهی‌نامه، زاد‌العارفین و رساله‌ی دل و جان.

۳۰۱۰- گزینه‌ی (۲) مفهوم عبارت صورت سؤال «سلام (رحمت الهی) در صبحگاه مؤمنان را سرمستی و نشاط می‌بخشد. در گزینه‌ی (۲) نیز شاعر معتقد است در صورت توجه و عنایت معشوق، شادمان خواهد شد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «خیال معشوق به عاشق می‌گوید که جان خود را در راه عشق او نبازد که شکاری مانند او (عاشق) بسیار نصیبش می‌گردد.

گزینه‌ی (۳) «هنگامی که باد اجازه‌ی ورود به بارگاه تو را ندارد، کی نوبت به عرض ادب و آشنایی ما خواهد رسید.

گزینه‌ی (۴) «امیدوار باش تا به دولت (خوش‌بختی) برسی.

۳۰۱۱- گزینه‌ی (۴) معنای عبارت صورت سؤال این است که خداوند از درک و فهم همگان برون است و هیچ‌کس به ذات و صفات حقّه‌ی او پی نمی‌برد و این مفهوم فقط در بیت گزینه‌ی (۴) دیده می‌شود؛ یعنی در دریا‌های جلال و شکوه خداوندی هیچ‌کس نمی‌تواند تأمل کند و به آن دست یابد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «به سپاس و منت آفریدگار اشاره دارد.

گزینه‌ی (۲) «به توان الهی و قدرت آفرینش‌گری او اشاره دارد.

گزینه‌ی (۳) «به مخفی بودن حق‌پویان اشاره دارد.

۳۰۱۲- گزینه‌ی (۲) هنگام نماز، امام علی (ع) انگشتر خود را به سائلی بخشید که این مفهوم در گزینه‌ی (۲) نیز آمده است و هر دو بیت اشاره‌ای به بخشندگی امام علی (ع) دارند.

۳۰۱۳- گزینه‌ی (۳) معنی بیت این است که اگر گل طبع من با نسیم وجود معشوق شکوفا شود تعجب‌آور نیست، زیرا مرغ شب‌خوان هم با دیدن گلبرگ‌های گل محذّی به وجد می‌آید. سایر ابیات بیانگر شدّت تحرّیر و سرگشتگی شاعر در برابر معشوق یا ممدوح است.

۳۰۱۴- گزینه‌ی (۳) مضمون مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، الهی، ما را جز به خودت به کس دیگری وامگذار.

مفهوم بیت گزینه‌ی (۳)، درخواست دانایی و آگاهی از خداوند برای گمراه نشدن است.

۳۰۱۵- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال شفاعت حضرت علی (ع) سبب نجات بندگان از عذاب دوزخ است و در گزینه‌ی (۳) نیز به این موضوع اشاره شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «پیمان بندگان با تو درست و محکم است و همه به تو مؤمن‌اند.

گزینه‌ی (۲) «عاشق طالب رضایت معشوق است.

گزینه‌ی (۳) «ای محتاج، به نیاز و حاجت خود به درگاه خداوند بیفزای تا کرم و فضل الهی شامل حالت گردد.

۳۰۱۶- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) «بین واژه‌های دم اوّل (هر لحظه) و دم دوم (سخن) جناس تام وجود دارد. «دم» مجاز از «سخن»/ بیت تضمین ندارد.

گزینه‌ی (۱) «بیت به بخشیدن انگشتر حضرت علی (ع)، در هنگام نماز، تلمیح دارد. «در خانه‌ی کسی زدن» کنایه از «اظهار نیاز کردن»/ «نگین» مجاز از «انگشتر».

گزینه‌ی (۳) «جنگ و رنگ» جناس ناقص دارند. «فلک رنگ باخت» تشخیص دارد. «شیر» و «پلنگ» استعاره از «دو پهلوان».

گزینه‌ی (۴) «علم کردن» کنایه از «برپا کردن»/ «علم و عالم» جناس ناقص دارند. بیت تلمیح به «واقعۀ عاشورا» دارد.

۳۰۱۷- گزینه‌ی (۲) گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی احزاب، «آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از حمل آن ابا کردند و انسان آن را پذیرفت و برداشت» و نیز به خلیفه‌الله بودن آدم بر روی زمین اشاره دارند.

گزینه‌ی (۳) «علّت این که فلک به راحتی می‌چرخد، آن است که بار ندارد. بیت، حسن تعلیل هم دارد.

۳۰۱۸- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال، علی (ع) نمونه‌ی «وفای به عهد» توصیف شده است، بنابراین مفهوم مقابل آن باید در مورد عهدشکنی باشد که در گزینه‌ی (۳) آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «عهد نشکستم» با بیت صورت سؤال قرابت دارد نه تقابل.

گزینه‌ی (۲) «وفای به عهد شاعر تا بدان جاست که هواداران معشوق را هم دوست دارد، پس تقابل معنایی ندارد.

گزینه‌ی (۴) «شاعر در پی استوار کردن بنای عهد قدیم است. این بیت نه قرابت معنایی دارد نه تقابل.

۳۰۱۹- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴) مفهوم اوّلین بیت «پذیرش عشق الهی به وسیله‌ی انسان و تحمّل نکردن آن به وسیله‌ی دیگر موجودات» است، ولی مفهوم بیت دوم «سرانداختن عاشق در پای معشوق می‌باشد».

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «هر دو بیت بیانگر «بخشندگی فراوان» است.

گزینه‌ی (۲) «هر دو بیت بیانگر «خاک درگاه معشوق، روشنی‌بخش وجود و چشم است.» می‌باشد.

گزینه‌ی (۳) «هر دو بیت بیان‌گر «شفاعت علی (ع)» است.

۳۰۲۰- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال خداوند برای بندگان غیرقابل شناخت معرفّی شده است و این مفهوم در گزینه‌ی (۲) به این صورت آمده است که عقل دوراندیش نمی‌تواند به عمق توصیف و شناخت تو برسد و وهم و تصوّر دورپرواز نمی‌تواند تو را بشناسد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) «خدایی خداوند، ابدی و قدرت او در حدّ کمال است. / گزینه‌ی (۳) «هیچ عقل و بنداری نمی‌تواند تصوّر کند که آدمی، پری بزیاید.

گزینه‌ی (۴) «هر کس که تصوّرش از رسیدن به تو، قرب و نزدیکی نباشد، نمی‌تواند زیبایی تو را درک کند.

۳۰۲۱- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها «کسی نمی‌تواند حقیقت خداوند را بشناسد و او برتر از اندیشه و خیال ماست.

مفهوم گزینه‌ی (۳) «اگر به معشوق نرسیدی حداقل خاکی از درگاه او بیاور تا بر چشمانم بگذارم.

۳۰۲۲- گزینه‌ی (۴) در همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی (۴) شاعر می‌گوید لطف و عنایت الهی سبب رستگاری و گشایش است.

۳۰۲۳- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) «ما را به ما مگذار

گزینه‌ی (۲) «بر کشت‌های ما جز باران رحمت خود مبار (کشت: اعمال)

گزینه‌ی (۳) «به لطف ما را دست گیر.

گزینه‌ی (۴) «شاعر با ارتکاب گناهان بسیار باز خواهان بهشت و نعمت‌های آن است!

درس دوم ادبیات فارسی ۲

- ۳۰۲۴- گزینه‌ی (۴) «چو بوسید پیکان سرانگشت او» رها شدن تیر از کمان است که پس از کشیدن تیر حادث می‌شود. «چو سوفارش آمد به پهنای گوش» یعنی تیر را کشید به طوری که دهانه‌ی آن به گوشش رسید و آماده‌ی پرتاب شد.
- ※ البته به نظر می‌رسد گزینه‌ی ۱ هم بی‌ربط نیست!
- ۳۰۲۵- گزینه‌ی (۲) البته به نظر می‌رسد این تست ایراد دارد و علت برتری گزینه‌ی (۲) بر گزینه‌ی (۴) چندان واضح نیست!
- ۳۰۲۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک گزینه‌ی (۴) و بیت صورت سؤال: دنیا فانی است و پایدار نیست؛ پس نباید دل به آن بست.
- به قول سعدی: «هر چه نباید، دل‌بستگی را نشاید.»
- ۳۰۲۷- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به اعلام ادبیات (۲).
- ۳۰۲۸- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) می‌گوید که آن قدر رزم شدید بود که گردوخاک حاصل به آسمان رسید، پس اغراق دارد.
- ۳۰۲۹- گزینه‌ی (۴) «راست» و «چپ» تضاد دارند.
- «راست» اول به معنی دست راست با «راست» دوم به معنی مستقیم جناس تام دارند.
- «خم» و «چرخ» مراعات نظیر دارند. ولی حسن تعلیل در بیت دیده نمی‌شود.
- شاعر با استفاده از حروف «ج» و «خ» به طور مکرر، سعی کرده حس خشونت در جنگ را با کمک آرایه‌ی واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف بیان کند.
- ۳۰۳۰- گزینه‌ی (۲) حماسه‌های مه‌بهارات و رامایانا متعلق به هندوان است.
- ۳۰۳۱- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به اعلام.
- ۳۰۳۲- گزینه‌ی (۳) مصرع دوم یعنی رهام فرار کرد.
- ۳۰۳۳- گزینه‌ی (۱)
- ۳۰۳۴- گزینه‌ی (۱) مصرع اول خصوصیت بُرندگی و مصرع دوم سریع‌الحرکت بودن تیر را وصف می‌کند.
- ۳۰۳۵- گزینه‌ی (۱) منوچهری دامغانی مبدع قالب شعری مسمط، متوقی سال ۴۳۲ هـ. ق است. این بیت واج‌آرایی صامت «خ» و «ز» دارد. مفهوم بیت رسیدن پاییز و توصیف آن است.
- ۳۰۳۶- گزینه‌ی (۴) ترکیبات وصفی عبارتند از: ۱- کمان بزه ۲- چند تیر (که) نقش «کمان» و «تیر» هر دو مفعول است.
- ۳۰۳۷- گزینه‌ی (۱) مصرع اول کنایه از رها شدن تیر است.
- ۳۰۳۸- گزینه‌ی (۱)
- ۳۰۳۹- گزینه‌ی (۳) توس فرزند نوذر، پهلوان ایرانی است.
- ۳۰۴۰- گزینه‌ی (۱) ۱- قضا گفت ۲- گیر ۳- قدر گفت ۴- ده ۵- فلک گفت ۶- احسنت (صوت) ۷- مه گفت ۸- زه (صوت)
- ۳۰۴۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت سؤال و بیت گزینه‌ی (۲)، به از بین بردن و مرگ و ناکامی تأکید دارد.
- ۳۰۴۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت گزینه‌ی (۲)، سر و صدا برخاستن از کمان به علت کشیدن کمان است.
- ۳۰۴۳- گزینه‌ی (۳) رجوع شود به اعلام.
- ۳۰۴۴- گزینه‌ی (۲) «چرخ چاچی» و «شاخ گوزنان» مترادف هستند. (منظور از هر دو کمان است).
- ۳۰۴۵- گزینه‌ی (۱) بیامد (آمد): ماضی ساده/ جوید (بجوید): مضارع التزامی/ سر هم نبرد به گرد اندر آورد (بیاورد): مضارع التزامی
- ۳۰۴۶- گزینه‌ی (۴) رستم به اشکبوس گفت: کنار جفت عزیزت (اسب) بنشین.
- ۳۰۴۷- گزینه‌ی (۴) چاچ و تاشکند یک شهر با دو اسم هستند! به اعلام رجوع کنید تا برایتان یادآوری شود.
- ۳۰۴۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌های دیگر قضا و قدر و تأثیر آن است.
- ۳۰۴۹- گزینه‌ی (۴) در بیت صورت سؤال تنها یک کنایه به کار رفته است: سر به گرد آوردن کنایه از کشتن است. این مفهوم فقط در گزینه‌ی (۴) دیده می‌شود.

- ۳۰۵۰- گزینه‌ی (۳) در این بیت: رستم با طنز و تمسخر، اسب را رفیق و همدم اشکبوس می‌داند و می‌گوید اندکی کنار دوست و همدم عزیزت بنشین و استراحت کن و این در حالی است که اسب اشکبوس مرده است.
- ۳۰۵۱- گزینه‌ی (۴) به هنگام جنگ پهلوانان جملاتی را به منظور مفاخره به دشمن می‌گفتند که در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)، این مفاخره دیده می‌شود.
- خروشید چون روی رستم بدید که نام تو باد از جهان ناپدید بکوبمت زین گونه امروز یال کزین پس نبیند تو را زنده زال
- ۳۰۵۲- گزینه‌ی (۱) سران: پهلوانان - سرکردگان (ان: نشانه‌ی جمع) «غمی شد ز پیکار دست سران» کنایه از «خسته شدن» است.
- ۳۰۵۳- گزینه‌ی (۲) در این گزینه صامت «خ» هفت بار تکرار شده است که به آن واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف می‌گویند.
- ۳۰۵۴- گزینه‌ی (۲) بیت گزینه‌ی (۲) از زبان اشکبوس و بقیه‌ی گزینه‌ها از زبان رستم است.
- ۳۰۵۵- گزینه‌ی (۴) در این گزینه کمان روی بازو (دوش) انداخته می‌شود.
- گزینه‌های دیگر:
- با توجه به معنی: (۱) کمان کشیده شده است. / (۲) کمان از کشیدن به صدا درآمده است. / (۳) کمان را آماده پرتاب می‌کند.
- ۳۰۵۶- گزینه‌ی (۲) در بیت گزینه‌ی (۲) نیز مثل بیت صورت سؤال، از زبان کسی خطاب به دیگری بیان شده است که او، وظیفه‌ی کشتن را دارد.
- ۳۰۵۷- گزینه‌ی (۱) در ابیات گزینه‌های مرتبط، تیرگی چوب آبنوس مورد نظر است، اما در گزینه‌ی (۱) به ارزشمندی و سنگینی چوب آبنوس تأکید شده است.
- ۳۰۵۸- گزینه‌ی (۱) «فسوس» در گزینه‌ی (۱)، با توجه به واژه‌ی «رنج» به معنی «دریغ و حسرت و افسوس» است، اما در بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، «فسوس» در معنی «مسخره کردن، تمسخر و ریشخند» به کار رفته است.
- ۳۰۵۹- گزینه‌ی (۴) در مصراع اول گزینه‌ی (۴)، رستم برای پرتاب تیر، دست راست را خم و دست چپ را که کمان در آن بود، راست کرد؛ یعنی، وضع جسمانی خود را برای تیراندازی تنظیم کرد.
- ۳۰۶۰- گزینه‌ی (۳) در این گزینه «گرد برآوردن از کسی»، یعنی «کشتن او»، ولی گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) صحنه‌ی نبرد را توصیف می‌کنند که از شدت جنگ، پر از گرد و خاک شده است.
- ۳۰۶۱- گزینه‌ی (۳) ابیات (ب)، (ج) و (ه) بیانگر تحقیر و تمسخر هستند.
- ۳۰۶۲- گزینه‌ی (۳) «تهدید به مرگ» در گزینه‌ی (۳) آشکار است.
- ۳۰۶۳- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال به «ناپایداری عمر و دنیا» دلالت دارد.
- ۳۰۶۴- گزینه‌ی (۴) بیت‌های (ب)، (ج) بر شدت نبرد دلالت دارند.
- ۳۰۶۵- گزینه‌ی (۱) قضا به اشکبوس گفت که تیر را بگیر و قدر به رستم گفت تیر را بزن (پرتاب کن)، فلک به رستم آفرین گفت و مه نیز او را تحسین کرد.
- ۳۰۶۶- گزینه‌ی (۲) «خاوران‌نامه» تقلیدی از حماسه‌ی طبیعی است که در آن ابن حسام خوسفی (شاعر قرن هشتم و نهم) سفرها و حملات علی (ع) را به سرزمین خاوران، به همراهی مالک اشتر و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع خیالی نقل می‌کند. / «حملة‌ی حیدری» از باذل مشه‌دی، یکی از حماسه‌های مصنوع است. شاعر در این منظومه به شرح زندگی و جنگ‌های پیامبر (ص) و علی (ع) تا شهادت آن حضرت پرداخته است.
- ۳۰۶۷- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲)، رستم به اشکبوس که در حال تیراندازی است، می‌گوید: خودت را بیهوده خسته می‌کنی، مفهوم تهدید به مرگ در این جمله نیست، بلکه فقط تضعیف روحیه‌ی حریف است.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱) «سر آری زمان» کنایه از «کشته می‌شوی» / گزینه‌ی (۳) «کام نمی‌بینی»: به آرزویت نمی‌رسی، کنایه از «کشته می‌شوی» /
- گزینه‌ی (۴) «مصراع اول و دوم یعنی «من وسیله‌ی نابودی تو هستم» - کشته می‌شوی رستم کمان را در جنگ گرفت و با شست تیر خدنگ را آماده‌ی پرتاب کرد. (شست، انگشترمانندی از جنس استخوان بود که در انگشت شست می‌کردند و در وقت کمان‌داری، زه کمان را با آن می‌گرفتند).

۳۰۶۹- گزینه‌ی (۴) تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← «آهین کوه» استعاره از «عمرو» است و در بزرگی و عظمت عمرو اغراق شده است.

گزینه‌ی (۲) ← «فلک» تشخیص و استعاره است و «شیر» و «پلنگ» هم استعاره‌اند. «این که آسمان از ترس آن جنگ رنگ باخته است» اغراق دارد.

گزینه‌ی (۳) ← «سپهر» آن زمان دست او داد بوس» تشخیص، استعاره و اغراق دارد.

۳۰۷۰- گزینه‌ی (۳) در هر دو بیت گزینه‌ی (۱) سخن از هم‌نبرد خواستن است. در دو بیت گزینه‌ی (۲) آمدن پهلوان به میدان و هیبت او توصیف شده است. در بیت اول گزینه‌ی (۳) روی برگرداندن رهام از نبرد مطرح است ولی در بیت دوم این گزینه سخن از شدت درگیری و نبرد مطرح است. در دو بیت گزینه‌ی (۴) سخن از خسته شدن پهلوانان مطرح است.

درس سوم ادبیات فارسی ۲

۳۰۷۱- گزینه‌ی (۳) وقتی جنگ بالا گرفت، گردوخاک بلند شد و دو رزمنده در گردوخاک از نظرها ناپدید شدند.

۳۰۷۲- گزینه‌ی (۴) «تَش» در کارش به عمرو برمی‌گردد و نهاد مصراع اول، حضرت علی (ع) است. (خصم به معنی دشمن است.)

۳۰۷۳- گزینه‌ی (۲) غذا ← جنگ/ قضا ← اراده‌ی الهی/ غذا ← خوردنی

۳۰۷۴- گزینه‌ی (۴) آهین کوه ← استعاره از عمرو/ مصراع دوم ← اغراق/ دشت و گشت ← جناس

۳۰۷۵- گزینه‌ی (۲) دین به انسانی تشبیه شده است و یکی از اجزای انسان به عنوان مضاف قرار گرفته است، پس اضافی استعاری تشکیل شده است.

۳۰۷۶- گزینه‌ی (۴) یکی از قواعد قافیه این است که حروف آخر قافیه‌ها یکسان باشد. در این گزینه کلمات قافیه (اله و ازدها) این قاعده را رعایت نکرده‌اند.

۳۰۷۷- گزینه‌ی (۴) تشخیص ← رنگ باختن/ فلک/ جناس ← جنگ و رنگ/ واج آرایی ← تکرار «گ»/ تناسب ← شیر و پلنگ

۳۰۷۸- گزینه‌ی (۱) جناس ← سپهر و سر/ استعاره ← شیراله (علی (ع)). ازدها (عمرو)

۳۰۷۹- گزینه‌ی (۲)

۳۰۸۰- گزینه‌ی (۳) در ترکیب «یم قدرت»، قدرت از نظر زیادی به «یم» (دریا) تشبیه شده است.

۳۰۸۱- گزینه‌ی (۴) «دست به منظور دریغ» معنی می‌دهد، پس اضافی اقرانی است. * برای تسلط بر مبحث انواع اضافه به کتاب آرایه‌های ادبی مؤلف از نشر الگو مراجعه کنید. (قسمت تشبیه و استعاره)

۳۰۸۲- گزینه‌ی (۳) «رخ کفر» اضافی استعاری است، پس صنعت استعاره ایجاد می‌کند.

۳۰۸۳- گزینه‌ی (۱) رجوع کنید به توضیحات درس ۳.

۳۰۸۴- گزینه‌ی (۲) «سهمگین» مشتق است.

۳۰۸۵- گزینه‌ی (۱) رجوع کنید به تاریخ ادبیات ابتدای درس ۳.

۳۰۸۶- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) ← هُزبر زیان و شه جنگ‌جو

گزینه‌ی (۲) ← بازوی دین و شیر خدا

گزینه‌ی (۳) ← شیر خدا

در گزینه‌ی (۴)، «آهین کوه» اشاره به عمرو بن عبدود دارد.

۳۰۸۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): وقت را غنیمت دانستن

در مصراع اول این بیت «نَفَس» درست است نه «نَفَس»

مفهوم ابیات سؤال و سایر گزینه‌ها: امیر بودن بر نفس

۳۰۸۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم مصراع دوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۴) این است که جایی برای هم‌زیستی، شادی و مسالمت نگذاشته‌اند.

۳۰۸۹- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۲) ← «پرسد از رخ کفر در هند رنگ»: (پس از ضربه‌ی حضرت علی (ع)) کفر و کافران از ترس رنگ باختند و بت‌خانه‌ها در دیار کفر به لرزه افتادند. (هند و فرنگ: نماد کفر و بی‌دینی - مجازاً کل سرزمین‌های کفر و بت‌پرستی و بی‌دینی)

گزینه‌ی (۳) ← نزد پیامبر رفت تا از پیامبر اجازه‌ی نبرد بگیرد.

گزینه‌ی (۴) ← همه‌ی سربازان (مردان دین) ترسیده بودند و شرم‌منده و خجالت‌زده بودند.

۳۰۹۰- گزینه‌ی (۴) بینداخت در این مصرع به معنی «زد» آمده است.

۳۰۹۱- گزینه‌ی (۴) سپهر به معنی آسمان و قضا به معنی سرنوشت است.

گزینه‌های نادرست: گزینه‌ی (۱) ← دستور = رخصت = اجازه

گزینه‌ی (۲) ← ستوه = غمی = خسته

گزینه‌ی (۳) ← غضنفر = هُزبر = شیر

۳۰۹۲- گزینه‌ی (۳) حضرت علی (ع) خود را بنده‌ی خداوند و نه مطیع نفس می‌داند و شاعر در گزینه‌ی (۳) نیز معتقد است که نمی‌توان با پرداختن به هواهای نفسانی رضایت حق را به دست آورد، بلکه رضای او در گرو اطاعت ما از اوست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): قضای الهی حتمی است.

گزینه‌ی (۲): نور چشم و پوشنده‌ی عریانی‌ها هستم.

گزینه‌ی (۴): زخم دلم را نمی‌توانم پنهان کنم.

۳۰۹۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت: علی (ع) با نگاه خود زهر چشم گرفت و کار دشمن به پایان رسید.

۳۰۹۴- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳)، حضرت علی (ع) با نام خداوند شمشیر را بر سر عمرو فرود می‌آورد، نه این که در جنگیدن درنگ می‌کند. بینداخت: بزد

۳۰۹۵- گزینه‌ی (۴) جناس: ضرب و حرب/ مجاز: حرب مجاز از «آلت حرب و نزاع مانند شمشیر، خنجر، نیزه و ...» استعاره: ندارد.

۳۰۹۶- گزینه‌ی (۲) در سه گزینه‌ی دیگر حضرت علی (ع) خود را مطیع محض امر خداوند معرفی می‌کند، در حالی که در گزینه‌ی (۲) بردباری و بخشندگی بسیار مدح را شرح می‌دهد.

۳۰۹۷- گزینه‌ی (۴) در بیت اول این گزینه، بینداخت یعنی زدن و در بیت دوم، یعنی رها کرد.

در گزینه‌ی (۱) ← هر دو واژه‌ی نبرده و پرخاشگر یعنی جنگجو

در گزینه‌ی (۲) ← هر دو کلمه‌ی زنده و سترگ یعنی بزرگ و عظیم

در گزینه‌ی (۳) ← هر دو لغت ده و بزنی یعنی بزنی

درس چهارم ادبیات فارسی ۲

۳۰۹۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و بیت (۴) ← قدرت از بین می‌رود.

مفهوم بیت (۱) ← بهترین آدم، دوست خوب است و بهترین کار، خدمت پادشاه!

مفهوم بیت (۲) ← کسی عزیز است که خدا او را عزیز کند.

مفهوم بیت (۳) ← کسی که تو او را عزیز کنی، خوار می‌شود.

۳۰۹۹- گزینه‌ی (۳) معنی صورت سؤال: صبح امیر بودم، شب اسیر شدم.

مفهوم گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴): ناپایداری قدرت

مفهوم گزینه‌ی (۳): دیر آمدن صبح برای شب‌زنده‌داران

۳۱۰۰- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) و عبارت صورت سؤال، بیان‌گر ناپایداری قدرت و وضع روزگار است. ولی گزینه‌ی (۴) می‌گوید که وضع من برخلاف

نظر روزگار خیلی خوب و نیکو شده است.

* حتماً به «آورده‌اند که ...» ها توجه ویژه‌ای کنید.

۳۱۰۱- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۳) و صورت سؤال، بیان‌گر نابودی قدرت و ناپایداری آن است. ولی گزینه‌ی (۴) مفهومی عکس دارد و بیان‌گر نیکو شدن اوضاع است.

۳۱۰۲- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) و صورت سؤال، به ناپایداری قدرت اشاره دارد. گزینه‌ی (۱) بیان‌گر مژده و خبر خوش است. گزینه‌ی (۳) بیان‌گر وداع با یار است و

گزینه‌ی (۴) ما را به امیدواری دعوت می‌کند.

۳۱۰۳- گزینه‌ی (۱) مصاف: محل‌های صف‌زدن، محل‌های جنگ، میدان‌های جنگ

۳۱۰۴- گزینه‌ی (۲) ذل می‌زند ← زل می‌زند (خیره می‌شود).

۳۱۰۵- گزینه‌ی (۳) در این عبارت، دقیقاً تقابل ثروت و فقر نشان داده شده است.

۳۱۰۶- گزینه‌ی (۲) این گزینه به قناعت اشاره دارد و سایر گزینه‌ها به متغیر بودن دوران عزت و ذلت دنیایی که ناپایدار است.

۳۱۰۷- گزینه‌ی (۴) * به متن درس و داستان آن توجه کنید!

۳۱۰۸- گزینه‌ی (۳) و صورت سؤال به طواف جهان اطراف به دور آدمی اشاره دارند (البته صورت سؤال کمی مادی است و گزینه‌ی (۳) کمی معنوی!).

۳۱۰۹- گزینه‌ی (۳) * مردم: انسان / قوت: غذا

۳۱۱۰- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱): در مورد فیلم‌نامه صحیح است. / گزینه‌ی (۲): جلال آل‌احمد، فیلم‌نامه نمی‌نوشت. / گزینه‌ی (۳): نمایش‌نامه: piece، فیلم‌نامه: scenario * برای اطمینان از صحت گزینه‌ی (۴) به «اشاره» در ابتدای درس سوم کتاب ادبیات پیش‌دانشگاهی مراجعه کنید.

۳۱۱۱- گزینه‌ی (۲)

۳۱۱۲- گزینه‌ی (۴) اگر به درس توجه کنید، این عبارت در قسمت‌های پایانی فیلم‌نامه آمده است و مربوط به زمانی است که علی از خواهرش خجالت می‌کشد و شرم‌منده است. گزینه‌ی (۱) غمگین بودن، گزینه‌ی (۲) ترسیدن، گزینه‌ی (۴) خجالت کشیدن و گزینه‌ی (۳) زاری کردن و غمگین بودن را نشان می‌دهند.

۳۱۱۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم عبارت سؤال: تغییر یافتن اوضاع از خوب به بد مفهوم مقابل: تغییر یافتن اوضاع از بد به خوب مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): انسان بداخلاق، همیشه گرفتار رفتار بد خود است.

گزینه‌ی (۲): تغییر یافتن اوضاع از خوب به بد

گزینه‌ی (۴): عزت یافتن عاشق با عشق

۳۱۱۴- گزینه‌ی (۲) به کسی که فیلم‌نامه را به یاری بازیگران به اجرا درمی‌آورد، «کارگردان» می‌گویند.

۳۱۱۵- گزینه‌ی (۲) گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی (۱) ← از سوزش دیگ شروع به فریاد زدن کرد.

گزینه‌ی (۳) ← هفتاد هزار سوار او همگی شکست خوردند.

گزینه‌ی (۴) ← دهانش سوخت به سرعت سرش را بالا آورد.

۳۱۱۶- گزینه‌ی (۳) انسان تا زنده است باید غذا بخورد.

گزینه (۱): توصیه به عدم شکمپارگی و پر خوری

گزینه (۲): مایه‌ی حیات عاشق غم عشق است

گزینه (۴): اظهار تأسف از گذر بیهوده‌ی عمر

۳۱۱۷- گزینه‌ی (۱) که می‌گوید از کوزه همان تترارود که اندر اوست. پوست و گوشت خرما شیرین است، اما هسته‌اش استخوان است و ظاهر و باطنش یکی نیست!

۳۱۱۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم سایر ابیات، تبدیل اوضاع خوب به بد است ولی پیام گزینه‌ی (۴) بازگشت به جایگاه اصلی و عالم معناست.

درس پنجم ادبیات فارسی ۲

۳۱۱۹- گزینه‌ی (۴) کلمات «فنا - خدا» کلمات پایانی دو عبارت (یا ترکیب!) نیستند که بخواهند سجع ایجاد کنند. اساساً کلمه‌ی «خدا» در عبارت نیست بلکه «خدا بیامرز» کلمه‌ی ماست. اما در سایر گزینه‌ها جفت کلمات سجع ایجاد کرده‌اند.

نکته: سجع: کلمات پایانی دو عبارت که هماهنگ باشند!

۳۱۲۰- گزینه‌ی (۴) مفهوم صورت سؤال ← نباید به اندازه‌ای بخوریم که به خودمان آسیب برسد.

مفهوم گزینه‌ی (۴) ← با آن که غذا خوردن لذت‌بخش است اما اگر بیش از حد غذا بخوریم دچار رنج و آسیب می‌شویم.

۳۱۲۱- گزینه‌ی (۲) صورت سؤال، کنایه از توبه کردن و با خود عهد بستن است. گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) نیز مفهومی مشابه دارند. ولی گزینه‌ی (۲) می‌گوید که عشق به تو از ظرفیت وجودی ما بیش‌تر است.

* در سؤالات ادبیات، به فعل سؤالات توجه ویژه‌ای کنید.

۳۱۲۲- گزینه‌ی (۳) محتوای لباس‌ها، فردی بوده که لباس را به تن داشته است. (یعنی مصطفی!)

۳۱۲۳- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴) بیان‌گر پسررفت کردن و تنزل کردن است که صورت سؤال نیز همین را می‌گوید.

۳۱۲۴- گزینه‌ی (۳) رجوع شود به توضیحات درس «از ماست که بر ماست».

۳۱۲۵- گزینه‌ی (۳) «گل از خار برآوردن»، «خار از پا برآوردن» و «پا از گل درآوردن» هر سه کنایه از نجات دادن است.

۳۱۲۶- گزینه‌ی (۴) «وجنات» جمع «وجنه» است و «وجنه» به معنی «رخسار».

۳۱۲۷- گزینه‌ی (۳) محذور ← محذور

* چند کلمه، املا‌ی خیلی مهمی را دارند: محظوظ - محظوظ - خوش‌محضری - انضمام - محض - بلامعارض - قدغن

۳۱۲۸- گزینه‌ی (۳) بحبوه ← ببحوجه / ذوال ← زوال / وقاحت ← وقاحت

۳۱۲۹- گزینه‌ی (۱) مضغ: جویدن، خاییدن

* درس «کباب‌غاز» از همه نظر مخصوصاً از نظر املا و کنایات مهم است.

۳۱۳۰- گزینه‌ی (۴) بعد از مشروطه، نویسندگان در آثار خود به مسائل اجتماعی و رنج‌های طبقات محروم جامعه پرداختند و با زور و بی‌عدالتی به جدال برخاستند.

۳۱۳۱- گزینه‌ی (۲) مشثوف ← مشعوف

۳۱۳۲- گزینه‌ی (۳) دل‌بسته‌گی ← دل‌بستگی / سپاس‌گذاری ← سپاس‌گزاری / نمی‌گزارم ← نمی‌گذارم (اجازه نمی‌دهم)

۳۱۳۳- گزینه‌ی (۳) رجوع شود به واژه‌نامه ادبیات ۲.

۳۱۳۴- گزینه‌ی (۴) خاستند ← خواستند (درخواست کردند) / حظّار ← حظّار (حاضران) / محضوظ ← محظوظ (بهره‌ور)

۳۱۳۵- گزینه‌ی (۴) آزرگار: زمانی‌دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل / چلمن: کسی که زود فریب بخورد، نالایق، بی‌دست و پا / بقل: سبزی، تره‌بار / تفتیش: بازرسی، بازرجست، وایزوهیدن / کومه: خانه‌ای از نی و علف که کشاورزان و باغبانان در آن می‌نشینند، آلونک، کپر، کلبه

۳۱۳۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): هر کاری کنی، انگار برای خودت کرده‌ای.

۳۱۳۷- گزینه‌ی (۱) ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۶-۴۸۱ هـ) شاعر و فیلسوف شهیر ایرانی است که این بیت را سروده است.

۳۱۳۸- گزینه‌ی (۲) «هنوز سرش توی حساب است»: هنوز حواسش جمع است و عاقل است.

۳۱۳۹- گزینه‌ی (۲) صرف کردن صیغه‌ی «بلعت»: ۱- غذا خوردن، میل کردن ۲- صرف کردن فعل «بلعت»

۳۱۴۰- گزینه‌ی (۲) واژه‌های «هوادار»، «تمامیت» و «تجاوز» ما را در انتخاب این گزینه کمک می‌کند.

۳۱۴۱- گزینه‌ی (۳) این عبارت از گلستان سعدی است: «بوی گلش چنان مستش کرد که دامنش از دست برفت.» که جمال‌زاده در داستان کباب‌غاز از آن استفاده کرده است.

۳۱۴۲- گزینه‌ی (۲) البته این عبارت تشبیه دیگری هم دارد: درون: مشبّه، شبستان تیره و تار: مشبّه‌به.

۳۱۴۳- گزینه‌ی (۱) البته بدون توجه به درس هم می‌توان به این سؤال پاسخ داد!

۳۱۴۴- گزینه‌ی (۳) تو: نونوار / نونوار: مسند / شدی: فعل اسنادی

۳۱۴۵- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۲) خانه خراب / در گزینه‌ی (۳) آقای مصطفی خان / در گزینه‌ی (۴) پسرعموجان.

۳۱۴۶- گزینه‌ی (۱)

۳۱۴۷- گزینه‌ی (۴)

۳۱۴۸- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): قناعت و مجبور نشدن به خدمت برای فردی / گزینه‌ی (۳): دوری از شکم‌پروری / گزینه‌ی (۴): تحقّل گرسنگی و رسیدن به معرفت

۳۱۴۹- گزینه‌ی (۳) نوک جمع را چیده، متکلم وحده و مجلس‌آرای بلامعارض یک معنی دارند.

۳۱۵۰- گزینه‌ی (۱) خودت مشکل را حل کن.

۳۱۵۱- گزینه‌ی (۳) نویسنده به باران و باد شخصیت انسانی بخشیده است. بین زمین و آسمان تضاد وجود دارد.

۳۱۵۲- گزینه‌ی (۱) «ورق پاره‌های زندان» اثری است از بزرگ علوی؛ سه اثر دیگر از جمال‌زاده، پدر داستان‌نویسی معاصر است.

۳۱۵۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم مقابل عبارت صورت سؤال «خاموشی و سکوت» است که در همه‌ی ابیات به‌جز بیت گزینه‌ی (۲)، بیان شده است.

مفهوم بیت گزینه‌ی (۲): از انسان بی‌هنر هیچ‌گاه سکوت را طلب مکن (انسان بی‌هنر همواره سخن می‌گوید و پر گوی است).

۳۱۵۴- گزینهی (۳) مفهوم گزینهی (۳): شاعر امیدوار است که آب رفته به جوی بازگردد و انتظار بر گشتن اوضاع به حال اول را دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱): با مفهوم «از ماست که بر ماست» تناسب دارد.

گزینهی (۲): با مفهوم «از ماست که بر ماست» تناسب دارد.

گزینهی (۴): دقیقاً تداعی کنندهی مفهوم عبارت «تیری که از شست رفته، باز نمی‌گردد» است، یعنی وقتی زمان درو برسد، نمی‌توانی انتظار داشته باشی که سبزه‌های نو دوباره رشد کنند و مثل روز اول گردند.

۳۱۵۵- گزینهی (۲) «شهرناز» از یحیی دولت‌آبادی است.

۳۱۵۶- گزینهی (۱) املاهی صحیح کلمات عبارت‌اند از: قدغن، ساطور و تحلیل.

۳۱۵۷- گزینهی (۴) مفهوم اییات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) تأکید دارند به «از ماست که بر ماست» یعنی ما نتیجه‌ی کارها و اعمال خود را می‌بینیم و اگر به سختی و مصیبتی دچار می‌شویم، حاصل کارهای خودمان است، اما گزینهی (۴)، به این مفهوم اشاره دارد که هر کاری را باید در زمان خود انجام داد مانند: «سر گرگ باید هم اول برید/ نه چون گوسفندان مردم درید».

۳۱۵۸- گزینهی (۴) این مفهوم در گزینهی (۴) به خوبی مشهود است، زیرا سعدی می‌گوید که ما خود خرمن و هستی خود را نابود ساختیم، همان‌طور که کرم‌پله خودش برای خودش کفن و ابزار نابودی می‌سازد، البته سعدی در این بیت به مفهوم برآمدن از پله و پروانه شدن اصلاً اشاره‌ای ندارد و تنها به مفهوم «از ماست که بر ماست» اشاره می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) «ای کسی که همیشه بر حرص و آز دل بسته‌ای تو افسارت را به شیطان داده‌ای و او هدایت‌گر توست».

گزینهی (۲) «اگر می‌خواهی هدایت شوی، خودکامه و خودخواه مباش».

گزینهی (۳) «بودن روح در بدن برای آسایش نیست، بلکه برای رنج است».

۳۱۵۹- گزینهی (۴) انعکاس مظلومیت مردم و ستایش آزادی و آزادی‌گری از ویژگی‌های ادبیات پایداری است.

۳۱۶۰- گزینهی (۳) قطعه بعد آخری: تکه‌ای بعد از تکه‌ی دیگر.

۳۱۶۱- گزینهی (۴) املاهی صحیح کلمات در سایر گزینه‌ها عبارت‌اند از: گزینهی (۱) «قدغن/ گزینهی (۲) «ساطور/ گزینهی (۳) «تحلیل

۳۱۶۲- گزینهی (۴) پشت دست داغ کردن به معنی تأسف و دریغ خوردن است که در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) آمده است.

۳۱۶۳- گزینهی (۱) مصطفی بدون آن که شاعر باشد لاف شاعری زده است و تخلص استاد را برای خود برگزیده است، در حقیقت لاف از گوهری زده است که در وجودش نیست. در گزینه‌های دیگر نیز لاف زدن نکوهش شده ولی صحبت از ادعای گوهری که در کان تو نیست، در میان نیست.

درس ششم ادبیات فارسی ۲

۳۱۶۴- گزینهی (۴) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس «گیله‌مرد».

۳۱۶۵- گزینهی (۴) «گیله‌مرد» داستان کوتاه است.

۳۱۶۶- گزینهی (۴) سوم شخص، همان دانای کل است.

۳۱۶۷- گزینهی (۳) هسته یا طرح داستان گیلهمرد مبارزه با ظلم است.

۳۱۶۸- گزینهی (۳) با توجه به محتوای داستان گزینهی (۳) بی‌ربط است.

۳۱۶۹- گزینهی (۲) «چهار چشمی مواظب بود» کنایه از «کاملاً مراقب بود»/ «چیزی به جیب نزن» کنایه از «چیزی نذرند»

* بقیه‌ی گزینه‌ها یک کنایه دارند. (پایش بیفتد - گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود - از چشم گیلهمرد می‌دید)

۳۱۷۰- گزینهی (۴) «حساب کهنه پاک می‌کرد» دشمنی‌های کهنه و قدیمی را یادآوری و مقابله به مثل می‌کرد.

۳۱۷۱- گزینهی (۳) مأمور دوم تپانچه را به گیلهمرد برای فرار فروخت ولی در آخر خودش گیلهمرد را در هنگام فرار کُشت.

۳۱۷۲- گزینهی (۴) به متن درس مراجعه کنید و آن را مفهومی بخوانید!!

۳۱۷۳- گزینهی (۳) عبارت سؤال و گزینهی (۳) برای انتقام لذتی را توصیف می‌کنند (هر چند اشتباه است چون لذتی که در بخشش است، در انتقام نیست).

۳۱۷۴- گزینهی (۱) صدای شیون زنی که زجر می‌کشد (صدای جیغ زن گیلهمرد) نشان از ظلم و استمرار آن در جامعه است که بارها در داستان «گیله‌مرد» تکرار شده است.

۳۱۷۵- گزینهی (۳) در صورت سؤال مفهوم این است که به قرآن سوگند خوردید که همه در امان باشند ولی عهد خود را فراموش کردید. این موضوع (سوگند خوردن و زناهار و امان دادن و بعد آن عهد را بشکستن) در گزینهی (۳) آمده است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) «قسم می‌خورم که از صمیم دل بنده‌ی او هستم، هر چند که او مرا مورد لطف خود قرار نمی‌دهد».

گزینهی (۲) «اگر چه رقیب سوگند خورد که من پیمان‌شکن هستم و او وفادار است ولی قسمش دروغ بود».

گزینهی (۴) «قسم خوردن دلیل دروغ‌گویی است».

۳۱۷۶- گزینهی (۳) داستان «گیله‌مرد» توصیف استبداد و خفقان و ستم در جامعه است که این فضا در بیت گزینهی (۳) نیز وجود دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهی (۱) «پایان یافتن شب ستم و طلوع خورشید آزادی را بیان می‌کند».

گزینهی (۲) «عاشقان اگر طلب و انگیزه داشته باشند، اما توان نداشته باشند، در این صورت بیداد و ستم تو، شرط مرگ نیست».

گزینهی (۴) «از دوری تو خون می‌گیرم».

۳۱۷۷- گزینهی (۲) در گزینهی (۲)، حساب کهنه پاک کردن، یعنی به اختلافات و انتقام گذشته‌ها پرداختن.

۳۱۷۸- گزینهی (۳) «گیله‌مرد» شخصیتی مبارز و آزادی‌خواه است که در برابر استبداد و ظلم می‌ایستد و کشته می‌شود.

درس هفتم ادبیات فارسی ۲

۳۱۷۹- گزینهی (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینهی (۴) «جایگاه ما عالم ملکوت و بهشت است و انا لله و انا الیه راجعون (معادل است با: ما ز دریاییم و دریا می‌رویم/ ما ز بالاییم و بالا می‌رویم)

۳۱۸۰- گزینهی (۳) مفهوم مشترک سؤال و گزینهی (۳) «جایگاه ما عالم بالا و برتر است و نباید در این عالم فانی و بی‌ارزش بمانیم (انا لله و انا الیه راجعون)

۳۱۸۱- گزینهی (۱) مفهوم مشترک سایر اییات: انا لله و انا الیه راجعون

۳۱۸۲- گزینهی (۴) در این گزینه از عالم علوی و جایگاه نخستین آدمی سخن نرفته است.

۳۱۸۳- گزینهی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینهی (۳): نفی بلندپروازی و طمع‌ورزی و پا را از گلیم خود درازتر کردن!

۳۱۸۴- گزینهی (۲) «نوبت وصل و لقاست» و «وقت وصال و لقاست» در صورت سؤال و گزینهی (۲)، بیان کنندهی این است که ما به دنیای برتری برمی‌گردیم.

گزینهی (۱) می‌گوید که عاشق تو فرمانبردار توست.

گزینهی (۳) می‌گوید که من هم در فردوس برین جای داشتم و به خاطر گناه حضرت آدم به زمین نزول کردم.

گزینهی (۴) بیان‌گر غم هجران یار و سوختن در اندوه اوست.

* اگر گزینهی (۲) نبود، شاید گزینهی (۳) را انتخاب می‌کردیم.

۳۱۸۵- گزینهی (۳) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) می‌گویند که اگر برتری داری، به زبردستان هم کمک کن.

ولی گزینهی (۳) می‌گوید که ای معشوق چرا به من عنایت نمی‌کنی؟ شاید تو عاشق دیگری داری!

۳۱۸۶- گزینهی (۱) گزینه‌های (۲)، (۳)، (۴) و صورت سؤال، بیان کنندهی دنیای برتری هستند که ما از این جهان به آن رخت خواهیم بست. ولی گزینهی (۱) قسمتی از یک حبسیه است و از اوضاع زندان می‌نالد.

- ۳۱۸۷- گزینه‌ی (۳) عبارت سؤال و گزینه‌ی (۳)، بیان گر نفی بلند پروازی است که منجر به نابودی می‌گردد.
- گزینه‌های (۱) و (۴) ما را به بلند همتی تشویق می‌کند.
- گزینه‌ی (۲) می‌گوید که خطرات برای فرد بلندپرواز و طمع کار بیش‌تر است. (این گزینه هم چندان بی‌ربط نیست).
- ۳۱۸۸- گزینه‌ی (۳) صورت سؤال می‌گوید کسی که از عالم برتری آمده است، چگونه تاب این جهان را می‌آورد و این‌جا می‌ماند؟ گزینه‌ی (۳) نیز به مفهومی مشابه اشاره دارد.
- گزینه‌ی (۱) ما را به ذوق در برابر صوت خوش دعوت می‌کند.
- گزینه‌ی (۲) جان و تن را عجین می‌داند، ولی غیر قابل تشخیص با چشم ظاهرین.
- گزینه‌ی (۴) به نفی هم‌نشینی با بدان اشاره دارد.
- ۳۱۸۹- گزینه‌ی (۱) صورت سؤال به نفی بلندپروازی اشاره دارد، ولی گزینه‌ی (۱) بیان می‌کند که هر کس پاک‌روی و پاک‌سیرت است، تاریکی در او راه ندارد.
- در گزینه‌های دیگر نفی توسنی، نفی آز (طمع) و نفی دربرپروازی مطرح شده است که با صورت سؤال مطابقت دارد.
- ۳۱۹۰- گزینه‌ی (۱) گزینه‌ی (۱) بیانگر معجزه‌ی پیامبر اسلام (ص) است که ماه را به دو نیم کرد.
- ۳۱۹۱- گزینه‌ی (۳) جناس ← خانه و دانه / طباق (تضاد) ← زیر و زبر
- ۳۱۹۲- گزینه‌ی (۴) * به بسیاری از تست‌های شعر حفظی، می‌توان از راه معنی یا وزن پاسخ داد.
- ۳۱۹۳- گزینه‌ی (۳) نادرستی گزینه‌های دیگر واضح است!
- ۳۱۹۴- گزینه‌ی (۴) رجوع شود به توضیحات درس!
- ۳۱۹۵- گزینه‌ی (۴)
- ۳۱۹۶- گزینه‌ی (۲) کت: شانه، کتف/ نه خسته: خسته نباشید/ هیمة: هیزم/ پکال: صورت/ مذلت، خواری، ذلت
- ۳۱۹۷- گزینه‌ی (۱) رجوع کنید به توضیحات درس هفتم در کتاب.
- ۳۱۹۸- گزینه‌ی (۲) «کش سوی خود» و نیز «الست» ما را به انتخاب این گزینه، ترغیب می‌کند.
- ۳۱۹۹- گزینه‌ی (۱) ابیات (۲)، (۳) و (۴) به مفهوم احسان و بخشش اشاره دارند، در حالی که در بیت گزینه‌ی (۱) به شناختن عشق توسط عاقلان اشاره شده است.
- ۳۲۰۰- گزینه‌ی (۲) صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) هر دو قصاص را برای زندگی لازم می‌دانند.
- ۳۲۰۱- گزینه‌ی (۲) مشهورترین اثر سیمین دانشور «سووشون» نام دارد که داستان زندگی مشترک زری و یوسف (دو قهرمان اصلی کتاب) است. نویسنده هم‌چنین به شرح و توصیف زندگی اجتماعی مردم فارس در خلال جنگ جهانی دوم و تسلط انگلیسیان می‌پردازد. دغدغه‌ها و مسائل عاطفی یک همسر وفادار در این داستان به خوبی بیان گردیده است. ضمناً این داستان به چند زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شده است.
- ۳۲۰۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← کمک به درویشان و فقر!!
- ۳۲۰۳- گزینه‌ی (۱) گزینه‌های (۲) و (۳) و (۴) به بازگشت انسان به سوی خدا اشاره دارند و همچنین به آیه‌ی «انا لله و انا الیه راجعون» تلمیح دارند.
- ۳۲۰۴- گزینه‌ی (۴) شاعر در بیت صورت سؤال معتقد است که انسان‌ها متعلق به عالم بالا هستند و هرگز در این عالم خاکی اقامت نمی‌کنند. در بیت گزینه‌ی (۴) نیز شاعر به مخاطب توصیه می‌کند که چون اصل تو متعلق به جای دیگری است، پس در این دنیای گذرا و ناپایدار اقامت نکن.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱) ← دریا با سختی‌هایش به امید رسیدن به گوهر دل‌پذیر می‌گردد، همان‌طور که جان به امید وصال به محبوب رنج و سختی‌های راه عشق را تحمل می‌کند.
- گزینه‌ی (۲) ← خوشا به حال پرنده‌ای که هم‌چون عنقا (سیمرغ) در عالم عشق به مقام و جایگاهی رسید.
- گزینه‌ی (۳) ← هر دلی در دریای عشق غوطه‌ور است و دریاها غرق در دریای عشق‌اند.
- ۳۲۰۵- گزینه‌ی (۳) در سه گزینه‌ی دیگر به مال‌داران و توانگران توصیه می‌کند که به فقرا رسیدگی کنند، در حالی که گفت و گوی گزینه‌ی (۳) بین عاشق و معشوق است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

- گزینه‌ی (۱) ← اگر توانگر به فقیر ببخشد، پاداش اخروی می‌گیرد. / گزینه‌ی (۲) ← بخشش مال به دیگران، سبب روشنایی تاریکی گور است. / گزینه‌ی (۴) ← به شکر آن که محتاج نیستی، گدایان را از در مران.
- ۳۲۰۶- گزینه‌ی (۴) انسان‌ها مانند پرنده‌گانی هستند که از عالم معنا به این دنیای فانی آمده‌اند.
- ۳۲۰۷- گزینه‌ی (۳) «کشتی قالب» تشبیه دارد. / «کشتی» در مصراع دوم استعاره از «جسم، پیکر، بدن، وجود انسان» است. «موج و کشتی» مراعات نظیر دارند. / تلمیح: به آیه‌ی «الست بر بکم، قالوا بلی ...» و نیز به سخن مشهور «کلّ شیء یرجع الی اصله» اشاره می‌کند.
- ۳۲۰۸- گزینه‌ی (۴) «دست روی دست گذاشتن» کنایه از «بی‌توجهی و اقدام نکردن برای انجام کاری» است.
- تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه‌ی (۱) ← «گاه به سرریختن»: نشانه‌ی ناراحتی و عزاداری است.
- گزینه‌ی (۲) ← «پی کردن اسب»: زدن رگ پای اسب و متوقف کردن و بازایستادن آن از حرکت.
- گزینه‌ی (۳) ← «روشن بودن چراغ ذهن» به آگاهی زری اشاره دارد.
- ۳۲۰۹- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴) به «شق‌القمر» معجزه‌ی پیامبر تلمیح دارد، اما گزینه‌های (۱)، (۲)، و (۳)، به بازگشت انسان به سوی خدا اشاره می‌کنند (اشاره به سخن مشهور کل شیء یرجع الی اصله).
- ۳۲۱۰- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳)، شاعر خواهان «انسان کامل» است، ولی در بیت صورت سؤال و گزینه‌های دیگر «بازگشت به عالم معنا» مورد تأکید قرار گرفته است.
- ۳۲۱۱- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) ← بوی خوش زلف یار (جلوه‌های جمال محبوب)، محیط را زیبا و نیکو کرده است.
- ۳۲۱۲- گزینه‌ی (۴) آثار «آتش خاموش، سووشون و جزیره‌ی سرگردانی» از سیمین دانشور است که از این میان، «آتش خاموش» نخستین مجموعه داستان او و «سووشون» مشهورترین اثر وی است.
- ۳۲۱۳- گزینه‌ی (۳) تحذیر از بلندپروازی و دانستن جایگاه و مقام خویش و جلوگیری از راحت‌طلبی و زیاده‌خواهی موج می‌زند در حالی که در سایر گزینه‌ها مفهوم مثبتی از بلند پروازی عارفانه و عاشقانه دیده می‌شود.
- ۳۲۱۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها ← جایگاه انسان بهشت است و باید به بالا برود (آنا لله و انا الیه راجعون)

درس هشتم ادبیات فارسی ۲

- ۳۲۱۵- گزینه‌ی (۴) آدم‌ها و خرچنگ‌ها ← اثر خوزنه دو کاسترو و موضوع آن پایداری و مقاومت در برابر ستم داخلی یا خارجی است.
- نکته: تاریخ ادبیات، هر جای کتاب درسی باشد مهم است. این سؤال از خودآزمایی درس هشتم فارسی ۲ طرح شده.
- ۳۲۱۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← ناپایداری دنیا و رسیدن مرگ
- ۳۲۱۷- گزینه‌ی (۴) * به خودآزمایی درس «تو را می‌خوانم» توجه ویژه‌ای کنید که تاریخ ادبیات مهمی در خویش جای داده است!! (آه آه ...)
- ۳۲۱۸- گزینه‌ی (۲) شعر و داستان مقاومت مرزهای قومی را می‌شکافد و مخاطب آن زرفای وجدان عام بشری است.
- ۳۲۱۹- گزینه‌ی (۲) خانم «هریت بیچراستو» در قرن نوزدهم میلادی می‌زیسته است. این کتاب اثر «پابلونردا» است.
- ۳۲۲۰- گزینه‌ی (۱) دقت کنید پابلونردا شیلیایی است!
- ۳۲۲۱- گزینه‌ی (۳) رجوع کنید به توضیحات درس هشتم!
- ۳۲۲۲- گزینه‌ی (۱) شعر انقلابی و ست‌شکن او راستین، حماسی و بشری است.
- ۳۲۲۳- گزینه‌ی (۳) «اثل مانین» بانوی انگلیسی است. (رجوع به اعلام کتاب)
- ۳۲۲۴- گزینه‌ی (۱) رجوع کنید به اعلام کتاب.
- ۳۲۲۵- گزینه‌ی (۱)

۳۲۲۶- گزینه‌ی (۲) رعت ← رأفت (مهربانی)

۳۲۲۷- گزینه‌ی (۲) این کلمه در آیه‌ی ابتدای درس هشتم آمده است. (لا یحبّ الله الجهر بالسوء...)

۳۲۲۸- گزینه‌ی (۲)

۳۲۲۹- گزینه‌ی (۴) این گزینه مستقیماً اشاره به سرای باقی و روح ندارد و فقط به مرگ اشاره دارد.

۳۲۳۰- گزینه‌ی (۴) آیه‌ی ۱۴۸ سوره‌ی «نساء» است که در ابتدای درس هشتم آمده است.

* معنی آیه: خداوند بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد؛ مگر از آن کس که به وی ستم شده باشد.

۳۲۳۱- گزینه‌ی (۴) همه‌ی آثار به جز «مراغ بهشتی» متعلّق به «فرانتس فانون» و «مراغ بهشتی» متعلّق به «جان اشتاین بک» است.

۳۲۳۲- گزینه‌ی (۲) در بیت گزینه‌ی (۲)، شاعر با التماس، از خداوند، بیماری را درخواست می‌کند تا بلکه محبوب برای پرستاری از او نزدش بیاید، در حالی که پیام عبارت این گزینه، «ایثار و فداکاری» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

بیت گزینه‌ی (۱): دوست دارم، هر حرکت و عملم، کمک به دیگران و حل مشکل آنان باشد.

بیت گزینه‌ی (۳): سوزن، خود برهنه است ولی همواره به دوختن لباس برای برهنگان مشغول است.

بیت گزینه‌ی (۴): بر بخشش و رحمت نسبت به دیگران دلالت می‌کند.

۳۲۳۳- گزینه‌ی (۴) پابلونرودا، شاعر شعر صورت سؤال، به اتخاذ و ایستادگی و این که اتخاذ، دشمن را نابود می‌کند، اشاره دارد و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) نیز به آن اشاره می‌کنند، ولی در گزینه‌ی (۴) چنین مفهومی وجود ندارد.

۳۲۳۴- گزینه‌ی (۳) پابلونرودا از چهره‌های مهم ادب پایداری آمریکای لاتین و از شاعران انقلابی مردم شیلی است و اثر معروف او «انگیزه‌ی نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» است.

از چهره‌های برجسته‌ی ادبیات مقاومت فلسطین می‌توان به غسان کفانی، محمود درویش، جبرا ابراهیم جبرا و ائل مانین اشاره کرد.

۳۲۳۵- گزینه‌ی (۱) مفهوم عبارات «تم»، به این اندیشه‌ی عرفانی که «زندگی جسمانی در این جهان مادی، عاریتی است و زندگی حقیقی در پیوستن به «او» است»، اشاره دارد. این معنی را در ابیات «پ - ت - ج» می‌توان دید.

۳۲۳۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم آیه این است که انسان فریاد اعتراض خود را برای ظلم ستیزی باید نشان دهد که با گزینه‌ی یک همخوانی دارد.

معنی آیه: خدا بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به او ستمی شده باشد.

درس نهم ادبیات فارسی ۲

۳۲۳۷- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۲) ← جواب بدی را با خوبی بده! او قهر می‌نماید تو لطف می‌فرمایی = جواب خار را با گل بده! (معادل: دشنام خلق را ندهم جز دعا جواب)

۳۲۳۸- گزینه‌ی (۳) سرودهای صلح و شادی ← وحی الهی

جوانان ← پیامبران

* این دو ترکیب نشان می‌دهد از نظر شاعر فلسطین سرزمین وحی و پیامبران است.

۳۲۳۹- گزینه‌ی (۴) البته گزینه‌ی (۱) هم چندان بی‌ربط نیست!!

۳۲۴۰- گزینه‌ی (۳) این بیت آرایه‌ی تصدیر دارد و اوّل و آخر بیت (یا تقریباً آخر) بیت کلمه‌ای یکسان است.

* سؤال بسیار ساده‌ای بود و جنبه‌ی کلید سؤالات کنکور آن سال را داشت. (توضیحش مفصل است. بگذریم!!!)

۳۲۴۱- گزینه‌ی (۲) این رباعی می‌گوید که آن افرادی که خردمند و عالم شدند، نتوانستند راز این جهان را کشف کنند و در نهایت مردند. (ناشناخته بودن راز هستی) و گزینه‌ی (۲) نیز همین را بیان می‌کند.

گزینه‌ی (۱) مفهوم گذرا بودن و ناپایداری دارد.

گزینه‌ی (۳) به معشوق می‌گوید که وفای به عهد کن ولی او پاسخ می‌دهد که در این زمانه، وفای به عهد معنی ندارد.

گزینه‌ی (۴) به یأس و ناامیدی اشاره دارد.

۳۲۴۲- گزینه‌ی (۴) به پاسخ تست قبل رجوع شود.

گزینه‌ی (۱) می‌گوید به راهی می‌روم که مرا صدا می‌زند و در نهایت خواهم مُرد.

گزینه‌ی (۲) می‌گوید خواب شیرین صبح‌گاه انسان را از کار باز می‌دارد.

گزینه‌ی (۳) می‌گوید چه بسیار خواب‌هایی است که ظاهری بد دارند، ولی در اصل خوش‌تعبیر است.

۳۲۴۳- گزینه‌ی (۲) صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) می‌گویند هر چه که در باطن است، در ظاهر نمایان می‌شود.

گزینه‌ی (۱) تضاد عقل و عشق را می‌نمایاند.

گزینه‌ی (۳) بیان‌گر ریاکاری مردم است.

گزینه‌ی (۴) به نفی خودبینی و غرور اشاره دارد.

۳۲۴۴- گزینه‌ی (۱) مصراع دوم گزینه‌ی (۱) و صورت سؤال می‌گویند که ظاهر، باطن را می‌نمایاند.

۳۲۴۵- گزینه‌ی (۱) گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) و صورت سؤال، بیان‌گر این است که هر چه در باطن است، ظاهر همان را بازگو می‌کند.

ولی گزینه‌ی (۱) می‌گوید که پیر مغان، راهنمای من به سوی آسمان و ملکوت است. صورت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به تناسب ظاهر و باطن اشاره دارند.

ولی گزینه‌ی (۱) می‌گوید همان‌طور که حلقه‌ی در از درون خانه بی‌خبر است، زبان که چون حلقه‌ی در عمل می‌کند از سرّ درون دل خبری نمی‌تواند بیان کند. (برعکس صورت سؤال است).

۳۲۴۷- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) بیان می‌کند گدا نمی‌تواند ثروتمند و شاه گردد؛ چون مغرور می‌شود و مانند اصل خود که گدایی است، رفتار می‌کند. هم‌چنین گزینه‌های (۲)، (۳) و صورت سؤال به تناسب ظاهر و باطن اشاره دارند.

ولی گزینه‌ی (۴) به نفی هم‌نشینی با بدان و دورویان دعوت می‌کند. (مفهوم گزینه‌ی (۴) برعکس صورت سؤال است).

۳۲۴۸- گزینه‌ی (۱) ایار: ماه سوم بهار / تموز: ماه اوّل تابستان، تیرماه

۳۲۴۹- گزینه‌ی (۱) جفا و وفا: جناس (ناقص اختلافی) / قهر با لطف: طباق (تضاد) / «چور و جفا» با «مهر و وفا»: طباق

۳۲۵۰- گزینه‌ی (۴) جناس ← می‌زاید و می‌آید / سجع ← می‌زاید و می‌آید / ترصیع ← «از» - «آز»، «او» - «من»، «آن» - «این»، «صفت» - «صورت»، «می‌زاید» - «می‌آید»

۳۲۵۱- گزینه‌ی (۲) آذار: ماه اوّل بهار / نیسان: ماهی که بخشی از آن در فروردین و قسمتی از آن نیز در اردیبهشت واقع است. / ایار: ماه سوم بهار / تموز: ماه اوّل تابستان، تیرماه

۳۲۵۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم بقیه‌ی گزینه‌ها و صورت سؤال خوش‌باشی و ناپایداری دنیاست اما مفهوم گزینه‌ی (۲) پرهیز از پیمان‌شکنی و سخنان تند و گزنده است.

۳۲۵۳- گزینه‌ی (۳)

۳۲۵۴- گزینه‌ی (۳) زیبای کوچک (صفت جانشین موصوف است) ← سرزمین زیبای کوچک فلسطین

۳۲۵۵- گزینه‌ی (۳) «پرچم» نماد ملیّت و هویت است.

۳۲۵۶- گزینه‌ی (۳)

جوانی‌مان در تو مانند رؤیا

مشبه مشبّه به

۳۲۵۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم گزینه‌ی (۱): تربیت وحشی را مفید نمی‌دانند. مفهوم گزینه‌ی (۲): نیکی از بدذات، بعید است. مفهوم گزینه‌ی (۳): کار بر روی فرد بی‌ادب، بی‌فایده است. مفهوم گزینه‌ی (۴): تأثیر رفتار خوب بر فرد.

۳۲۵۸- گزینۀ (۳) گزینۀ (۱) ← شکنجۀ فلسطینیان

گزینۀ (۲) ← غارت فلسطینیان

گزینۀ (۳) ← شهادت فلسطینیان

گزینۀ (۴) ← تبعید فلسطینیان

۳۲۵۹- گزینۀ (۲) مفهوم ضرب‌المثلی که در صورت سؤال آمده است «یکسان بودن ظاهر و باطن» است، در حالی که در گزینۀ دوم سخن بر سر «یکسان نبودن ظاهر و باطن» است.

۳۲۶۰- گزینۀ (۱)

گزینۀ (۱): ضرب‌المثل، از کوزه همان برون تراود که در اوست.

گزینۀ (۲): آیه ۱۷ سوره انفال، هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد.

گزینۀ (۳): حدیث، عالم محضر خداست، پس در محضر او گناه نکنید.

گزینۀ (۴): آیه ۱۳ سوره حجر، گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

۳۲۶۱- گزینۀ (۱) معنی عبارت، ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست» می‌باشد.

در گزینۀ نخست نیز شاعر معتقد است سوز دل را می‌توان از سوز سخن دریافت.

۳۲۶۲- گزینۀ (۱) مفهوم بیت اول این است که: شاعر از آشنا و بیگانه سراغ و نشانی یار را می‌جوید.

مفهوم مشترک سه بیت دیگر: بی‌وفایی دنیا و این که همه‌ی ما مجبوریم که از آن دل برگیریم و بگذریم.

۳۲۶۳- گزینۀ (۳)

۳۲۶۴- گزینۀ (۱)

۳۲۶۵- گزینۀ (۳) غذا و تن‌پوش: دارایی‌های مادی

پرچم: هویت ملی

آزادی فلسطینیان را از آن‌ها ربوده‌اند آن‌ها را در زندانی اسیر کرده‌اند و به آن‌ها تهمت زده‌اند که شما سارق و دزد هستید.

شاعر با بیان تلخ و اندوه‌بار می‌خواهد بگوید که آن‌ها سارقند نه فلسطینی‌ها.

۳۲۶۶- گزینۀ (۳) مفهوم «بدی را با خوبی پاسخ دادن و مدارا و ملایمت با مردم» مشترکاً در عبارت صورت سؤال و بیت گزینۀ (۳) وجود دارد.

۳۲۶۷- گزینۀ (۴) بیست گزینۀ (۴) بیانگر این مفهوم است که حتی مرگ دست ظالم را کوتاه نمی‌کند زیرا اگر عقاب (نماد ظالم) بمیرد، بعد از مرگش پره‌ای او به تیر نصب می‌شود و ستم او ادامه پیدا می‌کند، اما مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط، ناپایداری ظلم است.

۳۲۶۸- گزینۀ (۳) سراینده‌ی شعر «در بیابان‌های تبعید» جبرا ابراهیم جبراست که در ناصره دیده به جهان گشود. چند داستان کوتاه نیز از او به عربی و انگلیسی چاپ شده است.

۳۲۶۹- گزینۀ (۲) مفهوم ابیات صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۳) و (۴) بیانگر این مفهوم هستند که همه‌ی انسان‌ها و حتی دانشمندان برجسته از درک اسرار هستی عاجزند. در گزینۀ (۲) شاعر با مؤثر دانستن افسانه‌ی خویش، اشخاص ناپخته را شایسته‌ی درک آن نمی‌داند.

۳۲۷۰- گزینۀ (۲) آذر: ماه اول بهار/ نیسان: از ماه‌های رومی است که بخشی از آن در فروردین و بخشی در اردیبهشت واقع می‌شود. / ایار: ماه سوم بهار/ تموز: ماه اول تابستان

۳۲۷۱- گزینۀ (۴) با شهادت هر مبارز، مبارزان بیش‌تری به میدان خواهند آمد؛ منظور از دانه‌ی خشکیده «مبارز شهیدی» است که خوشش، خوشه‌های تازه‌ای را آبیاری می‌کند و سبب به میدان آمدن مبارزان بیش‌تری می‌شود.

۳۲۷۲- گزینۀ (۱) در بیت‌های صورت سؤال عدم احاطه‌ی بشر بر اسرار خلقت بیان می‌شود، بنابراین گزینۀ (۱) صحیح نیست.

۳۲۷۳- گزینۀ (۱) در صورت سؤال «گل‌های نوش‌گفته» استعاره از جوانان فلسطینی است که شهید شده‌اند و اجساد آن‌ها در تپه‌ها و بیابان‌ها پراکنده است و در گزینۀ (۱) نیز همین مفهوم آمده است.

۳۲۷۴- گزینۀ (۳) مضمون مشترک گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴)، تبعید و سرگردانی فلسطینی‌هاست. گزینۀ (۳) به مباران هواپیماهای اسرائیلی اشاره دارد.

۳۲۷۵- گزینۀ (۲) «شب» نماد ظلم است و ظلم و ظالم هیچ کدام پایدار نیستند. گذران (گذرنده) و گذران (بگذران) جناس تام ایجاد کرده‌اند. دقت کنید که در صورت سؤال تقابل معنایی خواسته شده است یعنی مفهوم برعکس.

۳۲۷۶- گزینۀ (۱) صورت سؤال به عدم تربیت و این که هر که متناسب با ذاتش عمل می‌کند اشاره کرده است. در صورتی که در بیت گزینۀ (۲) به تربیت و تأثیر اشاره شده!

۳۲۷۸- گزینۀ (۱) مفهوم سه گزینۀ دیگر ← عشق، عاشق را رسوا می‌کند و پنهان نمی‌ماند. (ظاهر هر کس نمودی از سرشت و درون اوست). بیت ۳، ۲ و ۴ قرابت معنایی دارد با عبارت زیر:

از کوزه همان برون تراود که در اوست

۳۲۷۹- گزینۀ (۲) گزینۀ‌های (۱)، (۳) و (۴) به ناپایداری مقامات دنیوی و حکومتی اشاره دارند و گزینۀ (۲) به ناپایداری عمر و زندگی اشاره می‌کند.

۳۲۸۰- گزینۀ (۱) مفهوم این بیت، امکان تغییر ذات موجودات است ولی مفهوم سایر ابیات تغییر ذات را غیر ممکن می‌داند (کلّ اناءٍ یترشّح بما فیه).

درس دهم ادبیات فارسی ۲

۳۲۸۱- گزینۀ (۴) گزینۀ ۴ توصیف زن تن‌آلوده است نه پدیده‌های طبیعی! رجوع شود به تاریخ ادبیات درس «دخترک بینوا».

۳۲۸۲- گزینۀ (۴) رجوع کنید به تاریخ ادبیات ابتدای درس.

۳۲۸۳- گزینۀ (۲) «خدایا» مفعول فعل «گفت» است و منادا نیز می‌باشد.

۳۲۸۴- گزینۀ (۴) درخت‌های خاردار مانند بازوهای طویل ← تشبیه/ درخت‌های خاردار مسلّح به چنگال و مهتای گرفتن شکار ← تشخیص (آدم‌نمایی)/ درخت‌های خاردار و خلنگ خشک ← تناسب (مراعات نظیر)/ مسلح و شکار ← تناسب

۳۲۸۵- گزینۀ (۱)

۳۲۸۶- گزینۀ (۳) * «همچون» حرف اضافه است.

* «برافروخته» صفت است، نه متمم!

۳۲۸۷- گزینۀ (۳) سایر گزینۀ‌ها آثار ویکتور هوگو است ولی گزینۀ (۳) اثر لئون تولستوی است.

۳۲۸۸- گزینۀ (۲) * متن درس را بخوانید و ببینید که جنگل تاریک در نظر کوزت چه‌قدر وحشتناک توصیف شده است.

۳۲۸۹- گزینۀ (۳) رجوع شود به خودآزمایی درس.

۳۲۹۰- گزینۀ (۱) موهش ← موحش/ خوار ← خار/ صوت ← سوت/ الم ← غلم/ تینت ← طینت

۳۲۹۱- گزینۀ (۴) در عبارت صورت سؤال، ترس کوزت با شمردن اعداد و شنیدن صدای خود، کمی کاسته می‌شود و باعث می‌شود صورت اشیا را بهتر تشخیص دهد. در گزینۀ (۴) کاملاً برعکس، صائب می‌گوید: با نامه و سخن، اضطراب و ترسش کاسته نمی‌شود.

۳۲۹۲- گزینۀ (۳) شخصیت واقعی «ژان والزان» قهرمانی است که برای شادی دخترک یتیم (کوزت) همه‌چیز خود را به مخاطره می‌اندازد و گزینۀ (۳) هم به همین مفهوم اشاره می‌کند و چنین فردی را خوش‌بخت و سعادتمند می‌داند.

درس یازدهم ادبیات فارسی ۲

۳۲۹۳- گزینۀ (۱) نکته: مائده‌های زمینی اثر آندره ژید است. (البته آندره ژید

۸۲ سال عمر کرده نه ۸۳ سال!)

۳۲۹۴- گزینۀ (۳)

۳۲۹۵- گزینۀ (۴) مفهوم بیت سؤال: ایشار (معنی آیه: و دیگران را بر خود برمی‌گزینند، در حالی که خود نیازمندترند).

مفهوم بیت گزینۀ (۴): بخشیدن و ایثار در حالی که خود مورچه‌ام و نیازمند!

۳۲۹۶- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینۀ‌ها «برتری تجربه و درک و یقین، نسبت به گمان» است.

۳۲۹۷- گزینۀ (۴) صورت سؤال می‌گوید که آن‌چه که علاقه و آرزویش را دارم، مرا به سمت خود می‌کشد و به آن می‌رسم.

ولی گزینۀ (۴) پیروی از آمال دنیوی و تعلقات را نفی می‌کند.

۳۲۹۸- گزینه‌ی (۴) آیه‌ی صورت سؤال و عبارت گزینه‌ی (۴) به ناپیدایی ظاهری خداوند و آگاهی وی از همه‌ی امور اشاره می‌کنند.

۳۲۹۹- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به تاریخ ادبیات درس «مآندهای زمینی».

۳۳۰۰- گزینه‌ی (۱) صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) هر دو می‌گویند که نگاه ما باید زیانگر باشد تا با آن یار را بنگریم، نه این‌که خود آرزوی بهشت و زیبایی را داشته باشیم.

۳۳۰۱- گزینه‌ی (۲) آندره ژید خواندن علم و معرفت و عشق از روی کتاب را کافی نمی‌پندارد، بلکه تجربه و آزمایش آن را با تمام وجود هدف خویش قرار می‌دهد.

۳۳۰۲- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به پایین صفحه‌ی درس یازدهم در کتاب درسی.

۳۳۰۳- گزینه‌ی (۱) سیلاب اشک ← تشبیه و مبالغه / غم و اندوه و اشک و زاری ← تناسب

۳۳۰۴- گزینه‌ی (۲) یعنی هیچ چیز را از او دریغ مکن.

۳۳۰۵- گزینه‌ی (۴) بیت سؤال از سروده‌های مولانا است.

پنهان ز دیده‌ها ← هیچ مخلوقی او را هویدا نمی‌سازد. / همه دیده‌ها از اوست ← هر مخلوقی نشانی از خداست.

۳۳۰۶- گزینه‌ی (۲) خدا از دیده‌ها پنهان است و دیگران او را نمی‌بینند و او بر همه ناظر است.

۳۳۰۷- گزینه‌ی (۳) بیت گزینه‌ی (۳) مفهومی متضاد با سایر گزینه‌ها و صورت سؤال دارد و اینار را به نحوی نفی می‌کند.

۳۳۰۸- گزینه‌ی (۲) خصاصه: نیازمندی / صلوات: ج «صلات»، «درودها» و ... / خاییدن: جویدن، به دندان نرم کردن / تعلل: بهانه‌جویی / قوت: غذا

۳۳۰۹- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) هر دو به تهی‌دست بودن (قحطی غذا) و تنها در اختیار داشتن آب (آن هم به طور فیزیکی، نه معنوی) اشاره دارند.

۳۳۱۰- گزینه‌ی (۱) معنی آیه: «و آنان را، هر چند خود نیازمند باشند، بر خود برمی‌گزینند».

۳۳۱۱- گزینه‌ی (۳)

۳۳۱۲- گزینه‌ی (۴) توجه به پدیده‌های مادی در واقع انسان را از حقیقت و خداوند دور می‌کند، (توجه به غیر خدا باعث دور شدن انسان از خدا و حقیقت می‌شود). این مفهوم در گزینه‌ی (۴) آمده است.

۳۳۱۳- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت این است که خداوند نیازی به اثبات کردن و کشف کردن ندارد. کافی است به عالم بنگریم تا خدا را آشکارا ببینیم. در گزینه‌ی (۴) آندره ژید می‌گوید: ما می‌پنداریم که باید خدا را کشف کنیم، در حالی که خدا نیازی به کشف کردن ندارد و همه جا هست.

۳۳۱۴- گزینه‌ی (۳) در عبارت مورد نظر تأکید بر این است که «تابندگی و ارزش انسان» به واسطه‌ی سوختن است.

به بیان دیگر می‌توان این‌گونه بیان کرد: درست است که اعمال نادرست و کردار ناشایست ما باعث مجازات می‌شوند، اما درخشش و ارزش ما نیز از اعمال درست ماست (رنج و تعب برای تهذیب).

۳۳۱۵- گزینه‌ی (۳)

۳۳۱۶- گزینه‌ی (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳) بیانگر «عدم اختیار» است.

مفهوم صورت سؤال بیانگر تعلّق و دلبستگی به زیبایی‌ها و وابستگی‌های دنیوی است، ولی گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) بیانگر این هستند که نباید به چیزی دلبستگی و تعلّق داشته باشیم.

۳۳۱۷- گزینه‌ی (۱) مفهوم عبارت داده شده بسیار نزدیک به اصل وحدت وجود یا تجلی جلوه‌ی الهی در تمام عالم آفرینش است. این معنی در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) آمده است. در گزینه‌ی (۱) به وحدت وجود اشاره‌ای نشده است.

۳۳۱۸- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) مفهوم مشترک این است که خدا را می‌توان در همه‌جا یافت، اما در گزینه‌ی (۲)، موضوع جلوه کردن خداوند در همه‌جا مطرح نشده است.

۳۳۱۹- گزینه‌ی (۲) معنی آیه: «و آنان را، هر چند خود نیازمند باشند، بر خود برمی‌گزیند» ← مفهوم آیه اینار و از خودگذشتگی است که معنی مقابل خودخواهی و خودپرستی است که در گزینه‌ی (۲) دیده می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← ساقی مرا به خودفراموشی برسان. / گزینه‌ی (۳) ← در راه خدا، از خود گذشته و اینار گر باش. / گزینه‌ی (۴) ← در راه عشق، باید خود و تعلقات را فراموش کرد.

۳۳۲۰- گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال توصیه شده است که بینش عمیق داشته باشیم و توجه ما به زیبایی‌هایی باشد که در عمق هر چیز نهفته است و ظاهربین نباشیم و در گزینه‌ی (۳) نیز سعدی معتقد است فرد حقیقت‌جو، همان زیبایی‌هایی را که در زیبارویان می‌بیند در شتر نیز ادراک می‌کند، زیرا محقق، صاحب بصیرت و بینش است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← فقط دوست، شایسته‌ی عشق ورزیدن است. / گزینه‌ی (۲) ← شاعر خطاب به فرزندش می‌گوید که روزگار، باغ و من، درخت و تو میوه‌ی این درخت هستی. / گزینه‌ی (۴) ← خود را بشناس.

۳۳۲۱- گزینه‌ی (۳) در عبارت «آندره ژید» آمده است که خداوند همه‌جا هست و تمام پدیده‌های هستی، نشان‌دهنده‌ی وجود خداوند هستند. این مفهوم در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) دیده می‌شود، اما در گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت، تکراری بودن جهان و ملول بودن از یک‌نواختی است.

۳۳۲۲- گزینه‌ی (۱) مفهوم سؤال: اینار و از جان گذشتگی
دقت کنید گزینه‌ی (۲) «مدارا کردن با دشمنان» / گزینه‌ی (۳) «درویش‌نوازی» / و گزینه‌ی (۴) «حسن خلق» است.

۳۳۲۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم آیه اینار و برگزیدن دیگران بر خود در عین نیازمندی است که در بیت‌های «ب و ج» این مفهوم تکرار شده است.

درس دوازدهم ادبیات فارسی ۲

۳۳۲۴- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک ← در روز قیامت هم عاشق به دنبال معشوق است.

۳۳۲۵- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و جواب ← پس از مرگ و در قبر نیز به یاد تو و عاشق تو هستم.

۳۳۲۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۴) ← با وجود معشوق، دیگر بهشت را نمی‌خواهم!

۳۳۲۷- گزینه‌ی (۴) بیت سؤال و گزینه‌های دیگر به نارضایتی از بهشت بی‌یار اشاره دارند و خود معشوق را مقصود می‌دانند، نه بهشت معشوق.

۳۳۲۸- گزینه‌ی (۱) بیت سؤال و سایر گزینه‌ها به تداوم عشق آن‌ها نسبت به معشوق حتی پس از مرگ اشاره دارند.

* گزینه‌ی (۱) لذت بی‌معشوق را حرام می‌داند.

۳۳۲۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳) و صورت سؤال هر دو می‌گویند که بهشت مقصود نیست، بلکه خود معشوق غایت سفر عشق است.

۳۳۳۰- گزینه‌ی (۳) تشبیه: چون شمع / مراعات التّظیر: شمع، موم / تضاد: موم، سنگ خارا

۳۳۳۱- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳) و صورت سؤال به درویش‌نوازی در اّتام توانمندی اشاره دارند.

۳۳۳۲- گزینه‌ی (۴) «رند» در لغت فردی لایبالی است که در ظاهر «پارسا» تناقض دارد ولی منظور حافظ از رند فردی زیرک ولی در عین حال نیک‌سیرت است.

۳۳۳۳- گزینه‌ی (۱) جمله‌ی پایانی بیت گزینه‌ی (۱)، خطاب به خود شاعر (سعدی) است.

۳۳۳۴- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال و سایر گزینه‌ها هدف اصلی را خود معشوق و نه بهشت او می‌دانند.

۳۳۳۵- گزینه‌ی (۳) بو ← ۱- رایحه ۲- امید و آرزو

۳۳۳۶- گزینه‌ی (۳) رجوع شود به توضیحات درس دوازدهم.

۳۳۳۷- گزینه‌ی (۲) دو مصراع اول قافیه دارند، پس قطعه نیست. قصیده نیز معمولاً بیش از ۱۵ بیت است. مثنوی نیز بیش‌تر برای سرودن داستان‌ها و مطالب طولانی کاربرد دارد.

۳۳۳۸- گزینه‌ی (۴) رجوع کنید به تاریخ ادبیات ابتدای درس دوازدهم کتاب.

۳۳۳۹- گزینه‌ی (۳) جملات: ۱- کل مصراع اول ۲- به گفت و گوی تو خیزم ۳- به جست و جوی تو باشم.

* «گفت و گو» و «جست و جو» اسم هستند، نه فعل.

۳۳۴۰- گزینه‌ی (۱)

۳۳۴۱- گزینه‌ی (۱) رجوع کنید به توضیح قبل از شعر «دل می‌رود ز دستم» در کتاب!

در گزینه‌ی (۴) نیز سعدی می‌گوید: در محفلی که زیبارویان دو جهان جمع شوند، من فقط به تو می‌نگرم و شیفته‌ی چهره‌ی زیبای تو هستم (یکناپرستی در عشق - شیفتگی - وفاداری - پاکبازی عاشق ← خدایا تو از زیبارویان دو جهان زیباتری و من فقط شیفته و دل‌باخته‌ی تو هستم و لاغیر).

۳۳۵۹- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت نخست: تو از حوریان بهشتی زیباتری. مفهوم سه بیت دیگر: بهشت و زیبایی‌هایش در برابر عشق تو ای خدا، برای من جلوه و جاذبه‌ای ندارد. مفهوم گزینه‌ی (۴) ← عاشق برای معشوق همه کار می‌کند! در سه گزینه فدا کردن نعمت‌های بهشت و جهان آخرت مورد نظر است.

در گزینه‌ی (۲) توجه کامل عاشق نسبت به معشوق مورد نظر است.

۳۳۶۲- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۴) علت مدارا و مهربانی را جلوگیری از گزند دشمن می‌داند حال آن‌که در بقیه‌ی ابیات نرمی و مهربانی ذات نیکوی شاعر و آسوده زیستن به حساب می‌آورد.

۳۳۶۴- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) بیانگر نفی اختیار هستند و «جبرگرایی و تقدیر» را توجیه می‌کنند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): ای سعدی! بر کسی که از می عشق مست است، خرده مگیر، تو نیز اگر عاشق شوی، مست می‌گردد.

گزینه‌ی (۲): با مدعی بگو ما خود مغلوب و شکست خورده‌ایم، نیازی به مبارزه با ما نیست. گزینه‌ی (۴): مردان خدا (عارفان) راستی پیشه کردند و گفتند که ای فقیه در ابتدا نفس خود را نصیحت کن.

۳۳۶۵- گزینه‌ی (۲) البته این گزینه هم چندان بی‌ربط نیست!!

۳۳۶۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال «اغتنام فرصت» است که در گزینه‌ی (۲) نیز وجود دارد.

۳۳۶۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) فاش شدن راز عشق است، اما مفهوم بیت گزینه‌ی (۴)، نگفتن راز به دیگران است.

۳۳۶۸- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۲) ← ما چون گناه‌کار هستیم، مستحق کرامتیم، بنابراین بهشت نصیب ماست.

مفهوم گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) ← خدایا، خودت را بر بهشت و همه‌ی پدیده‌های ترجیح می‌دهم.

۳۳۶۹- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به عهدشکنی و بی‌وفایی معشوق اشاره دارند. در گزینه‌ی (۲) به وفاداری عاشق اشاره شده است.

۳۳۷۰- گزینه‌ی (۳) در بیت مورد سؤال و گزینه‌ی (۳)، به غیر ارادی بودن عشق خداوندی تأکید شده است.

۳۳۷۱- گزینه‌ی (۲) مراعات نظیر ← «آینه و نگریستن و عرضه داشتن»/ تشبیه ← جام می‌ماند آینه‌ی اسکندر است. / ایهام ← «دارا» دو معنا دارد: ۱- شخص ثروتمند ۲- داریوش سوم پادشاه هخامنشی/ تلمیح ← «آینه‌ی اسکندر» که بر فراز شهر اسکندریه نصب شده بود و «جام می» تلمیح دارد به جام جمشید که با نگریستن در آن از قلمرو خود باخبر می‌شده است و نیز شکست داریوش سوم پادشاه هخامنشی از اسکندر مقدونی.

۳۳۷۲- گزینه‌ی (۲) «بو»، فقط در معنای رایحه آمده است.

گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) ← «بو» ایهام به دو معنا دارد: ۱- رایحه / ۲- آرزو

۳۳۷۳- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال اشاره به یکناپرستی عاشق دارد و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) نیز نهایت شیفتگی و پاک‌بازی عاشق به معشوق را بیان می‌کنند. ولی گزینه‌ی (۴) اشاره به این می‌کند که محبوب، ما را به سوی خویش جذب می‌کند.

۳۳۷۴- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱): نشاط حیات/ گزینه‌ی (۳): تعلق جان آدمی به عالم معنا/ گزینه‌ی (۴): پنهان نماندن راز عشق/ گزینه‌ی (۲): مصراع نخست ← درویش نوازی، مصراع دوم ← عدم اظهار نیاز به درویش

۳۳۷۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم سؤال: ناپایداری دنیا و اغتنام فرصت

مفهوم سایر گزینه‌ها: ناپایداری و زودگذری دنیا

مفهوم گزینه (۳): طلب یاری از معشوق

۳۳۴۲- گزینه‌ی (۳) جملات: ۱- دی می‌شد ۲- گفتم ۳- صنما (منادا) ۴- عهد به جای آر ۵- گفتا ۶- غلطی ۷- خواجه (منادا) ۸- در این عهد وفا نیست مفعول‌ها: ۱- «صنما عهد به جای آر» برای فعل گفتم ۲- «غلطی خواجه در این عهد وفا نیست» برای فعل گفتا ۳- «عهد» برای فعل «به‌جای آر»

۳۳۴۳- گزینه‌ی (۱)

این بیت دو تشبیه دارد: ۱- سرکش مشو که تو را چون شمع از غیرت بسوزد ۲- دلبر مشبه مشبه‌به

که در کف او سنگ خارا [چون] موم است.

مشبه مشبه‌به

* در گزینه‌های دیگر اجزای دو تشبیه مختلف آمده است.

۳۳۴۴- گزینه‌ی (۳) در بیت (پ)، شیرین ← ۱- خوش ۲- معشوقه‌ی فرهاد در بیت (ت)، صحبت بدنامی چند ← هم‌نشینی با چند بدنام ۲- حرف انسان‌های بدنام ۳۳۴۵- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳) تأکید دارد بر «طی نمودن راه‌های سخت با کمک یاد خدا و سرزنش غرور و تکبر».

۳۳۴۶- گزینه‌ی (۱) «را» در گزینه‌ی (۱) حرف اضافه است به معنی «به» (روزی تفقد کن «به» درویش بی‌نوا)، اما «را» در سه گزینه‌ی دیگر نشانه‌ی مفعول است.

۳۳۴۷- گزینه‌ی (۲) سنگ خارا، نماد سختی و موم، نماد نرمی است.

۳۳۴۸- گزینه‌ی (۴)

۳۳۴۹- گزینه‌ی (۳) سایر گزینه‌ها به تحمل سختی‌ها در راه عشق اشاره دارد. اما مفهوم گزینه‌ی (۳) چنین است: فقط من عاشق تو نیستم، بلکه عاشقان تو بسیارند. ۳۳۵۰- گزینه‌ی (۴) سایر گزینه‌ها، اشاره‌ای است به این‌که آرزوی عاشق، خاک در گاه معشوق شدن است و بس. در حالی که گزینه‌ی (۴) به ترک معشوق و ناراحتی از دوری اشاره دارد.

۳۳۵۱- گزینه‌ی (۴) بیت سؤال و گزینه‌ی (۴) این مفهوم را می‌رساند که عاشق حقیقی خدا حتی در قیامت و بهشت و در برابر انبوه لذات هم غایت و نهایت حقیقی تمام آمال را جست‌وجو می‌کند و آن، چیزی نیست جز ذات خدا و معشوق.

۳۳۵۲- گزینه‌ی (۲) در مصراع صورت سؤال حافظ از خود سلب اختیار می‌کند و می‌گوید: وضعیت موجود به اختیار من نیست. در بیت دوم نیز سنایی، ارکان (اعضای بدن انسان و ارکان چهارگانه) را در نظام هستی هیچ‌کاره می‌داند و خدا را سلسله‌چنان تمام اتفاقات می‌داند.

۳۳۵۳- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) بر مغتنم شمردن زمان اشاره شده است، اما در گزینه‌ی (۱) بر خوش بودن و رضایت و خرسندی در هنگام فقر و گرفتاری اشاره شده است.

۳۳۵۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): کسی که از عشق یار (خداوند) مست است، نیازی به مستی شراب ندارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): دعوت به خوش بودن در هنگام بهار

گزینه‌ی (۲): مستی عشق از مستی شراب پایدارتر است (مستی شراب تا روز بعد است، مستی عشق تا روز حشر)

گزینه‌ی (۴): ترجیح دادن کوی خرابات بر بهشت

۳۳۵۵- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه: کافی نبودن بهشت و جهنم برای پاداش یا کیفر بندگان.

مفهوم بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ترجیح یار (خداوند) بر بهشت و نعمت‌های آن.

۳۳۵۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): خیال معشوق همواره در نظر عاشق است. مفهوم بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: برتر دانستن معشوق بر همگان

۳۳۵۷- گزینه‌ی (۲) بایاداری و دوام عشق در عشق‌ورزی چنان است که او محبت و عشق را در گور هم همراه خود می‌برد تا حدی که حتی از ذرات استخوان جسم مرده‌اش عشق می‌بارد.

۳۳۵۸- گزینه‌ی (۴) سعدی در بیت صورت سؤال می‌گوید: من از بهشت سخن نمی‌گویم، گل‌های بهشتی را نمی‌بویم و به دنبال زیبایی فرشتگان نیستم بلکه مشتاقانه به جانب تو حرکت می‌کنم (خدایا من طالب تو هستم و تو را می‌خواهم نه نعمت‌های تو را - خلوص عشق - آرزوی وصال محبوب و دل‌بریدن از هر چه غیر اوست).

۳۳۷۶- گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴): بهشت و جهنم مهم نیست. معشوق مهم است. اما در گزینه (۲) سختی‌ها با وجود معشوق آسان است!

۳۳۷۷- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← عاشق به دنبال کامیابی نیست و فقط خود معشوق را می‌خواهد.

۳۳۷۸- گزینه‌ی (۲) الف ← حسن خلق و با دشمنان مدارا/ ب ← گوشه‌گیری و عزلت‌گزینی/ ج ← ترک تعلقات و وارستگی/ د ← تسلیم در مقابل معشوق/ ه ← تسلیم در مقابل معشوق/ و ← آزادی و ترک تعلقات

۳۳۷۹- گزینه‌ی (۲) آرایه‌های هر بیت به ترتیب عبارت است از: گزینه‌ی (۱) ← دل از دست رفتن: کنایه/ پنهان و آشکار: تضاد و (طباق)/ دست و دل: تناسب

گزینه‌ی (۲) ← ای باد شرطه: تشخیص/ ما مثل کشتی شکستگانیم: تشبیه/ باز: ابهام دارد: ۱- دوباره و مجدداً ۲- آشکار و گشوده/ بین باد و باز جناس ناقص اختلافی هست. دقت کنید که در این بیت دیدار فقط در معنای چهره است و به هیچ وجه ابهام ندارد.

گزینه‌ی (۳) ← مهر: ابهام تناسب دارد: ۱- محبت ۲- خورشید که با گردون در تناسب است و پذیرفتنی نیست. / بین روز و مهر در معنای خورشید، تناسب برقرار است. / بین یارا و یاران جناس ناقص افزایشی دیده می‌شود.

گزینه‌ی (۴) ← هنگام تنگدستی که نمی‌توان در عیش و مستی کوشید: پارادوکس/ کیمیای هستی: استعاره از عیش و مستی/ گدا مثل قارون شود: تشبیه دارد

درس سیزدهم ادبیات فارسی ۲

۳۳۸۰- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت سؤال ← همه چیز از خداست و نباید به جای اصل، چیزها را از واسطه‌ها و فرع‌ها دانست.

مفهوم گزینه‌ی (۱) ← نوری که سرمنشأ آن خورشید است نباید از خاک تیره بجویی (توجه به اصل به جای فرع)

۳۳۸۱- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سایر ابیات ← مانع رسیدن به معشوق، خودی و وجود عاشق است و باید خودی را کنار بگذارد تا به معشوق برسد.

مفهوم گزینه‌ی (۱) ← شرط رسیدن به معشوق، کشیده شدن از جانب معشوق است.

۳۳۸۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و ابیات ب و ج و ه ← شرط رسیدن به معشوق ترک خودی و خودخواهی و وجود برای خود قائل شدن و گذشتن از تعلقات دنیایی است.

مفهوم بیت الف ← خودشناسی مقدمه‌ی رسیدن به بزرگی است و همه چیز در خود ماست.

مفهوم بیت د ← ترک غرور

۳۳۸۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات ← سختی الآن، آرامش و راحتی بعد را در پی خواهد داشت.

۳۳۸۴- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← مفهوم مشترک (ب) و (د): گذران دنیا و تغییر احوال آن

گزینه‌ی (۳) ← مفهوم مشترک (ه) و (الف): از مردم چیزی نخواه و فقط از خدا بخواه

گزینه‌ی (۴) ← مفهوم مشترک (ج) و (و): از بین رفتن و مردن پادشاهان

مفهوم بیت (ب) ← گذران خوب و بد روزگار

مفهوم بیت (ه) ← از مردم چیزی نخواه و از خدا بخواه و نیز علام‌الغیوب بودن خداوند

۳۳۸۵- گزینه‌ی (۳) «در پی هر بالا رفتنی، پایین آمدنی است!!»

۳۳۸۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← شرط رسیدن و دیدن معشوق ترک خودخواهی و خودی را کنار گذاشتن است.

۳۳۸۷- گزینه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال و سایر ابیات: در میدان بودن و تلاش کردن برای رسیدن به توفیق!

مفهوم بیت (۱): دعوت به تواضع

۳۳۸۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۳): رها کردن و پشت پا زدن به دنیا و تعلقات آن باعث رستگاری و دیدن و رسیدن به جهان حقیقی می‌شود!

۳۳۸۹- گزینه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال: از جان گذشتگی در راه عشق مایه‌ی سود آن جهانی می‌باشد.

۳۳۹۰- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به ناپایداری ثروت‌ها و مقام‌های دنیوی اشاره دارند.

مفهوم گزینه‌ی (۴) به افتادگی و تواضع و نداشتن غرور اشاره دارد.

۳۳۹۱- گزینه‌ی (۲) هر دو بیت به «اعتقاد به همه جا بودن و حاضر بودن خدا» تأکید دارد.

۳۳۹۲- گزینه‌ی (۳) خدا روزی رسان است و نباید از مردم چیزی خواست.

۳۳۹۳- گزینه‌ی (۲) مصراع دوم بیت گزینه‌ی (۲) و حدیث صورت سؤال، به مفهوم نرفتن به سوی گناه در صورت احساس حضور در پیشگاه خدا اشاره دارد.

۳۳۹۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) به توجه به رابطه‌ی علت و معلولی بین پدیده‌ها و درک درست علت و عامل اصلی هر پدیده اشاره دارد.

۳۳۹۵- گزینه‌ی (۴) گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به ناپایداری ثروت‌ها و مقام‌های دنیوی اشاره دارند.

گزینه‌ی (۴) به توجه به رابطه‌ی علت و معلولی بین پدیده‌ها و درک درست علت و عامل اصلی هر پدیده اشاره دارد.

۳۳۹۶- گزینه‌ی (۲) ابدال ← اولیاء الله، مردان خدا، نیک مردان/ عنان گیر ← زمام‌دار و هدایت‌کننده/ هم‌عنان ← هم‌سنگ، همراه

۳۳۹۷- گزینه‌ی (۳) ابیات صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) به لزوم ترک تعلقات مادی و فنا شدن در راه حق برای رسیدن به خدا اشاره دارد.

۳۳۹۸- گزینه‌ی (۲) با توجه به مقدمه‌ی شعر «باغ عشق» از درس ۱۳ ادبیات ۲

۳۳۹۹- گزینه‌ی (۲) هر دو بیت به توجه به تأثیر و اهتیت کمک‌های الهی و قدرت و اراده‌ی خداوندی در کارها اشاره دارد.

۳۴۰۰- گزینه‌ی (۲) عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۲) به لزوم ترک تعلقات مادی و فنا شدن در راه حق برای رسیدن به خدا اشاره دارد.

۳۴۰۱- گزینه‌ی (۴) هر دو بیت به توجه به عامل و علت اصلی پدیده‌ها و رابطه‌ی علت و معلولی میان آن‌ها تأکید دارد و بیان می‌کند که در این دنیا همه چیز از خداست.

۳۴۰۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک هر دو بیت: عشق مایه‌ی سعادت و خوشبختی است.

البته گزینه‌ی (۱) هم بی‌ربط نیست ولی گرفتن نتیجه را به فردا (آن جهان) موکول کرده است، در حالی که در صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) چنین قیدی وجود ندارد.

۳۴۰۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک هر دو بیت توجه به رابطه‌ی علت و معلولی میان پدیده‌ها و درک درست عامل و علت اصلی آن‌هاست.

۳۴۰۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال به ناپایداری ثروت‌ها و مقام‌ها و خوشی‌های دنیوی و اعتقاد به این که بهار هر پدیده‌ای، خزانی در پیش دارد، اشاره دارد.

۳۴۰۵- گزینه‌ی (۱) «زندان» استعاره از دنیای مادی/ «چاه ظلمانی» استعاره از دنیای مادی

۳۴۰۶- گزینه‌ی (۲) بیت بر توجه به رابطه‌ی علت و معلولی میان پدیده‌ها و درک و گزینش درست اصل به جای فرع تأکید دارد.

۳۴۰۷- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به مقدمه‌ی شعر «باغ عشق» در درس ۱۳ ادبیات ۲.

۳۴۰۸- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)، صفات این‌گونه ساخته شده‌اند: اسم + بن مضارع (و هر سه صفت فاعلی مرکب مرتخم هستند).

۳۴۰۹- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به «آورده‌اند که ...» درس ۱۳.

۳۴۱۰- گزینه‌ی (۴) چون هر دو مصراع بیت اول قافیه دارد، پس قطعه نیست.

۳۴۱۱- گزینه‌ی (۱) جانی: از سوی جان (ی) در «جانی» یای قیدساز است یا به جای تنوین= جانا

۳۴۱۲- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به ابتدای درس باغ عشق.

۳۴۱۳- گزینه‌ی (۳) ابدال سه مفرد دارد: ۱- بَدَل ۲- بَدَل ۳- بَدیل/ بنان: انگشت/ ادبار: نگویند، مقابل اقبال/ ودود: بسیار مهربان و دوست‌دارنده

۳۴۱۴- گزینه‌ی (۴) ابدال: جمع بَدَل یا بَدَل یا بَدیل به معنای اولیاءالله، مردان خدا، نیک‌مردان

ادبار: پشت کردن، بدبختی

ودود: بسیار مهربان، بسیار دوست‌دارنده، صفتی از صفات خدای تعالی

اقبال: روی آوردن، خوشبختی

کبریا: عظمت، بزرگی

* اقبال ≠ ادبار

۳۳۷۶- گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴): بهشت و جهنم مهم نیست. معشوق مهم است. اما در گزینه (۲) سختی‌ها با وجود معشوق آسان است!

۳۳۷۷- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← عاشق به دنبال کامیابی نیست و فقط خود معشوق را می‌خواهد.

۳۳۷۸- گزینه‌ی (۲) الف ← حسن خلق و با دشمنان مدارا/ ب ← گوشه‌گیری و عزلت‌گزینی/ ج ← ترک تعلقات و وارستگی/ د ← تسلیم در مقابل معشوق/ ه ← تسلیم در مقابل معشوق/ و ← آزادی و ترک تعلقات

۳۳۷۹- گزینه‌ی (۲) آرایه‌های هر بیت به ترتیب عبارت است از: گزینه‌ی (۱) ← دل از دست رفتن: کنایه/ پنهان و آشکار: تضاد و (طباق)/ دست و دل: تناسب

گزینه‌ی (۲) ← ای باد شرطه: تشخیص/ ما مثل کشتی شکستگانیم: تشبیه/ باز: ابهام دارد: ۱- دوباره و مجدداً ۲- آشکار و گشوده/ بین باد و باز جناس ناقص اختلافی هست. دقت کنید که در این بیت دیدار فقط در معنای چهره است و به هیچ وجه ابهام ندارد.

گزینه‌ی (۳) ← مهر: ابهام تناسب دارد: ۱- محبت ۲- خورشید که با گردون در تناسب است و پذیرفتنی نیست. / بین روز و مهر در معنای خورشید، تناسب برقرار است. / بین یارا و یاران جناس ناقص افزایشی دیده می‌شود.

گزینه‌ی (۴) ← هنگام تنگدستی که نمی‌توان در عیش و مستی کوشید: پارادوکس/ کیمیای هستی: استعاره از عیش و مستی/ گدا مثل قارون شود: تشبیه دارد

درس سیزدهم ادبیات فارسی ۲

۳۳۸۰- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت سؤال ← همه چیز از خداست و نباید به جای اصل، چیزها را از واسطه‌ها و فرع‌ها دانست.

مفهوم گزینه‌ی (۱) ← نوری که سرمنشأ آن خورشید است نباید از خاک تیره بجویی (توجه به اصل به جای فرع)

۳۳۸۱- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سایر ابیات ← مانع رسیدن به معشوق، خودی و وجود عاشق است و باید خودی را کنار بگذارد تا به معشوق برسد.

مفهوم گزینه‌ی (۱) ← شرط رسیدن به معشوق، کشیده شدن از جانب معشوق است.

۳۳۸۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و ابیات ب و ج و ه ← شرط رسیدن به معشوق ترک خودی و خودخواهی و وجود برای خود قائل شدن و گذشتن از تعلقات دنیایی است.

مفهوم بیت الف ← خودشناسی مقدمه‌ی رسیدن به بزرگی است و همه چیز در خود ماست.

مفهوم بیت د ← ترک غرور

۳۳۸۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات ← سختی الآن، آرامش و راحتی بعد را در پی خواهد داشت.

۳۳۸۴- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← مفهوم مشترک (ب) و (د): گذران دنیا و تغییر احوال آن

گزینه‌ی (۳) ← مفهوم مشترک (ه) و (الف): از مردم چیزی نخواه و فقط از خدا بخواه

گزینه‌ی (۴) ← مفهوم مشترک (ج) و (و): از بین رفتن و مردن پادشاهان

مفهوم بیت (ب) ← گذران خوب و بد روزگار

مفهوم بیت (ه) ← از مردم چیزی نخواه و از خدا بخواه و نیز علام‌الغیوب بودن خداوند

۳۳۸۵- گزینه‌ی (۳) «در پی هر بالا رفتنی، پایین آمدنی است!!»

۳۳۸۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سؤال و سایر ابیات ← شرط رسیدن و دیدن معشوق ترک خودخواهی و خودی را کنار گذاشتن است.

۳۳۸۷- گزینه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال و سایر ابیات: در میدان بودن و تلاش کردن برای رسیدن به توفیق!

مفهوم بیت (۱): دعوت به تواضع

۳۳۸۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۳): رها کردن و پشت پا زدن به دنیا و تعلقات آن باعث رستگاری و دیدن و رسیدن به جهان حقیقی می‌شود!

۳۳۸۹- گزینه‌ی (۱) مفهوم صورت سؤال: از جان گذشتگی در راه عشق مایه‌ی سود آن جهانی می‌باشد.

۳۳۹۰- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به ناپایداری ثروت‌ها و مقام‌های دنیوی اشاره دارند.

مفهوم گزینه‌ی (۴) به افتادگی و تواضع و نداشتن غرور اشاره دارد.

۳۴۱۵- گزینه‌ی (۳) کمنند شوق: اضافه‌ی تشبیهی/کنگره‌ی کبریا: اضافه‌ی استعاره‌ی/کل عبارت کنایه است از این که: «با شوق و عشق بسیار می‌توان به سیر و سلوک در عظمت و بزرگی یگانه‌ی هستی پرداخت.»

۳۴۱۶- گزینه‌ی (۲) شاعر بی‌مقدمه یعنی بدون آوردن تغزل به اصل موضوع پرداخته و فقط تنه‌ی اصلی را آورده است.

۳۴۱۷- گزینه‌ی (۳) مصراع دوم تلمیح به «عَلَامُ الْغُیُوب» بودن خدا دارد. همچنین تلمیح دارد به «العالم محضر الله لا تعصوا فی محضره»

تکرار: «چون و چون» و «او و او»

جناس (ناقص اختلافی): «عیب و غیب»

۳۴۱۸- گزینه‌ی (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): «هر آن کسی که جان می‌دهد.» (خدا) نان می‌دهد دقیقاً این مفهوم در بیت سؤال نیز هست که خداوند مال ده است و از غیر او خواستن، روا نیست.

۳۴۱۹- گزینه‌ی (۴) بیت گزینه‌ی (۴) بر این نکته تأکید دارد که عوامل ظاهری را باید رها کرد و به عامل اصلی باید توجه کرد. دقیقاً همان معنایی که در بیت سؤال آمده است؛ هر دو بیت اشاره‌ی مستقیم به این آیه دارند: «و ما رَمِیتْ إِذْ رَمَیتْ وَلَکِنَّ اللَّهَ رَمَی»

۳۴۲۰- گزینه‌ی (۱) بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) مفهومشان ترک تعلقات و نیست شدن در راه عشق است تا به محبوب برسی. اما بیت گزینه‌ی (۱) مفهومش این است که هر مقامی داشته باشی سرانجام خواهی مُرد!

۳۴۲۱- گزینه‌ی (۴) بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) بر این مفهوم مشترک دلالت دارند که عالم عشق، عالم زیبایی‌ها و آرامش است.

۳۴۲۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک ← از خودگذشتن و ترک خود و خودبینی

۳۴۲۳- گزینه‌ی (۴) معنی آیه: تو تیر نزدی وقتی تیر می‌زدی، بلکه خدا تیر می‌زد. (همه‌ی کارها از خداست.)

۳۴۲۴- گزینه‌ی (۳) چاشت: بخش نخست روز، صبح

۳۴۲۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): ناپایداری و زوال‌پذیری قدرت دنیایی

مفهوم سایر ابیات:

گزینه‌ی (۱): هراس نداشتن پاکان از کم‌مایگان

گزینه‌ی (۲): همراه بودن غم و شادی در این جهان (نیش و نوش دنیا)

گزینه‌ی (۴): ناتوانی انسان از شناختن کائنات

۳۴۲۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم گزینه: پاک‌بازی عاشق (بی‌فایده بودن تلاش عاشق حتی با باختن دین و دنیا)

مفهوم بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: فریب جهان ناپایدار را نخوردن (ناپایداری و زوال‌پذیری دنیا)

۳۴۲۷- گزینه‌ی (۲)

مفاهیم «که این آن نوبه‌اری نیست کش بی‌مهرگان بینی»:

(۱) هر ثروتی را فقری در کمین است.

(۲) هر قدرتی را زوالی در پس است.

(۳) هر شکفتنی به افسردن می‌انجامد (زور و زر ناپایدار است).

مرجع «این» در مصراع دوم «زور و زر» است.

۳۴۲۸- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال این است که اگر امروز در این دنیا در راه عشق آسیب و زبانی بینی، در آینده سود فراوان خواهی برد و در گزینه‌ی (۴) نیز شاعر معتقد است، شهادت در راه عشق، زندگی می‌بخشد که همان سودِ مرگ عاشقانه است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): به فکر سود و زیان مادی نباش و سرمایه‌ی عمرت را قدر بدان.

گزینه‌ی (۲): مقصود اصلی ما کسب رضایت توست.

گزینه‌ی (۳): ترسی از آتش قیامت ندارم که جامم لبریز از آب (شراب) است.

۳۴۲۹- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← فنا شدن، شرط رسیدن به معشوق است.

۳۴۳۰- گزینه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال شاعر می‌گوید: افرادی ملک آخرت را به دنیا برگزیدند که سختی‌ها را سود دانستند. در گزینه‌ی (۲) نیز شاعر معتقد است که نتیجه‌ی رنج‌های این جهانی، سود و سرمایه‌ای ارزشمند است که فردا نصیب تو می‌شود.

۳۴۳۱- گزینه‌ی (۳) در مصراع گزینه‌ی (۳)، هیچ اشاره‌ای به اغتام فرصت نشده و تنها ناپایداری دنیا بیان شده است.

۳۴۳۲- گزینه‌ی (۳) معنای آیه: «هنگامی که تیر را افکندی نه تو بلکه خداوند افکند.» (انفال/۱۷) معنای حدیث: «عالم همه محضر خداوند است در آن گناه و معصیت نکنید.» که به ترتیب با ابیات (ب) و (پ) تناسب دارند.

بیت (ب) ← از خداوند بدان، نه از اعضای بدن یا عناصر چهارگانه (آب، باد، خاک و آتش) که این نشان‌دهنده‌ی سطحی‌نگری است که خطی که از خرد و اندیشه‌ی آدمی سرچشمه می‌گیرد از انگشتان دانسته شود.

بیت (پ) ← چنان چه او را روزی دهنده می‌دانی، چرا از خلق طلب بخشش داری و چنان چه او را آگاه به عالم غیب می‌دانی، چرا به سوی عیب گام برمی‌داری؟

بیت (الف) ← به ناپایداری مقام و دولت اشاره دارد.

بیت (ث) ← اگر عشق الهی راهنمای انسان باشد، او را با مردان خدا همراه می‌سازد. شاعر در صورت سؤال می‌گوید: اگر می‌خواهی به دوست برسی باید از خود جدا شوی و ترک خود گویی، ولی شاعر در گزینه‌ی (۲) می‌گوید:

ای ساقی با شراب خود ما را به فناء فی‌الله برسان.

گزینه‌ی (۱) ← از غبار جسم پاک شوی. / گزینه‌ی (۳) ← فراموش کردن خویش، سبب وصال یار است. / گزینه‌ی (۴) ← حجاب تو وجود توست، آن را کنار بزن.

۳۴۳۴- گزینه‌ی (۲) مفهوم آیه این است که تیرانداز اصلی تو نیستی، بلکه خداست و در گزینه‌ی (۲) نیز شاعر توصیه می‌کند که مخاطب، سبب و عامل اصلی را در نظر بگیرد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← جلوه‌ی روی معشوق، آفتاب را بی‌فروغ و جلوه کرده است.

گزینه‌ی (۳) ← در مقابل قضا و قدر الهی تسلیم باش.

گزینه‌ی (۴) ← اگر قامت زیبای او را بینی، متعجب و متحیر خواهی شد.

۳۴۳۵- گزینه‌ی (۳) متن مورد سؤال رسیدن به معبود و معشوق را در ترک خود و ذوب شدن در معبود می‌داند. بیت گزینه‌ی (۳) نیز همین مفهوم را بیان می‌کند.

۳۴۳۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم کلی بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) ← اگر بر نفس اماره‌ی خود در مسیر تکاملی عشق پیروز شویم، در همه‌ی جنبه‌های زندگی پیروز خواهیم بود.

۳۴۳۷- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک ← ناپایداری

مفهوم گزینه‌های (۲) و (۳) ← همه چیز کار خداست.

مفهوم گزینه‌ی (۴) ← از خود گذشتگی شرط رسیدن به خداست.

۳۴۳۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم آیه اشاره دارد به این که مصدر تمام امور حق است و باید او را در همه‌ی کارها دید در حالی که پنهان است. این آیه با مفهوم بیت سنایی «ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد/ که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی» قرابت دارد و بیت اول گزینه‌ها نیز همین مفهوم را تداعی می‌کند که دست خداوند پنهان است و قلم در حال نوشتن و اسب در جولان است و سوارکار آن ناپیدا که باید در هر دو مورد اصل امور را در نظر داشت.

۳۴۳۹- گزینه‌ی (۴) «مکاتیب» و «مجالس سبعه» هر دو از آثار مولوی است.

مرصادالعباد: نجم‌الدین رازی/ الهی‌نامه: عطار

کمال‌نامه: خواجوی کرمانی

۳۴۴۰- گزینه‌ی (۲) سلمان ساوجی می‌گوید که همه چیز از خدا نشئت می‌گیرد و نجات و شفا‌ی هر کس به دست اوست هر چند که انسان‌ها با واسطه و به وسیله‌ی داروها شفا می‌یابند و به وسیله‌ی احیای علوم غزالی راه هدایت را می‌یابند ولی اصل هر ماجرای در ید قدرت خداوند است و این‌ها همگی ابزار و وسیله هستند و نباید انسان اسیر و گرفتار این واسطه‌ها گردد و از اصل غافل شود.

مفهوم بیت گزینه‌ی (۲) از سنایی نیز همین مفهوم را تداعی می‌کند.

۳۴۴۱- گزینه‌ی (۴) شرط رسیدن به حقیقت و معبود، پا گذاشتن بر نفس خویش است و هر کس که از خودش بگذرد به خدا راه می‌یابد.

درس چهاردهم ادبیات فارسی ۲

۳۴۴۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک سایر ابیات ← نباید وجود ارزشمند و زبان ارزشمند خود را برای انسان‌های بی‌ارزش و پست خرج کرد؛ نفی تملق و طمع و ...
 ۳۴۴۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک ابیات سؤال و بیت (۳) ← وضعیت کنونی افراد و چیزها ملاک است و این‌که قبلاً کوچک و خوار بوده‌اند و اکنون بزرگ و باارزش شده‌اند، نباید بی‌ارزش محسوب شوند.

۳۴۴۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳) ← نفی طمع و نفی این‌که به خاطر به‌دست آوردن مال دنیا، انسان ارزش ذاتی خود را از دست بدهد!
 ۳۴۴۵- گزینه‌ی (۳) معنی صورت سؤال: سرزمین با کفر باقی می‌ماند اما با ظلم باقی نمی‌ماند.

مفهوم گزینه‌ی (۳): عدل بورز، با کفر می‌توان مملکت را حفظ کرد، ولی با ظلم نه!
 ۳۴۴۶- گزینه‌ی (۲) مفهوم ابیات سؤال: به کسی که بزرگ شد، به دیده‌ی حقارت منگر و مگو قبلاً کوچک بوده (میزان، حال افراد است، نه گذشته‌ی آنها). مفاهیم ابیات (۱)، (۳) و (۴): هر کس متناسب با ذات خود عمل می‌کند و شخص حقیر بزرگ نمی‌شود. (که برعکس صورت سؤال است).
 مفهوم بیت (۲): کوچک اگر با بزرگ بجنگد، شکست می‌خورد!!

۳۴۴۷- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها به دعوت به قناعت و دوری از حرص و عدم تعلّق برای رسیدن به منفعت اشاره دارد.
 مفهوم گزینه‌ی (۳) به این موضوع اشاره دارد که انسان با دانش در مقابل همه‌ی بدی‌ها مصون است.

۳۴۴۸- گزینه‌ی (۲) مفهوم این بیت بر آزادی و نفی ستم‌پذیری تأکید دارد.
 * به کلمه‌ی «نفی» در صورت سؤال توجه کنید.
 ۳۴۴۹- گزینه‌ی (۱) سراج ← صراحت / مضموم ← مضموم (زشت، نکوهیده)
 ۳۴۵۰- گزینه‌ی (۳) در قطعه فقط یک مصراع از هر بیت (مصراع دوم) قافیه دارد.
 شکل هندسی قطعه:

× _____
 × _____
 × _____

* قطعه تنها قالب شعری است که بیت اول آن مُصرَع نیست، یعنی هر دو مصراع بیت اول هم قافیه نیست.

۳۴۵۱- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۱) ← دانش، آزادی / گزینه‌ی (۲) ← این / گزینه‌ی (۳) ← مصراع دوم
 ۳۴۵۲- گزینه‌ی (۲) لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ی باریک
 ۳۴۵۳- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به توضیحات درس «تربیت انسانی و سنت ملی ما».
 * سؤال سختی بود، مگه نه؟!!

۳۴۵۴- گزینه‌ی (۳) این بیت اول از یک قطعه نیست، زیرا قطعه تنها قالب شعری است که دو مصراع بیت اول آن هم قافیه نیست. این بیت اولین بیت از یک غزل نیز نیست زیرا غزل معمولاً کم‌تر از ده - دوازده یا پانزده بیت است.

۳۴۵۵- گزینه‌ی (۱) رجوع شود به متن درس.
 ۳۴۵۶- گزینه‌ی (۴) سایر گزینه‌ها به نحوی ظلم و ستم را نفی می‌کنند و ظالم را شخصی طرد شده به تصویر می‌کشند.

۳۴۵۷- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به توضیحات درس.
 ۳۴۵۸- گزینه‌ی (۳) در ابیات صورت سؤال توصیه شده است که باید تکامل و ترقی افراد گمنام و کوچک را باور داشت و به جایگاه آنها احترام گذاشت اما در بیت گزینه‌ی (۳) عکس این مفهوم بیان شده است.

۳۴۵۹- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال بر نفی بندگی و اسارت تأکید دارد. این مفهوم در بیت گزینه‌ی (۳) نیز آمده است.

۳۴۶۰- گزینه‌ی (۴) معنی عبارت صورت سؤال: «حکومت با کفر باقی می‌ماند، ولی با ظلم نه.» در گزینه‌ی (۴) نیز شاعر معتقد است که ظلم پایدار نیست و نابود می‌شود. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← در حق پدان نیکی مکن که این کار ظلم است. / گزینه‌ی (۲) ← ترک غرور، مرگ ظالم است، همان‌طور که شعله اگر گردن نکشد، خاکستر می‌شود. / گزینه‌ی (۳) ← هوس، طاقت خویشتن‌داری ندارد و دعا را تبدیل به نفرین می‌کند.

۳۴۶۱- گزینه‌ی (۳)

معنا و مفهوم این حدیث شریف و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به پرهیز از ظلم و ستم و ناپایدار بودن آن دلالت دارد و این‌که زشتی ظلم و ستم در نظر خداوند حتی از کفر و شرک نیز فراتر است، ولی در گزینه‌ی (۳) آمده است که باید ستمگران را نابود کرد و ستم کردن بر ستمگران عین عدالت است.

۳۴۶۲- گزینه‌ی (۳)

مفهوم حدیث این است که ظلم و ستم موجب نابودی حکومت می‌شود که در گزینه‌های (۱) و (۲) و (۴) این مفهوم دیده می‌شود که ظلم بسیار حاکم، او را به سوی نابودی پیش می‌برد و گزینه (۳) معتقد است که باید جلوی ظلم و ستم عامل را گرفت.

درس پانزدهم ادبیات فارسی ۲

۳۴۶۳- گزینه‌ی (۱)

۳۴۶۴- گزینه‌ی (۴) با توجه به متن درس «جلوه‌های هنر در اصفهان» در ادبیات ۲ * متن درس ۱۵ ادبیات ۲ پر از اصطلاحات فنی است که در کنکورهای سال‌های اخیر مورد سؤال قرار گرفته، با دقت مطالعه کنید.

۳۴۶۵- گزینه‌ی (۴)

جزمیت ← قطعیت و یقین

۳۴۶۶- گزینه‌ی (۲)

با توجه به فهرست وازگان پایان کتاب ادبیات ۲

۳۴۶۷- گزینه‌ی (۳)

«کالبد بنا [هم‌چون] مینایی است که ...» : تشبیه / «روح ایران»: اضافی استعاری و تشخیص.

۳۴۶۸- گزینه‌ی (۲)

با توجه به متن درس «جلوه‌های هنر در اصفهان» در ادبیات ۲ * باز هم تأکید می‌کنم که متن این درس از منابع طرح سؤالات کنکور در سال‌های اخیر بوده، با دقت مطالعه کنید.

۳۴۶۹- گزینه‌ی (۱)

روح بنا: اضافی استعاری / «رنگ شوخ و جوان» و «روح بنا»: تشخیص.

۳۴۷۰- گزینه‌ی (۲)

«نمازگزاران» صحیح است.

۳۴۷۱- گزینه‌ی (۲)

* به متن درس توجه کنید!

۳۴۷۲- گزینه‌ی (۱)

* متن درس مهمه! این درس می‌گم!

۳۴۷۳- گزینه‌ی (۳)

رجوع شود به تاریخ ادبیات درس.

۳۴۷۴- گزینه‌ی (۲)

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در کتاب «صفیر سیمرخ» به توصیف سفرهای خود به چند کشور اروپایی و بعضی شهرهای ایران از جمله اصفهان پرداخته است.

درس شانزدهم ادبیات فارسی ۲

۳۴۷۵- گزینه‌ی (۳)

مفهوم اصلی شعر قایقی خواهیم ساخت ← باید به جای بهتر و آرمان شهر برویم
 مفهوم گزینه‌های (۱) و (۲) و (۴) ← اینجا جای خوبی نیست باید به جای بهتری برویم
 مفهوم گزینه‌ی (۳) ← هر چه رفتیم معشوق را نیافتیم!

۳۴۷۶- گزینه‌ی (۱)

سیر انداختن = سرنهم در قدمت = تسلیم شدن

۳۴۷۷- گزینه‌ی (۴)

الف ← آینده‌نگری عاقل

د ← دل نیستن به چیزهای ناپایدار و دنیا

ب، ج، ه، و ← پرهیز از هم‌نشین بد

۳۴۷۸- گزینه‌ی (۲)

مفهوم مشترکی که بین گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) و صورت سؤال وجود دارد، به سوی پایان و مرگ رفتن است. البته این تنها مفهوم موجود در صورت سؤال نیست ولی مفاهیم دیگر صورت سؤال در گزینه‌ها یافت نمی‌شود.
 مفهوم گزینه‌ی (۲) ← زیبایی من به قدری است که همه خواهان من هستند!

۳۴۷۹- گزینه‌ی (۳)

مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) ← سخن باید کم و باارزش و مفید باشد (البته گزینه‌ی (۴) هم بی‌ربط نیست اما گزینه‌ی (۳) نزدیک‌تر است).

۳۴۸۰- گزینه‌ی (۲)

«کنار گذاشتن نصیحت» مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) است.

۳۴۸۱- گزینه‌ی (۲)

مصراع دوم گزینه‌ی (۲) با بیت سؤال هم‌خوانی مفهومی دارد!

۳۴۸۲- گزینه‌ی (۳)

مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات: عشق نوشتنی و به دفتر و مدرسه نیست!

۳۴۸۳- گزینۀ (۱) مفهوم مشترک صورت سوال و سایر گزینۀها در «ارزش عمل» می‌باشد.

۳۴۸۴- گزینۀ (۳) در گزینۀهای دیگر حسادت موجب جنگ‌افروزی و نفاق می‌شود و معنی منفی دارد، اما در گزینۀ (۳) شاعر از بدی روزگار به تنگ آمده و به مردگان به‌خاطر مرگ حسادت می‌کند.

۳۴۸۵- گزینۀ (۱) «دمی آب خوردن به است» ارکان اصلی جمله است. دمی آب خوردن ← گروه نهادی/ به ← مسند/ است ← فعل اسنادی.

۳۴۸۶- گزینۀ (۴) گزینۀهای (۱)، (۲) و (۳) به این مفهوم اشاره دارند که دوست و هم‌نشین بد، بر روی فرد تأثیر منفی می‌گذارد و او را به آیین دوستش درمی‌آورد. گزینۀ (۴) به دعوت به رفتار و منش خوب در مواجهه با دیگران و به‌دست آوردن دل آن‌ها اشاره دارد.

۳۴۸۷- گزینۀ (۳) صورت سؤال و سایر گزینۀها به این مفهوم اشاره دارند که شکر نعمت، سبب افزونی نعمت می‌شود.

گزینۀ (۳) به بی‌نیازی فرد بخشنده به شکر و سپاس دیگران اشاره دارد.

۳۴۸۸- گزینۀ (۳) صورت سؤال و سایر گزینۀها مفهوم «اهمیت عمل و کار و پرهیز از گفتار صریح» را در بر دارند.

گزینۀ (۳) به توجه به گفتار نیک دیگران و بهره گرفتن از آن‌ها (حتی اگر خود بدان عمل نکنند) اشاره دارد.

۳۴۸۹- گزینۀ (۲) صورت سؤال و سایر گزینۀها به مفهوم «دوری از هم صحبت بد» اشاره دارند.

گزینۀ (۲) به سختی دوری از معشوق و یاران اشاره دارد.

۳۴۹۰- گزینۀ (۴) با توجه به شعر «بشت دریاها» از درس ۱۶ ادبیات ۲.

۳۴۹۱- گزینۀ (۲) مفهوم صورت سؤال و گزینۀهای (۱)، (۳) و (۴) به اهمیت عمل و کار و دوری از گفتار و پرحرفی اشاره دارند.

مفهوم گزینۀ (۲) به این موضوع اشاره دارد که تنها گفتار نیک مردم از آن‌ها به جای می‌ماند و خود ناپایدار و فناپذیر هستند.

۳۴۹۲- گزینۀ (۳) مفهوم صورت سؤال و گزینۀهای (۱)، (۲) و (۴) به تأثیر قضا و قدر در سرنوشت اشاره دارند.

مفهوم گزینۀ (۳) به این موضوع اشاره دارد که به دلیل محبت به معشوق، همه‌ی غم‌های عالم نصیب من شده است.

۳۴۹۳- گزینۀ (۴) بیت صورت سؤال و گزینۀ (۴) به اهمیت عمل و دوری از گفتار اشاره دارد.

۳۴۹۴- گزینۀ (۱) مخزول ← مخذول (= خوار و زبون گردیده)

۳۴۹۵- گزینۀ (۳) مفهوم بیت سؤال و سه گزینۀ (۱)، (۲) و (۴) تأکیدی است بر: «دوری از برگزیدن و هم‌نشینی با رفیق بد و ناباب» اما گزینۀ (۳) بر «حذر نمودن از دوستی تأکید دارد که با دشمن انسان هم‌نشین باشد».

۳۴۹۶- گزینۀ (۳) مفهوم بیت سؤال و گزینۀ (۳) بر این نکته تأکید دارند که: «کسی که روزگار به کام او نباشد و با او به ستیزه برخیزد، روزگار و قضا و قدر او را به سوی کزی‌ها و ناراستی‌ها رهنمون می‌کند».

۳۴۹۷- گزینۀ (۱) کنایه: ۱- فروکوفت: شکست داد. ۲- در چشم به هم زدن: در مدتی خیلی کوتاه ۳- پشت او را به خاک رسانید: او را شکست داد.

۳۴۹۸- گزینۀ (۲) تجلی: آشکار شدن، هویدا شدن

۳۴۹۹- گزینۀ (۳) «بنداخت» صحیح است.

۳۵۰۰- گزینۀ (۴) عبارت در اصل این‌چنین بوده است: «دمی آب خوردن پس از دفع آدم بدسگال (صفت)» که صفت جانشین موصوف آن شده است. بدسگال متمم است نه صفت!

۳۵۰۱- گزینۀ (۱) ارتجالاً ← بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن، بی‌درنگ/ مخذول ← خوار، زبون گردیده/ عتاب ← سرزنش/ عنود ← ستیزه‌کار

۳۵۰۲- گزینۀ (۴) شعر از سهراب سپهری (۱۳۵۹-۱۳۰۷ ش) است.

۳۵۰۳- گزینۀ (۴) معلّم عشق: اضافی تشبیهی/ عالم و معلّم: تناسب/ مصراع دوم: تشخیص (آدم‌نمایی)

۳۵۰۴- گزینۀ (۳) «حزم: دوراندیشی، هوشیاری»، «صواب: درست، به‌جا» و «بنداخت» صحیح است.

* «هضم»: گوارش و تحلیل غذا در معده است.

۳۵۰۵- گزینۀ (۳) قسمت‌های مشخص شده در گزینۀهای سؤال، مفاهیم کنایی دارند. به طور مثال در گزینۀ (۱)، «لمن تقول» کنایه از پندناپذیری است و در گزینۀ (۲)، «شش‌دائگ» کنایه از صدای تمام و کامل و در گزینۀ (۳)، «کز طبع» کنایه از بی‌ذوق و استعداد است که در گزینۀهای سؤال اشتباه معنی شده است و در گزینۀ (۴)، «چشمه» کنایه از مقدار کمی از چیزی است.

۳۵۰۶- گزینۀ (۱) بیت سؤال و بقیۀ گزینۀها به «سرنوشت نامطلوب و قضای بد» اشاره دارند، اما در گزینۀ (۱) مفهوم «تسلیم» دیده می‌شود.

۳۵۰۷- گزینۀ (۴) مفهوم کلی بیت صورت سؤال این است که: «نتیجه برعکس و برخلاف انتظار شد»

شربت سرکنگبین باعث می‌شود که خشم و عصبانیت کم شود و روغن بادام باعث نرمی مزاج می‌گردد، در حالی که مولانا اشاره می‌کند که شربت سرکنگبین باعث خشم و عصبانیت بیش‌تر شد و روغن بادام باعث خشکی گردید. در گزینۀ (۴) هم از معکوس شدن کارها سخن گفته است.

۳۵۰۸- گزینۀ (۳) سهراب سپهری شهر آرمانی را توصیف می‌کند و می‌گوید: در فراسوی این وابستگی‌ها دیاری است که می‌توان جلوه‌های الهی را آشکارا دید (محل دیدن ذات خداست) پنجره = نماد احساس و ارتباط

۳۵۰۹- گزینۀ (۲) در بیت سؤال شاعر می‌گوید که در آن شهر (آرمان شهر شاعر) یک دیوار گلی همان قدر توجه مردم را به خود جلب می‌کند که رقص یک شعله یا یک رؤیای زیبا می‌کند. از دید مردم آن شهر، هر چیز ارزش و زیبایی خاص خود را دارد. در گزینۀ (۲) نیز شاعر چنین نگاهی به پدیده‌های جهان دارد.

۳۵۱۰- گزینۀ (۱) عنود = دشمن، ستیزه‌کار - مفهوم عبارت مورد سؤال این است که خسرو مرتکب هر خلافی شد و دوستان بد ذات او، او را از راه درست منحرف کردند.

۳۵۱۱- گزینۀ (۲) در مصراع‌های صورت سؤال: قایق: ابزار سفر / آب: مسیر سفر / خاک غریب: دنیای مادی

شاعر سهراب سپهری از غلفت و بی‌خبری مردم رنج می‌برد و به دنبال آرمان شهر «اتوپیا» است.

گزینۀ (۲) ← «چاه ظلمانی» استعاره از «دنیای مادی» است / جهان: مجازاً «حقیقت». در این‌جا نیز سنایی غزونی دعوت می‌کند که از دنیای مادی دور شو و به دنبال حقیقت باش.

۳۵۱۲- گزینۀ (۱) مفهوم متضاد تسلیم بودن در برابر قضا و قدر فقط در گزینۀ (۱) دیده می‌شود.

۳۵۱۳- گزینۀ (۳) در عبارت صورت سؤال و همه‌ی گزینۀها به حسادت و عواقب آن اشاره شده است؛ به‌جز بیت گزینۀ (۳) که در آن گوینده از وضع زندگی خود می‌نال و می‌گوید به مردگان حسادت می‌کند.

۳۵۱۴- گزینۀ (۱) «سیر انداختن» کنایه از «تسلیم شدن» با «سر نهادن بر قدم» در بیت گزینۀ (۱) تناسب دارد.

۳۵۱۵- گزینۀ (۴) «شنیدن پند» مفهوم مشترک ابیات صورت سؤال و گزینۀ (۴) است.

۳۵۱۶- گزینۀ (۲) در عبارت صورت سؤال و ابیات «الف» و «ج» توصیه می‌شود که دفع شر دشمن را نباید به تأخیر انداخت.

بیت «ب»: عاقبت اندیش باش.

بیت «د»: انسان قوی ولی تنبل، پست است.

۳۵۱۷- گزینۀ (۲) در بیت صورت سؤال و گزینۀ (۲) این پیام مشترک وجود دارد: عشق از طریق علم و استدلال به‌دست نمی‌آید.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ (۱): اگر عاشق شوی، گناهانت پاک می‌شود.

گزینۀ (۳): هر چه را درباره‌ی عشق خوانده بودیم، فراموش کردیم.

گزینۀ (۴): در مقابل جنون عشق من، عشق و اشتیاق عاشقان جلوه‌ای ندارند.

۳۵۱۸- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) ← قضا و قدر
 ۳۵۱۹- گزینه‌ی (۴) «عشق نوشتنی و آموختنی نیست» مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) است.

۳۵۲۰- گزینه‌ی (۲) در سه گزینه‌ی دیگر تقابل عشق، عقل و استدلال مطرح شده است. ولی در این گزینه شاعر می‌گوید: از هنگامی که دل بسته‌ی تو (محبوب) شدم، به دیگران نیندیشیدم.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← عشق با مطالعه و استدلال و عقل تناسب ندارد. (عشق آموختنی نیست).
 گزینه‌ی (۳) ← ما همراه عشق و رسوایی آن هستیم و سلامت‌جوی همراه عقل و فرهنگ.
 گزینه‌ی (۴) ← مصراع دوم، تقابل عقل و عشق را بیان می‌کند.

۳۵۲۱- گزینه‌ی (۳) بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) آمده است: عشق آموختنی نیست. تقابل میان عاشق و دانشمندان بیان شده است.

۳۵۲۲- گزینه‌ی (۱) املای درست واژه‌های غلط ← حازم - صواب - غالب - مدهوش
 ۳۵۲۳- گزینه‌ی (۴) بیت صورت سؤال بر نتیجه‌ی معکوس تأکید دارد. سرکه

انگبین (=سکنجبین) که سبب آرامش اعصاب می‌شود فرد را عصبی‌تر کرد و روغن بادام که سبب نرمی مزاج است، خشکی را افزود.

این مفهوم در ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) آمده است، اما در گزینه‌ی (۴)، به مفهوم فانی بودن انسان در عین اقتدار اشاره شده است.

۳۵۲۴- گزینه‌ی (۳) هر دو بیت به زندگی کوتاه و با آرامش پس از مرگ دشمن تأکید می‌کنند.

معنای بیت صورت سؤال: «یک لحظه آرامش بعد از مرگ انسان بدانندش، از عمر هفتاد و هشتاد سال بهتر است.»

۳۵۲۵- گزینه‌ی (۲) املای صحیح کلمات عبارت است از: غالب و مخدول.

۳۵۲۶- گزینه‌ی (۲)

گزینه‌ی (۱) ← جواب خسرو به مدیر مدرسه (اشتر به شعر عرب ...)

گزینه‌ی (۳) ← دوست ناباب (بیاموزمت کیمیای سعادت ...)

گزینه‌ی (۴) ← من گوش استماع ندارم لمن تقول

گزینه‌ی (۲) ← با مفاهیم موجود در درس مایع حرف‌شویی متناسب است!

درس هفدهم ادبیات فارسی ۲

۳۵۲۷- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← بندگی، آزادی است/ گدا، سلطنت کند

گزینه‌ی (۳) ← خامشی به فریادم رسید/ بی‌زبانی‌ها زبان شد

گزینه‌ی (۴) ← دعوی هستی دلیل نیستی است/ فانی را موجود می‌دانیم

۳۵۲۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها ← برعکس شدن امور

گزینه‌ی (۲) ← اعتبار در ترک اعتبار است.

گزینه‌ی (۳) ← کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

گزینه‌ی (۴) ← رستن از رسم و عادت، سنت است

مفهوم گزینه‌ی (۱) ← ای معشوق با این بدپیمانی دعایت می‌گویم. اگر قهر و خشم می‌کنی لطف هم داری!

۳۵۲۹- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) ← بسیار کسان بودند که مقام و مرتبه‌ای داشتند اما اکنون در خاک خفته‌اند و مرده‌اند.

۳۵۳۰- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سایر ابیات ← امور برعکس و خلاف انتظار! (از سیلی، شکر می‌گویم - درمان از درد است - آرامش را از پریشان یافتن)

۳۵۳۱- گزینه‌ی (۱) امور غیر متعارف و غیر عادی باعث خوبی و به چیزی رسیدن است!!

۳۵۳۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم صورت سؤال: امور برخلاف عادت باعث کامیابی است.
 گزینه‌ی (۱) ← ترک آسایش لذت دارد (که غیرعادی است).

گزینه‌ی (۳) ← درد عین درمان است (که غیرعادی است).

گزینه‌ی (۴) ← همه کار از شکست، درست شد (که غیرعادی است).

۳۵۳۳- گزینه‌ی (۴) * در گزینه‌های دیگر پارادوکس‌هایی هم مفهوم دیده می‌شود: ۱- مصراع دوم ۲- مصراع اول ۳- مصراع اول

۳۵۳۴- گزینه‌ی (۴) «بی‌هنری‌های هنر» یک پارادوکس واضح است.

۳۵۳۵- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) ← چشم خوش بیمار/ گزینه‌ی (۳) ← آغاز پایان/ گزینه‌ی (۴) ← سخت سست می‌دانم

* پارادوکس گزینه‌ی (۴) بسیار ضعیف است چرا که «سخت» معنای بسیار می‌دهد.

۳۵۳۶- گزینه‌ی (۱) هر دو بیت به این مفهوم اشاره دارند که بر خلاف روال و عادت معمول عمل کردن، می‌تواند باعث سعادت و خوشبختی شود.

۳۵۳۷- گزینه‌ی (۳) «غایبی حاضرتر از مرگ نیست» آرایه‌ی متناقض‌نما را به وجود آورده است.

* البته گزینه‌های (۱) و (۴) نیز پارادوکس دارند. (ای کاش سؤال برعکس طرح شده بود!!)

۳۵۳۸- گزینه‌ی (۲)

بیت (الف) ← به دلیل زمین بوس آستان کسی بودن، ملوک جهان زمین بوس آستان من هستند.
 بیت (ج) ← دل هم جمع و هم پریشان است.
 بیت (ه) ← درد عین درمان است.

۳۵۳۹- گزینه‌ی (۴) «سفر پنجم» یکی از آثار طاهره صفارزاده است.

* سایر آثار طاهره صفارزاده ← رهگذر مهتاب، طنین در دلتا، سد و بازوان، بیعت با بیداری و دیدار صبح

۳۵۴۰- گزینه‌ی (۳) با توجه به این که اشعار نیما، معمولاً به صورت نمادین است و هر واژه‌ای مظهر یک مفهوم است، می‌توان به گزینه‌ی (۳) رسید.

۳۵۴۱- گزینه‌ی (۴) با توجه به درآمدی بر ادبیات دوران جدید در ادبیات ۲

۳۵۴۲- گزینه‌ی (۴) با توجه به درآمدی بر ادبیات دوران جدید در ادبیات ۲

۳۵۴۳- گزینه‌ی (۴)

«برگ لبخند»، «رکود نشستن» «تابوت خاک»: اضافه‌ی تشبیهی

۳۵۴۴- گزینه‌ی (۱) ابر آسمانش را (آسمان باغ را) در آغوش گرفته است.

۳۵۴۵- گزینه‌ی (۳) وگ: وک، قورباغه (داروگ: قورباغه درختی)/ جمعیت: آرامش

۳۵۴۶- گزینه‌ی (۲) میوه‌ها استعاره از افتخارات ایران زمین است که اکنون در خاک است و در آینده ظهور می‌یابد!

* البته اگر گزینه‌ی (۲) نبود گزینه‌ی (۱) را انتخاب می‌کنیم.

۳۵۴۷- گزینه‌ی (۴) رجوع شود به توضیحات درس.

۳۵۴۸- گزینه‌ی (۳) آزاد بودن با وجود در بند بودن متناقض‌نما است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): به جای محنت، نعمت نشسته است و هم‌زمان با هم نیستند. پس تناقضی در کار نیست. همچنین سایر تضادهای دیگر بیت، غم و شادی، بیم و امید و ضعف و توان فقط تضاد دارند نه تناقض.

گزینه‌ی (۲): غم و شادی با هم جمع نشده‌اند که تناقض به وجود بیاید.

گزینه‌ی (۴): غم همواره شادی شکن است و هیچ تناقضی در کار نیست.

۳۵۴۹- گزینه‌ی (۲) بانو شمس کسمایی در سال ۱۲۶۱ در یزد زاده شد و از پیشگامان تجدد در شعر فارسی است.

۳۵۵۰- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): آرامش و آسودگی در گرفتاری در زلف پریشان یار است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): دلدادگی همگان به معشوق (از پادشاهان تا خردمندان)، پادشاهان غلام چشم مست تو هستند و هوشیاران از عشق لب لعل تو خراب و سرمست هستند.

گزینه‌ی (۲): افشاگری اشک عاشق و باد صبا/ رازداری عاشق و معشوق

گزینه‌ی (۳): همه‌ی عالم حیران یار هستند.

۳۵۵۱- گزینه‌ی (۲) در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۲) هر دو سخن از نبودن آزادی و درد و رنج ناشی از همین نکته است!!

۳۵۵۲- گزینه‌ی (۴) سه گزینه‌ی دیگر همانند صورت سؤال به لزوم قناعت فقر و تأثیر مثبت قناعت اشاره دارد اما گزینه‌ی (۴) برعکس می‌گوید: من چون پول ندارم به مراد دلم هم نمی‌رسم. ضمناً «مفهوم مقابل بیت» خواسته شده است. (مفهوم متضاد)

۳۵۵۲- گزینۀ (۱) مهدی اخوان ثالث، شاعر معاصر (م. امید) در سال ۱۳۰۷ در مشهد به دنیا آمد و در شهریور ۱۳۶۹ درگذشت.

مجموعه: «ارغنون - زمستان - آخر شاهنامه - از این اوستا - در حیاط کوچک پاییز در زندان» از جمله آثار اوست.

گزینۀ (۲) «پایان شاهنامه: آخر شاهنامه»/ گزینۀ (۳) «ارغنون»/ گزینۀ (۴): «زمستان»

۳۵۵۴- گزینۀ (۴) اخوان ثالث در شعر صورت سؤال، پاییز (باغ پاییزی) را زیبا می‌بیند. در گزینۀ (۴)، نیز بیت در توصیف زیبایی باغ پاییزی است.

۳۵۵۵- گزینۀ (۳) در عصر مشروطه و پس از آن، کسانی چون ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، شمس کسمایی و جعفر خامنه‌ای جریان نوآوری را به ویژه در عرصه شعر پی می‌گیرند.

۳۵۵۶- گزینۀ (۴) مفهوم صورت سؤال «زلف پریشان معشوق موجب آرامش من است».

مفهوم برعکس صورت سؤال (گزینۀ ۴) «زلف معشوق مرا بی‌قرار کرده است».

۳۵۵۷- گزینۀ (۱) جمعیت خاطر در این بیت پارادوکس (متناقض‌نما) ندارد، چون شاعر می‌گوید که چگونه می‌توانم به آرامش فکری برسم وقتی که عاشق زلف پریشان یاری شده‌ام؛ در حالی که در سایر گزینۀ پارادوکس کاملاً مشهود است. تشریح گزینۀ دیگر:

گزینۀ (۲) «در آغوش دریا سوختن» پارادوکس دارد.

گزینۀ (۳) «آتش سرد» متناقض‌نماست.

گزینۀ (۴) «خجالت کشیدن از اوج اعتبار خویش» پارادوکس دارد.

۳۵۵۸- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ دیگر «فقر موجب توانگری و سلطنت»

مفهوم گزینۀ (۲) «کسب آسایش با آشفتنی (از خلاف آمد عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم)

۳۵۵۹- گزینۀ (۲) از باد مدد گرفتن برای روشن کردن چراغ، پارادوکس است.

۳۵۶۰- گزینۀ (۲) مفهوم سایر ابیات و صورت سؤال گذران بیهوده عمر و ناراحتی از این موضوع است در حالی که مفهوم بیت گزینۀ ۲ شادی از گذران عمر است.

۳۵۶۱- گزینۀ (۳) در سایر ابیات، فقر عرفانی، موجب ارزش، اعتبار و بلند مقامی است ولی در گزینۀ (۳)، شاعر گرفتار فقر مادی و با این حال بی‌اعتنا به مادیات است.

درس هجدهم ادبیات فارسی ۲

۳۵۶۲- گزینۀ (۱)

۳۵۶۳- گزینۀ (۱) آثار موسوی گرماردی عبارتند از: چمن لاله، سرود رگبار، عبور، در سایه‌سار نخل ولایت و ...

۳۵۶۴- گزینۀ (۱) مفهوم هر دو بیت و آیه‌ی شریفه آن است که خدا، انسان را به بهترین صورت آفریده و خود نیز بهترین آفریدگار است.

۳۵۶۵- گزینۀ (۳) این عبارت به شب‌بیداری و شب‌زنده‌داری حضرت علی (ع) برای دعا و مناجات اشاره دارد.

۳۵۶۶- گزینۀ (۳) «تا ناکجا» سروده‌ی سید علی موسوی گرماردی است.

۳۵۶۷- گزینۀ (۴) فرعون تخیل: اضافه‌ی تشبیهی/ گزینۀ (۲) تلمیح دارد به آیه‌ی «فتبارک الله احسن الخالقین»/ «بزرگ و کوچک»؛ طباق (تضاد).

۳۵۶۸- گزینۀ (۱) صولت حیدری «هیبت/ دست‌مایه شادی کودکانه‌شان کردی» رحمت و شفقت

۳۵۶۹- گزینۀ (۲) این شعر از مجموعه‌ی «در سایه‌سار نخل ولایت» سروده‌ی سیدعلی موسوی گرماردی است که در قالب سپید سروده شده.

۳۵۷۰- گزینۀ (۲) دریا: استعاره از حضرت علی (ع) است. «چگونه شمشیری دریای عظیمی چون تو را می‌تواند بشکافد و از بین ببرد؟»

۳۵۷۱- گزینۀ (۱) «خدا» در این شعر به معنای «صاحب، سرور، خواجه، بزرگ، عمید» به کار رفته است.

۳۵۷۲- گزینۀ (۱) «اقیانوس» نشان دهنده‌ی عظمت شخصیت علی (ع) است.

۳۵۷۳- گزینۀ (۳) «تو و دوستی خدا را» «خدا را» به معنای «به خدا قسم» می‌باشد.

۳۵۷۴- گزینۀ (۱) باده‌ی مهر: اضافه‌ی تشبیهی/ «شاعر علت زخم شدن بدن مبارک حضرت علی (ع) را به‌خاطر سرمستی آن حضرت از نوشیدن شراب حق می‌داند» که این علت غیرطبیعی اما ادبی است. (حسن تعلیل)

۳۵۷۵- گزینۀ (۳) معنی عبارت: «ای نور خدا در شب‌های به هم پیوسته‌ی تاریخ، ای روح شب قدر تا طلوع صبح»

مفهوم عبارت، مناجات، تهجد، شب‌زنده‌داری، عبادت و راز و نیازهای شبانه‌ی حضرت است.

۳۵۷۶- گزینۀ (۴) «گون» نماد انسان‌های اسیر و گرفتار/ «نسیم» نماد انسان‌های آزاد/ «غبار» استعاره از ظلم و ستم/ «بیابان» استعاره از جامعه‌ی لبریز از ظلم و ستم/ «بسته یا بودن» کنایه از اسیر و گرفتار بودن/ «به هر آن کجا که باشد، به جز این سرا، سرایم» هر جا نسیم آزادی بوزد و از ظلم و ستم و آن‌جا اثری نباشد. «نسیم» سفر به سرزمینی دارد که آزادی و رهایی در آن‌جاست و از ظلم و ستم خبری نیست، که این مفهوم در گزینۀ (۴) به چشم می‌خورد.

۳۵۷۷- گزینۀ (۳)

۳۵۷۸- گزینۀ (۴) «موسیقی شعر» از آثار پژوهشی دکتر شفیع کدکنی است. ولی «سرود رگبار» اثر سید علی موسوی گرماردی است. دیگر آثار سید علی موسوی گرماردی عبارت‌اند از: «عبور، در سایه‌سار نخل ولایت، چمن لاله، خط خون، تا ناکجا و دست‌چین».

۳۵۷۹- گزینۀ (۱) در شعر صورت سؤال، شاعر خود را از درک عظمت حضرت علی (ع) ناتوان می‌شمرد و در گزینۀ (۱) نیز آینه نمی‌تواند معشوق را آن‌چنان که هست، نشان دهد.

۳۵۸۰- گزینۀ (۱) در گزینۀ (۱)، شاعر زندانی است و رفیقانش در حال سفر هستند؛ در صورت سؤال نیز نسیم در حال سفر است و گون پای‌بند و اسیر.

۳۵۸۱- گزینۀ (۴) هر سه گزینۀ (۱)، (۲) و (۳) مفهوم آیه را در بر دارند که «مبارک باد» نام خداوندی که بهترین آفریدگاران است و شاعر در سایه‌سار نخل ولایت معتقدست که خدا در خلقت حضرت علی (ع) به خود آفرین گفت در حالی که گزینۀ (۴) معتقدست وصف کمال آن شخص ممکن نیست.

درس نوزدهم ادبیات فارسی ۲

۳۵۸۲- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۳) و (۴) «آدم حقیقی یافت نمی‌شود و بسیار کسان در ظاهر انسان هستند اما در حقیقت وجود آدم نیستند».

مفهوم گزینۀ (۲) «افراد هستند که در نظر ما بی‌ارزش هستند اما در نظر انسان‌های والا مقام، دارای ارزش و مقام هستند».

۳۵۸۳- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک سؤال و گزینۀ (۴) «از دست دادن جوانی و رسیدن پیری

مفهوم سایر گزینۀ «جوانی کردن حتی در دوره‌ی پیری

۳۵۸۴- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک سؤال و بیت گزینۀ (۴) «چون انسان واقعی نمی‌بینم از آدمیان روی گردانم!

۳۵۸۵- گزینۀ (۱) معنی بیت «از مظلومان کسی به فکر آزادی نیست و در این دوران سیاه ظلم و ستم و استبداد فردی به دنبال عدالت و خوبی نیست».

* مفهوم «استبداد» در گزینۀ (۱) ما را به انتخاب این گزینه ترغیب می‌کند.

۳۵۸۶- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و ابیات «الف، ج و د» «انتظار بیهوده و بی‌ثمر و امید بی‌حاصل داشتن

۳۵۸۷- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینۀ (۲) «درختی که میوه و ثمر نمی‌دهد را باید برید!

۳۵۸۸- گزینۀ (۳) مطمئنم حتی اگر نظری هم به کتاب درسی انداخته باشید این تست را درست می‌زنید.

* این تست تمام چیزی هست که باید در مورد رهی معیری بدانید!

۳۵۸۹- گزینۀ (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۴): باید از همان ابتدا به دنبال چاره برای امور بود نه وقتی که کار از کار گذشته است.

۳۵۹۰- گزینۀ (۱) مفهوم صورت سؤال: من مثل درختی هستم که نه سایه دارم و نه میوه، پس اگر مرا قطع کنند سزاوار است، در غیر این صورت بر درخت پرمیوه و سایه‌دار کسی تیر نمی‌زند.

مفهوم بیت (۱): به جادوگری این زمانه، هزاران شاخه‌ی سرسبز زرد و خمیده شد.

۳۵۹۱- گزینه‌ی (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): فردی به سرو گفت تو چرا میوه نداری و سرو در جواب گفت که آزادگان تهی دست هستند. (خدایش این یکی دیگه معنی نمی‌خواست!!)

۳۵۹۲- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال شاعر می‌گوید که چون پای سرو (ریشه‌ی سرو) به زمین است، پس نباید به آزادگی خود بنزد و وی آزاده نیست و آزاده‌ی حقیقی شاعر است که از همه‌ی تعلقات دنیوی دل بریده است. در گزینه‌ی (۲) هم به در گل نشستن (پای‌بندی) سرو اشاره رفته است.

۳۵۹۳- گزینه‌ی (۱) معنی گزینه‌ی (۱): اشک را از چهره‌ام پاک کردن چه فایده‌ای دارد، تو کاری بکن که دلم غمگین نباشد.

۳۵۹۴- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) این مفهوم مشهود است که شاعر از بند تعلقات رهاست، همان‌طور که در صورت سؤال چنین مفهومی به چشم می‌خورد.

۳۵۹۵- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۴): از جوانی‌ام استفاده نکرده و لذت نبرده‌ام و به هیچ‌یک از آرزوهایم نرسیده‌ام.

۳۵۹۶- گزینه‌ی (۱) آثار هوشنگ ابتهاج: نخستین نغمه‌ها، سراب، سیاه مشق، شبگیر.

۳۵۹۷- گزینه‌ی (۱) الآن این سؤال، جواب تشریحی می‌خواهد؟؟

۳۵۹۸- گزینه‌ی (۳) هر دو بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۳) به این مفهوم اشاره دارند که شاعر امیدی به پاسخ شنیدن در مقابل دعوت‌های آزادی‌خواهانه‌اش ندارد.

۳۵۹۹- گزینه‌ی (۲) سراب ← هوشنگ ابتهاج (سایر آثار وی: نخستین نغمه‌ها، سیاه مشق، شبگیر و ...)

سایه‌ی عمر ← رهی معیری

سرود رگبار ← موسوی گرم‌رودی (سایر آثار وی: خط خون، تا ناکجا، دستچین و ...)

شبخوانی ← شفیعی کدکنی (سایر آثار وی: از زبان مرگ، از بودن و سرودن و ...)

۳۶۰۰- گزینه‌ی (۲) با دقت در متن حکایت، تمامی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی (۲) برداشت می‌شود و این گزینه مفهومی برعکس صورت سؤال دارد.

۳۶۰۱- گزینه‌ی (۴) شاعر امیدی به بیداری مردم غافل ندارد.

۳۶۰۲- گزینه‌ی (۲) گرگ و گوسفند: تضاد/ برید و درید: جناس/ گرگ و گوسفند: استعاره

۳۶۰۳- گزینه‌ی (۲) «ای سرو پای بسته/ ای نوبهار عشق/ سر به گریبان کشیدن بنفشه/ از پا افتادن خاک/ با سرودیدن اشک» همگی تشخیص هستند.

۳۶۰۴- گزینه‌ی (۲) پا و سر: تضاد/ هوا: ایهام (۱) هوا (۲) آرزو/ هر دو مصراع تشبیه دارد.

۳۶۰۵- گزینه‌ی (۲)

۳۶۰۶- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) تأکیدی است بر این نکته که: «جلوی ضرر و زیان را قبل از وقوع آن کار باید گرفت یا به عبارتی: پیشگیری قبل از وقوع».

۳۶۰۷- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی (۴) مفهوم غم و اندوه دارد.

۳۶۰۸- گزینه‌ی (۳) «آهوی مردم ندیده» خود شاعر است که انسان واقعی را در جامعه ندیده است.

۳۶۰۹- گزینه‌ی (۲) «نه سایه دارم و نه بر، من را بیفکنند سزاست.»

شناسه مفعول

* نام دیگر شناسه، نهاد اجباری است.

۳۶۱۰- گزینه‌ی (۲) «هوا» ایهام دارد/ تشبیه: ۱- من چون (مانند) خاک در هوای تو از پا افتاده‌ام ۲- من چون (مانند) اشک در قفای تو با سر دوده‌ام/ تناسب: پا و سر/ تکرار: «چون و چون»، «تو و تو»/ موازنه:

چون	خاک	در	هوای	تو	از	پا	افتاده‌ام
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

چون

چون	اشک	در	قفای	تو	با	سر	دوده‌ام
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۳۶۱۱- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال به عدم آزادگی سرو اشاره شده است در حالی که در گزینه‌ی (۲) آزادگی سرو بیان شده است. بقیه گزینه‌ها تقریباً معادل بیت صورت سؤال هستند.

۳۶۱۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم گزینه‌ی «ب» و «ج» این است که: کسی که برای جامعه‌اش مفید نیست بهتر است بمیرد در این دو گزینه شاعر جرم خود را بی‌حاصلی می‌داند.

۳۶۱۳- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر، سخن از نبودن آزادی است و این که فریادرسی نیست، ولی در گزینه‌ی (۳) سخن از بی‌مهری مردمان دنیاست.

۳۶۱۴- گزینه‌ی (۱) صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر پیری و تجربه را مفید و ارزشمند می‌دانند، اما گزینه‌ی (۱) برعکس آن‌ها، پیری را مایه‌ی ناتوانی و افسردگی می‌شمرد. در بسیاری از تست‌های کنکور سراسری مفهوم نهایی بیت‌ها مهم نیست و فقط جهت‌گیری و موضع‌گیری کلی آن‌ها در نظر است.

۳۶۱۵- گزینه‌ی (۲) گزینه‌ی (۱) آثار علی موسوی گرم‌رودی است.

گزینه‌ی (۲) آثار ابتهاج است.

گزینه‌ی (۳) آثار صادق هدایت است.

گزینه‌ی (۴) آثار شفیعی کدکنی است.

۳۶۱۶- گزینه‌ی (۱) در سه گزینه‌ی دیگر شاعر از این که دنیا بر وفق مرادش نبوده است افسوس می‌خورد ولی در گزینه‌ی (۱) شاعر از این که داغ عشق بر سینه دارد به خود می‌بالد و از سختی‌های آن شاکي نیست.

۳۶۱۷- گزینه‌ی (۲) در صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر درختان بی‌ثمر محکوم به مرگ‌اند و معنای مقابل این مفهوم در گزینه‌ی (۲) دیده می‌شود که شاعر معتقد است درختان بی‌ثمر ایمن‌اند، زیرا کسی به طمع میوه، آن‌ها را تکان نمی‌دهد.

۳۶۱۸- گزینه‌ی (۱) مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۱) ← انتقاد از مردم غافل و ناامیدی شاعر از جامعه است.

۳۶۱۹- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال شاعر خود را درختی می‌داند که بی‌ثمری و بی‌حاصل بودن او سبب می‌شود که بر او تیر بزنند و قطعش کنند و در بیت گزینه‌ی (۳) نیز بی‌ثمری را موجب هلاک شدن دانسته است.

۳۶۲۰- گزینه‌ی (۳) شاعر در بیت صورت سؤال تیر زدن بر درخت را، به سبب بی‌حاصلی آن می‌داند. در بیت گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) نیز این نکته بیان شده است: «بی‌فایده بودن مایه‌ی خواری و نابودی است». اما در گزینه‌ی (۳) آمده است: «موفقیت و سرافرازی گذشته، برای امروز هنری محسوب نمی‌شود، باید از امسال سخن گفت، نه از سالی که گذشته است».

۳۶۲۱- گزینه‌ی (۲) مفهوم مصراع دوم: ناکام بودن در زندگی است که در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) تکرار شده و در گزینه‌ی (۲) «افسوس شاعر بر گذر دوران جوانی»

۳۶۲۲- گزینه‌ی (۲) در گزینه (۱): بو (۱- رایحه ۲- آرزو)

در گزینه (۳): مردم (۱- مردمک چشم ۲- انسان‌ها) / آهو (۱- حیوان آهو ۲- عیب و نقص)

در گزینه (۴): هوا (۱- فضا و هوا ۲- عشق و میل)

۳۶۲۳- گزینه‌ی (۳) سایر ابیات مفهوم مقابل (برعکس) بیت صورت سؤال هستند و سرو را آزاد می‌دانند ولی گزینه‌ی (۳) و صورت سؤال سرو را آزاد نمی‌دانند!!

۳۶۲۴- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۳) ← تأکید بر (توجه به گذر سریع عمر دارد).

در گزینه‌ی (۴)، (۲) و (۱) شاعر بر جوانی از دست رفته حسرت می‌خورد که دقیقاً بیت شاهد نیز بر مفهوم حسرت بر جوانی از دست رفته دلالت دارد.

۳۶۲۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳) این است: «بدتر از این نمی‌شود» یا به عبارتی «بالتر از سیاهی رنگی نیست» که با مفهوم سؤال یکی است.

۳۶۲۶- گزینه‌ی (۲) مصراع اول گزینه‌ی (۲) مفهوم «درماندگی» و مصراع دوم گزینه‌ی (۲) مفهوم «شوق» را می‌رساند.

۳۶۲۷- گزینه‌ی (۳) «نه به آبی‌ها دل خواهم بست/ نه به دریا» معادل: «آزاده من که از همه عالم بریده‌ام» است.

درس بیستم ادبیات فارسی ۲

۳۶۲۸- گزینه‌ی (۱) معنی حدیث ← چقدر عبرت‌ها زیاد و عبرت‌پذیرفتن‌ها کم است. (مفهوم: باید بیشتر عبرت گرفت!)

معنی بیت (۱) ← به خرابی قصرهای حاکمان گذشته با چشم عبرت نگاه کنید!

۳۶۲۹- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳): پادشاهان و قدرتمندان هم نابود می‌شوند!

۳۶۳۰- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌های دیگر سخن از عبرت گرفتن است.

۳۶۳۱- گزینه‌ی (۲) معنی بیت صورت سؤال: هوشیار باش ای انسانِ عبرت‌گیر و از آن‌چه می‌بینی عبرت بگیر و ایوان مداین را مایه‌ی عبرت بدان (که چگونه کاخ فرمانروایان نابود گشته).

این مفهوم دقیقاً در گزینه‌ی (۲) تکرار شده است.

۳۶۳۲- گزینه‌ی (۱) «به سوی اصفهان» سفرنامه‌ی پیر لوتی، نویسنده و جهانگرد فرانسوی است که با ترجمه‌ی بدرالدین کتابی به فارسی منتشر شده است. این اثر حاصل دیده‌های وی در سفر از خلیج فارس تا دریای خزر است.

۳۶۳۳- گزینه‌ی (۲) * ترجمه‌ی حدیث: چه بسیارند عبرت‌ها و چه کم‌اند عبرت‌پذیرفتن‌ها!

۳۶۳۴- گزینه‌ی (۱)

۳۶۳۵- گزینه‌ی (۱) * صفت مفعولی: بن ماضی + ه ← جدا افتاد + ه

۳۶۳۶- گزینه‌ی (۱) «درویش» واژه‌ای فارسی است و نباید آن را جمع مکرر عربی نمود.

۳۶۳۷- گزینه‌ی (۴) جامع بین مراتب دین و دانش ← دین‌دار و دانشمند/ با مکارم اخلاق و فضایل بسیار ← با اخلاق و فاضل

۳۶۳۸- گزینه‌ی (۲) «مزبور» صحیح است به معنی مذکور و ذکر شده!

۳۶۳۹- گزینه‌ی (۳)

۳۶۴۰- گزینه‌ی (۱)

۳۶۴۱- گزینه‌ی (۴) «از حیث غرابت» صحیح است.

۳۶۴۲- گزینه‌ی (۳) در قطعه دو مصراع بیت اول هم‌قافیه نیستند. / قالب «غزل» شبیه قصیده است اما تعداد ابیات غزل معمولاً کم‌تر از قصیده است.

۳۶۴۳- گزینه‌ی (۴) معنی صورت سؤال: چقدر عبرت‌ها زیاد است و چقدر عبرت گرفتن‌ها کم است!

۳۶۴۴- گزینه‌ی (۴) عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط بر ناپایداری قدرت‌ها و فانی شدن شکوه شاهان و بزرگان تأکید دارند. اما بیت گزینه‌ی (۴) بیانگر این نکته است که آثار و کارهای پادشاهان، نام آن‌ها را در تاریخ جاودانه و ثبت می‌گرداند.

۳۶۴۵- گزینه‌ی (۲) عبارت صورت سؤال و گزینه‌های مرتبط، انسانی را توصیف می‌کند که از نظر ظاهر و باطن (صورت و سیرت) بی‌همتاست؛ حال آن‌که بیت گزینه‌ی (۲) می‌گوید ← «فلک (روزگار) مانند تو (معشوق) مهربانی ندارد.»

۳۶۴۶- گزینه‌ی (۳) معنی درست گزینه‌ی (۳) ← تخت جمشید از لحاظ شگفت‌انگیزی با اهرام مصر برابری می‌کند.

۳۶۴۷- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) ← شیخ اشاره شده، هم از لحاظ ظاهر و هم از جهت باطن بسیار خوب و برجسته بود.

گزینه‌ی (۲) ← در شوشتر در مدرسه‌ی امام شرف‌الدین، اقامت کردم.

گزینه‌ی (۴) ← شیخ به همه غذا داد و سپس شروع به سخنرانی کرد.

۳۶۴۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت شاهد «از دست رفتن قدرت و مقام دنیایی است» که در گزینه‌های (۴)، (۲) و (۱) کاملاً این مفهوم مشهود است اما مفهوم گزینه‌ی (۳) ناپایداری و بی‌وفایی دنیاست.

درس بیست و یکم ادبیات فارسی ۲

۳۶۴۹- گزینه‌ی (۳)

۳۶۵۰- گزینه‌ی (۲) محمدحسن خان صنیع‌الدوله، ملقب به اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات ناصرالدین شاه بود و در سال ۱۳۱۳ درگذشت.

۳۶۵۱- گزینه‌ی (۲) رجوع شود به واژه‌نامه

۳۶۵۲- گزینه‌ی (۲)

۳۶۵۳- گزینه‌ی (۴) «خود شاه رشوه می‌خواست» این ضرب‌المثل را به ذهن تداعی می‌کند.

۳۶۵۴- گزینه‌ی (۱) مفهوم عبارت سؤال و گزینه‌ی (۱) بر «اثرناپذیری» تأکید دارد.

۳۶۵۵- گزینه‌ی (۲) معنی: «مانع از خروج پلنگ بشوند»

* «را» فک اضافه بین مضاف و مضاف‌الیه مقلوب (معکوس) قرار می‌گیرد.

«را» در گزینه‌ی (۱) و (۳)، نشانه‌ی مفعول است و در گزینه‌ی (۴) حرف اضافه به معنی «به» است. (مرد را وعده دادند. ← به مرد وعده دادند).

۳۶۵۶- گزینه‌ی (۱)

* به دفعه که به خرج بیفتی، می‌فهمی یعنی چی!!

۳۶۵۷- گزینه‌ی (۲) «نشیب و فراز»: تضاد (طباق) / دام بلا: اضافه‌ی تشبیهی.

۳۶۵۸- گزینه‌ی (۱) «آه‌نین اراده»: ترکیب وصفی مقلوب (واژگون) است، در اصل بوده است: «اراده‌ی آه‌نین».

۳۶۵۹- گزینه‌ی (۲)

۳۶۶۰- گزینه‌ی (۴) آثار محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه): مرآةالبلدان - مطلع‌الشمس - خیرات‌الحسان - المآثر و الآثار - تاریخ منتظم ناصری. «الکشاف فی تفسیر القرآن» اثر ابوالقاسم محمود زمخشری است.

۳۶۶۱- گزینه‌ی (۱) «طه حسین» به دلیل ماجرای غذا خوردنش در کودکی که منجر به گریه‌ی مادر و نصیحت پدر و مسخره برادرش شد، از جمع گریزان شد و گوشه‌نشینی اختیار کرد.

در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) مردم‌گریزی فرد بارز است و در گزینه‌ی (۱) مردم از آن فرد دوری می‌کنند.

۳۶۶۲- گزینه‌ی (۳) مفهوم جمله‌ی «نرود میخ آه‌نین در سنگ» عدم تأثیرگذاری کار یا سخنی است که در گزینه (۳) مفهوم ضد آن آمده است که سخن در کوه هم اثر می‌کند و پژواک کوه نشانه‌ی این تأثیر است.

گزینه (۱): تأثیرگذاری عشق در دل افسرده و غمگین

گزینه (۲): عدم تأثیرگذاری سخن در فرد زاهد

گزینه (۴): توصیه به مهربان شدن و پذیرفتن سخن

درس بیست و دوم ادبیات فارسی ۲

۳۶۶۳- گزینه‌ی (۳) مفهوم صورت سؤال ← طمع باعث خواری و سگ شدن است! مفهوم ابیات (۱)، (۲) و (۴) ← دعوت به قناعت

مفهوم بیت (۳) ← طلب چیزی کردن

(البته به نظر می‌رسد ابیات (۱)، (۲) و (۴) مقابل صورت سؤال نیستند، بلکه معادل آن هستند. اما به هر حال جواب سؤال به راحتی به‌دست می‌آید. طراح محترم دقت نداشته است که: عکس نقیض هر چیزی معادل آن چیز است نه مقابل آن!)

۳۶۶۴- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و ابیات (۲)، (۳) و (۴) ← زندانی و بدبخت بودن

مفهوم بیت (۱) ← ترک تعلقات

۳۶۶۵- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات ← نفی و نکوهش طمع‌ورزی!

۳۶۶۶- گزینه‌ی (۳) بیت (مخصوصاً مصراع دوم) به حضور مسعود سلمان در زندان اشاره دارد.

۳۶۶۷- گزینه‌ی (۴) بیت و صورت سؤال، هر دو به این مسأله اشاره دارند که آزاده بودن و در بند تعلقات نبودن سبب اعتلای شخص می‌شود.

۳۶۶۸- گزینه‌ی (۴) صورت سؤال و گزینه‌ی (۴) به بدبختی شاعر اشاره دارند.

۳۶۶۹- گزینه‌ی (۱) زندان‌های مسعود سعد سلمان: نای، مرنج، سو، دهک

* گزینه‌ی (۲) ← نای/ گزینه‌ی (۳) ← مرنج/ گزینه‌ی (۴) ← سو

۳۶۷۰- گزینه‌ی (۴) معنی گزینه‌ی (۴): بلافاصله به سجده افتاد و در همان حال شاه از قهر و غضب و خشم دور شد.

اما مفهوم ابیات دیگر به تأثیر عشق در عالم و شور و حالی که ایجاد کرده، اشاره می‌کند.

۳۶۷۱- گزینه‌ی (۴) من و طالع نگوینارم یعنی من به همراه بدبختی خواهم بود. (واو معیت: واو همراهی)

۳۶۷۲- گزینه‌ی (۴) کله بستن یعنی خیمه زدن.

۳۶۷۳- گزینه‌ی (۳) حبسیه جزء ادبیات غنایی است.

۳۶۷۴- گزینه‌ی (۴) تعمّل نادرست و تأمل درست است به معنی درنگ و تفکر. این لغت از واژه‌های مورد علاقه‌ی طراحان کنکور سراسری است.

۳۶۷۵- گزینه‌ی (۲) کله: خیمه، پشه‌بند، حجله‌ی عروسی

۳۶۷۶- گزینه‌ی (۴) کتاب در این جمله مکتب معنی می‌دهد. (اَقا در اصل لغت جمع کاتب است به معنی نویسندگان)

۳۶۷۷- گزینه‌ی (۱) * «نهاد و نهاد» جناس تام دارند. (نهاد اول: سرشت، ذات/نهاد دوم: قرارداد)

۳۶۷۸- گزینه‌ی (۲) غمخوارم و اختر است خونخوارم: «اندوهگین و ناراحت‌م و ستاره‌ی بختم با من دشمن است.»

۳۶۷۹- گزینه‌ی (۱)

۳۶۸۰- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱) از فرّخی یزدی، گزینه‌ی (۲) از خاقانی شروانی و گزینه‌ی (۴) از مسعود سعد سلمان است.

۳۶۸۱- گزینه‌ی (۴) «تا» در گزینه‌ی (۴) حرف اضافه‌ی است و در گزینه‌های دیگر حرف ربط.

* «تا» اگر «پایانی» را برساند، حرف اضافه‌ی است.

۳۶۸۲- گزینه‌ی (۱) بارها دیده بودم و دیگران نیز [دیده بودند]

۳۶۸۳- گزینه‌ی (۱) بقیه‌ی ابیات در مفاهیم مربوط به حبسیه است.

۳۶۸۴- گزینه‌ی (۱) «ی» در بقیه‌ی گزینه‌ها، نشانه‌ی استمرار است ولی در گزینه‌ی (۱)، شناسه‌ی است.

۳۶۸۵- گزینه‌ی (۳) نهاد (دوم) ← فعل/ جان ← مفعول/ نهاد (سوم) ← فعل

۳۶۸۶- گزینه‌ی (۲) طمع و قناعت نکردن، موجب آبروریزی و رسوایی است. در حالی که گزینه‌ی (۲) به ترک غرور اشاره می‌کند.

۳۶۸۷- گزینه‌ی (۱) آتش و شور و غوغا ایجاد کردن عشق در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) مشترک است.

۳۶۸۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و دیگر گزینه‌ها، بدون ارتکاب جرم به زندان افتادن است، اما مفهوم بیت گزینه‌ی (۳)، سختی دوران زندان است.

۳۶۸۹- گزینه‌ی (۲) توصیه به بخشش است که در قیامت انسان را یاری می‌کند و مفهوم بقیه‌ی گزینه‌ها دوری از حرص و طمع است.

۳۶۹۰- گزینه‌ی (۳) مفهوم ابیات گزینه‌ی (۱): نخس بودن طالع

مفهوم ابیات گزینه‌ی (۲): بی‌دلیل دریند بودن

مفهوم ابیات گزینه‌ی (۳): بیت اول: بیان پشیمانی و اندوه شاعر/ بیت دوم: ترجیح سکوت بر گفتار بی‌فایده

مفهوم ابیات گزینه‌ی (۴): سختی کشیدن در زندان

۳۶۹۱- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) به «وفاداری سگ» اشاره شده است. مفهوم عبارت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) حرص را نفی می‌کند و بر قناعت تأکید می‌نماید و بیانگر این است که افزون‌طلبی موجب خواری و ذلت است.

۳۶۹۲- گزینه‌ی (۱) شاعر در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به حسن اشاره می‌کند که عشق‌آفرین است ولی شاعر در گزینه‌ی (۱)، معتقد است که با اخلاق نیک می‌توان دل‌ها را به‌دست آورد و عالم را معطر کرد.

۳۶۹۳- گزینه‌ی (۱) «واو» مشخص شده در مصراع دوم در بیت صورت سؤال، «واو همراهی» است به معنی «با» یا «همراه با». «گفتم من با طالع نگوینارم همراهم.» در گزینه‌ی (۱) نیز چنین آمده است: «من که با گنج آزادی همراه هستم، بعد از این عجب پادشاهی و سلطنتی دارم.»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲): «واو عطف» است.

گزینه‌ی (۳): «واو حرف ربط» است.

گزینه‌ی (۴): «واو حرف ربط» است.

۳۶۹۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم حدیث و سایر گزینه‌ها- بیانگر «اول مرگ نفسانی (مرگ اختیاری) بعد مرگ جسمانی» است، ولی گزینه‌ی (۳) بیانگر این است که «عشق مایه‌ی حیات است و نبود عشق، یعنی مرگ»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱)- زندگی عاشق در مردن است./ گزینه‌ی (۲)- بمیر تا رها شوی./ گزینه‌ی (۴)- پیش از مرگ بمیر.

۳۶۹۵- گزینه‌ی (۱) شاعر، دل را نیم‌قطره خون می‌داند که به علت اندوه فراوان در حال چکیدن و نابود شدن است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های (۲) و (۳)- فقط اندوه فراوان بیان شده ولی «جان به لب رسیدن» مطرح نشده است.

گزینه‌ی (۴)- هنوز سیل غم نیامده و خانه‌ی دل را از بنیاد ویران نکرده است.

۳۶۹۶- گزینه‌ی (۴) این گزینه، بازگشت انسان به سوی عالم معنا را نشان می‌دهد و این که این دنیا، جایگاه و شایسته‌ی انسان‌های پاک و عارف نیست و باید به عالم معنا و عالم ملکوت عروج کنند، اما در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) اعتراض شاعر از وضع بد خود در زندان و شکوه و شکایت بیان شده است.

۳۶۹۷- گزینه‌ی (۲) مردن پیش از مرگ رهایی از قید تعلّقات و وابستگی‌هاست که سبب هستی حقیقی است و این معنی در گزینه‌ی (۲) نیز آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱)- اگر تو فرمان بدهی که بمیر، با عزّت و احترام به سوی گور می‌روم و فرمان می‌پذیرم./ گزینه‌ی (۳)- مرگ همواره به آدمی نزدیک است، همان گونه که پیامبر فرموده است./ گزینه‌ی (۴)- نه بدون تو می‌توانم زندگی کنم و نه زمان مرگم را می‌توانم تعیین کنم و حیران و سرگردانم.

۳۶۹۸- گزینه‌ی (۲) در ابیات «ب و ج»، «واو» به معنای همراهی کردن به کار رفته است که به آن «واو همراهی» می‌گویند.

۳۶۹۹- گزینه‌ی (۴) بیت صورت سؤال از مسعود سعد سلمان، بیانگر این است که بخت با او یار نیست، این مفهوم فقط در بیت گزینه‌ی (۴) بیان شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱)- بنده‌ی اقبال خود هستم که در این روزگار بی‌وفایی، آن معشوق گران‌بها خریدار عشق من شده است.

گزینه‌ی (۲)- امشب، در حضور یار، خلاف میل دشمنان، بختم پیروز است و اقبال با من است.

گزینه‌ی (۳)- اگر بخت همراهی کند، می‌توانم به وصال یار برسم.

۳۷۰۰- گزینه‌ی (۱)

درس بیست و سوم ادبیات فارسی ۲

۳۷۰۱- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۱) ← راز و سوز دل من در سخنان و اشعار من است (هر که خواهد دیدنم گو در سخن بیند مرا = سوزی که در دل است در اشعار بنگرید)

۳۷۰۲- گزینه‌ی (۲) مفهوم سایر گزینه‌ها ← کعبه‌ی حقیقی و اصلی دل است

مفهوم بیت (۲) ← اگر به مقصود و معشوق نمی‌رسی تلاش خود را از دست نده و به نشانه‌های او توجه کن!

۳۷۰۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۲) ← نترسیدن از سرزنش دیگران و بی‌ارزش دانستن آن!

۳۷۰۴- گزینه‌ی (۳) مفهوم مشترک سؤال و گزینه‌ی (۳) ← هنگام پیری پابندی و تعلّق به دنیا و آرزوهای دنیایی بیش‌تر می‌شود.

۳۷۰۵- گزینه‌ی (۱) رجوع کنید به درآمد ادبیات برون مرزی (فصل ۹ فارسی سال دوم)

۳۷۰۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌ها ← شخصیت هر کسی با گفتار مشخص می‌شود!

۳۷۰۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها ← خداوند به ما نزدیک است و درون دل ماست.

مفهوم گزینه‌ی (۴) ← برای رسیدن به معشوق، سختی هم آسان است!

۳۷۰۸- گزینۀ (۲) وابستگی دو مصراع به هم در گزینۀ (۲) باعث خراب شدن اسلوب معادله است!

۳۷۰۹- گزینۀ (۳) مفهوم سؤال و بیت (۳) ← بالا بودن ظاهری نشانه‌ی برتری واقعی افراد نیست همان‌طور که صدف ته دریا و کف روی آب است!

۳۷۱۰- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک سایر ابیات و بیت سؤال ← برتری ظاهری نشانه‌ی برتری واقعی نیست!

۳۷۱۱- گزینۀ (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات: ارزش هر کس ذاتی است و به خود اوست و انسان پست نمی‌تواند جای انسان با ارزش را بگیرد.

۳۷۱۲- گزینۀ (۳) اصولاً در اسلوب معادله دو مصرع باید هم‌مصدق و هم مفهوم با یک‌دیگر باشند؛ در حالی که گزینۀ سوم اصلاً در این مورد مصداق ندارد و مصراع دوم این گزینۀ ادامۀ مصراع اول آن است.

۳۷۱۳- گزینۀ (۱) مفهوم بیت صورت سؤال: «عشق، عقل را از بین می‌برد» که این مفهوم در ابیات (۲)، (۳) و (۴) هم به وضوح دیده می‌شود.

۳۷۱۴- گزینۀ (۱) با کمی دقت معلوم می‌شود بیت صورت سؤال و گزینۀ (۱) هر دو به ناسازگاری عقل و عشق و غلبۀ عشق بر عقل توجه دارند. البته همیشه یادتان باشد که سؤالات قرابت معنایی نسبی است (اه اه اه ...)

* گزینۀ (۴) و حتّی گزینۀ (۳) هم بی‌ربط نیستند اما غلبۀ عشق بر عقل فقط در گزینۀ (۱) دیده می‌شود.

۳۷۱۵- گزینۀ (۱) شعر زیبای التّساء جزء اشعار حفظی کتاب نیست، ولی به هر حال انتخاب گزینۀ (۱) دشوار به نظر نمی‌رسد.

* این سؤال از عجیب‌ترین سؤالاتی بوده که در کنکور طرح شده است!!

۳۷۱۶- گزینۀ (۴) مفهوم بیت صورت سؤال: برتری‌های ظاهری دلیلی بر برتری‌های باطنی و وجودی نیست.

گزینۀ (۴) هم همین مفهوم را دارد.

۳۷۱۷- گزینۀ (۱) مفهوم بیت صورت سؤال: سخن من تجلّی‌گاه شخصیت من است. گزینۀ (۱) هم به این موضوع اشاره دارد که از گفتار هر کس به ارزش‌های وجودی وی می‌شود پی برد.

هر چند که در گزینۀ (۱) بی‌کمالی‌ها و در صورت سؤال کمالات پرداخت می‌شود. همان‌طور که می‌دانید و بارها گفته‌ام تست‌های قرابت معنایی کاملاً نسبی است. یعنی اگر در گزینۀ بی‌بی بود که به این مسئله اشاره داشت که از سخن شاعر می‌توان به کمالات وی پی برد، مطمئناً جواب تست این گزینۀ بود. (حالا که نیست !!!)

۳۷۱۸- گزینۀ (۴) در گزینۀ (۴) اسلوب معادله وجود ندارد. ضمن این که از لحاظ مفهوم، در گزینۀ (۴) مصراع دوم دنبالۀ مصراع اول است و نه هم مفهوم و یا حتی مثالی برای آن.

۳۷۱۹- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک گزینۀ‌های (۱)، (۲) و (۳) ← ارزش‌ها و مقامات ظاهری دلیلی بر برتری واقعی نیست.

مفهوم گزینۀ (۴) ← بدون شک هر کس عقلش کم‌تر باشد، رونق کارش بیش‌تر است.

۳۷۲۰- گزینۀ (۲)

مصراع اول: اگر بدرفتاری تو همه را آزرده خاطر کند. ← مصراع دوم ادامۀ مصراع گزینۀ (۲): مصراع دوم: آزرده‌خاطر کم اول است پس نمی‌تواند اسلوب توجهی، از همۀ رفتارهای معادله بسازد. برابری سخت‌تر است.

۳۷۲۱- گزینۀ (۱)

مصراع اول: حال من خراب است و با کسی نمی‌توانم شرح حال خود را بیان کنم. ← دو مصراع مثال و گزینۀ (۱): مصراع دوم: خوش به حال کسی که مصداق هم نیستند. مونس و همدمی دارد.

۳۷۲۲- گزینۀ (۲) مفهوم بیت وصف زیبایی جمال خود شاعر است !! (خود بزرگ‌بینی که می‌گن همین‌ها !!!)

۳۷۲۳- گزینۀ (۴) بیت سؤال و گزینۀ (۴) بیان می‌کنند که شناخت فرد و راز او از طریق سخن اوست.

مخفی ← (۱) معنای ظاهری / (۲) تخلّص شاعر

۳۷۲۴- گزینۀ (۲)

۳۷۲۵- گزینۀ (۳)

۳۷۲۶- گزینۀ (۱) رجوع کنید به ادبیات برون مرزی ابتدای فصل ۹ کتاب!

۳۷۲۷- گزینۀ (۴) «خلیل الله خلیلی» شاعر افغانی است.

۳۷۲۸- گزینۀ (۱) «فدایی هروی» شاعر افغانی است.

۳۷۲۹- گزینۀ (۱)

۳۷۳۰- گزینۀ (۴)

۳۷۳۱- گزینۀ (۲) رجوع شود به بیاموزیم درس ۲۳ کتاب.

۳۷۳۲- گزینۀ (۲) «چین بر جبین فکندن» ← کنایه از اندوه و غم/ ای آبشار و نوحه‌گر بودن و چین بر جبین فکندن آبشار ← تشخیص/ چیستی و کیستی ← جناس

۳۷۳۳- گزینۀ (۱)

۳۷۳۴- گزینۀ (۴) به نظر شاعر، عاشق واقعی مانند شمع است که ذره ذره در آتش عشق می‌سوزد و شکوه و شکایتی هم نمی‌کند.

۳۷۳۵- گزینۀ (۳) «بت‌پرستی کی می‌کند گر برهمن ببیند مرا»: می‌کند ← مضارع اخباری/ ببیند ← مضارع التزامی

۳۷۳۶- گزینۀ (۴) من: مشبه/ بو: مشبه‌به/ مانند: ادات تشبیه

۳۷۳۷- گزینۀ (۳) معنی: «همان‌طور که بو و رایحه در گل نهفته است و با گل شناخته می‌شود، من نیز در سخنانم پنهانم و با خواندن آن‌ها شناخته می‌شوم».

۳۷۳۸- گزینۀ (۳) * عرفی شیرازی شاعر قرن دهم هجری است.

۳۷۳۹- گزینۀ (۴) مفهوم بیت سؤال و گزینۀ (۴): زیاد شدن حرص در پیری مفهوم سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): کوشیدن عارف و از بین بردن حرص با پیروی از خرد

گزینۀ (۲): نکوهش حرص و آز

گزینۀ (۳): نکوهش حرص/ ناپایداری مال/ زودگذر بودن عمر

۳۷۴۰- گزینۀ (۲) در گزینۀ (۲) شاعر می‌گوید ای انسان محبت و دل‌جویی خدا را بکن و دل‌های آن‌ها را به‌دست بیاور (= طواف دل کن) زیرا کعبه‌ی ظاهری را حضرت ابراهیم ساخته است ولی کعبه‌ی دل را خداوند ساخته است (طواف دل بر طواف کعبه ترجیح دارد).

۳۷۴۱- گزینۀ (۳) «صاحب‌خانه» در مورد بیت سؤال «خداوند» و یا «حقیقت انسانی» (خود عالی) است و «خانه» منظور «دنیا» و یا «دل» است. البته در بیت «صاحب‌خانه» در نظر گرفته شده و بیت این‌گونه تعبیر می‌شود: در کنار خدا و در خانه‌ی خدا (جهان) خدا را گم کرده‌ایم.

۳۷۴۲- گزینۀ (۳) مفهوم «عاشق ترسی از سرزنش دیگران ندارد» (بی‌اعتنایی به سرزنش دیگران) مشترکاً در بیت صورت سؤال و گزینۀ‌های مرتبط یافت می‌شود. مفهوم بیت گزینۀ (۳): من قابل سرزنش نیستم، زیرا قضا و قدر زندگی مرا رقم زده است.

۳۷۴۳- گزینۀ (۳) تلمیح: اشاره به ساختن خانه‌ی خدا به دست حضرت ابراهیم (ع) تشبیه: دل مثل کعبه است.

ایهام: واژه‌ی «مخفی» دو معنا دارد: ۱- پنهان ۲- تخلّص شاعر (زیب‌التّسا)

مراعات نظیر: طواف و کعبه

۳۷۴۴- گزینۀ (۲) مفهوم هر سه گزینۀ این است که آن‌چه اعتباربخش است اصالت وجودی است و اسباب و وسایل یا مکان‌ها موجب عزّت و ارزش کسی یا چیزی نمی‌شوند.

(الف) ← مقام و مرتبه با وسایل به دست نمی‌آید، اگر این‌گونه بود هدهد در لانه‌ی خود پادشاه می‌شد.

(ج) ← هیچ کس با بالانشینی صاحب مقام نمی‌شود، همان‌طور که ابرو اگرچه بالاتر از چشم قرار گرفته است، ولی ارزشش بیش‌تر از چشم نیست و به همین ترتیب بالا رفتن دود باعث کم شدن مقام آتش نیست.

(ه) ← اگر خار بالای دیوار هم رشد کند به ارزش آن افزوده نمی‌شود.

دیگر ابیات:

(ب) ← نباید خدا را فقط در آسمان جست‌وجو کنی، همان‌طور که صاحب‌خانه از نشستن در بالای خانه لذّت نمی‌برد.

(د) ← اگر زلف، احترام دلی را که عاشق اوست حفظ نکند، مثل رشته‌ی بی‌گوهری می‌شود که در نظر دیگران قدر و ارزشی ندارد.

۳۷۴۵- گزینه‌ی (۳) در بیت صورت سؤال، سعدی ترسی از ملامت‌گویان ندارد، زیرا حالا که در غم عشق غرق شده است، رنج سرزنش دیگران برای او اهمیتی ندارد. در گزینه‌ی (۳) نیز شاعر خطاب به ناصح می‌گوید که من غرق شده‌ام و توصیه‌ی تو برای پرهیز از فرو رفتن در غرقاب عشق را نمی‌پذیرم که فایده‌ای برای من ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← یا در دریای غم تو غرق می‌شوم یا گوهری به دست می‌آورم و به مقصود می‌رسم.

گزینه‌ی (۲) ← در دریای عشق غرق شد ولی لب تشنه را از دریای مادیات، تر نکرد و بدان‌ها بی‌اعتنا بود.

گزینه‌ی (۴) ← ای سرزنش‌کننده من در درگاه او تسلیم می‌شوم، اگر تو قصد تفرج داری، مرا رها کن و برو.

۳۷۴۶- گزینه‌ی (۳)

گزینه‌ی (۱) ← آمدن عشق موجب افزونی حسن و زیبایی می‌گردد، هم‌چنان که اشک بلبل با تغییر یافتن، شبنم می‌شود.

گزینه‌ی (۲) ← باد خنک در هوای سرد، آتش را سرکش‌تر می‌کند، هم‌چنان که رغبت به می در فصل خزان بیش‌تر می‌گردد.

گزینه‌ی (۴) ← قطع تعلق و دل‌بستگی به دنیا، سبب به مقصود رسیدن سالک می‌شود، هم‌چنان که نخل هنگامی که برگ‌هایش را از دست می‌دهد، می‌توان از آن میوه برداشت کرد.

۳۷۴۷- گزینه‌ی (۴) مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) ← زیبایی معشوق زیبایی‌بت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بی‌اثر می‌کند.

۳۷۴۸- گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) ← آن‌چه اعتباربخش است، اصالت وجودی است و اسباب و وسایل و جایگاه موجب عزت و ارزش کسی یا چیزی نمی‌شوند، اما گزینه‌ی (۳): ای بنده‌ی سطحی‌نگر چرا فقط خداوند را در آسمان می‌جویی، او صاحب خانه‌ای است که ذوقی برای بالانشینی ندارد. (خداوند در همه‌جا هست).

۳۷۴۹- گزینه‌ی (۳) گزینه‌ی (۱): توجه به دل و اهمیت دادن به آن را بیان می‌کند. گزینه‌ی (۲): مقامات ظاهری نشانه‌ی شخصیت افراد نیست.

گزینه‌ی (۴): تقابل عشق و عقل را بیان می‌کند.

گزینه‌ی (۳): بیت اول: سرنوشت ما تحمل سختی‌های عشق است و بیت دوم: شبی گفتگوی پروانه و شمع را شنیدم!

۳۷۵۰- گزینه‌ی (۳) در بیت گزینه‌ی (۱)، دزد با دونان (افراد پست) و عس با فلک، معادله‌ای بر پایه‌ی تشبیه دارند. در گزینه‌ی (۲) نیز بین اشک و ابر بهاران این رابطه برقرار است. در بیت گزینه‌ی (۴) بین چراغ با دولت و چندین شمع با دوستان، معادله برقرار است/ اما در گزینه‌ی (۳) مصراع دوم در ادامه‌ی مصراع اول است و مستقل نیست و مصداقی برای آن به شمار نمی‌آید.

۳۷۵۱- گزینه‌ی (۲) پیام سایر ابیات این است که حقیقت وجود آدمی در کلامش نهفته است ولی گزینه‌ی (۲) می‌گوید ظاهر آدمی بیانگر باطن اوست.

درس بیست و چهارم ادبیات فارسی ۲

۳۷۵۲- گزینه‌ی (۴) فردا ← روز قیامت، روز رستاخیز/

زندان ← دنیا/ موی بالیده ← موی بلند/ مرا بشوی ← مرا ببخش و پاکیزه کن در دل و سینه‌ی کوچک من بصیرت و آگاهی و اسرار وجود دارد.

۳۷۵۳- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی (۱) ← من بسیار بصیر هستم!!

۳۷۵۴- گزینه‌ی (۳) «سینه» مجاز از کل وجود است.

۳۷۵۵- گزینه‌ی (۳)

۳۷۵۶- گزینه‌ی (۴) شیر ژیان: استعاره از دل/ اسباب خودبینی: ایهام ← ۱- وسیله‌ای برای دیدن خود ۲- وسیله‌ی خودبینی و غرور/ «پیر و جوان»: تضاد (طباقی)/ سینه: مجاز از درون و باطن.

۳۷۵۷- گزینه‌ی (۴) اسکندر ختانی در شعر «ریشه‌ی پیوند» احساس لطیف خود و شور حماسی و دل‌بستگی به ادبیات و وطن ادبی خویش را بیان می‌کند.

۳۷۵۸- گزینه‌ی (۳) «دل» مفعول است نه نهاد.

۳۷۶۰- گزینه‌ی (۱) زندان، استعاره از دنیا است.

۳۷۶۱- گزینه‌ی (۳) «بوسه‌ی آخرت» ایهام دارد (۱- آخرین بوسه؛ ۲- بوسه‌ی قیامت و شهادت)

۳۷۶۲- گزینه‌ی (۱)

بیت گزینه‌ی (۱) جزو ادبیات حماسی است. (رزم رستم و اسفندیار)

۳۷۶۳- گزینه‌ی (۲) سینه - حسرت کشیده - ام - بصیرت - مرد - ان

۳۷۶۴- گزینه‌ی (۲)

۳۷۶۵- گزینه‌ی (۱) معنی گزینه‌ی (۱) ← «پس من چگونه نخواهم که تو مرا دوست بداری؟»

۳۷۶۶- گزینه‌ی (۲) صورت سؤال در مورد وداع و تشییع یار است و سه گزینه نیز همین مفهوم کلی را دارد و گزینه‌ی (۲) مفهومی متضاد با بقیه‌ی گزینه‌ها دارد.

۳۷۶۷- گزینه‌ی (۱) در عبارت صورت سؤال، عطار نیشابوری خود را گناه‌کار می‌داند و از خداوند طلب بخشش دارد. این مفهوم در ابیات مرتبط نیز مطرح شده است، اما شاعر در بیت گزینه‌ی (۱) خطاب به معشوق خود می‌گوید که او را در این دنیا مورد توجه قرار دهد تا در قیامت شرمنده‌ی او نباشد.

۳۷۶۸- گزینه‌ی (۲) مفهوم مشترک گزینه‌ی (۲) و بیت صورت سؤال این است که مرا ضعیف و ناتوان تصور مکن که بسیار قدرتمندم.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): عشق حتی شیر نر را مغلوب خود می‌کند.

گزینه‌ی (۳): زندگی هنوز ادامه دارد و شادی‌های بسیار در انتظار ماست.

گزینه‌ی (۴): اگر دلاوری‌های او بیان شود، حتی دل ببر بیان هم به لرزه می‌افتد.

۳۷۶۹- گزینه‌ی (۳) در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۳)، امیدوار بودن به رحمت خداوندی مشاهده می‌شود.

۳۷۷۰- گزینه‌ی (۴) مفهوم عبارت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی (۴) ← «نداشتن عمل صالح و انتظار فضل و کرم از خداوند داشتن» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱) ← بهشت را به بهای عمل صالح می‌دهند، ولی برای ما که از زندان و گدایانیم و عمل نداریم، دیر مغان کافی است.

گزینه‌ی (۲) ← با عبادت می‌توان تقرب یافت؛ اگر توان داری، اقدام کن.

گزینه‌ی (۳) ← برای رسیدن به بهشت باید بخشش کنی، اگر می‌خواهی بهشت را به دست آوری، از مال دنیا بگذر.

۳۷۷۱- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲)، شاعر دوزخ و بهشت را نمی‌خواهد، فقط طالب یار است، اما در عبارت صورت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر شاعر معتقد است که اعمال ارزنده‌ای ندارد و تنها دل به کرم خداوند خوش کرده است.

۳۷۷۲- گزینه‌ی (۱) امید به بخشش و لطف الهی مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر گزینه‌هاست.